



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّاتِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّاتِ

پندرہویں
آبِیْنِ عَزْهَبِیْنَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم با ترجمه فارسی جدید آیت مکارم شیرازی

نویسنده:

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

عابدزاده

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	قرآن کریم با ترجمه فارسی جدید آیت الله مکارم شیرازی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	۱ - سوره الفاتحه
۱۲	۲ - سوره البقره
۹۰	۳ - سوره آل عمران
۱۴۴	۴ - سوره النساء
۱۹۸	۵ - سوره المائده
۲۴۰	۶ - سوره الأنعام
۲۸۶	۷ - سوره الأعراف
۳۳۶	۸ - سوره الأنفال
۳۵۶	۹ - سوره التوبه
۳۸۹	۱۰ - سوره یونس
۴۱۵	۱۱ - سوره هود
۴۴۳	۱۲ - سوره یوسف
۴۷۱	۱۳ - سوره الرعد
۴۸۲	۱۴ - سوره ابراهیم
۴۹۴	۱۵ - سوره الحجر
۵۰۹	۱۶ - سوره النحل
۵۳۹	۱۷ - سوره الإسراء
۵۶۱	۱۸ - سوره الکهف
۵۸۴	۱۹ - سوره مریم
۶۰۰	۲۰ - سوره طه
۶۲۱	۲۱ - سوره الأنبياء

٦٤١	٢٢ - سورة الحج
٦٥٩	٢٣ - سورة المؤمنون
٦٧٥	٢٤ - سورة النور
٦٩٣	٢٥ - سورة الفرقان
٧٠٩	٢٦ - سورة الشعراء
٧٣٩	٢٧ - سورة النمل
٧٥٥	٢٨ - سورة القصص
٧٧٧	٢٩ - سورة العنكبوت
٧٩٣	٣٠ - سورة الروم
٨٠٧	٣١ - سورة لقمان
٨١٥	٣٢ - سورة السجده
٨٢١	٣٣ - سورة الأحزاب
٨٣٩	٣٤ - سورة سبأ
٨٥١	٣٥ - سورة فاطر
٨٦٣	٣٦ - سورة يس
٨٧٥	٣٧ - سورة الصافات
٨٩٦	٣٨ - سورة ص
٩٠٨	٣٩ - سورة الزمر
٩٢٦	٤٠ - سورة غافر
٩٤٦	٤١ - سورة فصلت
٩٥٨	٤٢ - سورة الشورى
٩٧٠	٤٣ - سورة الزخرف
٩٨٥	٤٤ - سورة الدخان
٩٩٤	٤٥ - سورة الجاثية
١٠٠٠	٤٦ - سورة الأحقاف
١٠١٠	٤٧ - سورة محمد

١٠١٨	٤٨ - سورة الفتح
١٠٢٦	٤٩ - سورة الحجرات
١٠٣٢	٥٠ - سورة ق
١٠٣٩	٥١ - سورة النازيات
١٠٤٩	٥٢ - سورة الطور
١٠٥٥	٥٣ - سورة النجم
١٠٦٢	٥٤ - سورة القمر
١٠٧٠	٥٥ - سورة الرحمن
١٠٨٠	٥٦ - سورة الواقعة
١٠٩١	٥٧ - سورة الحديد
١١٠٠	٥٨ - سورة المجادلة
١١٠٦	٥٩ - سورة الحشر
١١١٤	٦٠ - سورة الممتحنة
١١١٨	٦١ - سورة الصف
١١٢٢	٦٢ - سورة الجمعة
١١٢٤	٦٣ - سورة المنافقون
١١٢٨	٦٤ - سورة التغابن
١١٣٢	٦٥ - سورة الطلاق
١١٣٦	٦٦ - سورة التحريم
١١٤٠	٦٧ - سورة الملك
١١٤٤	٦٨ - سورة القلم
١١٥٢	٦٩ - سورة الحاقة
١١٥٩	٧٠ - سورة المعارج
١١٦٥	٧١ - سورة نوح
١١٦٩	٧٢ - سورة الجن
١١٧٣	٧٣ - سورة المزمل

١١٧٦	٧٤ - سورة المدثر
١١٨٣	٧٥ - سورة القيامة
١١٨٨	٧٦ - سورة الانسان
١١٩٢	٧٧ - سورة المرسلات
١١٩٩	٧٨ - سورة النبا
١٢٠٤	٧٩ - سورة النازعات
١٢١٠	٨٠ - سورة عبس
١٢١٥	٨١ - سورة التكويد
١٢١٩	٨٢ - سورة الإنفطار
١٢٢١	٨٣ - سورة المطففين
١٢٢٦	٨٤ - سورة الإنشقاق
١٢٣٠	٨٥ - سورة البروج
١٢٣٣	٨٦ - سورة الطارق
١٢٣٤	٨٧ - سورة الأعلى
١٢٣٧	٨٨ - سورة الغاشية
١٢٤١	٨٩ - سورة الفجر
١٢٤٤	٩٠ - سورة البلد
١٢٤٨	٩١ - سورة الشمس
١٢٤٩	٩٢ - سورة الليل
١٢٥٢	٩٣ - سورة الضحى
١٢٥٤	٩٤ - سورة الشرح
١٢٥٦	٩٥ - سورة التين
١٢٥٦	٩٦ - سورة العلق
١٢٦٠	٩٧ - سورة القدر
١٢٦٠	٩٨ - سورة البينه
١٢٦٢	٩٩ - سورة الزلزله

- ١٢٤٣ - سورة العاديات - ١٠٠
- ١٢٤٥ - سورة القارعه - ١٠١
- ١٢٤٦ - سورة التكاثر - ١٠٢
- ١٢٤٨ - سورة العصر - ١٠٣
- ١٢٤٨ - سورة الهمزه - ١٠٤
- ١٢٤٩ - سورة الفيل - ١٠٥
- ١٢٧١ - سورة قريش - ١٠٦
- ١٢٧١ - سورة الماعون - ١٠٧
- ١٢٧٢ - سورة الكوثر - ١٠٨
- ١٢٧٣ - سورة الكافرون - ١٠٩
- ١٢٧٣ - سورة النصر - ١١٠
- ١٢٧٤ - سورة المسد - ١١١
- ١٢٧٥ - سورة الإخلاص - ١١٢
- ١٢٧٥ - سورة الفلق - ١١٣
- ١٢٧٦ - سورة الناس - ١١٤
- ١٢٧٧ - دربارہ مرکز

قرآن کریم با ترجمه فارسی جدید آیت الله مکارم شیرازی

مشخصات کتاب

عنوان قرارداد: قرآن. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: قرآن کریم / ترجمه مکارم شیرازی؛ گردآورنده سمیه ابراهیمی.

مشخصات نشر: تهران: عابدزاده، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۵۴-۶۶-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: فارسی - عربی.

شناسه افزوده: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ - مترجم

شناسه افزوده: ابراهیمی، سمیه، ۱۳۶۲ فروردین - گردآورنده

رده بندی کنگره: BP۵۹/۶۶ م/ ۱۳۹۲۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۴۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۹۷۷۷۵

* صفحه بندی بر اساس نسخه عثمان طه

۱ - سوره الفاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

بخشنده و مهربان است

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

مالک روز جزاست

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

(پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)

ما را به راه راست هدایت کن

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

راه کسانی که به آنان نعمت دادی، نه کسانی که مورد غضب واقع شده اند و نه گمراهان

ص: ۱

۲- سوره البقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان

الم

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)

این کتاب با عظمتی است که هیچگونه شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزکاران است

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳)

(همان) کسانی که به غیب [= حقایقی که از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از نعمتهایی که به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

و کسانی که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده ایمان می آورند و به سرای دیگر یقین دارند

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و رستگاران آنها هستند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٦)

کسانی که کافر شدند، برای آنان یکسان است که آنان را (از عذاب الهی) بیم دهی یا ندهی. ایمان نخواهند آورد.

حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ □ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ □ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٧)

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده. و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده. و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (٨)

گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا و روز بازپسین ایمان آورده ایم». درحالی که ایمان نیاورده اند.

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (٩)

(به گمان خود) خدا و مؤمنان را فریب می دهند. در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند. ولی نمی فهمند.

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا □ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (١٠)

در دلهای آنان یک نوع بیماری است. خداوند بر بیماری آنان افزوده. و به خاطر دروغهایی که می گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (١١)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید!» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم!»

□
أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ (١٢)

آگاه باشید! اینها همان مفسدانند. ولی نمی فهمند.

□
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ □ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ (١٣)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «ایمان آورید، همانگونه که (سایر) مردم ایمان آورده اند!» می گویند: «آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟! آگاه باشید اینها همان ابلهانند ولی نمی دانند!

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (١٤)

و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند، می گویند: «ما ایمان آورده ایم!» ولی هنگامی که با شیطانها (و هم کیشان) خود خلوت می کنند، می گویند: «ما با شما ایم! ما فقط (آنها را) استهزا می کنیم!».

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵)

خداوند آنان را استهزا می کند. و آنها را در طغیانشان نگه می دارد، تا سرگردان شوند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَىٰ ۖ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶)

آنان کسانی هستند که گمراهی را با (از دست دادن) هدایت خریده اند. و (این) تجارت آنها سودی نداده. و هدایت نیافته اند.

ص: ۳

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (۱۷)

آنان [=منافقان] همانند کسانی هستند که آتشی افروخته اند (تا از تاریکی وحشتناک رهایی یابند)، ولی همین که آتش اطرافشان را روشن ساخت، خداوند روشنایی آنها را گرفته. و در تاریکیها رهایشان می سازد، در حالی که (چیزی را) نمی بینند.

صُمُّ بِكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرِجُعُونَ (۱۸)

آنها کر و لال و کورند. لذا (از راه خطا) باز نمی گردند!

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعِيدٌ وَبَرَقُ يَجْعَلُونَ أَصَابِعُهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۗ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹)

یا همچون بارانی که از آسمان، در شب تاریک همراه با رعد و برق (در بیابان) بیارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می گذارند. تا صدای صاعقه ها را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد.

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ ۗ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

(روشنایی خیره کننده) برق، نزدیک است چشمانشان را برباید. هر زمان که (برق صفحه بیابان را) برای آنها روشن می سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می روند.

و چون تاریکی آنها را فرا می گیرد، می ایستند. و اگر خدا می خواست، گوش و چشم آنها را از بین می برد. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)

ای مردم! پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، پرستش کنید. تا پرهیزگار شوید.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۗ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [=جو زمین] را سقفی بر فرازتان قرار داد. و از آسمان آبی فروفرستاد. و بوسیله آن، میوه ها (و انواع محصولات) را برای روزی شما رویاند. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که می دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده، و نه روزی می دهند).

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

و اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم تردید دارید، یک سوره همانند آن بیاورید. و گواهان خود را _ غیر خدا _
(برای این کار) فراخوانید اگر راست می گوید!

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ □ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

پس اگر چنین نکنید _ که هرگز نخواهید کرد _ از آتشی بترسید که مردم (گنهکار) و سنگها [= بتها] هیزم آن هستند. و
برای کافران، آماده شده است!

ص: ۴

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ كَلِمَاتٍ زُرِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرِهِ رَرَقًا □ قَالُوا هَذَا الَّذِي زُرِقْنَا مِنْ قَبْلُ □ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا □ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ □ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی بهشتی برای آنهاست که نهرها از پای درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، روزی آنان شود، می گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه هایی که برای آنها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود.

□ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعِيضُهُ فَمِمَّا فَوْقَهَا □ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ □ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا □ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا □ وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (۲۶)

خداوند از این که به (موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند باکی ندارد. در این میان، کسانی که ایمان آورده اند، می دانند که آن (مثال، گویای) حقیقتی است از طرف پروردگارشان. و اما کسانی که کافر شده اند (بهانه جویی کرده) می گویند: «منظور خداوند از این مثال چه بوده است؟!» (آری)، خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می کند. ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می سازد!

□ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ □ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲۷)

(همان) کسانی که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکنند. و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد می کنند. آنها زیانکاران (واقعی) هستند.

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ □ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

چگونه به خداوند کفر می ورزید، در حالی که شما مردگان (و اجسام بی روحی) بودید، و او به شما زندگی بخشید. سپس شما را می میراند. و بار دیگر شما را زنده می کند. سپس به سوی او بازگردانده می شوید؟!

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ □ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹)

او کسی است که همه آنچه را در زمین وجود دارد، برای شما آفرید. سپس به آسمان پرداخت. و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود. و او به هر چیزی دانا است.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)

(به یاد آور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من بر روی زمین، جانشینی [= نماینده ای] قرار خواهم داد». فرشتگان گفتند: «(پروردگارا!) آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! حال آنکه ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم (و برای جانشینی شایسته تریم)». فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.»

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۱)

سپس، تمامی علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را به آدم آموخت. آنگاه آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گوید، (و از آدم شایسته تر هستید) اسامی اینها را به من خبر دهید!»

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲)

گفتند: «منزهی تو! ما جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم. زیرا تویی که دانا و حکیمی.»

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ۖ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۳۳)

فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آدم آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را می دانم؟! و می دانم آنچه را شما آشکار می کنید، و آنچه را پنهان می داشتید!»

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴)

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده (و خضوع) کنید!» همگی سجده کردند. جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید،

و (بخاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵)

و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن. و از (نعمتهای) آن، از هر جا می خواهید، در کمال فراوانی بخورید. (ولی) نزدیک این درخت نشوید. که از ستمکاران خواهید شد.»

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۖ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ ۖ إِلَىٰ حِينٍ (۳۶)

پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد. و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام به آنها) گفتیم: «(همگی از مقام خویش) فرود آید! در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدّت معینی محل اقامت و وسیله بهره برداری خواهد بود.»

فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳۷)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت. (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت. زیرا او توبه پذیر و مهربان است.

ص: ۶

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۚ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۸)

گفتیم: «همگی از آن، فرود آیید! ولی هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می شوند».

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۹)

و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخند. و جاودانه در آن خواهند بود.

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (۴۰)

ای بنی اسرائیل! نعمتم را، که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید. و به پیمان من وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. و (در این راه) تنها از من بترسید!

وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ (۴۱)

و به آنچه نازل کرده ام ایمان بیاورید. که نشانه های آن، با آنچه در کتاب شماست، مطابقت دارد. و نخستین کافر به آن نباشید. و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید.

و تنها از (مخالفت) من بپرهیزید!

وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۲)

و حق را با باطل نیامیزید. و حقیقت را با این که (از آن) آگاهید، کتمان نکنید.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید.

ۚ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴)

آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید. با این که شما کتاب آسمانی (تورات) را می خوانید؟! آیا نمی اندیشید؟!

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵)

از صبر و نماز یاری جوئید. (و با شکیبایی و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید.) و این کار، جز برای خاشعان، دشوار و سنگین است.

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۴۶)

(همان) کسانی که می دانند پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد، و به سوی او باز می گردند.

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای بنی اسرائیل! نعمتم را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید. و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم.

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۸)

و از روزی بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد

و شفاعتی از کسی پذیرفته نمی شود. و غرامتی از او قبول نخواهد شد. و (به هیچ صورت) یاری نخواهند شد.

ص: ۷

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۖ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۴۹)

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم. که همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند: پسران شما را سر می بریدند. و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان بود.

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۰)

و (یاد کنید) هنگامی که دریا را برایتان شکافتیم. و شما را نجات دادیم. و فرعونیان را غرق ساختیم. در حالی که شما تماشا می کردید.

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۵۱)

و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم. (و او، برای گرفتن فرمانهای الهی، به میعادگاه آمد.) سپس شما گوساله را بعد از او (برای پرستش) انتخاب نمودید. در حالی که ستمکار بودید.

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۲)

سپس شما را بعد از آن (گناه بزرگ) بخشیدیم. شاید شکرگذاری کنید.

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵۳)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) دادیم. شاید هدایت شوید.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ ظَالِمًا مِّنكُمْ أَنفُسِكُمْ فَأَتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَيَّ ۖ إِنَّكُمْ بَارِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۖ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید. توبه کنید. و به سوی آفریننده خود باز گردید. و خود را [= یکدیگر را] به قتل برسانید. این کار، برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت. زیرا اوست توبه پذیر مهربان.

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۵)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم.» پس صاعقه شما را گرفت. درحالی که تماشا می کردید.

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۶)

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم. شاید شکر گذاری کنید.

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوٰی □ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ □ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۵۷)

و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم. و «مَنَّ» [=نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی» [=پرنده ای مانند بلدرچین] را برای شما فرستادیم. (و گفتیم:) «از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید.» و (آنها کفران کردند، ولی با این کار.) آنها به ما ستم نکردند. بلکه به خود ستم می نمودند.

ص: ۸

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ ۖ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ
(۵۸)

و (یاد کنید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [= بیت المقدس] وارد شوید. و از نعمتهای فراوان آن، از هر جا می خواهید بخورید. و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع وارد گردید. و بگویید: «خداوند! گناهان ما را بریز.» تا خطاهای شما را ببخشیم.

و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.»

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۵۹)

اما افراد ستمکار، این سخن را به غیر آنچه به آنها گفته شده بود، (به صورتی استهزاآمیز) تغییر دادند. لذا بر ستمکاران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ ۖ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۶۰)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید. به او گفتیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید. آن گونه که هر طایفه (از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل)، چشمه خود را می شناختند (و گفتیم): «از روزی خداوند بخورید و بیاشامید. و در زمین به فساد نکوشید.»

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا ۖ قَالَ آتَيْنِي آلِي الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۖ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ ۖ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ۖ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۶۱)

و (نیز به یاد آورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم از پروردگارت بخواه که از آنچه زمین می رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست تر را به جای غذای بهتر انتخاب می کنید؟! (اکنون که چنین می خواهید) در شهری فرود آید. زیرا هرچه خواستید، (در آن جا) برای شما هست.» و مهر ذلت و نیاز، بر آنها زده شد. و به خشم خداوند گرفتار شدند. چرا که آنان نسبت به آیات خداوند، کفر می ورزیدند. و پیامبران را به ناحق می کشتند. این به خاطر آن بود که نافرمانی کرده و تجاوز می نموده اند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٦٢)

کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [= پیروان یحیی] هر کدام که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و کاری شایسته انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است. و نه ترسی بر آنهاست

و نه اندوهگین می شوند.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (٦٣)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم. و کوه طور را به فرازتان برافراشتیم. (و گفتیم:) «آنچه را (از آیات و فرمان ها) به شما داده ایم، با قدرت بگیرید. و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید). تا پرهیزگار شوید».

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ □ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٦٤)

سپس شما پس از این، رویگردان شدید. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید.

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (٦٥)

به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید. ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه هایی طرد شده درآید!»

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (٦٦)

ما این مجازات را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسلهای بعد از آنان، و اندرزی برای پرهیزگاران قرار دادیم.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً □ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا □ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (٦٧)

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می دهد گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از آن را به بدن مقتول بزنید، تا زنده شود و قاتل را معرفی کند)» گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟» گفت: «به خدا پناه می برم از این که از جاهلان باشم!»

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ □ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ □ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ □ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ □ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (٦٨)

گفتند: «از پروردگارت بخواه که برای ما روشن کند این گاو چگونه گاوی باید باشد؟» گفت: او می فرماید: «گاوی که نه پیر و از کارافتاده باشد، و نه بکر و جوان. بلکه میان این دو باشد. آنچه به شما دستور داده شده، (هر چه زودتر) انجام دهید.»

قَالُوا ادْع لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَنَا مَا لُونُهَا □ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لُونُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ (٦٩)

گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟» گفت: او می فرماید: «گاوی باشد زرد یکدست، که بینندگان را شاد و مسرور سازد.»

ص: ۱۰

قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۷۰)

گفتند: «از پروردگارت بخواه برای ما روشن کند که چگونه (گاوی) باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد»

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَّا تَشِيهُ فِيهَا □ قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ □ فَذَبِّحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (۷۱)

گفت: او می فرماید: «گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده. و نه برای زراعت آبکشی کند. از هر عیبی برکنار بوده، و رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی.» سپس (چنان گاوی را با زحمت پیدا کردند و) آن را سر بریدند. ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند.

وَإِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا □ وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۷۲)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فردی را به قتل رساندید. سپس درباره (قاتل) او به نزاع پرداختید. و خداوند آنچه را پنهان می کردید، آشکار می سازد.

□
ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً □ وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ □ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَشَّقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ □ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ □ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۷۳)

سپس دل‌های شما بعد از این (همه کفران) سخت شد. همچون سنگ، یا سخت تر! چرا که پاره ای از سنگها می شکافد، و از آن نهرها جاری می شود. و پاره ای از آنها شکاف برمی دارد، و آب از آن تراوش می کند.

و پاره ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد. (اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می تپد، و نه سرچشمه دانش و عواطف انسانی است) و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست.

□ أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۴)

آیا (شما مسلمانان) انتظار دارید آنها به آیینتان ایمان بیاورند،

با این که عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که آگاه بودند؟!

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضُّهُمْ إِلَيْنَا □ بَعْضٌ قَالُوا أَنْتُمْ دُتُّوهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ □ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۷۵)

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می گویند: «ایمان آورده ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده)، می گویند: «چرا مطالبی را که (درباره صفات پیامبر اسلام) خداوند برای شما بیان کرده، به

مسلمانان بازگو می کنند تا (روز رستاخیز) در پیشگاه پروردگارتان، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی فهمید؟!»

ص: ۱۱

أَوْلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (٧٦)

آیا اینها نمی دانند خداوند آنچه را پنهان می دارند یا آشکار می کند می داند؟!

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (٧٧)

و پاره ای از آنان عوامانی هستند که کتاب خدا را جز (یک مشت خیالات و) آرزوها نمی دانند. و تنها به پندارهایشان دل بسته اند.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا □ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (٧٨)

پس وای بر آنها که نوشته ای بادت خود می نویسند، سپس می گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای اندکی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند. و وای بر آنان از آنچه (از این راه) به دست می آورند!

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً □ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ □ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٧٩)

و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته اید؟! _ که خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمیورزد _ یا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟!»

بَلَى □ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨٠)

آری، کسانی که مرتکب گناه شوند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند. و جاودانه در آن خواهند بود.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨١)

و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند. و جاودانه در آن خواهند بود.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (٨٢)

و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید. و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید. و به مردم سخن نیک بگویید. و نماز را برپا دارید. و زکات بپردازید. سپس (با این که پیمان بسته بودید) همه شما _ جز عده کمی _ سرپیچی کردید. و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَآتْسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۸۳)

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید. و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما پذیرفتید. و (بر این پیمان) گواه بودید.

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ فَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَيْهِ أَشَدَّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۸۴)

و شما آنهایی هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید. و در این گناه و تجاوز، از یکدیگر پشتیبانی می کنید. (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید) درحالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة آنان را می دهید (و آزادشان می کنید). با این که بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب خدا ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟! کیفر کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می شوند. و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست.

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۸۵)

آنها کسانی هستند که زندگی دنیا را با (از دست دادن) آخرت خریده اند. از این رو از عذاب آنها کاسته نمی شود. و (به هیچ صورت) یاری نخواهند شد.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۚ وَآتَيْنَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۚ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۶)

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم. و بعد از او، پیامبرانی پی در پی فرستادیم. و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم. و او را با روح القدس تایید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید). پس عده ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟!

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (۸۷)

و (آنها از روی استهزا) گفتند: «دلهای ما در غلاف است. (و ما از گفته تو چیزی نمی فهمیم)» همین طور است. خداوند آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، و کمتر ایمان می آورند.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ ۖ فَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۸)

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که هماهنگ با نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید (آمدن این کتاب و) پیروزی بر کافران را می‌دادند، با این همه، هنگامی که این (کتاب، و پیامبری) را که شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند. پس لعنت خدا بر کافران باد!

بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ ۖ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَيَّ غَضَبٍ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۸۹)

آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند. که به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و از روی حسادت گفتند: چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می‌کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ۖ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۹۰)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می‌شوند. در حالی که حق است. و با نشانه‌هایی که بر آنها نازل شده، هماهنگ می‌باشد. بگو: «اگر (راست می‌گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رساندید؟!»

ۖ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۹۱)

و (نیز) موسی آن همه دلایل روشن برای شما آورد، و شما پس از (غیبت) او، گوساله را (برای پرستش) انتخاب کردید. در حالی که ستمکار بودید.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا ۖ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ۖ قُلْ بِسْمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۹۲)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم. و کوه طور را بر فرازتان برافراشتیم. (و گفتیم: «آنچه را (از آیات و فرمان‌ها) به شما داده ایم با قدرت بگیرید، و بشنوید (و اطاعت کنید).» آنها گفتند: «شنیدیم. ولی مخالفت کردیم.» و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید!»

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۳)

بگو: «اگر (آن چنان که مدعی هستید) سرای آخرت در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گوید.»

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۹۴)

ولی آنها، بخاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد. و خداوند از ستمکاران آگاه است.

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا □ يُودُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضَخٍ حِجِّهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ □
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۹۵)

و (آنان نه تنها آرزوی مرگ نمی کنند، بلکه) آنها را حریص ترین مردم — حتی حریص تر از مشرکان — بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت. (تا آن جا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود. در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به آنچه انجام می دهند بیناست.

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ □ (۹۶)

(آنها می گویند: «ما با جبرئیل، پیک وحی خدا بر تو، دشمن هستیم.») بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (دشمن خداست. چرا که) او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است. در حالی که با کتب آسمانی پیشین هماهنگ بوده. و هدایت و بشارت است برای مؤمنان.»

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (۹۷)

کسی که دشمن خدا

و فرشتگانش و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است. و) خداوند دشمن کافران است.

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ □ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۸)

به یقین ما نشانه های روشنی برای تو فرستادیم. و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمیورزد.

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ □ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۹)

و آیاچنین نیست که هر بار آنها [=یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، گروهی از ایشان آن را شکستند؟! آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
(۱۰۰)

و هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه هایی که نزد آنها بود هماهنگی داشت، گروهی از آنان که به آنها کتاب آسمانی داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند. گویی هیچ از آن آگاهی ندارند!

ص: ۱۵

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۖ وَلَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ ۖ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ ۖ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠١)

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند.

و سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیالود). ولی شیاطین کفر ورزیدند. و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. حال آنکه آن دو به هیچ کس چیزی (از سحر) یاد نمی دادند، مگر این که (از پیش به او) می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم، کافر نشو (و سوء استفاده نکن.)» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند بوسیله آن، میان مرد

و همسرش جدایی بیفکنند. در حالی که هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به کسی زیان برسانند. آنها مطالبی را فرا می گرفتند که به آنان زیان می رسانید و نفعی نمی داد. به یقین می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت. و چه بد و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می دانستند!

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ ۖ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠٢)

و اگر آنها ایمان می آوردند و پرهیزگاری پیشه می کردند، به یقین پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا ۖ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٠٣)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (هنگامی که از پیامبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید) نگوئید: «راعنا». بلکه بگوئید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنای «ما را مهلت بده»، و هم به معنای «ما را تحمیق کن» می باشد. و دستاویزی برای دشمن است) و (به دستورات الهی) گوش فرا دهید! و برای کافران عذاب دردناکی است.

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ ۖ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (١٠٤)

کافران اهل کتاب،

و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی پروردگارتان، خیر و برکتی بر شما نازل گردد. در حالی که خداوند، هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود سازد. و خداوند، صاحب فضل و بخشش بزرگ است.

□ مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا □ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۵)

هر (حکم و) آیه ای را نسخ کنیم، و یا (نسخ) آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیزی تواناست؟!

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۰۶)

آیا نمی دانستی که حکومت آسمانها و زمین، تنها از آن خداست؟! (و می تواند هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، سرپرست و یآوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می داند).

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ □ وَمَن يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۰۷)

آیا می خواهید از پیامبر خود، همان تقاضا (ی نامعقولی) را بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟! (و با این بهانه جویی ها، از ایمان آوردن سرباز زدند). کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد،

به یقین از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است.

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ □ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ □ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۸)

بسیاری از اهل کتاب،

از روی حسد _ که در وجود آنها ریشه دوانده _ آرزو می کردند شما را بعد از ایمان آوردن، به حال کفر باز گردانند. با این که حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید. تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ □ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ □ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۰۹)

و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید. و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت. زیرا خداوند به اعمال شما بیناست.

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ □ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ □ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۰)

آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این (پندار و) آرزوی آنهاست. بگو: «اگر راست می گوید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!»

بَلَىٰ مَن أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۱۱)

آری، (بهشت در انحصار هیچ گروهی نیست) هر کس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش محفوظ است. نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

ص: ۱۷

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصِيْرَةُ عَلَيَّ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصِيْرَةُ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَيَّ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۚ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۱۲)

یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)». در حالی که هر دو دسته، کتاب خدا را می خوانند (و باید از این گونه تعصبها برکنار باشند). افراد نادان (دیگر، همچون مشرکان نیز)، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، درباره آنچه در آن اختلاف داشتند، میان آنها داوری می کند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسِعِيَ فِي خَرَابِهَا ۚ أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ ۚ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱۳)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! چنین کسانی نمی توانند، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانوهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا رسوایی است و در آخرت، عذاب عظیم (الهی)!

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۱۱۴)

مشرق و مغرب، از آن خداست! پس به هر سو رو کنید، رو به خدا کرده اید. خداوند دارای قدرت وسیع و (به همه چیز) داناست.

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ ۚ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ (۱۱۵)

و (کافران) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است».

__ منزّه است او __ بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست. و همه در برابر او خاضعند.

بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۱۱۶)

پدید آورنده آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: «موجود باش!» و آن، (چیز، بی درنگ) موجود می شود.

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ۚ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ۚ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۱۱۷)

افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟! و یا چرا نشانه ای برای (خود) ما نمی آید؟!» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می گفتند. دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است. ولی ما (به اندازه کافی) آیات و نشانه ها را برای اهل یقین (و

حقیقت جو بیان) روشن ساخته ایم.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا □ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (۱۱۸)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (همه مردم) فرستادیم. و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی.

ص: ۱۸

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۱۹)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، تا (به طور کامل تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت واقعی، هدایت خدا است.» و اگر از هوا و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۲۰)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم [= یهود و نصاری] و آن را چنان که شایسته آن است می خوانند (و عمل می کنند). آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند. و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند.

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنَّىٰ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۲۱)

ای بنی اسرائیل! نعمتم را، که به شما ارزانی داشتم، و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم به یاد آورید.

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۱۲۲)

و از روزی بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد. و هیچ گونه غرامتی از او قبول نمی شود. و شفاعتی، او را سود نمی دهد. و (به هیچ صورت) یاری نخواهند شد.

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۳)

و (یاد کنید) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با دستوراتی آزمود. و او به طور کامل از عهده آنها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.» ابراهیم گفت: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد (مگر آنها که شایسته اند).»

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ ۖ وَعَهْدِنَا إِيَّاهُ ۖ وَإِسْمَاعِيلَ ۖ أَن طَهَّرْنَا بَيْتَنَا لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۲۴)

و (به یاد آورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت (و اجتماع) مردم و مرکز امن قرار دادیم. و (به مردم گفتیم): از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید. و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران

و رکوع کنندگان سجده گزار [= نماز گزاران] پاکیزه سازید.»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ

و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده. و اهل آن را _ آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند _ از ثمرات (گوناگون)، روزی ده.» فرمود: «(خواسته ات را پذیرفتم) و به هر کس که کافر شود، بهره اندکی خواهم داد. سپس آنها را به عذاب دوزخ می کشانم. و چه بد فرجامی است!»

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۶)

(و نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند. (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانائی

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن دُرِّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۲۷)

پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرار ده. و از دودمان ما، امتی که تسلیم (فرمان) تو باشند، به وجود آور. و شیوه عبادت‌مان را به ما نشان دهو توبه ما را بپذیر، که تویی توبه پذیر مهربان.

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۸)

پروردگارا! پیامبری در میان آنها از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند. زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری).»

وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلِّهِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ۖ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۲۹)

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (که آیین پاکی و یگانه پرستی است) روی گردان خواهد شد؟! ما او را در دنیا برگزیدیم. و او در آخرت، از صالحان است.

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ ۖ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۳۰)

(و یاد آورید) هنگامی را که پروردگارش به او فرمود: اسلام بیاور (و در برابر حق، تسلیم باش. او فرمان پروردگار را از جان و دل پذیرفت. و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۳۱)

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر)، فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند. (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند): «فرزندان من! خداوند این آیین (پاک) را برای شما برگزیده است. و شما، جز به آیین اسلام (و تسلیم در برابر فرمان خدا) از دنیا نروید.»

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۲)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خدای یگانه را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكم مَّا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۳)

آنها امتی بودند که در گذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست. و شما مسؤول اعمال آنها نخواهید بود.

ص: ۲۰

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى لِي تَهْتَدُوا □ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا □ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۳۴)

(اهل كتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید.» بگو: «این آیینهای تحریف شده و شرک آلود، هرگز نمی تواند موجب هدایت گردد، بلکه از آیین ابراهیم، که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود، پیروی کنید.»

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۵)

گویید: «ما به خدا ایمان آورده ایم. و به آنچه بر ما نازل شده. و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [=پیامبران از فرزندان یعقوب] نازل گردیده، (و همچنین) آنچه به موسی و عیسی و سایر پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است، و فرقی میان آنها نمی گذاریم، و ما در برابر (فرمان) خدا تسلیم هستیم»

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا □ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ □ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ □ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳۶)

گر آنها به مانند آنچه شما به آن ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند. و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می کند. و اوست شنوای دانا.

صِبْغَةَ اللَّهِ □ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً □ وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (۱۳۷)

رنگ خدایی (پذیرید: رنگ ایمان و توحید و اسلام). و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و (بگویید) ما تنها او را عبادت می کنیم.

قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ □ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ □ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (۱۳۸)

بگو: «آیا درباره خداوند با ما مجادله می کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماست. و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست. و ما تنها بندگان مخلص او هستیم.»

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى □ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ □ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ □ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۳۹)

یا می گویید: «ابراهیم و اسماعیل

و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: «شما بهتر می دانید یا خدا؟! (چرا حقیقت را کتمان می کنید؟!))» و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟! و خدا از اعمال شما غافل نیست.

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ □ لَهَا مَا كَسَبَتْ □ وَلكم ما كَسَبْتُمْ □ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۰)

(به هر حال) آنها اَمّتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان مربوط به خودشان بود. و اعمال شما نیز، مربوط به خودتان است. و شما مسئول اعمال آنها نخواهید بود.

ص: ۲۱

□ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا □ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ □ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۴۱)

به زودی مردم سبک مغز می گویند: «چه چیز آنها [= مسلمانان] را، از قبله ای که بر آن بودند، باز گردانید؟!» بگو: «مشرق و مغرب، از آن خداست، خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.»

□ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا □ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ □ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ □ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ □ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۴۲)

همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امتی میانه (و معتدل) قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید. و پیامبر هم بر شما گواه باشد. و ما، آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قبله قرار داده بودیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت باز می گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. و خدا هرگز ایمان (و نمازهای گذشته) شما را ضایع نمی گرداند. زیرا خداوند، نسبت به مردم، رئوف و مهربان است.

□ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ □ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا □ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ □ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ □ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ □ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۴۳)

نگاههای انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن. و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید. و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمان حقی است از ناحیه پروردگارشان. (که در کتاب های خود خوانده اند). و خداوند از آنچه (برای مخفی داشتن این آیات) انجام می دهند، غافل نیست.

□ وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبَلَتَكَ □ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ □ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ □ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ □ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

سوگند که اگر برای (این گروه از) کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، هر گونه (دلیل و) نشانه ای بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد. و تو نیز، هیچ گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو، پس از این آگاهی، از هوسهای آنها پیروی کنی، به یقین از ستمکاران خواهی بود.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ □ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴۵)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [=پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند. ولی جمعی از آنان، حق را در حالی که از آن آگاهند کتمان می کنند.

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ □ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۴۶)

این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست. بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش.

وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيُّهَا □ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ □ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۴۷)

هر امتی قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است. (و به جای گفتگو درباره قبله،) در نیکیها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید. هر جا باشید، خداوند همه شما را (در روز رستاخیز) حاضر می کند. زیرا او، بر هر چیزی تواناست.

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ □ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ □ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۸)

از هر سو خارج شدی، (به هنگام نماز،) روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن. این دستور حقی از جانب پروردگار توست. و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست.

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ □ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَاَلَيْتُمْ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۴۹)

و از هر سو خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن. و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید. تا مردم، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند. مگر آنها که ستمکار (و لجوج) هستند. از آنها ترسید. و از من بترسید! و (بدانید این تغییر قبله، بخاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید.

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۱۵۰)

همان گونه که (برای هدایت شما) پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم. تا آیات ما را بر شما بخواند. و شما را پاکیزه سازد. و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد. و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد.

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (۱۵۱)

پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم. و شکر مرا به جای آورید و (نعمتهای مرا) کفران نکنید.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَّا تَشْعُرُونَ (۱۵۲)

و به آنهایی که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید؛ بلکه آنها زنده اند، ولی شما نمی فهمید.

وَلَنَبَلِّغُنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۚ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۳)

به یقین همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوه ها آزمایش می کنیم. و بشارت ده به صابران.

الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۴)

(همان) کسانی که هر گاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: «ما از آن خدا ایم. و به سوی او بازمی گردیم.»

ۚ وَأُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۚ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۵)

آنها کسانی هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده.

و آنانند هدایت یافتگان.

ۚ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۚ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَمَّا جُمِعَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا ۚ وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۱۵۶)

«صفا» و «مروه» از شعائر الهی است. بنابراین، هر کس که حج خانه خدا و یا عمره انجام دهد، باکی بر او نیست که بر آن دو طواف کند. (و سعی صفا و مروه به جای آورد.) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (نسبت به عمل او) قدردان، و (از آن) آگاه است.

ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ ۚ مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ۚ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۱۵۷)

کسانی که دلایل روشن، و هدایتی را که نازل کرده ایم، پس از آن که آن را در کتاب (آسمانی آنها) برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند. و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می کنند.

ۚ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۵۸)

مگر کسانی که توبه کردند، و (اعمال بد خود را) جبران نمودند، و (آنچه را کتمان کرده بودند)، بیان کردند. من توبه آنها را می پذیرم. که من توبه پذیر و مهربانم.

ۚ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا ۚ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۵۹)

کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود.

خَالِدِينَ فِيهَا □ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۱۶۰)

و همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می ماند. نه از عذابشان کاسته می شود، و نه مهلتی به آنان داده می شود.

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۱)

و خدای شما، خداوند یگانه ای است، که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاص).

ص: ۲۴

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۶۲)

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به نفع مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مردنش حیات بخشیده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده ساخته، و (همچنین) در وزش بادهای و ابرهایی که میان زمین و آسمان قرار گرفته اند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای گروهی که عقل خود را به کار می گیرند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ □ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ □ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (۱۶۳)

بعضی از مردم، غیر از خداوند همتیانی (برای پرستش) انتخاب می کنند. و آنها را همچون خدا دوست دارند. اما کسانی که ایمان آورده اند، محبتشان به خدا، شدیدتر است. و کسانی که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هرگاه عذاب الهی را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست. و خداوند، سخت کیفر است.

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (۱۶۴)

در آن هنگام، پیشوایان (گمراه کننده) از پیروان خود، بیزار می جویند. و عذاب الهی را مشاهده می کنند. و دستشان از همه جا کوتاه می شود.

□
وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا □ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسِيرَاتٍ عَلَيْهِمْ □ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (۱۶۵)

(در این هنگام) پیروان می گویند: «کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم، تا از آنها [= پیشوایان گمراه] بیزار می جویم، آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزار می گشتند!» (آری)، خداوند این چنین اعمال آنها را به صورتی حسرت آور به آنان نشان می دهد. و از آتش دوزخ، هرگز خارج نخواهند شد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ □ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۱۶۶)

ای مردم! از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که در زمین است بخورید. و از گامهای شیطان، پیروی نکنید. زیرا او، دشمن آشکار شماست.

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱۶۷)

او شما را فقط به بدی و کار زشت فرمان می دهد. (و نیز دستور می دهد) آنچه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید.

ص: ۲۵

وَإِذَا قِيلَ لَهُمِ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا □ أُولَئِكَ كَانَ أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۶۸)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید.» می گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نمی یافتند (باز هم باید از آنها پیروی کنند)؟!

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً □ صُمُّ بَكْمٌ عُمَى فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۶۹)

مثال (تو در دعوت) کسانی که کافر شدند، بسان کسی است که حیوانات را (برای نجات از خطر)، صدا می زند. ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند. (کافران) کر و لالو کورند. از این رو چیزی نمی فهمند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۷۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از روزی های پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید و شکر خدا را به جا آورید. اگر او را پرستش می کنید.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالِدَمَّ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ □ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۷۱)

خداوند، تنها (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا (به هنگام ذبح) بر آن گفته شود، حرام کرده است. ولی آن کس که ناچار شود، در صورتی که ستمکار و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست. زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا □ أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۲)

کسانی که آیات کتاب آسمانی را که خدا نازل کرده کتمان می کنند. و آن را به بهای کمی می فروشند، آنها در درویشان جز آتش چیزی نمی خورند.

(و اموالی که از این رهگذر به دست می آورند، درحقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی گوید. و آنان را پاکیزه نمی سازد. و برای آنها عذاب دردناکی است.

□ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَى □ وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ □ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (۱۷۳)

آنها کسانی هستند که گمراهی را با (از دست دادن) هدایت،

و عذاب را با آمرزش، خریده اند. راستی چه قدر در برابر آتش دوزخ، شکیا هستند؟!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ □ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۱۷۴)

اینها، بخاطر آن است که خداوند، کتاب آسمانی را به حق، (و توأم با نشانه‌ها و دلایل روشن،) نازل کرده. و آنها که در آن اختلاف می‌کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می‌آورند،) از حق، بسیار دور شده‌اند.

ص: ۲۶

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۗ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۵)

نیکی، این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب کنید.

(و تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد.) بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران، ایمان آورده. و مال خود را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر

و سائلان و بردگان، انفاق می کند. و نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد.

و (همچنین) کسانی که به عهد خود _ به هنگامی که عهد بستند _ وفا می کنند. و در برابر سختی ها و زیان ها و هنگام جنگ، استقامت میورزند. اینها کسانی هستند که راست می گویند. (و گفتار و کردارشان با اعتقادشان هماهنگ است.) و اینها پرهیزگارانند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَىٰ ۗ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ ۗ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۗ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما مقرر شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن. پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص تبدیل به خونبها گردد، ولی مقتول) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و شرایط پرداخت کننده را در نظر بگیرد) و او نیز به نیکی دیه را (به ولی مقتول) پردازد (و مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما. و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت.

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۷)

و قصاص، برای شما مایه حیات (و امنیت) است، ای صاحبان خرد! شاید پرهیزکاری پیشه کنید.

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۷۸)

بر شما مقرر شده: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد، اگر چیز ارزشمندی [= مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و خویشاوندان، بطور شایسته وصیت کند. این وظیفه ای است بر پرهیزگاران»

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۷۹)

و هرکس بعد از شنیدنش آن را تغییر دهد، گناه آن، بر همان کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند. که خداوند،
شنا و داناست

ص: ۲۷

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸۰)

و کسی که از انحراف وصیت کننده (و تمایل یک جانبه او به بعض ورثه)، یا از گناه او بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، (مشمول حکم تبدیل وصیت نمی باشد و) گناهی بر او نیست. زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۱)

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقرر شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند مقرر شد. تا پرهیزگار شوید.

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ □ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ □ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ □ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ □ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ □ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۲)

روزهای محدودی را (باید روزه بدارید.) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد، باید تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد.) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست، (همچون بیماران، و پیران) لازم است با اطعام مستمندی، کفاره دهند. و هر کس فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، به نفع اوست. و روزه داشتن به نفع شماست اگر می دانستید.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ □ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ □ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ □ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۳)

(روزه، واجب در) ماه رمضان است. ماهی که قرآن، به عنوان راهنمای مردم، و نشانه های هدایت و جدا کننده حق از باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در سفر نباشد، باید آن را روزه بدارد. و آن کس که بیماری در سفر است، باید روزهای دیگری را به همان مقدار، روزه بگیرد. خداوند، آسایش شما را می خواهد، نه زحمت شما را. هدف این است که این روزها را تکمیل کنید. و خدا را به خاطر این که شما را هدایت کرده، بزرگ بشمارید. باشد که شکرگزاری کنید.

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ □ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ □ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۴)

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم. دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند).

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ □ هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ □ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ □ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ □ فَالْمَآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مِمَّا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ □ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْمَأْيُضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ □ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ □ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ □ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا □ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۸۵)

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند، و شما لباس آنها. (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید. (و این کار ممنوع را انجام می دادید). پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و از آنچه خداوند به شما اجازه داده بهره مند شوید. و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب، کامل کنید

و نیز، در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید. اینها، مرزهای الهی است. پس به آنها نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، تا پرهیزگار شوند.

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۶)

و اموال یکدیگر را بباطل (و ناحق) در میان خود نخورید. و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است).

□ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَاهِلَةِ □ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ □ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى □ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا □ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۸۷)

درباره «هلالهای ماه» از تو سؤال می کنند. بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و کار نیک، آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید (آنچنان که در جاهلیت در حال احرام مرسوم بود). بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید. و از در خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا □ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۸۸)

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید. و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا متجاوزان را دوست ندارد.

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ □ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ □ وَلَمَّا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ □ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ □ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۸۹)

و آنها [= مشرکان فتنه گر] را هر کجا یافتید، به قتل برسانید. و از آن جا که شما را بیرون ساختند، آنها را بیرون کنید و فتنه از کشتار نیز بدتر است و با آنها، در نزد مسجد الحرام [= در تمام حرم] جنگ نکنید. مگر این که در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران!

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۰)

و اگر (از جنگ و فتنه) خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ □ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۱)

و با آنها پیکار کنید. تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند. و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید. زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ □ فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۲)

ماه حرام، در برابر ماه حرام. (اگر آنها، احترام آن را شکستند، شما نیز می توانید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرمت ها (ی شکسته شده، قابل) قصاص است. و (بطور کلی) هر کس به شما حمله کرد، همانند حمله وی بر او حمله کنید و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید

(و زیاده روی ننمایید). و بدانید خدا با پرهیزگاران است

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ □ وَأَحْسِنُوا □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۳)

و در راه خدا انفاق کنید.

و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید. و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ □ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ □ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ □ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ □ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ □ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ □ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ □ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۹۴)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید. و اگر محصور شدید (و از اتمام آن به جهت بیماری یا ممانعت دشمن بازماندید)،

آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)!. و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلّش برسد (و در قربانگاه ذبح شود). و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را پیش از آن بتراشد)، باید با روزه یا صدقه یا گوسفند کفاره دهد. و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با اتمام عمره، حجّ را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند). و هر که نیافت، سه روز در ایام حجّ، و هفت روز هنگامی که باز می گردید، روزه بدارد. این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام ساکن نباشد [= اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و بدانید که خداوند، سخت کیفر است.

الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ □ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ □ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ □ وَتَرَوُودُوا
فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى □ وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۵)

حج، در ماههای معینی است. و کسانی که (با بستن احرام)، در این ماه ها حج را بر خود فرض کرده اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی، و گناه و جدال، روا نیست و هر کار نیکی انجام دهید، خدا آن را می داند. و زاد و توشه تهیه کنید، و بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است. و از (مخالفت) من پرهیزید ای خردمندان!

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ □ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ □ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ
وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (۱۹۶)

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایام حج) بهره گیرید (که از منافع حج، پی ریزی، اقتصاد صحیح اسلامی است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا رانزد «مشعر الحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همانگونه که شما را هدایت نمود. و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۷)

سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید. و از خداوند، طلب آمرزش کنید، زیرا خدا آمرزنده مهربان است.

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا □ فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
خَلْقٍ (۱۹۸)

و هنگامی که مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری شما از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر. (در این مراسم، مردم دو گروهند): بعضی از مردم می گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (نیکی) عطا کن.» در حالی که در آخرت بهره ای ندارند.

وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۹)

و بعضی می گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا «نیکی» عطا کن. و در آخرت نیز «نیکی» مرحمت فرما. و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار.»

□
أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا □ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۰)

این گروه به سبب آنچه انجام داده اند، نصیب

و بهره ای (از فضل خدا) دارند. و خداوند، سریع الحساب است.

□ وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ □ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ □ لِمَنِ اتَّقَى □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۰۱)

و خدا را در روزهای معینی یاد کنید: (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، و (ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، باکی بر او نمی باشد. و هر که تأخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) باکی بر او نیست. برای کسی که تقوا پیشه کند. و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید. و بدانید شتابه سوی او محشور خواهید شد!

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (۲۰۲)

بعضی از مردم، گفتارشان در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می شود. (در ظاهر، اظهار محبت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. در حالی که آنان، سرسخت ترین دشمنانند.

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ □ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (۲۰۳)

(نشانه آنها، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعتها و چهارپایان

و انسان ها را نابود می سازند. (با این که می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ □ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ □ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (۲۰۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از خدا بترسید!» لجاجت و تعصب، آنها را به گناه می کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است. و چه بد جایگاهی است!

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ □ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۵)

بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (علیه السلام) در «لیله المیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر (صلی الله علیه وآله)) جان خود را بخاطر خشنودی خدا می فروشند. و خداوند نسبت به همه بندگان مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ □ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۲۰۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید. همگی (در پرتو ایمان) در صلح و آشتی درآید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید. که او دشمن آشکار شماست.

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۰۷)

و اگر بعد از (این همه) نشانه های روشن، که برای شما آمده است، لغزش کردید (و گمراه شدید)، بدانید (گریزی از مجازات

الهی نخواهید داشت، زیرا خداوند، توانا و حکیم است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۰۸)

آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟!‌) درحالی که آنچه لازم بوده انجام شده، و همه امور به سوی خدا باز می‌گردد.

ص: ۳۲

سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيْنَهُ ۖ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۰۹)

از بنی اسرائیل پرس: «چه اندازه نشانه های روشن (و نعمت های فراوان) به آنها دادیم؟» و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب خواهد شد) که خداوند سخت کیفر است.

زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا ۖ وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۰)

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است. (از این رو) افراد باایمان (و تهی دست) را مسخره می کنند. در حالی که پرهیزگاران در روز رستاخیز، بالاتر از آنان هستند.

و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد.

كَأَنَّ النَّاسَ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ ۖ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۖ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۖ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۱۱)

مردم (در آغاز) امت واحدی بودند. (بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافاتی پیدا شد. در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت. تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را، که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود. تا در میان مردم، درباره آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، پس از آنکه نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به سبب انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. ولی خداوند، کسانی را که ایمان آورده بودند، بر حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، هدایت نمود. و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۖ مَسْتَهْتُمُ الْبُاسَاءَ وَالضَّرَاءَ وَوَلَّوْا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ ۖ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (۲۱۲)

آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آن که حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که سختی ها و زیان ها به آنها رسید، و آنچنان بی قرار شدند که پیامبر و افرادی که با او ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (به آنها گفته شد: آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است!

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۖ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ ۖ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۱۳)

از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی

و معنوی) که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در سفر باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است.

(و پاداش شما محفوظ خواهد بود).

ص: ۳۳

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ □ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ □ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۱۴)

جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شده. در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن که شر شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ □ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ □ وَصَدُّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ
عِنْدَ اللَّهِ □ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ □ وَلَمَّا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرْدُوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اشْتَرَطُوا □ وَمَن يَزِدِدْ مِنْكُم عَن دِينِهِ
فَيُمَتِّمْهُ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ □ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۱۵)

از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند. بگو: «جنگ در آن، (گاهی) بزرگ است. ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و (هتک احترام) مسجدالحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است. و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان باز می دارد) حتی از قتل مهم تر است. و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند. ولی هر کس از شما که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال (نیک گذشته) او، در دنیا و آخرت، بر باد می رود. و چنین کسانی اهل دوزخند. و جاودانه در آن خواهند بود.

□
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۱۶)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

□ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ □ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا □ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ
□ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۱۷)

درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آن دو گناه و زیان بزرگی است. و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد. ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است.» و از تو می پرسند: «چه چیز انفاق کنند؟» بگو: «از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد. شاید بیندیشید.

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ □ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى □ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ □ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ □ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتَكُمْ □ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢١٨)

(بیندیشید) درباره دنیا و آخرت. و از تو درباره یتیمان سؤال می کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد.) آنها برادر (دینی) شما هستند.» (و همچون یک برادر با آنها رفتار کنید.) خداوند، مفسدان را از مصلحان، باز می شناسد. و اگر خدا می خواست، شما را (با دستورات سختگیرانه درباره یتیمان) به زحمت می افکند (ولی چنین نکرد) زیرا خداوند توانا و حکیم است.

وَلَمَّا تَنَكَّحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ □ وَلَمَّا مَّهُ مُؤْمِنَهُ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكِهِ □ وَلَوْ أَعْجَبْتَكُمْ □ وَلَمَّا تَنَكَّحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا □ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ □ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ □ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ □ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ □ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢١٩)

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید. (اگر چه مجبور شوید با کنیزان ازدواج کنید. زیرا) کنیز با ایمان، از زن (آزاد) بت پرست، بهتر است. هر چند (زیبایی یا ثروت او) توجه شما را به خود جلب کند. و زنان (قوم) خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید. (زیرا) غلام با ایمان، از مرد (آزاد) بت پرست، بهتر است. هر چند (ثروت یا موقعیت او)، توجه شما با به خود جلب کند. آنها دعوت به سوی آتش می کنند. و خدا به فرمان خود، دعوت به بهشت و آموزش می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد. شاید متذکر شوند!

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ □ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ □ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ □ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (٢٢٠)

و از تو، درباره حیض

(و عادت ماهانه) سؤال می کنند، بگو: «مایه ناراحتی و آلودگی است. از این رو در حال حیض، از زنان کناره گیری کنید. و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند. و هنگامی که پاک شدند! آنگونه که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! چرا که خداوند، هم توبه کنندگان را دوست دارد، و هم پاکان را.»

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ □ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ □ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (٢٢١)

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند. پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید. و (با پرورش فرزندان صالح، اثر نیکی) برای خود، از پیش بفرستید. واز (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد. و به مؤمنان، بشارت ده.

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ □ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢٢٢)

خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید. و برای این که نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (با

سوگند خود به خداوند، مانع تراشی نکنید و بدانید) خداوند شنوا و داناست.

ص: ۳۵

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبَكُمْ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۲۳)

خداوند شما را بخاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دل‌های شما (با قصد و اختیار پذیرفته و) کسب کرده، مؤاخذه می کند. و خداوند، آمرزنده و دارای حلم است.

لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ □ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲۴)

کسانی که زنان خود را «ایلاء» می نمایند [= سوگند می خورند که با آنها، آمیزش نکنند]، حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. اگر بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست). زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است.

وَإِن عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۵)

و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد). چرا که خداوند شنوا و داناست.

وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ □ وَلَمَّا يَحِلُّ لِهِنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ □ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا □ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ □ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ □ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۶)

زنان مطلقه، باید تا سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند (و عده نگه دارند). و اگر به خدا و روز بازپسین، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (به زندگی زناشویی) در این مدت، (ازدیگران) سزاوارترند. این در صورتی است که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای زنان، همانند وظایفی که بردوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده. و مردان بر آنان برتری دارند. و خداوند توانا و حکیم است.

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ □ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ □ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ □ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَمَّا جُنَّحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ □ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا □ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۲۷)

طلاق، (طلاق که رجوع و بازگشت دارد)، دو مرتبه است. (و پس از دو طلاق)، باید یا به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد. و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده اید، پس بگیرید. مگر این که (دو همسر)، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. در این حال اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، گناهی بر آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد. (تا شوهر او را طلاق دهد). اینها حدود الهی است. از آن، تجاوز نکنید. و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، ستمکار است.

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَمَّا تَحَلَّلَ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَيْثُ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ □ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ □ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۲۸)

و اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر، شوهر) او را طلاق داد، بعد از آن، زن بر او حلال نخواهد بود. مگر این که همسر دیگری انتخاب کند، که اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارند که بازگشت کنند. (و با یکدیگر ازدواج نمایند). اگر امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می‌شمردند. و اینها حدود الهی است که خدا آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می‌نماید.

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَعْنَ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِي كَوْهْنَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّ كَوْهْنَ بِمَعْرُوفٍ □ وَلَا تُمَسِّ كَوْهْنَ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا □ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ □ وَلَمَّا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُورًا □ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٢٢٩)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به پایان عده خود رسیدند، یا به طور شایسته آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده ای آنها را رها سازید. و آنها را به خاطر زیان رساندن نگاه ندارید تا (به حقوقشان) تجاوز کنید. و کسی که چنین کند،

به خویشتن ستم کرده است. و (با این کارها) آیات خدا را به استهزا نگیرید. و نعمت خدا را بر خود بیاد بیاورید، و کتاب آسمانی و علم و دانشی را که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می دهد. و از خدا پروا کنید و بدانید خداوند از هر چیزی (حتی از نیت های شما) آگاه است.

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَعْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَمَّا تَعَضُّ لَوْهْنَ أَنْ يَنْكِحَنَّ أَرْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ □ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ □ ذَلِكَمْ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٢٣٠)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند. اگر رضایت در میان آنان، به طرز پسندیده ای برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می گیرند. این (دستور)، برای رشد (خانواده های) شما و پاکیزگی (جامعه) مفیدتر است. و خدا می داند و شما نمی دانید.

□ وَالْوَالِدَاتُ يُرِضْنَ عَنْ أَوْلَادِهِنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ □ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ □ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ □ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا □ لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدَهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ □ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ □ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا □ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٢٣١)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیردادن را تکمیل کند. و آن کس که فرزند برای او متولد شده [=پدر]، باید خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیردادن) بپردازد. (البته) هیچ کس تکلیفی بیش از مقدار توانایی خود ندارد. (بنابراین) نباید بر مادر و فرزندش به خاطر یکدیگر زیانی وارد شود. و نه بر پدر و فرزندش (از ناحیه یکدیگر ضرری وارد آید). و بر وارث (او نیز) لازم است مثل این کار را انجام دهد (و هزینه مادر را در دوران شیردادن تأمین نماید). و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند (کودک را زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست. به شرط این که حق مادران را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَمَّا جُنَّحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۳۲)

و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند). و هنگامی که به پایان مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می خواهند، درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

وَلَا جُنَّاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۗ وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۳۳)

و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده اند) خواستگاری کنید، و یا (بی آنکه اظهار کنید) دردل تصمیم بگیرید. خداوند می داند شما به یاد آنها خواهید افتاد. البته پنهانی با آنها قرار (زناشویی) نگذارید، مگر این که به طرز پسندیده ای (بطور کنایه) اظهار کنید. (ولی در هر حال)، اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده مقرر سر آید. و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می داند. از مخالفت او پرهیزید. و بدانید خداوند، آمرزنده و دارای حلم است (و در مجازات بندگان، عجله نمی کند)

لَا جُنَّاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۗ وَتَعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (۲۳۴)

اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. و (در این موقع)، آنها را (باهدیه ای مناسب)، بهره مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه توانش، هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد. و این بر نیکوکاران، الزامی است.

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۗ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۵)

و اگر زنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید (و آمیزش کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده اید، باید نصف آنچه را تعیین کرده اید به آنها بدهید، مگر این که آنها گذشت کنند. یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولی آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزگاری نزدیکتر است. و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۶)

در انجام (به موقع و کامل) همه نمازها و (به خصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا به پاخیزید

فَإِنْ حِفْظُهُمْ فَرِحَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۖ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲۳۷)

و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) برترسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید. اما هنگامی که امتیّت خود را باز یافتید، خدا را یاد کنید [= نماز را به صورت معمول بخوانید] همان گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّهُ لَأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ ۖ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ ۖ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۳۸)

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می گیرند و همسرانی از خود به جا می گذارند، باید برای همسران خود وصیّت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره مند سازند. به شرط این که آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج نکنند). و اگر بیرون روند، (حقّی ندارند. ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه آنها درباره خود، به طور شایسته انجام می دهند. و خداوند، توانا و حکیم است.

وَاللْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۲۳۹)

و (بر شوهران) لازم است که به زنان مطلقه، هدیه مناسبی بدهند. این، حقّی است بر عهده مردان پرهیزگار.

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۴۰)

این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می دهد. شاید بیندیشید!

ۖ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۲۴۱)

آیا ندیدی گروهی (از بنی اسرائیل) را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند و آنان هزاران نفر بودند» (و به بهانه فرار از طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). و خداوند فرمان مرگ آنها را صادر کرد (و به همان بیماری مردند). سپس آنها را زنده کرد. زیرا خداوند نسبت به مردم، دارای احسان و بخشش است. ولی بیشتر مردم، شکر (او را) به جا نمی آورند.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۴۲)

و در راه خدا، پیکار کنید.

و بدانید که خداوند، شنوا و داناست.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً ۖ وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۴۳)

کیست که به خدا قرض نیکویی دهد، (و بدون منت، انفاق کند)، تا خداوند آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که (روزی بندگان را) محدود یا گسترده می سازد. (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی کسی نمی شود). و (سرانجام همگی) به سوی او بازمی گردید.

ص: ۳۹

أَلَمْ تَرِ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ □ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا □ قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا □ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٢٤٤)

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به یکی از پیامبران‌شان گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما برگزین، تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم.» (پیامبر آنها) گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده ایم، (و شهرهای ما بوسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده اند)؟!» اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همگی سرپیچی کردند. و خداوند از (اعمال و نیت) ستمکاران، آگاه است.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا □ قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ □ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ □ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَن يَشَاءُ □ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٢٤٥)

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند «طالوت» را برای زمامداری شما برگزیده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با این که ما از او شایسته‌تریم،

و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در دانش و توانایی جسمانی، فزونی بخشیده است. خداوند، مُلکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد.

و احسان خداوند، گسترده است. و (از لیاقت افراد) آگاه است.»

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٢٤٦)

و پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که «صندوق عهد» به سوی شما خواهد آمد. که در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهایی از خاندان موسی و هارون قرار دارد.

در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شماست. اگر ایمان داشته باشید.»

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ □ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ □ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ □ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمِ مِّنْ فَتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً يَا ذَنَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (٢٤٧)

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، (به آنها) گفت: «خداوند، شما را بوسیله یک نهر آب، آزمایش می کند. آنها که از آن بنوشند، از من نیستند. و آنها که بیشتر از یک پیمانه با دست خود، از آن نخورند، از من هستند.» و همگی جز عده کمی، از آن نوشیدند. سپس هنگامی که او،

و کسانی که به او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به در آمدند)، از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرت خود، ناراحت شدند. و) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با «جالوت» و سپاهیان او را نداریم.» اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد

(و ایمان بیشتری داشتند) گفتند: «چه بسیار گروههای کوچک که به خواست خدا، بر گروههای بزرگ پیروز شدند.» و خداوند با صابران (و استقامت کنندگان) است.

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدامنا وَانصُرنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ (٢٤٨)

و هنگامی که در برابر «جالوت» و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! شکیبایی و استقامت را بر ما فرو ریز. و قدمهای ما را ثابت بدار. و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.»

فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ □ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (٢٤٩)

آنگاه به خواست خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت وا داشتند. و «داوود» (نوجوان شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت. و خداوند، حکومت

و دانش را به او بخشید. و از آنچه می خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرا می گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ □ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (٢٥٠)

اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می خوانیم. و به یقین تو، از پیامبران (ما) هستی.

□ تِلْمَكِ الرَّسُلُ فَضَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ □ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ □ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ □ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ □ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ □ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (٢٥١)

ما بعضی از آن پیامبران را بر بعضی دیگر برتری بخشیدیم. برخی از آنها، خدا با او سخن می گفت. و بعضی را درجاتی برتر داد. و به عیسی بن مریم، نشانه های روشن دادیم. و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم. (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتها نشد.) و اگر خدا می خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی کردند. ولی (خداوند آنها را آزاد گذارده و) آنها با هم اختلاف کردند. بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند. و (جنگ

و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می خواست، با هم پیکار نمی کردند. ولی خداوند، آنچه را می خواهد، انجام می دهد (و هیچ کس را به قبول چیزی مجبور نمی سازد).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ □ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٢٥٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید. پیش از آن که روزی فرار رسد که در آن، نه خرید و فروشی هست (تا بتوانید نجات را خریداری کنید)، و نه دوستی سودی دارد، و نه شفاعتی شامل حالتان می شود و کافران، خود ستمکارند.

□ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ □ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ □ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ □ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ □ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ □ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ □ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا □ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (٢٥٣)

هیچ معبودی جز خداوند یگانه زنده و پاینده نیست، (خداوندی که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او). هیچ گاه خواب سبک

و سنگینی او را فرا نمی گیرد. (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند.) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او، جز به فرمانش شفاعت کند؟! آینده و گذشته بندگان را می داند. و کسی از علم او آگاه نمی گردد. جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است. و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و نامحدود اوست). تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربر گرفته. و نگاهداری آن دو [= آسمان و زمین]، او را خسته نمی کند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ □ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ □ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى □ لَا انْفِصَامَ لَهَا □ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢٥٤)

اکراهی در قبول دین، نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به محکم ترین دستگیره چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست.

ص: ۴۲

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ □
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵۵)

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند. آنها را از ظلمتها خارج ساخته، به سوی نور می برد. ولی کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند. که آنها را از نور خارج ساخته، به سوی ظلمتها می برند. آنها اهل دوزخند و جاودانه در آن خواهند بود.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ جَاءَ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ □ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲۵۶)

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [=نمرود] که بر اثر (غرور ناشی از) حکومتی که خدا به او داده بود با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟

و هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می کند و می میراند.» گفت: «من نیز زنده می کنم و می میرانم.» (و دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد.) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از مشرق می آورد. (اگر راست می گویی) تو آن را از مغرب بیاور!» به این صورت، آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا □ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ □ قَالَ لِبَنَاتِكُمْ لَبِثْتُمْ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ □ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرِي إِلَى طَعَامِكُمْ وَشَرَابِكُمْ لَمْ يَتَسَيَّرْ لَكُنَّ □ وَانظُرِي إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ □ وَانظُرِي إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا □ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۵۷)

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفهایش فرو ریخته بود، (و اهل آن همگی مرده بودند، او با خود) گفت: «چگونه خدا این ها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند. سپس زنده کرد. و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟!» گفت: «یک روز. یا بخشی از یک روز.» فرمود: «بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود، که هیچ گونه تغییری نیافته است! (پس بدان خدا بر همه چیز قادر است). ولی به دراز گوش خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده!، آنچه می بینی، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای این که تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آنها را برپا ساخته، به هم پیوند می دهیم، سپس گوشت بر آنها می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر چیزی تواناست.»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَيِّتَ ۖ قَالَ أُولَئِم تُوْمِن ۖ قَالَ بَلَىٰ ۖ وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَهُ مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَيَّ كُلَّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا ۖ وَاعْلَمَنَّ أَنَّهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۵۸)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! به من بنمایان چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» گفت: «آری (ایمان آورده ام)، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار پرنده (از گونه های مختلف) را انتخاب کن. و آنها را (پس از ذبح کردن)، قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز). سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده. بعد آنها را صدا بزنی، بسرعت به سوی تو می آیند. و بدان که خداوند توانا و حکیم است.»

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ مَّا تَهَّ حَبَّةٌ ۖ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۵۹)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند. که در هر خوشه، یکصد دانه باشد. و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته باشد)، دو یا چند برابر می کند. و لطف خدا گسترده، و او (به همه چیز) داناست.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ ۖ لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۶۰)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است. نه ترسی دارند، و نه اندوهگین می شوند.

ۖ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ ۖ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (۲۶۱)

گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از تندخویی آنها)، از صدقه ای که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است. و خداوند، بی نیاز و دارای حلم است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَبْتَغُوا صِدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْمَأْذَىٰ ۖ كَالَّذِي يُنْفِقُ مِرَّالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲۶۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات خود را با منت و آزار، باطل نسازید. همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند. و به خدا و روز واپسین، ایمان نمی آورد. (عمل) او همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد. (و بذرهایی در آن افشانده شود). و رگباری بر آن ببارد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی بدست نمی آورند. و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند.

وَمَثَلِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٢٦٣)

و (عمل) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و پایدار ساختن (فضایل انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، و میوه خود را دوچندان دهد. و اگر باران درشت به آن نرسد، بارانی نرم به آن می رسد. (و در هر حال، شاداب و با طراوت است) و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست.

أَيُّودٌ أَحْيَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ □ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (٢٦٤)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از پای درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه ای وجود داشته باشد، و در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان ناتوان دارد. گردبادی (شدید)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و (شعله‌ور گردد)

و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد. شاید بیندیشید

(و راه حق را بیابید)!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ □ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ □ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (٢٦٥)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از اموال پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان

و گیاهان)، انفاق کنید. و برای انفاق، به سراغ بی ارزش آن نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید. مگر از روی اغماض

و کراهت. و بدانید خداوند، بی نیاز و ستوده است.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ □ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا □ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٢٦٦)

شیطان، شما را (هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می دهد. و به زشتیها امر می کند. ولی خداوند وعده «آمرزش»

و «فزونی» به شما می دهد. و خداوند، رحمت و قدرتش گسترده، و (به هر چیز) داناست. (و به وعده خود وفا می کند.)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ □ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا □ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٢٦٧)

دانش و حکمت را به هر کس بخواهد

(و شایسته باشد) می دهد. و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است.

و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی کنند، و) متذکر نمی گردند.

ص: ۴۵

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ □ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۲۶۸)

و هر چیز را که انفاق می کنید، یا نذر می کنید (که در راه خدا انفاق نمایید)، خداوند از آن آگاه است. و ستمکاران (ریا کار و منت گذار)، هیچ یآوری ندارند.

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ □ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ □ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۶۹)

اگر صدقات

(و انفاق های خود) را آشکار کنید، خوب است. و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است. و از گناهان شما می کاهد. و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

□
لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ □ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ □ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ □ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲۷۰)

هدایت آنها (بطور اجبار)، بر تو نیست. (بنابراین، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست.) ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته باشد)، هدایت می کند. و آنچه را از اموال نیکو انفاق می کنید، به سود خودتان است. (و خدا به آن نیازی ندارد) ولی جز برای رضای خدا، انفاق نکنید. و آنچه از اموال نیکو انفاق می کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما بازگردانده می شود. و به شما ستم نخواهد شد.

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَأَيَسَّرَ اللَّهُ لَهُمْ مَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا □ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۷۱)

(بهتر است انفاق شما) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند. و نمی توانند (برای تأمین هزینه زندگی) مسافرتی کنند

(و سرمایه ای به دست آورند.) و افراد نا آگاه آنها را از شدت خویشتن داری، بی نیاز می پندارند. اما آنها را از چهره هایشان می شناسی. و هرگز با اصرار از مردم درخواست نمی کنند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی (در راه خدا) انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۲)

کسانی که اموال خود را، شب یا روز، پنهان یا آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است. نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می شوند.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَمَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ □ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا □ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا □ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى □ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ □ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷۳)

کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده

(و تعادل خود را از دست داده) بر می خیزند. این، بخاطر آن است که گفتند: «بیع

(و داد و ستد) مانند ربا است» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام. (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرزی از جانب پروردگارش به او رسد،

و (از رباخواری) خودداری کند، سودهای پیشین (و قبل از تحریم) از آن اوست. و کار او به (عفو) خدا واگذار می شود. اما کسانی که (به ربا خواری) باز گردند اهل دوزخند.

و جاودانه در آن خواهند بود.

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ □ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۴)

خداوند، ربا را نابود می کند. و صدقات را افزایش می دهد و خداوند، هیچ ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۵)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است. نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، و آنچه را از (سود) ربا باقی مانده، رها کنید. اگر ایمان دارید.

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ □ وَإِنْ تَابْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۷)

اگر چنین نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، به شما اعلان جنگ می کنند. و اگر توبه کنید، سرمایه هایتان

(بدون سود)، از آن شماست (و به این صورت). نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم می شود

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرِهِ فَنُظِرْهُ إِلَىٰ مَيْسَرِهِ □ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ □ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۷۸)

و اگر (بدهکار،) قدرتِ پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید. و هر گاه برای خدا به او ببخشید بهتر است. اگر آگاه باشید!

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ۖ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۷۹)

و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، به سوی خدا باز گردانده می شوید. سپس به هر کس، (پاداش) آنچه را انجام داده، به طور کامل بازپس داده می شود. و به آنها ستم نخواهد شد.

ص: ۴۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِعَدَوِّكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاصْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَفْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلِكَهُ فَلْيُمْلِكْ لَهُ بِالْعَدْلِ ۚ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ ۚ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَاحِبًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ۚ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۚ وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۚ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۚ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٢٨٠)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد. و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن _ همان طور که خدا به او تعلیم داده _ خودداری کند! پس باید بنویسد. و آن کس که حقّ بر عهده اوست، باید املا کند. و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد. و چیزی را از آن فروگذار ننماید. و اگر کسی که حقّ بر عهده اوست، سفیه یا ضعیف (و دیوانه) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولیّ او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند. و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حقّ) شاهد بگیرد. و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! تا اگر یکی از آن دو انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و هنگامی که شهود را (برای ادای شهادت) دعوت می کنند، نباید خودداری نمایند. و از نوشتن بدهی مدت دار، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید). این کار، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مطمئن تر، و برای جلوگیری از تردید (و نزاع) بهتر می باشد. مگر این که داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، باکی بر شما نیست که آن را بنویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقد) می کنید. شاهد بگیرید. و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی)، زبانی برسد. و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و خداوند به شما تعلیم می دهد. خداوند به همه چیز داناست.

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ ۖ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ۚ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۚ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸۱)

اگر در سفر بودید، و نویسنده ای نیافتید، (طلبکار، چیزی را) گروگان بگیرد و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که (بدون گروگان) امین شمرده شده، امانت (و بدهی خود را بموقع) پردازد. و از خدایی که پروردگار اوست، بپرهیزد. و شهادت را کتمان نکنید. و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُهَا يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ ۚ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۸۲)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. و اگر آنچه را در دلهایتان دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را مطابق آن، محاسبه می کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایسته باشد)، می بخشد. و هر کس را بخواهد (و استحقاق داشته باشد)، مجازات می کند. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۳)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگانش و کتابهای او و فرستادگانش، ایمان آورده اند. (و گفتند:) «ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم

(و به همه ایمان داریم)». و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! به آموزش تو امیدواریم. و بازگشت (ما) به سوی توست.»

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۚ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۚ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۸۴)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی کند. (انسان)، هر کار (نیکی) را انجام دهد، به سود خود انجام داده. و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند:) «پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (بخاطر گناه و طغیان)، بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار و ما را عفو کن و بیامرز و مورد رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.»

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۚ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸۵)

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند). خداوند اینگونه مردگان را زنده می کند؛ و آیات خود را به شما نشان می دهد؛ شاید اندیشه کنید.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۲۸۶)

ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید؛ (زیرا) خداوند با صابران است.

۳ - سوره آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان

الم

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲)

معبودی جز خداوند یگانه زنده و پاینده، نیست.

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (۳)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه های کتب پیشین، هماهنگ است. و «تورات»

و «انجیل» را

مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ □ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ □ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴)

پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد. و (همچنین قرآن، کتاب) جدا کننده حق از باطل را نازل کرد. کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی

دارند. و خداوند (بر کیفر آنها) توانا و دارای مجازات است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۵)

هیچ چیز، نه در آسمان و نه در زمین، بر خدا مخفی نمی ماند. (بنابراین، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.)

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶)

او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آن چنان که می خواهد تصویر می کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ □ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ □ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ □ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا □ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷)

او کسی است که این کتاب

آسمانی را بر تو نازل کرد. که بخشی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است. که اساس این کتاب می باشد. (و پیچیدگی آیات دیگر، را بر طرف می کند.) و

بخشی دیگر، «متشابه»

(و پیچیده) است. امّا آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال آیات متشابه اند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند). و تفسیر (نادرستی) برای آن می

طلبند. در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال درک اسرار آیات قرآنند) می گویند: «ما به آن ایمان آوردیم. تمامی آن از

جانب پروردگار ماست.» و جز خردمندان، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۸)

(راسخان در علم، می گویند:) «پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آن که ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان. و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تویی

بخشنده!

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹)

پروردگارا! تو مردم را برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد. زیرا خداوند از وعده خود تخلف نمی کند. (ما به تو و رحمت بی پایان، و به

وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.)»

ص: ۵۰

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا □ وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۱۰)

اموال و فرزندان کسانی که کافر شدند، هرگز نمی تواند، چیزی از (عذاب) خداوند را از آنان بکاهد (و از کیفر، رهایی بخشد). و آنان خود، آتشگیره دوزخند.

كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ □ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۱)

آنان در انکار و تحریف حقایق، همچون روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند. آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت. و

خداوند، سخت کیفر است.

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتْغَابُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ □ وَيَسَّ الْمِهَادُ (۱۲)

به کسانی که کافر شدند بگو: «از پیروزی موقت خود در جنگ اُحد، شاد نباشید). بزودی مغلوب خواهید شد. و (سپس در

رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است!»

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْقُرْآنِ □ فَتَنَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْآخِرَىٰ □ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ □ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ □
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (۱۳)

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کردند. و جمع دیگری کافر بودند، (و در

راه شیطان و بت می جنگیدند)، در حالی که کافران، مؤمنان را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد). و

خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته باشد)، با یاری خود، تایید می کند. در این، عبرتی است برای صاحبان بصیرت.

□
زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ □ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۱۴)

محبّت امور مادی، از (قبیل) زنان و فرزندان

و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبهای ممتاز

و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است. (تا در پرتو آن، آزمایش

و تربیت شوند. ولی) اینها وسایل گذران زندگی دنیا است (و هدف نهایی نمی باشد).

و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست.

□ قُلْ أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ بِحَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ □ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۱۵)

بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که

پرهیزگاری پیشه کرده اند، (و از این سرمایه ها، در راه مشروع استفاده می کنند)، در نزد پروردگارشان، باغهایی بهشتی است که نهرها از پای درختانش می گذرد.

جاودانه در آن خواهند بود. و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (اعمال) بندگان

(با ایمان)، بیناست.

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۶)

(همان) کسانی که می گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده ایم. پس گناهان ما را بر ما ببخش، و ما را از عذاب دوزخ، نگاه دار.»

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)

آنها که (در مسیر اطاعت و ترک

گناه)، استقامت میورزند. راستگو هستند. (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند.

و در سحرگاهان از خداوند، آمرزش می طلبند.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ □ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

خداوند، (با ایجاد نظام هماهنگ جهان هستی)، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست. و فرشتگان و صاحبان

دانش، (نیز، بر این مطلب) گواهی می دهند. در حالی که (خداوند) قیام به عدالت دارد. معبودی جز او نیست، اوست توانا و حکیم.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ □ □ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ □ □ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام

است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، (با یکدیگر) اختلاف نکردند، مگر بعد از آگاهی و از روی ستم و حسد ورزی. و هر کس به آیات خدا کفر ورزد،

بداند که) خداوند، سریع الحساب است

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ □ □ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلِمْتُمْ □ □ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا □ □ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ □ □ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۲۰)

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آن ها مجادله نکن. و) بگو:

«من و پیروانم، با تمام وجود در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده ایم.» و به آنها که اهل کتابند [=یهودونصاری] و عوامان

[=مشرکان] بگو: «آیا شما هم

تسلیم شده اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق)، تسلیم شوند، هدایت می یابند. و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش. زیرا) وظیفه تو، تنها ابلاغ (رسالت) است.

و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بی‌ناست.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱)

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند

و پیامبران را به ناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، به کیفری دردناک بشارت ده!

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ (۲۲)

آنها کسانی هستند که اعمال

نیک آنها (بخاطر این گناهان بزرگ)، در دنیا و آخرت تباه شده، و یاورى (و شفاعت کننده اى) ندارند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ (۲۳)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب آسمانی داشتند، و به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، ولی گروهی از آنان، (با علم و آگاهی)،

روی گردان می شوند، در حالی که (از قبول حق) ابا دارند؟! □

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ □ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

این، به خاطر آن است که می گفتند: «(به سبب امتیازی که به دیگران داریم) آتش (دوزخ)، جز چند

روزی به ما نمی رسد». این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند)، آنها را در دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند).

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۵)

پس چگونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای آن روز (رستاخیز) که شکی در آن نیست جمع کنیم، و به هر کس، (پاداش) آنچه انجام داده، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستمی نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را می چینند).

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ □ بِيَدِكَ الْخَيْرُ □ إِنَّكَ عَلِيمٌ □ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۶)

بگو: «بار الها! ای مالک حکومتها! به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی. و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری. هر کس را بخواهی، عزت می دهی. و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمام خوبیها به دست توست. تو بر هر چیزی توانایی.

تَوَاجِعَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَتَوَاجِعَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ □ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ □ وَتَرزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷)

شب را در روز داخل می کنی، و روز را در شب. زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده. و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می بخشی.» □

لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِّن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ □ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً □ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ □ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۲۸)

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند. و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می شود). مگر این که از آنها تقیه کنید (و بخاطر هدفهای مهمتری کتمان نمایید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می دارد. و بازگشت (شما) به سوی خداست.

قُلْ إِن تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ ۖ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۹)

بگو: «اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند. و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می باشد. و خداوند بر هر چیزی تواناست.»

ص: ۵۳

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۖ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۖ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۳۰)

روزی که هر کس، هر کار نیکی که انجام داده، حاضر می‌بیند. و آرزو می‌کند میان او،

و هر کار بدی که انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می‌دارد. و (با این حال)، خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۱)

بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید. تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد. و گناهانتان را ببخشد. و خدا آمرزنده مهربان است.»

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۳۲)

بگو: «از خدا و پیامبر، اطاعت کنید. و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.»

ۚ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد.

ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳۴)

آنها فرزندان (و دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت)، همانند یکدیگر بودند.

و خداوند، شنوا و داناست.

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۗ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «پروردگارا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرّر» باشد (و آزاد برای

خدمت خانه تو). از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی.»

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۚ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۳۶)

ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت: «پروردگارا! من او را دختر آوردم _ و خدا از آنچه

او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود _ و پسر، همانند دختر نیست. (دختر نمی تواند وظیفه خدمتگزاری خانه خدا را همانند پسر انجام دهد). من او را مریم نام گذاردم.

و او و فرزندانش را از (وسوسه های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم.»

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسِينًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۚ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا ۚ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷)

خداوند، او [=مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت. و به طرز شایسته ای، (نهال

وجود) او را رویانید (و پرورش داد). و سرپرستی او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در کنار او می دید. پس از او پرسید:

«ای مریم! این روزی از کجا نصیب تو شده؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.»

ص: ۵۴

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ □ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً □ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۸)

آن جا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و گفت: «پروردگارا! از سوی خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو

دعا را می شنوی.»

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى □ مَصِدًّا قَدْ بَكَلِمَهُ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (۳۹)

و در حالی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: «خدا تو را به «یحیی» بشارت می دهد. (کسی) که

کلمه خدا [= مسیح] را تصدیق می کند. و رهبر خواهد بود. و از هوسهای سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.»

□
قَالَ رَبِّ أَنْتَنِي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ □ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۴۰)

او گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است پسری برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازا است؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می دهد.»

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً □ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْزَرًا □ وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (۴۱)

(زکریا) گفت: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده.» فرمود: «نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، از کار می افتد.) و پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ)، بسیار یاد کن و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو!»

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۴۲)

و (به یاد آورد) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته. و بر تمام زنان جهان، برتری بخشیده است.»

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور. و با رکوع کنندگان، رکوع کن.»

□
ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ □ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَقْلَامُهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴)

(ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم. و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی به

آب) می افکندند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که (علمای بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او،) با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی.

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای [=وجود با عظمتی] از سوی خود بشارت می دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است. در حالی که در دنیا و آخرت، آبرومند. و از مقربان (الهی) خواهد بود.

ص: ۵۵

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (٤٦)

و با مردم، در گاهواره و در حال میانسالی سخن خواهد گفت. و از صالحان است.»

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ □ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ □ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (٤٧)

(مریم) گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در

حالی که انسانی با من تماس نداشته است؟!» فرمود: «خداوند، این گونه هر چه را بخواهد می آفریند. هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها به آن

می گوید: «موجود باش!» آن (چیز نیز، بیدرنگ) موجود می شود.

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ (٤٨)

و به او، کتاب و دانش و تورات

و انجیل، خواهد آموخت.

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ □ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِّن الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ □ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْمَأْرُصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ □ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ □ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ (٤٩)

و به سوی بنی اسرائیل فرستاده خواهد شد (تا به آنها بگوید): من نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام. من از گل، چیزی

به شکل پرنده می سازم. سپس در آن می دمم و به اذن خدا، پرنده ای می گردد. و به اذن خدا، کور مادر زاد و مبتلا به بیماری پیسی را بهبودی می بخشم. و

مردگان را به اذن خدا زنده می کنم. و به شما خبر می دهم از آنچه می خورید، و آنچه را در خانه های خود ذخیره می کنید، به یقین در این (معجزات)، نشانه ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید.

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَحَلَّالًا لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ □ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا (٥٠)

و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می کنم. و (آمده ام) تا پاره ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه)، بر شما

حرام شده، (مانند گوشت بعضی از حیوانات) حلال کنم. و نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام. از (نافرمانی) خدا بپرهیزید، و مرا اطاعت کنید.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۖ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۵۱)

خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست. او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را). این است راه مستقیم.»

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۚ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۵۲)

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت)

کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریون [= شاگردان مخصوص او] گفتند: «ما یاوران خداییم. به خدا ایمان آوردیم. و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده ایم.»

ص: ۵۶

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۵۳)

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم. ما را در زمره گواهان قرار ده.»

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ □ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۵۴)

و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) توطئه کردند. و خداوند (برای حفظ او و آیینش)، تدبیر نمود. و خداوند، بهترین تدبیر کنندگان است.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِنِّي فَتَوَّيْتُكَ وَرَافِعِيكَ إِلَىٰ وَمُطَهَّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ □ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۵۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی! من تو را

برمی گیرم و به سوی خود، بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک (و دور) می سازم. و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی

که کافر شدند، قرار می دهم. سپس بازگشت شما به سوی من است و (آنگاه) در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می کنم.

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذُّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ (۵۶)

اما کسانی که کافر

شدند، (و با شناخت حق، آن را انکار کردند)، آنان را در دنیا و آخرت، با عذاب دردناکی مجازات خواهم کرد.

و برای آنها، هیچ یآوری نیست.

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ □ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الظَّالِمِينَ (۵۷)

اما کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد. و خداوند، ستمکاران را

دوست نمی دارد.»

□
ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (۵۸)

اینها را که بر تو می خوانیم، از نشانه ها (ی حقایقیت تو) و یادآوری حکیمانه است.

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۵۹)

مَثَل (خلقت) عیسی در نزد خدا، همچون آدم است.

که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» و (بی درنگ) موجود شد. (بنابراین، ولادت عیسی بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست.)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ (۶۰)

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو. بنابراین، از تردید کنندگان مباش.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱)

هر گاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، (باز) کسانی درباره مسیح با تو به ستیز

برخیزند، بگو: «بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما نیز زنان خود را. ما از نفوس خود (و کسی که

همچون جان ماست) دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود. آنگاه مباحله (و نفرین) کنیم. و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

ص: ۵۷

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ □ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ □ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲)

این همان سرگذشت واقعی (عیسی) است. (و ادعاهایی همچون الوهیت او، یا فرزند خدا بودنش، بی اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست. و به

یقین، تنها خداوند توانا و حکیم است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (۶۳)

اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، (بدان که طالب حق نیستند. و) خداوند از (اعمال)

مفسدان، آگاه است

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ □
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۶۴)

بگو: «ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است. که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم. و بعضی از ما،

بعض دیگر را _ غیر از خدای یگانه _ به ربوبیت نپذیرد.» هر گاه (از این دعوت،) سر باز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم.»

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ □ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است. آیا نمی اندیشید؟!

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۶۶)

شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید. چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می کنید؟! در حالی که خدا می داند، و شما نمی دانید.

□
مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی. بلکه موحدی خالص و مسلمان بود. و هرگز از مشرکان نبود.

□
إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا □ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (۶۸)

سزاوارترین مردم به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند، و این پیامبر

و کسانی که (به او) ایمان آورده اند (از همه سزاوارترند). و خداوند، ولی و سرپرست مؤمنان است.

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۶۹)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو

می کردند) شما را گمراه کنند. در حالی که گمراه نمی کنند مگر خودشان را، و نمی فهمند!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می شوید، در حالی که (به

درستی آن) گواهی می دهید؟!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبُسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٧١)

ای اهل کتاب! چرا (برای گمراه کردن مردم) حق را با باطل (می آمیزید و) مشتبه می کنید و حقیقت را کتمان می کنید در حالی که می دانید؟!

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٧٢)

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز (به ظاهر) ایمان بیاورید.

و در پایان روز، کافر شوید (و به این وسیله مؤمنان را در ایمانشان متزلزل سازید). شاید آنها (از آیین خود) باز گردند.

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ □ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ □ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٧٣)

و (گفتند:) جز به کسی که از آیین شما

پیروی می کند، (واقعاً) ایمان نیاورید.» بگو: «هدایت (واقعی)، هدایت الهی است (و توطئه آنها بی اثر است).» و گفتند: «تصوّر نکنید) به کسی همانند کتاب

آسمانی شما داده می شود، یا این که می توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند،» بگو: «فضل به دست خداست. و به هر کس بخواهد (و

شایسته باشد)، می دهد. و خداوند، دارای مواهب گسترده و آگاه (از موارد شایسته آن) است.

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ □ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٧٤)

هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می کند. و خداوند، دارای

مواهب عظیم است.»

□ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بَقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بَعْدِيَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِيَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا □ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٧٥)

و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، آن را به تو باز می گردانند.

و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند. مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی. این بخاطر آن است

که گفتند: «ما در برابر امّیین [= غیر یهود]، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند. در حالی که (دروغ بودن آن را) می دانند.

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷۶)

آری، کسی که به پیمان خود

وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می دارد. زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَمَّا خَلَّوْا لَهُمْ فِي الْمَآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۷)

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را (به نام مقدّس او) به بهای ناچیزی می فروشند، بهره ای در آخرت نخواهند داشت. و خداوند با آنها سخن نمی

گوید و به آنان در قیامت نگاه (رحمت) نمی کند و آنها را پاک نمی سازد. و عذاب دردناکی برای آنهاست.

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۸)

در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تحریف کتاب خدا، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید آن چیزی را که می خوانند، از کتاب خدا است.

در حالی که از کتاب خدا نیست. و (با صراحت) می گویند: «آن از سوی خداست.» با این که از سوی خدا نیست، و بر خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند.

مَرَا كَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبِيَّوَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (۷۹)

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید» بلکه (سزاوار

مقام او، این است که بگوید: ای مردم) به سبب تعلیم دادن کتاب خدا و فرا گرفتن آن، خداپرست باشید.

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۸۰)

و به شما دستور نمی دهد که فرشتگان و پیامبران را،

(به عنوان) پروردگار انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آن که مسلمان شدید، به کفر فرمان می دهد؟!

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ أَأَقْرَضُكُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي ۚ قَالُوا أَقْرَضْنَا ۚ قَالَ فَاشْهَدُوا ۚ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۸۱)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که با نشانه هایی که نزد شماست، هماهنگ بود، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. و فرمود: «آیا پذیرفتند؟ و بر آن، با من پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: «(آری) پذیرفتیم.» (خداوند به آنها) فرمود: «پس گواه باشید! و من (نیز) با شما از گواهانم.»

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۸۲)

و کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق است.

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۸۳)

آیا آنها (آیینی) غیر از آیین خدا می طلبند؟! (آیین او همین اسلام است.) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند. و به سوی او بازگردانده می شوند.

ص: ۶۰

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر صفحه زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیة (و کفّاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها پذیرفته نخواهد شد. و برای آنان، مجازاتِ دردناکی است. و هیچ یآوری ندارند.

ص: ۶۱

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ □ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۹۲)

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر این که از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید. و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است.

□ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلاًّ لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ □ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۳)

همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل [= یعقوب]، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود. بگو: «اگر راست می گوید تورات را بیاورید و بخوانید (تا معلوم شود این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می دهید، حتی در تورات تحریف شده شما نیست.)»

□ □ فَمَنْ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹۴)

بنابراین، آنها که بعد از این (علم و آگاهی) بر خدا دروغ می بندند، ستمکارند.

□ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ □ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۹۵)

بگو: «خدا راست گفته (و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنابراین، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود.»

□ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (۹۶)

نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) بنا نهاده شد، همان است که در سرزمین مکه است. که پربرکت، و مایه هدایت جهانیان است.

□ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ □ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا □ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا □ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷)

در آن، نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است. و هر کس داخل آن (حرم) شود، در امان خواهد بود. و برای خدا بر مردم (واجب) است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، و خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است.

□ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ (۹۸)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر میورزید؟! و در حالی که خدا بر اعمالی که انجام می دهید، گواه است.»

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ ۚ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که

ایمان آورده اند، از راه خدا باز می دارید، و می خواهید این راه را منحرف کنید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید. و خداوند از آنچه انجام می

دهید، غافل نیست.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (۱۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق افکنی است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر باز

می گردانند.

ص: ۶۲

وَكَيفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۚ وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۰۱)

و چگونه کفر میورزید، با این که (در دامن وحی قرار گرفته اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابراین، به خداتمسک جوید).

و هر کس به خداتمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزگاری است، از (مخالفت

فرمان) خدا پرهیزید. و جز بر آیین اسلام از دنیا نروید

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرِهِ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [=قرآن، و هرگونه وسیله وحدت الهی]، چنگ زید، و پراکنده نشوید. و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت برقرار ساخت، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد. شاید هدایت شوید.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

و (برای رسیدن به وحدت) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و رستگاران آنها هستند.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند. و آنها عذاب عظیمی دارند.

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶)

(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هایی سفید، و چهره هایی سیاه می گردد. اما آنها که صورتهایشان سیاه است، (به آنها گفته می شود:) آیا بعد از ایمان، (و برادری در سایه آن)، کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، بسبب آنچه انکار می کردید!

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۰۷)

و اما آنها که چهره هایشان سفید است، در رحمتِ خداوند، جاودانه خواهند بود.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ □ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۸)

اینها آیات خداست. که آن را بحق بر تو می خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی بر (احدی از) جهانیان روا نمی دارد.

ص: ۶۳

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۱۰۹)

و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! در حالی که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و همه امور، به سوی خدا باز می گردد.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۖ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۚ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰)

شما

بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اید. (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و

آیین درخشانی)، ایمان می آوردند، برای آنها بهتر بود. (ولی تنها) کمی از آنها با ایمانند. و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار).

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَإِنْ يُقَاتِلُواكُمْ يُولُوكُمْ الْاَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۱۱)

آنها [= اهل کتاب، مخصوصاً یهود] هرگز نمی توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر. و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می خورند). سپس یاری نخواهند شد.

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُفْتَوُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَنْظِلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۱۱۲)

هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است. مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید نظر در روش ناپسند خود)، یا با ارتباط به مردم (و وابستگی به

این و آن). و به خشم خدا، گرفتار شده اند. و مهر بیچارگی بر آنها زده شده. چرا که آنها به آیات خدا، کفر میورزیدند

و پیامبران را به ناحق می کشتند. این بخاطر آن بود که نافرمانی کردند. و (به حقوق دیگران)، تجاوز می نمودند.

لَيْسُوا سَوَاءً ۚ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳)

آنها یکسان نیستند. (زیرا) گروهی از اهل کتاب، (به حق و ایمان) قیام می کنند. و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند. در حالی که سجده می نمایند.

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۴)

به خدا و روز واپسین ایمان می آورند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند. و در انجام کارهای نیک، بر یکدیگر پیشی می گیرند. و آنها از صالحانند.

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۱۱۵)

و آنچه از اعمال نیک انجام دهند، هرگز بدون پاداش نخواهد ماند و خدا از پرهیزگاران، آگاه است.

ص: ۶۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱۶)

کسانی که کافر شدند، هرگز اموال و فرزندانشان نمی تواند چیزی، از مجازات خدا را از آنان بکاهد. آنها اصحاب دوزخند. و جاودانه در آن خواهند ماند.

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ ۖ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۷)

آنچه آنها در این زندگی دنیا انفاق می کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در جایگاه نامناسب، کشت نموده اند)، بوزد و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده. بلکه آنها، خودشان به خویشان ستم می کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدَ يَدَّتِ الْبُغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۖ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید. آنها از هر گونه شر و فسادى درباره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از سخنانشان آشکار شده. و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راههای پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر بیندیشید.

هِيَ أَنْتُمْ أَوْلِيَاءُ تَحِبُّونَهُمْ وَلَمَّا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ ۖ قُلْ مُؤْتُوا بِغَيْظِكُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹)

شما کسانی هستید که آنها را دوست دارید. اما آنها شما را دوست ندارند. و (شما) به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید ولی (آنها) هنگامی که شما را ملاقات می کنند، (بدروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم.» اما هنگامی که تنها می شوند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان (خود را به دندان) می گزند! بگو: «با همین خشم بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است.»

إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تَصَبَّ بِكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا ۖ وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۱۲۰)

اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می کند. و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. ولی اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، توطئه های آنان، به شما زیانی نمی رساند. زیرا خداوند بر آنچه انجام می دهند، احاطه دارد.

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ ۖ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۲۱)

و (به یاد آور) زمانی را که (در آستانه جنگ احد) صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی. و خداوند، شنوا و داناست.

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا □ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۲۲)

(و به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه باز گردند). و خداوند یاور آنها بود (که از این فکر باز گردند). و افراد

باایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند.

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ □ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و پیروز شدید). در حالی که شما، (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، تا شکر نعمت او را به جا آورده باشید!

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ (۱۲۴)

در آن هنگام که به مؤمنان می گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که (از آسمان) فرود می آیند، یاری کند؟!»

بَلَى □ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ □ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، پروردگارتان شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان نشان دار، مدد خواهد داد.

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ □ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)

ولی این (یاری فرشتگان) را خداوند فقط برای بشارت، و اطمینان خاطر شما قرار داده. و گرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است.

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُهُمْ فَيُنقَلِبُوا خَائِبِينَ (۱۲۷)

(این وعده را که خدا به شما داده)، برای این است که قسمتی از (پیکر لشکر) کافران را قطع کند. یا آنها را با ذلت برگرداند. تا مأیوس و ناامید، (به وطن خود) باز گردند.

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (۱۲۸)

هیچ گونه اختیاری (درباره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ)، برای تو نیست. مگر این که (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند. زیرا آنها ستمکارند.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲۹)

و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می آمرزد. و هر کس را بخواهد، مجازات می کند. و خداوند آمرزنده مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید. و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، تا رستگار شوید.

وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۱۳۱)

و از آتشی پرهیزید که برای کافران آماده شده است!

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲)

و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید.

□ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۳)

و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان. و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است. و برای پرهیزگاران آماده شده است.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ □ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴)

(همان) کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند. و خشم خود را فرو می برند. و از (خطای)

مردم درمی گذرنند. و خدا نیکوکاران را دوست دارد

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)

و کسانی که هرگاه مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، خدا را یاد کرده. و برای گناهان خود،

طلب آمرزش می کنند _ و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ _ و اصرار بر گناه، نمی ورزند، در حالی که آگاهند.

□ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا □ وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۱۳۶)

چنین کسانی پاداششان آمرزش پروردگار

است، و باغهایی بهشتی که از پای درختان آن، نهرها جاری است. جاودانه در آن می مانند. و چه نیکو است پاداش عمل کنندگان!

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (۱۳۷)

پیش از شما، سنت ها (و)

مجازات های الهی بر طبق اعمال امت ها) وجود داشت پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بوده است؟!

□ هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

این، بیان و هشدار است برای عموم مردم. و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

هرگز سست نشوید! و غمگین نگردید. و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ □ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ □ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

اگر (در جنگ اُحد)، به شما جراحی رسید

(و ضربه ای وارد شد)، به آن جمعیت (نیز در جنگ بدر)، جراحی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می گردانیم. (و این خاصیت زندگی دنیاست) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده اند، مشخص سازد. و (خداوند) از میان خودتان، شاهدانی بگیرد. و خدا ستمکاران را دوست نمی دارد.

ص: ۶۷

وَلِيْمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱۴۱)

و تا خداوند، افراد با ایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند). و کافران را (بتدریج) نابود سازد.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ (۱۴۲)

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید

شد،

در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟!

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۱۴۳)

و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آن که با آن رو به رو شوید، آرزو می کردید. سپس آن را (با چشم خود) دیدید، در حالی که به آن نگاه می کردید (و حاضر نبودید به آن تن در دهید).

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ □ أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ □ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا □ وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

محمد فقط فرستاده خداست. و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به گذشته (و

دوران جاهلیت) باز برمی گردید؟! و هر کس به گذشته بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی رساند. و خداوند بزودی شاکران (و ثابت قدمان) را پاداش خواهد داد.

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا □ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا □ وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ (۱۴۵)

هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی میرد. سرنوشتی است تعیین شده. و هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد)، سهمی از آن

را به او خواهیم داد. و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، سهمی از آن به او می دهیم. و بزودی شکرگزاران را پاداش خواهیم داد.

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا □ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آنها (هیچ گاه) در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و تن به تسلیم ندادند. و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۴۷)

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان و تندروی های ما در کارها را بر ما ببخش.

قدمهای ما را استوار بدار. و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.»

فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ □ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۴۸)

از این رو خداوند پاداش دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنها داد. و خداوند نیکوکاران را دوست

می دارد.

ص: ۶۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُزِدُواكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۱۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کسانی که کافر شده اند اطاعت کنید، شما را به گذشته هایتان باز می گردانند. سرانجام، زیانکار خواهید شد.

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ □ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (۱۵۰)

(آنها تکیه گاه شما نیستند)، بلکه ولی و پشتیبان شما، خداست. و او بهترین یاوران است.

سَلُّقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا □ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ □ وَبِئْسَ مَثْوَىٰ الظَّالِمِينَ (۱۵۱)

بزودی در دل‌های کافران، به سبب این که، چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند که (خداوند) هیچ گونه دلیلی درباره آن نازل نکرده بود، رعب و وحشت می افکنیم. و جایگاه آنها، آتش است. و چه بد است جایگاه ستمکاران!

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ □ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ □ مِّنكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ □ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ □ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ □ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

خداوند، وعده خود را به شما، (درباره پیروزی بر دشمن در اُحد)، تحقق بخشید. در آن هنگام که دشمنان را به فرمان او، به قتل می رساندید. تا این که سست

شدید. و در کار (حفظ سنگرها) به نزاع پرداختید.

و بعد از آن که خداوند آنچه را دوست می داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند. و بعضی خواهان

آخرت. سپس خداوند شما را از غلبه بر آنان بازگرداند. (و پیروزی شما به شکست انجامید). تا شما را بیازماید. و او شما را بخشید. و خداوند نسبت به مؤمنان،

دارای احسان و بخشش است.

□ إِذْ تُضَيِّعُونَ وَلَا تُلَؤُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَعِمُمْ لَكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ □ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۵۳)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا می رفتید. و (یا در بیابان پراکنده می شدید. و از وحشت)، به هیچ کس (از عقب

ماندگان) نگاه نمی کردید. در حالی که پیامبر از پشت سر، شما را صدا می زد. سپس اندوهها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد. این بخاطر آن بود که دیگر نه

برای از دست رفتن چیزی (مانند غنایم جنگی) غمگین شوید، و نه بخاطر مصیبت‌هایی که بر شما وارد می‌گردد. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

ص: ۶۹

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ ۖ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ ۗ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ ۖ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ يَقُولُونَ لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا ۗ قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَمُبْرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَيْنَا مَضًّا جِئْتُمُوهُمْ ۖ وَلِيُنَبِّئَنَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (١٥٤)

سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، به صورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه اُحد)، گروهی از شما را فرا گرفت. اما

گروه دیگری در فکر جان خویش بودند. (و خواب به چشمانشان نرفت.) آنها گمانهای نادرستی

— همچون گمانهای دوران جاهلیت — درباره خدا داشتند. و می گفتند: «آیا سهمی از پیروزی نصیب ما می شود؟!» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست.»

آنها در دل خود، چیزی را پنهان می دارند که برای تو آشکار نمی سازند. می گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی شدیم.» بگو: «اگر در

خانه های خود نیز، بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی قتلگاه های خود، بیرون می آمدند (و کشته می شدند). و اینها برای این

است که خداوند، آنچه در سینه هایتان پنهان دارید، بیازماید. و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند. و خداوند از آنچه در درون سینه هاست، آگاه

است.»

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا ۖ وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (١٥٥)

کسانی از شما که در روز رو به رو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ اُحد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهی که مرتکب شده بودند،

به لغزش انداخت. ولی خداوند آنها را بخشید. زیرا خداوند، آمرزنده و دارای حلم است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١٥٦)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کافران نباشید که چون

برادرانشان به مسافرتی می روند (و می میرند) یا در جنگ شرکت می کنند (و کشته می شوند)، می گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی مردند»

و کشته نمی شدند!» (شما از این گونه سخنان نگوئید)، تا خدا این حسرت را بر دل آنها بگذارد. خداوند، زنده می کند و می میراند. (و زندگی و مرگ، به دست

اوست.) و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست.

وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۱۵۷)

و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، (زیان نکرده اید. زیرا) آمرزش و رحمت خدا، از آنچه (آنها در طول عمر

خود)، جمع آوری می کنند، بهتر است.

ص: ۷۰

وَلَيْنَ مُتَمِّمٍ أَوْ قَاتِلْتُمْ لَالِي اللَّهِ تُحْشَرُونَ (۱۵۸)

و اگر بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور می شوید. (و در جوار رحمت او خواهید بود.)

فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ □ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ □ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ □
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)

به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی! و

اگر خشن

و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب. و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع

باش و) بر خدا توکل کن. زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ □ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ □ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۶۰)

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد. و اگر دست از یاری شما

بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان باید، تنها بر خداوند توکل کنند.

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ □ وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ ثُمَّ تُوفِّي كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۱)

ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند. و هر کس خیانت کند، روز

رستاخیز، آنچه را در آن خیانت کرده، (با خود به صحنه محشر) می آورد. سپس (نتیجه) اعمال هر کس، بطور کامل به او داده می شود. و به آنها ستم نخواهد

شد.

أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ □ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶۲)

آیا کسی که به دنبال رضای خدا بوده، همانند کسی است که به خشم الهی گرفتار شده و جایگاه او جهنم، و پایان کار او بسیار بد است؟!

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۶۳)

هر یک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند. و خداوند به آنچه انجام می دهند، بیناست.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۶۴)

خداوند بر مؤمنان نعمت بزرگی بخشید، هنگامی که در میان آنها،

پیامبری از خودشان برانگیخت. تا آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت بیاموزد. هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۶۵)

آیا

هنگامی که مصیبتی (در اُحُد) به شما رسید، در حالی که دو برابر آن را (در بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟! بگو: «از ناحیه

خود شماست (که در جنگ احد، با دستور پیامبر مخالفت کردید)! خداوند بر هر چیزی توانا است.

ص: ۷۱

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۶۶)

و آنچه (در احد)، روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران) با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنت الهی) بود. و برای این بود که مؤمنان را مشخص

کند.

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا □ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا □ قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ □ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ □ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ □ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (۱۶۷)

و (نیز) برای این بود که منافقان شناخته شوند. آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید. یا (از حریم خود)، دفاع نمایید.» گفتند: «اگر می

دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم. (اما می دانیم جنگی نمی شود.)» آنها در آن روز، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان. به زبان خود چیزی

می گویند که در دلهاشان نیست.

و خداوند به آنچه کتمان می کنند، آگاهتر است.

الَّذِينَ قَالُوا لِيَاخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا □ قُلْ فَادْرءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۶۸)

همان کسانی (از منافقان) که به برادران (مؤمن) خود _ در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند _

گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند.» بگو: «(اگر می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید)، پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می

گویید!»

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا □ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده اند! بلکه زنده اند، و نزد پروردگارش روزی داده می شوند.

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰)

آنها بخاطر نعمتهایی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند. و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، شادمانند. که نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهی خواهند داشت.

□ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمِهِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند.

و (می بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ □ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۲)

کسانی که دعوت خدا

و پیامبر را، پس از (آن همه) جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند. (و به سوی میدان دیگری شتافتند). برای کسانی از

آنها، که نیکی کردند و تقوا پیشه

نمودند، پاداش بزرگی است.

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (۱۷۳)

(همان) کسانی که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «دشمنان برای (حمله به) شما گرد آمده اند. از آنها بترسید!» اما این

سخن، بر ایمانشان افزود.

و گفتند: «خدا ما را بس است. و او بهترین حامی ماست.»

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مَنْ اللَّهُ وَفَضْلِ لَمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (۱۷۴)

به همین جهت، آنها (از این میدان)، با نعمت و فضل پروردگار، بازگشتند. در حالی که هیچ بدی به آنان نرسید. و خشنودی خدا را بدست آوردند. و خداوند دارای

فضل

و بخشش بزرگی است

□
إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۵)

این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان

و شایعات بی اساس،) می ترساند. از آنها ترسید. و تنها از (مخالفت) من بترسید اگر ایمان دارید!

وَلَا يَخْزِنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ □ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا □ يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ □ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۷۶)

کسانی که در راه کفر، شتاب می کنند، تو را غمگین

نسازند! به یقین، آنها هرگز زبانی به خداوند نمی رسانند. و خدا می خواهد (آنها را به حال خودشان واگذارد. و در نتیجه،) بهره ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و

برای آنها مجازات بزرگی است!

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۷)

(آری،) کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زبانی نمی رسانند. و برای آنها، مجازات دردناکی است!

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنْفُسِهِمْ □ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا □ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۷۸)

آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) گمان نکنند مهلتی که به آنان می دهیم، به سودشان است. ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای این که بر گناهان خود بیفزایند. و برای آنها، عذاب خوارکننده ای (آماده شده) است.

□
مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ □ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ □ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ □ وَإِن تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۹)

ممکن نبود که خداوند، مؤمنان را به همین گونه که شما هستید واگذارد. مگر آن که ناپاک را از پاک جدا سازد. و ممکن نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید). ولی خداوند از میان پیامبران خود، هر کس را بخواهد

برمی گزیند. (و برای رهبری مردم از غیب آگاهی می کند) پس به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای

شماست

وَلَمَّا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ ۖ يَلْبَسُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَاللَّهُ
مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۸۰)

کسانی که نسبت به آنچه خدا از فضل خویش به آنان داده، بخل میورزند (و انفاق نمی کنند)، گمان نکنند این کار به سود آنهاست. بلکه برای آنها

شر است. بزودی در روز قیامت، آنچه نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان افکنده می شود. و میراث آسمانها و زمین، از آن خداست.

و خداوند، از آنچه انجام می دهید، آگاه است.

ص: ۷۳

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ □ سَيَنْكَتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۱۸۱)

خداوند، سخن آنها [= گروهی از یهود] را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی نیازیم»، شنید! بزودی آنچه را گفتند، و (نیز) کشتن پیامبران را به ناحق، خواهیم نوشت. و به آنها خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان را!» □

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۱۸۲)

این بخاطر کارهایی است که با دست خود از پیش فرستاده اید و اینکه خداوند، نسبت به بندگان

(خود)، هرگز ستم روا نمی دارد

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا آلا نُوْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ □ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳)

(اینها همان) کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (به عنوان معجزه) یک

قربانی بیاورد، که آتش (صاعقه) آن را بسوزاند!» بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند. و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردند. اگر راست می گوید چرا آنها را

به قتل رساندید؟!»

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

پس اگر (این بهانه جوینان) تو را تکذیب کنند، (چیز تازه ای نیست). پیامبران پیش از تو (نیز) تکذیب شدند. (پیامبرانی) که دلایل آشکار، و

نوشته های متین و محکم، و کتاب روشنی بخش آورده بودند.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ □ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ □ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزُورِ (۱۸۵)

هر انسانی مرگ را می چشد.

و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت. و هر کس از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شود، نجات یافته و رستگار شده است و زندگی

دنیا، چیزی جز مایه فریب نیست.

﴿ لَتَنَلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا ﴾ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶)

به یقین (همه شما) در اموال و جانهای خود، آزمایش می شوید! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب آسمانی داده

شده و از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید. و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته تر است. زیرا) این (استقامت و تقوا) از کارهای مهم

است

ص: ۷۴

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَبَسَّ مَا يَشْتَرُونَ
(۱۸۷)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها،

آن را پشت سر افکندند. و به بهای ناچیزی فروختند. و چه بد متاعی می خرنند!؟

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُتُوا وَيُجِبُونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازِهِ مِنَ الْعَذَابِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸۸)

گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می شوند، و دوست دارند در

برابر کار (نیکی) که انجام نداده اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند. (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است!

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۸۹)

و حکومت و مالکیت آسمانها و

زمین، از آن خداست. و خدا بر هر چیزی تواناست.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰)

به یقین در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب

و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)

(همان) کسانی که خدا را ایستاده و نشسته، و در حالی که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند. و در اسرار

آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند. (و می گویند): پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده ای. منزهی تو! ما را از عذاب دوزخ، نگاهدار.

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۱۹۲)

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر

اعمالش،) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای. و برای ستمکاران، هیچ یآوری نیست

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ۖ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳)

پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت

می کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید.» و ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را ببخش.

و بدیهای ما را بپوشان. و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران!

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱۹۴)

پروردگارا! آنچه را بوسیله پیامبران به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن. و ما را در روز رستاخیز،

رسوا مگردان. زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی.

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْتِي ۖ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ ۖ فَالذِّينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (۱۹۵)

پروردگارشان، درخواست آنها را پذیرفت. (و فرمود:) من عمل هیچ کسی از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد. شما از جنس یکدیگر (و پیرو یک آیین). لذا

کسانی که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند،

و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می بخشم. و آنها را در باغهای بهشتی، که از پای درختانش نهرها جاری است، وارد می کنم. این پاداشی

است از طرف خداوند. و بهترین پاداشها نزد خدا است.

لَا يُعْرَنُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (۱۹۶)

آمد و شد (پیرومندان) کافران در شهرها، ت و را نفریبد!

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۹۷)

این متاع ناچیزی است. و سپس

جایگاهشان دوزخ است،

و چه بدجایگاهی است!

□
لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ (۱۹۸)

ولی کسانی که (ایمان دارند، و) از (نافرمانی) پروردگارشان می پرهیزند، برای آنها باغهایی بهشتی است، که از پای درختانش نهرها

جاری است. جاودانه در آن خواهند بود. این، (نخستین) پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می رسد. و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است!

□
وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹۹)

و از

اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند. در برابر (فرمان) خدا خاضعند. و آیات خدا را به بهای

ناچیزی نمی فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را بسرعت حساب می کند، و پاداش می دهد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها)، استقامت کنید. و در برابر دشمنان، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از (مخالفت

فرمان) خدا پرهیزید، شاید رستگار شوید!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً
 □ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید همان کسی که (همه) شما را از یک انسان آفرید. و همسر او را (نیز) از جنس او خلق

کرد. و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که هرگاه چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید و (نیز) از (قطع

رابطه با) خویشاوندان (پرهیز کنید) زیرا خداوند، مراقب شماست.

وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ □ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ □ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ □ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۲)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حدّ رشد رسیدند) به آنها بدهید. و اموال بد (خود) را، با اموال

خوب (آنها) عوض نکنید. و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ □ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ
 أَيْمَانُكُمْ □ ذَلِكَ أَذُنِي أَلَّا تَعُولُوا (۳)

واگر می ترسید که (به هنگام

ازدواج با دختران یتیم)، عدالت رارعايت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان (پاک) مورد علاقه خود ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر. واگر می

ترسید عدالت را (درباره همسران متعدّد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید. این کار، به ترک ظلم و ستم نزدیک تر

است.

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ □ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (۴)

و مهر زنان را (به طور کامل) بعنوان یک بدهی (یا هدیه)، به آنان پردازید. (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به

شما ببخشند، حلال و گوارا

مصرف کنید.

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵)

اموالتان را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید. و از منافع آن، به آنها روزی دهید. و لباس بر آنان بپوشانید و با

آنها سخن شایسته بگویید.

وَابْتُلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۚ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید. اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید. و پیش از آن که بزرگ شوند، اموالشان را عجلولانه و از روی

اسراف نخورید هر کس که بی نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند. و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می کشد)، از

آن مصرف کند.

و هنگامی که اموالشان را به آنها باز می گردانید، بر آنها شاهد بگیرید. (اگر چه) خداوند برای محاسبه کافی است.

ص: ۷۷

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷)

برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان، برجای می گذارند، سهمی است. و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای می گذارند، سهمی. خواه

آن چیز، کم باشد یا زیاد. این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸)

و اگر به هنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه ای که ارث نمی برند) و یتیمان و

مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید. و با آنان بطور شایسته سخن بگویید.

وَلِيُخْشِيَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)

کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند

(از ستم دیگران) بر آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! و از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (۱۰)

کسانی که اموال یتیمان را به

ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت)، تنها آتش می خورند. و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند.

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حِظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۖ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۖ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ۖ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ ۖ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ ۖ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ۖ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ ۖ مِن بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينٍ ۖ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا ۖ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱)

خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می کند

که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد. و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست. و اگر یک دختر باشد،

نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میت، یک ششم میراث است، اگر او فرزندی داشته باشد. و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و

مادرش از او ارث می برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است). و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده،

برای پدر است و همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است _ شما نمی دانید پدران (و مادران) و فرزندان، کدام یک برای شما

سودمندترند _ این فریضه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است.

ص: ۷۸

□ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ □ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ □ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ □ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ □ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ □ مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ تُوَصُّونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ □ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ □ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ □ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ □ وَصِيَّتُهُ مِّنَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند. و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم میراث آنها از آن شماست. پس از انجام وصیّتی که به

آن سفارش کرده اند، و ادای دین. و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید. و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم میراث شما از

آن آنهاست. بعد از انجام وصیّتی که به آن سفارش کرده اید، و ادای دین. و اگر (میت) مرد یا زنی بوده باشد که خواهر یا برادر از او ارث می برند. و یک برادر یا یک

خواهر دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادر و خواهر مادری باشد). و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند. پس از انجام وصیّتی که به آن

سفارش شده، و ادای دین. به شرط آن که (از طریق وصیّت و اقرار به دین)، به ورثه ضرر نزنند. این سفارش خداست. و خدا دانا و دارای حلم است.

□ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ □ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا □ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)

اینها مرزهای الهی است. و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد)، خداوند وی را در باغهایی بهشتی وارد می کند که نهرها از پای درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند بود. و این، رستگاری بزرگ است.

□ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۴)

و هر کس در برابر خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای او تجاوز نماید، خداوند او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد بود. و برای او مجازات خوارکننده ای است.

وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نُسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَهُ مِنْكُمْ □ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵)

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از شما مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید. اگر گواهی دادند، آن زنان را در خانه ها (ی خود) نگاه دارید تا

مرگشان فرارسد. یا این که خداوند، برای آنها راه نجاتی قرار دهد.

وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا □ فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۱۶)

و از میان شما، آن مرد

و زنی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می شوند، آنها را (با اجرای حد) مجازات کنید و اگر توبه کنند، و (خود) را اصلاح نمایند، از آنها درگذرید زیرا خداوند،

توبه پذیر و مهربان است.

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷)

پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بد را از روی جهالت انجام می دهند، سپس به زودی توبه می کنند. خداوند،

توبه چنین کسانی را می پذیرد. و خدا دانا و حکیم است.

□
وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ □ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِيمَانَ □ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ □ أُولَئِكَ □
أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۸)

ولی توبه کسانی که کارهای بد انجام می دهند، تا هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می

گوید: «الان توبه کردم.» پذیرفته نیست. و نه کسانی که در حال کفر از دنیا می روند. اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا يُحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا □ وَلَا تَعْضُوهُنَّ لِيَتَّذِرْنَ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ □
وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ □ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ □ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید

و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را (به عنوان مهر) به آنها داده اید، تملک کنید! مگر این که آنها عمل

زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور

شایسته رفتار کنید. و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید). چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار

می دهد

ص: ۸۰

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا □ أَتَأْخُذُونَ بِمُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا (۲۰)

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به یکی از آنها پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید. آیا برای باز

پس گرفتن آن، به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید؟!

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذَنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (۲۱)

و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر آمیزش کامل داشته اید؟! و (از این

گذشته)، آنها (هنگام ازدواج)، از شما پیمان محکمی گرفته اند.

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ □ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۲۲)

با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، ازدواج نکنید. مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول

این حکم) انجام شده است. زیرا این، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرِّضَاعِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ يَكُنُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۳)

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و

خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان

شما هستند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید _ و چنانچه با آنها آمیزش نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد _ و (همچنین)

همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند

(_ نه پسرخوانده ها _) و (نیز حرام است بر شما) میان دو خواهر جمع کنید. مگر آنچه در گذشته واقع شده. چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

□ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ □ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ □ وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ □ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً □ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

و زنان شوهردار (بر شما حرام است). مگر آنها را که (در جنگ با کفار اسیر کرده و) مالک شده اید. (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است.) اینها احکامی است که

خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید. در حالی که پاکدامن باشید و

از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [= ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر

توافق کرده اید. (بعدها می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است.

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فِتْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ □ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ □ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ □ فَاَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ □ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ □ فَإِذَا أَحْصَنْتَ فَإِنْ أَتَيْتَ بِفَاحِشِهِ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ □ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ □ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵)

و هر کس که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن با ایمان را ندارد، می تواند با زنان پاکدامن از بردگان با ایمانی که در اختیار دارید ازدواج کند _ خدا به ایمان شما آگاه تر است. و همگی اعضای یک پیکرید _ آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به طور شایسته به خودشان بدهید. در حالی که پاکدامن باشند، (یعنی) نه مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند (و کسی آنها را مجبور به زنا نکرده باشد) و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان (آزاد) پاکدامن را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند. و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ الَّذِي بَدَأَ بِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶)

خداوند می خواهد (با این دستورها راههای سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند و توبه شما را بپذیرد. و خداوند دانا و حکیم است.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (۲۷)

خدا می خواهد توبه شما را بپذیرد (و از آلودگی پاک نماید). اما آنها که پیرو شهواتند، می خواهند بکلی منحرف شوید.

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ □ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

خدا می خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن) کار را بر شما سبک (و آسان) کند. زیرا انسان، ضعیف آفریده شده

(و در برابر تکالیف سنگین، کم توان) است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ □ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را در میان خود باطل (و از طرق نامشروع) نخورید. مگر این که تجارتنی با

رضایت طرفین شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است.

□ □
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا □ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند، بزودی او را در آتشی وارد

خواهیم ساخت. و این کار برای خدا آسان است.

إِنْ تَجَنَّبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا (۳۱)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم (و می بخشیم). و

شما را در جایگاه با ارزشی وارد می کنیم.

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ □ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا □ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ □ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)

(امتيازات و) برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. (این تفاوت‌های طبیعی و

حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شماست. با این حال،) مردان به سبب آنچه به دست می آورند نصیبی دارند، و زنان نیز

نصیبی. (و نباید حقوق هیچ یک پایمال

گردد). و از فضل خدا، (برای رفع تنگناها) استمداد جویید. زیرا خداوند به هر چیز داناست.

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ □ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
(۳۳)

برای هر کس، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث

ببرند. و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته اید، نصیبشان را به آنان پردازید خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است.

ص: ۸۳

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۚ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ ۚ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَتَّبِعُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا (۳۴)

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر هزینه هایی که از

اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان شایسته، زانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان

قرار داده، حفظ می کنند.

و زانی را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید. و (اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید. و (اگر راهی جز شدت عمل نبود) آنها را

تنبيه کنید. اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید. (بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا (۳۵)

و اگر از جدایی میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو (داور)، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند دل های آن دو را به هم نزدیک می سازد. زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیت همه، باخبر است).

ۚ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِالذَّوِّ الْقَرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَأَبْصَرُ ۙ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا (۳۶)

و خدا را پرستید. و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید. و به پدر و مادر، نیکی کنید. همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و وامانندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید. زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند)، دوست نمی دارد.

الَّذِينَ يَخْلُونِ بِأَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۳۷)

(همان) کسانی که بخل میورزند، و مردم را نیز به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته). و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم.

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ □ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۳۸)

و (همان) کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم (و ریاکاری) انفاق می کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند. (چرا که شیطان، رفیق و همنشین

آنهاست.)

و کسی که شیطان همنشین او باشد، بد همنشینی انتخاب کرده است.

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ □ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (۳۹)

چه زیانی داشت اگر آنها به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به

آنان روزی داده، (در راه او) انفاق می کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیات) آنها آگاه است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ □ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۰)

خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند. و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان (و بیشتر) می سازد. و از نزد خود، پاداش عظیمی (به آنها) می دهد.

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (۴۱)

حال آنها چگونه است هنگامی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟!

يَوْمَئِذٍ يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (۴۲)

در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر به مخالفت برخاستند، آرزو می کنند (خاک بودند، و) با زمین یکسان می شدند. و (در آن روز)، نمی توانند سخنی را از خدا پنهان کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ □ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ □ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا □ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ □ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز (و جماعت در مسجد) نزدیک نشوید، تا بدانید چه می گوئید. و همچنین در حالی که جنب هستید _ مگر در حال عبور (از مسجد) _ تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا یکی از شما از محل پستی آمده (و قضای حاجت کرده)، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل)

نیافتید، بر زمین پاکی تیمم کنید. (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَهَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضَلُّوا السَّبِيلَ (۴۴)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب آسمانی به آنها داده شده است، (به جای این که از آن، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند،

برای خویش) گمراهی می خرنند، و می خواهند شما نیز گمراه شوید؟!!

ص: ۸۵

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ □ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵)

خدا دشمنان شما را بهتر می شناسد. (و آنها نمی توانند زبانی به شما برسانند.) و کافی است که خدا ولی شما باشد. و کافی است که خدا یاور شما

باشد

مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْتَ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ □ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْتَ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۴۶)

بعضی از یهود، سخنان را از موردش، تحریف می کنند. و (به جای این که بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم و (نیز

می گویند:) بشنو که هرگز نشنوی! (و از روی تمسخر می گویند:) راعنا [= ما را تحمیق کن.] تا با زبان خود، حقایق را تحریف کنند و به آیین خدا، طعنه زنند. ولی

اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده

(تا حقایق را درک کنیم)»، برای آنان بهتر، و استوارتر بود. ولی خداوند، آنها را به سبب کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است. از این رو جز عده کمی ایمان نمی آورند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَيَّ أَذْبَارَهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ □ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷)

ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم _ و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست _ ایمان بیاورید، پیش از آن که صورت (انسانی) گروهی را محو کنیم، سپس به پشت سر باز گردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را از رحمت خود دور ساختیم. و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است.

□
إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ □ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (۴۸)

خداوند (هرگز) شرک به او را نمی بخشد. و کمتر از آن را

برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد. و آن کس که برای خدا، همتایی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ □ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۴۹)

آیا ندیدی کسانی را که (بی

جهت) خودستایی می کنند؟! ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، ستایش می کند. و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ □ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا (۵۰)

بین چگونه بر خدا دروغ

می بندند! و همین گناه (بزرگ و) آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا
(۵۱)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب آسمانی به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و «طاغوت» [= بت و بت پرستان] ایمان می آورند، و درباره کافران می گویند: «آنها، از کسانی که ایمان آورده اند، به راه هدایت نزدیک ترند»؟!]

ص: ۸۶

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ □ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (۵۲)

آنها کسانی هستند که خداوند، ایشان را از رحمت خود، دور ساخته است. و هر کس را خدا از رحمتش دور سازد، هرگز یآوری برای او نخواهی یافت.

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (۵۳)

آیا آنها [یهود] سهمی در حکومت دارند (که بخواهند چنین داوری کنند)؟! در حالی که اگر چنین بود کمترین حقی را به مردم نمی دادند.

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ □ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (۵۴)

یا این که نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد میورزند؟! ما به خاندان ابراهیم، (که یهود از آنها هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم. و حکومت عظیمی در اختیار آنها [= پیامبران بنی اسرائیل] قرار دادیم.

فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ □ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۵۵)

ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردند. و جمعی راه (مردم) را بر آن بستند. و شعله (سوزان) آتش دوزخ،

برای آنها) کافی است!

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلِمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدُلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (۵۶)

کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را در آتشی وارد می کنیم که هر گاه پوستهای تن آنها (در آن) بسوزد، پوستهای دیگری به

جای آن برای آنها قرار می دهیم، تا کيفر (الهی) را بچشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کيفر می دهد).

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ □ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (۵۷)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای

شایسته انجام دادند، بزودی آنها را در باغهای بهشتی وارد می کنیم که نهرها از پای درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند. و در آنجا همسرانی پاکیزه

برای آنها خواهد بود. و آنان را در سایه ای گسترده (و فرح بخش) وارد می کنیم.

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ﴾ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ﴿ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۵۸)

خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید. و هنگامی که

میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد. خداوند، شنوا و بیناست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴿ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴿ ذَلِكُمْ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر (خدا)

و پیشوایان (معصوم) خود را. و هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر باز گردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار

برای شما) بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ بِرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (٦٠)

آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و پیش از تو نازل شده، ایمان آورده اند، در حالی که می خواهند برای داوری نزد

طاغوت و حکام باطل بروند؟! با این که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را در گمراهی دوری بیفکند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا (٦١)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید»، منافقان را می بینی که از (قبول دعوت) تو، به شدت اعراض می کنند.

فَكَيفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (٦٢)

پس

چگونه وقتی به خاطر اعمالی که در گذشته انجام دادند، گرفتار مصیبتی می شوند، سپس به سراغ تو می آیند، به خدا سوگند یاد می کنند که منظور ما (از بردن

داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع)، نبوده است؟! □

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (٦٣)

آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می داند. از (مجازات) آنان

صرف نظر کن. و آنها را اندرز ده. و با بیانی رسا، (نتایج اعمالشان را) به آنها گوشزد نما.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ □ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (٦٤)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی

اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند، و از خدا طلب آمرزش می کردند، و

پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۶۵)

به پروردگارت سوگند که آنها ایمان نخواهند آورد، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند. و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند. و کاملاً تسلیم باشند.

ص: ۸۸

وَلَوْ أَنَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ □ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثِيئًا (٦٦)

اگر (همانند بعضی از امت‌های پیشین،) به آنان دستور می‌دادیم: «خود را [= یکدیگر را] به قتل برسانید»، و یا: «از خانه‌ها (و سرزمین) خود، بیرون روید»، تنها عده کمی از آنها به آن عمل می‌کردند. و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد انجام می‌دادند، برای آنها بهتر بود. و موجب تقویت (ایمان) آنها می‌شد.

وَإِذَا لَأَتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا (٦٧)

و در این صورت، پاداش بزرگی از نزد خود به آنها می‌دادیم.

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (٦٨)

و به یقین آنان را به راه راست، هدایت می‌کردیم.

□
وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ □ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (٦٩)

و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده. از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان. و آنها همنشین خوبی هستند.

□
ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ □ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا (٧٠)

این موهبتی از ناحیه خداست. و کافی است که او، (از حال بندگان، و نیات و اعمالشان) آگاه است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا (٧١)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید. و در گروه‌های متعدد، یا به صورت یک گروه، (طبق شرایط موجود، به سوی دشمن) حرکت نمایید.

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْتُنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالْ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا (٧٢)

در میان شما، کسانی (از منافقان) هستند، که دیگران را به سستی می‌کشاند. اگر مصیبتی به شما برسد، می‌گویند: «خدا به ما نعمت داد که با آنها [=مجاهدان] شاهد (آن مصیبت) نبودیم.»

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (٧٣)

و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل این که هرگز میان شما و آنها دوستی و مودتی نبوده، می‌گویند:

گویند: «ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به رستگاری (و پیروزی) بزرگی می رسیدیم!»

﴿ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴾
(۷۴)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند. و

هر کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

ص: ۸۹

وَمَا لَكُمْ لِمَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (٧٥)

چرا در راه خدا، و (برای رهایی) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده ای) که می گویند: «

پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر (و رهایی ببخش). و از سوی خود، برای ما سرپرستی قرار ده. و از جانب خود، یار و یابوری برای ما

مقرر فرما»

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ □ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ □ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (٧٦)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند. و آنها که کافرند، در راه طاغوت [=بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید. (و از آنها نهراسید). زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً □ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ □ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ □ وَلَا تُظَلِّمُونَ فِتْنًا (٧٧)

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «(فعلاً) دست از جهاد بردارید. و نماز

را برپا کنید. و زکات را بپردازید.» (اما آنها از این دستور ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می

ترسیدند، همان گونه که از خدا می ترسند، بلکه بیشتر. و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به

آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است. و آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است. و کمترین ستمی به شما نخواهد شد.»

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ سُبُلَ اللَّهِ □ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ فِي سُبُلِ اللَّهِ □ وَإِنْ تَصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ □ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ □ قُلْ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ □ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (٧٨)

هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد. هر چند در برجهای محکم باشید. و اگر به آنها [= منافقان] نیکی (و پیروزی) برسد،

می گویند: «این، از ناحیه خداست.» و اگر به آنها بدی (و شکستی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه توست.» بگو: «همه از ناحیه خداست.» پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟!

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ □ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ □ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا □ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۷۹)

(آری،) آنچه از

نیکی به تو می رسد، از طرف خداست. و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم. و کافی است که خدا گواه (بر

این امر) باشد.

ص: ۹۰

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ □ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (۸۰)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده. و هر کس که سر باز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم (و در برابر او، مسئول نیستی).

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ □ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُشِئُونَ □ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ □
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۸۱)

(آنها در حضور)

تو می گویند: «فرمانبرداریم». اما هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته های تو، جلسات شبانه تشکیل می دهند. آنچه را در این

جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنایی به آنها نکن. (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش). و بر خدا توکل کن. کافی است که او یار و مدافع تو باشد

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ □ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۸۲)

آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! در حالی که اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند.

وَإِذَا حِجَاهُمْ أَمَرَ مَنْ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ □ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ □
وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۸۳)

و هنگامی که خبری امید بخش یا نگران کننده به آنها

برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند. در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایانشان باز گردانند، کسانی که قدرت تشخیص کافی دارند، از ریشه های

مسائل آگاه خواهند شد. (و به آنها اطلاع خواهند داد) و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، همگی، جز عده کمی، از شیطان پیروی می کردید (و گمراه می

شدید).

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ □ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ □ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا □ وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ
تَنْكِيلًا (۸۴)

در راه خدا پیکار کن، تنها مسؤول انجام وظیفه خود هستی. و مؤمنان را (بر این کار)، تشویق نما. امید است خداوند از قدرت

کافران جلوگیری کند)

حتی اگر تنها خودت به میدان بروی). و خداوند قدرتش بیشتر،

و مجازاتش دردناک تر است.

مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا □ وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا □ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۸۵)

کسی که شفاعت [= تشویق و کمک] برای کار نیکی کند، سهمی از آن برای او خواهد بود. و کسی که شفاعت برای کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حساب هر چیز را نگه می دارد.

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (۸۶)

هر گاه به شما تحیتی گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید. یا (لااقل) به همان گونه

پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۸۷)

معبودی جز خداوند نیست. و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز _ که شکی در آن نیست _ جمع می کند و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟!

ۚ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَكْسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا ۚ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۚ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۸۸)

چرا درباره منافقین دو دسته شده اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع و بعضی مجاز می دانید.) در حالی که خداوند بخاطر اعمالشان، (افکار) آنها را کاملاً وارونه کرده است. آیا شما می خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده، هدایت کنید؟! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، هرگز راهی برای (هدایت) او نخواهی یافت.

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً ۚ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ ۚ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۸۹)

آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و همانند یکدیگر باشید. بنابراین، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر این که (توبه کنند، و)

در راه خدا هجرت نمایند. اگر از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند)، هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید.

و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید. و از میان آنها، هیچ دوست و یوری اختیار نکنید.

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ ۚ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (۹۰)

مگر آنها که با همپیمانان شما، پیمان بسته اند. یا آنها که به سوی

شما می آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود به تنگ آمده اند. (نه سر جنگ با شما دارند، و نه توان مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما

مسلط می کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار نمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند برای شما راهی برای تعرض بر آنان

قرار نداده است.

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوا بَكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا ۖ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا ۚ فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ ۚ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (۹۱)

بزودی گروه دیگری را می یابید که می خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند،

و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند. ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه

(و بت پرستی) فرا خوانند، با سر در آن فرو می روند. اگر از درگیری با شما کنار نرفتند

و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید.

آنها کسانی هستند که ما برای شما،

تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم.

ص: ۹۲

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً ۚ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَيْهِمْ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا ۚ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۚ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدْيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَيْهِمْ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۚ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۹۲)

هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر این که (این کار) از روی خطا و اشتباه باشد. و اگر کسی مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهای به کسان او پردازد. مگر این که آنها خونبها را ببخشند.

و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمن شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول با ایمان بوده، (تنها) باید یک برده مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خونبها به کافران لازم نیست). و اگر از گروهی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او پردازد، و یک برده مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که نمی

تواند (برده آزاد کند) باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد. این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است.

وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (۹۳)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی

عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است. در حالی که جاودانه در آن خواهد بود. و خداوند بر او غضب می کند. و او را از رحمتش دور می سازد. و مجازات بزرگی

برای او آماده ساخته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ ۚ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا (و برای جهاد) سفر می کنید، تحقیق کنید.

و بخاطر این که متاع ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح

و اسلام می کند نگویید: «مسلمان نیستی». زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید. و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید).

پس، (به شکرانه این نعمت بزرگ)، تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً □ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى □ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۹۵)

(هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد خودداری می کنند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند،

مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر کسانی که از جهاد خودداری کرده اند مقام برتری بخشیده. و به هر یک (از این دو گروه به نسبت اعمال

نیکشان)، خداوند وعده پاداش نیک داده. و مجاهدان را بر کسانی که از جهاد خودداری کرده اند، با پاداش مهمی برتری بخشیده است.

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۹۶)

درجات (والا) و آمرزش و

رحمت از ناحیه خود (نصیب آنان می کند). و (اگر لغزش هایی داشته اند)، خداوند آمرزنده و مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ □ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ □ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا □ فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ □ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷)

کسانی که فرشتگان (قبض روح)، جان آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟» گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها [= فرشتگان] گفتند: «مگر زمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان دوزخ است، و فرجام بدی دارند

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸)

جز آن دسته از مردان و زنان و

کودکانی که برآستی تحت فشار قرار گرفته اند. نه توان چاره جویی دارند، و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می یابند.

□ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ □ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا (۹۹)

امید است خداوند، آنها را مورد

عفو قرار دهد. و خداوند، بخشنده

و آمرزنده است.

□ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَيِّعَةً □ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۰۰)

و هر کس که در راه خدا هجرت کند، مناطق امن فراوان

و امکانات وسیعی در زمین می یابد. و هر کس از خانه خود بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، خارج شود، سپس مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست. و

خداوند، آمرزنده

و مهربان است.

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا □ إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (۱۰۱)

هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید در صورتی که از فتنه (و خطر) کافران بترسید. زیرا کافران، دشمن

آشکاری برای شما هستند.

ص: ۹۴

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا آسِيحتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسِيحتَهُمْ ۖ وَالدَّيْنِ كَفَرُوا لِمَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسِيحتِكُمْ وَأَمْتَعْتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسِيحتِكُمْ ۖ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۱۰۲)

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در کنار میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را (با خود) بگیرند.

و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید در پشت سر شما قرار گیرند (و به میدان بازگردند) و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند (و مشغول پیکار

بوده اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند. آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان را (در حال نماز با خود) بگیرند. (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و وسایل خود

غافل شوید تا یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، گناهی بر شما نیست که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید. ولی

وسایل دفاعی (مانند زره و خود) را بگیرید. خداوند، عذاب خوارکننده ای برای کافران فراهم ساخته است.

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ۖ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (۱۰۳)

و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد

کنید. ایستاده،

و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده اید. و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (بطور معمول) برپا دارید، زیرا نماز، برای مؤمنان وظیفه ای

است ثابت

و دارای اوقات معین.

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۖ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ ۖ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۰۴)

و در تعقیب دشمن، (هیچ گاه) سست نشوید. (زیرا) اگر شما درد و رنج می بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند. در

حالی که

شما امیدی

از خدا (برای پاداش) دارید که آنها ندارند. و خداوند، دانا و حکیم است.

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ □ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (۱۰۵)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم. تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم

قضاوت کنی. و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی.

ص: ۹۵

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۰۶)

و از خداوند، طلب آمرزش نما، که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (۱۰۷)

و از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن. زیرا خداوند، افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد.

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (۱۰۸)

(آنها زشتکاری خود را) از مردم پنهان می دارند. اما از خدا پنهان نمی دارند.

و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود. خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد.

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۱۰۹)

آری، شما کسانی هستید

که در زندگی این جهان، از آنان دفاع کردید. اما کیست که در برابر خداوند، در روز رستاخیز از آنها دفاع کند؟! یا چه کسی است که حامی آنها باشد؟!

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۱۰)

هر کس کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱۱)

و هر کس گناهی مرتکب شود، به خود زیان رسانده. خداوند، دانا و حکیم است.

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۱۱۲)

و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بی گناهی را به آن متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری را بر دوش گرفته است.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِيعُوا لَوْكَ وَمَا يُضِيعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ ۖ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ ۖ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۖ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (۱۱۳)

اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند. امّا جز خودشان را گمراه نمی کنند. و هیچ گونه زیانی به تو نمی رسانند. خداوند، کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد. و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت. و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است.

□ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصِدْقِهِ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ □ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۱۴)

بسیاری از سخنان در گوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی ندارد. مگر کسی که (از این راه)، دعوت به کمک کردن به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان

مردم کند. و هر کس برای به دست آوردن خشنودی خداوند چنین کند، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

□ وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ □ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵)

هر کس که بعد از آشکار شدن هدایت برای

او، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان سو که می رود می بریم. و به دوزخ داخل می کنیم. و چه بد فرجامی است.

□
□ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ □ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۱۶)

خداوند، شرک به او را نمی آمرزد. (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بیند) می آمرزد.

و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است.

□ إِنَّ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَانَا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا (۱۱۷)

آنچه آنها غیر از خدا می خوانند، تنها بتهایی است بی روح و بی اثر یا شیطانی سرکش

و ویرانگر.

□ لَعَنَهُ اللَّهُ □ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۱۱۸)

(همان شیطانی که) خدا او را از رحمت خویش دور ساخت و او گفت: «از بندگان تو، سهم معینی خواهم گرفت.

□ وَاللَّائِمَاتُ لَهُمْ وَأَلْمَائِهِمْ وَلَا يُؤْمِنُ الَّذِينَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْئِيَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ □ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَسَدَّ خَسْرًا حُسْرَانًا مُّبِينًا (۱۱۹)

و آنها را گمراه می کنم. و به

آرزوها سرگرم می سازم. و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهار پایان را بشکافند، و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند. (و فطرت

توحید را به شرک بیالایند.» و هر کس، شیطان را به جای خدا ولیّ خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِّيهِمْ □ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲۰)

شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد. و به

آرزوها، سرگرم می‌سازد. در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد.

□
أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (۱۲۱)

آنها [= پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است. و هیچ راه فراری از آن ندارند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ وَعِيدَ اللَّهُ حَقًّا □ وَمَنْ أَضِدُّ مَنِ
اللَّهِ قِيلًا (۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، بزودی آنان را در باغهای بهشتی وارد می کنیم که نهرها از پای درختانش جاری است. جاودانه در آن

خواهند بود. خداوند وعده حقی داده است و کیست که در گفتار و وعده هایش، از خدا راستگوتر باشد!؟

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ □ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳)

(پاداش های الهی) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل

کتاب نیست. هر کس عمل بدی انجام دهد، مطابق آن کیفر داده می شود. و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت.

□ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى □ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا (۱۲۴)

و کسانی که کار شایسته ای

انجام دهند، خواه مرد باشند یا زن،

در حالی که ایمان داشته باشند، چنین کسانی داخل بهشت می شوند. و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

□ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا □ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (۱۲۵)

دین و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که

خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و از آیین ابراهیم که ایمانی خالص و پاک داشت پیروی کند؟! و خدا ابراهیم را به دوستی انتخاب کرد.

□ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (۱۲۶)

آنچه در آسمانها و

زمین است، از آن خداست. و خداوند به هر چیزی احاطه دارد.

□ وَيَسِّرْ لَكَ فِي النَّسَاءِ □ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النَّسَاءِ اللَّاتِي لَمَا تُوْتُوْنَهُنَّ مِمَّا كُتِبَ لَهُنَّ
□ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ □ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

از تو درباره (حکم و حقوق) زنان سؤال می کنند. بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می

دهد و آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی دهید و می خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان

شده است، (بخشی از سفارشهای خدا در این زمینه است. و به شما سفارش می کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید.

و هر کار نیکی انجام می دهید، خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می دهد)».

ص: ۹۸

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا □ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ □ وَأَحْضَرْتِ الْآنْفُسُ الشُّحَّ □
وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۲۸)

و اگر زنی، از سرکشی و ناسازگاری یا بی اعتنایی شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم به گونه ای صلح کنند (و از پاره ای از حقوق خود، بخاطر صلح،

صرف نظر نمایند). و صلح، بهتر است. اگر چه (بسیاری از) مردم (طبق هوای نفسشان، در این گونه موارد) بخل میورزند. و گذشت ندارند و اگر نیکی (و گذشت)

کنید و پرهیزگاری پیشه سازید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

وَلَنْ تَشِيَّتَطِيعُوا أَنْ تَعِدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ □ فَلَمَّا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ □ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَفُورًا رَحِيمًا (۱۲۹)

شما هرگز نمی توانید (از نظر محبت

قلبی) در میان زنان خود، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید. ولی تمایل خود را بکلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی بلا تکلیف در آورید. و

اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهِ □ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (۱۳۰)

و اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها

را با گشایش و فضل خویش، بی نیاز می کند. و خداوند، دارای فضل و احسان گسترده، و حکیم است.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ □ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا
فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (۱۳۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست.

وما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، و نیز به شما سفارش کردیم، که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید. و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی

نمی رسد). زیرا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خداست. و خداوند، بی نیاز و ستوده است.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۳۲)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. و کافی

است که خدا، حافظ و نگاهبان (شما) باشد.

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِالْآخِرِينَ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيَّ ذَلِكًا قَدِيرًا (۱۳۳)

ای مردم! اگر او بخواهد، شما را (از میان) می برد و افراد دیگری را (به جای شما) می آورد. و خداوند، بر این کار تواناست.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ □ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱۳۴)

کسانی که پاداش دنیوی بخواهند، (و از پاداش اخروی غافل باشند، در اشتباهند. زیرا) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست. و خداوند، شنوا و بیناست.

ص: ۹۹

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ □ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا □ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا □ وَإِنْ تَلَوْتُمْ أَوْ نَعَرَضُوا فَلِإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره و همیشه قیام به عدالت کنید. برای خدا گواهی دهید، اگر چه به زیان شما، یا پدر و مادر و نزدیکانتان بوده باشد! (چرا که) اگر او

[= کسی که گواهی شما به زیان اوست] غنی یا فقیر باشد، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوا و هوس پیروی نکنید. که منحرف خواهید شد. و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ □ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبرش، و

کتابی که بر او نازل کرده، و کتب آسمانی که پیش از آن فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید. کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبران و روز واپسین را

انکار کند، در گمراهی دوری افتاده است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا (۱۳۷)

کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، و باز هم ایمان آوردند، و دیگر بار کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید، و آنها را به راه (راست) هدایت نخواهد کرد.

بَشَرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۳۸)

به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی

در انتظار آنهاست!

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ □ أَيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۳۹)

(همان) کسانی که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و سربلندی را نزد آنان می جویند با این که همه عزت‌ها

از آن خداست!؟

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱۴۰)

و (خداوند این حکم را) در کتابش بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، با آنها ننشینید تا به سخن

دیگری پردازند. و گرنه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، همه منافقان و کافران را در دوزخ جمع می کند.

ص: ۱۰۰

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ □ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۴۶)

مگر کسانی که توبه کنند، و

اصلاح (و جبران) نمایند و به خدا تمسک جویند، و دین خود را برای خدا خالص کنند. آنها با مؤمنان خواهند بود. و خداوند به افراد با ایمان، پاداش عظیمی خواهد

داد.

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ □ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (۱۴۷)

اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید چگونه ممکن است خداوند شما را مجازات کند؟! خداوند (در برابر اعمال شما) قدردان و (از آن) آگاه است.

ص: ۱۰۱

□ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالشُّوْءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ □ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (۱۴۸)

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (ی دیگران) را اظهار کند. مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست.

إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (۱۴۹)

اگر نیکیها را

آشکار یا پنهان سازید، و از بدیها گذشت نمایید، خداوند آمرزنده و تواناست (و با این که قادر بر مجازات است، عفو و گذشت می کند).

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰)

کسانی که به خدا و

پیامبران او کفر میورزند، و می خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی بیفکنند، و می گویند: «به بعضی ایمان می آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می خواهند

در میان این (دو)، راهی

(برای خود) انتخاب کنند.

□
أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا □ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۱۵۱)

آنها کافران حقیقی اند. و برای کافران، مجازات خوارکننده ای فراهم ساخته ایم.

□
وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۵۲)

ولی کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان

آورده،

و میان هیچ یک از آنها فرق نگذاشته اند، خداوند پاداششان را خواهد داد. خداوند، آمرزنده و مهربان است.

□
يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ □ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ □ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ □ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ □ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ □ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۵۳)

اهل کتاب از تو می خواهند کتابی از آسمان (یکجا)

بر آنها نازل کنی. (در حالی که این یک بهانه است.) آنها از موسی، بزرگتر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!» و بخاطر ظلم و ستمشان،

صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند. ولی ما از آن در گذشتیم (و عفو

کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم.

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (۱۵۴)

و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتیم. و در همان حال از آنها پیمان گرفتیم، و به آنها گفتیم: «(برای توبه،) از در (بیت

المقدس) با خضوع در آیید.»

و به آنان گفتیم: «در روز شنبه تعدی نکنید (و دست از کار بکشید.)» و از آنان (در برابر همه اینها،) پیمان محکمی گرفتیم.

ص: ۱۰۲

فَبِمَا نَقَضْتُمْ بِهِ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ □ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵۵)

(ولی) بخاطر پیمان شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران به ناحق، و این که (از روی استهزا) می گفتند: «دل‌های ما، در غلاف است (و سخنان پیامبر را

درک نمی کنیم.» رانده درگاه خدا شدند.) آری، خداوند به سبب کفرشان، بر دل‌های آنها مهر زده. که جز عده کمی (که راه حق می پویند) ایمان نمی آورند.

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (۱۵۶)

و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند.

□
وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ □ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ □ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ □ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (۱۵۷)

و اینکه گفتند: «ما، مسیح _ عیسی بن مریم _، پیامبر خدا را کشتیم.» در حالی که نه او را کشتند، و نه بردار کردند. بلکه امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، نسبت به آن در شک هستند و به هیچ صورت علم به آن ندارند و تنها از پندارهای بی اساس پیروی می کنند. و به یقین او را نکشتند.

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ □ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۵۸)

بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است.

وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ □ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (۱۵۹)

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او [= حضرت مسیح] ایمان می آورد. و روز قیامت، علیه آنها گواه خواهد بود.

فَبُظْلِمَ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيْبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (۱۶۰)

بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز)

بخاطر بازداشتن فراوان آنها از راه خدا، بخشی از چیزها (و خوراکی های) پاکیزه را که برای آنها حلال شده بود، بر آنان حرام کردیم.

وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّ وَقَدْ نُهِوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ □ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶۱)

و (همچنین) بخاطر ربا

گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند.

و خوردن اموال مردم بباطل. و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم.

□
لَكِنَّ الرّٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ بِمَا نُزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا نُزِلَ مِنْ قَبْلِكَ □ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ □ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۶۲)

ولی راسخان در علم از آنها، و مؤمنان (از امت اسلام)، به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نماز گزاران

و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد.

ص: ۱۰۳

□ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ □ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى □ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ □ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۱۶۳)

ما به تو وحی فرستادیم. همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم.

و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [= پیامبران از فرزندان یعقوب] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم. و به داود زبور بخشیدیم.

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ □ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴)

و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته ایم.

و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده ایم. و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود).

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ □ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵)

پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا

بعد از (آمدن) این پیامبران، حجتی برای مردم در برابر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود). و خداوند، تواناو حکیم است.

□ لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ □ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ □ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ □ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۱۶۶)

(آنها نبوت تو را انکار می

کنند) ولی خداوند گواهی می دهد به آنچه بر تو نازل کرده. که از روی علمش نازل کرده است.

و فرشتگان (نیز) گواهی می دهند. هر چند گواهی خدا کافی است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۶۷)

کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، در گمراهی دوری افتاده اند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (۱۶۸)

کسانی که کافر شدند، و (به خود و دیگران) ستم کردند، هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد،

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۶۹)

مگر به راه دوزخ،

که جاودانه در آن خواهند ماند. و این امر برای خدا آسان است!

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ □ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷۰)

ای مردم! پیامبر (ی که انتظارش را می کشیدید)، حق را از جانب پروردگارتان برای شما آورده

است، پس به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است. و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد). زیرا آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا

و حکیم است.

ص: ۱۰۴

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ □ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ □ فَاٰمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ □ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً □ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ □ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ □ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ □ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (١٧١)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید. و درباره خدا، غیر از حق نگویید. مسیح _ عیسی بن مریم _ فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست. که او

را به مریم القا نمود. و روحی (شایسته) از طرف او بود. پس به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید.

و نگویید: «(خداوند) سه گانه است.» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است. خدا، تنها معبود یگانه است. او منزّه است که فرزندی داشته باشد.

(بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است. و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است.

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ □ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (١٧٢)

هیچ گاه مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد. و

نه فرشتگان مقرب

(از این ابا دارند). و آنها که از بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، بزودی خداوند همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ □ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (١٧٣)

پس کسانی که ایمان آوردند

و کارهای شایسته انجام دادند، پاداششان را بطور کامل به آنان خواهد داد. و از فضل

و بخشش خود، بر (پاداش) آنها خواهد افزود. ولی کسانی را که ابا کردند و تکبر ورزیدند، با مجازات دردناکی کیفر خواهد داد. و برای خود، غیر از خدا، سرپرست

و یابوری نخواهند یافت (اگر توبه کنند).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (١٧٤)

ای مردم! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده. و نور آشکاری [= کتاب آسمانی] به سوی شما نازل کرده ایم.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا (۱۷۵)

پس کسانی که به خدا ایمان آوردند و به آن (کتاب آسمانی) چنگ زدند، بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت. و در راه راستی، به

سوی خویش هدایت می کند (ولی کسانی که کافر شدند به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد).

ص: ۱۰۵

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلِمَاتِ ۚ إِنَّ امْرُؤًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُن لَهَا
 وَلَدٌ ۚ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ ۚ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ ۚ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا
 ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۷۶)

از تو درباره حکم (ارث خواهران و برادران) سؤال می کنند، بگو: «خداوند، حکم (ارث) خواهر و برادر را برای شما بیان می کند: اگر مردی از دنیا برود، که فرزندی نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از آن اوست. و (اگر خواهری از دنیا برود و وارث او یک برادر باشد)، او تمام مال را از آن

خواهر، به ارث می برد، در صورتی که آن خواهر فرزند نداشته باشد. و اگر (وارث او) دو خواهر باشند دو سوم اموال را می برند. و اگر (وارثان) جمعی از برادران و

خواهران باشند، سهم هر برادر به اندازه سهم دو خواهر است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید. و خداوند به همه چیز

داناست.»

۵ - سوره المائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۚ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهار پایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است. مگر آنچه بر شما خوانده می شود (و استثنا

خواهد شد). و در حالی که در احرام هستید، صید را حلال نشمرید. خداوند هر چه را بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلِمَا الشَّهْرَ الْحَرَامِ وَلِمَا الْهَيْدَىٰ وَلِمَا الْقَلَائِدَ وَلِمَا آمَنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ
 وَرِضْوَانًا ۚ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا ۚ وَلَمَّا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَيَّدُوا أَن صَيَّدُوا ۚ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ
 وَالتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید!

شعائر الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید. و مخالفت با حدود الهی) را حلال ندانید. و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به

قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند. اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید

کردن برای شما مانعی ندارد. و دشمنی با

جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) باز داشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر

کمک کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است!

ص: ۱۰۶

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَالْحِمُّ الْخِنْزِيرُ وَمِمَّا أَهَّلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمِتْرَدِيُّهٗ وَالنَّطِيحَةُ وَمِمَّا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمِمَّا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ۚ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ۚ الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ ۚ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصِهِ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ ۚ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳)

(گوشت) مردار، و خون، و گوشت خوک، و

حیوانی که به غیر نام خدا ذبح شود، و حیوان خفه شده، و به زجر کشته شده، و حیوانی که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرد، و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان

دیگری مرده باشد. و باقیمانده صید حیوان درنده _ مگر آن که (بموقع به آن شکار برسید و) آن را سر ببرید _ و حیوانی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شود،

(همه) بر شما حرام شده است. و (همچنین) تقسیم کردن (گوشت حیوان) بوسیله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمایی. تمام این اینها، فسق و گناه است. _

امروز، کافران از (شکست) آیین شما مأیوس شدند. بنابراین، از آنها نترسید. و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم. و نعمت خود را بر شما

تمام نمودم. و اسلام را بعنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم _ اما کسانی که در حال گرسنگی، ناچار شوند، و تمایل به گناه نداشته باشند، (مانعی ندارد که از

گوشتهای ممنوع بخورند). _ خداوند، آمرزنده و مهربان است.

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ ۚ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۚ وَمِمَّا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْحَرْبِ مَكَلِّينَ تُعَلِّمُونَ هُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ ۚ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴)

از تو سؤال می کنند چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو: «هر آنچه پاکیزه است، برای

شما حلال گردیده. و سگهای شکاری تعلیم یافته که از آنچه خداوند به شما یاد داده است به آنها تعلیم داده اید از آنچه برای شما (صید می کنند و) نگاه می

دارند، بخورید. و نام خدا را (به هنگام فرستادن آنها) بر آن ببرید. و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است.»

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۚ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّلٌ لَهُمْ ۚ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ □ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۵)

امروز چیزهای پاکیزه برای شما

حلال شده. و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است. و طعام شما برای آنها حلال. و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش

از شما به آنها کتاب آسمانی داده شده، حلالند. هنگامی که مهر آنها را پردازید و پاکدامن باشید. نه زناکار، و نه دوست پنهانی (و نامشروع) گیرید. و کسی که

آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، انکار کند اعمال او تباه می گردد. و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود.

ص: ۱۰۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ □
 وَإِن كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا □ وَإِن كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
 صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ □ مِمَّا بَرِيءَ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٦)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز بر می خیزید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید. و سر و پاها را تا برآمدگی روی پا مسح کنید. و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید). و اگر بیمار یا مسافر

باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده (و قضای حاجت کرده)، یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و آب (برای غسل یا وضو) نیافتید، بر زمین پاکی تیمم کنید.

(به این طریق که) صورت [=پیشانی] و دست هایتان را با آن مسح کنید، خداوند نمی خواهد شما را در تنگنا قرار دهد. بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید. شاید شکر به جا آورید.

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا □ وَاتَّقُوا اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٧)

و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و

اطاعت کردیم». و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه هاست، آگاه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ □ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا □ اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ □ وَاتَّقُوا
 اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (٨)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و

از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند. عدالت پیشه کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است. و از (نافرمانی) خدا

پرهیزید، که خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ □ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (٩)

خداوند، به آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداش بزرگی داده

است.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۰)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْئُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ وَعَلَى اللَّهِ فَلْتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خویشتن، به یاد آورید. آن زمان که

گروهی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دستشان را از شما کوتاه کرد. از (مخالفت فرمان) خدا

بپرهیزید. و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب [= سرپرست] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم. اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به پیامبران من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض نیکویی دهید (و به نیازمندان کمک کنید)،

گناهان شما را می بخشم و شما را در باغهای بهشتی، که نهرها از پای درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف شده است.»

فَبِمَا نَقَضْتُمْ هِمَّ مِيثَاقِهِمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً ۖ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ۖ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۖ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳)

ولی بخاطر پیمان شکنی آنها، از رحمت خویش دورشان ساختیم. و دلهای آنان را سخت و پرقساوت نمودیم. آنها کلمات الهی را از

موردش تحریف می کنند. و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند. و پیوسته از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی، مگر عده کمی از آنان. ولی

از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصِيْرِي أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ □ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴)

و از کسانی که می گفتند: «ما نصرانی (و یاور مسیح) هستیم» (نیز) پیمان گرفتیم.

ولی آنها بخش مهمی از آنچه را به آنان تذکر داده شده بود به دست فراموشی سپردند. از این رو در میان آنها، تا روز قیامت، (و پایان دنیا) دشمنی و کینه افکندیم. و

خداوند، (در قیامت) آنها را از (نتایج) اعمالشان آگاه خواهد ساخت.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ □ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵)

ای اهل کتاب! فرستاده ما، به سوی شما آمد، در حالی که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی

را که شما کتمان می کردید روشن می سازد. و از بسیاری از آن، (که در این زمان مصلحت نیست)، صرف نظر می نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب روشنگری

به سوی شما آمد.

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۶)

خداوند به برکت آن، کسانی را که از رضای او پیروی کنند، به راههای سلامت و امنیت، هدایت می کند. و به فرمانش، آنان را از ظلمت ها

خارج ساخته به سوی نور می برد. و آنها را به سوی راه راست، هدایت می نماید.

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ □ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمُّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا □ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا □ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ □ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

کسانی که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، به یقین کافر

شدند. بگو: «اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می تواند مانع شود؟ (آری،) حکومت آسمانها

و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد از آن خداست. هر چه بخواهد، می آفریند. (حتی انسانی بدون پدر، مانند مسیح.) و خدا، بر هر چیزی تواناست.»

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ ۖ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ ۖ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۗ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
مَن يَشَاءُ ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

یهود و

نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاصّ) او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می کند؟! بلکه شما هم انسانی هستید از خلوقات

او. هر کس را بخواهد (و شایسته بیند)، می بخشد. و هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد)، مجازات می کند. و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از

آن اوست. و باز گشت (همه)، به سوی اوست.»

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۚ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ
وَاللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹)

ای اهل کتاب! پیامبر ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد. در حالی که حقایق را برای

شما بیان می کند. تا مبادا بگویید: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای.» هم اکنون، (پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد.

و خداوند بر هر چیزی تواناست.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ
(۲۰)

(یاد کنید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید هنگامی که در میان شما،

پیامبرانی قرار داد. (و از اسارت فرعونیان رهایی بخشید) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد. و به شما نعمتهایی داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود.

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَزِدُّوا عَلَيَّ أَذْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۲۱)

ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما معین کرده، وارد شوید. و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب نشینی نکنید) که زیانکار خواهید

بود.»

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۲۲)

گفتند: «ای موسی! در آن جا، گروهی (نیرومند و) ستمگرند. و ماهرگز وارد آن نمی شویم تا آنها از آن خارج شوند. اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد

خواهیم شد.»

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمَ اذْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ عَالِيُونَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۳)

(ولی) دو نفر از مردان خدا ترس که خداوند به آنها، نعمت (عقل و ایمان و شجاعت) داده بود، گفتند: «شما (به یکباره) وارد دروازه (شهر آنان)

شوید و هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید.»

ص: ۱۱۱

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا ۖ فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (۲۴)

(بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آن جا هستند، ما هرگز

وارد نخواهیم شد. تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته ایم.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۵)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما

و این جمعیت گنهکار، جدایی ییفرن.»

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ ۖ أَرْبَعِينَ سَنَةً ۖ يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۶)

خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید). پیوسته در زمین [= در این بیابان] سرگردان خواهند بود. و درباره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش.»

ۖ وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبِيًّا ابْنَ آدَمَ بِالْحَقِّ ۖ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ ۖ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۲۷)

و داستان دو فرزند آدم را به درستی بر آنها بخوان:

هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرّب انجام دادند. اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد. (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به

خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد.

لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ ۖ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲۸)

اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من

هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون من از خداوند که پروردگار جهانیان است می ترسم.

ۖ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۖ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۲۹)

من می خواهم تو بار گناه من و گناه خود را بر دوش کنی. و از

دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران!»

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۳۰)

نفس سرکش، به تدریج او را به کشتن برادرش ترغیب کرد. و (سرانجام) او را کشت. و از زیانکاران شد.

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سُوءَ أَخِيهِ □ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِيَ سُوءَ أَخِي □ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ (۳۱)

سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کند و کاو) می کرد. تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من

ناتوان تر از آن هستم که مانند این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان) از نادمان شد.

ص: ۱۱۲

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۖ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲)

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته. و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی به همه مردم حیات بخشیده است. و پیامبران ما، دلایل روشن برای آنان [= بنی اسرائیل] آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدی و زیاده روی کردند.

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا ۚ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳)

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و برای فساد در روی زمین تلاش می کنند، (و با تهدید

اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند. یا به دار آویخته گردند. یا دست و پای آنها، بعکس یکدیگر (چهار انگشت از

دست راست و چهار انگشت از پای چپ)، بریده شود. و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیا است. و در آخرت، مجازات بزرگی دارند.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۚ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۴)

مگر

کسانی که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند. پس بدانید (خدا توبه آنها را می پذیرد). خداوند آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید!

از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و وسیله ای برای تقرب به او بجویید. و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۳۶)

بیقین کسانی که کافر شدند، اگر تمام

آنچه در زمین است و همانندش، از آن آنها باشد و همه آن را برای نجات از کیفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد

شد. و مجازات دردناکی خواهند داشت.

ص: ۱۱۳

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا □ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۳۷)

پیوسته می خواهند از دوزخ خارج شوند، ولی آنها نمی توانند از آن خارج گردند. و برای آنها مجازاتی پایدار است.

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر

عملی که انجام داده اند، بعنوان یک مجازات الهی، (به مقدار چهار انگشت) قطع کنید. و خداوند توانا و حکیم است.

فَمَنْ تَابَ مِنَ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۹)

و هر کس که پس از ستم کردن، توبه و

جبران نماید، خداوند توبه او را می پذیرد. (و از این مجازات، معاف می شود.) زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است.

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ عَلِيمٌ □ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۰)

آیا نمی دانی که حکومت و مالکیت آسمانها و

زمین تنها از آن خداست؟! هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد)، کیفر می کند. و هر کس را بخواهد (وشایسته بیند)،

می بخشد. و خداوند بر هر چیزی توانا

است.

□ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَمَّا يَخْرُجُكَ الَّذِينَ يَسْتَارُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ □ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا □ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ □ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ □ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ □ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا □ وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا □ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ □ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ □ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای پیامبر! کسانی که در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند: «ایمان آورده ایم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نساژند! و نیز گروهی

از یهود که با دقت (به سخنان تو) گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند. آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند. آنها سخنان

را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند، و (به یکدیگر) می گویند: «اگر این (که ما می خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد)، بپذیرید.

وگرنه (از او) دوری کنید.» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی در پی او) بخواهد مجازات کند، نمی توانی در برابر خداوند از او دفاع کنی. آنها کسانی هستند

که خدا نخواستہ دلہایشان را پاک کند. در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

ص: ۱۱۴

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ □ فَإِنِ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ □ وَإِنِ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَصُرُّوكَ شَيْئًا □ وَإِنِ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (٤٢)

آنها با دقت (به سخنان تو) گوش می دهند تا)

دستاویزی پیدا کنند و آن را) تکذیب نمایند. و بسیار مال حرام می خورند. ولی اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) از آنان صرف نظر کن.

و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زبانی نمی رسانند. و اگر داوری کنی، با عدالت در میان آنها داوری کن، که خدا عدالت پیشگان را دوست دارد.

□ □
وَكَيفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ □ وَمَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (٤٣)

چگونه تو

را به داوری می طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است. و در آن، حکم خدا آمده است. (وانگهی) چرا پس از داوری، (از حکم تو)، روی می گردانند؟! آنها مؤمن

نیستند.

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ □ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّابِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ □ فَلَمَّا تَخَشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا □ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (٤٤)

ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نوری بود. و پیامبران (بنی اسرائیل)، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم

می کردند. و (همچنین) علما و دانشمندان (الهی) بر اساس کتاب خداوند که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین، (بخاطر داوری بر

طبق آیات الهی)، از مردم نترسید، و از (نافرمانی) من بترسید. و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید. و آنها که به آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند.

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ □ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ □ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٤٥)

و بر آنها [= بنی اسرائیل] در آن [= تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی،

و گوش در مقابل گوش، و دندان در

برابر دندان، قصاص می شود. و جراحات نیز، قصاص دارد. و اگر کسی از قصاص، در گذرد، کفّاره (گناهان) او محسوب می شود. و هر کس به آنچه خدا نازل کرده

حکم نکند، ستمکار است.

ص: ۱۱۵

وَقَفَيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (٤٦)

و در پی آنها [= پیامبران پیشین]، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت.

وانجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نوری بود. و تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می کرد. و هدایت و موعظه ای برای پرهیزگاران بود.

وَلِيُحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٤٧)

اهل انجیل (و)

پیروان مسیح) نیز باید مطابق آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند.

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا ذُكِّرُوا مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۚ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٤٨)

و این کتاب [=قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند و با آنها هماهنگ است، و نگاهبان و حاکم بر آنهاست. پس بر طبق آنچه خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن و از هوا و هوسهای آنان پیروی نکن. و از احکام الهی، روی مگردان. ما برای هر کدام از شما (امت ها)، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم. و

اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد. ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما ارزانی داشته بیازماید. (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد) پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید. بازگشت همه شما، به سوی خداست. و از آنچه در آن اختلاف می کردید. (در قیامت) به شما خبر خواهد داد.

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (٤٩)

و در میان آنها [= اهل کتاب]، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن. و از هوسهای آنان پیروی مکن. و از آنها برحذر باش، مبادا تو را نسبت به بخشی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده، منحرف سازند. و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می خواهد آنان را بخاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند. و بسیاری از مردم فاسقند.

أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (٥٠)

آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل ایمان و یقین هستند، حکم می کند؟!؟

ص: ۱۱۶

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ □ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ □ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را دوست و تکیه گاه خود، انتخاب نکنید. آنها اولیای یکدیگرند. و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها

هستند. خداوند، گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ □ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ (۵۲)

(ولی) کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با) آنان، بر یکدیگر پیشی می

گیرند، و می گویند: «می ترسیم حادثه ای برای ما پیش آید (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم).» چه بسا خداوند پیروزی یا حادثه ای از سوی خود (به نفع

مسلمانان) پیش آورد. و این گروه، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند.

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ □ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ □ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳)

کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «آیا اینها [= منافقان] همان کسانی هستند که با نهایت تاکید به خدا سوگند یاد کردند که با شما هستند؟! (ولی) اعمالشان نابود گشت، و زیانکار شدند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ □ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ □ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از

شما، از آیین خود باز گردد، (به خدا زبانی نمی رساند). خداوند گروهی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع، و در

برابر کافران سرسخت و نیرومندند. در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد (

وشایسته ببیند) می دهد. و فضل و احسان خداوند، گسترده و (او به همه چیز) داناست.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵)

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان

آورده اند. همانها که نماز را بر پا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند.

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵۶)

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، (پیروزند). زیرا حزب خدا

[= گروه خداپرستان] پیروزند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۵۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می گیرند از اهل کتاب و مشرکان را ولیّ خود
انتخاب

نکنید. و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید.

ص: ۱۱۷

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۵۸)

هنگامی که (مردم را) به نماز فرا می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند. این بخاطر آن است که آنها گروهی نابخردند.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (۵۹)

بگو: «ای اهل کتاب! آیا بر ما خرده می گیرید؟! مگر جز این است که ما به خداوند یگانه، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این

نازل گردیده، ایمان آورده ایم، در حالی که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده اید».

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ ۚ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ ۚ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۶۰)

بگو: «آیا شما را از جایگاه و کیفی که نزد خدا بدتر از این است،

با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده، و بعضی از آنها را به صورت میمون ها و خوک ها قرار داده. و دربندگی

طاغوت در آمده اند. موقعیت و جایگاه آنها، بدتر است. و از راه راست، گمراهترند».

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (۶۱)

هنگامی که نزد شما می آیند، می گویند: «ایمان آورده ایم.» (اما) با کفر وارد

شده اند، و با کفر خارج شده اند. و خداوند، از آنچه کتمان می کردند، آگاهتر است.

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۶۲)

بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدی، و خوردن مال حرام، شتاب

می کنند. چه بد و ناپسند است کاری که انجام می دادند.

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنِ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۶۳)

چرا دانشمندان و علما (ی یهود و نصارا)، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی

نمی کنند؟! چه بد و ناپسند است عملی که انجام می دادند!

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا ۖ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۚ وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعِدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ ۚ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ۚ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۶۴)

و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهایشان بسته باد!

و بخاطر آنچه گفتند، از رحمت (الهی) دور شونید! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است. هر گونه بخواهد، می بخشد. ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو

نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنیم. هر زمان آتش جنگی (در برابر شما) افروختند، خداوند آن

را خاموش ساخت. و برای فساد در زمین، تلاش می کنند. و خداوند، مفسدان را دوست ندارد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سِنَّاتِهِمْ وَلَدَخَلْنَاَهُم جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۶۵)

و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند،

گناهان آنها را می بخشیدیم. و آنها را در باغهای پر نعمت بهشت، وارد می ساختیم.

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ □ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ □ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (۶۶)

و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده [=قرآن] برپا می داشتند، از آسمان و زمین، روزی می خوردند. جمعی از آنها، معتدل و میانه رو هستند. ولی بیشتر آنها اعمالشان بد است.

□ يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ □ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ □ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۶۷)

ای پیامبر! آنچه از

طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) ابلاغ کن. و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، حفظ

می کند. و خداوند، گروه کافران (لجوج) را هدایت نمی کند.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسِيْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ □ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا □ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸)

بگو: «ای اهل کتاب! شما هیچ جایگاهی (نزد خداوند) ندارید، مگر این که تورات و انجیل و آنچه را از

طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید.» ولی به یقین آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده (نه تنها مایه بیداری آنها نمی گردد، بلکه) بر طغیان و کفر

بسیاری از آنها می افزاید. بنابراین، از این (مخالفت و انحراف) گروه کافران غمگین مباش.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَيَّأُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصِيَارَى □ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۹)

کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و صابنان [=پیروان یحیی] و نصاری، هر کدام که به خداوند یگانه و روز بازپسین، ایمان بیاورند، و کارهای شایسته انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین

می شوند.

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا ۖ كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يُقْتُلُونَ (۷۰)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم. و پیامبرانی به سوی آنها فرستادیم. (ولی) هر زمان پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس آنها می آورد،

عده ای را تکذیب می کردند. و عده ای را می کشتند.

ص: ۱۱۹

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَهُ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ □ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۷۱)

آنها گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود. از این رو (از دیدن حقایق) نابینا و (از شنیدن سخنان حق)،

ناشنوا شدند. سپس (بیدار گشتند، و) خداوند توبه آنها را پذیرفت. دیگر بار (در خواب غفلت فرو رفتند، و) بسیاری از آنها کور و کر شدند. و خداوند، به آنچه انجام

می دهند، بیناست.

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ □ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ □ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ □ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن أَنْصَارٍ (۷۲)

کسانی که گفتند: «خداوند همان مسیح فرزند مریم است»، یقین کافر شدند، (با این که خود) مسیح گفت: «ای بنی اسرائیل! خداوند

یگانه را، که پروردگار من و شماست، پرستش کنید. زیرا هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده. و جایگاه او دوزخ است.

و برای ستمکاران، هیچ یار و یآوری نیست.»

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثٍ □ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ □ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳)

کسانی که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» یقین کافر شدند. هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست. و اگر از

آنچه می گویند دست برندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند)، خواهد رسید.

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۴)

آیا به سوی خدا باز نمی گردند، و از او طلب

آمرزش نمی کنند؟! (در حالی که) خداوند آمرزنده و مهربان است.

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ □ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ □ انظُرْ كَيْفَ بُيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ
أَنِّي يُؤْفَكُونَ (۷۵)

مسیح فرزند مریم، فقط پیامبر (خدا) بود. پیش از وی نیز، پیامبرانی بودند. مادرش، زن بسیار

راستگویی بود. هر دو، غذا می خوردند. (با این حال، چگونه ادعای الوهیت مسیح و پرستش مریم را دارید؟! بنگر چگونه نشانه ها (ی حق) را برای آنها آشکار

می سازیم. سپس بنگر چگونه از حق منحرف می شوند!

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَّا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۗ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۷۶)

بگو: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که مالک سود و زیانی برای شما نیست؟! و خداوند، شنوا و

دانا است.»

ص: ۱۲۰

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (۷۷)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید. و غیر از حق نگویید. و از هوسهای گروهی که پیشتر گمراه شدند و بسیاری را گمراه

کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید.»

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ □ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸)

کافران بنی اسرائیل، بر زبان داود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند. این بخاطر آن بود که نافرمانی کرده، و تجاوز می نمودند.

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ □ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۷۹)

آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند. چه بدکاری انجام می دادند!

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا □ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (۸۰)

بسیاری از آنها را می بینی که

کافران (و بت پرستان) را دوست و تکیه گاه خود قرار می دهند نفس (سرکش) آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (قیامت) آنها فرستاد، که نتیجه آن، خشم خداوند

بود. و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند.

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا لَهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ □ (۸۱)

و اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده، ایمان می آوردند، (هرگز) آنان [= کافران] را به دوستی انتخاب نمی کردند. ولی بسیاری از آنها فاسقند.

□ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عِدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا □ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى □ □
ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۸۲)

به یقین از میان مردم، یهود و مشرکان را سرسخت ترین دشمن نسبت به مؤمنان خواهی یافت. و بیشترین دوستی

و محبت نسبت به مؤمنان را در کسانی می یابی که می گویند: «ما نصارا هستیم». این بخاطر آن است که بعضی از آنها عالمانی روحانی یا تارک دنیا هستند. و

آنها (در برابر حق) تکبر نمیورزند.

ص: ۱۲۱

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ۚ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۸۳)

و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمان آنها را می بینی که از شوقِ حقیقتی که دریافته اند

اشک می ریزد، در حالی که می گویند: « پروردگارا! ایمان آوردیم. پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس. »

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (۸۴)

(و می گویند:) چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمره صالحان قرار دهد؟! »

فَأَنبَأَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۸۵)

خداوند بخاطر

این سخن، به آنها باغهای بهشتی پاداش داد که از پای درختانش، نهرها جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند. و این است جزای نیکوکاران!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۸۶)

و کسانی که کافر

شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نشمرید. و از حد، تجاوز ننمایید. زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد.

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۸۸)

و از روزی های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما داده است، بخورید و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، پرهیزید.

لَمَّا يُؤَاخِذْكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذْكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ ۚ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ

أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۖ ذَلِكَ كَفَّارُهُ أَيَّمَاكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۖ وَاحْفَظُوا أَيَّمَاكُمْ ۖ
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۸۹)

خداوند شما را بخاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید مؤاخذه نمی کند. ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم

کرده اید، مؤاخذه می نماید. کفاره این گونه سوگندها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهایی است که غالباً به خانواده خود می دهید. یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر. و

یا آزاد کردن یک برده. و هر کس که نمی توند، باید سه روز روزه بگیرد. این، کفاره سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نماید).

و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید). خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر به جا آورید.

ص: ۱۲۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٩٠)

ای کسانی که ایمان آورده اید!

شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن دوری کنید تا رستگار شوید.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعِدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصِيدَ دُكْمَ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ □ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ (٩١)

شیطان می خواهد بوسیله شراب و قمار، در

میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟!

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا □ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٩٢)

اطاعت کنید

خدا را و اطاعت کنید پیامبر (خدا) را. و (از نافرمانی) برحذر باشید. و اگر سرپیچی کنید، (مستحق مجازات خواهید بود. و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار،

نیست.

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا □ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (٩٣)

بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، گناهی در آنچه (قبل از نزول حکم تحریم شراب) خورده اند نیست. هرگاه تقوا پیشه کنند،

و ایمان آورند، و اعمال صالح انجام دهند. سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند. سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبْلُوَنَكُمْ اللَّهُ بَشْيَاءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ □ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٩٤)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را با شکارهایی که (در حال احرام به شما نزدیک می شوند، به طوری که) دستها و نیزه هایتان به آن می رسد، می

آزمایید. تا مشخص کند چه کسی با ایمان به غیب از خدا می ترسد. و هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۚ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا
بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكُمْ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ ۚ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۚ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ ۚ وَاللَّهُ
عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده

اید! در حال احرام، شکار نکنید. و هر کس از شما از روی عمد آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد. (کفاره ای) که دو نفر عادل از شما،

معادل بودن آن را تصدیق کنند. و بصورت قربانی به (حریم) کعبه برسد. یا (به جای قربانی)، با اطعام مستمندان کفاره دهد. یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود

را بپشد. خداوند گذشته را عفو کرده است. و هر کس تکرار کند، خدا او را مجازات می کند. و خداوند، توانا و دارای مجازات است.

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلنَّاسِ ۖ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

صید دریایی و طعام آن

برای شما و کاروانیان حلال است. تا (در حال احرام نیز) از آن بهره مند شوید. ولی تا زمانی که محرم هستید، شکار صحرایی برای شما حرام است.

و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می شوید، بپرهیزید!

ۖ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالنَّهْيَ وَالْقَلَائِدَ ۖ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۹۷)

خداوند، کعبه _ بیت الحرام _ را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار

داده. و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی نشان، و قربانیهای نشاندار را. این گونه احکام بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است،

می داند. و بدانید خدا بر هر چیزی داناست.

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۹۸)

بدانید خدا دارای مجازات شدید، و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است.

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۹۹)

پیامبر و وظیفه ای جز رساندن پیام)

الهی) ندارد. (و مسؤول اعمال شما نیست). و خداوند آنچه را آشکار می کنید، و آنچه را پنهان می دارید می داند.

قُلْ لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰۰)

بگو: «(هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند.

هر چند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، تا رستگار شوید.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ ۖ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا ۖ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۰۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی که

اگر برای شما آشکار گردد، شما را در رنج می افکند، سؤال نکنید. و اگر به هنگام نزول قرآن، از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می شود. خداوند آنها را (برای

سهولت) نادیده گرفته است. و خداوند، آمرزنده و دارای حلم است.

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (۱۰۲)

جمعی از پیشینیان شما، از چنان اموری سؤال کردند. و سپس با آن به مخالفت

برخاستند. (ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید).

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ □ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ □ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۳)

خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است [= اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را به عللی حرام می دانستند. و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.] ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می بندند. و بیشتر آنها درک نمی کنند.

ص: ۱۲۴

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۖ أُولَٰئِكَ كَانُوا فِي أَعْيُنِنَا فَلَا يَهْتَدُونَ (۱۰۴)

هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیاید»، می گویند: «

آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم، ما را بس است». آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز هم باید از آنها پیروی کنند)؟!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۖ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

ای کسانی

که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید. اگر شما هدایت یافته باشید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی

خداست. و شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه می سازد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ ۖ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثَمِينَ (۱۰۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از

میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید. یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید)، دو نفر از غیر خودتان را (به

گواهی بطلبید). و اگر (به هنگام ادای شهادت، در راستگویی آنها) شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می دارید تا سوگند یاد کنند که: «ما حاضر نیستیم حق را به

چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد. و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم، که در این صورت، از گناهکاران خواهیم بود»

فَإِنْ عُرِيَ عَلَىٰ آثَمِيَا اسْتَحَقَّ إِثْمًا ۖ فَمَا خَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

و اگر اطلاعی حاصل

شود که آن دو، مرتکب گناهی شده اند (و حق را کتمان کرده اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای آنها قرار می گیرند، و به خدا سوگند

یاد می کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است. و ما تجاوزی نکرده ایم. که اگر چنین کرده باشیم، از ستمکاران خواهیم بود»

□
ذَلِكَ أَذُنِي أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَيَّ وَجْهَهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعِيدَ أَيْمَانِهِمْ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمِعُوا □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

این کار،

نزدیکتر است به این که (از خدا بترسند و) گواهی بحق دهند، یا بترسند که (دروغشان نزد مردم فاش گردد. و) سوگندهایی
جای سوگندهای آنها را بگیرد. از)

مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید. و خداوند، گروه فاسقان را هدایت نمی کند.

ص: ۱۲۵

□ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمْ □ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا □ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۰۹)

(به یاد آورید) روزی را که خداوند، پیامبران را جمع می کند، و می گوید:

«(در برابر دعوت شما،) چه پاسخی به شما داده شد؟»، می گویند: «ما چیزی نمی دانیم. تو خود، دانای همه اسرار نهان هستی.»

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا □ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ □ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي □ وَتُبْرِئُ الْمَأْكَمَةَ وَالْمَأْبْرَصَ بِإِذْنِي □ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي □ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰)

(به خاطر بیاور)

هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتم را که به تو و مادرت بخشیدم. زمانی که تو را با «روح القدس» تأیید کردم. که در گاهواره و نیز در حال

میانسالی، با مردم سخن می گفتی. و هنگامی را که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم. و هنگامی را که به اذن من، از گل چیزی به صورت پرند

می ساختی، و در آن می دمیدی، و به اذن من، پرند ای می شد. و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به اذن من، شفا می دادی. و هنگامی که مردگان را

به اذن من زنده می کردی. و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو، باز داشتم. در آن زمان که دلایل روشن برای آنها آوردی، ولی جمعی از کافران آنها

گفتند: «اینها جز سحر آشکار نیست.»

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۱۱۱)

و (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و فرستاده من، ایمان بیاورید». آنها گفتند: «ایمان

آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم.»

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ □ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱۲)

در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند مائده ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (

در پاسخ) گفت: «از (شک و تردید در قدرت) خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!»

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ عَلَيَّهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳)

گفتند: «(شک نداریم، ولی) می خواهیم از آن بخوریم، و دل‌های ما (به رسالت

تو) مطمئن گردد. و بدانیم به ما راست گفته‌ای. و بر آن، گواه باشیم.»

ص: ۱۲۶

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ □ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴)

عیسی بن مریم گفت: «خداوندا! ای پروردگارا! از آسمان مائده ای بر ما نازل کن. تا

عیدی برای اول و آخر ما، و نشانه ای از تو باشد. و به ما روزی ده. تو بهترین روزی دهندگانی.»

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنزِّلُهَا عَلَيْكُمْ □ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (۱۱۵)

خداوند (دعای او را مستجاب کرد. و) فرمود: «من آن را بر

شما نازل می کنم. ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید)، او را به گونه ای مجازات می کنم که هیچ کس از جهانیان را چنان مجازات نکرده

باشم!»

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّبِعُونِي وَأُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ □ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ □ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ □ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ □ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۱۶)

و (به یاد آورید) آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود در برابر خدای یکتا انتخاب

کنید؟!»، او می گوید: «منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می دانی. تو از آنچه در روح و جان من

است، آگاهی. و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم. یقین تنها تو دانای همه اسرار نهان هستی.

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ □ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ □ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ □ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۱۷)

من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به

آنها نگفتم. (به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست. و تا زمانی که در میان آنها بودم، گواه بر (اعمال) آنها بودم. ولی هنگامی که

مرا از میانشان بر گرفتی، تو خود مراقب آنها بودی. و تو بر هر چیز، گواهی.

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ □ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۱۸)

(با این حال،) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تو اند. (و اختیار آنها به دست توست).

و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی. (نه کیفر تو نشانه بی حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ناتوانی)»

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ □ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ □
ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۹)

خداوند می گوید: «این (همان) روزی است که

راستی راستگویان، به آنها سود می بخشد. برای آنها باغهای بهشتی است که نهرها از پای درختان آن می گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می مانند. خداوند از آنها

خشنود است، و آنها نیز، از او خشنودند. این، (همان) رستگاری بزرگ است.»

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ □ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۲۰)

حکومت و مالکیت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، تنها از آن خداست. و او

بر هر چیزی تواناست.

ص: ۱۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ □ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حمد و سپاس، مخصوص خداوندی است که آسمانها

و زمین را آفرید، و ظلمتها و نور را پدید آورد. اما کافران برای پروردگار خود، همتا

و شبیه قرار می دهند(با این که دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است).

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا □ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ □ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)

او کسی است که شما را از گل آفرید. سپس مدتی مقرر داشت (تا

انسان تکامل یابد). و اجل (و مرگ) حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است). سپس شما (در یگانگی و قدرت او،) تردید می کنید.

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ □ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (۳)

در آسمانها و زمین. خداوند

یگانه اوست، پنهان و آشکار شما را می داند. و از آنچه (انجام می دهید و) به دست می آورید، باخبر است.

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴)

(کافران) هیچ نشانه و آیه ای از آیات پروردگارشان

برای آنان نمی آید، مگر این که از آن رویگردان می شوند.

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ □ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۵)

آنان، حق را هنگامی که به سراغشان آمد، تکذیب کردند، ولی بزودی اخبار (و کیفر) آنچه را استهزا

می کردند، به آنان می رسد.

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْمٍ مَكَتْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِيًا مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَوْمًا آخَرِينَ (۶)

آیا ندیدند چه بسیار از اقوام (بی ایمان) پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند. و) امکاناتی به آنها داده

که به شما ندادیم. بارانهای پی در پی برای آنها فرستادیم. و از میان زمینهای آنها، نهرها جاری ساختیم.

(اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،) آنان را به سبب گناهانشان نابود کردیم.

و اقوام دیگری بعد از آنان پدید آوردیم.

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

(حتی) اگر ما مکتوبی را بر روی کاغذی

(از آسمان) بر تو نازل کنیم، و (علاوه بر دیدن و خواندن،) آن را با دستهای خود لمس کنند، به یقین کافران می گویند: «این، جز یک سحر آشکار نیست!»

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ □ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ (۸)

(این)

بهبانه جویان) گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را همراهی کند؟!)) در حالی که اگر فرشته ای بفرستیم، کار تمام می شود. و دیگر به آنها مهلت داده

نخواهد شد (و همگی هلاک می شوند).

که آفریننده آسمانها و زمین است. اوست که روزی می دهد، و نیازی به روزی ندارد.» بگو:

«من مأورم که نخستین مسلمان باشم. و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش.»

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

بگو: «من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از مجازات روزی بزرگ [= قیامت] می ترسم.

□
مَنْ يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ □ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۱۶)

آن کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد، به یقین خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته. و این همان پیروزی آشکار است.»

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَصُرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ □ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بَخِيرٍ فَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف سازد. و اگر خیری به تو رساند، او بر هر چیزی تواناست.

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ □ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱۸)

اوست که بر بندگان خود،

تسلط کامل دارد. و اوست حکیم آگاه.

قُلْ أَى شَىءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً □ قُلِ اللَّهُ □ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ □ وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ □ أَنتُمْ لَشَاهِدُونَ أَلَّا □
مَعَ اللَّهِ آلِهَةٌ أُخْرَى □ قُلْ لَّا أَشْهَدُ □ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹)

بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (سپس) بگو: «خداوند، گواه میان من

و شماست. و (بهترین دلیل این است که) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این (قرآن) به آنها می رسد،
با آن بیم دهم. آیا براستی شما

گواهی می دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «من هرگز چنین گواهی نمی دهم». بگو: «اوست تنها معبود یگانه. و
من از آنچه همتای او قرار می دهید،

بیزارم.»

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ □ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

کسانی که کتاب آسمانی به ایشان داده ایم، بخوبی او [= پیامبر] را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند.
فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده اند، ایمان نمی آورند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ □ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته (و همتایی برای او قائل شده)، یا آیات او را

تکذیب کرده است؟! به یقین ستمکاران، رستگار نخواهند شد.

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۲)

(به یاد آور) آن روز را که همه آنها را محشور می کنیم. سپس به مشرکان می گوئیم:»

معبودهایتان، که همتای خدا می پنداشتید، کجایند؟! (چرا به یاری شما نمی آیند؟!)

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۲۳)

سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می گویند: «به خداوندی

که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم!»

انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ □ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

بین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می گویند، و (آن روز) آنچه را بدروغ همتای خدا می پنداشتند، از دست

می دهند!

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ □ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا □ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا □ حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

پاره ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرا می دهند. ولی بر دل‌های آنان پرده‌ها افکنده ایم تا آن را نفهمند. و در گوش‌های آنها، سنگینی قرار داده

ایم. و اگر هر نشانه‌ای را ببینند، ایمان نمی آورند.

تا آن جا که وقتی به سراغ تو می آیند با تو مجادله می کنند. و کافران می گویند: «اینها فقط افسانه‌های پیشینیان است.»

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ □ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

آنها دیگران را (از ایمان به) آن باز

می دارند.

و خود نیز از آن دوری می کنند. آنها جز خود را هلاک نمی کنند. ولی نمی فهمند!

□ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقُفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۷)

اگر (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده اند، ببینی! می

گویند: «ای کاش (بار دیگر به دنیا) باز گردانده می شدیم، و آیات پروردگارانمان را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان بودیم.»

ص: ۱۳۰

بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۲۸)

(آنها پشیمان نیستند) بلکه آنچه (از اعمال و نیات) که قبلاً پنهان می کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده اند). و اگر باز گردند، به آنچه که از آن نهی

شده بودند باز می گردند. و آنها دروغگویانند.

وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۲۹)

آنها گفتند: «غیر از این زندگی دنیای ما چیزی در کار نیست. و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد.»

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۚ قَالُوا بَلَىٰ ۚ قَالُوا بَلَىٰ ۚ قَالُوا فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۰)

اگر (آنها را) به

هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده اند، ببینی! (او به آنها) می گوید: «آیا این حق نیست؟!» می گویند: «آری، قسم به پروردگاران (حق است)» می

گویند: «پس مجازات را بچشید به سزای آنچه انکار می کردید!»

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسِيرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۚ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ (۳۱)

کسانی که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند. تا هنگامی که ناگهان قیامت به

سراغشان بیاید. می گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می کشند آگاه باشید. چه بد باری بر دوش

خواهند داشت!

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۚ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

زندگی دنیا،

جز بازی و سرگرمی نیست. و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است.

آیا نمی اندیشید؟!

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۳۳)

به یقین می دانیم که گفتار آنها، تو را غمگین می کند. ولی (غم مخور. و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی کنند. بلکه ستمکاران، آیات خدا را

انکار می نمایند.

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ (۳۴)

به یقین پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند. و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند. و (در این راه،) آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید.

و هیچ چیز سنت های خدا را تغییر نمی دهد. و به یقین اخبار پیامبران به تو رسیده است.

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سِيلًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در

زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! اما اگر خدا بخواهد، آنها را

(به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش.

ص: ۱۳۱

□ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ □ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳۶)

تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند. اما مردگان (و آنها که گوش شنوا ندارند، ایمان نمی آورند. و) خدا آنها را (در قیامت) برمی انگیزد. سپس

به سوی او، باز گردانده می شوند.

□ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ □ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷)

و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!». بگو: «خداوند، قادر است که نشانه ای نازل کند.» ولی بیشتر آنها نمی دانند.

□ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ □ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ □ ثُمَّ إِلَيْنَا يُحْشَرُونَ (۳۸)

هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر این که امتهایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم. سپس (همگی) به سوی پروردگارشان محشور می گردند.

□ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُومٌ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ □ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۳۹)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کر و لالهایی هستند

که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد)، گمراه می کند. و هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، در راه راست قرار خواهد داد.

□ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ آتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرِ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۰)

بگو:

«به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید، یا قیامت فرا رسد، آیا (برای حل مشکل خود)، غیر خدا را می خوانید

اگر راست می گوید؟!»

□ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (۴۱)

(نه)، بلکه تنها او را می خوانید. و او اگر بخواهد، مشکلی را که بخاطر آن او را خوانده اید، برطرف می سازد. و آنچه را (امروز) همتای

خدا قرار می دهد، (در آن روز) فراموش خواهید کرد.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲)

ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم. (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت

برخاستند)، آنها را با سختی و رنج مواجه ساختیم. شاید تسلیم گردند.

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴۳)

چرا هنگامی که سختی (و عذاب) ما به آنان رسید، (تضرع نکردند و) تسلیم نشدند!؟

بلکه دل‌های آنها قساوت پیدا کرد. و شیطان، آنچه را انجام می دادند، در نظرشان زینت داد.

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (۴۴)

(آری،) هنگامی که آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند،

درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم. تا (کاملاً) به آن خوشحال شدند (و دل بستند). ناگهان آنها را گرفتیم (و

سخت مجازات کردیم). در این هنگام،

همگی مأیوس شدند.

(و درهای امید به روی آنها بسته شد).

فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا □ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵)

و (به این ترتیب)، ریشه گروهی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ □ قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ □ انظُرْ كَيْفَ نُصَيِّرُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصُدُّونَ (۴۶)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش

و چشمهایتان را بگیرد، و بر دل‌های شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، کدام معبودی جز خدا آنها را به شما باز می‌گرداند؟»
بین چگونه آیات را به گونه‌های

مختلف برای آنها شرح می‌دهیم، سپس آنها روی می‌گردانند!

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ (۴۷)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز گروه ستمکاران

هلاک می‌شوند؟!»

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ □ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۴۸)

ما پیامبران را، جز (بعنوان) بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی‌فرستیم. کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر

آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۴۹)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار) بخاطر نافرمانی‌هایشان به آنان می‌رسد.

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ □ إِنْ أَتَّبِعِ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ □ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ □ وَالْبَصِيرُ □ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو: «من به شما

نمی‌گویم گنجینه‌های الهی نزد من است. و من، (جز آنچه خدا به من پیام‌زده)، از غیب آگاه نیستم. و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام. تنها از آنچه به من وحی

می شود پیروی می کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی اندیشید؟!»

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۖ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ يَتَّقُونَ (۵۱)

و بوسیله آن (قرآن)، کسانی را که از محشور شدن به سوی پروردگارشان

(در روز قیامت) می ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) هیچ یاور و سرپرست و شفاعت کننده ای جز خدا ندارند. شاید پرهیزگاری پیشه کنند.

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (۵۲)

و کسانی را که

صبح و شام خدا را می خوانند، و ذات پاک او را می طلبند، از خود دور مکن. نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها.

اگر آنها را طرد کنی، از ستمکاران خواهی بود.

ص: ۱۳۳

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا □ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (۵۳)

و این گونه بعضی از آنها را با بعض دیگر آزمودیم. تا (توانگران) بگویند: «آیا این گروه (فقیران) هستند که خداوند از میان ما (برگزیده، و) بر آنها منت گذارده (و نعمت

ایمان بخشیده) است؟!» (بگو): آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی شناسد؟!)

وَإِذَا حَيَّاءُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ □ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ □ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵۴)

هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما!

پروردگارتان، رحمت را بر خود لازم شمرده است. تا هرکس از شما کار بدی از روی نادانی انجام دهد، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا شود).

زیرا او آمرزنده و مهربان است.»

□
وَكَذَلِكَ نَفُصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ □ لَتَسْتَعِجِلُونَ بِهِ □ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ □ يَقُصُّ الْحَقَّ □ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۵)

و این گونه آیات را شرح می دهیم، تا (حقیقت بر شما روشن شود، و) راه گناهکاران آشکار گردد.

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ □ قُلْ لَأَتَّبِعَ أَهْوَاءَكُمْ □ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۵۶)

بگو: «من از پرستش

کسانی که غیر از خدا می خوانید، نهی شده ام.» بگو: «من از هوا و هوسهای شما، پیروی نمی کنم. اگر چنین کنم، گمراه شده ام. و از هدایت یافتگان نخواهم

بود.»

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي □ وَكَذَّبْتُمْ بِهِ □ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ □ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ □ يَقُصُّ الْحَقَّ □ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۷)

بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم. ولی شما آن را تکذیب کرده اید. آنچه شما (از عذاب الهی) درباره آن شتاب می کنید در اختیار من نیست. حکم

و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می کند. و او بهترین جدا کننده (حق از باطل) است.»

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفُضِّصَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ □ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ (۵۸)

بگو: «اگر آنچه درباره آن شتاب می کنید، در اختیار من بود،

(و به درخواست شما ترتیب اثر می دادم، عذاب الهی بر شما نازل می گشت. و) کار میان من و شما پایان گرفته بود. ولی خداوند ستمکاران را بهتر می شناسد (و

به موقع مجازات می کند).»

□ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ □ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ □ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۵۹)

کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. و جز او، کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می داند. هیچ برگگی (از درختی)

نمی افتد، مگر این که از آن آگاه است. و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین، و هیچ تر و خشکی وجود ندارد، جز این که در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است.

ص: ۱۳۴

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثْكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۶۰)

اوست آن کسی که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد. و از آنچه در روز انجام داده اید آگاه است. سپس در روز شما را (از خواب) برمی انگیزد. (و)

این وضع همچنان ادامه می یابد) تا سر آمد معینی فرا رسد. سپس باز گشت شما به سوی اوست. آنگاه شما را از آنچه انجام می دادید، با خبر می سازد.

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ (۶۱)

و

اوست که بر بندگان خود تسلط کامل دارد. و مراقبانی بر شما می گمارد. تا زمانی که مرگ یکی از شما فرا رسد. (در این هنگام،) فرستادگان ما جان او را می

گیرند. و آنها (در نگاهداری حساب عمر

و اعمال بندگان،) کوتاهی نمی کنند.

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۖ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (۶۲)

سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، باز می گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست.

و او، سریعترین حسابگران است.

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِن أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۳)

بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای صحرا و دریا رهایی می بخشد؟! در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی

می خوانید. (و می گوید:)) اگر از این (خطرات و تاریکی ها) ما را رهایی بخشد، از شکر گزاران خواهیم بود.»

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَذِبٍ تُنْتَهَوْنَ ۖ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ (۶۴)

بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و

اندوهی، نجات می دهد. باز هم شما برای او همتا قرار می دهید. (و راه کفر می پوید.)»

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَ بِكُمْ ثِيَابًا وَيُذِيقَ بَعْضَ كُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۚ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (۶۵)

بگو:

«او قادر است که از فرازتان یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد. یا بصورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد. و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از

شما بوسیله دیگری بچشاند.» بین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) شرح می دهیم. شاید بفهمند (و باز گردند).

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (۶۶)

قوم و جمعیت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و

انکار کردند، در حالی که حق است. (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان آوردن و اجبار) شما نیستم. (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است).»

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ ۚ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶۷)

هر خبری قرارگاهی دارد، (و در موعد خود انجام می گیرد). و به زودی خواهید دانست!

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۶۸)

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری

پردازند. و اگر شیطان تو را به فراموش افکند، پس از یاد آوری با این گروه ستمکار منشین.

ص: ۱۳۵

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (٦٩)

و(اگر) افراد با تقوا(برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها

بر ایشان نیست. ولی (باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوا پیشه کنند.

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِيًا وَلَهُوًّا وَغَرَّبَتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا □ وَذَكَرْ بِهِ أَنْ تُبْسِلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَأُؤْخَذَ مِنْهَا □ أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا □ لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (٧٠)

و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را بازیچه و سرگرمی قرار

دادند،

و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته. و با این (قرآن)، به آنها یادآوری کن، تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند. (و در قیامت) جز خدا، نه یآوری دارند، و نه

شفاعت کننده ای. و(چنین کسانی) هر گونه عوضی پردازند، از آنها پذیرفته نخواهد شد. آنها کسانی هستند که به سبب اعمالی که انجام داده اند گرفتار شده

اند. نوشابه ای از آب سوزان و عذاب دردناکی برای آنهاست. به سزای این که کفر میورزیدند (و آیات الهی را انکار می کردند).

قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَتُرْذُّ عَلَيَّ أَعْقَابِنَا بَعِيدٍ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا □ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى □ وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٧١)

بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را

بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال ما دارد، نه زیانی. و (به این ترتیب)، به عقب برگردیم بعد از آن که خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که

بر اثر وسوسه های شیاطین، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است. در حالی که یارانی دارد که او را به هدایت دعوت می کنند (و می گویند): به

سوی ما بیا! بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت (واقعی) است. و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم.

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ □ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٧٢)

و (نیز به ما فرمان داده شده به) این که:

نماز را برپادارید. و از (نافرمانی) او پرهیزید. و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.»

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ ۖ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۖ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۖ عَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ ۖ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳)

اوست آن کس که آسمانها و زمین را بحق آفرید. و آن روز که (به

هر چیز) می گوید: «موجود باش!» موجود می شود. سخن او، حق است. و در آن روز که در «صور» دمیده می شود، حاکمیت مخصوص اوست، از نهان

و آشکار باخبر است، و اوست حکیم و آگاه.

ص: ۱۳۶

□ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا آلِهَةً □ إني أراك وقومك في ضلالٍ مبينٍ (٧٤)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش بود] «آزر» گفت: «آیا بتهایی را به عنوان معبود (خود) انتخاب می کنی؟!»

به یقین تو و قومت را در گمراهی آشکاری می بینم.»

□ وَكَذَلِكَ نرى إِبْرَاهِيمَ مَلِكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (٧٥)

و این گونه، ملکوت آسمانها

و زمین (و حاکمیت مطلق خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم. تا (به آن استدلال کند. و) اهل یقین گردد.

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا □ قَالَ هَذَا رَبِّي □ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (٧٦)

هنگامی که (تاریکی) شب او را فرا گرفت،

ستاره ای را مشاهده کرد. گفت: «این پروردگار من است؟!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم.»

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي □ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لئن لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (٧٧)

و هنگامی که ماه را دید که

(سینه افق را) می شکافت، گفت: «این پروردگار من است؟!» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نمی کرد، مسلماً از گروه

گمراهان بودم.»

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ □ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (٧٨)

و هنگامی که خورشید را دید (که سینه افق را) می شکافت، گفت: «این پروردگار من است این

(که از همه) بزرگتر است؟!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من! به یقین من از آنچه همتای خدا قرار می دهید، بیزارم.»

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا □ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٧٩)

کسی متوجه کردم که آسمانها و زمین را آفریده. در حالی که ایمان من خالص است. و از مشرکان نیستم.»

وَ حَاجُّهُ قَوْمُهُ □ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ □ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا □ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا □
أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۸۰)

ولی قوم او [=ابراهیم]، با وی به گفتگو و ستیز پرداختند. گفت: «آیا درباره خدا با من گفتگو و ستیز می کنید؟! در حالی که (خداوند با دلایل روشن)، مرا هدایت کرده. و من از آنچه شما همتای او قرار می دهید،

نمی ترسم (و زبانی به من نمی رسانند). مگر پروردگارم چیزی را بخواهد. وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در بر می گیرد. آیا متذکر (و بیدار) نمی شوید؟!

وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَمَّا تَخَافُونَ أَنْكُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا □ فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ □ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)

چگونه من از آنچه همتای خدا قرار می دهید بترسم؟! در حالی که شما از این نمی ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن،

بر شما نازل نکرده است. (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (مشرکان و خداپرستان)، شایسته تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می دانید؟!

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (۸۲)

(آری)، آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با هیچ ستم (و شرک) نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست. و آنها هدایت یافتگانند.»

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلِيًّا قَوْمِهِ □ نَزَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ □ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۸۳)

اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در

برابر قوش عطا کردیم. درجات هر کس را بخواهیم (و شایسته ببینیم)، بالا می بریم. پروردگار تو، حکیم و داناست.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ □ كُلًّا هَدَيْنَا □ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ □ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ □
وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۴)

و اسحاق و یعقوب را به او [= ابراهیم] بخشیدیم. و همه را هدایت کردیم. و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم. و از فرزندان او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم). این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ □ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ (۸۵)

و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را. که

همگی از صالحان بودند.

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا □ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (۸۶)

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را. و همه را بر جهانیان برتری دادیم.

وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ □ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۸۷)

و از پدران و فرزندان و برادران آنها (افرادی را برتری

بخشیدیم) و آنان را برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم.

□
ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ □ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۸)

این، هدایت خداست. که هر کس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمایی می کند. و اگر مشرک

شوند، آنچه (از اعمال نیک) انجام داده اند، نابود می گردد (و نتیجه ای عاید آنها نمی شود).

أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ □ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيُؤْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ (۸۹)

آنها کسانی هستند که کتاب آسمانی و حکم و نبوت به آنان دادیم.

و اگر این گروه (مشرکان) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی ماند. زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ □ فَبِهَدَاهُمْ أَقْتَدِهِ □ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا □ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۹۰)

آنها

کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده. پس به هدایت آنان اقتدا کن. (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی

از شما نمی طلبم. این (رسالت، چیزی) جز یک یادآوری برای جهانیان نیست. (و این وظیفه من است.)»

ص: ۱۳۸

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا بَشَرًا مِّنْ شَيْءٍ □ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ □ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا □ وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ □ قُلِ اللَّهُ □ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (٩١)

خدا را آنگونه که باید بشناسند، شناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نازل نکرده است.» بگو: «چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟!»

کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود. (امیّا شما) آن را به صورت اوراق پراکنده ای قرار می دهید. قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می دارید. در حالی

که مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن آگاه نبودید.» بگو: «خدا!» سپس آنها را در سخنان باطلشان رها کن، تا سرگرم بازی شوند.

□ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا □ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ □ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (٩٢)

و این کتابی است مبارک

و هماهنگ با آنچه پیش از آن آمده که ما آن را نازل کردیم. (تا مردم را بشارت دهی)

و تا امّ القری و کسانی را که گرد آن هستند، [= ساکنان سرزمین وحی و همه جهانیان] بترسانی. (یقین بدان) کسانی که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می آورند. در حالی که نسبت به نمازهای خویش، مراقبت می کنند.

وَمِنَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ كَذَبُوا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَاءَ نُزُلٌ مِّثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ □ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُم □ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (٩٣)

چه کسی ستمکارتر است

از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی شده»، در حالی که بر او چیزی وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده

است، نازل خواهم کرد؟!» و اگر بینی هنگامی که (این) ستمکاران در شاید مرگ فرو رفته اند،

و فرشتگان دستها را گشوده، (به آنان می گویند:) «جان خود را تسلیم کنید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات

خوارکننده ای خواهید دید» (به حال آنها تأسف خواهی خورد)!

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَ كُُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ
فِيكُمْ شُرَكَاءَ ۖ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (۹۴)

و (روز قیامت به آنها گفته می شود:) همه شما تنها (و با دست خالی) به سوی ما بازگشت

نمودید، همان گونه که اولین بار شما را آفریدیم. و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان رها کردید. و شفیعیانی را که
شریک در شفاعت خود می پنداشتید،

با شما نمی بینیم. پیوند شما بریده شده است. و تمام آنچه را تکیه گاه خود تصور می کردید، از دست شما رفته است.

ص: ۱۳۹

□ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى □ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ □ ذَلِكَمُ اللَّهُ □ فَانْتَبِهْ □ تُوَفَّكَونَ (۹۵)

خداوند، شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده خارج می سازد، و بیرون آورنده مرده از زنده است. این است خدای شما! پس چگونه (از حق) منحرف می

شوید؟!

□ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا □ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۹۶)

او شکافنده صبح است. و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است. این، اندازه گیری خداوند توانای داناست.

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ □ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷)

او کسی است که

ستارگان را برای شما آفرید، تا در تاریکیهای صحرا و دریا، بوسیله آنها راه یابید. ما نشانه ها (ی خود) را برای گروهی که آگاهند، (و اهل فکر و اندیشه اند) بیان داشتیم.

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ □ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (۹۸)

او کسی است که شما را از یک انسان آفرید! (و شما از نظر ایمان یا آفرینش دو گروه مختلف هستید): پایدار و ناپایدار. ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند،

شرح دادیم.

وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُشْتَبِهٍ □ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ □ إِنَّ فِي ذَلِكَمُ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۹۹)

اوست آن کس که از آسمان، آبی نازل کرد. و بوسیله آن، انواع نباتات را رویاندیم. و از آن، ساقه ها و شاخه های سبز، خارج ساختیم. و از آنها

دانه های متراکم،

و از شکوفه نخل، خوشه هایی با رشته های باریک خارج ساختیم. و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی شباهت! هنگامی که

میوه می دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه هایی (از عظمت خدا) برای گروه مؤمنان است.

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۖ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحَانَہُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا یَصِفُونَ (۱۰۰)

آنان برای خدا همتایانی از جن قرار دادند، در

حالی که آنها مخلوق او هستند. و برای خدا، بدروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی قائل شدند. منزّه است خدا، و برتر است از آنچه وصف می کنند!

بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۰۱)

او

پدیدآورنده آسمانها و زمین است. چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟! حال آن که همسری نداشته،

و همه چیز را آفریده. و او به هر چیزی داناست.

ص: ۱۴۰

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ □ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲)

(آری)، این خدای با عظمت، پروردگار شما است! هیچ معبودی جز او نیست. آفریدگار همه چیز است. او را پرستید. و او نگهبان و مدبر هر چیزی است.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ □ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۰۳)

چشمها او را نمی بینند. ولی او همه چشمها را می بیند. و او بخشنده (نعمت ها) و با خبر از دقائق امور و آگاه (از همه چیز) است.

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ □ فَمَن أُنْصِرَ فَلِنَفْسِهِ □ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا □ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (۱۰۴)

دلایل بصیرت آفرین از

طرف پروردگارتان برای شما آمد. کسی که (به وسیله آن،) بصیرت و آگاهی یافت، به سود خود اوست. و کسی که از دیدن آن چشم پوشید، به زیان خودش می

باشد. و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی کنم).

□
وَكَذَلِكَ نُنْصِرُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰۵)

و این گونه آیات (خود) را شرح می دهیم. بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده ای (و

از دیگری آموخته ای)»! سرانجام می خواهیم آن را برای کسانی که آماده درک حقایقند، روشن سازیم.

□
اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۶)

از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی

کن. هیچ معبودی جز او نیست. و از مشرکان، روی بگردان.

□
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا □ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا □ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۷)

اگر خدا می خواست، (همه به اجبار ایمان می آوردند، و) هیچ یک مشرک نمی شدند. و ما تو را

نگهبان (اعمال) آنها قرار نداده ایم. و وظیفه اجبار آنها را نداری.

□
وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ □ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل،

خدا را دشنام دهند. این گونه برای هر امتی عملشان را زینت دادیم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است. و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه

می سازد (و پاداش و کیفر می دهد).

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا □ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ □ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

آنها با نهایت اصرار، به خدا سوگند یاد کردند که اگر معجزه ای برای آنان بیاید، حتما به آن ایمان می آورند. بگو: «معجزات

فقط به اراده خداست (و در اختیار من نیست). و شما از کجا می دانید که هر گاه معجزه ای بیاید (ایمان می آورند؟ خیر،

ایمان نمی آورند!»

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَدْرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱۰)

و ما دلها

و چشمهای آنها را (به سبب اعمالشان) واژگونه می سازیم. (آری آنها ایمان نمی آورند) همان گونه که در آغاز، به آن ایمان

نیاوردند. و آنان را در حال طغیان و

سرکشی، به خود وا می گذاریم تا سرگردان شوند.

□ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۱۱۱)

و (حتی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند،

و همه چیز را در برابر آنها جمع می نمودیم، هرگز ایمان نمی آوردند. مگر آن که خدا بخواهد. ولی بیشتر آنها جاهل میورزند.

□ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا □ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ □ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۱۲)

این گونه در برابر هر پیامبری،

دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آنها بطور سری سخنان ظاهر فریب و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر القا می کردند. و اگر پروردگارت می

خواست، چنین نمی کردند. (ولی ایمان اجباری سودی ندارد). بنابراین، آنها و تهمت هایشان را به حال خود واگذار.

□ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ (۱۱۳)

نتیجه (وسوسه های شیاطین) این خواهد

شد که دل‌های کسانی که به قیامت ایمان ندارند، به آنها متمایل گردد. و به آن راضی شوند. و هر گناهی که بخواهند، مرتکب شوند.

أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتْبَغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا □ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ □ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴)

(با این حال)، آیا غیر خدا

را به داوری طلبیم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن بیان شده، به سوی شما فرستاده است. و کسانی که به آنها کتاب آسمانی

داده ایم می دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده. بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش.

□ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا □ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ □ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)

و کلام پروردگارت، با صدق و عدل، به حد تمام حاصل

شد. هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد. و او شنونده داناست.

وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ □ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶)

و اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه

می کنند. (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می زنند.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ □ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۷)

پروردگارت کسانی را که از راه او گمراه گشته اند، بهتر می شناسد. و

همچنین کسانی را که هدایت یافته اند.

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

از (گوشت) آنچه نام خدا (هنگام ذبح) بر آن گفته شده، بخورید (و از غیر آن نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ □ وَإِنَّ كَثِيرًا لَلِيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ □ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۱۱۹)

چرا از آنچه نام خدا بر آن برده شده نمی خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است! مگر این که ناچار باشید. (که در این صورت،

خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است.) و بسیاری از مردم، بخاطر هوا و هوس و نادانی، (دیگران را) گمراه می سازند. و پروردگارت، تجاوزکاران را بهتر می

شناسد.

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ □ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۲۰)

گناهان آشکار و پنهان را رها کنید. زیرا کسانی که گناه می کنند، بزودی در برابر آنچه مرتکب می شدند، مجازات خواهند شد.

وَلَمَّا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ □ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيَجْادِلُوكُمْ □ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)

و از آنچه نام خدا

بر آن برده نشده، نخورید که این کار گناه است. و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله برخیزند. اگر از آنها اطاعت کنید، شما

هم مشرک خواهید بود.

□
أَوْ مِنْ كَذِبٍ أَوْ مِمَّا جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا □ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۲)

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، [= کافر بود و ایمان آورد]

و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در تاریکی هاست و از آن خارج نمی شود؟! این گونه برای کافران، آنچه که (از اعمال زشت) انجام می دادند، تزئین شده (و زیبا جلوه کرده) است.

□
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا □ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۱۲۳)

و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم. (و همه گونه قدرت در

اختیارشان گذاردیم.) و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند. ولی (اینگونه افراد) تنها خودشان را فریب می دهند و نمی فهمند.

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (۱۲۴)

و

هنگامی که آیه ای برای آنها بیاید، می گویند: «ما هرگز ایمان نمی آوریم، مگر این که همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده، به ما داده شود.» خداوند آگاهتر

است که رسالت خویش را در کجا (و به عهده چه کسی) قرار دهد. بزودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند)، در برابر مکر (و

فریب و نیرنگی) که می کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد.

ص: ۱۴۳

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ □ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ □ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد. و آن کس را که (بخاطر اعمال) خلافتش) بخواهد گمراه سازد، سینه

اش را آنچنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا- برود. این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند قرار می دهد.

□ وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا □ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)

و این راه مستقیم (و)

سنت جاویدان) پروردگار توست. ما آیات خود را برای کسانی که پند می گیرند، بیان کرده ایم.

□ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ □ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۷)

برای آنها نزد پروردگارشان (در بهشت) سرای امن و آرامش

خواهد بود. و بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می دادند، او ولی و یاور آنهاست.

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ □ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا □ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ □ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می سازد، (می گوید): ای گروه

جنیان (و شیاطین)! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می گویند: «پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [=پیشوایان و پیروان گمراه] از دیگری بهره بردیم. (ما به لذات زود گذر رسیدیم و آنها به حکومت بر ما) و به پایان مهلتی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می گوید: «آتش جایگاه شماست. جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد». پروردگار تو حکیم و داناست.

□ وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹)

ما این گونه بعضی از ستمکاران را بر بعضی دیگر می

گماریم بسبب اعمالی که انجام می دادند.

□ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا □ قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا □

وَعَزَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰)

(در آن روز به آنها می گوید:) ای گروه جنّ و انس! آیا پیامبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان

بیان می کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟!)

آنها می گویند: «(آری ما بد کردیم و) بر زیان خود گواهی می دهیم.» و زندگی (پر زرق

و برق) دنیا آنها را فریب داد. و به زیان خود گواهی می دهند که کافر بودند.

□
ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (۱۳۱)

این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه (بدون فرستادن پیامبران، مردم) شهرها

و آبادی ها را بخاطر ستمها (و گناهانشان) در حالی که غافلند هلاک نمی کند.

ص: ۱۴۴

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا □ وَمَا رُبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)

و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند.

و پروردگارت از اعمالی که انجام می دهند، غافل نیست.

وَرُبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ □ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخِرِينَ (۱۳۳)

و پروردگارت بی نیاز

و مهربان است. (پس به کسی ستم نمی کند. بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می گیرند.) اگر بخواهد، همه شما را (از این

جهان) می برد. سپس هر کس را

بخواهد جانشین شما می سازد. همان طور که شما را از نسل اقوام دیگری آفرید.

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِي □ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴)

آنچه به شما وعده داده می شود، به یقین فرا می رسد. و شما نمی

توانید از عدالت و کیفر خدا فرار کنید.

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنْني عَامِلٌ □ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ □ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵)

بگو: «ای قوم من! هر چه در توان دارید، انجام دهید! من (هم به وظیفه خود) عمل می کنم. اما بزودی خواهید دانست

که سرانجام نیک (و رستگاری) از آن کیست! به یقین، ستمکاران رستگار نخواهند شد!»

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ □ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا □ فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ □ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ □ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

آنها [= مشرکان] سهمی

از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند. (و سهمی برای بتها.) و به گمان خود گفتند: «این، از آن

خداست. و این هم از آن معبودهای ما.»

آنچه برای معبودهایشان بود، به خدا نمی رسید. ولی آنچه برای خدا بود، به معبودهایشان می رسید. (چون، اگر سهم بتها با

کمبودی مواجه می شد، سهم خدا

را به بتها می دادند. اما عکس آن را مجاز نمی دانستند. چه بد داوری می کنند (که علاوه بر شرک، خدا را کمتر از بتها می دانند)!

□
وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُزِدُوهُمْ لِيُزِدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ □ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ □ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷)

و این گونه معبودهای آنها،

قتل فرزندانشان را در نظر بسیاری از آنها جلوه دادند. (زیرا کودکان خود را قربانی بتها می کردند، و افتخار می نمودند). سرانجام آنها را به هلاکت افکندند. و در

نهایت، آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا می خواست، چنین نمی کردند. (ولی اجبار سودی ندارد). بنابراین، آنها و تهمت هایشان را به حال خود واگذار

(و به آنها اعتنا مکن).

ص: ۱۴۵

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ □
سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ (۱۳۸)

و گفتند: «این چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه) ممنوع است. و جز کسانی که ما بخواهیم _ به گمان آنها _ نباید از آن بخورند. و (اینها)

چهارپایانی است که سوار شدن بر آنها حرام شده است.» و چهارپایانی (داشتند) که (هنگام ذبح)، نام خدا را بر آن نمی بردند، و به خدا دروغ می بستند. (و)

می گفتند: «این احکام، همه از ناحیه اوست.» بزودی (خدا) آنها را به سزای افتراهایی که می بستند کیفر می دهد.

□ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيْنَا □ أَرْوَاجِنَا □ وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ □ سَيَجْزِيهِمْ وَصِيْفَهُمْ □ إِنَّهُ
حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۳۹)

و گفتند: «بچه هایی که در شکم این

حیوانات است، مخصوص مردان ماست. و بر همسران ما حرام است. امّا اگر مرده باشد [= مرده متولد شود]، همه در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر این سخنان ناروا (و احکام دروغین) آنها را می دهد. او حکیم

و داناست.

□ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ □ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۴۰)

به یقین کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند. (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود حرام

کردند.

و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند. و هدایت نیافتند.

□ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشَابِهًا وَغَيْرَ مُشَابِهٍ □ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ □ وَلَا تَسْرِفُوا □ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱۴۱)

اوست کسی که باغهای معروش [= اغهایی که درختانش روی داربست ها قرار دارد]، و باغهای غیر معروش [= باغهایی که نیاز به داربست ندارد] را آفرید. و (همچنین) نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم باهم متفاوتند. و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از

جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند. (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، ولی طعم و میوه آنها متفاوت می باشد.) از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می نشیند، بخورید. و حق آن را به هنگام برداشت

(محصول)، پردازید. و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَهُ وَفَرْشًا ۖ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲)

(اوست کسی که) از

چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید. از آنچه به شما روزی داده است، بخورید. و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او برای

شما دشمنی آشکار است.

ص: ۱۴۶

ثَمَّ يَأْتِيهِ أَزْوَاجٌ ۖ مِّنَ الضَّانِّ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ ۖ قُلْ آلَذْكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۖ نَّبُّونِي بِعِلْمٍ
إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳)

هشت زوج از چهارپایان. از میش دو زوج (نر و ماده)، و از بز دو زوج (نر و ماده) (برای شما آفرید). بگو: «آیا خداوند نرهاى آنها را حرام کرده، یا ماده ها را؟! یا آنچه

شکم ماده ها در بر گرفته؟! اگر راست مى گوئید (و بر تحریم اینها دلیلى دارید)، به من از روی علم و آگاهی خبر دهید!»

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ۖ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۖ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمْ اللَّهُ
بِهَذَا ۖ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

و از شتر دو زوج (نر و ماده)، و از گاو

هم دو زوج

(نر و ماده). بگو: «آیا خداوند نرها را حرام کرده یا ماده ها را؟! یا آنچه را شکم ماده ها

در بر گرفته؟! یا هنگامی که خدا شما را به این موضوع سفارش کرد، شما گواه (بر این تحریم) بودید؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ

می بندد، تا از روی جهل، مردم را گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه گروه ستمکاران را هدایت نمی کند»

قُلْ لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا
لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴۵)

بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ طعامی را برای خورندگان، حرام نمی یابم. بجز این که مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک _ که اینها همه پلیدند _ یا حیوانی که به گناه، (هنگام ذبح) نام غیر خدا [= نام بتها] بر آن برده شده است.» امّا کسی که ناچار (از خوردن این محرّمات) شود، در صورتی که ستمکار و متجاوز نباشد، (گناهی بر او نیست). زیرا پروردگارت، آمرزنده و مهربان است.

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ ۖ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ
بِعَظْمٍ ۖ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ ۖ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۴۶)

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار [= حیواناتی که سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم. و از گاو و گوسفند، پیه و چربی‌شان را بر آنان تحریم نمودیم. مگر چربی‌هایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با استخوان آمیخته است. این کیفر را به سزای ستمشان به آنها دادیم. و ما راست می گوئیم.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴۷)

اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، دارای رحمتی گسترده است. اما مجازات او هم از مجرمان بازگردانده نمی شود. (و اگر

ادامه دهید کیفر شما حتمی است)».

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ □ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا □ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا □ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱۴۸)

بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: «اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما. و نه

چیزی را تحریم می کردیم.» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه (آیات خدا را) تکذیب کردند.

و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید که آن را بر ما آشکار سازید؟! شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید،

و تخمینهای نابه جا می زنید.»

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ □ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو: «دلیل رسا برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد). و اگر او می خواست، همه شما را (به

اجبار) هدایت می کرد. (ولی هدایت اجباری بی ثمر است.)»

قُلْ هَلُمْ شُهَدَاءُ كُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا □ فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ □ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱۵۰)

بگو: «گواهان خود را، که گواهی می دهند خداوند اینها را حرام کرده است، بیاورید!» اگر آنها (به

دروغ) گواهی دهند،

تو با آنان (همصدا نشو. و) گواهی نده. و از هوا و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگارشان همتا و شبیه

قرار می دهند، پیروی مکن.

□ قُلْ تَعَالَوْا أَنُؤَلِّمَ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ □ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا □ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا □ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ □ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ

وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
(۱۵۱)

بگو: «بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: این که چیزی را همتای خدا قرار ندهید. و به پدر و مادر

نیکی کنید.

و فرزندانان را از (ترس) فقر، نکشید. ما شما و آنها را روزی می دهیم. و به کارهای زشت نزدیک نشوید، چه آشکار باشد چه پنهان. و انسانی را که خداوند محترم

شمرده، به قتل نرسانید، مگر بحق (و از روی استحقاق). این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، تا بیندیشید.

ص: ۱۴۸

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۖ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۖ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حدّ رشد خود برسد. و حقّ پیمانانه و وزن را بعدالت ادا کنید. _ هیچ کس را، جز به مقدار

توانایش، تکلیف نمی کنیم _ و هنگامی که سخنی می گوئید، (و داوری می کنید)، عدالت را رعایت نمایید، حتّی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد. و به پیمان

خدا وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکّر شوید.

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

این راه مستقیم من است. از آن پیروی کنید. و از راههای پراکنده (و

انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از راه او، دور می سازد. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا پرهیزگاری پیشه کنید.»

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

سپس به

موسی کتاب آسمانی دادیم. تا (نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کنیم. و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، در آن) روشن سازیم. و آن را مایه هدایت و

رحمت قرار دهیم. شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان آورند.

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۵۵)

و این کتابی است پر برکت، که ما نازل کردیم. از آن پیروی کنید، و پرهیزگاری پیشه

نمایید، تا مورد رحمت (خدا) قرار گیرید.

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ (۱۵۶)

(ما این کتاب را نازل کردیم) تا مبادا بگوئید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری] نازل شده بود. و ما از بحث و بررسی آنان بی خبر بودیم.»

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ لِمَنُومَنَّهُمْ ۚ فَتَقَدَّرَ جَاءُكُمْ بَيْنَهُ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ
اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۚ سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (۱۵۷)

یا بگویید: «اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، از آنها هدایت یافته تر بودیم». اینک آیات و دلایل روشن از جانب پروردگارتان، و هدایت و رحمت برای شما آمد. پس،

چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟! و بزودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند، به سبب

اعراضشان، مجازات بدی خواهیم کرد!

ص: ۱۴۹

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ □ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا □ قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (۱۵۸)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سراغشان آیند، یا پروردگارت (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه های رستاخیز)؟! اما آن روز که

بعضی از آیات پروردگارت (نشانه های مرگ و عذاب) ظاهر شود، ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش عمل نیکی انجام نداده، سودی به حالش

نخواهد داشت. بگو: «(اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید،) انتظار بکشید! ما هم انتظار (کیفر شما را) می کشیم!»

إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ □ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُجَبُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۵۹)

کسانی که در آیین خود تفرقه

ایجاد کردند،

و به دسته های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری. سر و کار آنها تنها با خداست. سپس خدا آنها را از آنچه انجام

می دادند، با خبر می کند.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا □ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۰)

هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید. و ستمی بر آنها

نخواهد شد.

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا □ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱)

بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده. آیینی استوار (و ضامن سعادت دین

و دنیا). آیین ابراهیم. که ایمانی خالص داشت. و از مشرکان نبود.»

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲)

بگو: «نماز

و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

□
لَا شَرِيكَ لَهُ □ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳)

همتایی برای او نیست. و به همین مأمور شده ام. و من

نخستین مسلمانم.»

قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ □ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا □ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى □ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۱۶۴)

بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی

دهد. و هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد. سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است. و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، باخبر

خواهد کرد.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ □ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ
رَّحِيمٌ (۱۶۵)

و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان خود) در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را بوسیله آنچه در

اختیارتان قرار داده بیازماید. به یقین پروردگار تو دارای مجازات سریع و (در عین حال نسبت به حق پویان) آمرزنده و مهربان است.

ص: ۱۵۰

۷- سوره الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المص (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان المص.

كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

این کتابی است که بر تو نازل شده _ پس نباید از (ناحیه ابلاغ) آن، ناراحتی در سینه داشته باشی. _ تا به وسیله آن، (مردم را از عواقب اعمال بد) بیم دهی. و تذکری است برای مؤمنان.

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۳)

از چیزی که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید. و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید. هر چند کمتر متذکر می شوید.

وَكَمْ مِّن قَوْمٍ أَنهَلَكْنَاهَا فَبَجَاءَهَا بِأَسْنَانَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (۴)

چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم. و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند،

به سراغشان آمد.

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَانَا إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۵)

و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز این که گفتند: «ما ستمکار بودیم.» (ولی این اعتراف به گناه. دیگر دیر شده بود.)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (۶)

به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد. و (هم) از پیامبران سؤال می کنیم.

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ ۖ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (۷)

و مسلماً (اعمالشان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد. و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه جا ناظر اعمال بندگان هستیم).

وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۖ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸)

وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است. کسانی که کفّه های (عمل) آنها سنگین است، تنها آنان رستگارند.

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (۹)

و کسانی که کفّه های (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، به سبب ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما روا می داشتند، از دست داده اند.

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۱۰)

ما تسلط بر زمین را برای شما قرار دادیم. و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم.

هر چند کمتر شکرگزاری می کنید.

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (۱۱)

ما شما را آفریدیم. سپس صورت بندی کردیم. بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید.» آنها همه سجده کردند.

جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتَ كَ □ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲)

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟!» گفت: «من از او بهترم. مرا از آتش آفریده ای و او را از گِل!»

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)

فرمود: «از آن (مقام و مرتبه ات) فرود آی. تو حق نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبر کنی. بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی.»

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴)

گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند مهلت ده (و زنده بگذار).»

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵)

فرمود: «تو از مهلت داده شد گانی.»

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶)

به دروغ گفت: «به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در کمین آنها می نشینم.»

ثُمَّ لَأَيِّبَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ □ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷)

سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست

و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم. و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت.»

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا □ لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۸)

فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! به یقین هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می کنم.»

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید. و از هر جا که خواستید، بخورید! امّا به این درخت نزدیک نشوید، که از

ستمکاران خواهید بود.»

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (۲۰)

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد. و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر این که (اگر از آن بخورید،) هر دو فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند.»

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (۲۱)

و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ □ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ يَدَّتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِمَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ □ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (۲۲)

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد. و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند. و پروردگارش آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم، و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!»

ص: ۱۵۲

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم. و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی،

به یقین از زیانکاران خواهیم بود.»

قَالَ اهْبُطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲۴)

فرمود: «(از مقام خویش،) فرود آید،

در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود. (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او.) و برای شما در زمین، تا زمان معینی محل اقامت و وسیله بهره برداری خواهد بود.»

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ (۲۵)

فرمود: «در آن [= زمین] زنده می شوید. و در آن می میرید. و (در رستاخیز) شما را از آن بیرون می آورند.»

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا ۖ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۖ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما آفریدیم که اندام شمارا می پوشاند و مایه زینت شماست. اما جامه پرهیزگاری بهتر است. اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمتهای او) شوند.

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَآتِهِمَا ۖ إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۖ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبید، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از نشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد. چه این که او و طایفه اش شما را می بیند از جایی که شما آنها را نمی بینید.

(اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا ۖ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۖ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲۸)

و هنگامی که کار زشتی انجام می دهند می گویند: «پدران خود را بر این (عمل) یافتیم. و خداوند ما را به آن فرمان داده است.» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی دهد.

آیا چیزی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟!»

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۖ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (۲۹)

بگو: «پروردگام امر به عدالت کرده است. و روی خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید. و او را بخوانید، و دین (خود) را برای او خالص کنید. (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز می گردید».

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۚ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۰)

جمعی را هدایت کرده. و جمعی (که شایستگی نداشته اند)، گمراهی بر آنها مسلّم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند. و گمان می کنند هدایت یافته اند.

ص: ۱۵۳

□ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا □ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

ای فرزندان آدم! زینت خود را در هنگام رفتن به هر مسجدی، با خود بردارید.

و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد.

□ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ □ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ كَذَلِكَ □
نُفِّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳۲)

بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده،

و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند. (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند. ولی) در قیامت، فقط برای مؤمنان خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم.

□ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۳)

بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، حرام کرده است. چه آشکار باشد

و چه پنهان. و (همچنین) گناه و ستم به نا حق را. و این که چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، همتای خداوند قرار دهید. و چیزی را که نمی دانید به نسبت دهید.»

□ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ □ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً □ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۳۴)

برای هر قوم و جمعیتی، زمان و اجل (معینی) است. و هنگامی که اجل آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می کنند، و نه بر آن پیشی می گیرند.

□ يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتِيَكُمْ رَسُولٌ مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِي □ فَمَنْ اتَّقَى □ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۵)

ای فرزندان آدم! اگر پیامبرانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما باز گو کنند، (از آنها پیروی کنید). کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

□ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا □ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۶)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر نمودند، اهل دوزخند. جاودانه در آن خواهند ماند.

□ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ □ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْكِتَابِ □ حَتَّى □ إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُتَوَفَّوهُمْ

قَالُوا أَيَّنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۳۷)

چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ بستند، یا آیات او را تکذیب کردند؟! آنها نصیبشان را از آنچه مقدر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می برند.

تا زمانی که فرستادگان ما (و فرشتگان قبض روح) به سراغشان آیند که جانشان را بگیرند. از آنها می پرسند: «کجا ایند معبودهایی که غیر از خدا می خواندید؟! (چرا به یاری شما نمی آیند؟!!)» می گویند: «آنها (همه) از نظر ما پنهان و گم شدند» و به زیان خود گواهی می دهند که کافر بودند.

ص: ۱۵۴

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ □ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا □ حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا
قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ □ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ (۳۸)

(خداوند به آنها) می گوید: «در صف اقوام گمراهی از جن و انس که پیش از شما بودند

در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می شوند، گروه همسان خود را لعن می کنند. تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند، در این هنگام، گروه پیروان درباره پیشوایان خود می گویند: «پروردگارا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند. پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن. (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری به خاطر گمراه ساختن ما.)» می فرماید: «برای هر کدام (از شما) دو عذاب است. ولی نمی دانید.»

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۳۹)

و پیشوایان آنها به پیروان خود می گویند: «شما برتری بر ما نداشتید. پس بچشید عذاب (الهی)

را در برابر آنچه انجام می دادید!»

□
إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَأَنفُتْحَ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ □ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (۴۰)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی شود. (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر این که شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، مجرمان را کیفر می دهیم.

□
لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ □ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۴۱)

برای آنها بستری از (آتش) دوزخ، و روی آنها پوششی (از آن) است.

و اینچنین ستمکاران را جزا می دهیم.

□
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَأُنْكَفَىٰ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۴۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند _ البته هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کنیم _ آنها اهل بهشتند. و جاودانه در آن خواهند ماند.

□
وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ □ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ □ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ بِرَبِّنَا بِالْحَقِّ □ وَنُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمی کنیم (تا در صفا با هم زندگی کنند). و از زیر (قصرهای) آنها، نهرها جاری است.

می گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد. و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم. مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند.» و (در این هنگام) به آنان ندا داده می شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید.»

ص: ۱۵۵

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا □ قَالُوا نَعَمْ □ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ
بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۴۴)

و بهشتیان دوزخیان را صدا می زنند که: «آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم. آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» می گویند: «آری» در این هنگام، ندادهنده ای در میان آنها ندا می دهد که: «لعنت خدا بر ستمکاران باد!

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (۴۵)

(همان) کسانی که (مردم را) از راه خدا باز می دارند، و (با القای شبهات) می خواهند آن را کج و معوج نشان دهند. و آنها سرای دیگر را انکار می کنند.»

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ □ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ □ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا □ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ
يَطْمَعُونَ (۴۶)

و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است. و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو گروه را از چهره هایشان می شناسند. و بهشتیان را صدا می زنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن را دارند.

□ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۷)

و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمکاران قرار مده.»

□ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (۴۸)

و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: «(دیدید که) نه جمع آوری (مال و ثروت) شما و نه تکبر و ورزیدن شما، به حالتان سودی نداد!»

□ أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ □ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۴۹)

آیا اینها [=این و اماندگان بر اعراف] همانان هستند که سوگند یاد کردید خداوند، هرگز رحمتش را شامل حال آنها نخواهد کرد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و کارهای نیکشان، آنها را بخشید. هم اکنون به آنها گفته می شود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می شوید.

□ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ □ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا می زنند که: «(ترحم کنید و) مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما بیخشید.» آنها

(در پاسخ) می گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است.»

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا □ فَالْيَوْمَ نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۵۱)

(همان) کسانی که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند. و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت. امروز ما آنها را فراموش می کنیم، همان گونه که آنها دیدار چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار می نمودند.

ص: ۱۵۶

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم. (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان می آورند.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ ۚ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۵۳)

آیا آنها جز انتظار ظهور آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) را دارند؟! آن روز که ظهور آنها فرا رسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی سودی ندارد. و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می گویند: «فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند. آیا (امروز) برای ما شفاعت کنندگانی وجود دارند که برای ما شفاعت کنند، یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) باز گردیم،

و اعمالی غیر از آنچه انجام می دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست داده اند. و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان گم می شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفاعت کننده ای)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید. سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت). با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند. و شب به سرعت، در پی روز می آید. و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید،

که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت و بی زوال است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۵۵)

پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع، و در پنهانی، بخوانید. (و از تجاوز، دست بردارید که)

او متجاوزان را دوست نمی دارد.

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید. (بیم از مسوولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سَقَاهُ لِيُغْلِقَ مَتَّي فَاَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ

الْشَّمْرَاتِ ۖ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۵۷)

او همان کسی است که بادها را به عنوان بشارت، در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد. تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند. (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می فرستیم. و بوسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می کنیم. و با آن، میوه های گوناگون (از خاک تیره) بیرون می آوریم. این گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم)، مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم، شاید

(با توجه به این مثال) متذکر شوید.

ص: ۱۵۷

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ □ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا □ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (۵۸)

سرزمین پاکیزه (و مستعد)، گیاهش به فرمان پروردگار می روید. اما سرزمین های ناپاک (و شوره زار)، جز گیاه اندک و بی ارزش، از آن نمی روید. این گونه آیات (خود)

را برای گروهی که شکر گزارند، شرح می دهیم.

□
لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۵۹)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. او گفت: «ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست. (و اگر غیر او را عبادت کنید)، من بر شما از عذاب روز بزرگی می ترسم!»

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۶۰)

(ولی) اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم.»

□
قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۱)

گفت: «ای قوم من! من هیچگونه گمراهی ندارم. بلکه من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۲)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم.

و خیرخواه شما هستم. و از خداوند چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۶۳)

آیا تعجب کرده اید که پیام آگاه کننده پروردگارتان بوسیله مردی از خودتان به شما برسد، تا

(از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و در پرتو آن، پرهیزگاری پیشه کنید و مشمول رحمت (الهی) شوید؟!»

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَعَرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا □ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (۶۴)

اما سرانجام او را تکذیب کردند. و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند، رهایی بخشیدیم. و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم. زیرا آنها گروهی نابینا (و کوردل) بودند.

□ وَالَّذِينَ عَادُوا أَخَاهُمْ هُودًا □ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ □ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۶۵)

و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم). گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست. آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید؟!»

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهِهِ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۶۶)

اشراف کافر قوم او گفتند:

«ما تو را گرفتار سفاهت می بینیم، و به یقین تو را از دروغگویان می دانیم.»

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۶۷)

گفت: «ای قوم من! من دچار سفاهتی نیستم، بلکه فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم.»

ص: ۱۵۸

أَبْلُغَكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (٦٨)

رسالت‌های پروردگارتان را به شما ابلاغ می‌کنم. و من خیرخواه امینی برای شما هستم.

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۖ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٦٩)

آیا تعجب کرده اید که پیام آگاه کننده پروردگارتان بوسیله مردی از خودتان به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد. و شما را از جهت خلقت (و توانایی جسمانی) فزونی بخشید. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، تا رستگار شوید.

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۖ فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٧٠)

گفتند: «آیا آمده ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما می پرستیدند، رها کنیم؟! پس اگر راست می گویی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور!»

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَيِّمْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآيَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۖ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (٧١)

گفت: «پلیدی و غضب از سوی پروردگارتان، شما را (به سبب اعمالتان) فرا گرفته است. آیا با من در مورد اسم هایی (بی مسما) که شما و پدرانتان آنها را (خدا) نامیده اید مجادله می کنید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟! پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می کشم! (شما انتظار شکست من، و من انتظار عذاب الهی برای شما!)»

فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (٧٢)

سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، با رحمتی از سوی خود نجات بخشیدیم. و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و مؤمن نبودند، قطع کردیم.

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۖ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ ۖ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ ۖ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٧٣)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم). گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما نشانه ای است. بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود. و هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!»

وَإِذْ كُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخَذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا □ فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٧٤)

و به خاطر بیاورید هنگامی که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید. و در کوهها، برای خود خانه ها می تراشید. بنابراین، نعمتهای خدا را متذکر شوید. و در زمین، به فساد نکوشید.»

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ أَمَنَ مِنْهُمْ اتَّعَلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسِلٌ مِّنْ رَبِّهِ □ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (٧٥)

(ولی) اشراف مستکبر قوم او، به مستضعفانی از آنها که ایمان آورده بودند، گفتند:

«آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟! آنها گفتند: «ما به آنچه او برای آن فرستاده شده، ایمان آورده ایم.»

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (٧٦)

مستکبران گفتند: «(ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، کافریم.»

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (٧٧)

سپس «ناقه» را

پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند. و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور!»

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (٧٨)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت. و صبحگاهان، در خانه هایشان به رو افتاده و مرده بودند.

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَهُ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (٧٩)

(صالح) از آنها روی برتافت. و گفت: «ای قوم من! رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید.»

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (٨٠)

و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان،

پیش از شما انجام نداده است؟!!

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ □ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّشْرِفُونَ (۸۱)

آیا شما از روی شهوت به جای زنان، به سراغ مردان می روید؟!، آری شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید»

ص: ۱۶۰

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ □ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ (۸۲)

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند (و با ما همصدا نیستند).»

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۸۳)

(چون کار به این جا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم. جز همسرش، که از بازماندگان (و هلاک شدگان در شهر) بود.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا □ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۸۴)

و آن چنان بارانی (از سنگ) بر آنها فرو ریختیم. (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام مجرمان چگونه بود!

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا □ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ □ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ □ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا □ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸۵)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم). گفت: «ای قوم من! خدا را پرستید، که جز او معبودی برای شما نیست. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است. بنابراین، حق پیمانہ و وزن را ادا کنید. و از اموال مردم کم نگذارید.

و در روی زمین، بعد از آن که (در پرتو ایمان و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر باایمان هستید.

وَلَا تَعْبُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصِيدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا □ وَاذْكُرُوا إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُم □ وَاَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۸۶)

و بر سر هر راه ننشینید تا کسانی را که به خدا ایمان آورده اند تهدید کنید و از راه خدا باز دارید، و بخواهید (با القای شبهات،) آن را کج و منحرف سازید. و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید،

و او شما را فزونی بخشید. و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود!

وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا □ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۷)

و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده ام ایمان آورده اند، و گروهی ایمان نیاورده اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است.»

□ قَالَ الْمَلَأَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا □ قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (۸۸)

اشراف مستکبر قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که با تو ایمان آورده اند، از شهر و دیارمان بیرون خواهیم راند یا این که به آیین ما باز گردید.» گفت: «آیا (می خواهید ما را باز گردانید) اگر چه مایل نباشیم!؟»

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عِدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعِيدٍ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا □ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُوذَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا □ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا □ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا □ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (۸۹)

اگر ما به آیین شما باز گردیم، بعد از آن که خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته ایم. و برای ما ممکن نیست که ما به آن باز گردیم مگر این که خدایی که پروردگار ماست بخواهد. علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده ایم. پروردگارا! میان ما

و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی.»

وَقَالَ الْمَلَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ (۹۰)

اشراف کافر قوم او گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، به یقین شما زیانکار خواهید شد.»

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۱)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت. و صبحگاهان در خانه هایشان به رو افتاده و مرده بودند.

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا □ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (۹۲)

کسانی که شعیب را تکذیب کردند، (آنچنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه ها) سکونت نداشتند! (آری) آنها که شعیب را تکذیب کردند، زیانکاران واقعی بودند.

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ □ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۹۳)

و از آنان روی بر تافت و گفت: «ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم

و برای شما خیرخواهی نمودم. با این حال، چگونه بر حال قوم بی ایمان تأسف بخورم!؟»

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (۹۴)

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این که اهل آن را به سختی ها و رنج ها گرفتار ساختیم. شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) باز گردند و تضرع کنند

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵)

سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی قرار دادیم. آنچنان که فزونی گرفتند، (و مغرور شدند)،

و گفتند: «تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم.» به پدران ما نیز ناراحتی

و شادمانی رسید. «چون چنین شد، آنها را (به سبب اعمالشان) ناگهان گرفتیم

(و مجازات کردیم)، در حالی که درک نمی کردند.

ص: ۱۶۲

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم. ولی (آنها حق را) تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (۹۷)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمن هستند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که در خواب باشند؟!

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ (۹۸)

و یا اهل این آبادیها،

از این در امان می باشند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟!

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ۚ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۹۹)

آیا آنها خود را از عذاب ناگهانی خدا در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مجازات خدا ایمن نمی دانند.

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّو نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

آیا کسانی که زمین را بعد از صاحبان (پیشین) آن به ارث می برند، عبرت نمی گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاک می کنیم، و بر دلهایشان مهر می نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟!

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ ۚ كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلٰى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱)

اینها، شهرها و آبادیهایی است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می دهیم. پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند. ولی آنها (چنان لجوج بودند که) به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان نمی آوردند. این گونه خداوند بر دلهای کافران مهر می نهد (و بر اثر لجاجت و ادامه گناه، توان تشخیص را از آنها سلب می کند).

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ ۚ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (۱۰۲)

و برای بیشتر آنها پابندی به هیچ پیمانی نیافتیم. (بلکه) به یقین اکثر آنها را فاسق

و گنهکار یافتیم.

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَظَلَمُوا بِهَا ۚ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۰۳)

سپس به دنبال آنها [= پیامبران پیشین] موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم. اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. بین سرانجام مفسدان چگونه بود!

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و موسی گفت: «ای فرعون! من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم.

ص: ۱۶۳

حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ □ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۰۵)

سزوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده ام. پس بنی اسرائیل را با من بفرست.»

قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۰۶)

(فرعون) گفت: «اگر نشانه ای آورده ای، نشان بده اگر از راستگویانی.»

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۱۰۷)

(موسی) عصای خود را افکند. ناگهان اژدهای آشکاری شد.

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّاطِرِينَ (۱۰۸)

و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد. سفید و نورانی برای بینندگان بود.

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۱۰۹)

اشراف قوم فرعون گفتند: «بی شک، این ساحری ماهر

و داناست.

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ □ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۱۱۰)

می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند. شما چه نظر می دهید؟»

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۱۱۱)

(سپس به فرعون) گفتند: «او و برادرش را مهلت ده، و مأموران را برای گردآوری (ساحران) به تمام شهرها اعزام کن،

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۱۱۲)

تا هر ساحر ماهر و دانا را به خدمت تو بیاورند.»

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۱۱۳)

ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: «آیا اگر ما پیروز گردیم، اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟!»

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۱۱۴)

گفت: «آری، و به یقین شما از مقربان خواهید بود.»

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَن تُلْقَىٰ وَإِنَّمَا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (۱۱۵)

(و چون روز مبارزه فرا رسید. ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (وسایل سحر را) بیفکن، یا ما می افکنیم.»

قَالَ الْفُؤَاۤءُ فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ (۱۱۶)

گفت: «شما بیفکنید.» و هنگامی که (وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم بندی کردند و ترساندند. و سحر عظیمی پدید آوردند.

وَإِذْ نَادَىٰ مُوسَىٰ أَن لِّقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷)

(ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن.» ناگهان (به صورت مار عظیمی در آمد و) وسایل دروغین آنها را (بسرعت) بلعید.

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸)

(در این هنگام،)

حق آشکار شد. و آنچه آنها انجام می دادند، باطل گشت.

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹)

و در آن جا (همگی) مغلوب شدند. و خوار و حقیر گشتند.

وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ (۱۲۰)

و ساحران بی اختیار به سجده افتادند.

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۱)

و گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۲۲)

همان پروردگار موسی

و هارون.»

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۚ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرُتُمْؤُهُ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۲۳)

فرعون گفت: «آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه ای است که در این شهر (و دیار) به کار گرفته اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید. ولی بزودی (نتیجه کار خود را) خواهید دانست!

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

سوگند می خورم که دستها و پاها را شما را بطور مخالف (یکی از راست و دیگری از چپ) قطع می کنم. سپس همگی را به دار می آویزم!

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۱۲۵)

(ساحران) گفتند: «(مهم نیست)، ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم.

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا ۚ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶)

انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش _ هنگامی که به سراغ ما آمد _ ایمان آوردیم. پروردگار! صبر

و استقامتی (کافی) بر ما فروریز. و ما را مسلمان بمیران.»

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُؤُ مُوسَىٰ ۚ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرَكَ وَالْأَهْتَك ۚ قَالَ سَيُنْفِقُلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (۱۲۷)

و اشراف قوم فرعون

(به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟! گفت: «بزودی پسرانشان را می کشیم، و زنانشان را (برای خدمت کاری) زنده نگه می داریم. و ما بر آنها کاملاً مسلطیم.»

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸)

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند. و سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است.»

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۲۹)

گفتند: «پیش از آن که به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می بینیم! (کی این آزارها به سر خواهد آمد؟)» گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، تا ببیند چگونه عمل می کنید.»

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰)

و ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود میوه ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند.

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳۱)

هنگامی که نیکی (ونعمت) به آنها می رسید، می گفتند: «این بخاطر خودِ ماست.» و اگر بدی (و بلا) به آنها می رسید، می گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست.» آگاه باشید همه اینها، از سوی خداست. ولی بیشتر آنها نمی دانند.

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَخْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

و گفتند: «هر زمان نشانه

و معجزه ای برای ما بیاوری که با آن سحرمان کنی، ما به تو ایمان نمی آوریم.»

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۱۳۳)

سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم): طوفان و ملخ و آفت گیاهی

و قورباغه ها و خون را _ که نشانه هایی از هم جدا بودند _ بر آنها فرستادیم. ولی (باز بیدار نشدند، و) تکبر ورزیدند، و جمعیت گنهکاری بودند.

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۗ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۳۴)

هنگامی که بلا- بر آنها مسلط می شد، می گفتند: «ای موسی! از پروردگارت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند. اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، به یقین به تو ایمان می آوریم،

و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد.»

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ آلِ أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (۱۳۵)

اما هنگامی که بلا را، پس از مهلت معینی که به آن می رسیدند، از آنها برمی داشتیم، پیمان خویش را می شکستند.

فَاتَّقَمْنَا مِنْهُمُ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بَأْنَهُمْ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۳۶)

سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم. زیرا آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند.

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسَيْنِ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۗ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم که (زیر زنجیر ظلم و ستم) به ضعف کشانده شده بودند، واگذار کردیم. و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت.

و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلل) می ساختند، و آنچه از باغهای داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!

ص: ۱۶۶

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ □ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ □ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۱۳۸)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم. (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، برای عبادت، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند.» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.

□ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۹)

اینها (را که می بینید)، سرانجام کارشان نابودی است. و آنچه انجام می دهند، باطل و بی اساس است.»

□ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۴۰)

(سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، معبودی برای شما بطلبیم؟! در حالی که او شما را بر جهانیان (هم عصرتان) برتری داد.»

□ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ □ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ □ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۱۴۱)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که از (چنگال) فرعونیان نجاتتان بخشیدیم. در حالی که پیوسته شما را به بدترین صورت شکنجه می دادند، پسرانتان را می کشتند، و زنانتان را (برای خدمت کاری) زنده می گذاشتند. و در این، آزمایش بزرگی برای شما از سوی پروردگارتان بود.

□ وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً □ وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (۱۴۲)

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم. سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم. به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفته بود: «در میان قوم جانشین من باش. و (امور آنها را) اصلاح کن. و از روش مفسدان، پیروی منما.»

□ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ □ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي □ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا □ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۴۳)

و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم.» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید. ولی به کوه بنگر، اگر (تاب بیاورد که) در جای خود ثابت بماند، مرا خواهی دید.» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه تجلی نمود، آن را همسان خاک قرار داد.

و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض کرد: «خداوندا. منّهی تو (از این که با چشم تو را بینم)! من به سوی تو بازگشتم. و من نخستین مؤمنانم.»

ص: ۱۶۷

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

(خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالت‌های خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم. پس آنچه را به تو داده ام بگیر. و از شکر گزاران باش.»

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا خُدُوا بِأَحْسَنِهَا □ سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (۱۴۵)

و برای او در الواح (تورات) اندرزی از هر موضوعی نوشتیم. و هر چیزی را (که مورد نیازشان بود) شرح دادیم، پس (به او گفتیم:) آن را با جدیت بگیر. و به قوم خود دستور ده: به نیکوترین آنها عمل کنند. (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است.) و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!»

سَأَصْرِفُ عَن آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَّا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْعُغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا □ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۴۶)

بزودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می سازم. (زیرا آنها چنانند که) اگر هر آیه و نشانه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند. اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی کنند. و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می کنند. (همه) اینها بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ □ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۷)

و کسانی که آیات ما، و دیدار آخرت را تکذیب (و انکار) کنند، اعمالشان نابود می گردد. آیا جز آنچه را عمل می کردند پاداش داده می شوند؟!

وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ □ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَّا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا □ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (۱۴۸)

قوم موسی بعد از (رفتن) او (به میعادگاه الهی)، از زیورهای خود مجسمه گوساله ای ساختند. که صدایی همچون صدای گوساله داشت. آیا آنها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ستمکار بودند.

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۱۴۹)

و هنگامی که حقیقت در دسترسشان قرار گرفت، و دیدند گمراه شده اند، گفتند: «اگر پروردگاران ما به ما رحم نکند، و ما را

نیامرزد، بطور قطع

از زیانکاران خواهیم بود.»

ص: ۱۶۸

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي ۖ أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۖ قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۵۰)

و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین الهی را ضایع کردید). آیا در مورد فرمان پروردگارتان (و تمديد مدت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید)؟!» سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید. (برادرش) گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند. و نزدیک بود مرا بکشند. پس کاری نکن که دشمنان مرا سرزنش کنند. و مرا در زمره ستمکاران قرار مده.»

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱۵۱)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود وارد کن، و تو مهربانترین مهربانانی.»

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتِرِينَ (۱۵۲)

کسانی که گوساله را (به خدایی) برگزیدند، بزودی خشمی از جانب پروردگارشان، و ذلتی (بزرگ) در زندگی دنیا به آنها می رسد.

و اینچنین، کسانی را که (بر خدا) افترا می بندند، کیفر می دهیم!

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۵۳)

و کسانی که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (مشمول عفو او می شوند. زیرا) پروردگار تو، در پی آن، آمرزنده و مهربان است.

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي نُسْحَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۱۵۴)

هنگامی که خشم موسی فرو نشست. الواح (تورات) را بر گرفت. و در نوشته های آن، هدایت و رحمتی بود برای کسانی که از پروردگار خویش می ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند).

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ ۖ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (۱۵۵)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید. و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاک شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر می خواستی، آنها و مرا پیش از این هلاک می کردی. آیا ما را به آنچه بی خردان ما انجام داده اند، (مجازات و) هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگری نیست. هر کس را بخواهی (و سزاوار ببینی)، بوسیله

آن گمراه می سازی. و هر کس را بخواهی، هدایت می کنی. تو ولیّ مایی، پس ما را بیامرز، و بر ما رحم کن، و تو بهترین
آمرزندگانگی.

ص: ۱۶۹

﴿ وَآكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ﴾ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ ﴿ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ﴾ ﴿ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴾ (۱۵۶)

و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما. چه این که ما به سوی تو بازگشت کرده ایم.» (خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت: «مجازاتم را به هر کس بخواهم (و سزاوار بینم) می رسانم. و رحمتم همه چیز را فرا گرفته. و آن را برای کسانی که تقوا پیشه کنند، و زکات پردازند، و کسانی که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْمَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴿ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿ (۱۵۷)

همان کسانی که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» (و درس نخوانده) پیروی می کنند. پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که به صورت مکتوب نزدشان است، می یابند. که آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد. اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند. و بارهای سنگین،

و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از (هدایت و) نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، تنها آنان رستگارانند.»

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿ لِمَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ﴿ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴾ (۱۵۸)

بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم. آن کس که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست. معبودی جز او نیست. زنده می کند و می میراند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیامبر درس نخوانده ای که به خدا و سخنانش ایمان دارد. و از او پیروی کنید تا هدایت یابید.»

﴿ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى ﴿ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴾ (۱۵۹)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند. و با آن، عدالت را اجرا می کنند.

وَقَطَعْنَا لَهُمْ عَشْرَةَ أَسْجَادًا أَمَمًا □ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ □ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا □ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ □ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوَى □ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ □ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۶۰)

ما آنها را به دوازده گروه _ که هر یک طایفه ای (از دودمان اسرائیل) بودند _ تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ مخصوص بزن.» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست. آنچنان که هر طایفه، چشمه و آبشخور خود را می شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم. و بر آنها «من» [= نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی»

[= پرنده ای مانند بلدرچین] فرستادیم. (و به آنان گفتیم:) از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید. (و آنها کفران کردند. ولی با این کار) به ما ستم نکردند، بلکه به خودشان ستم می نمودند.

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ □ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۱۶۱)

(و (یاد آورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر [= بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن تغذیه کنید. و بگویید: خداوند! گناهان ما را بریز.» و از در (بیت المقدس) با خضوع وارد شوید. که اگر چنین کنید، گناهان شما را می بخشیم. و پاداش نیکوکاران را افزون خواهیم ساخت.

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (۱۶۲)

اما ستمکاران آنها، این سخن را، به غیر آنچه به آنها گفته شده بود،

(به صورتی استهزاآمیز) تغییر دادند. از این رو بخاطر ستمی که روا می داشتند، عذابی از آسمان بر آنها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم).

وَاسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ □ لَا تَأْتِيهِمْ □ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۱۶۳)

و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود پرس. زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز

(و نافرمانی خدا) می کردند. همان هنگام که ماهیانشان، روزشنبه (که روز تعطیل

و عبادت بود، بر سطح آب)، آشکار می شد. اما در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی آمد. این گونه آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می کردند.

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّهُ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۚ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۚ قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّايَ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۶۴)

و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها گفتند: «چرا گروهی (گنهکار) را که خداوند هلاکشان خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت، اندرز می دهید؟!» گفتند: «این اندرزها، برای اعتذار (و انجام وظیفه) در پیشگاه پروردگار شماست. (بعلاوه) شاید آنها (بپذیرند، و) تقوا پیشه کنند.»

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَبْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَيْتِيسَ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۱۶۵)

امّا هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (و لحظه عذاب فرا رسید). نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم. و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم.

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۱۶۶)

(آری،) هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند، به آنها گفتیم: «به شکل میمون هایی طرد شده در آید!»

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۚ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۷)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا روز قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد. زیرا پروردگارت مجازاتش سریع،

و (در عین حال، نسبت به توبه کنندگان) آمرزنده و مهربان است.

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا ۚ مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ ۚ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۶۸)

و آنها را در زمین بصورت گروههایی، پراکنده ساختیم. گروهی از آنها صالح، و گروهی ناصالحند. و آنها را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم، شاید بازگردند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ ۚ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۚ وَالذَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶۹)

پس از آنها، فرزندان (ناصالح) جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (تورات) شدند. (اما با این حال،) متاع زودگذر این دنیای پست را گرفته، (براطاعت فرمان خدا ترجیح می دهند) و می گویند: «اگر ما گنهکاریم توبه می کنیم) و بزودی بخشیده خواهیم شد.» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می گیرند، آیا در کتاب آسمانی از آنها پیمان گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبنند، و) جز حق نگویند، و آنها آنچه را در آن (کتاب آسمانی) است آموخته اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی اندیشید؟!»

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (۱۷۰)

و آنها که به کتاب (خدا) تمسک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت. زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد.

ص: ۱۷۲

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۱)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنان فرود می آید. (و گفتیم:) آنچه را به شما داده ایم، با قوت

و جدیت بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید)، تا پرهیزگار شوید.

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا ۖ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷۲)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت. و آنها را بر خودشان گواه ساخت. (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم.» (خداوند چنین فرمود، مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ماز این، غافل بودیم. (و از پیمان فطری بی خبر ماندیم).»

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ ۖ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (۱۷۳)

یا بگویید: «پدرانمان پیش از این مشرک بودند، ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم. (و چاره ای جز پیروی نداشتیم). آیا ما را به آنچه اهل باطل انجام دادند مجازات می کنی؟!»

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۷۴)

این گونه، آیات را شرح می دهیم. و شاید (به سوی حق) باز گردند.

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵)

و سرگذشت کسی که آیات خود را به او دادیم، بر آنها بخوان که سرانجام خود را از آن تهی ساخت

و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد!

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثَ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَاقْضِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱۷۶)

و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم الهی) بالا می بردیم. ولی (اجبار، برخلاف سنت ماست. پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس خود پیروی کرد. مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، زبانش را بیرون می آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز زبانش را بیرون می آورد. (گویی چنان تشنه دنیاست که هرگز سیراب نمی شود.) این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. این داستانها را

(برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند).

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلُمُونَ (۱۷۷)

چه بد است مثل گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، و تنها به خودشان ستم می نمودند!

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي □ وَمَنْ يُضِلُّ □ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۷۸)

هر کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست. و هر کس را که (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، همان ها زیانکارانند.

ص: ۱۷۳

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ □ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا □
أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ □ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آنها دلها [= عقلها] بی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند. و چشمانی که با آن نمی بینند.

و گوشهایی که با آن نمی شنوند. آنها همچون چهارپایانند. بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چون امکان هدایت دارند و بهره نمی گیرند).

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ □ فَادْعُوهُ بِهَا □ وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ □ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۸۰)

و بهترین نام ها برای خداست. خدا را به آن (نامها) بخوانید. و کسانی که نام های او را تحریف می کنند (و بر غیر او می نهند)، رها سازید. آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند.

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۸۱)

و از آنها که آفریدیم، گروهی به سوی حق هدایت می کنند، و با آن اجرای عدالت می نمایند.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، ما آنان را از جایی که نمی دانند، به تدریج به سوی عذاب پیش می بریم.

وَأَمَلِي لَهُمْ □ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ (۱۸۳)

و به آنها مهلت می دهم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد). زیرا تدبیر من، قوی و متین است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست).

أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا □ مَا بِصَاحِبِهِم مِّنْ جِنَّةٍ □ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۸۴)

آیا فکر نکردند که همنشین آنها [= پیامبر] هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می دهند؟! او فقط بیم دهنده ای روشنگر است. (که مردم را متوجه وظایفشان می سازد).

أَوْلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ □ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ □ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۱۸۵)

آیا در ملکوت آسمانها

و زمین (و حاکمیت مطلق خداوند بر آنها)، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت

و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟!)

مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ □ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۸۶)

هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده ای ندارد. و آنها را در طغیان و سرکشی شان رها می سازد،

و سرگردان می شوند.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا □ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي □ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ □ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً □ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا □ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۷)

از تو درباره زمان رستاخیز سؤال می کنند، کی فرا می رسد؟ بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است. و جز او (نمی تواند) وقت آن را آشکار سازد.

(و آن، حتی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است. و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی آید.» (باز) از تو سؤال می کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری. بگو: «علمش تنها نزد خداست. ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ □ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ □ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ
وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۸۸)

بگو: «من مالک هیچ سود و زیانی برای خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد.

(و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده کند.) و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی رسید. من فقط بیم دهنده و بشارت دهنده ام برای گروهی که ایمان می آورند. (و آماده پذیرش حقتند).»

□ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا □ فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ □ فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ
دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۱۸۹)

اوست کسی که (همه) شما را از یک فرد آفرید. و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد. و چون سنگین شد، هر دو از خدایی که پروردگارشان است خواستند: «اگر فرزند صالحی به ما دهی، به یقین از شاکران خواهیم بود.»

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا □ فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۹۰)

آیا هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها [= پدران و مادران از نسل آدم] داد، (موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند. و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند. خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند.

أَيْشُرُّكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ (۱۹۱)

آیا موجوداتی را همتای او قرار می دهند که چیزی را نمی آفرینند، و خودشان آفریده شده اند.

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ (۱۹۲)

(و آن بت ها) نمی توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می دهند.

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ □ لَا يَتَّبِعُكُمْ □ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (۱۹۳)

و اگر آنها را به سوی هدایت دعوت کنید،

از شما پیروی نمی کنند. و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید!؟

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَثْمَالُكُمْ □ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۹۴)

کسانی را که غیر از خدا می خوانید (و پرستش می کنید)، بندگانِ همچون خود شما هستید. آنها را بخوانید، و اگر راست می گوید باید به شما پاسخ دهند

(و تقاضایان را برآورند)!

اَللّٰهُمَّ اَرْجُلُ يَمْشُوْنَ بِهَا ۙ اَمْ لَهِمْ اَيْدٍ يَبْطِشُوْنَ بِهَا ۙ اَمْ لَهِمْ اَعْيُنٌ يُبْصِرُوْنَ بِهَا ۙ اَمْ لَهِمْ ااذَانٌ يَسْمَعُوْنَ بِهَا ۙ قُلْ اَدْعُوا شُرَكَاءَكُمْ
ثُمَّ كِيدُوْنَ فَلَا تُنظِرُوْنَ (۱۹۵)

آیا (آنها حداقل همانند خود شما) پاهایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دستهایی دارند که با آن چیزی را بگیرند (و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، چنین نیست) بگو: «شریکانتان را (و بت هایی که همتای خدا قرار داده اید، بر ضد من) بخوانید، و برای من توطئه کنید، و لحظه ای مهلتم ندهید (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)!

ص: ۱۷۵

إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱۹۶)

ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده. و او صالحان را سرپرستی می کند.

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (۱۹۷)

و کسانی را که جز او می خوانید، نمی توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند.

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۖ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۱۹۸)

و اگر آنها را به هدایت فراخوانید، نمی شنوند. و آنها را می بینی (که با چشماهای مصنوعیشان) به تو نگاه می کنند، اما چیزی را نمی بینند!

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۱۹۹)

(به هر حال) با عفو و مدارا رفتار کن، و به کارهای شایسته دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن).

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰۰)

و اگر وسوسه ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر. که او شنونده و داناست.

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (۲۰۱)

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند. و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) در این هنگام بینا می شوند

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوْنَهُمْ فِي الْعِغْيِ ثُمَّ لَا يَقْصِرُونَ (۲۰۲)

و (مشرکان را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می برند، و (در این راه) کوتاهی نمی کنند.

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۖ هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۰۳)

هنگامی که (در نزول وحی تأخیر افتد، و) آیه ای برای آنان نیاوردی، می گویند: «چرا از پیش خود، آیه ای انتخاب نکردی؟!». بگو: «من تنها از چیزی پیروی می کنم که از سوی پروردگرم بر من وحی می شود. این (آیات) وسیله های بصیرت از جانب پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای گروهی که ایمان می آورند.»

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲۰۴)

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید. شاید مشمول رحمت (خدا) شوید.

وَإِذْ كَرَّمَكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ (۲۰۵)

پروردگارت را در درون خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن. و از غافلان مباش.

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ □ (۲۰۶)

آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تو هستند، (هیچ گاه) از عبادتش تکبر نمیورزند، و او را تسبیح می گویند،

و تنها برای او سجده می کنند.

۸ - سوره الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ □ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ □ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصِلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ □ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان

از تو درباره انفال [= غنائم، و اموال بدون مالک] سؤال می کنند. بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است. پس، از (مخالفت فرمان)

خدا پرهیزید. و خصومت‌هایی را که در میان شماست، اصلاح کنید. و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.»

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام

خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می گردد. و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، ایمانشان فزونتر می گردد. و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳)

همان

کسانی که نماز را برپا می دارند. و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند.

□ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا □ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

(آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند. برای آنان درجاتی (والا) نزد پروردگارشان

است. و برای آنها، آمرزش

و روزی پرارزشی است.

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنَ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (۵)

همان گونه که پروردگارت تو را بحق از خانه ات (به سوی میدان بدر)، خارج ساخت، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند

(ولی سرانجامش پیروزی بود).

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (٦)

آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می کردند. (و چنان ترس و وحشت آنها را فرا گرفته بود، که) گویی به سوی مرگ

رانده می شوند، و آن را با چشم خود می نگرند.

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَهِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (٧)

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری، یا لشکر مسلح قریش] نصیب شما خواهد بود. و شما دوست می داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد. ولی خداوند می خواهد حق را با دستورات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند. (از این رو شما را برخلاف میلтан، با لشکر قریش درگیر ساخت).

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (٨)

تا حق را تثبیت کند،

و باطل را از میان بردارد، هرچند مجرمان کراهت داشته باشند.

ص: ۱۷۷

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ (٩)

(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر)، از پروردگارتان کمک می خواستید. و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با هزار فرشته،

که پیاپی فرود می آیند، یاری می کنم.

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَوَدَّعَيْنَ بِهِ قُلُوبُكُمْ ۖ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (١٠)

ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد. و پیروزی جز از طرف خدا نیست. زیرا خداوند توانا و حکیم است.

إِذْ يُعَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَّهُ مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (١١)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش بود از سوی خدا، شما را فرا گرفت. و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند. و پلیدی شیطان را از شما بر طرف سازد. و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد.

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا ۖ سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (١٢)

و (به یاد آر) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم.

کسانی را که ایمان آورده اند، تقویت کنید. بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنم. ضربه ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید. و همه

انگشتانشان را قطع کنید!»

□
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (١٣)

این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش دشمنی ورزیدند. و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می بیند. و)

خداوند سخت کیفر است.

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ (۱۴)

این (مجازات دنیا) را بچشید! و برای کافران، مجازات آتش (در جهان دیگر) خواهد بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأُدْبَارَ (۱۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که

با کافران در میدان نبرد رو به رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید).

وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند به غضب خدا گرفتار خواهد شد. و جایگاه او

جهنم است، و چه بد جایگاهی است! مگر آنکه هدفش از کناره گیری، تجدید نیرو برای حمله (مجدد) و یا پیوستن به گروهی (از مجاهدان) باشد.

ص: ۱۷۸

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ □ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى □ وَلِيْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا □ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۷)

این شما نبودید که آنها را کشتید. بلکه خداوند آنها را کشت. و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) افکندی. بلکه خدا افکند. و (خدا می

خواست) تا مؤمنان را از این طریق به خوبی امتحان کند. خداوند شنوا و داناست.

□
ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (۱۸)

(سرنوشت مؤمنان و کافران)، همان بود (که دیدید!) و خداوند سست کننده

توطئه کافران است.

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ □ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ □ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ
الْمُؤْمِنِينَ (۱۹)

اگر شما فتح و پیروزی می خواهید، پیروزی به سراغ شما آمد. و اگر

(از مخالفت پیامبر) خودداری کنید، برای شما بهتر است. و اگر (به مخالفت) باز گردید، ما هم باز خواهیم گشت. و جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از یاری

خدا) بی نیاز نخواهد کرد. و خداوند با مؤمنان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ (۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا

و پیامبرش را اطاعت کنید. و از فرمان او سرپیچی نمایند در حالی که (سخنان او را) می شنوید.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۲۱)

و همانند کسانی نباشید که می گفتند: «شنیدیم». ولی در

حقیقت نمی شنیدند.

□ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲)

به یقین بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لال (و کور دلی) هستند که اندیشه نمی کنند.

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ ۚ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۳)

و اگر خداوند خیری در آنها می دانست،

(حرف حق را) به گوش آنها می رساند. ولی (با این حالی که دارند.) اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپیچی کرده و رویگردان می شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

ای کسانی که

ایمان آورده اید! دعوت خدا

و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد. و بدانید خداوند (به اندازه ای به شما نزدیک است که) میان

انسان و قلب او حایل می شود، و (همه شما) به سوی او محشور می شوید.

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۵)

و از فتنه و مجازاتی بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد. (بلکه همه

را فرا می گیرد. چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند سخت کیفر است!

ص: ۱۷۹

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَنَصِيرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٢٦)

و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و زبون بودید. آنچه‌ان که می ترسیدید مردم شما را بربایند. ولی او شما را پناه داد. و با یاری خود

تقویت کرد. و از روزیهای پاکیزه بهره مند ساخت. تا شکر (نعمت هایش را) به جا آورید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٢٧)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید. و (نیز) در

امانت‌های خود خیانت روا مدارید، در حالی که می دانید (این کار، گناه بزرگی است).

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (٢٨)

و بدانید اموال و فرزندان شما، وسیله آزمایش است. و (برای کسانی که از

عهده امتحان برآیند،) پاداش عظیمی نزد خداست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٢٩)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما (نورانیت درون و) وسیله

تشخیص حق از باطل قرار می دهد. و گناهانتان را می پوشاند. و شما را می آمرزد. و خداوند دارای فضل عظیم است.

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (٣٠)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران

برای تو نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) بیرون کنند. آنها توطئه می کردند، و

خداوند هم تدبیر می کرد. و خدا بهترین

تدبیرکنندگان است.

وَإِذْ تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا ۖ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٣١)

و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می شود، می گویند: «شنیدیم. (چیز مهمی نیست). اگر بخواهیم مثل آن را

می گوئیم. اینها همان

افسانه های پیشینیان است!»

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۲)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «خداوندا! اگر این حقیقتی از سوی توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرو ریز، یا عذاب

دردناکی برای ما بفرست!»

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ □ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۳۳)

ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد. و (نیز) تا (گروهی از آنها) استغفار می کنند، خدا

عذابشان نمی کند.

ص: ۱۸۰

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصِيدُونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
(۳۴)

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با این که آنان از (عبادت موخردان در کنار) مسجدالحرام جلوگیری می کنند در حالی که سرپرست (و متولی) آن نیستند؟! سرپرست آن،

فقط پرهیزگارانند. ولی بیشتر آنها نمی دانند.

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

(آنها که مدعی بودند ما هم نماز داریم،) نمازشان نزد خانه کعبه، چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس

بچشید عذاب (الهی) را به سبب آنچه انکار می کردید!

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيُضِدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (۳۶)

کسانی که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می کنند. آنان این اموال را)

در این راه) صرف می کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد. سپس شکست خواهند خورد. و (در جهان دیگر) کافران به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد.

لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۳۷)

(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی یکدیگر بگذارد، و همه را متراکم سازد، و (یکجا) در دوزخ قرار دهد.

و اینها همان زیانکارانند.

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُعْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (۳۸)

به کسانی که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند)، گذشته آنها بخشوده خواهد شد. و اگر (به اعمال سابق)

باز گردند، سنت (خداوند در مورد) گذشتگان، (درباره آنها) جاری می شود.» (و مجازات شدیدی خواهند شد).

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۚ فَإِنَّ انْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنها پیکار کنید، تا فتنه (و بت پرستی و سلب

آزادی) برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا گردد. و اگر آنها (از اعمال نادرست خود) دست بردارند،
(خداوند آنها را می پذیرد). خدا به آنچه انجام

می دهند بیناست.

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مُوَلَّاكُمْ ؕ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ (۴۰)

و اگر سرپیچی کنند، بدانید (ضرری به شما نمی رسانند). خداوند سرپرست شماست. چه سرپرست خوبی. و چه یاور نیکویی!

ص: ۱۸۱

□ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِإِخْوَتِكُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِيهِ الْجَمْعَانِ □ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٤١)

بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای خویشاوندان (او) و یتیمان و مستمندان و وامانندگان در سفر (از آنها) است، اگر به

خدا

و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی ایمان در جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده اید. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

□ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى □ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ □ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيْعَادِ □ وَلَكِنَّ لِيُقْضَىٰ لِلَّهِ أَمْرًا □ كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ □ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (٤٢)

در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالا. (و دشمن بر شما برتری داشت.) و کاروان (قریش)، پایین تر از شما بود. (و وضع چنان سخت بود که)

اگر با یکدیگر وعده می گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)، از انجام وعده خود تخلف می کردید. ولی (همه اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می

بایست انجام شود، تحقق بخشد. تا آنها که گمراه می شوند، از روی اتمام حجت باشد. و آنها که هدایت می یابند، از روی دلیل روشن باشد. و به یقین خداوند

شنا و داناست.

□ إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَتَابِكُمْ قَلِيلًا □ وَلَوْ أَرَاكُمُ كَثِيرًا لَفَسَلْتُمْ □ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ □ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٤٣)

در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را درخواب به تو کم نشان داد. و اگر آنان را فراوان نشان می داد،

به یقین سست می شدید. و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می کشید. ولی خداوند (شما را از شر اینها) سالم نگه داشت. خداوند به آنچه درون

سینه هاست، داناست.

□ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَقُّتِمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا □ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٤٤)

و در آن هنگام که (در میدان نبرد)، با هم رو به رو شدید، آنها را در نظر شما کم نشان می داد. و شما را (نیز) در نظر آنها کم

می نمود.

تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، تحقق بخشد. (تا جنگ آغاز گردد و منتهی به شکست آنها شود و شکست بخورند!) و همه امور به سوی خدا باز

می گردد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید.

و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید.

ص: ۱۸۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ □ وَاصْبِرُوا □ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)

و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید. و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می شوید،

و قدرت (و شوکت) شما از میان می رود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ □ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۴۷)

و مانند کسانی نباشید که از روی سرمستی و غرور و خودنمایی در

برابر مردم، از سرزمین خود (به سوی میدان بدر) بیرون آمدند. و (مردم را) از راه خدا باز می داشتند. (و سرانجام شکست

خوردند) و خداوند به آنچه عمل می کنند،

احاطه

(و آگاهی) دارد.

وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَىٰ لَهُمْ وَقَالَ لِمَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ □ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقَبَيْهِ وَقَالَ
إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ □ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴۸)

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها [= مشرکان] را در نظرشان جلوه داد، و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر

شما پیروز نمی گردد. و من، در کنار شما (و پناه دهنده شما) هستم» امّا هنگامی که دو گروه (کافران و مؤمنان) در برابر

یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (پیروانم) بیزارم من چیزی می بینم که شما نمی بینید. من از خدا

می ترسم، خداوند سخت کیفر است!»

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هُوَ لَاءِ دِينُهُمْ □ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۹)

و هنگامی را که منافقان، و بیمار دلان می گفتند: «این گروه

(مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.» (آنها نمی دانستند که) هر کس بر خدا توکل کند، (پیروز می گردد). خداوند توانا

و حکیم است.

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا □ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۵۰)

و اگر ببینی کافران

را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می گیرند، در حالی که بر صورت و پشت آنها می زنند و (می گویند): بچشید

عذاب سوزنده را، (به حال آنان تأسف

خواهی خورد!

□
ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۵۱)

(و به آنان گفته می شود:) این، در مقابل کارهایی است که با دست خود از پیش فرستاده اید. و خداوند نسبت به بندگان، هرگز ستم روا

نمی دارد!

كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ □ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ □ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۵۲)

(حال این گروه مشرکان،) همانند حال فرعونیان، و کسانی است که پیش از آنان بودند. آنها آیات خدا را انکار کردند. خداوند هم آنان را به گناهانشان

کیفر داد. خداوند توانا، و سخت کیفر است!

ص: ۱۸۳

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَهُ أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۳)

این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد. مگر آن که آنها خودشان را تغییر دهند. و خداوند، شنوا و داناست.

كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ ۖ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ ۖ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ (۵۴)

این،)

درست) شبیه حال فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند. آیات پروردگارشان را تکذیب کردند. ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم.

و همگی ستمکار بودند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۵)

به یقین، بدترین جنندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و (به هیچ وجه) ایمان نمی آورند.

الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (۵۶)

همان کسانی که از آنها پیمان

گرفتی. سپس هر بار عهد و پیمان خود را می شکنند. و (از پیمان شکنی و خیانت)، پرهیز ندارند.

فَإِمَّا تَنْفَرْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ (۵۷)

اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی، آنچنان به آنها حمله کن که

گروهی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند. شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند)!

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (۵۸)

و هرگاه (با ظهور نشانه هایی)، از خیانت گروهی بیم داشته باشی بطور

عادلانه پیمان با آنها را لغو کن. زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی دارد.

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا ۗ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (۵۹)

کسانی که کافر شدند گمان نکنند (با این اعمال)، پیش برده اند، آنها هرگز نمی توانند از

قلمرو و کیفر ما بیرون روند!

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ □ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۶۰)

برای مقابله با آنها [= دشمنان]، هر چه در توان دارید از نیرو و از اسبهای ورزیده آماده سازید، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن

(شناخته شده) خویش را بترسانید! و دشمنان دیگری غیر از اینها، که شما آنها را (به علت نفاقشان) نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد. و هر چه در راه خدا (و تقویت اسلام) انفاق کنید، بی کم و کاست به شما بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد.

□ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ □ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۱)

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح

در آی. و بر خدا توکل کن، که او شنوا

و داناست.

ص: ۱۸۴

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ □ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (۶۲)

و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای (حمایت) تو کافی است. او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تأیید کرد.

□
وَإِلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ □ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ □ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۳)

و دل‌های آنها را با هم، پیوند

داد. اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان پیوند دهی، نمی‌توانستی. ولی خداوند در میان آنها پیوند ایجاد کرد. زیرا او توانا و حکیم است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶۴)

ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای (حمایت) تو کافی است (. فقط بر آنها تکیه کن).

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ □ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ □ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با

دشمنان خطرناک) برانگیز. هرگاه از شما بیست نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند. و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند،

پیروز می‌گردند. چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

الْمَانَ حَفَفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا □ فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ □ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ □ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد،

و دانست که در شما نوعی ضعف است. بنابراین، هرگاه از شما یکصد نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند. و اگر یکهزار نفر باشند، به خواست

خدا بر دو هزار نفر غلبه خواهند کرد. و خدا با صابران است.

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ ۚ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ ۚ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۷)

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا زمانی که کاملاً بر آنها غلبه کند. شما متاع

ناپایدار دنیا را می خواهید. (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، تا با گرفتن فدیة آزاد کنید). ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می خواهد. و خداوند توانا و حکیم

است.

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۶۸)

اگر آنچه خداوند از قبل مقرر داشته، نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی [= اسیرانی] که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می رسید.

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۹)

از آنچه به غنیمت گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. خداوند آمرزنده و مهربان است.

ص: ۱۸۵

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَشْرَىٰ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٧٠)

ای پیامبر! به کسانی که در دست شما اسیرند بگو: «اگر خداوند، خیری در دلهای شما ببیند، (و نیات پاکی داشته باشید)، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما

می دهد.

و شما را می بخشد. و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٧١)

اما اگر بخواهند به تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند. و خداوند

(شما را) بر آنها پیروز کرد. خداوند دانا و حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجَرُوا ۖ وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصِيرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ۖ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٧٢)

کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که (به مؤمنان مهاجر) پناه دادند و یاری نمودند، آنها پشتیبان یکدیگرند. و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایتی [= تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند. و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است. و

خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (٧٣)

کسانی که کافر شدند، اولیا و پشتیبان یکدیگرند. اگر این (دستور) را انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی

می دهد

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۖ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٧٤)

و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که (به آنها) پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند. برای آنها،

آمزش (و رحمت خدا) و روزی با ارزشی است.

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ □ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ □ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷۵)

و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه شما جهاد نمودند، از شما هستند. و خویشاوندان نسبت

به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند. خداوند به هر چیزی داناست.

ص: ۱۸۶

بِرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ (۱)

این، (اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها پیمان بسته اید!

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ □ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (۲)

(شما ای مشرکان!)، چهارماه (مهلت دارید آزادانه) در زمین رفت و آمد کنید (و ببندیشید). و بدانید شما نمی توانید از قدرت خدا فرار کنید. (و بدانید) خداوند خوارکننده کافران است!

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ □ وَرَسُولُهُ □ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ □ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ □ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳)

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [= روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید که شما نمی توانید از قلمرو قدرت خداوند خارج شوید. و کافران را به مجازات دردناکی بشارت ده!

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْتَقِصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَيْتُمَا إِلَيْهِمْ وَعَهَدْتُمْ إِلَيْهِمْ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۴)

مگر کسانی از مشرکان که با آنها پیمان بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و هیچ کس را بر ضد شما تقویت ننمودند. پیمان آنها را در حق آنان تا پایان مدّتشان محترم بشمرید. زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضِرُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ □ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

و هنگامی که ماههای حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید.

و آنها را اسیر سازید. و محاصره کنید. و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید. ولی اگر توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید. زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ □ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (۶)

و اگر کسی از مشرکان از تو پناه بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن ببندیشد). سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷)

چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و پیامبرش خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجدالحرام با آنان پیمان بستید. (و پیمان خود را محترم شمردند). تا زمانی که به پیمان شما پایبند باشند، شما نیز به پیمان آنها پایبند باشید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً □ يُزْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (۸)

چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه رعایت خویشاوندی با شما را می کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می کنند، ولی دلهایشان ابا دارد. و بیشتر آنها گنهکارند.

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنًّا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ □ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹)

آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند. و (مردم را) از راه او بازداشتند. آنها چه بد اعمالی انجام می دادند!

□
لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً □ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ (۱۰)

(این روش آنهاست که) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کنند. و آنها همان تجاوزکارانند!

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ □ وَنُفِّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۱)

(ولی) اگر توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را پردازند، برادر دینی شما هستند. و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، شرح می دهیم.

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ □ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (۱۲)

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن (و تمسخر) قرار دهند، با پیشوایان کفر بیکار کنید. چرا که پیمان آنها اعتباری ندارد. شاید (با شدت عمل) دست بردارند.

أَلَمْ تَتَّبِعُوا قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرِّسُولِ وَهُمْ بَدِئُوكُمْ أُولَ مَرَّةٍ □ أَتَخْشَوْنَهُمْ □ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳)

آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، بیکار نمی کنید؟! در حالی که نخستین بار، آنها (بیکار با شما را) آغاز کردند. آیا از آنها می ترسید؟! با این که اگر ایمان دارید، خداوند سزاوارتر است که از او بترسید.

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْرِجُهُمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۱۴)

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات کرده و رسوا می سازد. و شما را بر آنها یاری می دهد. و سینه گروه مؤمنین را شفا می بخشد. (و بر قلب آنها مرهم می نهد)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ □ وَبُتُوبُ اللَّهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۵)

و خشم دل‌های آنان را از میان می برد. و خدا توبه هر کس را بخواهد

(و شایسته ببیند)، می پذیرد. و خداوند دانا و حکیم است.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَهٍ □ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۶)

آیا چنین پنداشتید که

(به حال خود) رها می شوید در حالی که خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند،

و غیر از خدا و پیامبرش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخص نساخته است؟! (باید آزمایش شوید. تا مؤمنان واقعی شناخته شوند.)

و خداوند به آنچه عمل می کنید، آگاه است.

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ □ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷)

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که بر کفر خویش گواهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده.

و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند بود.

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ □ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۱۸)

مساجد خدا راتنها کسی آباد می کند که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را پردازد، و جز از خدا نترسد. امید می رود آنها از هدایت یافتگان باشند.

□ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ □ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا آب دادن به حاجیان، و آباد ساختن مسجدالحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خدا یکسان نیستند. و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ □ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با مال و جانشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است. و آنها رستگارانند.

ص: ۱۸۹

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (۲۱)

پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و خوشنودی (خویش)، و باغهای بهشتی بشارت می دهد که در آن، نعمتهای پایدار دارند.

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۲)

جاودانه و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود. زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ □ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولی (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید. و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، آنان ستمکارانند.

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲۴)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما،

و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او محبوبتر است،

در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند! و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی کند.»

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ □ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ □ إِذْ أَعَجَبْتَكُمْ كَثَرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (۲۵)

خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید). و در روز حنین (نیز یاری نمود). در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) مشکلی را از شما حل نکرد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد. سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید.

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا □ وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۲۶)

سپس خداوند «آرامش» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد. و لشکرهایی فرستاد که شما آنها را نمی دیدید. و کافران را مجازات کرد. و این است جزای کافران!

ثُمَّ يُتَوَّبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٧)

سپس خداوند _ بعد از آن _ توبه هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، می پذیرد.

و خداوند آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا □ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٢٨)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند. پس نباید بعد از این سال به مسجدالحرام نزدیک شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به فضل (و کرم) خود بی نیاز می سازد. (و از راه دیگر جبران می کند). خداوند دانا و حکیم است.

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَمْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (٢٩)

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز بازپسین ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و پیامبرش تحریم کرده حرام می شمردند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند.

□ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ □ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ □ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ □ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ □ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (٣٠)

یهود گفتند: «عزیر پسر خداست.» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست.» این سخنی است که آنها به زبان می آورند، در حالی که همانند گفتار کافران پیشین (و مشرکان) است. خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می یابند!

□ اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا □ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (٣١)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را. در حالی که دستور داشتند فقط خداوند یکتایی را که هیچ معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزّه است از آنچه همتایش قرار می دهند!

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۳۲)

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند. ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۳۳)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصِِّدُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از احبار (یهود) و راهبان (نصرانی)، اموال مردم را باطل (و ناروا) می خورند، و (آنان را) از راه خدا باز می دارند.

و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۗ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)

در آن روز که آن (اندوخته ها) را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن پیشانی و پهلو و پشت آنان را داغ می نهند. (و به آنها می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید و گنج ساختید! پس بچشید چیزی را که برای خود می اندوختید!

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ۗ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۗ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ ۗ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳۶)

تعداد ماه ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است. که چهار ماه از آن، ماه حرام است. (و جنگ در آن ممنوع می باشد). این، آئین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنابراین، در این ماه ها به خود ستم نکنید (و از هر گونه خونریزی پرهیزید)! و با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند. و بدانید خداوند با پرهیزکاران است

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ □ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ □
زَيْنٌ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٣٧)

تأخیر ماههای حرام (و جا به جا کردن آنها) فقط، افزایشی در کفر (مشرکان) است.

که با آن، کافران گمراه می شوند. یک سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می کنند، تا با مقدار ماههایی که خداوند تحریم کرده هماهنگ شود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد). و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتشان در نظرشان زینت داده شده. و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِمَّا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ □ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ □ فَمَا مَتَاعُ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (٣٨)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود:

«در راه خدا (به سوی میدان جهاد) حرکت کنید.» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با این که متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست.

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٩)

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری را جایگزین شما خواهد ساخت. و هیچ زبانی به او نمی رسانید. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا □ فَأَنْزَلَ اللَّهُ
سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى □ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا □ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٤٠)

اگر او

[= پیامبر] را یاری نکنید، خداوند او را (در سخت ترین لحظات) یاری کرد. آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که یکی از دو نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت). در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همسفر خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست.» آنگاه، خداوند، آرامش خود را بر او فرستاد. و با لشکرهایی که مشاهده نمی کردید، او را تأیید نمود. و گفتار (و خواسته) کافران را پایین تر قرار داد،

(و آنها را با شکست مواجه ساخت.) و تنها سخن خدا (و آیین او)، برتر (و پیروز) است.

و خداوند توانا و حکیم است.

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ □ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۱)

(همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید. سبکبار یا سنگین بار. و با مال و جان خود، در راه خدا جهاد نمایید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.

□
لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعِدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ □ وَسَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۴۲)

(اُمّیا گروهی از آنها، چنانند که) اگر غنایمی نزدیک (و در دسترس)، و سفری آسان باشد، (به طمع دنیا) از تو پیروی می کنند. ولی (اکنون که برای میدان تبوک)، راه بر آنها دور (و پر مشقت) است، (سر باز می زنند). و به خدا سوگند یاد می کنند که: «اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می کردیم!» (آنها با این اعمال و این دروغها، در واقع) خود را هلاک می کنند.

و خداوند می داند آنها دروغگو هستند.

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (۴۳)

خداوند تو را بخشید. چرا پیش از آن که راستگویان برای تو آشکار شوند و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند).

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۴۴)

کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، هرگز برای ترک جهاد (در راه خدا) با مال و جانشان، از تو اجازه نمی گیرند. و خداوند پرهیزگاران را می شناسد.

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (۴۵)

تنها کسانی از تو اجازه می گیرند که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و دل‌هایشان با شک و تردید آمیخته است از این رو. آنها در تردید خود سرگردانند.

□ □
وَ لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتِهِمْ فَجَبَّطَهُمْ وَقِيلَ أَفْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (۴۶)

اگر آنها (راست می گفتند، و) می خواستند که (به سوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله ای برای آن فراهم می ساختند. ولی خدا از حرکت آنها ناخشنود بود. از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد. و) آنها را (از جهاد) بازداشت. و به آنان گفته شد: «با افراد ناتوان [= کودکان و پیران و بیماران] بنشینید!»

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۴۷)

اگر آنها همراه شما (به سوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید و فساد، چیزی بر شما نمی افزودند. و سرعت در بین شما به فتنه انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند. و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرا می دهند. و خداوند، ستمکاران را می شناسد.

ص: ۱۹۴

لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (۴۸)

آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون (و آشفته) ساختند. تا آن که حق فرارسید، و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها ناخشنود بودند.

وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنذُن لِي وَلَا تَفْتِنِي ۚ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۴۹)

از آنها کسانی هستند که می گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن!» آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند. و به یقین جهنم، کافران را احاطه کرده است.

إِن تَصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۚ وَإِن تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ (۵۰)

اگر نیکی به تو رسد، آنها را ناراحت می کند. و اگر مصیبتی به تو رسد، می گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته ایم.» و (از نزد تو) باز می گردند در حالی که خوشحالند.

قُلْ لَن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۵۱)

بگو: «هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد، مگر آنچه خداوند برای ما مقرر داشته است. او پشتیبان

و سرپرست ماست. و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.»

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِخْدَىٰ الْحُسْدَيْنِ ۚ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيِدِنَا ۚ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ (۵۲)

بگو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (: یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خود (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می کشیم!»

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ ۚ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۳)

بگو: «انفاق کنید. خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی شود. چرا که شما گروه فاسقی بوده اید.»

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ ۚ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (۵۴)

هیچ چیز مانع قبول انفاقهای آنها نشد، جز این که آنها به خدا و پیامبرش کافر شده اند، و نماز به جا نمی آورند جز با کسالت، و انفاق نمی کنند مگر با کراهت.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ □ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)

و (فزون) ثروت ها و فرزندانشان، تو را در شگفتی فرو نبرد. (این برای آنها نعمت نیست، بلکه) خدا می خواهد آنان را بوسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند.

□
وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ بِمِنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ (۵۶)

آنها به خدا سوگند یاد می کنند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند. ولی آنها گروهی هستند که می ترسند (و از ترس افشای اسرارشان دروغ می گویند)!

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَعَارَاتٍ أَوْ مَدَخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ (۵۷)

اگر پناهگاه یا غارهایی یا راهی در زیر زمین بیابند، با سرعت و شتاب به سوی آن فرار می کنند.

وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسَخَطُونَ (۵۸)

و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنایم به تو خرده می گیرند. اگر سهمی از آن (غنایم)، به آنها داده شود، راضی می شوند. و اگر چیزی به آنها داده نشود، خشمگین می شوند. (هر چند حقی نداشته باشند).

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (۵۹)

(در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی می شدند و می گفتند: «خداوند برای ما کافی است. و بزودی خدا و پیامبرش، از فضل خود به ما می بخشند.

و ما تنها رضای خدا را می طلبیم.» (برای آنها بهتر بود).

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ □ قُلْ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ □ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۰)

از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: «او آدم خوش باوری است!» بگو: «خوش باور بودن او به نفع شماست. (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد. و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند. و رحمت است برای کسانی که ایمان آورده اند.» و آنها که پیامبر خدا را آزار می دهند، برای آنها عذاب دردناکی است!

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۶۱)

آنها برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا شما را راضی سازند. در حالی که شایسته تر این است که اگر ایمان دارند، خدا و پیامبرش را راضی کنند.

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخْرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ (۶۲)

منافقان از آن بیم دارند که سوره ای بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از (اسرار) درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می سازد.»

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أباللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۳)

و اگر از آنها بپرسی: («چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!»،) می گویند: «ما شوخی و بازی می کردیم.» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟!»

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ قُلْ إِن نَّعَفُ عَن طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةَ بَأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۶۴)

(بگو): عذر (و بهانه) نیاورید

(که بیهوده است. چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید. اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را به سبب مجرم بودن، عذاب خواهیم کرد.

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ قُلْ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ قُلْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ قُلْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۶۵)

مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند. آنها امر به منکر،

و نهی از معروف می کنند. و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند. خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (، و رحمتش را از آنها قطع نمود).

به یقین، منافقان همان فاسقانند.

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ قُلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا قُلْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۶۶)

خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ داده. جاودانه در آن خواهند ماند _ همان برای آنها کافی است. _ و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته. و عذابی پایدار برای آنهاست.

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا □ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ □ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (٦٧)

(شما منافقان،) همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه نفاق پیمودند. بلکه) آنها از شما نیرومندتر، و اموال و فرزندانشان بیشتر بود. آنها از بهره خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) استفاده کردند. شما نیز از بهره خود، (در این راه) استفاده کردید، همان گونه که آنها استفاده کردند. شما (در کفر و نفاق و استهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه که آنها فرو رفتند. (و سرانجام) اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد.

و آنها همان زیانکارانند.

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ □ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ □ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (٦٨)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین»

[= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= شهرهای قوم لوط]. (همان ها که) پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند). خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، اما خودشان همواره بر خویشان ستم می کردند.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ □ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ □ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ □ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٦٩)

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند. امر به معروف، و نهی از منکر می کنند. نماز را برپا می دارند. و زکات را می پردازند. و خدا و پیامبرش را اطاعت می کنند. بزودی خدا آنان را مورد رحمت (خویش) قرار می دهد. خداوند توانا و حکیم است.

عَدَدَ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ □ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ □ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٧٠)

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهای بهشتی وعده داده که نهرها از پای درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند. و (همچنین،) خانه ها (و قصرهای) پاکیزه در باغهای جاودان بهشتی (به آنها وعده داده). و خوشنودی خدا، (از همه اینها) برتر است. و این، همان رستگاری و پیروزی بزرگ است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ □ وَمَا وَأَهُمْ جَهَنَّمَ □ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (٧١)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است. و بد فرجامی است!

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا □ وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ □ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ □ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْدُبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ □ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٧٢)

به خدا سوگند یاد می کنند که (در غیاب پیامبر، سخنان کفر آمیز) نگفته اند. در حالی که به یقین سخنان کفر آمیز گفته اند. و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده اند. و تصمیم به امری (خطرناک) گرفتند، که به آن نرسیدند. آنها فقط از این ایراد می گیرند که خداوند و پیامبرش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی نیاز ساختند. (با این حال)، اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است. و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد. و در سراسر زمین، نه ولی و سرپرستی دارند، و نه یآوری.

□ وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (٧٣)

از آنها کسانی هستند که با خدا پیمان بسته بودند: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه و زکات خواهیم داد. و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود.»

فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ (٧٤)

اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، نسبت به آن بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند.

فَاعْتَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (٧٥)

این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت. این سزای شکستن پیمانی است که با خدا بسته بودند و سزای دروغ هایی است که می گفتند.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (٧٦)

آیا نمی دانستند که خداوند، اسرار و سخنان درگوشی آنها را می داند. و خداوند دانای اسرار نهران است!؟

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ □ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٧٧)

کسانی که از مؤمنان فرمانبردار، در صدقاتشان عیبجویی می کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را استهزا می کند. (و کیفر می دهد).

و برای آنها عذاب دردناکی است!

ص: ۱۹۹

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَمَّا تَسْتَعْفِفْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَعْفِفْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٧٨)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی آمرزد. چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند. و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی کند.

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ ۗ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۗ لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (٧٩)

تخلف کنندگان (از جنگ تبوک)، از مخالفت با پیامبر خدا و کناره گیری از جهاد، خوشحال شدند. و خوش نداشتند که با مال و جان خود،

در راه خدا جهاد کنند. و گفتند: «در این گرما، (به سوی میدان) حرکت نکنید.» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این سوزان تر است!» اگر می فهمیدند.

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٨٠)

از این رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند. (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است) این، جزای کارهایی است که انجام می دادند.

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَيَّ طَائِفَةً مِنْهُمْ فَاِذْذُنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عِدًّا ۗ إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (٨١)

هرگاه خداوند تو را به سوی گروهی از آنان بازگرداند،

و از تو اجازه خروج (به سوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد. و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید. شما نخستین بار به کناره گیری (از جهاد) راضی شدید، اکنون نیز با متخلفان بمانید.»

وَلَا تُصَلِّ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَيَّ قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (٨٢)

هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان. و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش)، نایست. چرا که آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند. و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند.

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (٨٣)

(فزونی) اموال و فرزندان، تو را در شگفتی فرو نبرد! (این برای آنها نعمت نیست. بلکه) خدا می خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند.

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ (۸۴)

و هنگامی، که سوره ای نازل شود (و به آنان دستور دهد) که: «به خدا ایمان بیاورید، و همراه پیامبرش جهاد کنید» افرادی از آنها [= گروه منافقان] که توانایی (بر جهاد) دارند، از تو اجازه می خواهند و می گویند: «بگذار ما با افراد ناتوان (و آنها که از جهاد معافند) باشیم.»

ص: ۲۰۰

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۸۵)

(آری،) آنها راضی شدند که با واماندگان (و افراد ناتوان) باشند. و بر دل‌هایشان مهر نهاده شده. از این رو (حقایق را) درک نمی‌کنند.

لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸۶)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با مال و جان‌شان جهاد کردند. و همه نیکیها برای آنهاست. و رستگاران آنها هستند.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۸۷)

خداوند برای آنها باغهای بهشتی آماده ساخته که نهرها از پای درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند بود. و این است رستگاری و پیروزی بزرگ.

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۸۸)

و معذوران از اعراب، (نزد تو) آمدند که به آنها اجازه (عدم شرکت در جهاد) داده شود. ولی کسانی که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری) از جهاد کناره‌گیری کردند. بزودی به کسانی از آنها که کفر ورزیدند (و بدون عذر مخالفت کردند)، عذاب دردناکی خواهد رسید!

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَّيْ حُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۸۹)

نه بر افراد ناتوان و نه بر بیماران و نه بر کسانی که چیزی برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، گناهی نیست (که در میدان جهاد شرکت نجویند)، به شرط آنکه برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند. (و از آنچه در توان دارند، مضایقه نمایند. زیرا) بر نیکوکاران راهی برای مؤاخذه نیست. و خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ (۹۰)

و (نیز) گناهی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، در اختیار ندارم.» (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود. زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند).

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْيَاءٌ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۹۱)

راه مؤاخذه تنها به روی کسانی باز است که از تو اجازه می‌خواهند در حالی که توانگرند. (و امکانات کافی برای جهاد

دارند.) آنها راضی شدند که با واماندگان (و افراد معذور و ناتوان) بمانند. و خداوند بر دلهایشان مُهر نهاده. به همین جهت چیزی نمی دانند.

ص: ۲۰۱

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ ۚ قُلْ لَّا تَعْتَذِرُونَ لَنُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنِّم أَخْيَارِكُمْ ۚ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تَزُدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٩٢)

هنگامی که به سوی آنها (که از جهاد تخلف کردند) باز گردید، برای شما عذر (و بهانه) می آورند. بگو: «عذر نیاورید، ما هرگز (سخن) شما را باور نخواهیم کرد! چرا که خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته. و خدا و پیامبرش، اعمال شما را خواهند دید. سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است باز گشت داده می شوید. و او شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه می کند (و جزا می دهد).»

سَيَجْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ ۚ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۚ إِنَّهُمْ رِجْسٌ ۚ وَمَا أَوَاهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٩٣)

هنگامی که به سوی آنان باز گردید، برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) کنید. (آری) از آنها اعراض کنید (و روی بگردانید). چرا که آنها پلیدند. و به کیفر اعمالی که انجام می دادند، جایگاهشان، دوزخ است.

يَجْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۚ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (٩٤)

برای شما قسم یاد می کنند تا از آنها راضی شوید. اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از گروه فاسقان راضی نخواهد شد.

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٩٥)

بادیه نشینان عرب، کفر و نفاقشان شدیدتر است. و به ناآگاهی از حدود احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند. و خداوند دانا و حکیم است.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمِ الدَّوَائِرَ ۚ عَلَيْهِمُ الدَّائِرَةُ السَّوْءُ ۚ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٩٦)

گروهی از (این) اعراب بادیه نشین، چیزی را که (در راه خدا) انفاق می کنند، غرامت محسوب می دارند.

و انتظار حوادث ناگوار برای شما می کشند. حوادث بد، سزاوار خودشان است. و خداوند شنوا و داناست.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۚ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۚ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٩٧)

گروهی (دیگر) از عربهای بادیه نشین، به خدا و روز بازپسین ایمان دارند. و آنچه را انفاق می کنند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می دانند. آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت. به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹۸)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خوشنود گشت، و آنها (نیز) از او خوشنود شدند. و باغهای بهشتی برای آنان آماده ساخته، که نهرها از پای درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند. و این است رستگاری و پیروزی بزرگ!

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ □ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ □ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَمَا تَعَلَّمَهُمْ □ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ □ سَيُعَذِّبُهُمْ مُّرَتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ (۹۹)

و از (میان) اعرابِ بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند. و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی شناسی، ولی ما آنها را می شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می کنیم (:مجازات در زمان حیات، و مجازاتی به هنگام مرگ). سپس به سوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می شوند.

وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۰۰)

و گروهی دیگر (مؤمنانی هستند که) به گناهان خود اعتراف کرده اند. و کار خوب و بد را به هم آمیخته اند. امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد. به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ □ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ □ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۱)

از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.

و (به هنگام گرفتن زکات)، به آنها دعا کن. که دعای تو، مایه آرامش آنهاست. و خداوند شنوا داناست.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۰۲)

آیا نمی دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می پذیرد،

و صدقات را می گیرد، و خداوند توبه پذیر و مهربان است!؟

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ □ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۳)

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، به سوی دانای نهان

و آشکار، بازگردانده می شوید. و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!»

وَآخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰۴)

و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست). یا آنها را مجازات می کند، و یا توبه آنان را می پذیرد
(، هر طور که شایسته باشند). و خداوند دانا و حکیم است.

ص: ۲۰۳

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِّمَنْ حَرَبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ قَبْلُ □ وَيَخْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى □ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۰۵)

(گروهی دیگر از منافقان) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن

(به اسلام)، و (تقویت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاهی برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آنها سوگند یاد می کنند که: «جز نیکی

(و خدمت)، نظری نداشته ایم.» اما خداوند گواهی می دهد که آنها قطعاً دروغگو هستند.

لَمَا تَقُومَ فِيهِ آيَاتٌ □ لَمَسَّ جِدُّ أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى □ مَنْ أَوَّلَ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ □ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا □ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (۱۰۶)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نیست! مسجدی که از روز نخست برپایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی. در آن، مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند. و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

أَفَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى □ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که شالوده آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می ریزد؟! و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰۸)

بنایی را که آنها ساختند، همواره بصورت وسیله شک و تردید، در دلهایشان باقی می ماند. مگر این که دلهایشان پاره پاره شود

(و بمیرند. و گرنه، هرگز از دل آنها بیرون نمی رود). و خداوند دانا و حکیم است.

□ إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ □ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ □ وَعِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ □ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ □ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ □ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۰۹)

خداوند از مؤمنان، جان و مالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد. (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده. و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون، به داد و ستدی که با خدا کرده اید، شادمان باشید.

و این است همان رستگاری و پیروزی بزرگ!

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ □
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۰)

توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گویان، جهادگران، رکوع کنندگان، سجده گزاران، امرکنندگان به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند). و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۱۱)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نیست که برای مشرکان، پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه اهل دوزخند، (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند.

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ □ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (۱۱۲)

و استغفار ابراهیم برای پدرش [= سرپرستش که در آن زمان، عمویش آزر بود]، فقط بخاطر وعده ای بود که به او داده بود. (تا وی را به سوی ایمان جذب کند). اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بیزارى جست. به یقین، ابراهیم دلسوز و بردبار بود.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ □ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱۳)

ممکن نیست خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد

(و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند. مگر آن که اموری را که باید از آن پرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند). زیرا خداوند به هر چیزی داناست.

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ يُحْيِي وَيُمِيتُ □ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۱۴)

حکومت و مالکیت آسمانها و زمین تنها از آن خداست. زنده می کند و می میراند. و جز خدا، سرپرست و یاورى ندارد.

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ □ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۱۵)

به یقین خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود. بعد از آن که نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود

(و از میدان جنگ بازگردند). سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، چرا که او نسبت به آنان رئوف و مهربان است.

وَعَلَى الثَّمَانِيَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۱۶)

و (همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن جا که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد. (حتی)

در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند. (و) دانستند پناهگاهی در برابر عذاب خدا جز رفتن به سوی او نیست. سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند. زیرا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱۱۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و باصادقان و راستگویان باشید.

مِمَّا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عِدُوِّ نَبِيًّا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۸)

سزاوار نیست که اهل مدینه، و کسانی از اعراب بادیه نشین که اطراف آنها هستند، از پیامبر خدا جدا شوند. و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم ببوشند. زیرا هیچگونه تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می شود بر نمی دارند، و ضربه ای از دشمن نمی خورند، مگر این که بخاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می شود. زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند.

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۹)

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) صرف نمی کنند، و هیچ سرزمینی را (به سوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی پیمایند، جز این که برای آنها نوشته می شود. تا خداوند آن را بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد.

ۗ وَمِمَّا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۱۲۰)

و شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند. چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند (تا طایفه ای در مدینه بماند)، که در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید

(از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ۖ وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (نخست) با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید.

(و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نسازد.) آنها باید در شما شدت

و قدرت، احساس کنند. و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۲)

و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنان (به افراد دیگر) می گویند: «این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو:) اما کسانی که ایمان آورده اند، بر ایمانشان افزوده است. و آنها (به فضل و رحمت الهی) خوشحالند.

وَإِنَّمَا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (۱۲۳)

و اما کسانی که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده. و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند.

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۴)

آیا آنها نمی بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش (مهمی) می شوند؟! باز نه توبه می کنند، و نه متذکر می شوند.

وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً نَّظَرُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا ۗ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۲۵)

و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنها

[= منافقان] به یکدیگر نگاه می کنند (و می گویند): آیا کسی شما را می بیند؟ سپس منحرف می شوند (و از حضور پیامبر بیرون می روند). خداوند دلهایشان را (از حق) منحرف ساخته. چرا که آنها، گروهی هستند که نمی فهمند (و بی دانشند).

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۲۶)

به یقین، پیامبری از میان شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است.

و اصرار بر هدایت شما دارد. و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۚ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱۲۷)

اگر آنها

(از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم. و او

پروردگار عرش عظیم است.»

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا □ ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ (۱۲۸)

آیا نمی دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است؛ جاودانه در آن می ماند؟ این، همان رسوایی بزرگ است!

□ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ □ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۲۹)

زکات ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است.

ص: ۲۰۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّ الر □ تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان الر، این آیات کتاب حکیم است (کتابی حکمت آمیز

و استوار).

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ □ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ (۲)

آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم (و گفتیم): «مردم را (از عواقب کفر و گناه) بیم ده، و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک [= نیکنامی و پاداش] نزد پروردگارشان است»؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!»

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ □ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ □ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ إِذْنِهِ □ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ □ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۳)

پروردگار شما، خداوندی است

که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید. سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت. هیچ شفاعت کننده ای، بی اذن او نیست. این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید. آیا متذکر نمی شوید؟!

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا □ وَعِيدَ اللَّهُ حَقًّا □ إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ □ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۴)

بازگشت همه شما تنها به سوی اوست. خداوند وعده حقی فرموده. او آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بعدالت جزا دهد. و برای کسانی که کافر شدند، نوشابه ای از آب سوزان و عذابی دردناک است، به سزای آن که کفر می ورزیدند!

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عِددَ السِّنِينَ وَالْحِيسَابِ □ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ □ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵)

او کسی است که خورشید را روشنایی بخش، و ماه را نورافشان قرار داد. و برای آن منزلگاههایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (زمان) را بدانید. خداوند این را جز بحق نیافریده. او آیات (خود را) برای گروهی که آماده درک حقایقند، شرح می دهد.

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ (٤)

به یقین در آمد و شد شب و روز،

و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می پذیرند).

ص: ۲۰۸

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (۷)

کسانی که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند، و (تنها) به زندگی دنیا راضی شدند و بر آن تکیه کردند، و کسانی که از آیات ما غافلند،

□
أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸)

آنها جایگاهشان آتش است، به سزای آنچه که انجام می دادند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ □ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۹)

(ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می کند. از زیر (قصرهای) آنها در باغهای پر نعمت بهشتی، نهرها جاری است.

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ □ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰)

گفتار (و دعای) آنها در آنجا این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیت آنها در آن جا: سلام.

و آخرین سخنشان این است که: «حمد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.»

□ وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ □ فَندَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱)

اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی»ها عجله دارند، خداوند (نیز) در مجازاتشان شتاب می کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می رسید (و همگی نابود می شدند). ولی کسانی را که امید و ایمان به لقای ما ندارند،

در سرکشی و طغیانشان رها می کنیم تا سرگردان شوند.

□ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ □ كَذَلِكَ زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ □
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲)

هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال:) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، (برای حل مشکل خود) می خواند. اما هنگامی که زیان را از او برطرف ساختیم، چنان می رود که گویی هرگز ما را برای برطرف کردن زیانی که به او رسیده بود، نخوانده است. این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درک نمی کنند).

□ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا □ وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا □ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۱۳)

ما اقوام پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم. در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند، ولی

آنها هرگز ایمان نیاوردند. این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم!

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۴)

سپس شما را پس از ایشان جانشینان آنها در روی زمین قرار دادیم. تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید.

ص: ۲۰۹

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ □ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ □ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَدَّبَلَّهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي □ إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ □ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، کسانی که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر ده. (و آیات نکوهش بتها را بردار)» بگو: «برای من روا نیست که از پیش خود آن را تغییر دهم. فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم. من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم!»

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ □ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ □ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶)

بگو: «اگر خدا می خواست، من این (قرآن) را بر شما نمی خواندم. و (خداوند) از آن آگاهتان نمی کرد. چه این که مدتها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم. (و هرگز آیه ای نیاوردم). آیا نمی فهمید؟!»

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ □ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۱۷)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته، یا آیات او را تکذیب کرد؟! به یقین مجرمان رستگار نخواهند شد.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ □ قُلْ أَتُبْتُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ □ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۸)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیانی می رساند، و نه سودی می بخشد. و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که در آسمانها

و زمین سراغ ندارد؟! منزّه است او، و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند!

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا □ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۹)

(در آغاز) همه مردم جز امت واحدی نبودند. سپس اختلاف کردند. و اگر وعده قطعی پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می شد (و بی درنگ مجرمان به مجازات می رسیدند).

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ □ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۲۰)

می گویند: «چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!» بگو: «غیب (و ظهور معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است. شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات

«شما!»

ص: ۲۱۰

وَإِذَا أَدَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا □ قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا □ إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)

هنگامی که به مردم، پس از زبانی که به آنها رسیده است، رحمتی بچشانیم، در مورد آیات ما (با توجیهاات ناروا) توطئه می کنند. بگو: «تدبیر خداوند (از شما) سریع تر است. و رسولان [=فرشتگان] ما، آنچه را توطئه می کنید، می نویسند!»

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ □ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَكُمْ بِهَمِّ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ □ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لئن أَنجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲)

او کسی است که شما را در صحرا و دریا سیر می دهد. زمانی که در کشتی قرار می گیرید، و بادهای موافق کشتی نشینان را (به سوی مقصد) می برد و خوشحال می شوند، (ناگهان) طوفان شدیدی میوزد. و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید. و گمان می کنند هلاک خواهند شد. (در آن هنگام) خدا را از روی خلوص عقیده می خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود.»

فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ □ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ □ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (بار دیگر) به ناحق، در زمین ستم می کنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست. از زندگی دنیا بهره (اندکی می برید)، سپس بازگشت شما به سوی ماست. و ما، شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهیم.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ □ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا □ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۴)

مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم. که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین _ که مردم و چهارپایان (از آن) می خورند _ (می روید) و در هم فرو می رود. تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته گردید، و اهل آن مطمئن شدند که می توانند (بی هیچ مانعی) از آن بهره مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب هنگام یا در روز، فرا می رسد.

(و سرما یا صاعقه ای را بر آن مسلط می سازیم.) و آنچنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم.

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۵)

و خداوند به سرای صلح و آرامش دعوت می کند.

و هر کس را بخواهد (و شایسته بیند)، به راه راست هدایت می نماید.

ص: ۲۱۱

□ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ □ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ □ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٢٦)

برای کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک (همانند عملشان) و افزون بر آن خواهد بود. و غبار (غم) و ذلت، چهره هایشان را نمی پوشاند. آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ □ مَا لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ □ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا □ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٢٧)

اما کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی به مقدار آن دارند.

و ذلت و خواری، چهره آنان را می پوشاند. و هیچ نگهدارنده ای در برابر (مجازات) خدا برای آنان نیست. (چهره هایشان آنچنان گرفته است که) گویی با پاره هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند. و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ □ فَزَيْلِنَا بَيْنَهُمْ □ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (٢٨)

(به خاطر بیاورید) روزی را که همه آنها را جمع می کنیم، سپس به مشرکان می گوئیم: «شما و معبودهایتان (هر کدام) در جای خودتان باشید» سپس آنها را (برای حساب) از هم جدا می سازیم، و معبودهایشان (به آنها) می گویند: «شما هرگز ما را عبادت نمی کردید!

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (٢٩)

همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، که به یقین ما از عبادت شما بی خبر بودیم

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ □ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ □ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ (٣٠)

در آن جا، هر کس عملی را که قبلاً انجام داده است، می آزماید. و همگی به سوی خداوند یگانه که مولا و سرپرست حقیقی آنهاست بازگردانده می شوند. و چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قراردادده بودند، از نظرشان گم و نابود می شوند.

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ □ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ □ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (٣١)

بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می کند؟» بزودی (در پاسخ) می گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی کنید (و راه شرک می پویید)؟!»

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۖ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۚ فَأَنْتَ تُصِرُّونَ (۳۲)

این گونه است خداوند، پروردگارِ حقّ شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می شوید؟!»

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلّم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد.

ص: ۲۱۲

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ □ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ □ فَأَنْتُمْ تُؤْفَكُونَ (۳۴)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، آفرینش را آغاز می کند و سپس باز می گرداند؟! بگو: «تنها خدا آفرینش را آغاز کرده، سپس باز می گرداند. با این حال، چرا (از حق) روی گردان می شوید؟!»

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ □ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ □ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى □ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می کند. آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟! شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟!»

وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا □ إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و بیشتر آنها، جز از گمان

(و پندارهای بی اساس)، پیروی نمی کنند. با آنکه گمان، هرگز (انسان را) از حق بی نیاز نمی سازد (و به حق نمی رساند). به یقین، خداوند از آنچه انجام می دهند، آگاه است.

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى □ مِنْ دُونِ اللَّهِ □ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ □ لَا رَيْبَ فِيهِ □ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۷)

ممکن نبود که این قرآن، بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود. بلکه با کتب آسمانی پیشین هماهنگ است و شرح و تفصیل کتاب (الهی) است. که هیچ شکی در آن نیست، و از سوی پروردگار جهانیان است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ □ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ □ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ □ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

آیا آنها می گویند: «او قرآن را بدروغ (به خدا) نسبت داده است»؟! بگو: «اگر راست می گویند، یک سوره همانند آن بیاورید. و غیر از خدا، هر کس را می توانید (به یاری) فراخوانید!»

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ □ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ □ كَذَّبَكَ الَّذِينَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۳۹)

(ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند). بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، در حالی که هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده بود! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند. پس بنگر عاقبت کار ستمکاران چگونه بود!

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ □ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ □ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰)

بعضی از آنها، به آن ایمان می آورند. و بعضی ایمان نمی آورند. و پروردگارت مفسدان را بهتر می شناسد.

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۚ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (۴۱)

و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست. شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می دهید بیزارم.»

وَمِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۴۲)

گروهی از آنان، به تو گوش فرامی دهند (امّا گویی که هستند). آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هر چند نفهمند؟!

ص: ۲۱۳

وَمِنْهُمْ مَّن يَنْظُرُ إِلَيْكَ □ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۴۳)

و گروهی از آنان، به سوی تو می نگرند (اما گویی هیچ نمی بینند)! آیا تو می توانی کوران را هدایت کنی، هرچند نبینند؟! □

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴)

خداوند هیچ به مردم ستم نمی کند. ولی این مردمند که به خویشان ستم می کنند.

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ □ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۴۵)

(به یاد آور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع خواهد کرد. آنچنان که (احساس می کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در

دنیا) توقف نکردند. به آن مقدار که یکدیگر را (بینند و) بشناسند. به یقین آنها که لقای خداوند

(و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند.

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ (۴۶)

اگر ما، پاره ای از مجازاتهایی را که به آنها وعده می دهیم، به تو نشان دهیم، و یا (پیش از آن که گرفتار عذاب شوند)، تو را

از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست. و خداوند بر آنچه آنها انجام می دادند گواه است.

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ □ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴۷)

برای هر امتی، پیامبری است. هنگامی که پیامبرشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می شود. و ستمی به آنها

نخواهد شد.

□ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و می گویند: «اگر راست می گوئید، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟»

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ □ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ □ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً □ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۴۹)

بگو: «من (حتی) برای خودم، مالک زیان و سودی نیستم، (تا چه رسد برای شما). مگر آنچه خدا بخواهد. (این مقدار می دانم

که) برای هر قومی، اجلی (معین) است. هنگامی که اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود)، نه ساعتی

تأخیر می کنند، و نه پیشی می گیرند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (۵۰)

بگو: «به من خبر بدهید اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید (، آیا می توانید آن را از خود دفع کنید؟!))»

پس مجرمان برای چه چیزی عجله می کنند؟!

أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ □ أَلَا أَنْ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۵۱)

آیا پس از آنکه (عذاب) واقع شد، آنگاه به آن ایمان می آورید؟! (به شما گفته می شود:)، حالا (چه سودی دارد)؟! در حالی که قبلاً برای آن عجله می کردید!

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۵۲)

سپس به کسانی که ستم کردند گفته می شود: «عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده می شوید؟!»

□ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ □ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ □ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۳)

از تو می پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حق است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، قطعاً حق است. و شما نمی توانید (از مجازات الهی) فرار کنید.»

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ □ وَأَسِيرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ □ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ □ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۵۴)

و هر کس ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد، (همه را برای نجات خویش) فدیة می دهد. و هنگامی که عذاب را ببینند، (پشیمان می شوند. اما) پشیمانی خود را کتمان می کنند، (مبادا رسواتر شوند). و در میان آنها، به عدالت داوری می شود. و ستمی بر آنها نخواهد شد.

□
أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۵)

آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است، تنها از آن خداست. آگاه باشید وعده خدا حق است، ولی اکثر آنها نمی دانند.

هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۵۶)

او زنده می کند و می میراند، و به سوی او بازگردانده می شوید.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۵۷)

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است. و درمانی برای آنچه در سینه هاست. و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.

□
قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۵۸)

بگو: «تنها به فضل خدا

و رحمت او باید خوشحال شوند. که این، از تمام آنچه گردآوری می کنند، بهتر است.»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ □ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (۵۹)

بگو: «به من خبر بدهید (چرا) روزیهای را که خداوند بر شما نازل کرده، بعضی از آن را حرام، و بعضی را حلال قرار داده اید؟!» بگو: «آیا خداوند به شما اجازه (چنین کاری) داده، یا بر خدا افترا می بندید (و از پیش خود، حلال و حرام درست می کنید)؟!»

□
وَمَا ظُنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۶۰)

آنها که بر خدا به دروغ افترا می بندند، درباره (مجازات) روز رستاخیز، چه گمان می کنند؟! خداوند نسبت به همه مردم دارای فضل (و رحمت) است، اما اکثر آنها سپاسگزاری نمی کنند.

وَمَا يَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ □ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِن

مَثَقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۶۱)

در هیچ حال (و اندیشه ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را از جانب خداوند، تلاوت نمی کنی، و هیچ عملی را انجام نمی دهی، مگر این که در آن هنگام که وارد آن می شوید ما گواه بر شما هستیم. و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند. حتی به اندازه سنگینی ذره ای. و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن نیست، مگر این که (همه آنها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

ص: ۲۱۵

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳)

همان کسانی که ایمان آوردند، و(از مخالفت فرمان خدا، پیوسته) پرهیز می کردند.

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۚ لَّا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)

شادمانی (حقیقی) در زندگی دنیا و در آخرت تنها برای آنهاست. وعده های الهی تخلف ناپذیر است! این است آن رستگاری و پیروزی بزرگ!

وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ ۚ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۚ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵)

سخن آنها تو را غمگین نسازد! تمام عزت (و قدرت)، از آن خداست. و او شنوا

و داناست.

أَلَمْ آتِ اللَّهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ ۚ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ ۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَحْزَنُونَ (۶۶)

آگاه باشید کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمین هستند، تعلق به خدا دارند. و آنها که غیر خدا را همتای او می خوانند، (از منطقی و دلیلی) پیروی نمی کنند. آنها تنها از گمان بی اساس پیروی می نمایند و تخمین و حدس (واهی) می زنند.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۷)

او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید. و روز را روشنی بخش (تا به تلاش برای زندگی بپردازید). در این (نظام نور و ظلمت) نشانه هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند!

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَهُ ۚ هُوَ الْغَنِيُّ ۚ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِن عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ بِهَٰذَا ۚ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۸)

گفتند: «خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است». (بدانید او از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزّه است! او بی نیاز است. از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است. شما هیچ گونه دلیلی بر این ادعا ندارید. آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟!

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (٦٩)

بگو: «آنها که به خدا دروغ می بندند، (هرگز) رستگار نمی شوند.

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُنذِرُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (٧٠)

(برای آنها) بهره ای (ناچیز) از دنیاست. سپس باز گشتشان به سوی ماست. و آنگاه، مجازات شدیدی به سزای کفرشان به آنها می چشانیم!»

ص: ۲۱۶

□ وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبِيٌّ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ حَسِبْتُمْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ وَتَذَكِّرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَاعْلَمِي اللَّهُ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (۷۱)

سرگذشت نوح را بر آنها بخوان. در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر موقعیت من و تذکراتم نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و سخت) است، (هر کاری از شما ساخته است بکنید). من بر خدا توکل کرده ام! (شما اگر می توانید) توانایی خود

و معبودهایتان را جمع کنید. سپس هیچ چیز از امورتان بر شما پوشیده نماند. (و تمام جوانب کارتان را بنگرید). سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه ای) مهلت ندهید! (اما کاری از شما ساخته نیست).

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ □ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ □ وَأَمْزَتْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷۲)

و اگر (از قبول دعوت) روی بگردانید، (کار نادرستی کرده اید. چه این که) من از شما هیچ اجر و پاداشی نمی خواهم. اجر من، تنها بر خداست! و من مأمورم که از مسلمانان (و تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا) باشم.»

فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا □ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ (۷۳)

سرانجام آنها او را تکذیب کردند. و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم. و آنان را جانشین (و وارث کافران) قرار دادیم. و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم. پس بین عاقبت کار کسانی که انذار شدند (و پذیرفتند)، چگونه بود!

□ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ □ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (۷۴)

سپس بعد از او [=نوح] پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم. آنان دلایل روشن برایشان آوردند. اما آنها، (بر اثر لجابت) به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند. اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم (تا چیزی را درک نکنند).

□ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۷۵)

بعد از آنها، موسی و هارون را با نشانه های خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم. اما آنها تکبر کردند و (زیر بار حق نرفتند. چرا که آنها) گروهی مجرم بودند.

□ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۷۶)

و هنگامی که حق از جانب ما به سراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است آشکار!»

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷)

موسی گفت: «آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می گوید؟! آیا این سحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی شوند.»

قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتْلِفَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۷۸)

گفتند: «آیا آمده ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم، منصرف سازی. و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آن شما دو نفر باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی آوریم!»

ص: ۲۱۷

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۷۹)

فرعون گفت: «(بروید و) هر ساحر ماهری را نزد من آورید.»

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (۸۰)

هنگامی که ساحران (برای مبارزه) آمدند، موسی به آنها گفت: «آنچه (از وسایل سحر) را می خواهید بیفکنید، بیفکنید!»

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السُّحْرُ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (۸۱)

هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه شما انجام دادید، سحر است. که خداوند بزودی آن را باطل می کند. چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند.

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸۲)

و او حق را به وعده های خویش، تحقّق می بخشد. هر چند مجرمان ناخشنود باشند!»

فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ ۚ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (۸۳)

(در آغاز)، هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او. (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبادا آنها را شکنجه کنند. زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت. و از اسرافکاران بود.

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ (۸۴)

موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده اید، و تسلیم فرمان او هستید، تنها بر او توکل کنید.»

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵)

آنها گفتند: «تنها بر خدا توکل داریم. پروردگارا! ما را مورد شکنجه گروه ستمکاران قرار نده.

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶)

و ما را با رحمت از (شرّ) گروه کافران رهایی بخش.»

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر آماده کنید. و خانه هایتان را مقابل

یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید. و نماز را برپا دارید.

و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می شوند.)»

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ ۚ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸)

موسی گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا!

در نتیجه (آنها بندگان را) از راه تو گمراه می سازند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن.

و (به جرم گناهانشان،) دلهایشان را سخت و سنگین ساز، که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.»

ص: ۲۱۸

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)

فرمود: «دعای شما پذیرفته شد. استقامت به خرج دهید! و از راه (و رسم) کسانی که نمی دانند، تبعیت نکنید.»

□ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا □ حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ
بُنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰)

(سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا [= رود عظیم نیل] عبور دادیم. و فرعون و لشکریانش از سرِ ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند. تا زمانی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد. و من از مسلمین هستم.»

الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)

(اما به او خطاب شد: الان؟! در حالی که قبلاً نافرمانی کردی، و از مفسدان بودی!

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً □ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)

ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی. و بسیاری از مردم، از نشانه های (عبرت انگیز) ما غافلند.

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ □ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۹۳)

(سپس) بنی اسرائیل را در جایگاه خوبی منزل دادیم. و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم. (اما آنها به نزاع برخاستند.) و اختلاف نکردند، مگر بعد از آن که علم و آگاهی به سراغشان آمد. پروردگار تو روز قیامت، در آنچه اختلاف می کردند، میان آنها داوری می کند.

فَإِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ □ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلِمَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِرِينَ (۹۴)

و اگر در آنچه بر تو نازل کرده ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می خواندند پرس. به یقین، حق از طرف پروردگارت به تو رسیده است. بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش! (مسلماً او تردیدی نداشت و این درسی برای مردم بود!)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ (۹۵)

و هرگز از کسانی مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود.

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶)

(و بدان) کسانی که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و به جرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز) ایمان نمی آورند،

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷)

هر چند تمام آیات

(و نشانه های الهی) به آنان برسد، تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند! (زیرا تاریکی گناه، قلبهایشان را فرا گرفته است.)

ص: ۲۱۹

فَلَوْلَا كَانَتْ فَرِيئَةً آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (۹۸)

چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند تا ایمانشان سبب نجاتشان شود؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم. و تا مدت معینی [= سر آمدن اجلشان] آنها را بهره مند ساختیم.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا ۖ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۹۹)

و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی (به اجبار) ایمان می آوردند. آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد!)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۰)

و هیچ کس نمی تواند ایمان بیاورد، جز به خواست خدا (و توفیق و یاری و هدایت او). و خداوند، پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می دهد که نمی اندیشند.

قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَمَا تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱)

بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات عظمت خدا) در آسمانها و زمین است؟» اما این آیات و اندازها برای کسانی که (بخاطر لجاجت) ایمان نمی آورند مفید نخواهد بود.

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۱۰۲)

آیا آنها (چیزی) جز همانند روزهای (مجازات) پیشینیان را انتظار می کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار می کشم!»

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا ۖ كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

سپس (هنگام نزول بلا و مجازات)، پیامبران خود و کسانی را که

(به آنان) ایمان می آوردند، نجات می دادیم و همین گونه، بر ما لازم است که مؤمنان (به تو) را (نیز) نجات بخشیم.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۴)

بگو: «ای مردم! اگر در آیین من شک دارید، من کسانی را که جز خدا می پرستید، نمی پرستم. تنها خداوندی را پرستش می کنم که شما را می میراند. و من مأمورم که از مؤمنان باشم.

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۵)

و (به من دستور داده شده که:) روی خود را با اخلاص به آیین الهی متوجه ساز. و از مشرکان مباش!

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۚ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۶)

و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زیانی، مخوان (و پرستش مکن)! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود.

ص: ۲۲۰

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَمَا كَاشَفَ لَهُ إِلَّا هُوَ □ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَمَا رَادَّ لِفَضْلِهِ □ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ □ وَهُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ (۱۰۷)

و اگر خداوند، (برای امتحان و مانند آن،) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف کند. و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند. و او آمرزنده و مهربان است.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ □ فَمَنْ اهْتَدَى □ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ □ وَمَنْ ضَلَّ □ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا □ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۸)

بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده. هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، به نفع خود هدایت می شود. و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد.

و من مأمور (به اجبار) شما نیستم.»

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ □ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يُحْكَمَ اللَّهُ □ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۱۰۹)

و از آنچه بر تو وحی می شود پیروی کن،

و شکیبا باش (و استقامت نما)، تا خداوند حکم (پیروزی) را صادر کند. و او بهترین حاکمان است.

۱۱ - سوره هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □ الر □ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ □ ثُمَّ فُصِّلَتْ □ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان الر، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته. سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است!

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ □ إِنَّنِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (۲)

(دعوت من این

است) که: جز خداوند یگانه را نپرستید. من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام.

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ □ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ □ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا □ حَسَنًا □ إِلَىٰ أَجَلٍ □ مُّسَدَّدًا □ وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ □ فَضْلَهُ □ وَإِنْ تَوَلَّوْا □ فَإِنِّي أَخَافُ □ عَلَيْكُمْ □ عَذَابَ □ يَوْمٍ □ كَبِيرٍ (۳)

و: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید. سپس به سوی او باز گردید.

تا شما را تا مدت معینی، از مواهب خوب (زندگی این جهان)، بهره مند سازد. و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش عطا کند. و اگر (از این دعوت) روی گردان

شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم!

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ □ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴)

(بدانید) بازگشت شما تنها بسوی خداوند یگانه است. و او بر هر چیزی تواناست.

أَلَا إِنَّهُمْ يَثُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ □ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ □ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵)

گاه باشید، آنها (برای نجوا)، سینه هاشان را در کنار هم قرار می دهند، تا خود (و سخنان خویش) را از او [= پیامبر] پنهان دارند. آگاه باشید، آنگاه که آنها لباسهایشان را به خود می پیچند و خویش را در آن پنهان می کنند، (خداوند) آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می سازند می داند. چرا که او، از اسرار درون سینه ها، آگاه است.

ص: ۲۲۱

□ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا □ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (٦)

هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست. او قرار گاه و محل نقل و انتقالشان را می داند. همه اینها در کتاب مبین (لوح محفوظ) ثبت است.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا □ وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (٧)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید. و عرش (قدرت) او، بر آب قرار داشت. (و جهان در آغاز توده مذابی بود، او آن را آفرید) تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است. و اگر (به آنها) بگویید: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می شوید.»، به یقین کافران می گویند: «این سحری آشکار است!»

وَلَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَيْنَا أُمَّهٌ مَّعْدُودَةٌ لَيَقُولَنَّ مَا يَجْبِسُهُ □ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٨)

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا) می گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!» آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به

سراغشان آید، از آنها باز گردانده نخواهد شد. و آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گیرد.

وَلَئِنْ أَذَقْنَا لِلنَّاسِ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُمْ إِنَّهُمْ لَكُفُورٌ (٩)

و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را

از او بگیریم، بسیار نوید و ناسپاس خواهد بود.

وَلَئِنْ أَذَقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرْاءٍ مَسَّتُهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي □ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (١٠)

و اگر بعد از ناراحتی و زیانی که به او رسیده، نعمتهایی به او بچشانیم، به یقین می گوید: «بدی ها از من برطرف

شده، (و دیگر باز نخواهد گشت).» و غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می شود.

□
إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (١١)

مگر آنها که (در سایه ایمان راستین)، صبر و استقامت ورزیدند و کارهای

شایسته انجام دادند. که برای آنها، آمرزش و اجر بزرگی است.

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صِدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ ۚ وَاللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۲)

شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می شود، (به خاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی (و به

تأخیر اندازی). و سینه ات از این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می گویند: «چرا گنجی بر او نازل نشده و یا چرا فرشته ای همراه او نیامده است؟!» (نگران مباش!

چرا که) تو فقط بیم دهنده ای. و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (. و به حساب آنان می رسد).

ص: ۲۲۲

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ □ قُلْ فَاتُوا بَعْشِرَ سُورٍ مِّثْلِهِ مَفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)

آیا می گویند: «او به دروغ قرآن را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)»! بگو: «اگر راست می گویند، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید. و

هر کس را که می توانید _ غیر از خدا _ (برای این کار) دعوت کنید!»

فَالَّذِينَ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۴)

و اگر کافران دعوت شما را نپذیرفتند (به آنها بگویید:)، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل

شده. و هیچ معبودی جز او نیست. آیا (با این حال)، تسلیم (حق) می شوید!؟

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵)

کسانی که زندگی دنیا

و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم. و چیزی در این (دنیا) از آنها کم و کاست نخواهد شد.

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ □ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)

(ولی) آنها

کسانی هستند که در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت. و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، نابود می شود. و آنچه را عمل می کردند، باطل و

بی اثر خواهد شد.

□
أَفَمِنْ كَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُّوسَىٰ □ إِمَامًا وَرَحْمَةً □ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ □ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْنَارُ مَوْعِدُهُ □ فَلَا تَكُ فِي مَرْيَةِ مِثْلِهِ □ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ □ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۷)

آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و به دنبال آن، شاهدهی از سوی (خدا) آمده، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و

رحمت بوده (گواهی بر آن می دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها [= حق طلبان] به او ایمان می آورند. و هر کس از گروههای مخالف به او کافر شود، آتش وعده گاه اوست. پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت. ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۖ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۚ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۸)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته؟! آنان، (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می شوند، در حالی که شاهدان [= پیامبران و فرشتگان] می گویند: «اینها همان کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بستند. اینک لعنت خدا بر ستمکاران باد!»

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَنْعُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۱۹)

همانها که (مردم را) از راه خدا باز می دارند. و (با

القای شبهات) آن را کج و معوج نشان می دهند. و به سرای آخرت کافرند.

ص: ۲۲۳

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ □ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ □ مَا كَانُوا يَسْتَعْجِلُونَ السَّمْعَ
وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (٢٠)

آنها هیچ گاه توانایی فرار از کیفر خدا را در زمین نداشتند. و جز خدا، پشتیبانهایی نمی یافتند. عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود. (چرا که هم خودشان گمراه

بودند، و هم دیگران را گمراه ساختند.) آنها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند. و (حقیقت را) نمی دیدند.

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٢١)

آنان کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از

دست داده اند.

و آنچه را به دروغ همتای خدا می پنداشتند از نظرشان گم شد.

لَا جَزْمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (٢٢)

بی تردید آنها در آخرت، از همه زیانکارترند!

□
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٢٣)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام

دادند و در برابر پروردگارشان خاضع و تسلیم بودند، آنها اهل بهشتند. و جاودانه در آن خواهند ماند.

□ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ □ وَالْأَصْمَىٰ □ وَالْبَصِيرِ □ وَالسَّمِيعِ □ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا □ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٢٤)

حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران]، حال «نابینا و ناشنوا»

و «بینا و شنوا» است. آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا متذکر نمی شوید؟!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٢٥)

و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم (. او به آنها گفت): «من برای شما بیم

دهنده ای آشکارم.

أَنْ لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ □ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ (٢٦)

جز خدای یگانه را نپرستید. زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می ترسم!»

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ إِلَّا اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ وَمَا تَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (۲۷)

اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری

همچون خودمان نمی بینیم. و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز افراد پست ساده لوح، مشاهده نمی کنیم. و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم.

بلکه گمان می کنیم که شما دروغگو هستید.»

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِّنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنزِلْ مُكْمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (۲۸)

(نوح) گفت: «ای قوم من! به من خبر دهید اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و او از سوی خود

رحمتی که شما از آن بی خبرید،

به من داده باشد (آیا باز هم رسالت مرا انکار می کنید)؟! آیا ما می توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با این که شما کراهت دارید؟!»

وَيَا قَوْمِ لِمَا أَشِيَءَ عَلَيْكُمْ مَالًا □ إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ □ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا □ إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۹)

«ای قوم من! به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم. اجر من، تنها بر خداست. و من، کسانی را که ایمان آورده اند، (بخاطر شما) از خود طرد

نمی کنم. چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد. (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود.) ولی شما را گروهی می بینم که

جهالت به خرج می دهید.

وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ □ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۳۰)

ای قوم من! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می دهد اگر آنان را طرد کنم؟! آیا متذکر نمی شوید؟!!

وَلَمَّا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَمَّا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَمَّا أَقُولُ إِنِّي مَلَكُكُمْ وَلَمَّا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا □ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ □ إِنْ لَمْ يَنْظُرِ الظَّالِمِينَ (۳۱)

من هرگز به شما

نمی گویم خزائن الهی نزد من است. و غیب هم نمی دانم. (جز آنچه خدا به من بیاموزد) و نمی گویم من فرشته ام.

و (نیز) نمی گویم کسانی که در نظر شما خوار می آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد. خدا از آنچه در دل آنهاست آگاهتر است. (و اگر آنها را از خود برانم، در

این صورت از ستمکاران خواهم بود.)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۲)

گفتند: «ای نوح! با ما جرّ و بحث کردی، و زیاد مجادله کردی! (بس است!) اکنون اگر راست می گویی، آنچه را (از عذاب

الهی) به ما وعده می دهی بیاور!»

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۳۳)

(نوح) گفت: «اگر خدا اراده کند، (عذابش را) خواهد آورد. و شما قدرت فرار (از آن را) نخواهید داشت!

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ □ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۴)

بخواهد شما را (به خاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت. او پروردگار شماست. و به سوی او

بازگشت داده می شوید».

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۚ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ (۳۵)

آیا (مشرکان) می گویند: «او [= محمد] قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است.»؟! بگو: «اگر من آن را به دروغ به خدا نسبت داده باشم، گناهش بر عهده من

است. ولی من از گناهانی که شما مرتکب می شوید بیزارم.»

وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد

آورد. پس، از کارهایی که انجام می دادند، غمگین مباش.»

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ۚ إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ (۳۷)

و (اکنون) در محضر ما و طبق وحی ما، کشتی بساز. و درباره آنها که ستم کردند با من سخن مگو (و

شفاعت مکن)، که (همه) آنها غرق شدنی هستند!»

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ □ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (۳۸)

او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند. (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می کنید، ما نیز

شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد.

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُثِيمٌ (۳۹)

بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب رسوا کننده به سراغش خواهد آمد، و عذاب ابدی بر او وارد خواهد

شد!

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ □ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۴۰)

(این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرارسید، و تنور جوشیدن گرفت. (به نوح) گفتیم: «از هر یک از انواع حیوانات، یک جفت (نر و ماده) در آن (کشتی) حمل کن. همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [= همسر و یکی از فرزندان]. _ و همچنین مؤمنان را.» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند.

□ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا □ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۴۱)

او گفت: «بر آن (کشتی) سوار شوید به نام خدا. در هنگام حرکت آنو توقفش، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)

و کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوهها حرکت می داد. (در این هنگام)، نوح فرزندش را که در گوشه ای بود صدا زد: «پسر! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!»

قَالَ سَيَأْوِي إِلَيَّ جَبَلٍ يَغِيصُ مَنِي مِنَ الْمَاءِ □ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ □ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳)

گفت: «بزودی به کوهی پناه می برم که مرا از آب حفظ می کند!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهدارنده ای در برابر فرمان خدا نیست. مگر آن کس را که او رحم کند.» در این هنگام، موج در میان آن دو جدایی افکند. و او در زمره غرق شدگان قرار گرفت!

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَفْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ □ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۴)

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فروبر! و ای آسمان، (از بارش) خودداری کن!» و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت. و (در این هنگام)، گفته شد: «دور باد گروه ستمکاران (از رحمت خدا!)»

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسرم از خاندان من است. و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است. و تو بهترین حکم کننده گانی.»

ص: ۲۲۶

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ □ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ □ فَلَمَّا تَسَاءَلْنَا مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ □ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
(۴۶)

فرمود: «ای نوح! او از خاندان تو نیست. او عمل غیر صالحی است [= فرد ناشایسته ای است]. پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه. من به تو اندرز می

دهم که از جاهلان نباشی.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ □ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۴۷)

عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم. و اگر مرا نیامرزی، و بر من رحم نکنی، از

زیانکاران خواهم بود.»

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ □ وَأُمَّمٌ سَنُنَتُّهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۸)

(به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو

و بر تمام امتهایی که با تو، فرود آی! و امتهایی نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره مند خواهیم ساخت، سپس (به سبب کفران نعمت) عذاب دردناکی از

سوی ما به آنها می رسد.»

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ □ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا □ فَاصْبِرْ □ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (۴۹)

(ای پیامبر!) اینها از اخبار غیبی است که به تو وحی می کنیم. نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی دانستید. بنابراین، صبر و

استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است.

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا □ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ □ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (۵۰)

و به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم.

(به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست. شما فقط افترا می بندید (و بتها را همتای او می خوانید).

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنِ اجْتَبَيْتُمْ آلًا عَلَى الَّذِي فَطَرْنِي ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱)

ای قوم من!

من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی طلبم. پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است. آیا نمی اندیشید؟!

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (۵۲)

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب

آموزش کنید، سپس به سوی او باز گردید، تا باران را پی در پی بر شما بفرستد. و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید. و گنهکاران، روی (از حق) برنتابید.»

قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۵۳)

گفتند: «ای

هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده ای. و ما خدایان خود را بخاطر گفتار تو، رها نخواهیم کرد! و ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم.»

ص: ۲۲۷

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ □ قَالَ إِنْ شَهِدَ اللَّهُ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۵۴)

ما (درباره تو) فقط می گوئیم: «بعضی از خدایان ما، به (عقل) تو آسیب رسانده اند.» (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می طلبم، شما نیز گواه باشید که من از

آنچه همتای (خدا) قرار می دهید، بیزارم

مِنْ دُونِهِ □ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ (۵۵)

(بیزار از آنچه) غیر او (می پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من توطئه کنید. و مهلتم ندهید (اما بدانید کاری از شما ساخته نیست).

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ □ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا □ إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۶)

من، بر خدای یگانه که پروردگار من و شماست، توکل کرده ام.

هر جنبنده ای در قبضه قدرت (توأم با عدالت) اوست. زیرا پروردگار من بر صراط مستقیم است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ □ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا □ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۵۷)

پس اگر روی گردان شوید، من رسالتی را که مأمور بودم به شما

رساندم. و پروردگارم گروه دیگری را جایگزین شما خواهد ساخت. و شما هیچ زیانی به او نمی رسانید. پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است.»

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَا هُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۵۸)

و هنگامی که

فرمان ما فرارسید، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمت خود نجات دادیم. و آنها

را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم!

وَتِلْكَ عَادٌ □ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۵۹)

و این قوم «عاد» بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند. و از اطاعت پیامبرنش سر برتافتند. و از فرمان هر ستمگر حق

ستیز، پیروی کردند!

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ □ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ □ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ (٦٠)

آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) به دنبال دارند! بدانید قوم «عاد» نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند.
دور باد «عاد» قوم

هود

(از رحمت خدا، و خیر و سعادت)!

□ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا □ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ □ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ □ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (٦١)

و به سوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم. گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید. و آباد کردن آن را به شما سپرد! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید، که پروردگارم (به بندگان خود)

نزدیک، و اجابت کننده (خواسته های آنها) است!»

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا □ أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (٦٢)

گفتند: «ای صالح! تو پیش ازین، در میان ما مایه امید بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند،

نهی می کنی؟!»

در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می کنی، در شکی توأم با بد گمانی هستیم!»

ص: ۲۲۸

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ ۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (۶۳)

گفت: «ای قوم من! به من خبر بدهید اگر دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم،

و رحمتی از جانب خود به من داده باشد، پس اگر من نافرمانی او کنم، چه کسی می تواند مرا در برابر خداوند یاری دهد؟! پس شما، جز زیان، چیزی بر من نخواهید

افزود.

وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (۶۴)

ای قوم من! این «ناقه» از سوی خداوند برای شما معجزه ای است. بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود. و هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که به

زودی عذاب (خدا) شما را خواهد گرفت!»

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرٍ مَّكْدُوبٍ (۶۵)

سرانجام، ناقه را پی کردند. و (صالح به آنها) گفت: «مهلت شما تمام شد!» سه روز در خانه هایتان بهره مند گردید.

(و بعد از آن، عذاب الهی فراخواهد رسید.) این وعده ای است که دروغ نخواهد بود.»

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ ۖ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۶۶)

و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرارسید، صالح و کسانی را که با او

ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم. چرا که پروردگارت توانا

و شکست ناپذیر است.

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۶۷)

و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (مرگبار آسمانی) فروگرفت. و بامدادان در خانه هایشان به روی افتاده و مرده بودند.

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۚ أَلَا بُعِدًا لِّثَمُودَ (۶۸)

آنچنان

که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند. دور باد قوم ثمود (از رحمت خداوند)!

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ ۖ قَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ ۗ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (٦٩)

فرستادگان ما [= فرشتگان] برای ابراهیم

بشارت آوردند. گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام!» و چندان درنگ نکرد که گوساله بریانی (برای آنها) آورد.

فَلَمَّا رَأَىٰ أَن يُدْيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْكَ قَوْمِ لُوطِ (٧٠)

(اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی

رسد (و از آن نمی خورند) آنها را نا آشنا (و دشمن) شمرد. و از آنان احساس ترس نمود. به او گفتند: «ترس! ما به سوی قوم

لوط فرستاده شده ایم.»

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (٧١)

و

همسرش ایستاده بود،

(از خوشحالی) خندید. پس او را به اسحاق، و بعد از اسحاق به یعقوب بشارت دادیم.

ص: ۲۲۹

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا □ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!»

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ □ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ □ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (۷۳)

گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب

می کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است. چرا که او ستوده و دارای مجد و عظمت است.»

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى □ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (۷۴)

هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست، و بشارت

به او رسید، درباره قوم لوط با ما مجادله می کرد. (و تقاضای عفو آنان را داشت)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (۷۵)

چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و همواره رجوع کننده (به سوی خدا) بود.

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا □ إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ □ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (۷۶)

(گفتیم:) ای ابراهیم! از این (درخواست) صرف نظر کن، که فرمان پروردگارت فرا رسیده. و به یقین عذاب بدون بازگشت (الهی) به سراغ آنها می آید.

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۷۷)

و هنگامی که فرستادگان ما

[= فرستگان عذاب] به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد. و قلبش پریشان گشت. و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت. و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند.)

وَخِيَاءُ قَوْمِهِ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ □ قَالَ يَا قَوْمِ هُوَ لَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ □ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي □ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (۷۸)

قوم او (به قصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند

— و قبلاً کارهای بد و زشتی انجام می دادند — گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند. که برای شما پاکیزه ترند. (با آنها ازدواج کنید. و از زشتکاری چشم ببوشید.) از

خدا بترسید. و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید. آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!»

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹)

گفتند: «تو می دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم. و

خوب می دانی ما چه می خواهیم.»

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ (۸۰)

گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم. یا پناهگاه نیرومندی در اختیار من بود. (آنگاه می دانستم با شما

زشت سیرتان چه کنم.)»

قَالُوا يَا لَوْ طُ إِنَّا رَسُولُ رَبِّكَ لَن نَّبَعُ لَكَ إِلَّا لَيْلٍ وَلَا يَلْتَفِتُ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا تَكُ □ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ □ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ □ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (۸۱)

(فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم. آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد. در تاریکی شب،

خانواده ات را (از این شهر) حرکت ده — و هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکند — مگر همسرت، که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می شوند، گرفتار خواهد

شد. موعد آنها صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟!»

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ (۸۲)

و هنگامی که فرمان ما فرارسید، آن (شهرها) را زیر و رو کردیم. و بارانی از سنگ به صورت گلهای متحجر متراکم، بر آنها فرو ریختیم.

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ □ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ (۸۳)

(سنگهایی) که نزد

پروردگارت (برای مجازات گناهکاران) نشانه گذاری شده بود. و آن (مجازات)، از (سایر) ستمکاران دور نیست.

□ وَإِلَىٰ مِثْلِهِ مِثْلُ شُعْبَةَ □ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ □ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ □ إِنَّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (۸۴)

و به سوی «مَدَّيْن» برادرشان شعیب را فرستادیم.

گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبودی برای شما نیست. پیمان

و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید). که من خیرخواه شما هستم و از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم.

و يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ □ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)

و ای قوم من! حق پیمان و وزن را با

عدالت، ادا کنید.

و از اموال مردم چیزی کم نگذارید. و در زمین به فساد نکوشید.

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ □ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (۸۶)

آنچه

(از سرمایه های حلال)، خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید. و من، نگهبان شما (و مأمور

بر اجبارتان به ایمان)

نیستم.»

قَالُوا يَا شُعْبَةُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ □ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (۸۷)

گفتند: «ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم. یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو

که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!»

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسِينًا ۖ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَٰهِي ۖ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ ۖ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۖ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۸۸)

گفت: «ای قوم من! به من خبر دهید، اگر دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و روزی و موهبت نیکویی به من داده

باشد، (آیا می توانم برخلاف فرمان او رفتار کنم؟! من هرگز نمی خواهم چیزی که شما را از آن باز می دارم، خودم مرتکب شوم. من جز اصلاح _ تا آن جا که

توانایی دارم _ نمی خواهم. و توفیق من (در این کار)، جز به (یاری) خدا نیست. تنها بر او توکل کردم. و به سوی او باز می گردم.

ص: ۲۳۱

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ □ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ (۸۹)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید. و (سرزمین) قوم

لوط از شما چندان دور نیست.

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ □ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (۹۰)

از پروردگار خود، آمرزش بطلبید. و به سوی او بازگردید.

که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است.»

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا □ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ □ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می گویی، ما نمی فهمیم. و ما تو را در میان خود، ضعیف می یابیم.

و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می کردیم. و تو در برابر ما قدرتی نداری.»

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا □ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۹۲)

گفت: «ای قوم من! آیا قبیله کوچکم، نزد شما عزیزتر از خداوند

است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته اید! پروردگارم به آنچه انجام می دهید، احاطه دارد (و آگاه است).

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مِثْلَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ □ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ □ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ (۹۳)

ای قوم من! هر چه در توان دارید، انجام

دهید. من هم کار خود را انجام می دهم. و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب رسواکننده به سراغش می آید، و چه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید،

من هم با شما در انتظارم!»

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۴)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمت خود نجات دادیم. و آنها را که

ستم کردند،

صیحه (مرگبار آسمانی) فرو گرفت. و بامدادان در خانه هایشان، به رو افتاده و مرده بودند.

كَأَنَّ لَّمْ يَخْنُوقُوا فِيهَا □ أَلَّا بُعِدًا لِّلْمَدِينِ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (۹۵)

آنچنان که گویی هرگز ساکن آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن

از رحمت خدا)، همان گونه که قوم ثمود دور شدند!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۹۶)

ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم...

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ □ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (۹۷)

به سوی فرعون و اطرافیانش. اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند. در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود.

ص: ۲۳۲

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (۹۸)

روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود. و (به جای چشمه های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می کند. و چه بد آبخوری است (آتش)، که بر آن وارد

می شوند!

وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (۹۹)

آنان در این جهانو روز قیامت، لعنتی به دنبال دارند. و چه بد عطایی است (لعن

و دوری از رحمت خدا)، که نصیب آنان می شود!

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ ۖ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ (۱۰۰)

این از اخبار شهرها و آبادیهاست که مابرای تو شرح می دهیم. که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو

شده اند

(و از میان رفته اند).

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ۖ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۰۱)

ما به آنها ستم نکردیم. بلکه آنها خودشان بر خویشان ستم روا داشتند. و هنگامی که فرمان (مجازات) پروردگارت فرا رسید، معبودهایی را

که غیر از خدا می خواندند، آنها را نجات بخشیدند. و جز بر هلاکت آنان نیفزودند.

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۖ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (۱۰۲)

و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که (مردم) شهرها و آبادیها را مجازات می کند، در حالی که آنها ستمکارند! به یقین مجازات او، دردناک و شدید است!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۖ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (۱۰۳)

در این (سرگذشت پیشینیان)، نشانه ای است برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد. همان روزی که مردم در آن جمع آوری می شوند، و روزی که همه آن را

مشاهده می کنند.

وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ (۱۰۴)

و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان محدودی، تأخیر نمی اندازیم!

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُنَّ أَنْفُسَ إِلَّا بِذُنُوبِكُمْ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (۱۰۵)

آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرارسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید. گروهی از آنها بدبختند و گروهی سعادتمند.

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۰۶)

اما کسانی که بدبخت

شدند، در آتشند. و برای آنان در آن جا، ناله های دردناک و نعره های طولانی است.

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۰۷)

تا آسمانها و زمین برپاست، جاودانه در آن خواهند ماند. مگر آنچه پروردگارت بخواهد. به یقین پروردگارت آنچه را بخواهد انجام می دهد.

وَ أَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٍ مَّجْدُودٍ (۱۰۸)

اما کسانی که سعادتمند

شدند، تا آسمانها و زمین برپاست، جاودانه در بهشت خواهند ماند. مگر آنچه پروردگارت بخواهد. (این) بخششی است قطع نشدنی.

ص: ۲۳۳

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤَهُمْ مِنْ قَبْلُ □ وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيْبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ (۱۰۹)

پس تردیدی در (باطل بودن) معبودهایی که آنها می پرستند، به خود راه مده. آنها همان گونه این معبودها را پرستش می کنند که پدرانشان قبلاً می پرستیدند. و ما

نصیبشان را بی کم و کاست به آنان خواهیم داد.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ □ وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ □ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۱۰)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم. سپس در آن اختلاف شد. و اگر فرمان پیشین خدا (در زمینه آزمایش و

اتمام حجت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می شد. و آنها (هنوز) در شکی آمیخته با بدگمانی اند.

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُؤْفِقُنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ □ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)

و پروردگارت اعمال هر یک را بی کم و کاست به آنها

خواهد داد. زیرا او به آنچه عمل می کنند آگاه است.

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا □ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)

پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن. و (همچنین) کسانی که با تو، (به سوی خدا) آمده

اند (باید استقامت کنند).

و سرپیچی نکنید، که او آنچه را انجام می دهید می بیند.

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)

و بر ستمکاران تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد. و در آن حال، هیچ ولی و

سرپرستی جز خدا نخواهید داشت. سپس یاری نمی شوید.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ □ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ □ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلَّذِينَ كَرِهُوا □ (۱۱۴)

در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار. چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها) را از بین می

برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند.

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵)

و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ □ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ
وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶)

چرا در اقوام قبل از شما،

دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم. و آنان که
ستم می کردند، به دنبال نعمتها و لذات
رفتند. و گناهکار بودند (و نابود شدند).

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِیُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ (۱۱۷)

و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلس در صدد اصلاح بوده باشند.

ص: ۲۳۴

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸)

و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را (به اجبار) امت واحدی (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد. ولی آنها همواره با هم اختلاف دارند.

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ ۖ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹)

مگر کسی را

که پروردگارت رحم کند. و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید. و وعده پروردگارت قطعی شده که: دوزخ را از همه (سرکشان و طاغیان) جن و انس پُر خواهم

کرد!

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۲۰)

ما از سرگذشتهای همه پیامبران برای تو شرح می دهیم، تا بوسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم. (و اراده ات قوی گردد.) و در این (اخبار و سرگذشتهای) برای تو حق

آمده، و برای مؤمنان موعظه و تذکری است.

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱)

و به کسانی که ایمان نمی آورند، بگو: «هر چه در توان دارید، انجام دهید. ما هم انجام می دهیم!

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۱۲۲)

و انتظار

بکشید. ما هم منتظریم!»

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۖ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۲۳)

و (آگاهی از) غیب (و اسرار نهانی) آسمانها و زمین، تنها از آن خداست. و همه کارها تنها به او بازگردانده می شود. پس او را

پرستش کن. و بر او توکل نما. و پروردگارت از آنچه انجام می دهی، هرگز غافل نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر □ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان الر، این آیات کتاب مبین و روشنگر است

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ما آن را قرآنی عربی (و فصیح و گویا) نازل کردیم، تا شما (آن را) درک کنید.

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳)

ما بهترین سرگذشتها را به وسیله این قرآن

که به تو وحی کردیم، برای تو شرح می دهیم. و به یقین پیش از این، از آن غافل بودی.

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در

خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر من سجده می کنند.»

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۵)

گفت: «پسر من! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، مبادا برای تو نقشه (خطرناکی) بکشند. زیرا شیطان، دشمن آشکار انسان است.

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُنمِّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶)

و این گونه پروردگارت تو

را بر می گزیند. و از تعبیر خوابها به تو می آموزد. و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدران ابراهیم و اسحاق کامل

کرد. به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است.»

ۚ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَلَوِّينَ (۷)

به یقین در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه‌ها (ی هدایت) برای سؤال کنندگان بود.

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا أَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۸)

هنگامی که (برادران)

گفتند: «یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدر، از ما محبوبترند. در حالی که ما مردان نیرومندی هستیم. مسلماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است.

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (۹)

یوسف را به قتل

رسانید. یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید. تا توجه پدرتان، فقط به شما باشد. و بعد از آن، (از گناه خود توبه می کنید. و) افراد صالحی خواهید بود.»

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۱۰)

یکی از

آنها گفت: «یوسف را به قتل نرسانید. و اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در مخفی گاه چاه بیفکنید.

تا بعضی از قافله ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند).»

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (۱۱)

(برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «ای پدر! چرا تو درباره یوسف، به ما اطمینان نمی کنی؟! در

حالی که ما خیرخواه او هستیم!

أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَزْنَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱۲)

فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد

و تفریح کند. و به یقین ما از او محافظت خواهیم کرد.»

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَدْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذُّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (۱۳)

(پدر) گفت: «من از بردن او غمگین می شوم. و از این می ترسم که گرگ او را بخورد، در حالی که شما

از او غافل باشید!»

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذُّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۱۴)

گفتند: «با این که ما مردان نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی ممکن

نیست).»

ص: ۲۳۶

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ □ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۵)

هنگامی که او را با خود بردند، و به اتفاق تصمیم گرفتند وی را در مخفی گاه چاه قرار دهند، و (مقصد خود را عملی ساختند). به او وحی فرستادیم که آنها را در

آینده از این کارشان با خبر خواهی ساخت. در حالی که آنها نمی دانند.

وَجَاءُوا آبَاءَهُمْ عِشَاءَ يَبْكُونَ (۱۶)

(برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند.

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ □ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۷)

گفتند: «ای پدر! ما رفتیم تا

مشغول مسابقه شویم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم. و گرگ او را خورد! و (می دانیم) تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم.»

وَجَاءُوا عَلَيَّ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ □ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً □ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ □ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ (۱۸)

و

پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند. گفت: «نفس (سرکش) شما این کار (زشت) را برایتان زینت داده. من صبر جمیل خواهم داشت (و

شکیبایی خالی از ناسپاسی). و در برابر آنچه می گوئید، از خداوند یاری می طلبم.»

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ □ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ □ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۹)

و (در همین حال) کاروانی فرارسید. و مأمور آب را فرستادند (تا آب بیاورد).

او دلو خود را (در چاه) افکند. (ناگهان) صدا زد: «مژده باد! این کودک کی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و او را بعنوان کالایی (از دیگران) مخفی داشتند. و خداوند به

آنچه آنها انجام می دادند، آگاه بود.

وَسَرَّوهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (۲۰)

و (سرانجام) او را به بهایی اندک، به چند درهم فروختند. و نسبت به (فروختن) او، بی رغبت بودند (. چرا که می ترسیدند رازشان فاش شود).

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا ۚ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٢١)

و آن کس از (مردم) مصر که او را خرید [= عزیز مصر]، به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد. و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم.» و اینچنین یوسف را در آن سرزمین، جایگاه (ویژه ای) دادیم. (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم. و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم.

خداوند بر کارش توانا و پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (٢٢)

و هنگامی که به بلوغ و رشد رسید، ما حکم (پیامبری)

و «علم» به او دادیم. و اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم!

وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ □ قَالَ مَعِيَ اللَّهُ □ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ □ إِنَّهُ لَمَّا يُفْلِحُ
الظَّالِمُونَ (۲۳)

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد. درها را بست و گفت: «بیا به سوی آنچه برای تو مهیاست!»
(یوسف) گفت: «پناه می برم به خدا! او

[= عزیز مصر] صاحب نعمت من است. مقام مرا گرامی داشته. (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! به یقین ستمکاران
رستگار نمی شوند.)

□
وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ □ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ □ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ □ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)

آن زن

قصد او کرد. و او نیز، اگر برهان پروردگار را نمی دید، قصد وی می نمود. اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم.
چرا که او از بندگان خالص شده ما بود.

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفَتْيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ □ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
(۲۵)

و هر دو به سوی در، دویدند و (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می کرد). پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره
کرد. و در این هنگام، همسر آن زن را

نزدیک در یافتند. آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به خانواده تو خیانت کند، جز زندان یا عذاب دردناک،
چیست؟!»

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي □ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۶)

(یوسف) گفت: «او مرا به کامجویی

از خود دعوت کرد!» و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهنش از پیش رو پاره شده، آن زن
راست می گوید. و او از دروغگویان است.

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۷)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می گوید. و او از راستگویان است.»

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ □ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (۲۸)

هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او از پشت پاره شده، گفت: «این از

مکر و حيله شما زنان است. که مکر و حيله شما زنان، عظيم است!

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ۖ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (۲۹)

يوسف! از اين (جريان)، صرف نظر کن. و تو نيز ای زن از گناهت استغفار کن، زیرا تو از

خطاکاران بودی.»

ۖ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۖ إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۰)

(این جريان در شهر منعکس شد). گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، غلامش را به سوی خود دعوت می کند. عشق (این جوان)، در

اعماق قلبش نفوذ کرده. ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم.»

ص: ۲۳۸

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكَينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ □ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (۳۱)

هنگامی که (همسر عزیز) نیرنگ آنها را شنید، به سراغشان فرستاد. و برای آنها پستی (گرانها، و مجلس باشکوهی) فراهم ساخت. و به دست هر کدام، کاردی

(برای بریدن میوه) داد. و (به یوسف) گفت: «بر آنان وارد شو!» هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار با شکوه (و زیبا) یافتند. و (بی توجه) دستهای خود را

بریدند. و گفتند: «منزه است خدا! این بشر نمی باشد. این جز یک فرشته بزرگوار نیست!»

□ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ □ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ □ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ (۳۲)

(همسر عزیز) گفت: «این همان کسی است که بخاطر (عشق) او

مرا سرزنش کردید. (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم. و او خودداری کرد. و اگر آنچه را به او دستور می دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد. و به یقین

خوار و حقیر خواهد شد.»

قَالَ رَبُّ السُّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ □ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ (۳۳)

(یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می خوانند. و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من

بازگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.»

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ □ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۴)

پروردگارش دعای او را اجابت کرد. و مکر آنان را از او بازگرداند. چرا که او شنوا و

داناست.

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسُجُنَّهٗ حَتَّىٰ حِينٍ (۳۵)

سپس با اینکه نشانه های (پاکی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدتی زندانی کنند.

وَدَخَلَ مَعَهُ السُّجُنَ فَتَيَانٍ □ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا □ وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ □

تَبَّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ □ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۳۶)

و (در این هنگام) دوجوان، همراه او وارد زندان شدند.

یکی از آن دو گفت: «من در خواب دیدم که (انگور برای ساختن) شراب می فشارم.» و دیگری گفت: «من در خواب دیدم نان بر سرم حمل می کنم. که پرندگان از

آن می خورند. ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم.»

قَالَ لَا يَا تُيُوكَمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا تَبَّئْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا □ ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي □ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۷)

(یوسف) گفت: «غذای روزانه شما را نمی آورند، مگر اینکه پیش از آن، شما را از

تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این، از دانشی است که پروردگرم به من آموخته است. زیرا من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند،

ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم).

ص: ۲۳۹

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۳۸)

و من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم. برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم. این از فضل خدا بر ما و بر مردم است. ولی بیشتر

مردم شکرگزاری نمی کنند.

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرَأَيْتَ أَتَى خَدَايَانَ مَتَعَدَدٍ وَ پَرَكَانِدَهٗ بَهْتَرِنْدَهٗ، يَا خَدَاوَنْدَهٗ يَكَاَنَهٗ اَيَّ كِهٖ بَرِ هَمَمَهٗ چِيْز قَاَهْرَهٗ اَسْتَهٗ؟!

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان متعدد و پراکنده بهترند، یا خداوند یگانه ای که بر همه چیز قاهر است؟!

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمِيَتْهُمَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۚ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ۚ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۚ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۴۰)

آنچه غیر از خدا

می پرستید، جز اسمهایی (بی مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را (خدا) نامیده اید، نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده. حکم تنها از آن خداست. فرمان داده

که غیر از او را نپرستید. این است آیین ثابت و پایدار. ولی بیشتر مردم نمی دانند.

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا ۚ وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ ۚ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (۴۱)

ای دوستان زندانی من! اما (تعبیر خواب شما چنین است که) یکی از شما (دو

نفر، آزاد می شود. و) ساقی شراب برای آقای خود خواهد شد. و امّا دیگری به دار آویخته می شود. و پرنندگان از سر او می خورند. و مطلبی که درباره آن (از من)

نظر خواستید، قطعی و حتمی است.»

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (۴۲)

و از میان آن دو نفر، به آن کس که می دانست رهایی می یابد، گفت: «مرا نزد آقاییت

[=سلطان مصر] یاد کن (تا از زندان رهایی یابم).» ولی شیطان یاد او را نزد آقاییش از خاطر وی برد. و از این رو، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند.

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُبُلَاتٍ خُضِرٍ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ □ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أُنْتُونِي فِي رُؤْيَايَ
إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (۴۳)

و (در این

هنگام) پادشاه گفت: «من در خواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می خورند. و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده. (که خشکیده ها بر

سبزهها پیچیدند. و آنها را از بین بردند.) ای گروه اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می کنید.»

ص: ۲۴۰

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ □ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ (۴۴)

گفتند: «اینها خوابهای پریشان و آشفته ای است. و ما از تعبیر این گونه خوابها آگاه نیستیم.»

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّهِ أَنَا أَنْبُؤُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (۴۵)

و یکی از آن دو که نجات یافته بود _ و بعد از مدتی به یاد آورد _

گفت: «من تعبیر آن را به شما خبر می دهم. مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید.»

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (۴۶)

(او به زندان آمد، و گفت:) یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره این

خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند. و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده. تا من به سوی مردم بازگردم، تا (از تعبیر این خواب)

آگاه شوند.

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (۴۷)

گفت: «هفت سال پی در پی زراعت می کنید. و آنچه را درو کردید، جز کمی که می خورید، در خوشه های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید).»

□
ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ (۴۸)

پس از آن، هفت سال سخت (قحطی و خشکسالی) می آید، که آنچه را برای آن سالها اندوخته اید، می خورند. جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد.

□
ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ (۴۹)

سپس سالی فرا می رسد که باران فراوان نصیب مردم می شود. و در آن سال، مردم عصاره (میوه ها را) می گیرند (و سال پربرکتی است).»

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ □ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ □ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ (۵۰)

گفت: «او را نزد من آورید.» ولی هنگامی که فرستاده او نزد وی آمد، یوسف گفت: «به سوی آقایت بازگرد، و از او پرس ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند

چه بود؟ به یقین پروردگار من به نیرنگ آنها آگاه است.»

قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَأَوْتُنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ □ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ □ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْأَنْ حَصِيحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَأَوْتُهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۵۱)

(پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار

شما چه بود؟» گفتند: «منزه است خدا، ما هیچ (خطا و) عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسر عزیز گفت: «الآن حق آشکار گشت. من بودم که او را به سوی

خود دعوت کردم. و او از راستگویان است.

□ ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (۵۲)

این سخن را بخاطر آن گفتم تا بدانند من در غیاب به او [= یوسف] خیانت نکردم. و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی کند.

□ وَمَا أُبْرِي نَفْسِي □ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي □ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵۳)

من خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می کند. مگر آنچه را پروردگارم رحم کند. پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي □ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۵۴)

پادشاه گفت: «او [= یوسف] را نزد من آورید، تا وی را از خالصان خود قرار دهم.» هنگامی که با او صحبت کرد، (پادشاه) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و امین ما

هستی.»

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ □ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ (۵۵)

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرار ده، که من نگاهبانی آگاهم.»

□ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ □ نُنْصِبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ □ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و این گونه مابه یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم،

که هر جا می خواست در آن منزل می گزید (و تصرف می کرد). ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بینیم) می بخشیم. و پاداش نیکوکاران را (حتی

در این دنیا) ضایع نمی کنیم.

وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۷)

(اما) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند، بهتر است.

وَجَاءَ إِخْوَهُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (۵۸)

(سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت.) برادران

یوسف (به مصر) آمدند. و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت. ولی آنها او را نشناختند.

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُمْ مِّنْ أَبِيكُمْ □ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۵۹)

و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «(نوبت آینده)

آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید. آیا نمی بینید من حق پیمانانه را ادا می کنم، و من بهترین میزبانان هستم؟!»

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِي (۶۰)

و اگر او را نزد من نیاورید، نه پیمانانه ای (از

غَلَّه) نزد من خواهید داشت.

و نه (هیچ گاه) به من نزدیک شوید.»

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (۶۱)

گفتند: «ما درباره او با پدرش گفتگو خواهیم کرد. و ما (این کار را) انجام خواهیم داد.»

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۶۲)

(سپس) به کارگزاران خود گفت:

«بهایبی را که پرداخته اند، در بارهایشان بگذارید! شاید هنگامی که به سوی خانواده خویش بازگشتند، آن را بشناسند. شاید بازگردند.»

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُعِ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَكْتُلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۶۳)

هنگامی که به سوی

پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر! دستور داده شده که (بدون حضور برادرمان بنیامین) پیمانۀ ای (از غَلَّه) به ما ندهند. پس برادرمان را با ما بفرست، تا پیمانۀ ای (از

غَلَّه) دریافت داریم. و به یقین ما او را محافظت خواهیم کرد.»

ص: ۲۴۲

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ ۖ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا ۖ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۶۴)

گفت: «آیا نسبت به او به شما اطمینان کنم همان گونه که قبلاً نسبت به برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید چه شد)؟! و (در هر حال،) خداوند بهترین حافظ،

و مهربانترین مهربانان است.»

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَحَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ ۖ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبُغِي ۖ هَذِهِ بَضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا ۖ وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ ۖ ذَلِكُ كَيْلٌ يَسِيرٌ (۶۵)

و هنگامی که متاع خود را گشودند، دیدند سرمایه آنها به آنها باز گردانده شده. گفتند: «پدر! ما دیگر چه می خواهیم؟! این سرمایه

ماست که به ما بازپس داده شده است. (پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی.) و ما برای خانواده خویش مواد غذایی می آوریم. و برادرمان را حفظ خواهیم کرد. و

یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت. این پیمانہ (باری که اکنون گرفته ایم، پیمانہ) کوچکی است.»

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ ۖ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۶۶)

گفت: «من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد، تا تعهد

الهی مؤکدی بدهید که او را حتماً نزد من خواهید آورد. مگر این که قدرت از شما سلب گردد.

و هنگامی که آنها تعهد مؤکد خود را در اختیار او گذاردند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می گوییم، ناظر و نگهبان است.»

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَاذْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۖ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۶۷)

و (به هنگام حرکت، یعقوب) گفت:

«پسران من. همگی از یک در وارد نشوید. بلکه از درهای مختلف وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود). و (من با این دستور،) نمی توانم تقدیر

حتمی الهی را از شما دفع کنم. حکم و فرمان، تنها از آن خداست. بر او توکل کرده ام. و توکل کنندگان باید تنها بر او توکل کنند.»

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَهُ فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۗ وَإِنَّهُ لَكُدُو عِلْمٍ لَمَّا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶۸)

و هنگامی که از همان طریق

که پدرشان به آنها دستور داده بود وارد شدند، این کار تقدیر حتمی الهی را نمی توانست از آنها دور سازد، جز اینکه خواسته قلبی یعقوب (از این طریق) انجام شد

(و خاطرش آرام گرفت). و او بخاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت. ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ ۗ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۹)

هنگامی که (برادران) بر یوسف وارد

شدند، برادرش را نزد خود جای داد و گفت: «من برادر تو هستم، از آنچه آنها انجام می دادند، غمگین مباش.»

ص: ۲۴۳

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْتَهَا الْعِيرُ إِنْكُمْ لَسَارِقُونَ (٧٠)

و هنگامی که (مأمور یوسف) بارهای آنها را بست، جام آبخوری (گران قیمت) پادشاه را در بارِ برادرش گذاشت. سپس کسی صدا زد: «ای اهل قافله! شما

سارقید.»

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ (٧١)

(برادران یوسف) رو به سوی آنها کردند و گفتند: «چه چیز گم کرده اید؟»

قَالُوا نَفَقْدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلَمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ (٧٢)

گفتند: «جام مخصوص پادشاه را! و هر کس آن را بیاورد، یک بارِ شتر (

غله) به او داده می شود. و من ضامن این (پاداش) هستم.»

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ (٧٣)

گفتند: «به خدا سوگند شما می دانید ما نیامده ایم که در این سرزمین فساد کنیم. و ما هیچ گاه

دزد نبوده ایم!»

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ (٧٤)

آنها گفتند: «اگر دروغگو باشید، کیفرش چیست؟»

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ □ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (٧٥)

گفتند: «هر کس (آن جام) در بارِ او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود. (و بخاطر این

کار، برده شما خواهد شد.) ما این گونه ستمکاران را کیفر می دهیم.»

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ □ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ □ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ □ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ □ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (٧٦)

در این هنگام، (یوسف) قبل از بارِ برادرش،

به کاوش بارهای آنها [= سایر برادرانش] پرداخت. سپس آن را از بارِ برادرش [= بنیامین] بیرون آورد. این گونه راه چاره را به

یوسف یاد دادیم. او هرگز نمی توانست

برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آن که خدا بخواهد (و راه چاره را به او بیاموزد). درجات هر کس را بخواهیم بالا می بریم. و برتر از هر صاحب علمی،

عالمی است (و از همه برتر خداست).

﴿ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرِقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ ﴾ فَاسْرِبْهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ﴿ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا ﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿ ٧٧ ﴾

(برادران) گفتند: «اگر او [= بنیامین] سرقت کند، (جای تعجب نیست). برادرش (یوسف) نیز قبل از او سرقت کرد!»

یوسف (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد. (همین اندازه) گفت: «شما از نظر منزلت (نزد من) از او بدترید. و خدا از آنچه وصف می کنید، آگاهتر است.»

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ﴿ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ (٧٨)

گفتند: «ای عزیز! او پدر بسیار پیری دارد (که طاقت دوری او را ندارد). یکی از ما را به جای او بگیر. ما تو را از

نیکوکاران می بینیم.»

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ (۷۹)

گفت: «پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم. که در آن صورت، از ستمکاران خواهیم بود.»

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا □ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ □
فَلَنْ أُبْرِحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي □ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۰)

هنگامی که (برادران) از او مایوس

شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند. (برادر) بزرگشان گفت: «آیا نمی دانید پدرتان از شما پیمان الهی گرفته. و پیش از این درباره یوسف نیز، کوتاهی

کردید؟! من از این سرزمین حرکت نمی کنم، تا پدرم به من اجازه دهد. یا خدا درباره من حکم کند، که او بهترین حکم کنندگان است.

ارْجِعُوا إِلَيَّ أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (۸۱)

شما به سوی پدرتان

بازگردید و بگوید: پدر (جان)، پسرت سرقت کرد. و ما جز به آنچه آگاه بودیم گواهی ندادیم. و ما از غیب با خبر نبودیم.

وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا □ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۸۲)

(و اگر اطمینان نداری)، از آن شهر که در

آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (پرس). و ما (در گفتار خود) صادق هستیم.»

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا □ فَصَبِّرْ جَمِيلًا □ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا □ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۸۳)

(يعقوب) گفت: «هوای نفس شما، این امر را چنین در نظرتان

جلوه داده است. من صبری جمیل

(و خالی از بی تابی) خواهم داشت. امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند. چرا که او دانا و حکیم است

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِیْضًا عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (۸۴)

و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر

یوسف!» و چشمان

او از اندوه سفید شد. اما خشم خود را فرو می برد (و هرگز کفران و بی تابی نمی کرد).

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذُكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (۸۵)

گفتند: «به خدا سوگند که تو آن قدر یاد یوسف می کنی تا مشرف

به مرگ شوی، یا بمیری!»

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۶)

گفت: «من غم و اندوهم را تنها به خدا شکوه می کنم. و از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.

ص: ۲۴۵

يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَبْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ۖ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (٨٧)

پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید. و از رحمت خدا مأیوس نشوید. که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند!

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَانَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضْءٍ غَيْرِ مُرْجَاهِ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ۚ إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (٨٨)

هنگامی که آنها بر او

[= یوسف] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز (مصر)! ما و خاندان ما را پریشانی (و قحطی) فرا گرفته، و بهای اندکی (برای تهیه مواد غذایی) با خود آورده ایم. پیمان را

برای ما کامل کن. و بر ما تصدق و بخشش نما، که خداوند بخشندهگان را پاداش می دهد.»

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ (٨٩)

گفت: «آیا دانستید، آنگاه که جاهل بودید، با یوسف و برادرش چه

کردید؟!»

قَالُوا إِنَّكَ لَمَأْنَتَ يُوسُفَ ۚ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي ۚ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا ۚ إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (٩٠)

گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: (آری)، من یوسفم، و این برادر من است. خداوند بر ما منت گذارد. هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و

استقامت نماید، (سرانجام پیروز می شود). چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند.»

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ (٩١)

گفتند: «به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشید. و ما

خطاکار بودیم.»

قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۚ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ ۚ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (٩٢)

(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست. خداوند شما را می آمرزد. و او مهربانترین مهربانان است.»

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَيَّ وَجْهَ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (۹۳)

این پیراهن مرا ببرید، و بر

صورت پدرم بیندازید تا بینا شود. و همه خانواده خود را نزد من بیاورید.»

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ □ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (۹۴)

هنگامی که کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان [= یعقوب] گفت: «من بوی

یوسف را احساس می کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید.»

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (۹۵)

گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابق هستی!»

ص: ۲۴۶

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶)

اما هنگامی که بشارت دهنده آمد، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند. ناگهان بینا شد. گفت: «آیا به شما نگفتم من از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی

دانید؟!»

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (۹۷)

گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم.»

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۹۸)

گفت: «بزودی برای شما از پروردگام آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و

مهربان است.»

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُونُسَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (۹۹)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را (در آغوش گرفت و) نزدیک خود جای داد و گفت: «همگی وارد مصر شوید، که ان شاءالله در امنیت خواهید

بود.»

وَرَفَعَ أَبُوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۖ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۱۰۰)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشانند. و همگی برای او (در پیشگاه خداوند) به سجده افتادند. و گفت: «پدر! این تعبیر همان خوابی است که پیش از این دیدم.

پروردگام آن را تحقق بخشد. و او به من نیکی کرد آنگاه که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را نیز از آن بیابان (به این جا) آورد بعد از آن که شیطان، میان من و

برادرانم فتنه کرد. پروردگام نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می بیند)، صاحب لطف است. چرا که او دانا

و حکیم است.

□ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ □ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ □ تَوْفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۱۰۱)

پروردگارا! بهره ای (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خواب آگاه ساختی. ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست

من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران. و به صالحان ملحق فرما.

□ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ □ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

(ای پیامبر!) این از اخبار غیبی است که به تو وحی می فرستیم. تو (هرگز) نزد

آنها نبودى هنگامی که به اتفاق تصمیم می گرفتند و توطئه می کردند.

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

ولی اکثر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی آورند.

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و تو (هرگز) از آنها در برابر این دعوت پاداشی نمی طلبی. آن نیست مگر تذکری برای جهانیان.

وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵)

وچه بسیار نشانه ای (از خدا) در آسمانها و زمین است که آنها

از کنارش می گذرند، در حالی که از آن روی گردان و غافلند.

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ (۱۰۶)

و بیشتر آنها به خدا ایمان نمی آورند، مگر آنکه ایمان خود را با شرک آلوده می کنند.

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۰۷)

آیا از این

ایمن هستید که عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا قیامت ناگهان فرا رسد، در حالی که متوجه نیستند؟!

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۸)

بگو: «این راه من است! من و پیروانم،

با بصیرت کامل، به سوی خدا دعوت می کنیم. منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم.»

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ
وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰۹)

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها

وحی می کردیم. آیا (مخالفان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنها بودند چگونه شد؟!

و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر

است! آیا فکر نمی کنید؟!

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ ۗ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰)

(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان به مخالفت با آنها، همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که پیامبران مایوس شدند، و (گروهی)

کردند که به آنان دروغ گفته شده است. در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد. آنان را که خواستیم نجات یافتند. و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده

نمی شود.

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ □ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى □ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۱۱)

به راستی در سرگذشت آنها عبرتی برای صاحبان اندیشه بود. اینها داستان دروغین نبود. بلکه (وحی آسمانی است، و) با کتب آسمانی پیشین

هماهنگ است. و در آن است شرح هر چیزی (که مایه سعادت انسان است). و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند.

ص: ۲۴۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المر □ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ □ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان المر، اینها آیات کتاب الهی است. و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است. هر چند بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا □ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ □ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ □ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى □ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (۲)

خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که بتوانید آنها را ببینید، برافراشت، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت. (و به تدبیر جهان پرداخت). و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند. کارها را او تدبیر می کند. آیات را (برای شما) تشریح می نماید. شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید.

□ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا □ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ □ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳)

و او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوههای استوار و نهلهایی قرارداد. و در آن از انواع میوه ها یک جفت آفرید. (پرده سیاه) شب را بر روز می پوشاند. در اینها نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

□ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَاوِرَاتٍ وَجَنَاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرِ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴)

و در روی زمین، قطعات متجاوتی در کنار هم وجود دارد. و باغهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می رویند و گاه بر دو پایه. (و عجب آن که) همه آنها از یک آب سیراب می شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می دهیم. در اینها نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.

□ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَيْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ □ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ □ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَامُ فِي أَعْتَابِهِمْ □ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۵)

و اگر (از چیزی) در شگفتی فرو می روی، عجیب گفتار آنهاست که می گویند: «آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می شویم) و به خلقت جدیدی باز می گردیم؟!» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده اند.

و غل و زنجیرها در گردنشان است. و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَيَسِّرْ لَنَا مَعْرَجًا مِّنَ السَّمَاءِ قَبْلَ الْحَسَنِ وَقَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ □ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ □ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ (٦)

آنها پیش از تقاضای حسنه (و رحمت)، از تو تقاضای شتاب در سیئه (و عذاب) می کنند. با این که پیش از آنها بلاهای عبرت انگیز نازل شده است. و پروردگار تو نسبت به مردم _ با این که ظلم می کنند _ دارای آمرزش است. و (در عین حال، پروردگارت سخت کیفر است!

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ □ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ □ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (٧)

کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه

(و معجزه ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده ای. و برای هر گروهی هدایت کننده ای است. (و اینها همه بهانه است).

اللَّهُ يَغْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ □ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (٨)

خدا از جنین هایی که هر (انسان یا حیوان) ماده ای حمل می کند آگاه است. و نیز از آنچه رحمها کم می کنند

(و پیش از موعد مقرر به دنیا می آورند)، و هم از آنچه افزون می کنند (و بعد از موقع به دنیا می آورند). و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد.

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ (٩)

او دانای پنهان و آشکار، و بزرگ و متعالی است.

سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (١٠)

کسانی از شما که به طور پنهان سخن بگویند، یا آشکار، برای او یکسان است. و (نیز) کسانی که شبانگاه به طور مخفیانه حرکت می کنند، یا در روشنایی روز.

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ □ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ □ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ □ وَمَا لَهُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ (١١)

برای هر کس، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سر او را از فرمان خدا [=حوادث غیر حتمی] حفظ می کنند. و خداوند سرنوشت هیچ قومی (وملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در (وجود) خودشان است تغییر دهند. و هنگامی که خدا برای قومی (به خاطر اعمالشان) بدی (و عذاب) بخواهد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد. و جز خدا، (نجات دهنده و) سرپرستی نخواهند داشت.

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ (۱۲)

او کسی است که برق (و صاعقه) را به شما نشان می دهد، که هم مایه بیم است

و هم مایه امید. و ابرهای سنگین بار ایجاد می کند.

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (۱۳)

و رعد، تسبیح و حمد او می گوید. و (همچنین) فرشتگان از خوف او! و (اوست که) صاعقه ها را می فرستد. و هر کس را بخواهد گرفتار آن می سازد، با این حال آنها (همچنان) درباره خدا به مجادله مشغولند. با اینکه قدرت او بی انتهاست!

ص: ۲۵۰

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَمَا يَشْتَعِبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كِبَاسٌ طِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ □ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۱۴)

دعوت حق (و دعای مستجاب) از آن اوست. و کسانی را که (مشرکان) غیر از او می خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی گویند. آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید. و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست.

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ □ (۱۵)

کسانی که در آسمانها

و زمین هستند از روی اختیار یا اجبار _ و همچنین سایه هایشان _ هر صبح و شام برای خدا سجده می کنند.

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ □ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا □ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ □ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ □ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۱۶)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: خداوند یگانه! (سپس) بگو: «آیا خدایانی غیر از او برای خود برگزیده اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟)!» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟!»

یا ظلمتها و نور برابرند؟! آیا آنها همتیانی برای خدا قرار دادند بخاطر این که آنان همچون خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبه شده است؟!» بگو: «خدا آفریننده همه چیز است. و اوست یکتا و حاکم بر همه چیز.»

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا □ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيِّهِ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ □ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ □ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً □ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ □ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (۱۷)

(خداوند) از آسمان آبی فرو فرستاد. و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد. سپس سیلاب بر روی خود کفی حمل کرد. (همچنین) و از آنچه (در کوره ها)، برای به دست آوردن زینت آلایت یا وسایل زندگی، آتش بر آن می افروزند، کفهایی مانند آن به وجود می آید _ خداوند برای، حق و باطل چنین مثالی می زند _ سرانجام کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می ماند. خداوند اینچنین مثال می زند!

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسَيْنِ □ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ □ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ □ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۸)

برای آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، پاداش نیکو است. و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند، (آنچنان در

وحشت عذاب الهی فرو می روند، که) اگر تمام آنچه در روی زمین است، و همانندش، از آن آنها باشد، همه را برای رهایی از عذاب فدیة می دهند. (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد.) برای آنها حساب بدی است. و جایگاهشان جهنم، و چه بد جایگاهی است!

ص: ۲۵۱

□ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى □ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۹)

آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها خردمندان متذکر می شوند.

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰)

همان کسانی که به عهد الهی وفا می کنند، و پیمان را نمی شکنند.

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱)

و کسانی که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می دارند. و از پروردگارشان می ترسند. و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند.

□ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۲۲)

و کسانی که برای جلب رضای پروردگارشان شکیبایی می کنند. و نماز را برپا می دارند. و از آنچه به آنها روزی داده ایم، پنهان و آشکار، انفاق می کنند. و با حسنات، سیئات را برطرف می سازد. سرانجام (نیک) سرای آخرت، از آن آنهاست.

جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ □ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (۲۳)

(همان) باغهای جاویدان بهشتی که همراه پدران و همسران و فرزندان صالحشان، وارد آن می شوند. و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ □ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴)

(و به آنان می گویند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتان! چه نیکوست سرانجام سرای جاویدان!

□ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ □ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۲۵)

آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، برای آنهاست لعنت (و دوری از رحمت الهی). و مجازات سرای آخرت!

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ □ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (۲۶)

خدا روزی را برای هر کس بخواهد گسترده می سازد، یا تنگ می گیرد ولی آنها [= کافران] به زندگی دنیا، شاد (و

خوشحال) شدند. در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، جز متاع ناچیزی نیست.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ □ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن أَرَادَ (۲۷)

کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا نشانه (و معجزه) ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!». بگو: «خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می کند.»

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ □ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸)

همان کسانی که ایمان آورده اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می گیرد.

ص: ۲۵۲

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۲۹)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنها پاکیزه ترین (زندگی) و سرانجام نیک است.

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّهٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَّتَتَلَوْا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ □ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ (۳۰)

همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم)، تو را به میان امتی فرستادیم که پیش از آنها امت‌های دیگری آمدند و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده ایم بر آنان بخوانی، درحالی که به خداوندی که رحمتش عام است، کفر میورزند. بگو: «او پروردگار من است. معبودی جز او نیست. تنها بر او توکل کردم.

و باز گشتم به سوی اوست.»

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْبَارِضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَى □ بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا □ أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا □ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱)

اگر بوسیله قرآن، کوهها به حرکت در آیند یا زمین قطعه قطعه شود، یا بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم کافران، ایمان نخواهند آورد). ولی تمام امور در اختیار خداست. آیا آنها که ایمان آورده اند نمی دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می کند؟! (اما هدایت اجباری سودی ندارد.) و پیوسته بلاهای کوبنده ای بر کافران به سبب اعمالشان وارد می شود، و یا به نزدیکی خانه آنها فرود می آید، تا وعده (نهایی) خدا فرارسد. به یقین خداوند از وعده خود تخلف نمی کند.

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ □ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۳۲)

(تنها تو را استهزا نکردند، بلکه) پیامبران پیش از تو نیز مورد استهزا قرار گرفتند. من به کافران مهلت دادم. سپس آنها را مجازات کردم. و چه مجازات شدیدی بود؟!)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ □ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ □ أَمْ تُبْتَوْنَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ □ بَلْ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ □ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

آیا کسی که بر همه سلطه دارد (و مراقب همه است)

و اعمالشان را می بیند (همچون کسی است که هیچ یک از این صفات را ندارد)؟! آنان برای خدا همتایانی قرار دادند. بگو: «آنها را نام ببرید! آیا چیزی رابه او خبر می دهید که از وجود آن در روی زمین بی خبر است، یا سخنان ظاهری و بی محتوا می گوید؟!»

(او همتایی ندارد.) ولی در نظر کافران، دروغ و نیرنگشان جلوه داده شده است،

(و می پندارند واقعیتی دارد) و آنها (به سبب اعمالشان) از راه (خدا) بازداشته شده اند.

و هر کس را خدا گمراه کند، هدایت کننده ای برای او وجود نخواهد داشت.

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ □ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (۳۴)

در زندگی دنیا، برای آنها عذابی (دردناک) است. و عذاب آخرت سخت تر است. و در برابر (عذاب) خدا، هیچ نگهدارنده ای برای آنها نیست.

ص: ۲۵۳

□ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ □ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا □ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا □ وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ
(۳۵)

وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، (این است که) نهرها از پای درختانش جاری است، میوه های آن همیشگی، و سایه اش دائمی است. این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند. و سرانجام کافران، آتش دوزخ است.

□ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ □ وَمِنَ الْأَحْزَابِ □ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ □
إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ (۳۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، از آنچه بر تو نازل شده، شادمانند. و بعضی از احزاب (و گروهها)، قسمتی از آن را انکار می کنند. بگو: «من مأمورم که خداوند یگانه را پرستم. و همتایی برای او قائل نشوم. تنها به سوی او دعوت می کنم. و بازگشتم فقط به سوی اوست.»

□
وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا □ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ (۳۷)

همان گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم). بر تو نیز این (قرآن) را بعنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم. و اگر بعد از علم و دانشی که به تو رسیده از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا، نه سرپرستی خواهی داشت و نه نگهدارنده ای.

□ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً □ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ □ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (۳۸)

و ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی فرستادیم. و برای آنها همسران و فرزندان قرار دادیم. و هیچ پیامبری نمی توانست معجزه ای بیاورد، مگر به اذن خدا. و برای هر سرنوشتی موعد مقرر است.

□ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ □ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۳۹)

خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد ثابت نگه می دارد. و «ام الكتاب» [= لوح محفوظ] نزد اوست.

□ وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (۴۰)

و اگر پاره ای از مجازاتها را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا (پیش از فرارسیدن این مجازاتها) تو را بمیرانیم، در هر حال وظیفه تو فقط ابلاغ (وحی الهی) است.

و حساب (آنها) بر ماست.

□ أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا □ وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ □ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴۱)

آیا ندیدند که ما پیوسته از اطراف (و جوانب) زمین می کاهیم؟! (و جامعه ها، به تدریج از میان می روند.) و خداوند حکم می کند. و هیچ کس را یارای جلوگیری از حکم او نیست. و او سریع الحساب است.

ص: ۲۵۴

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا □ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ □ وَسِعِلَّمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (۴۲)

پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه ها کشیدند. ولی تمام تدبیرها از آن خداست. او از اعمال هر کس آگاه است. و بزودی کفار می دانند سرانجام (نیک) سرای دیگر از آن کیست!

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسَتْ مُرْسَلًا □ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳)

آنها که کافر شدند می گویند: «تو پیامبر نیستی!» بگو: «کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند.»

۱۴ - سوره ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر □ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم

و جهل) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، به خواست پروردگارشان بیرون آوری و، (و هدایت کنی) به سوی راه خداوند توانا و ستوده.

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۲)

همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)!

الَّذِينَ يَشْتَرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا □ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۳)

همان کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند. و (مردم را) از راه خدا باز می دارند. و می خواهند آن را منحرف سازند. آنها در گمراهی دوری هستند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُنَبِّئَهُمْ □ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، جز به زبان قومش. تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد. سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته باشد) هدایت می کند. و او توانا و حکیم است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵)

ما موسی را با آیات (و معجزات) خود فرستادیم. (و دستور دادیم): قومت را از تاریکی ها به سوی نور خارج ساز. و «آیات الله» [= روزهای خاص الهی] را به آنان یادآوری کن. در این، نشانه هایی است برای هر شکیبای شکرگزار.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبُّونَ أبنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (٦)

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را نسبت به خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگ) فرعونیان رهایی بخشید. همانها که شما را به بدترین وجهی پیوسته شکنجه می کردند. پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را (برای خدمتکاری) زنده می گذاشتند. و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان بود!»

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (٧)

و نیز به یاد آورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما افزون خواهم کرد. و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (٨)

و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زبانی نمی رسد. چرا که) خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است.»

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۖ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۗ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (٩)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟! «قوم نوح» و «عاد»

و «ثمود» و کسانی که پس از ایشان بودند. همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست. پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغ آنان آمدند، ولی آنها (از روی تعجب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم.

و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می خوانید، در شک و تردیدی آمیخته با بدگمانی هستیم.»

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخَّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (١٠)

پیامبران آنها گفتند: «آیا در خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، شک

و تردیدی است. او شما را دعوت می کند تا گناهانتان را ببامرزد، و تا موعد مقرر شما را باقی گذارد.» آنها گفتند: «(ما اینها را نمی فهمیم! همین اندازه می دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، که می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید. پس (اگر راست می گوئید) دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید.»

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته باشد)، نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند). و برای ما ممکن نیست جز به فرمان خدا معجزه ای بیاوریم. و (از تهدیدهای شما نمی هراسیم). مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا ۚ وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا ۖ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)

و چرا بر خدا توکل نکنیم، با این که ما را به راههای (سعادت) مان رهبری کرده است؟! و ما به یقین در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی داریم).

و توکل کنندگان، باید فقط بر خدا توکل کنند.»

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۚ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما به یقین شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر این که به آیین ما بازگردید.» در این هنگام، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ستمکاران را هلاک می کنیم.

وَلَنَشْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنَ الْآرْضِ ۚ لِمَنِ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (۱۴)

و شما را بعد از آنان در این سرزمین سکونت خواهیم داد، این (موهبت)، برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد. و از تهدیدم بیمناک باشد.»

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۱۵)

و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند. و (سرانجام) هر گردنکش حق ستیزی نومید و نابود شد.

مَنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ (۱۶)

به دنبال او جهنم خواهد بود. و از آب بد بوی متعفنی نوشانده می شود.

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۚ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (۱۷)

آن را جرعه جرعه سر می کشد. و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد. و مرگ از هر جا به سراغ او می آید. ولی با این همه نمی میرد. و در پی او، عذاب شدیدی است!

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَىٰ لَهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۚ لَأَقْصِرُونَّ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ

کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، اعمالشان همچون خاکستری است در برابر وزش تند باد در یک روز طوفانی. آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده اند، به دست آورند. و این همان گمراهی دور و دراز است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ □ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۹)

آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را می برد و خلق تازه ای می آورد.

□
وَمَا ذَلِكْ عَلَى اللَّهِ بَعِزٌّ (۲۰)

و این کار برای خدا مشکل نیست.

وَبَرُّوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ □ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ □ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيسٍ (۲۱)

و (در قیامت)، همه آنها در برابر (دادگاه عدل) خدا ظاهر می شوند. در این هنگام، ضعفا (و پیروان نادان) به مستکبران (و پیشوایان گمراه) می گویند: «ما پیروان شما بودیم. آیا (اکنون که گرفتار مجازات الهی شده ایم)، حاضرید سهمی از عذاب الهی را از ما بردارید؟» آنها می گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می کردیم. (ولی اکنون) چه بی تابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد. راه گریزی برای ما نیست.»

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعِدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ □ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي □ فَلَا تُلْمُونِي وَلَوْلَمْوَأْ أَنْفْسِي كُمْ □ مَا أَنَا بِمُضِرِّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُضِرِّخِي □ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ □ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و هنگامی که کار تمام می شود، شیطان می گوید: «خداوند به شما وعده حق داد. و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم. من بر شما تسلطی نداشتم، جز این که دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید. بنابراین، مرا سرزنش نکنید. و خود را سرزنش کنید. نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من. من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همدریف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» به یقین ستمکاران عذاب دردناکی دارند!

وَأَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ □ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۲۳)

و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغهای بهشتی وارد می کنند. باغهایی که نهرها از پای درختانش جاری است. به اذن پروردگارش، جاودانه در آن می مانند. و تحیت آنها در آن، «سلام» است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴)

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!

تَوْتِي أَكَلَهَا كُلِّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا □ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)

هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد. و خداوند برای مردم مثلها می زند، شاید متذکر شوند (و پند گیرند).

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶)

و «کلمه خبیثه» (و سخن ناپاک) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از زمین ریشه کن شده، و قرار و ثباتی ندارد.

يُجِبُّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ □ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ □ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به سبب گفتار و اعتقاد استوار در این جهان، و در سرای دیگر، ثابت قدم می دارد. و ستمکاران را گمراه می سازد، (و لطف خود را از آنها به سبب اعمالشان بر می گیرد). و خداوند هر چه را اراده کند (و مصلحت باشد) انجام می دهد.

□ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (۲۸)

آیا ندیدی کسانی را که (شکر) نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟!

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا □ وَبِئْسَ الْقَرَارُ (۲۹)

(سرای نیستی و نابودی، همان) دوزخ است که آنها در آتش آن وارد می شوند. و چه بد قرارگاهی است!

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ □ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (۳۰)

آنها برای خدا همتیانی قرار داده اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند. بگو: «چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن بهره گیرید. اما سرانجام کار شما (رفتن) به سوی آتش (دوزخ) است!»

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ (۳۱)

به بندگان من که ایمان آورده اند بگو نماز را برپا دارند. و از آنچه به آنها روزی داده ایم، پنهان

و آشکار، انفاق کنند. پیش از آن که روزی فرارسد که در آن، نه داد و ستدی است، و نه دوستی. (نه با مال می توانند از کیفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادی).

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ □ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلُوكَ لَتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ □ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (۳۲)

خداوند، کسی است که آسمانها و زمین را آفرید. و از آسمان، آبی فرو فرستاد. و با آن، میوه‌ها (و محصولات گوناگون) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد. و کشتیها را مسخر شما ساخت، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند. و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود.

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ □ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۳)

و خورشید و ماه را _ که با برنامه منظمی در حرکتند _ به تسخیر شما درآورد. و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت.

ص: ۲۵۹

وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ □ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا □ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۳۴)

و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد. و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا کنید. انسان، ستمکار و ناسپاس است.»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵)

(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده. و من

و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار

رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ □ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي □ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۶)

پروردگارا! آنها [=بتها] بسیاری از مردم را گمراه ساختند. هر کس از من پیروی کند از من است. و هر کس نافرمانی من کند، تو آمرزنده و مهربانی.

رَبَّنَا إِنِّي أَسِيءْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷)

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم رادر سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند. تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز. و از ثمرات به آنها روزی ده. شاید آنان شکر تو را به جای آورند.

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ □ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۳۸)

پروردگارا! تو آنچه را که پنهان کرده و یا آشکار می سازیم، می دانی.

و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ □ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۹)

ستایش مخصوص خدایی است که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. به یقین پروردگار من، شنونده

(و اجابت کننده) دعاست.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي □ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (۴۰)

پروردگارا! مرا بر پادارنده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا! دعای مرا بپذیر.

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۴۱)

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روزی که حساب برپا می شود، بیامرزا!

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (۴۲)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر که خدا، از آنچه ستمکاران انجام می دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی که چشمها در آن (بخاطر ترس و وحشت) از حرکت باز می ایستد تأخیر می اندازد.

ص: ۲۶۰

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۖ وَأَفْنِدُ تَهُمَ هَوَاءً (۴۳)

در حالی که (در آن روز) گردنها را کشیده، سرها را بالا نگهداشته، حتی پلک چشمهایشان (به سبب وحشت) از حرکت باز می ماند. و دلهایشان (فرو می ریزد. و از اندیشه و امید،) خالی می گردد.

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْزِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۖ أَوْلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ (۴۴)

و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان! آن روز که ستمکاران می گویند: «پروردگارا! مدّت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریمو از پیامبران پیروی کنیم!» (اما پاسخ می شنوند که:) مگر شما نبودید که پیش از این سوگند یاد کردید که زوال و فنايي برای شما نیست!؟

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ (۴۵)

(آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشان ستم کردند، ساکن شدید. و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم. و برای شما، مثالها

(از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)!

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)

آنها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند. و همه مکرها (و توطئه هایشان) نزد خدا (آشکار و بی اثر) است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوهها از جا برکنده شود.

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴۷)

پس هرگز گمان مبر که خدا از وعده ای که به پیامبرانش داده، تخلف کند. چرا که خداوند توانا و مجازات کننده است.

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ ۖ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۴۸)

در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می شود، و همه در پیشگاه خداوند یگانه حاکم بر همه چیز ظاهر می گردند.

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۴۹)

و در آن روز، مجرمان را با هم در غل و زنجیر می بینی.

سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ (۵۰)

لباسهایشان از قطران [= ماده چسبنده بد بوی قابل اشتعال] است. و صورت‌هایشان را آتش می پوشاند.

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ □ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)

تا خداوند هر کس را، (مطابق) آنچه انجام داده، جزا دهد. به یقین، خداوند سریع الحساب است.

□ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۵۲)

این (قرآن، ابلاغی برای عموم مردم است. تا بوسیله آن انذار شوند، و بدانند او خدای یکتاست. و تا خردمندان پند گیرند.

ص: ۲۶۱

۱۵ - سوره الحجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر ﴿ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* الر، این آیات کتاب الهی، و قرآن مبین است.

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۲)

کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند)، چه بسا آرزو می کنند که

ای کاش مسلمان بودند!

ذُرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهُمُ الْأَمَلُ ﴿ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳)

آنها را به حال خود واگذار تا بخورند، و (از دنیا) بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل سازد. ولی بزودی خواهند فهمید!

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنِهِ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (۴)

ما اهل هیچ شهر

و دیاری را هلاک نکردیم جز این که اجل معین (و زمان تغییرناپذیری) داشتند.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّه أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۵)

هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی گیرد. و از آن عقب نخواهد افتاد.

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶)

و (کافران) گفتند: «ای کسی که «ذکر» [= قرآن] بر تو نازل شده، تو به یقین دیوانه ای!

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷)

اگر راست می گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی آوری؟!»

مَا نُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ (۸)

(آنان)

بدانند) ما فرشتگان را، جز بحق، نازل نمی کنیم. و آنگاه که نازل شوند، دیگر به آنان مهلت داده نمی شود (. و در صورت

انکار، به عذاب الهی نابود می گردند!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹)

ما

قرآن را نازل کردیم. و ما بطور قطع آن را حفظ می کنیم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ (۱۰)

ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امتهای نخستین فرستادیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۱)

هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی آمد

مگر این که او را مسخره می کردند.

□
كَذَلِكَ نَسَلُّكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۱۲)

ما اینچنین (و از هر طریق ممکن) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می دهیم.

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ □ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

(اما با این حال)، آنها به آن ایمان

نمی آورند. و روش اقوام پیشین نیز چنین بود.

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱۴)

و اگر دری از آسمان به روی آنان می گشودیم، و آنها پیوسته در آن بالا می رفتند.

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ (۱۵)

باز می گفتند: «ما

چشم بندی شده ایم. بلکه ما قومی سحر شده ایم!»

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (۱۶)

ما در آسمان برجهایی قرار دادیم. و آن را برای بینندگان آراستیم.

وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۱۷)

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم.

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ (۱۸)

مگر آن کس که استراق سمع کند (و

دزدانه گوش فرادهد) که «شهابی آشکار» او را تعقیب می کند (و می راند).

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (۱۹)

و زمین را گسترده کردیم. و در آن کوههای استواری قرار دادیم. و از هر گیاه موزون، در

آن رویانیدیم.

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (۲۰)

و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم. همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۱)

و هیچ چیز نیست، مگر آنکه

خزاین آن نزد ماست. ولی ما جز به اندازه معینی آن رانازل نمی کنیم.

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (۲۲)

ما بادهای را برای بارور ساختن (ابرها) فرستادیم. و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با

آن سیراب ساختیم. در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید.

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳)

ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم. و ماییم وارث (همه جهانیان).

وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُتَقَدِّمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُتَأَخِّرِينَ (۲۴)

ما، هم

از پیشینیان شما آگاه بودیم. و هم از آیندگان.

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۖ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵)

به یقین پروردگار تو، آنها را (در قیامت) جمع و محشور می کند. چرا که او حکیم و داناست.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۶)

ما انسان را از گل

خشکیده ای (همچون سفال) که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم.

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ (۲۷)

و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۸)

و (به خاطر بیاور)

هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده ای که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده، می آفرینم.

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹)

هنگامی که آن را نظام

بخشیدم، و در او از روح خود [= روحی شایسته و بزرگ] دمیدم، همگی برای او سجده کنید!»

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰)

پس همه فرشتگان، بی استثنا، سجده کردند.

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ۖ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۱)

جز ابلیس، که

ابا کرد از این که با سجده کنندگان باشد.

ص: ۲۶۳

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۲)

(خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟!»

قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۳۳)

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی آفریده ای، سجده

نخواهم کرد.»

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۳۴)

فرمود: «از آن [= صف فرشتگان] بیرون رو، که تو (از درگاه ما) رانده شده ای!

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۳۵)

و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود.»

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۳۶)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار).»

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۳۷)

فرمود: «تو از مهلت یافتگانی!

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۳۸)

(اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز و وقت معینی.»

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹)

گفت: «پروردگارا! به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها جلوه می دهم، و به یقین

همگی را گمراه خواهم ساخت،

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُحْلِصِينَ (۴۰)

مگر

بندگان خالص شده ات را.»

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (۴۱)

فرمود: «این راه مستقیمی است که بر عهده من است (و سنت همیشگی ام).

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (۴۲)

که بر بندگانم هیچ تسلطی نخواهی یافت.

مگر گمراهانی که از تو پیروی می کنند.

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۳)

و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست!

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (۴۴)

هفت در دارد. و برای هر دری، بخشی از آنها تعیین و تقسیم شده اند.»

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۴۵)

به

یقین، پرهیزگاران در باغهای (سرسبز) بهشتی و در کنار چشمه ها هستند.

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ (۴۶)

(فرشتگان به آنها می گویند:) داخل این باغها شوید با (نهایت) سلامت و امتیث!

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ (۴۷)

و ما هر گونه حسد و کینه را از سینه آنها بر می کنیم. در حالی که همه برادرند، و بر تختها رو به روی یکدیگر قرار دارند.

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ (۴۸)

هیچ خستگی و رنجی در آن جا به

آنها نمی رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی شوند!

□ تَبَّيْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۴۹)

(ای پیامبر!) بندگانم را آگاه کن که آمرزنده مهربان منم.

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (۵۰)

و (این که) عذاب من، همان عذاب دردناک است!

وَتَبَّيْهُمْ عَنِ ضَعْفِ إِبْرَاهِيمَ (۵۱)

و به آنها از مهمانهای ابراهیم خبر ده.

ص: ۲۶۴

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ (۵۲)

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند. (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم!»

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۵۳)

گفتند: «ترس، ما تو را به پسرى دانا بشارت می دهیم!»

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمِ تَبَشِّرُونَ (۵۴)

گفت: «آیا به

من (چنین) بشارت می دهید با این که پیر شده ام؟! با این حال به چه چیز بشارت می دهید؟!»

قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تُكُن مِّنَ الْفَانِطِينَ (۵۵)

گفتند: «تو را بحق بشارت دادیم. بنابراین جزء مایوسان مباش.»

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶)

گفت: «چه کسی جز گمراهان، از رحمت پروردگارش مایوس می شود؟!»

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۵۷)

(سپس) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟!»

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۵۸)

گفتند: «ما

به سوی قومى گنهكار فرستاده شده ایم (تا آنها را هلاک کنیم).

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۹)

مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد.

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا ۚ إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (۶۰)

بجز همسرش، که مقدر داشتیم از

بازماندگان (در شهر، و هلاک شوندگان) باشد.»

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (۶۱)

هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند،

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (۶۲)

(لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی

هستید!»

قَالُوا بَلْ جِنَّاتِكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۶۳)

گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده ایم که آنها [= کافران] در آن پیوسته تردید داشتند (آری، ما مأمور عذابیم)!

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۶۴)

ما واقعیت مسلمی را برای تو

آورده ایم. و به یقین ما راستگو هستیم.

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (۶۵)

پس، خانواده ات را در دل شب با خود بردار، و از این جا ببر.

و خودت به دنبال آنها حرکت کن. و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد. و به همان جا که مأمور می شوید بروید.»

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (۶۶)

و ما به لوط این موضوع را وحی

فرستادیم که صبحگاهان، همه آنها ریشه کن خواهند شد.

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ (۶۷)

اهل شهر (از ورود میهمانان باخبر شدند، و به طرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند.

قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ (۶۸)

(لوط) گفت: «اینها میهمانان منند. آبروی مرا نریزید.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ (۶۹)

و از (خشم) خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!»

قَالُوا أَوْلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ (۷۰)

گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و

نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟!))»

ص: ۲۶۵

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۷۱)

گفت: «اگر می خواهید کار صحیحی انجام دهید، این دختران من حاضرند (با آنها ازدواج کنید. و از گناه پرهیزید!» ولی آنها پذیرفتند.

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۲)

(ای پیامبر!) به جان تو

سو گند، اینها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده اند)!

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (۷۳)

سرانجام هنگام طلوع آفتاب، صیحه (مرگبار) آنها را فرا گرفت!

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ (۷۴)

سپس

شهرهای آنها را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ به صورت گلهای متحجر بر آنها فرو ریختیم!

□
إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (۷۵)

در این (سرگذشت عبرت انگیز)، نشانه هایی است برای هوشیاران.

وَإِنَّهَا لِبَسْبِيلٍ مَّقِيمٍ (۷۶)

و آن (سرزمین ویران) همواره، بر سر راه (کاروانها) است.

□
إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۷۷)

در این، نشانه ای است برای مؤمنان!

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ (۷۸)

اصحاب «ایکه» [= قوم شعیب، صاحبان سرزمین های پر درخت] به یقین قوم ستمکاری بودند.

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ (۷۹)

ما آنان را مجازات کردیم. و (شهرهای ویران شده) این دو [= قوم لوط و شعیب] بر سر راه آشکار است!

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ (۸۰)

و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند.

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۸۱)

ما آیات خود را به آنان دادیم. ولی آنها از آن روی گردان بودند.

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (۸۲)

در دل کوهها خانه هایی می تراشیدند که در آن

در امنیت بودند.

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (۸۳)

اما سرانجام صیحه (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فراگرفت.

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۴)

و آنچه را به دست آورده بودند، آنها را از عذاب الهی نجات نداد.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (۸۵)

ما آسمانها

و زمین و آنچه رامیان آن دو است، جز بحق نیافریدیم. و قیامت به یقین فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می رسد).

پس، به نحو شایسته ای از آنها صرف

نظر کن.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۶)

به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه است.

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۸۷)

ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم!

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

(بنابراین،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی)، که به گروههایی از آنها [= کفار] دادیم. میفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش. و پر و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر.

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (۸۹)

و بگو: «منم بیم دهنده

آشکار!»

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (۹۰)

(ما بر آنها عذابی می فرستیم) همان گونه که بر تجزیه گران (آیات الهی) فرو فرستادیم.

ص: ۲۶۶

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (۹۱)

همان کسانی که قرآن را تقسیم کردند (و فقط آنچه را به سودشان بود پذیرفتند)!

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲)

به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد،

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۳)

از آنچه انجام می داند!

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۹۴)

آنچه را مأموریت داری، آشکار ساز. و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن).

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵)

به یقین ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع کردیم.

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ □ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹۶)

همان کسانی که معبود دیگری با خدا قرار می دهند. اما بزودی می فهمند (که در اشتباه بودند)!

وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ يَا نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۹۷)

ما می دانیم سینه ات از آنچه آنها می گویند تنگ

می شود (و تو را سخت ناراحت می کنند).

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (۹۸)

(برای دفع این ناراحتی) پروردگارت را تسبیح گو و ستایش نما. و از سجده کنندگان باش.

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)

و پروردگارت را عبادت

کن تا یقین تو را فرارسد (و از جهان چشم فروبندی).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۖ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان فرمان خدا (برای مجازات مشرکان)، فرا رسیده است. برای آن عجله نکنید! او منزّه

و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند!

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۲)

فرشتگان را با روح (و وحی الهی) به فرمانش بر هر کس از بندگانش

بخواهد نازل می کند. (و به آنها دستور می دهد) که (مردم را) انذار کنید. (و بگویید:) معبودی جز من نیست. از (

مخالفت دستور) من، پرهیزید!

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳)

آسمانها و زمین را بحق آفرید. او برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند!

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۴)

انسان

را از نطفه بی ارزشی آفرید. و (این موجود ضعیف) سرانجام (موجودی فصیح، و) مدافع گویا و آشکار خویش گردید.

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا ۖ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

و

چهارپایان را برای شما آفرید. در حالی که در آنها، وسیله پوشش، و منافع دیگری است. و از (گوشت و شیر) آنها می

خورید.

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (۶)

و در آنها برای شما زینت و شکوه (فراوانی) است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز می گردانید، و

هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می فرستید.

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَّحِيمٌ (۷)

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که خودتان جز با مشقت زیاد،

به آن نمی رسیدید. پروردگارتان به یقین رئوف و مهربان است.

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۚ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸)

(همچنین) اسبها

و استرها و الاغها را (آفرید)، تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد. و چیزهایی می آفریند که نمی دانید.

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ ۚ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۹)

و بر

خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد. اما بعضی از راهها بیراهه است. و اگر خدا می خواست، همه شما را

(به اجبار) هدایت می کرد. (ولی هدایت اجباری ارزش ندارد).

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۚ لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰)

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که هم از

آن می نوشید و هم گیاهانی که حیوانات خود را در آن به چرا می برید، از آن حاصل می شود.

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۱)

خداوند با آن (آب)،

برای شما زراعت و زیتون و نخل

و انگور، و از همه میوه ها می رویاند. به یقین در این، نشانه ای (روشن از عظمت خدا) برای اندیشمندان است.

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۚ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۲)

او

شب و روزو خورشید و ماه را مسخر شما ساخت.

و ستارگان نیز به فرمان او مسخر (و در خدمت شما) هستند. در این نیز، نشانه هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که می اندیشند.

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۳)

و (همچنین)، مخلوقاتی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده (نیز مسخر و در خدمت شما) قرار داد. در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می شوند.

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَيْتًا كُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْدِ تَخْرُجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۴)

او کسی است که دریا را مسخر

(شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید. و زیوری که آن را بر خود می پوشانید (همچون مروارید) از آن استخراج کنید.

و کشتیها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت بپردازید و) از فضل خدا بهره گیرید. شاید شکر او را به جای آورید.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵)

و در زمین، کوههای استواری قرار داد تا شما را نلرزاند. و نهرها و راههایی ایجاد کرد، تا (به مقصدتان) راه یابید.

وَعَلَامَاتٍ □ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۱۶)

و)

(نیز) علاماتی قرار داد. و (شب هنگام) بوسیله ستارگان راه (خود را) می یابند.

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ □ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۷)

آیا کسی که می آفریند، همچون

کسی است که نمی آفریند؟! آیا متذکر نمی شوید؟!

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَّا تُحْصُوهَا □ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸)

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا

کنید. خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۱۹)

خداوند آنچه را پنهان می دارید

و آنچه را آشکار می سازید، می داند.

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰)

معبودهایی را که غیر از خدا می خوانند، چیزی را نمی آفرینند. بلکه خودشان

هم آفریده شده اند.

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ □ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۲۱)

آنها مردگانی هستند بی جان.

و نمی دانند (عبادت کنندگانشان) چه زمانی برانگیخته می شوند؟!

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۖ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۲۲)

معبود شما معبودی یگانه است. اما کسانی که

به آخرت ایمان نمی آورند، در حالی که مستکبرند دل‌هایشان (حق را) انکار می کند.

لَا جَزَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (۲۳)

بی تردید خداوند از آنچه پنهان

می دارند و آنچه آشکار می سازند باخبر است. او مستکبران را دوست نمی دارد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۚ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود:

پروردگار شما چه نازل کرده است؟ می گویند: «اینها افسانه‌های پیشینیان است.»

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ (۲۵)

آنها باید روز قیامت، بار گناهان

خود را بطور کامل بر دوش کشند. و همچنین سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می سازند. بدانید

آنها بار سنگین بدی بر دوش می کشند!

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَى اللَّهَ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) مکر و توطئه کردند. ولی خداوند

شالوده (زندگی) آنها را از اساس ویران کرد. و سقف از بالای سرشان بر آنها فرو ریخت. و عذاب (الهی) از جایی که

نمی دانستند (و انتظار نداشتند) به سراغشان آمد.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ وَيَقُولُ أَيُّ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ □ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (٢٧)

سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می سازد. و می گوید: «کجا ایند همتایان من (به پندار شما) که به خاطر آنها (با مؤمنان) دشمنی می کردید؟!» (در این هنگام)، کسانی که از علم بهره دارند می گویند: «رسوایی و بدبختی، امروز بر کافران است!»

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ □ فَالْقَوْمَ الَّذِينَ كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءِ بَلَى □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٢٨)

همان کسانی که فرشتگان (مرگ) جانشان را می گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند! در این موقع آنها (به ظاهر) تسلیم می شوند (و بدروغ می گویند): ما کار بدی انجام نمی دادیم! (به آنها گفته می شود): آری، خداوند به آنچه انجام می دادید عالم است،

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا □ فَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (٢٩)

اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود.

چه بد است جایگاه متکبران!

□ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ □ قَالُوا خَيْرًا □ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ □ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ □ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (٣٠)

و (هنگامی که) به پرهیزگاران گفته شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟»

گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری)، برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است. و سرای آخرت از آن بهتر است.

و چه خوب است سرای پرهیزگاران!

□ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ □ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (٣١)

باغهای جاویدان بهشتی که همگی وارد آن می شوند. نهرها از پای درختانش

جاری است. هر چه بخواهند در آن جا برای آنها فراهم است. خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می دهد.

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ □ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٣٢)

کسانی که فرشتگان (مرگ) جانشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند. به آنها می گویند: «سلام بر شما! به پادشاه آنچه انجام می دادید، وارد بهشت شوید.»

هَيْلٌ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ □ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ (۳۳)

آیا آنها [= کافران] انتظاری جز این دارند که فرشتگان (قبض روح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آن گاه توبه کنند؟! ولی توبه ای بی اثر! آری)، کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند. خداوند به آنها ستم نکرد. ولی آنان به خویشان ستم می نمودند.

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۴)

و بدیهای اعمالشان سرانجام به آنها رسید. و آنچه را (از وعده عذاب الهی) استهزا می کردند، دامانشان را گرفت.

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ □ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۳۵)

مشركان گفتند: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او چیزی را پرستش نمی کردیم. و چیزی را بدون اجازه او

حرام نمی ساختیم.» (آری)، کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند. ولی آیا پیامبران وظیفه ای جز ابلاغ آشکار

دارند؟!

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ □ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ □ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ (۳۶)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید. و از (پرستش) طاغوت اجتناب کنید.» خداوند

گروهی از آنان را هدایت کرد. و گروهی از آنان ضلالت

و گمراهی دامانشان را گرفت. پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود!

إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ □ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۳۷)

هر قدر بر هدایت آنها

حریص باشی، (سودی ندارد. چرا که) خداوند کسی را که (به سبب اعمالش) گمراه ساخت، هدایت نمی کند. و آنها

هیچ یآوری نخواهند داشت.

□ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ □ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ □ بَلَىٰ □ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۸)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر

نمی انگیزد!» آری، (آنها در اشتباهند) این وعده قطعی خداست

(که همه مردگان را برای جزا باز می گرداند). ولی بیشتر مردم نمی دانند.

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (۳۹)

هدف این است که آنچه را در آن اختلاف

می کردند، برای آنها روشن سازد. و کسانی که کافر شدند، بدانند که خود دروغ می گفتند.

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۰)

(رستاخیز مردگان برای

ما مشکل نیست. زیرا) وقتی چیزی را اراده می کنیم، سخن ما این است که می گوئیم: «موجود باش!» بی درنگ
موجود می شود.

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ ۖ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

کسانی که پس از آنکه مورد ستم واقع شدند، در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و)
مقام) شایسته ای به آنها می دهیم. و پاداش آخرت، از آن هم مهم تر است اگر می دانستند.

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)

همان کسانی که

صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می کنند.

ص: ۲۷۱

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ ۖ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳)

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم. اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید.

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۖ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴)

تا از دلایل روشن

و کتب (پیامبران پیشین) آگاه شوید و بر تو نیز، قرآن را نازل کردیم، تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها

روشن سازی. شاید اندیشه کنند.

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۴۵)

آیا کسانی که توطئه های شومی کردند از این ایمن گشتند که خدا آنها را در

زمین فرو برد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند،

به سراغشان آید؟!!

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۴۶)

یا به هنگامی که (برای زندگی دنیا) در رفت و آمدند (عذاب خدا)، دامانشان را بگیرد در حالی که

قادر به فرار نیستند؟!!

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۴۷)

یا پس از هشدارهای خوف انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و مهربان

است.

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّحُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۴۸)

آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه هایشان از راست و چپ حرکت دارند، در حالی که با خضوع برای خدا سجده

می کنند؟!!

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۖ (۴۹)

آنها (تنها) از (عذاب) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، خائفند. و

آنچه را مأموریت دارند انجام می دهند.

□ □ □
□ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ إِلَّا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ □ فَإِنِّي فَأَرْهَبُونِ (۵۰)

خداوند فرمان داده: «دو معبود (برای خود) انتخاب نکنید. معبود (شما) تنها

خدای یگانه است. فقط از (کیفر) من بترسید!»

□ □ □
□ وَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لَهُ الدِّينُ وَ اصْبَا □ أَفَعَيَّرَ اللَّهُ تَتَّقُونَ (۵۱)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست. و دین خالص (نیز)

همواره از آن او می باشد. آیا با این حال از غیر خداوند یگانه می ترسید؟!

□ □ □
□ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ □ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ (۵۲)

آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی

خداست. و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می خوانید.

□ □ □
□ ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۵۳)

(اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما

برطرف ساخت، آنگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می شوند.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ ۖ فَتَمَتَّعُوا ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۵۴)

(بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده ایم کفران کنند! (چند روزی از لذات دنیا) بهره گیرید، اما بزودی خواهید دانست (راه
خطا پیموده اید)

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۖ تَاللَّهِ لَكُنَّا لَنَّا عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ (۵۵)

آنان برای بتهایی که هیچ گونه سود و زیانی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده
ایم قرار می دهند. به خدا سوگند، (در دادگاه قیامت)، از این افتراها که می بندید، بازپرسی خواهید شد!

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ ۖ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ (۵۶)

آنها (در

پندار خود)، برای خداوند دخترانی قرار می دهند. _ منزه است (از این که فرزندی داشته باشد) _ در حالی که برای
خودشان، آنچه را دوست دارند قائل می شوند.

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۵۷)

و هنگامی که به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده،

صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود. و بشدت خشمگین می گردد.

بِتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۖ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۖ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۸)

بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از

قوم و قبیله خود پنهان می شود. (و نمی داند) آیا آن (دختر) را با قبول ننگ نگهدارد، یا (زنده) در خاک پنهانش کند؟! آگاه
باشید که بد حکم می کنند!

لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ ۖ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵۹)

صفات زشت برای آنهایی است که به سرای آخرت ایمان نمی آورند.

و بهترین صفات برای خداست. و او توانا و حکیم است.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۖ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۶۰)

و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می کرد،

جنبنده ای را بر روی زمین باقی نمی گذارد. ولی (مجازات) آنها را تا زمان معینی به تأخیر می اندازد. و هنگامی که

اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه ساعتی پیشی می گیرند.

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَنَصِفُ أَلْسِنَتَهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ ۖ لَا جَزْمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ (۶۱)

و آنها برای خدا چیزهایی

[= دخترانی] اقرار می دهند که خودشان از آن کراهت دارند. با این حال زبانشان بدروغ می گوید که برای آنها پاداش نیک است! بی تردید برای آنان آتش است. و آنها از یشگامان (دوزخ) اند.

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَرَيْنَ لَهُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَوَيْهَهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۲)

به خدا سوگند، به سوی امتهای پیش از تو

پیامبرانی فرستادیم. اما شیطان اعمال آنها را در نظرشان آراست. و امروز او ولی و سرپرستشان است. و (در سرای

آخرت) مجازات دردناکی برای آنهاست!

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۖ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۶۳)

ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آنچه را در آن اختلاف کرده

اند، برای آنها روشن کنی. و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند.

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۴)

خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد. و زمین را، پس از آن که مرده بود، با آن حیات بخشید. در این، نشانه روشنی است برای گروهی که گوش شنوا دارند.

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۚ نُشِيقُكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبْنَا خَالِصًا سَائِعًا لِلشَّارِبِينَ (۶۵)

و در آفرینش چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارابه شما می نوشانیم.

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۶۶)

و از میوه های درختان خرما و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می گیرید. در این، نشانه روشنی است برای گروهی که می اندیشند.

وَأَوْحَىٰ ۙ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (۶۷)

و پروردگار تو، به زنبور عسل «وحی» [=الهام غریزی] نمود که: «از کوهها و درختان و داربستهایی که (مردم) می سازند، خانه هایی برگزین.

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۶۸)

سپس از تمام

ثمرات (و شیره گلها) بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بیما. از درون (چینه دان) آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می شود که در آن، شفا و درمانی برای مردم است. به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای گروهی که فکر می کنند.

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۶۹)

خداوند شما را آفرید. سپس شما را می میراند. بعضی از شما به

نامطلوب ترین (مراحل) عمر می رسند، که بعد از آگاهی، چیزی نمی دانند (و همه چیز را فراموش می کنند). خداوند دانا

و تواناست.

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ □ فَمَا الَّذِينَ فَضَّلُوا بَرَأْدَى رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ □ أَفَبِعِزَّةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۷۰)

خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که تلاشهایتان متفاوت است). ولی

کسانی که برتری داده شده اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند تا همگی در آن مساوی گردند. آیا آنان

نعمت خدا را انکار می نمایند (که شکر او را ادا نمی کنند)؟!

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ □ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِالْغَيْبِ اللَّهُ هُمْ يَكْفُرُونَ (۷۱)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد. و

از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هایی به وجود آورد. و از نعمت های پاکیزه به شما روزی داد. آیا به باطل ایمان

می آورند، و نعمت خدا را انکار می کنند؟!

ص: ۲۷۴

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۷۲)

و آنها غیر از خدا، موجوداتی را می پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند. و توان آن را نیز ندارند.

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ □ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷۳)

پس، برای خدا امثال (و شبیه) قائل نشوید. زیرا خدا می داند، و شما نمی دانید.

□ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا □ هَلْ يَسْتَوُونَ □ الْحَمْدُ لِلَّهِ □ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۷۴)

خداوند مثالی زده: برده

مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست. و شخص (آزاد و با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده ایم، و او پنهان و آشکار از آن، انفاق می کند. آیا آنها یکسانند؟! ستایش مخصوص خداست. ولی اکثر آنها نمی دانند.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ □ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ □ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۷۵)

خداوند

مثالی (دیگر) زده است: دو نفر را، که یکی از آن دو، گنگ مادر زاد است. و قادر بر هیچ کاری نیست. و سربار صاحبش

می باشد. او را در پی هر چیز می فرستد، کاری از پیش نمی برد. آیا او، با کسی که امر به عدل و داد می کند، و بر

راهی راست قرار دارد، برابر است؟!

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ □ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۷۶)

غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می داند). و امر قیامت

(به قدری نزدیک

و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر. چرا که خدا بر هر چیزی تواناست.

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ □ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۷)

شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی دانستید. و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر به جا آورید.

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ □ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۷۸)

آیا آنها به پرندگان که بر فراز آسمان نگه داشته شده اند، نظر نیفکندند؟ هیچ کس جز خدا آنها را نگاه نمی دارد. در این امر، نشانه هایی (از عظمت و قدرت خدا) است برای کسانی که ایمان می آورند.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (٧٩)

و خدا برای شما از خانه هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد. و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه هایی =

خیمه هایی [قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می توانید آنها را جا به جا کنید. و از پشم ها و کرک ها و موهای آنها، برای شما وسایل زندگی تا زمان معینی قرار داد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ □ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (٨٠)

و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه هایی برای

شما قرار داده. و از کوهها پناهگاههایی. و برای شما پوشش هایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند. و

پوشش هایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست. این گونه نعمتش را بر شما کامل می کند، شاید تسلیم (فرمان او)

شوید.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٨١)

(با این همه،) اگر روی برتابند، (نگران مباش). وظیفه تو تنها ابلاغ آشکار است.

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (٨٢)

آنها نعمت خدا را می

شناسند. سپس آن را انکار می کنند. و اکثرشان کافرند.

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (٨٣)

(به خاطر بیاور) روزی را که از هر امتی گواهی (بر آنان) بر

می انگیزیم. سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی شود. (بلکه اعضای آنها گواهی می دهند.) و

اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو نیز به آنان نمی دهند.

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (٨٤)

و هنگامی که ستمکاران عذاب را ببینند، دیگر نه از مجازاتشان کاسته می شود، و نه مهلت داده می شوند.

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ □ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (۸۵)

و

هنگامی که مشرکان معبودهایی را که همتای خدا قرار دادند می بینند، می گویند: «پروردگارا! اینها همتایانی هستند که

ما به جای تو، آنها را می خواندیم (و پرستش می کردیم).» در این هنگام، معبودان به آنها می گویند: «شما دروغگو

هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می کردید.)»

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ □ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۸۶)

و در آن روز، آنها (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می شوند.

و آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می بستند، از نظرشان گم و نابود می شود.

ص: ۲۷۶

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ (۸۷)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، بخاطر فسادى که مى کردند، عذابى بر عذابشان مى افزاییم.

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَيَّ ۖ هَؤُلَاءِ ۖ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (۸۸)

(به یاد آور) روزى را که از هر امتى، گواهى از خودشان بر آنها بر مى انگیزیم. و تو را گواه بر آنان قرار مى دهیم. و

این کتاب را که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است، بر تو نازل کردیم.

ۖ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۖ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۸۹)

خداوند به

عدل و احسان فرمان مى دهد و (همچنین) به بخشش به نزدیکان. و از فحشا و منکر و ستم، نهی مى کند. خداوند به

شما اندرز مى دهد، شاید متذکر شوید.

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۖ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۹۰)

و هنگامى که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید. و سوگندها را بعد از

محکم ساختن نشکنید، در حالى که خدا را ضامن بر (سوگند) خود قرار داده اید.

به یقین خداوند از آنچه انجام مى دهید، آگاه است.

وَلَمَّا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۖ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۖ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۹۱)

همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشمهای تابیده خود را،

پس از استحکام، وا مى تابید! درحالى که سوگندها

(و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد در میان خود قرار مى دهید. بخاطر این که گروهى، جمعیتشان از گروه دیگر

بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه ای برای شکستن بیعت با پیامبر مى شمیرید). خدا شما را با این وسیله مى

آزماید. و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن مى سازد.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۖ وَلَتَسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۲)

و اگر خدا می خواست،

شما را (به اجبار) امت واحدی قرار می داد. ولی خدا هر کس را بخواهد

(و شایسته باشد) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق باشد) هدایت می کند. و به یقین شما از آنچه انجام می دادید،

بازپرسی خواهید شد.

ص: ۲۷۷

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَرِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا الشُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ □ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۹۳)

سوگندهایتان را وسیله فساد و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت گشتن (بر ایمان) متزلزل شود. و

بخاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود!

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا □ إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۹۴)

و (هرگز) پیمان

الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (که هر بهایی در برابر آن ناچیز است). آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر

می دانستید.

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ □ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ □ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۵)

آنچه نزد شماست از میان می رود. و آنچه نزد خداست باقی می ماند. و به یقین به کسانی که صبر

و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش خواهیم داد.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ □ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً □ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

هر کس کار شایسته ای

انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه ای می بخشیم. و پاداش

آنها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۹۷)

هنگامی که قرآن می خوانی، از شر شیطان رانده

شده (از درگاه خدا)، به خدا پناه بر (و بر او توکل کن).

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۸)

زیرا او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل

می کنند، سلطه ای ندارد.

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (۹۹)

سلطه او تنها بر کسانی است که او را سرپرست خود قرار داده اند، و کسانی که او را

شریک (خدا در اطاعت و بندگی) قرار می دهند (و به فرمان شیطان گردن می نهند).

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۰)

و هنگامی که آیه ای را به

آیه دیگر مبدل کنیم (و حکمی را نسخ نماییم) _ و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند _ آنها می گویند: «تو (بر خدا)

افترا می بندی!» اما اکثر آنها (حقیقت را) نمی دانند.

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُبَيِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (۱۰۱)

بگو: «روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا

افراد با ایمان را ثابت قدم گرداند. و هدایت

و بشارتی باشد برای عموم مسلمانان.»

ص: ۲۷۸

وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّلسَّانِ الَّذِي يُحَدِّثُونَ إِلَيْهِ أُعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (۱۰۲)

ما می دانیم که آنها می گویند: «این آیات را) انسانی به او تعلیم می دهد.» در حالی که زبان کسی که اینها را به او

نسبت می دهند عجمی است. ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۳)

به یقین، کسانی که به آیات الهی ایمان

نمی آورند، خدا آنها را هدایت نمی کند. و برای آنان عذاب دردناکی است.

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۰۴)

تنها کسانی (به خدا) دروغ می بندند که

به آیات خدا ایمان ندارند. (آری،) دروغگویان (واقعی) آنها هستند.

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَيْدًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

کسانی که بعد از ایمانشان، به خدا کافر شوند

(مجازات می شوند) _ بجز آنها که تحت فشار واقع شده اند در حالی که قلبشان با ایمان، آرام است _ آری، آنها که سینه

خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنهاست. و عذاب عظیمی در انتظارشان!

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱۰۶)

این بخاطر آن است که

زندگی پست دنیا را بر آخرت ترجیح دادند. و خداوند افراد بی ایمان (لجوج) را هدایت نمی کند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۷)

آنها کسانی هستند

که (بر اثر فزونی گناه)، خدا بر دلها و گوش و چشمانشان مُهر نهاده. (به همین دلیل نمی فهمند،) و غافلان (واقعی)

همانها هستند.

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۰۸)

بی تردید آنها در آخرت زیانکارند.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۰۹)

اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن، (به

ایمان بازگشتند و) هجرت کردند. سپس جهاد نمودند و (در راه خدا) استقامت ورزیدند. پروردگارت، پس از این (امور)،

آمرزنده و مهربان است.

ص: ۲۷۹

□ يَوْمَ تَأْتِي كُلَّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۱۰)

(به یاد آور) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است. و تنها) به دفاع از خود برمی خیزد. و نتیجه اعمال هر کسی، بی کم و کاست، به او داده می شود. و به آنها ستم نخواهد شد.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ آمَنَهُمْ مُطْمَئِنِّتَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۱۱)

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند،) مثلی

زده است: سرزمینی که امن و آرام بود. و همواره روزیش از هر جا می رسید. اما نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند. و خداوند بخاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشانید.

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۱۲)

پیامبری از خودشان به سراغ

آنها آمد، ولی او را تکذیب کردند.

از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ستمکار بودند.

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۱۳)

پس، از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خدا به

شما روزی داده است بخورید. و شکر نعمت خدا را به جا آورید اگر او را می پرستید.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ □ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۴)

خداوند، تنها مردار، خون،

گوشت خوک

و حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده، بر شما حرام کرده است. اما کسی که ناچار شود،

در صورتی که ستمکار و متجاوز نباشد، (خدا او را می بخشد. چرا که) خدا آمرزنده

و مهربان است.

وَلَمَّا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتَفْتُرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ □ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۱۵)

بخاطر دروغی که بر زبانتان جاری می شود نگوئید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا

بندید. به یقین کسانی که به خدا افترا می بندند، رستگار نخواهند شد!

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱۶)

بهره کمی است (که در این دنیا نصیبشان

می شود). و عذاب دردناکی در انتظار آنان است!

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ □ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۷)

چیزهایی را که پیش از این برای تو شرح داده ایم، بر یهود حرام

کردیم. ما به آنها ستم نکردیم، اما آنها بودند که به خودشان ستم می کردند.

ص: ۲۸۰

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّوْءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱۸)

اما پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، کار بدی انجام داده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران و اصلاح برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۱۹)

ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا. خالی از هر

گونه انحراف.

و از مشرکان نبود.

شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ □ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۲۰)

شکرگزار نعمتهای او بود. خدا او را برگزید. و به راهی راست هدایت نمود.

وَآيَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ □ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۲۱)

ما در دنیا به او

پاداش نیکویی دادیم. و در آخرت از صالحان است.

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا □ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۲)

سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم — که ایمانی

خالص داشت

و از مشرکان نبود — پیروی کن.

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ □ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۲۳)

(تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) یک مجازات بود، که در آن هم اختلاف کردند. و

پروردگارت روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می کند.

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ □ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ □ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ □ وَهُوَ

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۲۴)

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت

دعوت نما.

و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است. و او هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ □ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ (۱۲۵)

و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها همان گونه که به

شما تعدی شده کیفر دهید. و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است.

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ □ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۱۲۶)

شکیبایی کن،

و شکیبایی تو فقط برای خدا (و به توفیق خدا) باشد. و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و (دلسرد) مشو. و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (۱۲۷)

زیرا خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند، و کسانی که نیکوکارند.

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۲۸)

(نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمان ها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشته گان، برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند.

ص: ۲۸۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا
 إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان پاک و منزّه است آن کس که بنده اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجدالأقصی _ که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم _ برد، تا برخی از نشانه های خود را به او ارائه دهیم. چرا که او شنوا و بیناست.

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا (۲)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم.

و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم. (و گفتیم:) غیر مرا تکیه گاه خود قرار ندهید.

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (۳)

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید).

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا (۴)

ما به بنی اسرائیل در کتاب آسمانی اعلام کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود.

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (۵)

هنگامی که نخستین وعده فرارسد، گروهی از بندگان پیکار جوی خود را بر ضد شما بر می انگیزیم تا (شما را سخت در هم کوبند. حتی برای به دست آوردن مجرمان)، درون خانه ها را جستجو کنند. و این وعده ای است قطعی.

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرْهَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

سپس شما را بار دیگر بر آنها چیره می کنیم. و شما را بوسیله اموال و فرزندان کمک خواهیم کرد.

و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.

إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْنَا لَأَنفُسِكُمْ وَإِن أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ لِيُسْوَءُوا وَجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 وَلِيَبْتَرُوا مَا عَلَوْا تَبِيرًا (۷)

(و به آنها گفتیم:) اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید. و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید. و هنگامی که وعده آخر فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در چهره شما ظاهر می شود. و آنها داخل

مسجد (الاقصى) می شوند همان گونه که بار اول وارد شدند. و آنچه را زیر سلطه (خود) می گیرند، درهم کوبیده و نابود می کنند.

ص: ۲۸۲

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم ۖ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا ۖ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (۸)

امید است پروردگارتان بر شما رحمت آورد. و اگر برگردید، ما هم باز می گردیم. و جهنم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (۹)

این قرآن، به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می کند. و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است.

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۰)

و این که آنها که به سرای دیگر ایمان نمی آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته ایم.

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ۖ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۱۱)

انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدیها را طلب می کند آن گونه که نیکیها را می طلبد. و انسان، همیشه عجول بوده است!

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ ۚ فَمَحْوَنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عِيدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ فَضَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (۱۲)

ما شب و روز را دو نشانه (عظمت و رحمت خود) قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی بخش ساختم تا (در پرتو آن)، فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش برای زندگی برخیزید)، و عدد سالها و حساب را بدانید. و هر چیزی را بطور مشخص (و آشکاره)، بیان کردیم.

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۚ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳)

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم. و روز قیامت، نامه (اعمالش را) برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می بیند.

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۴)

(و به او می گوئیم:) نامه (اعمال) خود را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابرس خویش باشی!

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۵)

هر کس هدایت شود، به نفع خود هدایت می یابد. و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه می شود. و هیچ گنهکاری

بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد. و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آن که پیامبری مبعوث کنیم. (تا وظایفشان را بیان کند).

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا (۱۶)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» [= ثروتمندان مست ثروت] آن جا، بیان می داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت در هم می کوبیم.

وَكَمَّ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ □ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۱۷)

چه بسیار اقوامی را که بعد از نوح، می زیستند (طبق همین سنت) هلاک کردیم.

و کافی است که پروردگارت نسبت به گناهان بندگانش آگاه، و بیناست.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا (۱۸)

هر کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار را که بخواهیم به هر کس اراده کنیم، می‌دهیم. سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است.

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (۱۹)

و هر کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند، در حالی که ایمان داشته باشد، چنین کسانی سعی و تلاش آنها، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد.

كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۗ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰)

هر یک از این دو گروه را (به اندازه شایستگی آنها) از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم. و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است.

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (۲۱)

بین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم. درجات آخرت مهم تر و برتریهایش، (از این هم) بیشتر است.

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعَدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا (۲۲)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی ماند.

ۗ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۗ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳)

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید. و به پدر

و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار. و بر آنها فریاد مزن. و گفتار (لطیف و سنجیده) و بزرگووارانه به آنها بگو.

وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبُّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۲۴)

و پر و بال تواضع خویش را از روی محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر. و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.»

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ۖ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا (۲۵)

پروردگار شما از درون دلهایتان آگاهتر است. (هرگاه لغزشی در این زمینه داشتید) اگر صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت کنندگان را می آمرزد.

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (۲۶)

و حق خویشاوندان را پرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را. و هرگز اسراف و تبذیر مکن،

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲۷)

چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند. و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود.

وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا (۲۸)

و هر گاه از آنان [= مستمندان] آروى برتابى، و انتظار رحمت (و نعمت) پروردگارت را داشته باشى، (تا توانایى یابى و به آنها کمک کنى) با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو.

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (۲۹)

هر گز دستت را بر گردنت بسته مگذار، (و ترك انفاق و بخشش منما)

و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، که مورد سرزنش قرار گیرى و از کار فرومانى.

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۖ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۳۰)

به یقین، پروردگارت روزى را برای هر کس بخواهد، گشاده یا محدود مى دارد. به یقین او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست.

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَةً إِمْلَاقٍ ۖ نَّحْنُ نَنْزُرُهُمْ وَإِذَا كُفِرْتُمْ بِهِمْ كَانُوا خَطِيئَةً كَبِيرًا (۳۱)

و فرزندانتان را از ترس فقر، به قتل نرسانید. ما آنها و شما را روزى مى دهیم. به یقین کشتن آنها گناه بزرگى است!

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْنَا ۖ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۳۲)

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و راه بدى است!

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۖ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ۖ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا (۳۳)

و كسى را كه خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحقّ به قتل نرسانید. و آن كس كه مظلوم كشته شده، برای ولیش سلطه (و حقّ قصاص) قرار دادیم. اما در قتل زیاده روى نکنند، چرا كه او مورد حمایت است.

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۖ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ ۖ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (۳۴)

و به مال یتیم، جز به بهترین طریق نزدیک نشوید، تا به سر حدّ بلوغ رسد. و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال مى شود.

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۖ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۳۵)

و هنگامى كه (چیزی را برای معامله) پیمانانه مى کنید، حقّ پیمانانه را ادا نمایید، و با ترازوى درست وزن کنید. این (کار) بهتر، و عاقبتش نیکوتر است.

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳۶)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن. چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (۳۷)

و بر زمین، با تکبر راه مرو. تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی، و طول قامت هرگز به کوهها نمی رسد.

كُلُّ دَلِيلٍ ۚ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۳۸)

همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است.

ص: ۲۸۵

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمِ ۚ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (۳۹)

این (احکام)، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده. و هرگز معبود دیگری با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می شوی، در حالی که سرزنش شده،

و رانده (در گاه خدا) خواهی بود.

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ۚ إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (۴۰)

آیا پروردگارتان پسران را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار ناروایی) می گوئید!

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۱)

ما در این قرآن، حقایق را به صورت های گوناگون بیان کردیم تا متذکر شوند. ولی (کوردلان)، جز بر نفرتشان نمی افزاید.

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَأَبْتَعُوا إِلَيَّ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (۴۲)

بگو: «اگر آنچنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند (و بر او غالب شوند).»

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوقًا كَبِيرًا (۴۳)

او منزه و برتر است از آنچه آنها می گویند. بسیار برتر و والاتر!

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۴)

آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می گویند. و هیچ موجودی نیست، جز آنکه، تسبیح

و حمد او می گوید. ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید. او دارای حلم و آمرزنده است.

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (۴۵)

و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب ناپیدایی قرار می دهیم.

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا (۴۶)

و بر دل‌هایشان (به سبب بی‌ایمانی و لجابت) پوشش‌هایی می‌نهد، تا آن را نفهمند. و در گوش‌هایشان سنگینی قرار می‌دهیم. و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها با حال نفرت پشت می‌کنند و از تورو بر می‌گردانند.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ ۖ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۴۷)

هنگامی که به سخنان تو گوش فرا می‌دهند،

ما بهتر می‌دانیم برای چه گوش فرا می‌دهند. (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می‌کنند. آنگاه که ستمکاران می‌گویند: «شما تنها از مردی افسون شده، پیروی می‌کنید.»

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۴۸)

بین چگونه برای تو مثلها زدند. در نتیجه گمراه شدند، و نمی‌توانند راه حق را پیدا کنند.

وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَوَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۴۹)

و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوان‌های پوسیده و پراکنده‌ای شدیم، دگر بار با آفرینش تازه‌ای برانگیخته خواهیم شد؟!»

□ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (۵۰)

بگو: «شما سنگ باشید یا آهن،

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ □ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا □ قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ □ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ □ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا (۵۱)

یا هر مخلوقی که در نظر شما، بزرگ است،

(باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند). آنها بزودی می گویند: «چه کسی ما را باز می گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.» آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار،) به سوی تو خم می کنند و می گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیک باشد!

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۵۲)

همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرا می خواند. شما هم اجابت می کنید در حالی که حمد او را می گوید. و می پندارید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده اید.

وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ □ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ □ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا (۵۳)

به، بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین (سخن) باشد.» چرا که شیطان (به وسیله سخنان ناروا) میان آنها فتنه و فساد می کند. زیرا (همیشه) شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است.

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ □ إِنَّ يَسَاءَ يَوْحَظِكُمْ أَوْ إِنَّ يَسَاءُ يُعَذِّبُكُمْ □ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۵۴)

پروردگار شما، از (نیات و اعمال) شما آگاهتر است. اگر بخواهد (و شایسته باشید)، شما را مشمول رحمت خود می سازد. و اگر بخواهد، مجازات می کند. و ما تو را بعنوان مأمور بر آنان نفرستاده ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی.)

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ □ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۵۵)

پروردگار تو، از (حال همه) کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاهتر است. و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، به خاطر شایستگی توست.) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم. و به داود، «زبور» بخشیدیم.

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (۵۶)

بگو: «کسانی را که غیر از او (معبود خود) می پندارید، بخوانید! آنها نه می توانند زبانی را از شما برطرف سازند، و نه هیچ تغییری در آن ایجاد کنند.»

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا
(۵۷)

کسانی را که آنان (به عنوان معبود) می خوانند، خودشان وسیله ای (برای تقرب) به پروردگارشان می جویند، وسیله ای هر چه نزدیکتر. و به رحمت او امیدوارند. و از عذاب او می ترسند. چرا که عذاب پروردگارت، همواره هراسناک است!

وَإِنْ مِّنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۵۸)

هیچ شهر و آبادی نیست مگر این که آن را پیش از روز قیامت هلاک می کنیم. یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت. این، در کتاب (علم الهی) ثبت شده است.

ص: ۲۸۷

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ □ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا □ وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (٥٩)

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (در خواستی بهانه جویان) را بفرستیم جز این که پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند)، آن را تکذیب کردند. (از جمله)، ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم. در حالی که (معجزه ای) روشنگر بود. اما بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می فرستیم.

وَإِذْ قُلْنَا لِمَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ □ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ □ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (٦٠)

(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه (و آگاهی کامل) به مردم دارد.

و رؤیایی را که به تو نشان دادیم و درخت نفرین شده را که در قرآن ذکر کرده ایم، فقط برای آزمایش مردم بود. و ما آنها را بیم می دهیم. اما جز طغیان شدید، چیزی بر آنها نمی افزاید!»

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (٦١)

(به یاد آور) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از گل آفریده ای؟!»

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ لَأُنْزِلَنَّ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَأَخْتِنُكَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (٦٢)

(سپس) گفت: «آیا خبر می دهی، این کسی را که بر من برتری داده ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندان او را، جز اندکی از ایشان، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت.»

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (٦٣)

فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفری کامل برای شماست!

وَاسْتَفْزِرُ مِنْهُمْ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصُوتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ □ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (٦٤)

هر کدام از آنها را می توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار. و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی. و آنان را با وعده ها سرگرم ساز! _ ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده ای به آنها نمی دهد _

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ □ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (٦٥)

اما (بدان) تو هرگز سلطه ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها به دام تو گرفتار نمی شوند)! همین بس که پروردگارت حافظ

آنهاست.»

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ □ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۶۶)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد، تا از فضل و موهبت او بهره مند شوید. به یقین او نسبت به شما مهربان است.

ص: ۲۸۸

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا ۖ فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۖ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (٦٧)

و هنگامی که در دریا زیان (و ناراحتی) به شما رسید، تمام کسانی را که جز او (برای حل مشکلات خود)، می خواندید، از نظرتان گم شد، اما هنگامی که شما را به خشکی رساند و نجات داد، روی گردان شدید. وانسان، بسیار ناسپاس است.

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخَسِّفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (٦٨)

آیا از این ایمن شدید که در خشکی (با یک زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و مدفوتان کند)، سپس حافظ (و یآوری) برای خود نیابید؟!

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى ۖ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ۖ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (٦٩)

یا این که ایمن شدید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده ای بر شما بفرستد، و شما را به سزای ناسپاسیتان غرق کند، آنگاه فریادرسی در برابر ما برای خویش نیابید؟!

ۖ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (٧٠)

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. و آنها را در صحرا

و دریا، (بر مرکبهای راهوار) سوار کردیم. و از نعمتهای پاکیزه به آنان روزی دادیم. و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ۖ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِتِيلًا (٧١)

(به یاد آور) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم. کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند. و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ ۖ وَأَضَلُّ سَبِيلًا (٧٢)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است،

در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است.

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ ۖ وَإِذَا لَاتَخَذُوكَ حَلِيلًا (٧٣)

نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه های خود)

از آنچه بر تو وحی کرده ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی. و آنگاه تو را به دوستی خودبرمی گزینند.

وَلَوْلَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ كِدْتُمْ تَزُكُّنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (۷۴)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود اندکی به آنان تمایل پیدا کنی.

إِذَا لَأَذْفُنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (۷۵)

اگر چنین می کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات آنها) را بعد از مرگ، به تو می چشاندیم. سپس در برابر ما، یآوری برای خود نمی یافتی.

ص: ۲۸۹

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُوا مِنْكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا □ وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (٧٦)

و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) جایگاه تو را در این سرزمین سست ساخته، تا از آن بیرونت کنند. و هر گاه چنین می کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده، و) پس از تو، جز مدت کمی باقی نمی ماندند.

سُنَّه مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا □ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (٧٧)

این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم. و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ □ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (٧٨)

نماز را از زوال خورشید [= هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار. و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را. چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (٧٩)

و پاسی از شب را از خواب برخیز، و قرآن (و نماز) بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (٨٠)

و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز.

و از سوی خود، حاجتی یاری کننده برایم قرار ده.»

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ □ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (٨١)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد. زیرا باطل نابود شدنی است.»

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ □ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (٨٢)

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل می کنیم. ولی ستمکاران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید.

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ □ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (٨٣)

هنگامی که به انسان (مغرور) نعمت می بخشیم، (از حق) روی می گرداند و متکبرانه دور می شود. و هنگامی که بدی به او می رسد، (از همه چیز) مأیوس می گردد.

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ لِسَبِيلٍ (۸۴)

بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند. و پروردگارتان کسانی را که راهشان هدایت بخش تر است، بهتر می شناسد.»

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۚ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (۸۵)

واز تو درباره «روح» سؤال می کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است. و از علم و دانش، جز اندکی به شما داده نشده است.»

وَلَئِنْ شِئْنَا لَنُدْهِبَنَّ بِالَّذِي أُوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (۸۶)

و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی فرستاده ایم، از یادت می بریم. سپس کسی را نمی یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند.

ص: ۲۹۰

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ □ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (۸۷)

مگر رحمتی از سوی پروردگارت (شامل حالت گردد)، که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است.

قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸)

بگو: «اگر انس و جن دست به دست هم دهند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد. هر چند (در این کار) پشتیبان یکدیگر باشند.»

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹)

ما در این قرآن، به صورت های گوناگون برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است). اما بیشتر مردم جز کفر و انکار را، ابا داشتند.

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَبُوعًا (۹۰)

و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا این که چشمه جوشانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی،

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (۹۱)

یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد. و در لابه لای آن نهرها جاری سازی،

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتِ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَيْلًا (۹۲)

یا قطعات (سنگهای) آسمان را آنچنان که می پنداری، بر سر ما فرود آری. یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری،

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرَفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِزُخْرَفِكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ □ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (۹۳)

یا برای تو خانه ای (پر نقش و نگار) از طلا باشد. یا به آسمان بالا روی.

و حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی آوریم مگر آن که نامه ای (از سوی خدا) بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم.»
بگو: «منزه است پروردگرم (از این سخنان بی معنا)! مگر من جز انسانی فرستاده (از سوی خدا) هستم؟!»

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ □ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا (۹۴)

تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت، مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود که (از روی نادانی و بی خبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!»

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (۹۵)

بگو: «(آری) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام بر می داشتند، ما فرشته ای را از آسمان بعنوان رسول، بر آنها می فرستادیم.» (چرا که رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد).

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۖ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۹۶)

بگو: «همین بس که خداوند، میان من و شما گواه باشد. چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.»

ص: ۲۹۱

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ □ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ □ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلِيًّا □ وَجُوهِهِمْ عُمِيًّا □ وَبُكْمًا □ وَصُمًّا □
 مَا أَوْاهُمْ جَهَنَّمَ □ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست. و کسانی را که (به سبب اعمالشان) گمراه سازد، سرپرستانی (هدایت کننده) غیر خدا برای آنها نخواهی یافت. و روز قیامت، آنها را بر صورت‌هایشان محشور می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کرند. جایگاهشان دوزخ است. هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله سوزانی بر آنان می‌افزایم!

□
 ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۹۸)

این کیفر آنهاست، بخاطر این که نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوان‌های پوسیده و خاک‌های پراکنده ای شدیم، آیا بار دیگر آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!»

□ أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَيَّ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۹۹)

آیا نمی‌دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی _ که شکی در آن نیست _ قرار داده. اما ستمکاران، جز کفر و انکار را ابا داشتند.

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ □ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (۱۰۰)

بگو: «اگر شما مالک خزاین رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک می‌کردید، مبادا انفاق، مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ □ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا (۱۰۱)

ما به موسیٰ نه معجزه روشن دادیم. پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که (موسیٰ) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟ فرعون به او گفت: «ای موسیٰ! گمان می‌کنم تو افسون شده ای.»

□ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (۱۰۲)

(موسیٰ) گفت: «تو می‌دانی این معجزات را جز پروردگار آسمانها و زمین نفرستاده. در حالی که مایه روشنی دلهاست و من گمان

می‌کنم ای فرعون، تو (بزودی) هلاک خواهی شد!»

فَأَرَادَ أَنْ يَنْفِرَ مِنْهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ جَمِيعًا (۱۰۳)

پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین براند. ولی ما، او و تمام کسانی را که با او بودند، غرق کردیم.

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (۱۰۴)

و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین ساکن شوید. اما هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می آوریم.»

ص: ۲۹۲

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۖ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۱۰۵)

و ما آن [قرآن] را بحق نازل کردیم. و بحق نازل شد. و تو را، جز بشارت دهنده و بیم دهنده، نفرستادیم.

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (۱۰۶)

و قرآنی (بر تو نازل کردیم) که (آیات) آن را از هم جدا کردیم، تا آن را به تدریج و با آرامش بر مردم بخوانی. و به یقین آن را ما نازل کردیم.

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا ۖ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (۱۰۷)

بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، یا نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می شود، سجده کنان به خاک می افتند،»

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (۱۰۸)

و می گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده اش به یقین انجام شدنی است.»

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۖ (۱۰۹)

آنها (بی اختیار) به خاک می افتند و گریه می کنند. و (این آیات، همواره) بر خشوعشان می افزاید.

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ ۖ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۖ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بَصِيحَاتِكُمْ ۖ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۱۰)

بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است. و) بهترین نامها برای اوست. و نمازت را زیاد بلند، یا زیاد آهسته نخوان. و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن.

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّلِّ ۖ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا (۱۱۱)

و بگو: «حمد

و ستایش مخصوص خداوندی است که نه فرزندی اختیار کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست.» و او را بسیار بزرگ بشمار.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا □ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حمد مخصوص خدایی است که این کتاب را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد.

فَيَمَّا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

در حالی که پایدار و بر پا دارنده (دیگر کتب آسمانی) است. تا از جانب او (بدکاران را) از عذاب شدیدی بترساند. و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست.

مَا كَثِيرٌ فِيهِ أُبَدًا (۳)

(همان بهشت برین) که جاودانه در آن خواهند ماند.

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۴)

و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی اختیار کرده است»، انذار کند.

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ □ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ □ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۵)

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان. سخن بزرگی از دهانشان خارج می شود! آنها فقط دروغ می گویند!

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (۶)

گویی می خواهی، خود را به خاطر اعمال آنها از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند!

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدام یک دارای بهترین عمل هستند.

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸)

(ولی این زیورها پایدار نیست)، وما (سرانجام) آنچه را بر روی زمین است خاک بی حاصلی قرار می دهیم.

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (۹)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت انگیز ما بودند؟!

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰)

زمانی را (به خاطر بیاور) که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! از سوی خودت رحمتی به ما عطا کن، و از

کار (فرو بسته) ما راه نجاتی بر ایمان فراهم ساز.»

فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۱)

ما (پرده خواب را) سالیانی دراز در آن غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند.

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحَزِينِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا (۱۲)

سپس آنان را برانگیختیم تا آشکار گردد که کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر احصا کرده اند.

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ □ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى (۱۳)

ما داستان آنان را به درستی برای تو بازگو می کنیم. آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان

افزودیم.

□
وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا □ لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (۱۴)

و به دل‌هایشان نیرو بخشیدیم در آن هنگام که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است. هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم. که اگر چنین کنیم، سخنی بگزار گفته ایم.»

﴿هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً ۚ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (۱۵)

این قوم ما هستند که معبودهایی جز او انتخاب کرده‌اند. چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟!»

ص: ۲۹۴

وَإِذِ اعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا (۱۶)

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستند کناره گیری کردید،

به غار پناه برید. که پروردگارتان رحمتش را بر شما می گستراند. و در کارتوان، آرامشی برای شما فراهم می سازد.

□
□ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوِهِ مَنَّهُ □ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ □ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ □ وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (۱۷)

و (اگر در آن جا بودی) خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می گردد. و به هنگام غروب، به سمت چپ. و آنها در فراخنایی از آن (غار) قرار داشتند. این از نشانه های خداست. هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست. و هر کس را گمراه نماید، هرگز سرپرست و راهنمایی برای او نخواهی یافت.

□ وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ □ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ □ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ □ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلَمْتَ مِنْهُمْ رُعبًا (۱۸)

و (اگر به آنها نگاه می کردی) آنها را بیدار می پنداشتی. در حالی که در خواب فرو رفته بودند. و ما آنها را به سمت راست و چپ می گرداندیم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها (مانند نگهبان) دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود. اگر از حال آنان آگاه می شدی، از آنان می گریختی. و تمام وجودت را وحشت فرا می گرفت!

□ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ □ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ □ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ □ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (۱۹)

این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند. یکی از آنها گفت: «چه مدّت در خواب بوده اید؟» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز.» (و چون نتوانستند مدّت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگارتان از مدّت خوابتان آگاهتر است. اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه ای که دارید به شهر بفرستید، پس بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه تری دارند،

و مقداری از آن را برای روزی شما بیاورد. اما باید مراقب باشید، و هیچ کس را از وضع شما باخبر نسازد.

□ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (۲۰)

زیرا اگر آنان به شما دسترسی پیدا کنند، سنگسارتان می کنند. یا شما را به آیین خویش باز می گردانند. و در آن صورت، هیچگاه روی رستگاری را نخواهید دید.»

وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعَلِّمُوا أَنْ وَعِدَ اللَّهُ حَقًّا وَأَنَّ السَّاعَةَ لَمَّا رَبِّبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ □ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا □ رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ □ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (۲۱)

و اینچنین مردم را از حال آنها آگاه کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است. و در قیام قیامت شکی نیست. (و به یاد آور) هنگامی را که (مردم) میان خود درباره کار آنها نزاع داشتند، گروهی می گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا از نظرها پنهان شوند که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است.» ولی کسانی که از راز آنها آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما عبادتگاهی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).»

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسِيَهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ □ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ □ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ □ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

به زودی گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود.» _ و گروهی می گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» _ در حالی که اینها سخنانی بی دلیل است _

و گروهی می گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است.» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو. و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن.

□ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (۲۳)

و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می دهم»،

□ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ □ وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۴)

مگر این که خدا بخواهد.

و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور. و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشن تر از این هدایت کند.»

□ وَلِبُثْوَا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (۲۵)

آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز) بر آن افزودند.

□ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا □ لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ أَبْصَرُ بِهِ وَأَسْمِعُ □ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ □ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (۲۶)

بگو: «خداوند از مدت درنگ آنها آگاهتر است. غیب آسمانها و زمین تنها از آن اوست. خداوند چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند. و او هیچ کس را در حکومت خود شریک نمی دهد.»

وَأْتَلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۖ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۷)

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن. هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی سازد. و هرگز پناهگاهی جز او نمی یابی.

ص: ۲۹۶

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (۲۸)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و شام می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند. و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برنگیر. و از کسانی که قلبشان را از یادمان غافل ساختیم و از هوای نفس پیروی کردند، و کارشان افراطی است، اطاعت مکن.

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۖ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۖ وَإِن يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ ۖ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (۲۹)

بگو: «حق از سوی پروردگارتان برای شما آمده است! هر کس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می خواهد کافر گردد.» ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سرا پرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است. و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می آورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می کند. چه نوشیدنی بدی، و چه اجتماع ناپسندی!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۳۰)

به طور مسلم کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، (به آنها پاداش نیک می دهیم) به یقین ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِن أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۖ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۳۱)

آنها کسانی هستند که برای آنان باغهای جاویدان بهشتی است. که نهرها از پای درختان و قصرهایش جاری است. در آن جا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند. و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازک

و ضخیم، در بر می کنند. در حالی که در آنجا بر تختها تکیه کرده اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی!

وَاصْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِّنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا (۳۲)

(ای پیامبر!) برای آنان مثلی بزن: دو مردی، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم. و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم. و در میان آن دو، کشتزاری (پر برکت) قرار دادیم.

كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا ۖ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا (۳۳)

هر دو باغ، به ثمر نشسته بود، و چیزی از آن فروگذار نکرده بود. و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم.

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (۳۴)

و برای او، درآمد فراوانی داشت. پس به دوستش _ در حالی که با او گفتگو می کرد _ گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرت نیرومندترم.»

ص: ۲۹۷

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (۳۵)

و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «باور نمی کنم هرگز این باغ نابود شود.

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا (۳۶)

و باور نمی کنم قیامت برپا گردد. و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم (و قیامتی در کار باشد)، جایگاهی بهتر از این جا خواهم یافت.»

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (۳۷)

دوست (باایمان) وی _ در حالی که با او گفتگو می کرد _ گفت: «آیا به کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! □

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (۳۸)

ولی من کسی هستم که خدای یگانه، پروردگار من است. و هیچ کس را همتای پروردگارم قرار نمی دهم.

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ □ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (۳۹)

چرا هنگامی که وارد باغ شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست. و اگر می بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم!

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا (۴۰)

امید است پروردگارم بهتر از باغ تو، به من بدهد.

و مجازات حساب شده ای از آسمان بر باغ تو فرو فرستد، بگونه ای که آن را به زمین بی گیاهی مبدل کند.

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (۴۱)

و یا آب آن (در زمین) فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی به آن دست یابی.»

وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأُصْبِحَ يُقَلَّبُ فِيهَا عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِبَةٌ عَلَىٰ غُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (۴۲)

(سرانجام عذاب الهی فرا رسید)، و میوه های آن نابود شد. و او بخاطر هزینه هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دستهایش را به هم می مالید در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود. و می گفت: «ای کاش هیچ کس را همتای پروردگارم قرار نداده بودم!»

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةً يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (۴۳)

و گروهی نداشت که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهند. و کاری هم از دستش ساخته نبود.

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ □ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (۴۴)

در آن جا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است. اوست که برترین ثواب، و بهترین فرجام را (برای مطیعان) دارد.

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۴۵)

(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم. و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می شود و) درهم فرو می رود. اما (بعد از مدتی) می خشکد. به گونه ای که بادهای آن را به هر سو پراکنده می کند. و خداوند بر همه چیز تواناست.

ص: ۲۹۸

الْمَالِ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (۴۶)

اموال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست. و باقیات صالحات [= آثار ماندگار شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است.

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَا هُمْ فَلَمَّ نُعَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا (۴۷)

و روزی را (به خاطر بیاور) که کوهها را به حرکت درآوریم. و زمین را آشکارا (و هموار) می بینی. و همه مردم را محشور می کنیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد.

وَعُرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ □ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا (۴۸)

آنها در یک صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می شوند. (و به آنان گفته می شود): همگی نزد ما آمدید، آن گونه که نخستین بار شما را آفریدیم. اما شما گمان کردید که ما هرگز موعدی برایتان قرار نخواهیم داد.

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لِمَا يُعَادِرُ صَٰغِيرَهُ وَلَا كَبِيرَهُ إِلَّا أَحْصَاهَا □
وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَٰضِرًا □ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۴۹)

و نامه اعمال (آنها) در آن جا گذارده می شود، پس گنهکاران را می بینی در حالی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند. و می گویند: «ای وای بر ما! این چه نامه ای است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فروگذار نمی کند مگر این که آن را احصا کرده است؟!» و (این در حالی است که همه) اعمال خود را حاضر می بینند. و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ □ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ □ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (۵۰)

و (به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس _ که از جن بود _ و از فرمان پروردگارش بیرون شد. آیا (با این حال)، او و فرزندانش را به جای من به سرپرستی انتخاب می کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟!

چه جایگزین بدی است برای ستمکاران!

□ مَا أَشْهَدُتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱)

هرگز آنها [= ابلیس و فرزندانش] را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، و نه به هنگام آفرینش خودشان، حاضر نساختم.

و هیچ گاه گمراه کنندگان را دستیار خود قرار نمی دادم.

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (۵۲)

(به خاطر بیاورید) روزی را که (خداوند) می گوید: «همتایانی را که برای من می پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بشتابند!)» ولی هرچه آنها را می خوانند، جوابشان نمی دهند. و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرار داده ایم.

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (۵۳)

و گنهکاران، آتش (دوزخ) را می بینند. و یقین می کنند که در آن گرفتار می شوند. و هیچ گونه راه گریزی از آن نخواهند یافت.

ص: ۲۹۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴)

و به یقین در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده ایم. ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد.

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ ۖ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (۵۵)

و چیزی مردم را باز نداشت از این که _ وقتی هدایت به سراغشان آمد _ ایمان بیاورند و از پروردگارش طلب آمرزش کنند، جزاین که (خیره سری کردند. گویی می خواستند) به سرنوشت پیشینان دچار شوند، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ ۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۶)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکر داده شد، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دلهای آنها

(به سبب اعمالشان) پرده هایی افکنده ایم تا نفهمند. و در گوشهایشان سنگینی قرار داده ایم. (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی شوند.

وَرُبُّكَ الْعُفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ۚ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۷)

و پروردگارت، آمرزنده و دارای رحمت است. اگر می خواست آنان را بخاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هرچه زودتر برای آنها می فرستاد. ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت.

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ ۚ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (۵۸)

این شهرها

و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم. و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم. (آنها را با چشم می بینند، ولی عبرت نمی گیرند.)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرِحْ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُمْبًا (۵۹)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به یار همسفرش گفت: «دست (از جستجو) بر نمی دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم. هر چند مدّت طولانی به راه خود ادامه دهم.»

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (۶۰)

(ولی) هنگامی که به محل تلاقی دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند. و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت.

ص: ۳۰۰

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (۶۱)

هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذایمان را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده ایم!»

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُبُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ □ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (۶۲)

گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد و ماهی به طرز شگفت آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!»

□
قَالَ ذَلِكُمْ مَا كُنَّا نَبْغُ □ فَازْتَدَّا عَلَيَّ آثَارِهِمَا قَصَصًا (۶۳)

(موسی) گفت: «آن همان بود که ما می خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی جویی می کردند.

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (۶۴)

و (در آن جا) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَيَّ أَنْ تَعْلَمَ مِنْ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا (۶۵)

موسی به او گفت: «آیا (اجازه می دهی)

از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟»

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۶۶)

گفت: «تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی!

وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَيَّ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (۶۷)

و چگونه می توانی در برابر چیزی که از رموز آگاه نیستی شکیبا باشی؟!»

قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (۶۸)

(موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت. و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو را نخواهم کرد.»

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (۶۹)

(خضر) گفت: «پس اگر می خواهی به دنبال من بیایی، از من چیزی میپرس تا خودم (به موقع، راز) آن را برای تو بازگو کنم.»

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِمْرًا (۷۰)

آن دو به راه افتادند. تا آن که سوار کشتی شدند، (خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «آیا آن را سوراخ کردی که اهل کشتی را غرق کنی؟! راستی چه کار ناپسندی انجام دادی!»

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۱)

گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی؟!»

قَالَ لَا تَأْخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۲)

(موسی) گفت: «مرا بخاطر فراموشکاریم مؤاخذه مکن و به سبب این کارم بر من سخت مگیر.»

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتُمْ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا نُكْرًا (۷۳)

باز به راه خود ادامه دادند، تا این که جوانی را دیدند. و او آن جوان را کشت. (موسی) گفت: «آیا انسان پاکی را، بی آن که کسی را به قتل رسانده باشد، کُشتی؟! براستی کار زشتی انجام دادی!»

□ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۴)

(خضر) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی؟!»

□ قَالَ إِنْ سَأَلْتَكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي □ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا (۷۵)

(موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من مصاحبت نکن. (زیرا) از ناحیه من معذور خواهی بود.»

□ فَاَنْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَوْمِهِ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ □ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۶)

باز به راه خود ادامه دادند تا به اهل شهری رسیدند. از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند. ولی آنان از پذیرایی آن دو خودداری نمودند. (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد. و (خضر) آن را برپاداشت. (موسی) گفت: «(لااقل) اگر می خواستی در مقابل این کار مزدی می گرفتی.»

□ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ □ سَأْتُوكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (۷۷)

او گفت: «اینک جدایی من و تو فرارسیده. اما بزودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می دهم.

□ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (۷۸)

اما آن کشتی برای گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می کردند. و من خواستم آن را معیوب کنم. (چراکه) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را بزور می گرفت.

□ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۷۹)

و اما آن جوان، پدر و مادرش باایمان بودند. و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد.

□ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَوَةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (۸۰)

از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت تر به آن دو بدهد.

□ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْرِبَ تَخْرُجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ □ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي □ ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (۸۱)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود.

و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت. و پدرشان مرد صالحی بود. و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را بیرون آوردند. این رحمتی از پروردگارت بود. و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم. این بود راز آنچه نتوانستی در برابر آن شکیبایی کنی.»

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ □ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (۸۲)

و از تو درباره «ذوالقرنین» می پرسند. بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.»

ص: ۳۰۲

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۳)

ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم. و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم.

فَاتَّبَعَ سَبَبًا (۸۴)

او از این اسباب، پیروی (و استفاده) کرد،

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجِدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا □ قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۵)

تا هنگامی که به غروبگاه آفتاب رسید. (در آن جا) چنان به نظرش آمد که خورشید در چشمه تیره و گل آلودی غروب می کند. و در آن جا قومی را یافت. گفتیم: «ای ذوالقرنین! یا (آنان را) مجازات می کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب می نمایی.»

قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا (۸۶)

گفت: «اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد. سپس به سوی پروردگارش باز گردانده می شود، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد!»

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءٌ الْحُسْنَىٰ □ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۷)

و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت. و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.»

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا (۸۸)

سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت،

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا (۸۹)

تا زمانی که به خاستگاه خورشید رسید. (در آن جا) دید خورشید بر جمعیتی طلوع می کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم. (و سایانی نداشتند).

□
كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (۹۰)

(آری) اینچنین بود (کار ذوالقرنین)! و ما بخوبی بر آنچه نزد او بود احاطه داشتیم.

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا (۹۱)

(باز) از اسباب مهمی (که در اختیار داشت) استفاده کرد.

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۲)

(و همچنان به راه خود ادامه داد) تا هنگامی که به میان دو کوه رسید. و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود).

قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَيَّ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۳)

(آن گروه با اشاره به او) گفتند: «ای ذوالقرنین! (قوم) یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می کنند. آیا ممکن است ما هزینه ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟!»

قَالَ مَا مَكْنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (۹۴)

ذوالقرنین گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتراست.

(از آنچه شما پیشنهاد می کنید. کافی است) مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما

و آنها سدّ محکمی قراردهم.

آتُونِي زُبْرَ الْحَدِيدِ □ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا □ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا (۹۵)

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و روی هم بچینید).» تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و در آن) بدمید.» (آنها دمیدند) تا آتش، قطعات آهن را سرخ کرد، گفت: (اکنون) «مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم (و شکافهای آن را پر کنم).»

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (۹۶)

(سرانجام چنان سدی ساخت) که آنها [= طایفه یاجوج و ماجوج] قادر نبودند از آن بالا روند. و نمی توانستند سوراخی در آن ایجاد کنند.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي □ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ □ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۷)

(آنگاه) گفت: «این رحمتی از جانب پروردگار من است. و هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را درهم می کوبد. و وعده پروردگارم حق است.»

□ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ □ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (۹۸)

و در آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که در هم موج می زنند. و در صور [= شیپور] دمیده می شود. و ما آنها را کاملاً جمع می کنیم.

وَعرضْنَا جهنمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۹۹)

و در آن روز، جهنم را بر کافران آشکارا عرضه می داریم.

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (۱۰۰)

همان کسانی که پرده ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند.

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ □ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (۱۰۱)

آیا کافران پنداشتند می توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۲)

بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟»

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۳)

همان کسانی که سعی و تلاششان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده. در حالی که، می پندارند کار نیک انجام می دهند.»

□ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا (۱۰۴)

آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند. به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد. از این رو روز قیامت، میزانی برای (سنجش اعمال) آنها برپا نخواهیم کرد.

□ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا (۱۰۵)

(آری،) این گونه است! کیفرشان دوزخ است، بخاطر آن که کافر شدند، و آیات من و پیامبرانم را به استهزا گرفتند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (۱۰۶)

(اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (۱۰۷)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند.

و هرگز خواهان نقل مکان از آن جا نیستند.

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۰۸)

بگو: «اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریا پایان می گیرد. پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد. هر چند همانند آن (دریا) را کمک آن قرار دهیم.»

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۚ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۰۹)

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما. (ولی) به من وحی می شود که معبودتان، تنها معبود یگانه است. پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.»

وَمَا نُزِّلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ ۚ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (۱۱۰)

ماپیامبران را، جز به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود)، حق را به وسیله آن از میان بردارند. و آیات ما، و مجازات هایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَهيعص (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان كهيعص.

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (۲)

(این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده اش زکریا،

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳)

در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) خواند.

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۴)

گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده. و شعله پیری سرم را فراگرفته. و من هرگز در دعای تو ای پروردگار من، از اجابت محروم

نبوده ام.

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (۵)

و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم

(که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند). و در حالی که همسرم نازا و عقیم است. تو از نزد خود جانشینی به من ببخش،

يَرْثِنِي وَيَرْثِ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۚ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶)

که وارث من و وارث دودمان یعقوب باشد. و او را ای پروردگار من

مورد رضایت خود قرار ده.»

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا (۷)

ای زکریا! ما تو را به پسری بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است. و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده ایم.

قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸)

گفت: «پروردگارا! چگونه برای من پیری

خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازاست، و من نیز به سبب پیری ناتوان شده ام!»

□
قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (۹)

فرمود: «این گونه است. پروردگارت گفته این کار بر من آسان است. و قبلاً تو را آفریدم در حالی که چیزی

نبودی!»

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً □ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰)

عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم با مردم را نخواهی داشت. در حالی که سالم هستی.»

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۱)

او از

محراب عبادت به سوی مردم بیرون آمد. و با اشاره به آنها گفت:

«(به شکرانه این موهبت،) صبح و شام (خدا را) تسبیح گوید.»

ص: ۳۰۵

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ۖ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲)

ای یحیی! کتاب الهی را باقوت بگیر. و ما در کودکی فرمان (نبوت) به او دادیم!

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳)

و محبت و پاکی (روح) از ناحیه خود به او بخشیدیم، و او پرهیزگار بود!

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۴)

و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود. و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود.

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۱۵)

سلام بر او، روزی که تولد یافت، و روزی که

می میرد، و روزی که زنده برانگیخته می شود!

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶)

و مریم را در این کتاب یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش در ناحیه شرقی (بیت المقدس) کناره گرفت.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)

و میان خود و آنان حجابی افکند.

(تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح (و فرشته مقرب) خود را به سوی او فرستادیم.

و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد.

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ ۖ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (۱۸)

(مریم سخت ترسید و) گفت: «اگر خدا ترس هستی، من از تو، به خدای رحمان پناه می برم».

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹)

گفت:

«من تنها فرستاده پروردگار توام. (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم.»

قَالَتْ أَنْتِي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰)

گفت: «چگونه ممکن است پسری برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن

آلوده ای نبوده ام!»

□
قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ □ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا □ وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا (۲۱)

گفت: «این گونه پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است. (ما او را می آفرینیم) تا او را برای مردم نشانه ای قرار دهیم. و رحمتی باشد از سوی ما. و این امری است

پایان یافته (و گفتگو ندارد).»

□ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲)

سرانجام (مریم) به او [= عیسی] باردار شد. و او را به نقطه دور دستی برد.

□ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا (۲۳)

درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند. (آن قدر ناراحت شد که)

گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم، و کاملاً فراموش شده بودم!»

□ فَادَّأَهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا (۲۴)

ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است.

□ وَهَزَى إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا حَلِيًّا (۲۵)

و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، تا رطب تازه ای بر تو فرو ریزد.

فَكَلِمَىٰ وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۖ فَإِمَّا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (۲۶)

پس (از این غذای لذیذ و آب گوارا) بخور و بنوش. و چشمت (به فرزندت) روشن باد!

و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه ای نذر کرده ام. بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نمی گویم. (و بدان که این نوزاد از تو دفاع خواهد

کرد.)»

فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۖ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۲۷)

(مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد. گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی!

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا (۲۸)

ای خواهر هارون!

نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدک —اره ای!»

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۖ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (۲۹)

(مریم) به او اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!»

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (۳۰)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و)

گفت: «من بنده خدایم. او کتاب آسمانی به من داده. و مرا پیامبر قرار داده است.

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (۳۱)

و هر جا که باشم مرا وجودی پربرکت قرار داده. و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (۳۲)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده. و جبار و عصیانگر قرار نداده است.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (۳۳)

و سلام (خدا) بر من، روزی که متولد شدم، و روزی که می میرم، و روزی که زنده برانگیخته خواهم

شدم!

□
ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ □ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۳۴)

این است عیسی پسر مریم. گفتار حقی که در آن تردید می کنند.

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ □ سُبْحَانَهُ □ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۳۵)

هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند. منزّه است او! هرگاه امری را اراده کند، تنها به آن می

گوید: «موجود باش!» بی درنگ موجود می شود.

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ □ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۳۶)

و (عیسی گفت:) خداوند، پروردگار من

و پروردگار شماست. او را پرستش کنید. این است راه راست.

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ □ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۳۷)

ولی (بعد از او) گروههایی از میان آنها اختلاف کردند. پس وای به حال کسانی که کافر شدند از حضور روز بزرگ
(رستاخیز)!

□
أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا □ لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۳۸)

روزی که نزد ما می آیند، چه گوشهای شنوا و چه چشمهای بینایی پیدا می کنند! ولی این ستمکاران امروز در گمراهی
آشکارند.

ص: ۳۰۷

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۹)

آنان را از روز حسرت [=روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است] بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می یابد. ولی (امروز) آنها در غفلتند و ایمان نمی آورند.

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۴۰)

ما، زمین و تمام

کسانی را که روی آن هستند، به ارث می بریم. و همگی به سوی ما بازگردانده می شوند.

وَإِذْ كُذِّبَ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ □ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (۴۱)

در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او پیامبری بسیار راستگو بود.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا (۴۲)

هنگامی که به پدرش

گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می پرستی که نه می شنود، و نه می بیند، و نه هیچ نیازی را از تو برطرف می سازد؟!»

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (۴۳)

ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است. بنابراین از من

پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم.

يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ الشَّيْطَانَ □ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴)

ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، نافرمان بود.

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)

ای پدر! من از این می ترسم که از سوی خداوند رحمان

عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!»

قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ □ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجَمَنَّكَ □ وَهَجَرْنِي مَلِيًّا (۴۶)

گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟! اگر (از این کار) دست برنداری، تو را سنگسار می‌کنم.

و برای مدتی طولانی از من دور شو!»

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ ۖ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي ۖ إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (۴۷)

(ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگارت برای تو آمرزش می‌طلبم. چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است.

وَأَعْتَرْتُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ ۖ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۴۸)

و از شما، و

آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم. و پروردگارت را می‌خوانم. و امیدوارم در خواندن پروردگارت محروم و بی‌پاسخ نمانم!»

فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹)

هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستیدند

کناره‌گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم. و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم.

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰)

و از رحمت خود به آنان عطا کردیم. و برای آنها نام نیک و مقام برجسته‌ای (در میان همه امتها)

قرار دادیم.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ ۖ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۱)

و در این کتاب از موسی یاد کن، که او خالص شده و رسول و پیامبر (والامقامی) بود.

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (۵۲)

ما او را از جانب راست (کوه) طور فرا خواندیم. و (همچون) نجوا کننده او را (به خود) نزدیک ساختیم.

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳)

و ما از رحمت خود، برادرش هارون را _ که پیامبر بود _ به او بخشیدیم.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ □ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۴)

و در این کتاب

از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده اش صادق،

و رسول و پیامبری (بزرگ) بود.

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵)

او همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد. و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ □ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (۵۶)

و در این کتاب، از ادريس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و

پیامبر (بزرگی) بود.

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۵۷)

و ما او را به مقام والایی رساندیم.

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا □
إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا □ (۵۸)

آنها پیامبرانی بودند از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح (برکشتی) سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که

هدایت کردیم و برگزیدیم، کسانی که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، هنگامی که آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان

بودند.

□ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ □ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۵۹)

امّا پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای جای آنها را گرفتند که نماز را تباه کرده، و از شهوات پیروی نمودند. و بزودی (مجازات) گمراهی (خود) را خواهند دید!

□ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۶۰)

مگر آنان که توبه کنند،

و ایمان بیاورند، و کاری شایسته انجام دهند. چنین کسانی داخل بهشت می شوند،

و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد.

□ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ □ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱)

باغهای جاویدان بهشتی که خداوند رحمان بندگان را به آنوعده داده است، هرچند آن را ندیده اند. به یقین وعده خدا تحقق یافتنی است.

□ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا □ وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۶۲)

در آن

جا هرگز گفتار لغو و بیهوده ای نمی شنوند. و جز سلام در آن جا سخنی نیست. و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت آماده است.

□ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (۶۳)

این همان بهشتی است که به بندگان ما که پرهیزگار

باشند، به ارث می دهیم.

□ وَمَا نَنْزَلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ □ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ □ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴)

(پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز به فرمان پروردگار تو، نازل نمی شویم. آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان آن است، همه از

آن اوست.

و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست).

ص: ۳۰۹

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ □ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)

اوست پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد. او را پرستش کن،

و در عبادتش شکبیا باش. آیا همنام و مانندی برای او می دانی؟!

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۶۶)

انسان می گوید: «آیا هنگامی که مُردم، پس از آن، زنده (از قبر) بیرون آورده می شوم؟!»

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (۶۷)

آیا انسان به خاطر نمی آورد

که ما پیش از این، او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟!

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۶۸)

به پروردگارت سوگند که همه آنها را همراه با شیاطین (در قیامت) جمع می کنیم. سپس آنان را _ در حالی که به زانو درآمده اند _ گرداگرد جهنم حاضر می سازیم.

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِيبًا (۶۹)

سپس

از پیروان هر گروهی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش تر بوده اند، جدا می کنیم.

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا (۷۰)

سپس ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاهتریم.

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا □ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (۷۱)

و همه

شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید. این امر، نزد پروردگارت، حتمی و پایان یافته است.

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲)

سپس کسانی را که تقوا پیشه کردند (از آن) رهایی می بخشیم. و ستمکاران را- در حالی که

به زانو درآمده اند _ در آن رها می سازیم.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (۷۳)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می شود، کافران به مؤمنان می گویند: «کدام یک از (ما) دو گروه جایگاهش بهتر، و محفل انشش

زیباتر است؟!»

وَكَم أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَوْمٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِثِيًّا (۷۴)

چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان

و هم ظاهرشان از آنها بهتر بود.

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مِيدًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا (۷۵)

بگو: «آنها که در گمراهی بوده اند، باید خداوند به آنها مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا مجازات (این دنیا)،

یا (عذاب) قیامت را! (و به زودی) خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!»

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۚ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا (۷۶)

و کسانی که پذیرای هدایت شوند، خداوند بر هدایتشان می افزاید. و آثار ماندگار

شایسته ای که (از انسان) باقی می ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش نیکوتر است.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا (٧٧)

آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: «ثروت و فرزند فراوانی به من داده خواهد شد»؟!

أَطَّلَعَ الْغَيْبِ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (٧٨)

آیا او از غیب آگاه گشته، یا نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی گرفته است؟!

كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (٧٩)

هرگز

چنین نیست! ما بزودی آنچه را می گوید می نویسیم و عذاب را برای او مستمر می سازیم!

وَنُرِيهِ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (٨٠)

آنچه را او می گوید (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می بریم، و تنها نزد ما خواهد آمد.

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (٨١)

و آنان

غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد. (چه پندار خامی!)

كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (٨٢)

هرگز چنین نیست! بزودی (معبودهایشان) منکر عبادت آنان خواهند شد. و بر ضد آنها گواهی می دهند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا (٨٣)

آیا ندیدی که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟!

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (٨٤)

پس درباره آنان شتاب مکن. ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره می کنیم.

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (٨٥)

در آن روز که

پرهیزگاران را به صورت گروهی به سوی خداوند رحمان (و پاداش های او) محشور می کنیم.

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (۸۶)

و مجرمان را تشنه کام (همچون شترانی که به طرف آب گاه می روند) به سوی جهنم می رانیم.

لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷)

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند. مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی گرفته است.

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (۸۸)

و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی اختیار کرده است».

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا (۸۹)

راستی مطلب زشت و

زنده ای گفتید!

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (۹۰)

نزدیک است به سبب این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوهها به شدت فرو ریزد.

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (۹۱)

از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند!

وَمَا يَتَّبِعِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲)

در حالی که سزاوار نیست خداوند رحمان، فرزندی اختیار کند!

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۹۳)

تمام کسانی که در آسمانها

و زمین هستند، تنها به سوی خداوند رحمان می آیند در حالی که بنده اویند.

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۹۴)

خداوند همه آنها را احصا کرده، و کاملاً شمارش کرده است.

وَ كُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا (۹۵)

و همگی روز رستاخیز، تک و تنها نزد او حاضر

می شوند.

ص: ۳۱۱

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)

به یقین کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی خداوند رحمان محبتی برای آنان (در دلها) قرار می دهد!

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (۹۷)

و ما فقط قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم برای آنکه

پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و گروه دشمنان سرسخت را با آن انداز کنی.

وَكَمَ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَوْمٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸)

چه بسیار اقوام (بی ایمان و گنهکاری) را که پیش از آنان هلاک کردیم. آیا (اثری) از هیچیک از آنها

احساس می کنی؟! یا کمترین صدایی از آنان می شنوی؟!

۲۰- سوره طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان طه.

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۲)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را سخت به زحمت بیفکنی!

إِلَّا تَذَكَّرَهُ لِّمَن يَخْشَى (۳)

آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می ترسند نازل ساختیم.

تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (۴)

(این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است.

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (۵)

همان بخشنده ای که بر عرش مسلط است.

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (٦)

از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک (پنهان) است.

وَإِنْ تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (٧)

اگر آشکارا سخن بگویی (یا پنهان)، او اسرار پنهانی و پنهان تر از آن را نیز می داند.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (٨)

او خداوندی یگانه است که معبودی جز او نیست. و نیکوترین نامها از آن اوست.

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (٩)

و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى (١٠)

هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «(اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم. شاید شعله ای از آن برای شما بیاورم. یا بوسیله این آتش راهی پیدا کنم.»

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى (١١)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: ای موسی!

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ □ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (١٢)

من پروردگار تو هستم. کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی.

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ (۱۳)

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم. اکنون به آنچه (بر تو) وحی می شود، گوش فرا ده.

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (۱۴)

منم خداوند یگانه. معبودی جز من نیست. مرا پرستش کن، و نماز را برای یاد من بپادار.

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ (۱۵)

به یقین قیامت خواهد آمد. می خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود.

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَزِدِي (۱۶)

پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند، تو را از آن باز دارد. که هلاک خواهی شد!

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ (۱۷)

و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟!

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ (۱۸)

گفت: «این عصای من است. بر آن تکیه می کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می ریزم. و من در آن منافع دیگری نیز دارم.»

قَالَ أَلْقَاهَا يَا مُوسَىٰ (۱۹)

گفت: «ای موسی! آن را بیفکن.»

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيْهٌ تَسْعَىٰ (۲۰)

پس موسی آن (عصا) را افکند

و ناگهان ازدهایی شد که به هر سو می شتافت.

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَحْزَنْ ۗ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ (۲۱)

گفت: «آن را بگیر و نترس، به زودی آن را به صورت اولش باز می گردانیم.»

وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةٌ أُخْرَىٰ ۗ (۲۲)

و دستت را به گریبان‌ت ببر، تا سفید

و بی عیب بیرون آید. این معجزه دیگری (از سوی خداوند) است.

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ (۲۳)

تا (به این صورت) از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم.

اِذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۲۴)

(اینک) به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵)

(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن.

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶)

و کارم را برایم آسان گردان.

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي (۲۷)

و گره از زبانم بگشای.

يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۸)

تا سخن مرا بفهمند.

وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (۲۹)

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده،

هَارُونَ أَخِي (۳۰)

برادرم هارون را.

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي (۳۱)

با او پشتم را محکم کن.

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي (۳۲)

و او را در کارم شریک ساز.

كَئِنِّي نُسَبِّحُكَ كَثِيرًا (۳۳)

تا تو را بسیار تسبیح گوئیم.

وَنَذْكُرُكَ كَثِيرًا (۳۴)

و تو را بسیار یاد کنیم.

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا (۳۵)

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده ای!

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى (۳۶)

فرمود: «ای موسی! خواسته ات به تو داده شد.

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى (۳۷)

و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساخته بودیم»،

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ (۳۸)

آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم.

أَنِ أَفْذِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَفْذِيهِ فِي الْيَمِّ فَأَلْقِيهِ الْيَمِّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذُهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ ۖ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي (۳۹)

که: «او را در صندوقی بیفکن،

و آن را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند. تا کسی که هم دشمن من و هم دشمن اوست، آن را برگردد.» و من محبتی از خودم بر تو افکنم، تا تحت مراقبت من پرورش یابی.

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَيْلٌ أَدُلُّكُمْ عَلَيَّ مَن يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدَرًا يَا مُوسَىٰ (۴۰)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می رفت

و گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت کند (و دایه خوبی برای او باشد)؟!» پس تو را به مادرت بازگرداندم، تا چشمش (به تو) روشن شود. و غمگین نگردد. و تو کسی (از فرعونیان) را کشتی. اما ما تو را از اندوه (تعقیب فرعونیان) نجات دادیم. و بارها تو را آزمودیم. پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی. سپس بنا بر تقدیر الهی (برای فرمان رسالت به این جا) آمدی.

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي (۴۱)

و من تو را برای خودم پرورش دادم.

أَذْهَبَ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَبَيِّنَا فِي ذِكْرِي (۴۲)

(اکنون) تو و برادرت با نشانه های من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید.

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۴۳)

به سوی فرعون بروید. که او طغیان کرده است.

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۴۴)

و به نرمی با او سخن بگوئید. شاید متذکر شود، یا (از مجازات الهی) بترسد.

قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْعَنَ ﴿٤٥﴾

(موسی و هارون) گفتند: «پروردگارا! از این می ترسیم که به ما مهلت ندهد یا طغیان کند

(و نپذیرد)!»

قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿٤٦﴾

فرمود: «نترسید! من با شما هستم. (همه چیز را) می شنوم

و می بینم.»

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ اتَّبَعِ الْهُدَى ﴿٤٧﴾

به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم. بنی اسرائیل را با ما بفرست. و آنان را شکنجه و آزار مکن. ما با نشانه (و معجزه روشنی) از سوی پروردگارت به سوی تو آمده ایم. و درود بر آن کس که از هدایت پیروی کند!

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَيَّ مِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٤٨﴾

به ما وحی شده که مجازات الهی بر کسی است که (آیات او را) تکذیب کند و سرپیچی نماید.»

قَالَ فَمَنْ رُبُّكُمْ يَا مُوسَى ﴿٤٩﴾

(فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!»

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿٥٠﴾

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده. سپس هدایت کرده است.»

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿٥١﴾

گفت: «تکلیف اقوام پیشین (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!»

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ □ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى (۵۲)

گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است. پروردگارم هرگز گمراه نمی شود، و فراموش نمی کند.»

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى □ (۵۳)

همان خداوندی که زمین را برای شما محلّ آسایش قرار داد. و راههایی برای شما در آن ایجاد کرد. و از آسمان، آبی فرستاد که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم.

كُلُوا وَارْزَعُوا أَنْعَمْنَا كُمْ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى □ (۵۴)

(از آن) بخورید.

و چهارپایانتان را در آن به چرا برید. به یقین در اینها نشانه های روشنی برای خردمندان است.

□ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى □ (۵۵)

ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم. و به آن باز می گردانیم.

و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم.

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى □ (۵۶)

ما همه نشانه های خود را به او نشان دادیم. اما او تکذیب کرد و سرباز زد.

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى □ (۵۷)

گفت: «ای موسی! آیا آمده ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی!؟»

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلَفُهُ نَعْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى □ (۵۸)

به یقین ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلف نکنیم. در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد.»

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى □ (۵۹)

(موسی) گفت: «وعده گاهتان روز عید است. (به شرط این که همه) مردم، هنگامی که روز، بالا می آید، جمع شوند!»

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى □ (۶۰)

فرعون آن مجلس را ترک گفت. و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد. و سپس آمد.

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيَسْحِتِكُمْ بِعَذَابٍ ۚ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ (۶۱)

موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی (بزرگ) نابود می سازد. و هرکس که (بر خدا) دروغ ببندد، نوید می شود!»

فَتَنَّا زَعُورًا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَىٰ (۶۲)

آنها در میان خود، در مورد کارشان به نزاع برخاستند. و پنهانی به نجوا پرداختند.

قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَىٰ (۶۳)

گفتند: «به یقین اینها دو نفر ساحرند که می خواهند با سحرشان شما را از سرزمیتان بیرون کنند و راه و رسم شایسته شما را از بین ببرند.»

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوا صَفًّا ۚ وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعَالَیٰ (۶۴)

اکنون که چنین است، تمام تدبیر و نقشه خود را جمع کنید، و در یک صف (به میدان مبارزه) بیایید.

و امروز رستگاری از آن کسی است که برتری یابد.»

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ (۶۵)

(ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (عصای خود را) بیفکن، یا ما کسانی باشیم که اوّل بیفکنیم؟!»

قَالَ بَلْ أَلْقُوا ۚ فَإِذَا حِجَابُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ (۶۶)

گفت: «شما اوّل بیفکنید!» پس در آن هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می رسید که حرکت می کنند!

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ (۶۷)

موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد (مبادا مردم گمراه شوند).

قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ (۶۸)

گفتیم: «ترس! به یقین تو (پیروز و) برتری.

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا ۚ إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ ۚ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ (۶۹)

و آنچه را در دست راست خود داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته اند می بلعد! آنچه ساخته اند حيله ساحر است. و ساحر هر جا آید رستگار نخواهد شد.»

فَأَلْقَى السَّحْرَهُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ (۷۰)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را آنها ساخته بودند بلعد.) ساحران به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.»

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۚ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۚ فَلَمَّا قَطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصِبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ (۷۱)

(فرعون) گفت: «پیش از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! به طور مسلم او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می کنم. و شما را از تنه های نخل به دار می آویزم. و خواهید دانست مجازات کدام یک از ما شدیدتر و پایدارتر است!»

قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا ۚ فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ ۚ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۷۲)

گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، ترجیح نخواهیم داد. هر حکمی می خواهی بکن. تو تنها در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی.

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ □ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى □ (۷۳)

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی بیامزد. و (پاداش) خدا بهتر و پایدارتر است!

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى □ (۷۴)

هرکس در محضر پروردگارش حاضر شود در حالی که مجرم است، آتش دوزخ برای اوست. در آن جا، نه می میرد و نه زندگی می کند!

□
وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى □ (۷۵)

و هرکس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی دارند،

□
جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا □ وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى □ (۷۶)

باغهای جاویدان بهشتی، که نهرها از پای درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند بود. این است پاداش کسی که خود را تزکیه نماید.

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ (٧٧)

ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانہ بندگانم را (از مصر) با (خود) حرکت ده. و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا. که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه (از غرق شدن در دریا) به هراس می افتی.»

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (٧٨)

(به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را تعقیب کردند. و (امواج خروشان) دریا آنان را بطور کامل پوشانید.

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ (٧٩)

فرعون قوم خود را گمراه ساخت. و هرگز هدایت نکرد!

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ (٨٠)

ای بنی اسرائیل! ما شما را از (چنگال) دشمنتان نجات دادیم. و در جانب راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم. و «من»

[= نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی» [= پرندۀ ای مانند بلدرچین] بر شما نازل کردیم.

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۖ وَمَنْ يَحِلُّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ (٨١)

بخورید از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم. و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هرکس غضبم بر او وارد شود، هلاک خواهد شد.

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ (٨٢)

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم.

ۖ وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ (٨٣)

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی!؟

قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلِيٍّ أَثْرَىٰ وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ (٨٤)

گفت: «پروردگارا! آنان در پی منند. و من به سوی تو شتاب کردم، تا خشنود شوی.»

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (٨٥)

فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت.»

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسِينًا ۚ أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي (۸۶)

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت

و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت (جدایی من از) شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که از وعده من تخلف کردید؟!»

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أُوزَارًا ۚ مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ (۸۷)

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم. بلکه مقداری از زیورهای قوم (فرعون) را (که با خود داشتیم) افکندیم.»

و سامری این چنین القا کرد،

ص: ۳۱۷

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ (۸۸)

و برای آنان مجسمه گوساله ای که صدایی همچون صدای گوساله داشت پدید آورد.

و گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است.» و او (حقیقت را) فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود).

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۸۹)

آیا نمی دیدند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی دهد، و مالک هیچ گونه سود و زیانی برای آنها نیست؟!

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ □ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي (۹۰)

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما فقط به وسیله آن مورد آزمایش قرار گرفته اید.

و پروردگار شما خداوند رحمان است. پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید.»

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ □ (۹۱)

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می مانیم (و آن را پرستش می کنیم) تا موسی به سوی ما باز گردد.»

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (۹۲)

(هنگامی که موسی بازگشت)، گفت: «ای هارون! هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند، چه چیز مانع بود

أَلَّا تَتَّبِعَنِ □ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۹۳)

که از من پیروی کنی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!»

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي □ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (۹۴)

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! (ای برادر!) ریش و سر مرا مگیر! زیرا من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا مراعات نکردی.»

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «، تو چرا این کار را کردی ای سامری؟!»

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَهُ مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي □ (۹۶)

گفت: «من چیزی دیدم که آنها آن را ندیدند. من قسمتی از آثار (و در پای) فرستاده (خدا، جبرئیل) را گرفتم، سپس آن را (در درون گوساله) افکندم، و این کاری بود که (هوای) نفس من در نظرم جلوه داد.»

قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ □ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ □ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا □ لَنْحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

(موسی) گفت: «برو، که مجازات تو در زندگی دنیا این است که (به مردم) بگویی «با من تماس نگیرید!» و تو میعاد (از عذاب خدا) داری، که هرگز از آن تخلف نخواهد شد. (اکنون) به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی. بنگر که آن را می سوزانیم. سپس تمام ذرات آن را به دریا می پاشیم.

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۹۸)

معبود شما تنها خداوند یگانه است که جز او هیچ معبودی نیست. و علم او همه چیز را فرا گرفته است.»

كَذَلِكَ نُقَصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ □ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا (۹۹)

این گونه از اخبار پیشین برای تو بازگو می کنیم. و ما از نزد خود، ذکری [=قرآن] به تو دادیم.

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (۱۰۰)

هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه) بر دوش خواهد داشت!

خَالِدِينَ فِيهِ □ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (۱۰۱)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند. و بد باری است برای آنها در روز قیامت!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ □ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (۱۰۲)

روزی که در «صور» دمیده می شود. و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می کنیم!

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (۱۰۳)

آنها آهسته با هم گفتگو می کنند. (بعضی می گویند: شما فقط ده روز (در عالم برزخ) درنگ کردید.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (۱۰۴)

ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، هنگامی که نیکو روش ترین آنها می گوید: «شما تنها یک روز درنگ کردید.»

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۱۰۵)

و از تو درباره کوه ها سؤال می کنند. بگو: «(در پایان جهان) پروردگارم آنها را به کلی (متلاشی کرده) بر باد می دهد!

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۱۰۶)

سپس زمین را صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می سازد،

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (۱۰۷)

در آن، هیچ پستی و بلندی نمی بینی.»

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۱۰۸)

در آن روز، شفاعت (هیچ کس) سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و از گفتار او راضی است.

يَعْلَمَ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (۱۰۹)

خداوند آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته اند می داند. در حالی که آنها به او احاطه علمی ندارند.

□ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ □ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (۱۱۰)

و (در آن روز) همه چهره ها در برابر خداوند زنده پاینده، خاضع می شود. و آن که بار ستمی بر دوش دارد، مأیوس (و زیان کار) است.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۱۱۱)

(اما) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی می ترسد، و نه از کمبود (حقش).

□
وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۲)

و این گونه آن را قرآنی عربی (و فصیح و گویا) نازل کردیم، و انواع وعیدها (و اندازها) را در آن بازگو نمودیم، شاید آن تقوا پیشه کنند. یا برایشان سبب یادآوری شود.

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ □ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ □ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (۱۱۳)

پس بلند مرتبه است خداوندی که فرمانروای حقیقی است! و (ای پیامبر) نسبت به (تلاوت) قرآن، پیش از آن که وحی آن بر تو تمام شود، شتاب مکن. و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن.»

وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِبْرَاهِيمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (۱۱۴)

و پیش از این، از آدم پیمان (اطاعت) گرفته بودیم. اما او فراموش کرد. و عزم استواری برای او نیافتیم.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (۱۱۵)

و (به یاد آور) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» همگی سجده کردند. جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد).

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (۱۱۶)

پس گفتیم: «ای آدم! این دشمن تو و (دشمن) همسر توست. مبادا شما را از بهشت بیرون کند. که به زحمت و رنج خواهی افتاد!

إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى (۱۱۷)

زیرا تو در بهشت (در آسایشی و) گرسنه و برهنه نخواهی شد.

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى (۱۱۸)

و در آن تشنه نمی شوی،

و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد.»

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ □ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (۱۱۹)

سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتی آنها فرو ریخت)، و عورتشان آشکار گشت و از برگهای (درختان) بهشتی برای پوشاندن خود جامه دوختند. (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و (از پاداش او و ماندن در بهشت) محروم شد.

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى (۱۲۰)

سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه اش را پذیرفت، و (او را) هدایت نمود.

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا ۚ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلَّ وَلَا يُشَقِّقَ ۚ (۱۲۱)

(خداوند) فرمود: «همگی شما از بهشت خارج شوید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود. ولی هرگاه هدایتی از سوی من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند،

نه گمراه می شود، و نه در رنج خواهد بود.

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ۚ (۱۲۲)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت. و روز قیامت، او را نابینا محسور می کنیم.»

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (۱۲۳)

می گوید: «پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی؟! من که بینا بودم!»

ص: ۳۲۰

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ۖ (۱۲۴)

می فرماید: «همان گونه که آیات ما برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی. همان طور امروز تو فراموش خواهی شد.»

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ۖ (۱۲۵)

و این گونه کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد، جزا می دهیم! و عذاب آخرت، شدیدتر و ماندگارتر است.

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ۖ (۱۲۶)

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از اقوام پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، در حالی که اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می روند؟! به یقین در این امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است.

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ (۱۲۷)

و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و اجل مقرر (آنها) نبود، مجازات الهی دامان آنان را می گرفت!

فَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ۖ (۱۲۸)

پس در برابر آنچه می گویند، صبر کن؛ و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن، تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور؛ و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛ باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی.

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۖ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۖ (۱۲۹)

و هرگز چشمان خود را به مواهب مادی، که به گروههایی از آنان داده ایم، مدوز. اینها گلهای (ناپایدار) زندگی دنیاست. تا آنان را در آن بیازماییم. و روزی پروردگارت بهتر و ماندگارتر است.

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۖ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۖ (۱۳۰)

خانواده خود را به نماز دستور ده. و بر انجام آن شکیبا باش. ما از تو روزی نمی خواهیم. (بلکه) ما به تو روزی می دهیم. و عاقبت نیک در (سایه) تقواست.

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۖ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۖ (۱۳۱)

و (گروهی از آنها) گفتند: «چرا (پیامبر) نشانه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟!» (بگو): آیا خبرهای روشنی که در کتابهای آسمانی پیشین بوده، برای آنها نیامد؟!»

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ وَنَخْزِيَ ﴿١٣٢﴾

اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند: «پروردگارا! چرا پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم، پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم؟!»

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبُّصُوا ﴿ فَسَتَعْلَمُونَ ﴾ مِّنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿١٣٣﴾

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم. (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما.) پس انتظار بکشید! اما بزودی خواهید دانست چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!»

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَأَ عِوَجَ لَهُ ﴿ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴾ (١٣٤)

در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (وهمگی از قبرها برمی خیزند)؛ و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی.

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى ﴿١٣٥﴾

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: (ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟!)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند!

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۲)

هیچ یادآوری تازه ای از سوی پروردگارشان برای آنها نمی آید، مگر آن که آن را می شنوند در حالی که سرگرم بازی اند!

لَاهِيَهُ قُلُوبُهُمْ □ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ □ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۳)

و دل‌هایشان در بی خبری فرو رفته است. و ستمکاران پنهانی نجوا کردند (و گفتند): «آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می روید، در حالی که (چشم دارید و) می بینید؟!»

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ □ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۴)

(پیامبر) گفت: «پروردگرم هر سخنی را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می داند. و او شنوا

و داناست.»

بَلْ قَالُوا أَضْعَافٌ أُخْلَامٌ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ (۵)

آنها گفتند: «آنچه محمد آورده وحی نیست. بلکه خوابهایی آشفته است. اصلاً آن را بدروغ به خدا بسته. بلکه او یک شاعر است. (اگر راست می گوید) باید معجزه ای برای ما بیاورد. همان گونه که پیامبران پیشین (با معجزات) فرستاده شدند.»

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَوْمٍ أَهْلَكْنَاهَا □ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (۶)

تمام آبادیهایی که پیش از اینها هلاک کردیم (به معجزات پیامبرانشان) ایمان نیاوردند. آیا اینها ایمان می آورند؟!

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ □ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷)

ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، نفرستادیم. (همه انسان بودند) اگر نمی دانید، از آگاهان پرسید.

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (۸)

آنان را پیکرهایی که غذا نمی خوردند قرار ندادیم و عمر جاویدان هم نداشتند.

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۹)

سپس وعده ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم. آنها و هر کس را که می خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم. و مسرفان را هلاک نمودیم!

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰)

ما بر شما کتابی نازل کردیم که تذکر (و بیداری) شما در آن است. آیا نمی اندیشید!؟

ص: ۳۲۲

وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۱۱)

چه بسیار آبادیهای ستمکاری را که در هم شکستیم. و بعد از آنها، قوم دیگری آفریدیم.

فَلَمَّا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ (۱۲)

هنگامی که (نزدیک شدن) عذاب ما را احساس کردند، ناگهان از (ترس) آن فرار کردند.

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (۱۳)

(گفتیم): فرار نکنید. و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای

(پر زرق و برق) خود باز گردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم باز گردانید)!

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۱۴)

گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمکار بودیم.»

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (۱۵)

و همچنان این سخن را تکرار می کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۱۶)

ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست به بازی (و بی هدف) نیافریدیم.

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَهَوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷)

(به فرض محال) اگر می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می کردیم. اگر اهل این کار بودیم.

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۚ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

بلکه ما حق را بر باطل می کوبیم و آن را هلاک می سازد. و این گونه، باطل محو و نابود می شود. و وای بر شما از وصفی که می کنید!

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۱۹)

واز آن اوست هر کس که در آسمانها و زمین است. و کسانی که نزد اویند [=فرشتگان] هیچ گاه از عبادتش استکبار نمیورزند، و هرگز خسته نمی شوند.

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۰)

شب و روز، او را تسبیح می گویند. و هرگز سست نمی شوند.

أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ (۲۱)

آیا آنها معبودانی از زمین برگزیدند که (خلق می کنند و) منتشر می سازند؟!

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۖ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

(در حالی که) اگر در آسمان و زمین، جز خداوند یگانه، خدایان دیگری بود، نظام جهان به هم می خورد. منزّه است خداوند پروردگار عرش (و جهان هستی)، از آنچه وصف می کنند!

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ (۲۳)

از آنچه انجام می دهد بازخواست نمی شود، در حالی که آنان بازخواست می شوند!

أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً ۖ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ۖ هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعِيَ وَذِكْرٌ مِّن قَبْلِي ۖ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ ۖ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ (۲۴)

آیا آنها معبودانی جز او برگزیدند؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید. این سخن کسانی است که با من همراهی دارند، و سخن کسانی [= پیامبرانی] است که پیش از من بودند.» اما بیشتر آنها حق را نمی دانند. و به همین دلیل (از آن) روی گردانند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (۲۵)

ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم که: «هیچ معبودی جز من نیست. پس فقط مرا پرستش کنید.»

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا □ سُبْحَانَهُ □ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ (۲۶)

آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی (برای خود) انتخاب کرده است». او منزّه است، بلکه (فرشتگان) بندگان شایسته اویند.

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (۲۷)

هیچ گاه در سخن بر او پیشی نمی گیرند. و (پیوسته) به فرمان او عمل می کنند.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى □ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ (۲۸)

آنچه پیش رو و پشت سر آنهاست [= گذشته و آینده آنان] را می داند. و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند. و از ترس او بیمناکند.

□ وَمَنْ يُقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكِ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ □ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۲۹)

و هر کس از آنها بگوید: «من معبودی جز او هستم»، او را با (عذاب) دوزخ کیفر می دهیم! و این گونه ستمکاران را کیفر خواهیم داد.

أُولَئِكَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا □ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ □ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر جدا ساختیم. و هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم؟! آیا ایمان نمی آورند!؟

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۱)

و در زمین، کوههای استواری قرار دادیم، مبادا آنان را بلرزاند! و در آن، دره ها و راههایی قرار دادیم تا راه یابند.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا □ وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

و آسمان را سقف (محکم) و محفوظی قرار دادیم. ولی آنها از نشانه های آن (بر عظمت خدا) روی گردانند.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ □ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳)

او کسی است که شب و روز

و خورشید و ماه را آفرید. در حالی که هر یک در مداری شناورند.

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ □ أَفَإِن مَّتَّ فَهَمُّ الْخَالِدُونَ (۳۴)

و پیش از تو (نیز) برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم. آیا اگر تو بمیری، آنان (که انتظار مرگ تو را می کشند) جاوید خواهند بود؟!؟

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ □ وَنَبَلُّوكم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً □ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۳۵)

هر انسانی طعم مرگ را می چشد. و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می کنیم. و به سوی ما بازگردانده می شوید.

ص: ۳۲۴

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذًا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ كَافِرُونَ (۳۶)

هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند. (و می گویند):

آیا این همان کسی است که معبودهای شما را نکوهش می کند؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می کنند.

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ □ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۳۷)

(گرچه) انسان از عجله آفریده شده. ولی با عجله چیزی از من نخواهید. بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد!

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

آنها می گویند: «اگر راست می گویند، این وعده (قیامت) کی فرا می رسد؟!»

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۳۹)

اگر کافران می دانستند زمانی که (فرا می رسد) نمی توانند آتش را از صورت ها و پشتهای خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی کردند)!

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۴۰)

آری، (این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوتشان می کند. آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند، و به آنها مهلت داده نمی شود.

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۱)

(اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند. اما سرانجام، آنچه را استهزا می کردند دامان استهزاکنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید).

قُلْ مَنْ يَكْلَأُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ □ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ (۴۲)

بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند رحمان نگاه می دارد؟!» بلکه آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند.

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا □ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِّنَّا يُصْحَبُونَ (۴۳)

آیا آنها غیر از ما معبودانی دارند که می توانند از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی) نه می توانند خودشان را یاری

دهند. و نه از ناحیه ما همراهی می شوند.

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۚ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

آری، ما آنها و پدرانشان را

(از نعمتها) بهره مند ساختیم، تا آن جا که عمرشان طولانی شد (و مایه غرور

و طغیانشان گردید). آیا نمی بینند که ما پیوسته از زمین (و اهلش) می کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟!!

ص: ۳۲۵

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ □ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۴۵)

بگو: «من تنها بوسیله وحی به شما هشدار می دهم.» ولی آنها که گوشه‌هایشان کر است، هنگامی که هشدار داده می شوند، سخنی را نمی شنوند.

وَلَيْنَ مَسْتَهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۴۶)

واگر شمه ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمکار بودیم!»

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا □ وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا □ وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم. پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود. و اگر به مقدار سنگینی دانه خردلی (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم. و کافی است که ما حساب کننده باشیم.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ □ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

ما به موسی و هارون، وسیله جدا کردن حق از باطل و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم.

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (۴۹)

همان کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، و از قیامت بیم دارند.

□ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ □ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (۵۰)

و این (قرآن) یادآوری پربرکتی است که (بر شما) نازل کردیم. آیا شما آن را انکار می کنید؟!

□ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ □ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱)

ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم. و از (شایستگی) او آگاه بودیم،

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ □ (۵۲)

آن هنگام که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش آزر بود] و قوم او گفت: «این مجسمه‌ها (ی بی روح) چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟!»

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (۵۳)

گفتند: «ما پدران خود را یافتیم که آنها را عبادت می کنند.»

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۵۴)

گفت: «به یقین شما و پدرانتان، در گمراهی آشکاری بوده اید.»

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (۵۵)

گفتند: «آیا مطلب حقی برای ما آورده ای، یا ما را به بازی گرفته ای؟!»

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۵۶)

گفت: «بلکه (حق آورده ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را آفریده. و من بر این امر، از گواهانم.»

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۷)

و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه ای برای نابودی بتهایتان می کشم!»

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (۵۸)

سرانجام (با استفاده از یک فرصت مناسب)، همه بتها _ جز بت بزرگشان _ را قطعه قطعه کرد. شاید سراغ او بیایند.

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۵۹)

(هنگامی که منظره بتها را دیدند،) گفتند: «هر کس با خدایان ما چنین کرده، به یقین از ستمکاران است!»

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (۶۰)

(گروهی) گفتند: «شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بتها سخن می گفت که او را ابراهیم می گویند.»

قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَىٰ عَٰلِيٍّ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (۶۱)

(جمعیت) گفتند: «او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا گواهی دهند.»

قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (۶۲)

(هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند،) گفتند: «ای ابراهیم! تو با خدایان ما چنین کرده ای؟!»

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ (۶۳)

گفت: «بلکه بزرگشان، چنین کرده باشد. از آنها بپرسید اگر سخن می گویند.»

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ (۶۴)

آنها به (وجدان) خویش بازگشتند. و (به خود) گفتند: «حقاً که شما ستمکارید!»

ثُمَّ نَكَّسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ (۶۵)

سپس بر سرهایشان واژگونه شدند. (و حکم وجدان را به کلی فراموش کردند و گفتند:) تو می دانی که اینها سخن نمی گویند.

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (۶۶)

(ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زبانی به شما می رساند؟!»

أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۷)

اف بر شما و بر آنچه جز خدا می پرستید! آیا نمی اندیشید؟!»

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۶۸)

گفتند: «او را بسوزانید و معبودهای خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است.»

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

(سرانجام او را به آتش افکندند. ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش.»

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۷۰)

آنها خواستند برای ابراهیم نقشه (خطرناکی) بکشند. ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (۷۱)

و او و لوط را به آن سرزمین که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم [= سرزمین شام] نجات دادیم.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۚ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (۷۲)

و اسحاق و _ علاوه بر او _ یعقوب را به وی بخشیدیم. و همه آنان را افرادی صالح قرار دادیم.

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ □ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند. و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم. و تنها ما را عبادت می کردند.

وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ □ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (۷۴)

و لوط را (به یاد آور) که به او نبوت و علم دادیم. و از شهری که اعمال زشت و پلید انجام می دادند، رهایی بخشیدیم. چرا که آنها مردم بد و نافرمانی بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا □ إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

و او را در رحمت خود وارد کردیم. چرا که او از صالحان بود.

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و نوح را

(به یاد آور) هنگامی که پیش از آن (زمان، پروردگار خود را) خواند. و دعای او را مستجاب کردیم. و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم.

وَنَصْرَانًا مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا □ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَعْرِضْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۷۷)

و او را در برابر گروهی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم. چرا که بد گروهی بودند. از این رو همه آنها را غرق کردیم.

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (۷۸)

و داود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان (بی شبان) مردم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباہ کرده) بودند، داوری می کردند. و ما گواه بر حکم آنان بودیم.

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ □ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا □ وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ □ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (۷۹)

ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم. و به هر یک از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم. و کوهها و پرندگان را مسخر داود ساختیم، که با او تسبیح (خدا) می گفتند. و ما بر این کار توانایی داشتیم.

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ □ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (۸۰)

و ساختن زره را بخاطر شما به او آموختیم، تا شما را در جنگهایتان (از آسیب) حفظ کند. آیا شما شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟!

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۖ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (۸۱)

و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که به فرمان او به سوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم حرکت می کرد. و ما از همه چیز آگاه بوده ایم.

ص: ۳۲۸

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ □ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (۸۲)

و گروهی از شیاطین (را نیز مسخرِ او قرار دادیم، که در دریا) برایش غواصی می کردند. و کارهایی جز این (نیز) برای او انجام می دادند. و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می کردیم.

□ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۸۳)

و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «ناراحتی (و مشکلات شدید) به من روی آورده. و تو مهربان ترین مهربانانی.»

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ □ وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ (۸۴)

ما دعای او را مستجاب کردیم. و ناراحتی هایی را که داشت برطرف ساختیم. و خاندانش و همانندشان را با آنان به او بازگرداندیم. تا رحمتی از سوی ما

و تذکری برای عبادت کنندگان باشد.

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ □ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ (۸۵)

و اسماعیل و ادريس و ذالكفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا □ إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ (۸۶)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم. چرا که آنها

از صالحان بودند.

□ وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷)

و ذالنون [= یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت. و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت.

(اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها (ی متراکم) صدا زد: «(خداوند!) جز تو معبودی نیست. منزهی تو! من از ستمکاران بودم.»

□ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ □ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

ما دعای او را به اجابت رساندیم. و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم. و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

وَزَكَرِيَّا إِذِ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۸۹)

و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن). و تو بهترین وارثانی.»

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۚ وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (۹۰)

ما هم دعای او را مستجاب کردیم، و یحیی را به او بخشیدیم. و همسرش را (که نازا بود) برایش شایسته (بارداری) ساختیم. چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می کردند. و از روی بیم و امید ما را می خواندند. و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند.

ص: ۳۲۹

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (۹۱)

و (به یاد آور) زنی را که دامن خود را پاک نگه داشت. و ما از روح خود در او دمیدیم.

و او و پسرش [= مسیح] را نشانه (و معجزه) بزرگی برای جهانیان قرار دادیم.

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۹۲)

این است امت شما که همگی امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف). و من پروردگار شما هستم. پس مرا پرستش کنید.

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (۹۳)

و (گروهی از پیروان ناآگاه آنها) کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند. (سرانجام) همگی به سوی ما باز می گردند (و جزای کار خویش را می بینند).

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (۹۴)

و هر کس عمل شایسته ای به جا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او بدون پاداش نخواهد بود. و ما اعمال او را (برای پاداش) می نویسیم.

وَ حَرَامٌ عَلَيَّ قَوْمٌ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۹۵)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا باز گردند). آنها هرگز باز نخواهند گشت.

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (۹۶)

تا آن زمان که (راه بر) «یأجوج» و «مأجوج» گشوده شود. و آنها از هر محل مرتفعی بسرعت عبور کنند.

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (۹۷)

و وعده حق (و رستاخیز) نزدیک شود. در آن هنگام چشمهای کافران (از وحشت) از حرکت باز می ماند. (می گویند:) ای وای بر ما که از این (امر) در غفلت بودیم. بلکه ما ستمکار بودیم!

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (۹۸)

به یقین شما و آنچه غیر خدا می پرستید، هیزم جهنم خواهید بود. و همگی در آن وارد می شوید.

لَوْ كَانَ هُوَ لَاءِ آلِهَةٍ مَّا وَرَدُوهَا ۖ وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (۹۹)

اگر اینها معبودهای حقی بودند، هرگز وارد دوزخ نمی شدند. در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود.

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

برای آنان در آنجا ناله های دردناکی است و در آن چیزی نمی شنوند.

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (۱۰۱)

(اما) کسانی که (صالح بودند و) از قبل، وعده نیک از سوی ما به آنها داده شده از آن دور نگاهداشته می شوند.

ص: ۳۳۰

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا □ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ (۱۰۲)

آنها صدای آتش دوزخ را نمی شنوند. و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه خواهند بود.

لَا يَخْزُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۱۰۳)

وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند. و فرشتگان به استقبالشان می آیند، (و می گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكِتَابِ □ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ □ وَعَدَّا عَلَيْنا □ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)

روزی که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می گردانیم. این وعده ای است بر ما، و به یقین آن را انجام خواهیم داد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵)

در (زبور) بعد از ذکر [= تورات] نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱۰۶)

در این، پیام روشنی است برای گروه عبادت کنندگان (پروردگار).

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ □ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ (۱۰۸)

بگو: «تنها چیزی که به من وحی می شود این است که معبود شما خدای یگانه است. آیا تسلیم (حق) می شوید (و بتها را کنار می گذارید)؟!»

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ □ وَإِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (۱۰۹)

اگر (باز) روی گردان شوند، بگو: «من به همه شما یکسان هشدار می دهم. و (هر چند) نمی دانم این وعده (عذاب) که به شما داده می شود نزدیک است یا دور!

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (۱۱۰)

او سخنان آشکار را می داند، و آنچه را کتمان می کنید (نیز) می داند (و چیزی بر او پوشیده نیست).

وَإِنْ أَدْرَىٰ لَعَلَّهٗ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۱۱۱)

و من نمی دانم شاید این آزمایشی برای شماست. و مایه بهره گیری تا مدتی (معین).»

قَالَ رَبُّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيْنَا مَا تَصِفُونَ (۱۱۲)

(و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده). و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبت‌های ناروای شما، از او استمداد می طلبیم.»

ص: ۳۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۖ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است!

يَوْمَ تَرُؤُنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ ۖ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ ۖ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۲)

روزی که آن را می بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرا می گیرد که) هر مادر شیردهی، از شیرخوارش (به کلی) غافل می شود. و هر بارداری جنین خود را سقط می کند. و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند. ولی عذاب خدا شدید است!

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (۳)

بعضی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، درباره خدا مجادله می کنند. و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند.

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۴)

بر او مقرر شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش می سازد، و به آتش سوزان راهنمایش می کند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَعَظِيمٍ مُّخَلَّقَةٍ لَّئِبِينَ لَّكُمْ ۖ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنكُمْ مَّن يَتُوفَّىٰ وَمِنكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْضِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مَن بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۖ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَبْتَتَتْ مِّن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

ای مردم! اگر در رستاخیز شکمی دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه»

[= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل. تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم). و جنین هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) نگاه می داریم. (و آنچه را بخواهیم ساقط می کنیم). بعد شما را بصورت طفلی بیرون می آوریم. سپس هدف این است که به حد کمال و بلوغ خویش برسید. و بعضی از شما قبض روح می شوند. و بعضی از شما به نامطلوب ترین مرحله عمر می رسند. آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی دانند. و همچنین زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، و هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم، به جنبش در می آید و رویش می کند. و از هر نوع گیاهان بهجت انگیز می رویاند.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٦)

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است. و اوست که مردگان را زنده می کند.
و بر هر چیزی تواناست.

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ (٧)

و این که رستاخیز آمدنی است، و شکی در آن نیست.

و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می کند.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ (٨)

و بعضی از مردم، بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری، درباره خدا مجادله می کنند.

ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ۖ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (٩)

آنها با تکبر

و بی اعتنایی (نسبت به سخنان الهی)، می خواهند (مردم را) از راه خدا گمراه سازند. برای آنان در دنیا رسوایی است. و روز قیامت، عذاب سوزان به آنها می چشانیم!

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (١٠)

(و به آنان می گوئیم:) این در برابر چیزی است که دستهایتان از پیش فرستاده.

و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی کند.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ ۖ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ ۖ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (١١)

و بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند، اگر (دنیا به آنها رو کند و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند. اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رو می آورند). (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده اند، و هم آخرت را. و این همان خسران و زیان آشکار است.

يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (١٢)

او جز خدا چیزی را می خواند که نه زیانی به او می رساند، و نه سودی. این همان گمراهی بسیار عمیق است.

يَدْعُو لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ □ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ الْعَشِيرُ (۱۳)

او کسی را می خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است. چه بد سرپرست و یاوری، و چه بد مونس

و همنشینی!

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۱۴)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند،

در باغهای بهشتی وارد می کند که نهرها از پای درختانش جاری است. (آری)، خدا هرچه را اراده کند انجام می دهد.

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ (۱۵)

هر کس گمان می کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر خشمگین است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف بیاویزد، و (خود را حلق آویز و) نفس خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود). ببیند آیا این کار خشم او را فرو می نشاند؟!

ص: ۳۳۳

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ (۱۶)

این گونه ما قرآن را بصورت آیات روشنی نازل کردیم. و خداوند هر کس را اراده کند هدایت می نماید.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۷)

به یقین کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و صابئان [= پیروان یحیی] و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می کند. (و حق را از باطل جدا می سازد.) زیرا خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ □ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ □ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ □ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ □ (۱۸)

آیا نمی دانی تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (ابا دارند،

و فرمان) عذاب درباره آنان حتمی است. و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرمی نخواهد داشت. خداوند هر چه را اراده کند (و صلاح بداند) انجام می دهد.

□ هَذَا خِطْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ □ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۱۹)

این دو گروه، دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند. کسانی که کافر شدند، لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده، و مایع سوزان بر سرشان ریخته می شود.

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

هم آنچه که درونشان است با آن آب می شود، و هم پوستهایشان.

وَلَهُمْ مَّقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ (۲۱)

و برای آنان گرزهایی از آهن (سوزان) است.

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

هر گاه بخواهند از غم و اندوههای دوزخ خارج شوند، به آن باز گردانده می شوند. و (به آنان گفته می شود:) بچشید عذاب سوزان را!

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۲۳)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغهای بهشتی وارد می کند که از پای درختانش نهرها جاری است. در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می شوند. و لباسهایشان از حریر است.

ص: ۳۳۴

وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَيَّ صِرَاطِ الْحَمِيدِ (٢٤)

و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش، راهنمایی می گردند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ ۚ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ (٢٥)

کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجدالحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آن جا زندگی می کنند یا از نقاط دور وارد می شوند. و (نیز) هرکس بخواهد در این سرزمین به انحراف و ستم روی آورد، ما از عذابی دردناک به او می چشانیم!

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (٢٦)

(به خاطر بیاور) زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا آن را بنا کند. و به او گفتیم: چیزی را همتای من قرار مده. و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان

و رکوع کنندگان سجده گزار (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز.

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (٢٧)

و مردم را به حج دعوت کن. تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر [= چابک و ورزیده] از هر راه دوری به سوی تو بیایند،

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۚ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (٢٨)

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند. و در روزهای معینی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند. پس از گوشت آنها بخورید. و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید.

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (٢٩)

سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند. و به نذرهای خود وفا کنند. و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند.

ۚ ذَٰلِكَ وَمَن يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۚ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ ۚ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (٣٠)

(مناسک حج) این است. و هرکس آنچه را خدا حرمت بخشیده بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است.

و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می شود. از پلیدی بتها اجتناب کنید، و از سخن باطل پرهیزید.

حُفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ □ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۱)

(مناسک حج را انجام دهید) درحالی که خالص برای خدا باشید. و هیچگونه همتایی برای او قائل نشوید. و هرکس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده، و پرندگان (در هوا) او را می ربایند. و یا تند باد او را به جای دور دستی پرتاب می کند.

□
ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (۳۲)

این است (مناسک حج). و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلها (ی آنها) است.

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۳۳)

در آن (حیوانات قربانی)، منافی برای شماست تا زمان معینی (و تا روز ذبح آنها می توانید از آن ها استفاده کنید). سپس محل (ذبح) آن، (نزدیک) خانه گرامی (کعبه) است.

□ □
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّئَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ □ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا □ وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (۳۴)

برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است. تنها در برابر (فرمان) او تسلیم باشید. و افراد مطیع و متواضع را بشارت ده.

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۵)

همان کسانی که چون نام خدا برده می شود، دلهایشان پر از خوف (پروردگار) می گردد. و آنها که در برابر مصیبتی که به آنان می رسد، شکیبیا هستند.

و آنها که نماز را برپا می دارند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند.

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ □ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ □ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَنَاعِ وَالْمُعْتَرَّ □ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

و شتران فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر (و برکت) است. نام خدا را در حالی که (برای قربانی) به صف ایستاده اند بر آنها ببرید. و هنگامی که پهلوهایشان به زمین رسید (وجان دادند)، از گوشت آنها بخورید،

و مستمندان قانع و سائلان را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را به جا آورید.

□ □
لَنْ يَبَالَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا دِمَائِهَا وَلَكِنْ يَبَالُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ □ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ □ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

نه گوشتهای آنها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. ولی آنچه به او می رسد، پرهیزگاری شماسست. این گونه خداوند آنها را مستخر شما ساخته، تا خدا را بخاطر آن که شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید.

و بشارت ده نیکوکاران را.

□ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا □ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند. خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

ص: ۳۳۶

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا ۖ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است. چرا که مورد ستم قرار گرفته اند. و به یقین خدا بر یاری آنها تواناست.

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۖ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ لَأَهْلِيكُمْ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصِيَالَمَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۖ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

همانها که از خانه ها

(و شهر) خود، به ناحق رانده شدند، (و گناهی نداشتند) جز این که می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها، و معابد یهود و نصاری، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد. و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند. خداوند توانا و شکست ناپذیر است.

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!

وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَتَمُودُ (۴۲)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه ای نیست.) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبران را) تکذیب کردند.

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ (۴۳)

(و همچنین) قوم ابراهیم و قوم لوط.

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ ۖ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۴)

و اصحاب مدین [= قوم شعیب]. و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد. اما من به کافران مهلت دادم، پس از آن، آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) پاسخ گفتم!؟

فَكَأَيُّ مَن قَوْمِهِ أَهْلُكُنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ لِّهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٌ مُّعَطَّلَةٌ وَقَصْرٌ مَّشِيدٌ (۴۵)

چه بسیار اهل شهرها

و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که ستمکار بودند، و دیوارهای آن بر روی سقفهایش فرو ریخت! و چه

بسیار چاه پر آب و قصرهای محکم و مرتفع که بی صاحب ماند!

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۚ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي
الضُّدُورِ (۴۶)

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که

(حقیقت را) با آن درک کنند. یا گوش‌هایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! زیرا (بسیار می شود که) چشم‌های ظاهر نابینا
نمی شود، بلکه دل‌هایی که در سینه هاست کور می شود.

ص: ۳۳۷

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ □ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۴۷)

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می کنند. در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد. و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمردید!

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ (۴۸)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمکار بودند. (اما از این مهلت برای اصلاح خود استفاده نکردند). سپس آنها را مجازات کردم. و بازگشت، (همگان) تنها به سوی من است.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۴۹)

بگو: «ای مردم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم.

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۵۰)

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و روزی پرارزشی برای آنهاست.

□
وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۵۱)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، (و چنین می پنداشتند که می توانند از عذاب ما بگریزند)، اصحاب دوزخند.»

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى □ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسِيخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر این که هرگاه آرزو (ی پیشبرد اهداف الهی خود می کرد)، شیطان (وسوسه ها و) القائاتی در آن می افکند. امّا خداوند القائات شیطان را از میان می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشد.

و خداوند دانا و حکیم است

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ □ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۳)

هدف این بود که خداوند القائات شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دلهاشان بیماری است، و آنها که سنگدلند. و به یقین ستمکاران در عداوت شدید دامنه داری هستند.

وَلِيُعَلِّمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ □ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُدِ الْذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۴)

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد. و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به سوی صراط مستقیم هدایت می کند.

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ (۵۵)

پیوسته کافران درباره قرآن در شک هستند، تا آن که قیامت ناگهان فرا رسد، یا عذاب روز عقیم [=روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند]

به سراغشان آید!

ص: ۳۳۸

الْمَلِكِ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ □ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۵۶)

حکومت در آن روز از آن خداست. و میان آنها داوری می کند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغهای پر نعمت بهشتند.

□
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵۷)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده ای برای آنهاست!

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا □ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۵۸)

و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می دهد. و به یقین خداوند، بهترین روزی دهندگان است.

لَيَدْخِلْنَهُمْ مُدْخَلَ بَرٍّ طَيِّبٍ □ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (۵۹)

خداوند آنان را در جایگاهی وارد می کند که از آن خشنود خواهند بود. و به یقین خداوند دانا و دارای حلم است.

□
ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ □ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُؤٌ غَفُورٌ (۶۰)

(آری) این گونه خواهد بود! و هر کس به همان اندازه که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد.

به یقین خداوند بخشنده و آمرزنده است.

□
ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۶۱)

این (وعده نصرت الهی) بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است. خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند. و خداوند شنوا و بیناست.

□
ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۶۲)

این بخاطر آن است که خداوند حق است.

و آنچه را غیر از او می خوانند باطل است. و خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً □ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۶۳)

آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، که زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرم می گردد؟!؟

و به یقین خداوند دارای لطف و آگاهی است.

لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶۴)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. و خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است.

ص: ۳۳۹

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ
بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ (٦٥)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می کنند، مسخر
شما کرد. و آسمان [= کرات و سنگهای آسمانی] را نگه می دارد، تا جز به اجازه او، بر زمین فرو نیفتند؟! خداوند نسبت به
مردم رئوف

و مهربان است.

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ (٦٦)

و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند، بار دیگر شما را زنده می کند، به یقین انسان بسیار ناسپاس
است.

لُكُلُّ أُمَّه جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ۚ فَلَا يُنَازِعُنَكَ فِي الْأَمْرِ ۚ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۚ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٌ (٦٧)

برای هر امتی عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند. پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند! به
سوی پروردگارت دعوت کن، که تو بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است).

وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (٦٨)

و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که انجام می دهید آگاهتر است.

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٦٩)

و خداوند در روز قیامت، میان شما در آنچه اختلاف می کردید، داوری می کند.»

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٧٠)

آیا نمی دانستی خداوند آنچه را در آسمان

و زمین است می داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی پایان پروردگار). و این بر خداوند آسان است.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ ۚ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (٧١)

آنها غیر از خداوند، چیزی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزی را که علم و آگاهی به آن
ندارند.

و برای ستمکاران، یآوری نیست.

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ ۚ يَكَادُونَ يَسِيطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا ۚ قُلْ أَفَأَنْتُمْ كُمُوتٌ بَشَرٌ مِّنْ ذَلِكُمْ ۚ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَبَشَسَ الْمُصِيرُ (۷۲)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره های کافران آثار انکار مشاهده می کنی، آنچنان که نزدیک است (برخیزند و) به کسانی که آیات ما را بر آنها می خوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ که همان آتش سوزنده است که خدا به کافران وعده داده.

و بدسرانجامی است!»

ص: ۳۴۰

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ □ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ □ وَإِنْ يَسْأَلُهمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَأَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ □ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (٧٣)

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می خوانید (و پرستش می کنید)، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند. و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی توانند آن را بازپس گیرند. هم طلب کننده ناتوان است، و هم طلب شونده (هم عابدان، و هم معبودان).

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ □ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٧٤)

خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند. خداوند توانا و شکست ناپذیر است.

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ □ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (٧٥)

خداوند از فرشتگان رسولانی برمی گزیند، و همچنین از انسان ها. به یقین خداوند شنوا

و بیناست!

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهمُ وَمَا خَلْفَهُمْ □ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٧٦)

آنچه پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می داند. و همه امور به سوی خدا بازگردانده می شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ □ (٧٧)

ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید، و سجود به جا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، تا رستگار شوید.

وَاجْهَدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ □ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ □ مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ □ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ □ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ □ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (٧٨)

و در راه خدا آنگونه که سزاوار اوست جهاد کنید، او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد. از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید. خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم. پس نماز را برپا دارید، و زکات را ادا کنید، و به خدا تمسک جوید، که او سرپرست (ویاور) شماست، چه سرپرست خوبی، و چه یاور شایسته ای!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* به یقین مؤمنان رستگار شدند.

وَالَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)

آنها که در نمازشان خشوع دارند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

و آنها که از لغو و بیهودگی رویگردانند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴)

و آنها که به (دستور) زکات عمل می کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)

و آنها که دامان خود را حفظ می کنند.

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)

جز در مورد همسران و کنیزانشان، که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند.

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)

و کسانی که جز این را طلب کنند، تجاوزگرند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند.

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)

(آری،) آنها وارثانند.

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)

(وارثانی) که بهشت برین را به ارث می برند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ (۱۲)

و ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم.

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳)

سپس او را نطفه ای در قرارگاه مطمئن (رَحِم) قرار دادیم.

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ □ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

سپس نطفه را بصورت علقه [= خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم. و بر استخوانها گوشت پوشانیدیم. سپس آن را آفرینش تازه ای بخشیدیم. پس بزرگ و پر برکت است خدایی که بهترین آفرینندگان است!

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ □ (۱۵)

آنگاه شما بعد از آن می میرید.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

سپس در روز قیامت برانگیخته می شوید.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷)

ما بر فراز شما هفت راه [= طبقات هفتگانه آسمان] را قرار دادیم. و هرگز از خلق (خود) غافل نبوده ایم.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِنَّ لِقَادِرُونَ (۱۸)

و از آسمان، آبی به اندازه معین فرو فرستادیم. و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم. و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم.

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹)

پس بوسیله آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم. باغهایی که در آن برای شما میوه های فراوانی است. و از آن می خورید.

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصِبْغٍ لِلنَّاسِ لِلَّذِينَ (۲۰)

و (نیز) درختی را که از طور سینا می روید

[=درخت زیتون]، و از آن روغن و «نان خورش» برای خورندگان فراهم می گردد (آفریدیم).

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۚ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱)

و در آفرینش چهارپایان برای شما عبرتی است. از آنچه (از شیر)

در درون آنهاست به شما می نوشانیم. و برای شما در آنها منافع بسیار (دیگری) است. و از (گوشت) آنها می خورید.

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۲۲)

و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۲۳)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست. آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی کنید؟!»

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَضَلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴)

جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم او که کافر بودند گفتند: «این (مرد) بشری همچون شما است، که می خواهد بر شما برتری جوید. اگر خدا می خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می کرد. ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم!

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّهٌ فترَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۵)

او فقط مردی است که به جنونی مبتلاست. پس مدتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد.)»

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ (۲۶)

(نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن.»

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْمَكَ بَأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التُّنُورُ □ فَاسْيَلْكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ □ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا □ إِنَّهُمْ مُّعْرَقُونَ (۲۷)

ما به نوح وحی کردیم که: کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز.

و هنگامی که فرمان ما فرا رسد، و (آب از) تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن طوفان است)، از هر یک (از انواع حیوانات) یک جفت در کشتی سوار کن. و (همچنین) خانواده ات را، مگر آنانی که قبلاً وعده هلاکشان داده شده [= همسر و فرزند کافرت].

و دیگر درباره ستمکاران با من سخن مگو (و شفاعت مکن)، که آنان همگی غرق خواهند شد.

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۸)

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند در کشتی مستقر شدید، بگو: «ستایش مخصوص خدایی است که ما را از قوم ستمکار نجات بخشید.»

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۲۹)

و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگان.»

□
إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۳۰)

(آری،) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه‌هایی است. و ما به یقین (همگان را) آزمایش می‌کنیم.

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَوْمًا آخَرِينَ (۳۱)

سپس گروه دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم.

□
فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ □ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲)

و در میان آنان پیامبری از خودشان فرستادیم که: «خدای یگانه را پرستید. که جز او معبودی برای شما نیست. آیا (با این همه، از شرک) پرهیز نمی‌کنید؟!»

□
وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳)

ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند،

و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما. از آنچه شما می‌خورید می‌خورد. و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد! (پس چگونه می‌تواند پیامبر باشد؟!)

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ (۳۴)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، در این صورت به یقین شما زیانکارید.

أَيَعِدُّكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ (۳۵)

آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مُردید و خاک

و استخوانهایی (پوسیده) شدید، (از قبرها) بیرون آورده می شوید؟!

□ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶)

دور است، دور است این وعده هایی که به شما داده می شود!

إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

به یقین غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی (در کار) نیست. پیوسته گروهی از مامی میریم، و نسل دیگری زنده می شود.

و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸)

او فقط مردی است که بر خدا دروغ بسته.

و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ (۳۹)

(پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن!»

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحَ نَادِمِينَ (۴۰)

(خداوند) فرمود: «بزودی پشیمان خواهند شد.

(اما زمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)»

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُرَاءً □ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۱)

سرانجام صیحه (مرگبار آسمانی) آنها را بحق فرو گرفت. و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم. دور باد قوم

ستمکار (از رحمت خدا)!

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (۴۲)

سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّهِ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۴۳)

هیچ امتی بر اجل حتمی خود پیشی نمی گیرد، و از آن تأخیر نیز نمی کند.

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ ۖ كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۖ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَا لَهُمْ آحَادِيثَ ۖ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۴۴)

سپس پیامبران خود را یکی پس از دیگری فرستادیم. هر زمان پیامبری برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند. و ما این امتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را خبرهایی قرار دادیم. (که تنها نامی از آنان باقی ماند). دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی آورند!

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۴۵)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم،

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (۴۶)

به سوی فرعون و اطرافیان اشرافی او. اما آنها تکبر کردند، و آنها مردمی برتری جوی بودند.

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۴۷)

آنها گفتند: «آیا ما به دو بشر همانند خودمان ایمان بیاوریم، درحالی که قوم آنها ما را می پرستند (و بردگان ما هستند)؟!»

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (۴۸)

و آنها آن دو را تکذیب کردند. و سرانجام هلاک شدند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۴۹)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم. شاید آنان [= بنی اسرائیل] هدایت شوند.

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (۵۰)

و ما فرزند مریم [= عیسی] و مادرش را نشانه ای قرار دادیم. و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب روان بود جای دادیم.

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۖ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۵۱)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید،

و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می دهید دانا هستم.

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲)

و این است امت شما که همگی امت واحدی هستید. و من پروردگار شما هستم. پس، از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید!

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا □ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)

(گروهی از پیروان ناآگاه پیامبران) کار خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند. هر گروه به آنچه نزد خود دارند شادمانند!

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۵۴)

آنها را در جهل و غفلتشان رها کن تا زمانی (که مرگشان فرا رسد یا گرفتار عذاب الهی شوند).

أَيُحْسِبُونَ أَنَّ مَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنِ (۵۵)

آیا گمان می کنند اموال و فرزندی که به آنان می بخشیم،

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ □ بَلْ لَّا يَشْعُرُونَ (۵۶)

برای این است که درهای خیرات را با سرعت به روی آنها بگشاییم؟! (چنین نیست) بلکه آنها نمی فهمند (که این وسیله امتحانشان است).

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۵۷)

به یقین کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند،

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۵۸)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند،

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹)

و آنها که به پروردگارشان شرک نمیورزند،

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (۶۰)

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، از این که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند، دل هایشان ترسان است

□
أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۶۱)

چنین کسانی درخیرات شتاب می کنند و از دیگران پیشی می گیرند.

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا □ وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ □ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۲)

و ما هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کنیم. و نزد ما کتابی است که بحق سخن می گوید.

و به آنان هیچ ستمی نمی شود.

□
بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمَرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (۶۳)

ولی دلهای آنها از این (نامه اعمال و روز حساب) در بی خبری فرو رفته. و اعمال (زشتی) جز این دارند که پیوسته آن را انجام می دهند.

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (۶۴)

تا زمانی که منتعمان (مغرور) آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم. ناگاه، ناله های دردناک و استغاثه آمیز آنها بلند می شود.

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ □ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ (۶۵)

(اما به آنها گفته می شود:) امروز ناله و فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد.

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثَلَّىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ تَنكِبُونَ (۶۶)

(آیا فراموش کرده اید که) در گذشته آیات من پیوسته بر شما خوانده می شد. امّا شما (اعراض کرده) به عقب باز می گشتید!؟

مُشْتَكِبِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷)

در حالی که در برابر او [= پیامبر] استکبار می کردید، و در جلسات شبانه خود به بدگویی می پرداختید!

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (٦٨)

آیا آنها در این گفتار (الهی) نیندیشیدند، یا این که چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (٦٩)

یا این که پیامبرشان را نشناختند (وازشوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می کنند؟!

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ ۚ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (٧٠)

یا می گویند او به جنون مبتلا است؟! (چنین نیست) بلکه او حق را برای آنان آورده. اما بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند).

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (٧١)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می کرد، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباہ می شدند. و ما به آنها چیزی دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) آنهاست، اما آنان از آنچه مایه یادآوری (و عزت) آنهاست رویگردانند.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجٌ رَبِّكَ خَيْرٌ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (٧٢)

یا این که تو از آنها مزد و هزینه ای (در برابر دعوت) می خواهی؟ با این که مزد پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است.

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (٧٣)

به یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می کنی.

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ (٧٤)

اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرف می شوند.

□ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۵)

و اگر به آنان رحم کنیم و ناراحتی‌ها (و مشکلات) آنان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی‌شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت میورزند و سرگردان می‌مانند.

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكْبَرُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَنْصَرِعُونَ (۷۶)

و به راستی ما آنها را به عذاب (و بلا) گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)، اما آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به درگاهش تضرع می‌کنند.

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۷)

(این وضع ادامه می‌یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می‌شوند که) ناگهان کاملاً مأیوس گردند.

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ □ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۷۸)

و او کسی است که برای شما گوش

و چشم و عقل آفرید. اما کمتر شکر (او را) به جا می‌آورید.

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۹)

و او کسی است که شما را در زمین آفرید. و به سوی او محشور می‌شوید.

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ □ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۸۰)

و او کسی است که زنده می‌کند

و می‌میراند. و آمد و شد شب و روز از آن اوست. آیا نمی‌اندیشید؟!

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱)

(نه تنها نمی‌اندیشند،) بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند.

قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۸۲)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟! »

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳)

این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده. این فقط افسانه های پیشینیان است.»

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۴)

بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند از آن کیست، اگر شما می دانید؟!»

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ □ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۸۵)

بزودی می گویند: «(همه) از آن خداست.» بگو: «آیا متذکر نمی شوید؟!»

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۸۶)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟»

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ □ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۸۷)

بزودی خواهند گفت: «(همه اینها) از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی کنید (و دست از شرک بر نمی دارید)؟!»

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸)

بگو: «اگر می دانید، چه کسی حاکمیت همه موجودات را در دست دارد، و (به بی پناهان) پناه می دهد، و نیاز به پناه دادن ندارد؟!»

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ □ قُلْ فَأَنِّي تُسْحَرُونَ (۸۹)

خواهند گفت: «(همه اینها) از آن خداست!» بگو: «با این حال چگونه (می گویند) سحر شده اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟!»

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹۰)

(چنین نیست) بلکه ما حق را برای آنها آوردیم. و به یقین آنها دروغ گو هستند.

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۹۱)

خدا هرگز فرزندی اختیار نکرده. و خدای دیگری با او نیست. که اگر چنین می شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تحت تدبیر خود می برد و بعضی از آنان بر بعضی دیگر برتری می جست (و جهان هستی به تباهی کشیده می شد). منزه است خدا از آنچه آنان توصیف می کنند!

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۹۲)

او دانای نهران و آشکار است. پس برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند!

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِنِّي مَا يُوعَدُونَ (۹۳)

بگو: «پروردگارا! اگر عذابهایی را که به آنان وعده داده می شود به من نشان دهی،

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۹۴)

پروردگارا! مرا (در این عذابها) با گروه ستمکاران قرار مده.»

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (۹۵)

و ما تواناییم که آنچه را به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم.

ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ ۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶)

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده). ما به آنچه توصیف می کنند داناتریم.

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷)

و بگو: «پروردگارا! از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم.

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۹۸)

و پروردگارا از این که آنان نزد من حاضر شوند به تو پناه می برم.»

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹)

(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگارا! مرا باز گردانید.

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ □ كَلَّا □ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا □ وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۰۰)

شاید در برابر آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.» (ولی به او می گویند: چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر باز گردد، همان راه را ادامه می دهد). و در پی (مرگ) آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (۱۰۱)

و هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی در آن روز میان آنها نخواهد بود.

و از یکدیگر تقاضای کمک نمی کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست).

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۲)

کسانی که کفه ترازوهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند.

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۱۰۳)

و آنان که کفه ترازوهای (عمل) آنها سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند.

تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (۱۰۴)

شعله های سوزان آتش (همچون شمشیر) به صورت‌هایشان نواخته می شود. و در دوزخ چهره ای زشت و عبوس دارند.

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۰۵)

(به آنها گفته می شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد، پس آن را تکذیب می کردید؟!)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶)

می گویند: «پروردگارا! تیره بختی ما بر ما چیره شد، و ما گروه گمراهی بودیم.

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (۱۰۷)

پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر تکرار کردیم به یقین ستمکاریم (و مستحق عذاب).»

قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸)

(خداوند) می گوید: «دور شوید و به دوزخ درآید،

و با من سخن مگویید!

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۱۰۹)

اما شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا (این عمل) شما را از یاد من غافل کرد. و شما به آنان می خندیدید!

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۰)

(فراموش کرده اید) گروهی از بندگانم می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم. ما را بیامرز و بر ما رحم کن. و تو بهترین رحم کنندگانی.

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (۱۱۱)

ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم. آنها پیروز و رستگارند.»

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۱۱۲)

(خداوند) می گوید: «چند سال در روی زمین درنگ کردید؟»

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ (۱۱۳)

(در پاسخ) می گویند: «به اندازه یک روز، یا بخشی از یک روز. از شمار بپرس.»

قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا □ لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)

می فرماید: «(آری)، شما مقدار کمی درنگ کردید اگر می دانستید!»

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۱۱۵)

آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم، و به سوی ما بازگردانده نمی شوید!؟

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۱۱۶)

پس بلندمرتبه است خداوندی که فرمانروای حق است، معبودی جز او نیست. و او پروردگار عرش کریم است.

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ □ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷)

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند _ و به یقین هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت _ حساب او نزد پروردگارش خواهد بود.

به راستی کافران رستگار نخواهند شد.

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۸)

و بگو: «پروردگارا! مرا ببامرز و رحمت کن. و تو بهترین رحم کنندگانی.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان (این) سوره ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکر شوید.

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ □
وَلْيَشْهَدَا عَبْدَاهُمَا طَائِفَةً مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

هر یک از زن و مرد زناکار

را صد تازیانه بزنید. و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از (اجرای) حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید. و باید گروهی از مؤمنان

مجازاتشان را مشاهده کنند.

□
الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ □ وَحَرَّمَ ذَلِكُمْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳)

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند. و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی آورد. و این کار بر

مؤمنان حرام شده است.

□
وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا □ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴)

و کسانی که زنان پاکدامن را (به زنا) متهم می کنند، سپس چهار شاهد

(بر مدعی خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید.

و آنها همان فاسقانند.

□
إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

□
وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ □ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۶)

و کسانی که زنان

خود را (به زنا) متهم می کنند، و گواهانی جز خودشان ندارند، هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است.

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۷)

و در پنجمین بار بگوید

که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد.

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ □ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۸)

آن زن نیز می تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او داده) از دروغگویان است.

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۹)

و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد (و در این صورت مجازات از هر دو برداشته می شود).

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰)

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و این که او توبه پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می شدید)!

ص: ۳۵۰

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ □ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ □ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ □ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ □ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)

به یقین کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکل و توطئه گر)

از شما بودند. امّا گمان نکنید این ماجرا به زیان شماست، بلکه خیر شما در آن است. هر یک از آنها سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند. و آن کس از

آنان که بخش مهم آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست!

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲)

چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان باایمان نسبت به کسی که از

خودشان بود، گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغ بزرگ آشکاری است؟!

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ □ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۳)

چرا چهار شاهد بر آن نیاوردند؟! و هنگامی که گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویانند.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

و اگر فضل

و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل حال شما نمی شد، بخاطر این گناهی که کردید عذاب سختی به شما می رسید!

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ □ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۵)

چرا

هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: «ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم. خداوندا منزهی تو، این بهتان بزرگی است»؟!!

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسَّتِيكُم وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۶)

(به یاد آورید) زمانی را که این شایعه را

از زبان یکدیگر می گرفتید، و با دهان خود سخنی می گفتید که به آن یقین نداشتید. و آن را ساده و کوچک می پنداشتید

در حالی که نزد خدا بزرگ است!

يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷)

خداوند شما را اندرز می دهد که

اگر ایمان دارید هرگز چنین کاری را تکرار نکنید.

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸)

و خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۹)

به یقین کسانی که دوست دارند زشتیها

در میان مردم باایمان شایع شود برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است. و خداوند می داند و شما نمی دانید.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَحِيمٌ (۲۰)

و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما

نبود و این که خدا رئوف

و مهربان است (مجازات سختی دامانتان را می گرفت)!

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ □ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ □ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ □ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید. هر کس پیرو گامهای شیطان شود او به کارهای زشت و منکر فرمان می دهد. و اگر فضل و رحمت

الهی شامل حال شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی شد. ولی خداوند هر که را بخواهد (و شایسته باشد) پاکیزه می سازد، و خدا شنوا و داناست.

□ وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ □ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا □ أَلَا تُحِبُّونَ
أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲)

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق

نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند. آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببامرزد؟! و خداوند آمرزنده

و مهربان است.

□ إِنَّ الَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۳)

کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر (از هر گونه آلودگی) و مؤمن را متهم می سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دور شدند و عذاب سختی

برای آنهاست.

□ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

در روزی که زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها بر اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد.

□ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵)

آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی

کم و کاست می دهد. و می دانند که خداوند حق آشکار است.

□ الْحَيَّاتُ لِلْحَيَّاتِ وَالْخَيْثُونَ لِلْخَيْثَاتِ □ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ □ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ □ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ

زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند،

و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک. و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک! اینان از آنچه که (ناپاکان) به آنان نسبت می دهند مبرا هستند. و برای آنان

آمزش (الهی) و روزی پرارزشی است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَيَّ أَهْلِهَا ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید!

در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است. شاید متذکر شوید.

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۖ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا ۚ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ
(۲۸)

و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد آن نشوید تا به شما اجازه داده شود. و اگر گفته شود: «بازگردید!» بازگردید. این برای شما پاکیزه تر است. و خداوند به آنچه انجام می دهید دانا است.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹)

(ولی) هیچ گناهی بر شما نیست که وارد خانه های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد. و خدا آنچه را

آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید، می داند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۗ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامان خود را (از بی عفتی) حفظ کنند.

این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۗ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ ۗ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)

و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را

(از بی عفتی) حفظ کنند و زینت خود را _ جز آن مقدار از آنان که نمایان است _ آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه

با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا

پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان [= کنیزانشان]، یا مردان سفیه وابسته (به آنها) که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی

که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند. و (به زنان با ایمان بگو: هنگام راه رفتن) پاهای خود را به زمین نزنند تا زینتِ پنهانشان دانسته شود

(و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و ای مؤمنان همگی به سوی خدا بازگردید، تا رستگار شوید.

ص: ۳۵۳

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِّنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ □ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ □ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲)

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچین غلامان و کنیزان صالح

و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد. (فضل) خداوند واسع و (از) نیازهای بندگان) آگاه است.

وَلَيْسَ تَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ □ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا □ وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ □ وَلَمَّا تَكَرَّهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتُغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که

امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند. و آن بردگانتان که خواستار قرار داد برای آزادی هستند، با آنان

قرار داد ببندید اگر صلاحیت (زندگی مستقل را) در آنان احساس می کنید. و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید. و کنیزان خود را برای

دستیابی شما به متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید. (به خصوص) اگر خودشان می خواهند پاک بمانند. و هرکس آنها را (بر این کار) اجبار کند،

سپس پشیمان گردد، و توبه کند) خداوند بعد از این اجبار کردن آنها آمرزنده و مهربان است.

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴)

ما بر شما آیاتی روشنگر فرستادیم، اخباری از کسانی که پیش از

شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران.

□ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ □ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ □ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ □ نُورٌ عَلَى نُورٍ □ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ □ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ □ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵)

خداوند نور آسمانها و زمین است. و مثل نورش همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن

چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی (شفاف

و درخشنده) همچون ستاره ای فروزان، چراغی که افروخته می شود از (روغن) درخت پربركت زيتونی كه نه شرقی است و نه غربی. روغنش (آنچنان صاف و خالص

است كه) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود. نوری است بر فراز نوری.

و خدا هر كس را بخواهد با نور خود هدایت می كند، و خدا برای مردم مثلها می زند

و خداوند به هر چیزی داناست.

فِي بُيُوتِ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۳۶)

(این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد كه خداوند اذن فرموده (دیواره های) آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین در امان

باشد).

و در آنها نام خدا برده شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او گویند.

ص: ۳۵۴

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ □ وَاللَّهُ يَزُوقُ مَن يَشَاءُ بغيرِ حِسَابٍ (۳۷)

(آنها چنین می کنند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده اند پاداش دهد، و از فضل خود بر (پاداش) آنها بیفزاید. و خداوند به هر کس

بخواهد بی حساب روزی می دهد (و از مواهب بی انتهای خویش بهره مند می سازد).

رِجَالٌ لَّا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ □ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۳۸)

مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند. آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها دگرگون می شود.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعِهِ يَحْسِبُهُ الظَّالِمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ □ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۳۹)

کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که

انسان تشنه (از دور) آن را آب می پندارد. اما هنگامی که به سراغ آن می آید چیزی نمی یابد، و خدا را نزد آن می یابد که حساب او را بطور کامل می دهد. و

خداوند سریع الحساب است.

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ □ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا □ وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ (۴۰)

یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موجی آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است.

ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، (آن گونه که) هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، هیچ نوری برای او نیست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ □ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها

و زمینند برای خدا تسبیح می گویند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند. و خداوند به

آنچه انجام می دهند داناست.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۴۲)

و از برای خداست حکومت و مالکیت آسمانها و زمین.

و بازگشت (همه) به سوی اوست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَن يَشَاءُ ۚ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می راند، سپس میان آنها پیوند می دهد، و بعد آن را متراکم می سازد؟! در این

حال، می بینی که (دانه های) باران از لابه لای آن خارج می شود. و از آسمان _ از کوههایی

در آن [= ابرهایی به شکل کوه _] دانه های تگرگ نازل می کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می کند.

نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها، بینایی) چشمها را ببرد!

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (۴۴)

خداوند شب و روز را دگرگون (و جابه جا) می کند. به یقین در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت.

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ □ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ □ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ □ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۵)

و خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفرید. گروهی از آنها بر

شکم خود راه می روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهارپا راه می روند. خداوند آنچه را بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ □ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ □ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۶)

ما آیات

روشنگری نازل کردیم. و خدا هر که را بخواهد (و شایسته باشد) به راه راست هدایت می کند.

وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ □ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

آنها می گویند: «به خدا و پیامبر ایمان آورده ایم و اطاعت کرده

ایم.» ولی بعد از این (ادعا)، گروهی از آنان رویگردان می شوند. آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند.

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ (۴۸)

و هنگامی که به سوی خدا و پیامبرش دعوت شوند تا در

میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می شوند.

وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُدْعِينَ (۴۹)

ولی اگر آنها حقی داشته باشند

(و داوری به نفع آنها باشد) با سرعت و تسلیم به سوی او می آیند.

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ □ بَلْ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۵۰)

آیا در دلهای آنان بیماری است، یا شک و تردید دارند، یا می ترسند خدا و پیامبرش بر آنان

ستم کنند؟! (چنین نیست)، بلکه آنها خودشان ستمکارند.

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا □ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱)

سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و پیامبرش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها (و در هر حال) این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و اینها همان رستگاران (واقعی) هستند.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ □ (۵۲)

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد

و از (مخالفت فرمان) او پرهیزد، چنین کسانی همان پیرومندان (واقعی) هستند.

□ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجْنَ □ قُلْ لَأَتُقَسِّمُوا □ طَاعَهُ مَعْرُوفَةً □ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۵۳)

آنها با نهایت تأکید به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (به

سوی میدان جهاد) بیرون می روند (و حاضرند از مال و جان خود چشم ببوشند). بگو: «سوگند یاد نکنید. شما اطاعت شایسته داشته باشید که خداوند به آنچه

انجام می دهید آگاه است.»

ص: ۳۵۶

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ □ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ □ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا □ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵۴)

بگو: «اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر (خدا) را. و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول تکالیف خویش است و شما مسؤول تکالیف خود. و اگر از او اطاعت

کنید، هدایت خواهید شد. و بر پیامبر چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.»

وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي
ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا □ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا □ وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده

است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید. و دین و آیینی را
که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و

ریشه دار خواهد ساخت. و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، (بگونه ای) که فقط مرا می پرستند و چیزی را همتای
من قرار نخواهند داد. و کسانی که

پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقانند.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶)

و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید.

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ □ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ □ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ (۵۷)

گمان مبر کافران می توانند

از مجازات الهی در زمین فرار کنند. جایگاه آنان آتش است، و چه بد سرانجامی است!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَسِّرَنَّ اللَّهُ لَكُمْ الدِّينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ □ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ
تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّن الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ □ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ □ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ □ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ
بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ □ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کسانی از شما

که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی)

خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز

عشا. این سه (وقت خصوصی) برای خلوت شماست. اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با

صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، و خداوند دانا و حکیم است.

ص: ۳۵۷

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و هنگامی که اطفال شما به حد بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند. اینچنین خداوند آیاتش را برای شما

بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ يَدَهُنَّ عَنْ مُتَبَرِّجَاتٍ بِرِيْنِهِ □ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ □ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

و زنان از کار افتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، در

حالی که

(در برابر مردم) خودآرایی نکنند. و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است. و خداوند شنوا و داناست.

لَيْسَ عَلَى الْمَاعَمِي حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ □ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا □ فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ □ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار ایرادی نیست (که با شما هم

غذا شوند)، و بر شما نیز ایرادی نیست که از خانه های خودتان [=خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می شود بدون اجازه خاصی] غذا

بخورید.

و همچنین خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمه هاییتان، یا خانه های

داییهیتان، یا خانه های خاله هاییتان، یا خانه هایی که کلیدهایش در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان، بر شما ایرادی نیست که بطور دسته جمعی یا

جداگانه غذا بخورید. و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشان سلام کنید، سلام و تحیتی

از سوی خداوند، سلامی پربرکتو پاکیزه. این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می کند، باشد که بیندیشید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيُغْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٦٢)

مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار جامع (و مهمی) با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند. کسانی

که از تو اجازه می گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند. در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای (مهم) خود از تو اجازه بخواهند، به هر کدام که می

خواهی (و صلاح می بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۚ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٦٣)

دعوت پیامبر (از شما) را در میان خود، مانند دعوت از

یکدیگر قرار ندهید. (و از دعوت پیامبر هیچگاه تخلف نکنید) خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می شوند، و یکی پس از دیگری فرار می کنند می

داند. پس کسانی که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از این که فتنه ای دامانشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد!

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٦٤)

آگاه باشید که برای

خداست آنچه در آسمانها و زمین است.

او می داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می داند) روزی را که به سوی او بازگردانده می شوند. و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می سازد. و

خداوند به هر چیزی داناست.

٢٥ - سوره الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهندگان

باشد.

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (۲)

خداوندی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی (برای خود) انتخاب نکرده، و همتایی در حکومت ندارد، و همه چیز را آفرید و به دقت اندازه گیری نمود.

ص: ۳۵۹

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يُخْلِقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا (۳)

آنان غیر از خداوند معبودانی (برای خود) برگزیدند. که چیزی را نمی آفرینند، در حالی که خودشان مخلوقند، نه مالک زیان و سود خویشند، و نه مالک مرگ و حیات

و رستاخیز خود.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتِرَاءِ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ □ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (۴)

و کافران گفتند: «این (قرآن) فقط دروغی است که او به خدا افترا بسته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده اند.» آنها (با این سخن)، ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند.

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ □ اَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى □ عَلَيْهِ بُكْرَةٌ وَأَصِيلًا (۵)

و گفتند: «این همان افسانه های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می شود.»

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۶)

بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می داند. به یقین او (همیشه) آمرزنده و مهربان بوده است.»

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ □ لَوْلَا نُزِّلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷)

و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا (لااقل) فرشته ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انداز کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟!»

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا □ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَشْحُورًا (۸)

یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟! و ستمکاران گفتند: «شما تنها از مردی افسون شده پیروی می کنید!»

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹)

بین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، و توان پیدا کردن راه را ندارند!

□
تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا (۱۰)

زوال ناپذیر و پربرکت است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از اینها قرار می دهد: باغهایی که نهرها از پای درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلل قرار می دهد.

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (۱۱)

بلکه (اینها همه بهانه است و) آنان قیامت را تکذیب کرده اند. و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعلهور و سوزان فراهم کرده ایم!

ص: ۳۶۰

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (۱۲)

هنگامی که (این آتش) آنان را از مکانی دور ببیند، صدای خشم آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است می شنوند.

وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳)

و هنگامی که در جای محدود و تنگی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، در آنجا فریاد واویلائی آنان بلند می شود!

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (۱۴)

(به آنان گفته می شود:) امروز یک بار واویلا کم است، بلکه بسیار واویلا بگویید!

□
قُلْ أَذِلَّكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ □ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَاصِرًا (۱۵)

(ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و سرانجامشان است.»

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ □ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا (۱۶)

هر چه بخواهند در آن جا برایشان فراهم است. جاودانه در آن خواهند ماند.

این وعده ای است مسلم که پروردگارت بر عهده گرفته است.

□
وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (۱۷)

(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و آنچه را که غیر از خدا می پرستند جمع می کند، آنگاه به آنها می گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خودشان راه را گم کردند؟!»

□
قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَتَّبِعِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (۱۸)

(در پاسخ) می گویند: «منزهی تو! برای ما سزاوار نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا این که (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و همگی تباه و هلاک شدند.»

فَقَدْ كَذَّبُواكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا □ وَمَنْ يَطْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (۱۹)

(خداوند به آنان می گوید: ببینید معبودهایتان، شما را در آنچه می گوید تکذیب کردند. اکنون نمی توانید عذاب الهی را برطرف سازید، یا از کسی یاری بطلبید. و هر کس از شما ستم کند، عذاب شدیدی به او می چشانیم!

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۖ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۚ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا (۲۰)

ما هیچ یک از پیامبران را پیش از تو نفرستادیم مگر این که آنها نیز غذا می خوردند و در بازارها (برای تهیه نیازشان) راه می رفتند. و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می کنید (و از عهده امتحان بر می آید)؟! و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است.

ص: ۳۶۱

□ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا □ لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (۲۱)

و کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز)، ندارند گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگاران را با چشم نمی بینیم؟!» آنها تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند!

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲۲)

(آنها فرشتگان را خواهند دید، اما) روزی که فرشتگان را می بینند، (در آن) روز هیچ بشارتی برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است).

و می گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید.» (اما سودی ندارد).

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا (۲۳)

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند می رویم، و همه را همچون غباری پراکنده (در هوا) قرار می دهیم.

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (۲۴)

بهشتیان در آن روز بهترین جایگاه و نیکوترین استراحتگاه را دارند.

وَيَوْمَ تَسْقُطُ السَّمَاوَاتُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا (۲۵)

و (همان) روزی که آسمان با ابرها شکافته می شود، و فرشتگان پی در پی نازل می گردند.

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ □ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (۲۶)

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است. و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود!

وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷)

روزی که ستمکار دستان خود را

(از شدت حسرت) به دندان می گزد و می گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم!

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸)

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را به دوستی انتخاب نکرده بودم!

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي □ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹)

او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آن که (یاد حق) به سراغ من آمده بود.» و شیطان همیشه انسان را تنها و بی یاور می گذارد.

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰)

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را متروک ساختند.»

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ □ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا (۳۱)

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم. اما همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً □ كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ □ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (۳۲)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟!» این (نزول تدریجی) برای این است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را بتدریج بر تو خواندیم.

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳)

آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر این که ما حق و بهترین تفسیر را برای تو می آوریم، (و پاسخی قاطع که در برابر آن ناتوان شوند).

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۳۴)

(تو را متهم به گمراهی می کنند، ولی)، آنان که بر صورت‌هایشان به سوی جهنم محشور می شوند، بدترین محل را دارند و گمراه ترین افرادند.

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمْزَنَاهُمْ تَدْمِيرًا (۳۵)

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (امی آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما آنان را به طور کامل هلاک کردیم.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (۳۶)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم. و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم.

وَقَوْمِ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۷)

و قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را نشانه و عبرتی برای مردم قرار دادیم. و برای ستمکاران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم!

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرِّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (۳۸)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب رس [= گروهی که درختان صنوبر را می پرستیدند] و اقوام بسیاری را که در این میان بودند، (هلاک کردیم)

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (۳۹)

و برای هر یک از آنها مثلها زدیم. و (چون سودی نداد)، همگی را نابود کردیم

وَلَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوْءًا ۖ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ۖ بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (۴۰)

(مشرکان مکه) از کنار شهری که باران شرّ بر آن باریده بود [= دیار قوم لوط که خداوند آن را سنگباران کرده بود] گذشتند. آیا آن را نمی دیدند؟!]

(آری، می دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند.

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوءًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱)

و هنگامی که تو را می بینند، کاری جز مسخره کردن تو ندارند (و می گویند): آیا این همان کسی است که خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟!

إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا □ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۲)

اگر ما بر (پرستش) معبودهایمان استقامت نمی کردیم، بیم آن می رفت که ما را گمراه سازد! اما هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می فهمند چه کسی گمراه تر بوده است!

□
أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (۴۳)

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می توانی به دفاع از او برخیزی (و او را هدایت کنی)؟!

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ ۚ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴)

آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند.

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۴۵)

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می خواست آن را ساکن قرار می داد. سپس خورشید را دلیلی بر آن قرار دادیم.

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۴۶)

سپس آن را آهسته جمع می کنیم (و نظام حیات بخش سایه و آفتاب را حاکم می سازیم).

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷)

او کسی است که شب را برای شما پوشش قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حیات (و حرکت).

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸)

او کسی است که بادهای را بشارتگرانی پیش از (باران) رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم،

لُنَجِّيَ بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (۴۹)

تا بوسیله آن، سرزمین مرده ای را زنده کنیم. و آن را به مخلوقاتی که آفریده ایم _ چهار پایان و انسانهای بسیار _ بنوشانیم.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ ۖ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۵۰)

ما این آیات را بصورت‌های گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکر شوند، ولی بیشتر مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند.

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَوْمٍ نَذِيرًا (۵۱)

و اگر می خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم دهنده ای بر می انگیزیم (ولی این کار لزومی نداشت).

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (۵۲)

بنابراین از کافران اطاعت مکن، و بوسیله قرآن با آنان مبارزه

و جهاد بزرگی بنما.

□ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (۵۳)

او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرارداد. این گوارا

و شیرین، و آن شور و تلخ. و در میان آنها برزخی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند گویی هر یک به دیگری می گوید): دور باش و نزدیک نیا!

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا □ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۵۴)

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید. سپس او را (دارای) نسب و سبب قرار داد(و نسل او را از این دو طریق گسترش داد). و پروردگار تو همواره توانا بوده است.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ □ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا (۵۵)

و آنان جز خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان سودی می رساند و نه زیانی. و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۵۶)

(ای پیامبر!) ما تو را جز بشارت دهنده و بیم دهنده نفرستادیم.

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلًا (۵۷)

بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) از شما هیچ گونه پاداشی نمی طلبم. مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند (و این پاداش من است).»

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ □ وَكَفَىٰ بِهِ بُدُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (۵۸)

و توکل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد. و تسبیح و حمد او را بگو. و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است.

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ □ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (۵۹)

همان کسی که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [= شش دوران] آفرید. سپس بر عرش (قدرت و تدبیر جهان هستی) قرار گرفت، او خداوند رحمان است. از او بخواه که از همه چیز آگاه است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا □ (۶۰)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید.» می گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلا رحمان را نمی شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می دهی؟!» (این سخن را می گویند) و بر نفرتشان افزوده می شود.

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا (۶۱)

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که در آسمان منزلگاههایی برای ستارگان قرار داد. و در میان آن، چراغ روشن (خورشید) و ماه تابان آفرید.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (۶۲)

و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس).

□ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)

بندگان (خاص) خداوند رحمان، کسانی هستند که آرام و بی تکبر بر زمین راه می روند. و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بزرگواری می گذرند).

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۶۴)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ □ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است.

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۶۶)

به یقین جهنم، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!

□
وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷)

و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف و زیاده روی دارند می نمایند و نه سختگیری. بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

ص: ۳۶۵

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ □ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۶۸)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند. و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند. و زنا نمی کنند. و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (۶۹)

عذاب او در روز قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند.

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۰)

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند سیئات آنان را به حسنات مبدل می کند. و خداوند همواره آمرزنده

و مهربان بوده است.

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (۷۱)

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به سوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد).

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۷۲)

و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند). و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند.

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳)

و کسانی که هر گاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی افتند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! همسران و فرزندانمان را مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را پیشوایی برای پرهیزگاران گردان.»

□
أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (۷۵)

(آری،) آنها هستند که در برابر شکیباییشان درجات عالی بهشت به آنان پاداش داده می شود. و در آن، با تحیت و سلام رو به رو می شوند.

خَالِدِينَ فِيهَا ۖ حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۷۶)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند. چه قرارگاه و محل اقامت نیکویی!

قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (۷۷)

بگو: «پروردگرم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای شما نباشد. شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل دامان شما را خواهد گرفت و) از شما جدا نخواهد شد.»

ص: ۳۶۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * طسم.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این آیات کتاب روشنگر است.

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳)

گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر این که آنها ایمان نمی آورند!

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (۴)

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن (بی اختیار) خاضع گردد.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵)

و هیچ یادآوری تازه ای از سوی خداوند رحمان برای آنها نمی آید مگر این که از آن رویگردان می شوند.

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۶)

آنان تکذیب کردند. اما بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می کردند به آنان می رسد!

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۷)

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چه قدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً □ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۸)

در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا). ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده اند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۹)

و پروردگار تو توانا و مهربان است.

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى □ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمکار برو،

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۖ أَلَا يَتَّقُونَ (۱۱)

(همان) قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟!

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (۱۲)

(موسی) گفت: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند!

وَيُضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ هَارُونَ (۱۳)

و سینه ام تنگ می شود، و زبانم (بقدر کافی) گویا نیست. (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند).

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (۱۴)

و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند. می ترسم مرا بکشند

(و این رسالت به پایان نرسد)!

قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ (۱۵)

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی توانند انجام دهند)، شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید. ما با شما هستیم

و (سخنانتان را) می شنویم.

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

به سراغ فرعون بروید و بگویید: «ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم.

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۷)

بنی اسرائیل را با ما بفرست.» (آنها به سراغ فرعون آمدند).

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (۱۸)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم،

و سالهایی از زندگیت را در میان ما نبود؟!

وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۱۹)

و سرانجام، آن کارت را

(که نمی بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسان بودی!»

ص: ۳۶۷

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (۲۰)

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی خبران بودم.

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲۱)

و چون از شما ترسیدم از میان شما فرار کردم. و پروردگرم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد.

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۲)

آیا این که بنی اسرائیل را برده خود ساخته ای، نعمتی است که منت آن را بر من می گذاری؟!»

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳)

فرعون گفت: «پروردگار جهانیان چیست؟!»

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا □ إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (۲۴)

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر خواهان یقین هستید.»

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲۵)

(فرعون) به اطرافیاناش گفت: «آیا نمی شنوید (این مرد چه می گوید)؟!»

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (۲۶)

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.»

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷)

(فرعون) گفت: «(این) پیامبری که به سوی شما فرستاده شده به یقین دیوانه است.»

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا □ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸)

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می گرفتید.»

□
قَالَ لَئِنِ اتَّخَذتْ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (۲۹)

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، مسلماً تو را از زندانیان قرار خواهم داد!»

قَالَ أَوْلُو جِثَّتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (۳۰)

(موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!»

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۱)

گفت: «اگر راست می گویی آن را بیاور!»

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۳۲)

در این هنگام موسی عصای خود را افکند،

و ناگهان اژدهای آشکاری شد.

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّاطِرِينَ (۳۳)

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد،

و در برابر بینندگان سفید و نورانی بود.

قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۳۴)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحری ماهر و دانا است!

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۵)

او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند. شما چه نظر می دهید؟»

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۳۶)

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده. و مأموران را برای گردآوری (ساحران) به تمام شهرها اعزام کن،

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ (۳۷)

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند.»

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۳۸)

سرانجام ساحران برای وعده گاهِ روزِ معینی جمع آوری شدند.

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ (۳۹)

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می کنید،

ص: ۳۶۸

لَعَلْنَا نَتَّبِعَ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۴۰)

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!»

فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۴۱)

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمتی خواهیم داشت؟»

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۲)

گفت: «آری، و در آن صورت مسلماً شما از مقربان خواهید بود.»

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (۴۳)

(روز موعود فرا رسید)

و همگی جمع شدند. موسی به ساحران گفت: «آنچه (از وسایل سحر) می خواهید بیفکنید، بیفکنید!»

فَأَلْقُوا جِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «سوگند به عزت فرعون که ما به یقین پیروزیم!»

فَأُلْقِيَٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید.

فَأُلْقِيَ السَّحْرَةُ سَاجِدِينَ (۴۶)

در این هنگام همه ساحران به سجده افتادند.

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷)

گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم،

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۴۸)

پروردگار موسی

و هارون.»

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبِيلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ □ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَيْتُمْ تَغْلَبُونَ □ لَمَّا قَطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ
وَأَصْلَبْنَكُمْ أَجْمَعِينَ (۴۹)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از این که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! به یقین او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر
آموخته (و این یک توطئه است). اما بزودی خواهید دانست! دستها و پاهای شما را بعکس یکدیگر (دست راست با پای چپ
یا به عکس) قطع می کنم، و همه شما را به دار می آویزم!»

قَالُوا لَا ضَيْرَ □ إِنَّا إِلِي رَبَّنَا مُنْقَلِبُونَ (۵۰)

گفتند: «مهم نیست، (هر کاری از دست ساخته است بکن). ما به سوی پروردگاران باز می گردیم.

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱)

ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببامزد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم.»

□ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِلَيْكُمْ مُتَّبِعُونَ (۵۲)

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را

(از مصر با خود) ببر، زیرا شما مورد تعقیب هستید.

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۵۳)

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران گردآوری نیرو را به شهرها فرستاد،

□ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (۵۴)

(و گفت:) به یقین اینها گروهی اندکند.

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (۵۵)

و اینها ما را به خشم آورده اند.

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ (۵۶)

و ما همگی آماده پیکاریم.

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۷)

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه ها بیرون راندیم،

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۵۸)

و از گنجها و قصرهای مجلل

□
كَذَلِكَ وَأَوْزَيْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

(آری،) اینچنین کردیم. و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم.

فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ (۶۰)

آنان (به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و) به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند.

ص: ۳۶۹

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (۶۱)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یارانِ موسی گفتند: «ما (در چنگال فرعونیان) گرفتار شدیم!»

قَالَ كَلَّا ۚ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۶۲)

(موسی) گفت: «چنین نیست! به یقین پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد.»

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۚ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (۶۳)

و به دنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن.» (او چنین کرد) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی شد!

وَأَرْزَلْنَا تَمَّ الْآخِرِينَ (۶۴)

و دیگران [= لشکر فرعون] را نیز به دریا نزدیک ساختیم.

وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُ أَجْمَعِينَ (۶۵)

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم.

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ (۶۶)

سپس دیگران را غرق کردیم.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۚ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (۶۷)

در این ماجرا، نشانه روشنی بود ولی بیشترشان ایمان نیاوردند. (چرا که طالب حق نبودند).

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶۸)

و پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است.

وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

و بر آنان سرگذشت ابراهیم را بخوان،

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (۷۰)

هنگامی که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش آزر بود] و قوم او گفت: «چه چیز را می پرستید؟!»

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ (۷۱)

گفتند: «بت‌هایی را می پرستیم، و پیوسته ملازم عبادت آنهایم.»

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۷۲)

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما رامی شنوند؟!»

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ (۷۳)

یا سود و زیانی به شما می رسانند؟!»

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (۷۴)

گفتند: «ما پدران خود را یافتیم که چنین می کنند.»

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۷۵)

گفت: «آیا خبر دارید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید،

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ (۷۶)

شما و پدران پیشین شما،

فَأِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (۷۷)

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار جهانیان.

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (۷۸)

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمایم می کند،

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۷۹)

و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید،

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰)

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد،

وَالَّذِي يُمَيِّنُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱)

و کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند،

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۸۲)

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن.

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (۸۳)

و کسی که امید دارم خطایم را در روز جزا بیامرزد.

ص: ۳۷۰

وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (۸۴)

و برای من در میان امتهای آینده، نام نیکی قرار ده.

وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (۸۵)

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان.

وَأَعْفِرْ لَأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۸۶)

و پدرم [=عمویم] را ببامرز، که او از گمراهان بود.

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۸۷)

و در آن روز که مردم برانگیخته می شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن.

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۸)

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.»

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۹)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشند،

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ (۹۰)

(در آن روز)، بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می شود،

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (۹۱)

و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد،

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۹۲)

و به آنان گفته می شود: «کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می کردید،

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ (۹۳)

(معبودهایی) غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می کنند، یا کسی به یاری آنها می آید؟!»

فَكَتَبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (۹۴)

پس همه آن معبودان با عابدانِ گمراه به دوزخ افکنده می شوند.

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (۹۵)

و (همچنین) همگی لشکریان ابلیس.

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (۹۶)

آنها در آن جا در حالی که به مخاصمه برخاسته اند می گویند:

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۹۷)

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم،

إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۹۸)

چون شما را با پروردگار جهانیان برابر می شمردیم!

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (۹۹)

و کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد.

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (۱۰۰)

(افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد،

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (۱۰۱)

و نه دوست گرم و پر محبتی.

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۲)

ای کاش بار دیگر باز می گشتیم تا از مؤمنان باشیم!

□
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً □ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

به یقین در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است. ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

و پروردگار تو توانا و مهربان است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (۱۰۵)

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۰۶)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۰۷)

به یقین من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۰۸)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹)

من برای این (دعوت)، هیچ پاداشی از شما نمی طلبم. پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۱۰)

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.»

ۖ قَالُوا أَتُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ (۱۱۱)

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده اند؟!»

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۲)

(نوح) گفت: «من چه می دانم آنها چه کاری انجام می داده اند!

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَيَّ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (۱۱۳)

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می فهمیدید.

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۴)

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد.

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۱۵)

من تنها بیم دهنده ای آشکارم.»

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (۱۱۶)

گفتند: «ای نوح! اگر (از ادعاهای خود) دست برداری، سنگسار خواهی شد.»

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (۱۱۷)

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند.

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

اکنون میان من و آنها جدایی بيفکن. و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش.»

فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ (۱۱۹)

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم.

ثُمَّ أَعْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ (۱۲۰)

سپس باقی ماندگان را غرق کردیم.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۲۱)

در این ماجرا نشانه روشنی بود. اما بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۲۲)

و پروردگار تو توانا و مهربان است.

كَذَّبَتْ عَادُ الْأُمُوسَلِينَ (۱۲۳)

قوم عاد (نیز) پیامبران را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۲۵)

به یقین من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۲۶)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَنْجَرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۷)

من در برابر این دعوت، هیچ پاداشی از شما نمی طلبم. پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

أَتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸)

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه ای از روی هوا و هوس می سازید؟!

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹)

و قصرهای محکم (و قلعه های زیبا) بنا می کنید به امید اینکه (در دنیا) جاودانه بمانید؟!

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (۱۳۰)

و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جباران کیفر می دهید!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۳۱)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ (۱۳۲)

و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید یاری کرده.

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ (۱۳۳)

شما را به چهارپایان

و نیز پسران (برومند) امداد فرموده.

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۳۴)

و (همچنین) به باغها و چشمه ها

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳۵)

(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم!

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (۱۳۶)

(قوم عاد) گفتند: «برای ما تفاوت نمی کند، چه ما را اندرز دهی یا ندهی. (ما به تو ایمان نمی آوریم).

ص: ۳۷۲

إِن هَذَا إِلَّا خُلِقَ الْأَوَّلِينَ (۱۳۷)

این همان روش و اخلاق پیشینیان است.

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (۱۳۸)

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد.

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ □ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً □ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم. و در این، ماجرا نشانه روشنی بود. ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۴۰)

و به یقین پروردگار تو توانا و مهربان است.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۱۴۱)

قوم ثمود (نیز) پیامبران را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۴۲)

هنگامی که برادرشان صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید!؟»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳)

من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۴۴)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ □ □ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۴۵)

من در برابر این (دعوت)، پاداشی از شما نمی طلبم. پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

أَتَتْرُكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (۱۴۶)

آیا (شما فکر می کنید) همیشه در نهایت امتیّت در نعمتهایی که این جاست می مانید،

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۴۷)

در این باغها و چشمه ها،

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۱۴۸)

در میان کشتزارها و نخلهایی که میوه هایش شیرین و رسیده است؟!

وَتَنَجِّتُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَتُوتًا فَارِهِينَ (۱۴۹)

و از کوهها خانه هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۵۰)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ (۱۵۱)

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید.

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۱۵۲)

همان کسانی که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند.»

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۵۳)

گفتند: «ای صالح! تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده ای).

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۵۴)

تو فقط بشری همچون مایی. اگر راست می گویی معجزه و نشانه ای بیاور!»

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ (۱۵۵)

گفت: «این ناقه ای است که (معجزه الهی است) برای او سهمی از آب (قریه)، و برای شما سهم روز معینی است.

وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۵۶)

هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!»

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ (۱۵۷)

سرانجام (بر آن ناقه حمله نموده) آن را از پای در آوردند، سپس از کرده خود پشیمان شدند.

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً □ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۵۸)

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت. در این ماجرا نشانه روشنی بود. ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۵۹)

و پروردگار تو توانا و مهربان است.

ص: ۳۷۳

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ (۱۶۰)

قوم لوط (نیز) پیامبران را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۶۱)

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید!؟»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۶۲)

من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۶۳)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَنْجَرِي إِلَّا عَلَيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۴)

من در برابرین (دعوت)، هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، پاداش من فقط بر پروردگار جهانیان است.

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (۱۶۵)

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی پیشه می کنید).

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۱۶۶)

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید! حقا شما قوم تجاوزگر

(و زشت کاری) هستید!

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (۱۶۷)

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین تو را (از شهر) بیرون خواهیم کرد.»

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (۱۶۸)

گفت: «من از دشمنان سرسخت عمل (پلید) شما هستم.

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (۱۶۹)

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می دهند رهایی بخش.»

فَنَجِّينَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۷۰)

ما او و تمامی خاندانش رانجات دادیم،

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۱۷۱)

جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود.

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ (۱۷۲)

سپس دیگران را هلاک کردیم.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۱۷۳)

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرو ریختیم. چه بد بود باران انذار شدگان!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۴)

در این ماجرا نشانه (و عبرتی) بود. اما بیشترشان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۷۵)

و پروردگار تو توانا و مهربان است.

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (۱۷۶)

اصحاب «ایکه» [= صاحبان سرزمینهای پردرخت] پیامبران را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۷۷)

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۷۸)

به یقین من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۷۹)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۰)

من در برابر این (دعوت)، هیچ پاداشی از شما نمی طلبم. پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

ۖ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱)

حق پیمانانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و به دیگران زیان نرسانید.

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲)

و با ترازوی صحیح وزن کنید.

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳)

و از اموال مردم چیزی کم نگذارید، و در زمین به فساد نکوشید.

ص: ۳۷۴

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِيلَ الْأَوَّلِينَ (۱۸۴)

از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۸۵)

آنها گفتند: «تو فقط از افسون شدگانی

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نُنْظِقُكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۱۸۶)

و تو بشری همچون ما هستی. و ما تو را از دروغ گویان می دانیم.

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۸۷)

اگر راست می گویی، قطعات (سنگهای) آسمانی را بر ما بباران!

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸۸)

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می دهید داناتر است.»

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ □ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۸۹)

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذابِ روزِ سایبان (سایبانی از ابرِ صاعقه خیز) آنها را فرا گرفت. به یقین آن عذاب روزی بزرگ بود!

□
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً □ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۹۰)

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) بود. ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۹۱)

و پروردگار تو توانا و مهربان است.

وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲)

به یقین این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است.

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳)

روح الامین آن را نازل کرده،

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴)

بر قلب (پاک) تو، تا از بیم دهندگان باشی.

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (۱۹۵)

(آن را) به زبان عربی (و گویا، و) آشکار (نازل کرد).

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (۱۹۶)

و توصیف آن در کتابهای (آسمانی) پیشینان نیز آمده است.

أُولَٰئِكَ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷)

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟!

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (۱۹۸)

هرگاه ما آن را بر فردی از عجم [= غیر عرب] ها نازل می کردیم،

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۹۹)

و او آن را بر ایشان می خواند، به آن ایمان نمی آوردند.

كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۲۰۰)

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دل‌های مجرمان وارد کردیم.

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۲۰۱)

(اما) به آن ایمان نمی آورند تا عذاب دردناک را مشاهده کنند.

فَيَأْتِيهِمْ بَعْتَهُ وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ (۲۰۲)

ناگهان به سراغشان می آید، در حالی که توجه (و انتظار آن را) ندارند.

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (۲۰۳)

و (در آن هنگام) می گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!»

أَفِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۲۰۴)

یا برای عذاب ما عجله می کنند!؟

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (۲۰۵)

آیا می دانی که، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره مند سازیم،

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ (۲۰۶)

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید،

ص: ۳۷۵

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (۲۰۷)

این تمتع و بهره گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت!

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبِهِ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (۲۰۸)

ما (اهل) هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر این که بیم دهندگانی (از پیامبران الهی) داشتند.

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۰۹)

تا متذکر شوند. زیرا ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجت مجازات کنیم)

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (۲۱۰)

(هرگز) این آیات را شیاطین نازل نکردند.

وَمَا يَتَّبِعِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱)

و برای آنها سزاوار نیست.

و قدرت (بر چنین کاری) ندارند.

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (۲۱۲)

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) بر کنارند.

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (۲۱۳)

(ای پیامبر!) هیچ معبود دیگری را با خداوند یگانه مخوان، که از عذاب شدگان خواهی بود.

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۲۱۴)

و (نخست) خویشاوندان نزديكت را انداز کن.

وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۱۵)

و پر و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند فرود آر.

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

و اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می دهید بیزارم!»

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۲۱۷)

و بر (خداوند) توانا

و مهربان توکل کن.

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ (۲۱۸)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) بر می خیزی می بیند.

وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (۲۱۹)

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده کنندگان (مشاهده می کند).

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲۲۰)

اوست (خدای) شنوا و دانا.

هَلْ أُتْبِعُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ (۲۲۱)

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟!

تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۲۲۲)

آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می گردند.

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ (۲۲۳)

شنیده هایشان را (به دیگران) القا می کنند. و بیشترشان دروغگو هستند.

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴)

(پیامبر اسلام شاعر نیست.) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (۲۲۵)

آیا ندیدی آنها در هر وادی سرگردانند؟

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (۲۲۶)

و سخنانی می گویند که (به آنها) عمل نمی کنند!؟

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا □ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (۲۲۷)

مگر کسانی (از آنها) که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند و خدا را بسیار یاد کردند، و به هنگامی که مورد ستم واقع شدند به دفاع از خویشان (و مؤمنان) بر می خاستند. (و از اشعارشان در این راه کمک گرفتند) و کسانی که ستم کردند بزودی خواهند دانست که به کدامین جایگاه باز می گردند!

ص: ۳۷۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طس □ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان طس، این آیات قرآن و کتاب مبین است،

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

که وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳)

همان کسانی که نماز را برپا می دارند، و زکات را ادا می کنند، و آنها که به آخرت یقین دارند.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد) شان را برای آنان زینت می دهیم به گونه ای که (در تشخیص حق) سرگردان می شوند.

□ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ (۵)

آنان کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنهاست. و آنها در آخرت، زیانکارترین مردمند!

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (۶)

به یقین این قرآن از سوی (خداوند) حکیم و دانا بر تو القا می شود.

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَتِ كَيْفَ مِنْهَا بَخْبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۷)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی (از دور) دیدم. (همین جا توقف کنید). بزودی خبری از آن برای شما می آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید.»

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «پر برکت باد آن کس که در آتش است و آن کس که در اطراف آن است [فرشتگان و موسی]!»

و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است!

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

ای موسی! من خداوند توانا

و حکیمم.

وَأَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسَىٰ ۙ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)

و عصایت را بیفکن!_ هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می دود، (ترسید و) پشت کرد (و گریخت)، و حتی به پشت سر خود نگاه نکرد_ ای موسی! نترس، که پیامبران در نزد من نمی ترسند.

إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱)

مگر کسی که ستم کرده. سپس بدی را به نیکی تبدیل نموده، که (توبه او را می پذیرم) زیرا منم آمرزنده مهربان.

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ ۚ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۱۲)

ودستت را در گریبانَت داخل کن. هنگامی که خارج می شود، سفید و نورانی است بی آن که عیبی در آن باشد. این از جمله معجزات نه گانه ای است که تو با آنها به سوی فرعون و قومش فرستاده می شوی. آنان قومی فاسق و نافرمانند.»

ص: ۳۷۷

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳)

و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری آشکار است!»

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴)

و آن را از روی ظلم و تکبر انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند.

پس بنگر سرانجام تبهکاران و مفسدان چگونه بود!

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا ۖ وَقَالَ الْإِنَّمُوتُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَيَّ كَثِيرٌ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵)

و ما به داود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم. و آنان گفتند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.»

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ ۖ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۖ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)

و سلیمان وارث داود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده به یقین. این فضیلت آشکاری است.»

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷)

لشکریان سلیمان، از جنّ و انس و پرندگان، نزد او گردآوری شدند، آنها (آن قدر زیاد بودند که) باید توقف می کردند تا به هم ملحق شوند.

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَيَّ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)

(سپس حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند. مورچه ای گفت: «ای مورچگان! به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی فهمند.»

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱۹)

(سلیمان) از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام کن، (و توفیق ده) تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا به رحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن.»

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰)

(سلیمان) جویای حال پرندگان شد و گفت «چرا هدهد را نمی بینم، آیا او از غایبان است؟!»

لَأَعَذِّبَنَّكَ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنَّكَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۱)

به یقین او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می کنم، مگر آن که دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد!»

ص: ۳۷۸

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۲)

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می کند، و همه چیز به او داده شده، و (بخصوص) تخت سلطنتی بزرگی دارد!

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ (۲۳)

چندان درنگ نکرد (که هدیه آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی. من از سرزمین «سبا» خبری قطعی برای تو آورده ام.

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)

او و قومش را دیدم که برای خورشید سجده می کنند نه برای خدا. و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه (حق) بازداشته. از این رو هدایت نمی شوند

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۵)

تا برای خداوندی سجده کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد، و آنچه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند؟! □

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ □ (۲۶)

خداوند یگانه ای که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است.»

□ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۷)

(سلیمان) گفت: «تحقیق می کنیم ببینیم آیا راست گفتی یا از دروغگویان هستی.

□ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقِهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۸)

این نامه مرا ببر و آن را بر آنان بیفکن. سپس برگرد (و در گوشه ای توقف کن) بین آنها چه عکس العملی نشان می دهند.

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكَ كِتَابٌ كَرِيمٌ (۲۹)

(ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده!

□ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰)

ین نامه از سلیمان است،

و چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان.

أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۱)

توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید، و به سوی من آید در حالی که تسلیم (حق) هستید.»

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ (۳۲)

(سپس) گفت: «ای اشراف! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید، که من درباره هیچ کار مهمی، بدون حضور (و مشورت) شما تصمیم نگرفته ام.»

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (۳۳)

گفتند: «ما دارای نیروی زیاد و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی فرمان با توست. ببین چه دستور می دهی.»

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَها أَهْلِها أَذِلَّةً □ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴)

گفت: «پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد

و تباهی می کشند، و عزیزان آن جا را ذلیل می کنند. (آری) روش آنان همواره این گونه است.

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی بینم)، هدیه گرانبهایی برای آنان می فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می آورند (تا از این طریق آنها را بیازمایم).»

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)

هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد، گفت: «می خواهید مرا با مالی کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده. بلکه شماست که به هدیه هایتان شاد می شوید.

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

به سوی آنان باز گرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می آیم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند. و آنان را از آن (سرزمین) با ذلت و حقارت بیرون می رانیم!

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)

(سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آن که به حال تسلیم نزد من آیند؟»

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ □ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹)

فرد نیرومندی از جن گفت: «من آن را نزد تو می آورم پیش از آن که از جایگاهت برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم.»

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ □ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ □ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ □ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰)

(امیر) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «من پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می آورم یا کفران می کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند. و هر کس کفران نماید (به خودش زیان رسانده)، چراکه پروردگار من، بی نیاز و بخشنده است.»

قَالَ نَكُرُوا لَهُا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَّا يَهْتَدُونَ (۴۱)

سلیمان گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید. ببینیم آیا متوجه می شود یا از کسانی است که هدایت نمی شوند؟!»

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ □ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ □ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)

هنگامی که (ملکه سبا) آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: «گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم.»

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ □ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا □ قَالَتْ إِنَّهُ صِرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ □ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ

نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

به او گفته شد: «داخل قصر شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد. امّا سلیمان) گفت: «این (آب نیست، بلکه) قصری است از بلور شفاف.» (ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم. و (اینک) با سلیمان به خداوندی که پروردگار جهانیان است اسلام آوردم.»

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۴)

و (سلیمان) او را از آنچه غیر از خدا می پرستید باز داشت، که او

[=ملکه سبا] از قوم کافران بود.

ص: ۳۸۰

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۴۵)

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» رافرستادیم که: خدای یگانه را پرستید. اما آنان به دو گروه تقسیم شدند و به مخاصمه پرداختند.

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ □ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۶)

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا قبل از نیکی برای بدی عجله می کنید (و عذاب الهی را می طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند آمرزش نمی طلبید، شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!»

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ □ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ □ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم.» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می گردد). بلکه شما گروهی فریب خورده هستید.»

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تَشْعُرٌ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸)

و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین به فساد می پرداختند

و اصلاح نمی کردند.

قَالُوا تَفَاسَمُوا بِاللَّهِ لَكَبَيْتِنَهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۴۹)

آنها گفتند: «بیایید به خدا هم قسم شوید که بر او [=صالح] و خانواده اش شایسته می زنیم (و آنها را به قتل می رسانیم). سپس به ولی دَم او می گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود راستگو هستیم.»

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۰)

آنها توطئه مهمی چیدند، و ما هم تدبیر مهمی داشتیم. در حالی که آنها نمی فهمیدند.

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱)

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان را همگی نابود کردیم!

□
فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)

این خانه های آنهاست درحالی که بخاطر ظلم و ستمشان فرو ریخته.

و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند.

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳)

و کسانی را که ایمان آورده

و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم.

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴)

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می بینید؟!»

أَنْتُمْ كَمَا تَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ □ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵)

آیا شما از روی شهوت به جای زنان، به سراغ مردان می روید؟! شما گروهی جاهل هستید.»

ص: ۳۸۱

﴿ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ ﴾ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ (۵۶)

قوم او پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی هستند که پاکدامنی را می طلبند!»

﴿ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاَهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (۵۷)

ما او

و خانواده اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدر کردیم جزء باقی ماندگان (در آن شهر) باشد.

﴿ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ﴾ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۵۸)

سپس بارانی (از سنگ) بر آنها فرو ریختیم (و همگی زیر آن مدفون شدند). و چه بد بود باران بیم داده شده گان!

﴿ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ﴾ أَلَلَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ (۵۹)

بگو: «ستایش مخصوص خداست.

و سلام بر بندگان برگزیده اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرار می دهند؟!

﴿ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ﴾ أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ ﴿ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (۶۰)

(آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویانندیم. شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبودی با خداست؟! (چنین نیست)، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همطراز (پروردگارشان) قرار می دهند.

﴿ أَمَّنْ جَعَلَ الْمَارِضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ﴾ أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ ﴿ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوههای ثابت و استوار ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا آب شور و شیرین با هم مخلوط نشود. با این حال) آیا معبودی با خداست؟! (چنین نیست)، بلکه بیشتر آنان نمی دانند (و جاهلند).

﴿ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكَ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ﴾ أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ ﴿ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

یا کسی که (دعای) مضطر را هنگامی که او را بخواند اجابت می کند و ناراحتی (او) را برطرف می سازد، و شما را خلفای

زمین قرار می دهد. آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می شوید.

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُزِيلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ □ أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ □ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۳)

یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا راهنمایی می کند، و کسی که بادهای را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد. (با این حال) آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند.

ص: ۳۸۲

أَمَّنْ يَبْدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ □ أَلَيْهَ مَعَّ اللَّهُ □ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٦٤)

یا کسی که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد. آیا معبودی با خداست؟! بگو: «اگر راست می گوید دلیل تان را بیاورید!»

قُلْ لَّا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ □ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (٦٥)

بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی دانند جز خدا، و نمی دانند چه زمانی (در قیامت) برانگیخته می شوند.»

بَلْ إِدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ □ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا □ بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ (٦٦)

آنها

[= مشرکان] اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند. بلکه در اصل آن شک دارند. بلکه نسبت به آن نابینا (و کور دل) هستند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَنِنَّا لَمُخْرَجُونَ (٦٧)

و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما

و پدرانمان خاک شدیم، (زنده می شویم و از دل خاک) بیرون می آییم؟! »

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٦٨)

این وعده ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده. اینها همان افسانه های پیشینیان است.»

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (٦٩)

بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید سرانجام مجرمان چگونه بود!»

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (٧٠)

و به خاطر (کارهای) آنان اندوهگین (و دلسرد) مشو، و از توطئه های آنان در تنگنا قرار مگیر.

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٧١)

آنها می گویند: «اگر راست می گوید، این وعده (عذاب که به ما می دهید) کی خواهد آمد؟! »

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (٧٢)

بگو: «شاید پاره ای از آنچه درباره آن شتاب می کنید، نزدیک و در کنار شما باشد.»

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

به یقین پروردگارتو نسبت به مردم، دارای فضل

(و رحمت) است. ولی بیشترشان شکر گزار نیستند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۴)

و پروردگارت آنچه را در سینه هایشان پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند (بخوبی) می داند.

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۷۵)

و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر این که در کتاب مبین (و علم بی پایان پروردگار) ثبت است.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَتْلُو عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۷۶)

این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می کند.

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۷۷)

و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۷۸)

پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می کند. و اوست توانا و دانا.

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (۷۹)

پس بر خدا توکل کن، به یقین تو بر حق آشکار هستی.

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الضَّمَّةَ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۸۰)

مسئلاً تو نمی توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی،

و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند.

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ ۚ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۸۱)

و نیز نمی توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی. تو فقط می توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و (در برابر حق) تسلیمند.

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۸۲)

و هنگامی که فرمان عذاب آنها فرارسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان سخن می گوید که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند.

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (۸۳)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم. و آنها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸۴)

تا زمانی که (به پای حساب) می آیند، (خداوند به آنان) می گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید در حالی که احاطه علمی بر آن نداشتید؟! (بگویند) شما چه اعمالی انجام می دادید؟!»

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ (۸۵)

در این هنگام، به سبب ظلمشان فرمان عذاب بر آنها واقع می شود، و آنها سخنی برای گفتن ندارند.

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۸۶)

آیا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی بخش؟! در این امور نشانه های روشنی است برای کسانی که ایمان می آورند (و آماده قبول حقند).

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ □ وَكُلُّ أَتَوَهُ دَاخِرِينَ (۸۷)

و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها

و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته. و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند.

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ □ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ □ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (۸۸)

کوهها را می بینی، و آنها را ساکن و بی حرکت می پنداری، در حالی که مانند ابرها در حرکتند. این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن و استوار آفریده. به یقین او از کارهایی که شما انجام می دهید آگاه است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَرَعٍ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ (۸۹)

کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت. و آنان از وحشت آن روز در امانند.

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰)

و آنها که کار بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند. آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت!؟

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ □ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۱)

(بگو): من مأمورم که پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده. در حالی که همه چیز از آن اوست. و من مأمورم که از مسلمانان باشم.

وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ □ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ □ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ (۹۲)

و مأمورم قرآن را (برای همگان) تلاوت کنم، هرکس هدایت شود به سود خود هدایت شده. و هر کس گمراه گردد بگو: «من فقط از بیم دهندگانم!»

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيَرِبُكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا □ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۳)

بگو: «ستایش مخصوص خداست. بزودی نشانه هایش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید.

و پروردگار تو از آنچه انجام می دهی غافل نیست.

۲۸ - سوره القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * طسم.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این آیات کتاب مبین است.

نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳)

ما از داستان موسی و فرعون به درستی بر تو می خوانیم، برای گروهی که ایمان می آورند.

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ □ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۴)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود. گروهی از آنها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت. او به یقین از تبه‌کاران بود.

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

ما اراده کرده ایم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

وَنَمَكْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (٦)

و حکومتشان را در زمین استوار سازیم. و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از سوی آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَاِذَا خَفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَمَّا تَخَافِي وَلَمَّا تَخْزَنِي ۖ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (٧)

ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده. و هنگامی که بر (جان) او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن. و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می گردانیم، و او را از پیامبران قرار می دهیم.»

فَالْتَفَتَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۖ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ (٨)

(هنگامی که مادرش به فرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را (از آب) گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! (مسلماً) فرعون

و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند.

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّيَ وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (٩)

همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «او مایه روشنایی چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را به فرزندی برگزینیم.» و آنها نمی فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش می پروراند)!

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۖ إِن كَادَتْ لَتَجِدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَّمْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (١٠)

(سرانجام) قلب مادر موسی (از همه چیز جز یاد فرزندش) تهی گشت. و اگر دل او را بوسیله ایمان (و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را فاش کند

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (١١)

و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «در جستجو (حال) او باش.» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی خبر بودند.

ۖ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (١٢)

ما همه زنان شیر ده را از پیش بر او حرام کرده بودیم (تا تنها به آغوش مادر باز گردد).

و خواهرش (که بی تابی مأموران فرعون را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم

که این نوزاد را برای شما کفالت می کنند

و خیر خواه او می باشند؟!»

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِنَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

سرانجام او را به مادرش باز گرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است. ولی بیشتر آنان نمی دانند.

ص: ۳۸۶

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۖ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۴)

و هنگامی که (موسی) به رشد و کمال رسید، حکمت و دانش به او دادیم. و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ (۱۵)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد. ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند. یکی از پیروان او بود

(و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش. آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود. موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مُرد). موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن

و گمراه کننده ای آشکار است.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۶)

(سپس) عرضه داشت: «پروردگارا! من به خویشتم ستم کردم. مرا ببامرز. خداوند او را آمرزید، که او آمرزنده مهربان است.

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ (۱۷)

گفت: «پروردگارا! به شکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.»

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ ۖ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ (۱۸)

موسی در شهر ترسان شد و هر لحظه در انتظار حادثه

(و خبری) بود. ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می زند

و از او کمک می خواهد. موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی.»

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۖ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ (۱۹)

و هنگامی که (موسی) خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود (و با قدرت مانع او گردد، فریاد او بلند شد)، گفت: «ای موسی! می خواهی مرا بکشی همان گونه که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می خواهی ستمگری در روی زمین باشی، و نمی خواهی از مصلحان باشی!»

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ ۖ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيُقْتَلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (٢٠)

(در این هنگام) مردی با شتاب از دورترین نقطه شهر [= مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی! اطرافیان فرعون برای کشتن تو به مشورت نشسته اند. فوراً (از شهر) خارج شو، که من از خیرخواهان توام.»

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (٢١)

موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای. (به پیشگاه خدا) عرضه داشت: «پروردگارا! مرا از این قوم ستمکار رهایی بخش.»

ص: ۳۸۷

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ (۲۲)

و هنگامی که به سوی مدین حرکت کرد گفت: «امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.»

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجِدَّ عَلَيْهِ أُمَّهُ مِّنَ النَّاسِ يَسْتَقُونَ وَوَجِدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۖ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ۖ قَالَتَا لَا نَشِيْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ ۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (۲۳)

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن جا دید که چهارپایان خود را آب می دهند. و در کنار آنان دو زن را دید که از گوسفندان خویش مراقبت می کنند (و به چاه نزدیک نمی شوند. موسی) به آن دو گفت: «منظور شما (از این کار) چیست؟» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند. و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (قادر بر این کارها نیست).»

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (۲۴)

موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید. سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا! به هر خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم.»

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ۖ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ ۖ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۵)

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او [= شعیب] آمد و سرگذشت خود را برای او شرح داد، گفت: «ترس، از قوم ستمکار نجات یافتی.»

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ ۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (۲۶)

یکی از آن دو (دختر) گفت: «ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و درستکار باشد (و او همین مرد است).»

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِخْدَىٰ ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَيَّ ۖ أَنْ تَأْجُرْنِي ثَمَانِي حِجَجٍ ۖ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۖ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ۖ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

(شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی. و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، (محبوبی) از ناحیه توست. من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم. و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت.»

قَالَ ذَلِكْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ أَيُّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ مَّا نَقُولُ وَكَيْلٌ (۲۸)

(موسی) گفت: «مانعی ندارد، این قراردادی میان من و تو باشد. البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم). و خدا بر آنچه ما می گوییم گواه است.»

ص: ۳۸۸

﴿ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ
مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴾ (۲۹)

هنگامی که موسی مدت (قرار داد) را به پایان رسانید و همراه خانواده اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید. به خانواده اش گفت: «درنگ کنید که من (از دور) آتشی دیدم. (می روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله ای از آتش تا با آن گرم شوید.»

﴿ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴾ (۳۰)

هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست درّه، در آن سرزمین پربرت، از میان درختی ندا آمد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان.

﴿ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ﴿ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدَبِّرًا وَلَمْ يَعْقِبْ ﴿ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ﴿ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴾ (۳۱)

عصایت را بیفکن.» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! (ندا آمد: «ای موسی! برگرد و نترس، تو در امان هستی.

﴿ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ﴿ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
وَمَلَأَهُ ﴿ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴾ (۳۲)

دستت را در گریبان خود فرو بر، هنگامی که خارج می شود سفید و نورانی است بدون عیب و نقص. و دستهایت را برای دوری از ترس و وحشت، بر سینه ات بگذار. این دو (معجزه: عصا و ید بیضا) دو دلیل روشن از پروردگارت به سوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان گروه نافرمانی هستند.»

﴿ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴾ (۳۳)

عرض کرد: «پروردگارا! من یک تن از آنان را کشته ام. می ترسم مرا به قتل برسانند.

﴿ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ﴿ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴾ (۳۴)

و برادرم هارون زبانش از من فصیح تر است. او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند. زیرا می ترسم مرا تکذیب کنند.»

﴿ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ مَلَأَةً فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ﴿ بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعُكُمَا الْغَالِبُونَ ﴾ (۳۵)

فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم، و برای شما سلطه

و برتری قرار می دهیم. و آنها به برکت معجزات ما، بر شما دست نمی یابند. شما

و پیروانتان پیروزید.»

ص: ۳۸۹

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶)

هنگامی که موسی با معجزات روشن ما به سوی آنان آمد، گفتند: «این چیزی جز سحر نیست که بدروغ به خدا بسته شده. ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده ایم!»

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۳۷)

موسی گفت: «پروردگaram از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده اند، و کسانی که عاقبت نیک سرا (ی دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است. به یقین ستمکاران رستگار نخواهند شد.»

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صِرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَٰهِ مُوسَىٰ ۚ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۳۸)

فرعون گفت: «ای گروه اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراخ ندارم. (اما برای تحقیق بیشتر،) ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز

(و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم. هر چند من گمان می کنم او از دروغگویان است.»

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (۳۹)

(سرانجام) فرعون و لشکریانش به ناحق در زمین تکبر ورزیدند، و پنداشتند به سوی ما بازگردانده نمی شوند.

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۚ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۴۰)

ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم. اکنون بنگر سرانجام ستمکاران چگونه بود!

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۚ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ (۴۱)

و آنان [= فرعونیان] را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند. و روز رستاخیز یاری نخواهند شد.

وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۚ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ (۴۲)

و در این دنیا نیز لعنت (و دوری از رحمت را) به دنبال آنان قرار دادیم. و روز قیامت از زشت رویانند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ ۚ بَصَائِرٍ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۳)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آن که اقوام (گمراه) پیشین را هلاک کردیم. کتابی که برای مردم بصیرت آفرین

بود، و مایه هدایت و رحمت. شاید متذکر شوند.

ص: ۳۹۰

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغُرْبَىٰ إِذْ قَضَيْنَا إِلَيْكَ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۴۴)

تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان (نبوت) را به موسی دادیم. و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاردیم).

□ □
وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ □ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُزْسِلِينَ (۴۵)

ولی ما اقوامی را (در اعصار مختلف) خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهايشان محو شد. پس تو را فرستادیم). تو هرگز در میان مردم مَدَّین اقامت نداشتی تا (اخبار آنها را بدانی و) آیات ما را برای اینها [= مشرکان مکه] بخوانی. ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این اخبار را در اختیارت قرار دادیم).

□
وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحِمَهُ مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۶)

تو در کنار کوه طور نبودی زمانی که ما (به موسی) ندا دادیم. ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را بیم دهی که پیش از تو هیچ بیم دهنده ای برای آنان نیامده بود. شاید متذکر شوند.

□
وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

هرگاه (پیش از فرستادن پیامبری) مجازات و مصیبتی بر اثر اعمالشان به آنان می رسید، می گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟!»

□ □
فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى □ أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى □ مِنْ قَبْلُ □ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا □ وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ (۴۸)

ولی هنگامی که حق از نزد ما برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان معجزاتی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر (بهانه جویانی همانند آنان)، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «(قرآن و تورات)

هر دو سحرند، که دست به دست هم داده اند (تا ما را گمراه کنند)» و گفتند: «ما به هر دو کافریم»؟! □

□ □
قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹)

بگو: «اگر راست می گوئید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت بخش تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا از آن پیروی کنم!» □

□ □
فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ □ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ □ إِنْ لَّا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰)

اگر پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می کنند.

و چه کسی گمراهتر است از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته؟! به یقین خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

ص: ۳۹۱

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۱)

کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده ایم به آن [=قرآن] ایمان می آورند.

□ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۲)

ما آیات (قرآن) را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکر شوند.

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُشْرِكِينَ (۵۳)

و هنگامی که (آیات قرآن) بر آنان خوانده شود می گویند: «به آن ایمان آوردیم. این حقیقتی از سوی پروردگار ماست. ما پیش از این نیز مسلمان بودیم.»

□ أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۵۴)

آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، پاداششان را دوبار دریافت می دارند. و بوسیله نیکیها بدیها را دفع می کنند. و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می نمایند.

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵)

و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می گردانند و می گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان. سلام بر شما (سلام وداع). ما خواهان جاهلان نیستیم.»

□ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ □ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۵۶)

تو نمی توانی هر کس را که دوست داری هدایت کنی. ولی خداوند هر کس را بخواهد (و شایسته باشد) هدایت می کند. و او به هدایت شوندگان آگاهتر است.

□ وَقَالُوا إِن نَّبْتَغِ الْهُدَىٰ مَعِكَ نُحْطِفُ مِنْ أَزْوَاجِنَا □ أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می ربایند.» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) به سوی آن آورده می شود که رزقی است از جانب ما؟! ولی بیشتر آنان نمی دانند.

وَكَم أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمِهِ بَطْرَتْ مَعِيشَتَهَا □ فِتْلَكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُشَكِّنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا □ وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (۵۸)

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فزونی نعمت، مست

و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه های آنهاست که (ویران شده، و) بعد از آنان جز مدت کمی، کسی در آن سکونت نکرد. و تنها ما وارث آنان بودیم.

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (۵۹)

و پروردگار تو هرگز (اهل) شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا این که در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند. و ما هرگز آبادیها و شهرها را نابود نکردیم مگر آن که اهلش ستمکار بودند.

ص: ۳۹۲

وَمَا أوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۰)

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است. و آنچه نزد خداست بهتر

و پایدارتر است. آیا نمی اندیشید؟!

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۶۱)

آیا کسی که به او وعده نیکو داده ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که (فقط) متاع زندگی دنیا به او داده ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟!

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (۶۲)

روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا می دهد و می گوید: «کجا هستید همتایانی که شما برای من می پنداشتید؟!»

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا ۖ تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (۶۳)

گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است می گویند: «پروردگارا! ما این (عبادت کنندگانمان) را گمراه کردیم. (آری) ما آنها را گمراه کردیم همان گونه که خودمان گمراه شدیم. ما از آنان به سوی تو بیزاری می جوئیم. آنان در حقیقت ما را نمی پرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش می کردند).»

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۖ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (۶۴)

و (به آن عبادت کنندگان) گفته می شود: «معبودهایتان را که همتای خدا می پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می خوانند، ولی جوابی به آنان نمی دهند. و (در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می بینند،

و آرزو می کنند ای کاش هدایت یافته بودند!

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (۶۵)

(به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا می دهد و می گوید: «چه پاسخی به پیامبران (من) گفتید؟!»

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (۶۶)

در آن روز، همه اخبار بر آنان پوشیده می ماند، (حتی) نمی توانند از یکدیگر سؤالی کنند.

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (۶۷)

اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد.

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ □ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ □ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۸)

پروردگار تو هرچه بخواهد می آفریند، و هر چه بخواهد برمی گزیند. آنان (در برابر او) اختیاری ندارند. منزّه است خداوند، و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند!

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۶۹)

و پروردگار تو می داند آنچه را که سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می سازند.

□
وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ □ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۷۰)

و او خدای یگانه است که هیچ معبودی جز او نیست. ستایش تنها برای اوست در این جهان و در جهان دیگر. حاکمیت (نیز) از آن اوست. و همه شما به سوی او باز گردانده می شوید.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ □ أَفَلَا تَسْمَعُونَ (٧١)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا روز قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خداوند یگانه می تواند روشنایی برای شما بیاورد؟! آیا نمی شنوید؟!»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ □ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (٧٢)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، آیا معبودی غیر از خدا می تواند شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی بینید؟!»

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَشْكُرُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٧٣)

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر (نعمت های او را) به جا آورید.

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (٧٤)

(به خاطر آورید) روزی را که آنها را ندا می دهد و می گوید: «کجا ایند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!»

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٧٥)

و (در آن روز) از هر امتی گواهی برمی گزینیم و (به مشرکان) می گوئیم: «دلیل خود را بیاورید!» (در آن هنگام) می دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را به خدا افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد.

□ إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ □ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنْ مَفَاتِحُهُ لِنُؤُوبٍ بِالْمُعْصِيَةِ بِهِ أَوْلَىٰ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ □ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (٧٦)

قارون از قوم موسی بود، امّا بر آنان ستّم کرد. ما آن قدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای گروهی نیرومند، دشوار بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند:

«این همه از سر غرور شادی مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد.

وَإِنِّيغَ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ □ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا □ وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ □ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ □ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (٧٧)

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب. و بهره ات را از دنیا فراموش مکن. و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن. و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد.»

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَتْهُ عَلَيَّ عِلْمٌ عِنْدِي □ أَوْلَمْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا □ وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (٧٨)

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام!» آیا او نمی دانست که خداوند از میان اقوام پیشین کسانی را هلاک کرد که نیرومندتر

و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد، مجرمان از گناهانشان سؤال نمی شوند.

فَخَرَجَ عَلَيَّ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ □ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (٧٩)

(قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! براستی که او بهره عظیمی دارد!»

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (٨٠)

اما کسانی که دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما! ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران به آن نمی رسند.»

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ (٨١)

سپس ما، او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خودش نیز نمی توانست خویشتن را یاری دهد.

وَأَصْحَابُ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآئُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ □ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا □ وَيَكَآئُهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (٨٢)

و آنها که دیروز آرزو می کردند به جای او باشند بامدادان (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هرکس از بندگانش بخواهد وسعت می بخشد یا تنگ می گیرد. اگر خدا بر ما منت نهاده بود، ما را نیز در زمین فرو می برد. ای وای! گویی کافران هرگز رستگار نمی شوند.»

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا □ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (٨٣)

(آری،) این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی و فساد در زمین را ندارند. و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا □ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٨٤)

کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است. و کسی که کار بدی انجام دهد، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود.

ص: ۳۹۵

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَيَّ مَعَادٍ □ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٨٥)

آن کس که قرآن را بر تو لازم کرد، تو را به جایگاهت [= زادگاهت] باز می گرداند. بگو: «پروردگار من از همه بهتر می داند چه کسی (برنامه) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است.»

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ □ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ (٨٦)

و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا شود. ولی رحمت پروردگارت چنین اقتضا کرد. اکنون که چنین است، هیچگاه پشتیبان کافران مباش.

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ □ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ □ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٨٧)

و مبادا (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آن که بر تو نازل گشت، باز دارند. به سوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش.

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ □ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٨)

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست. همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می شود. حاکمیت تنها از آن اوست. و همه به سوی او باز گردانده می شوید.

٢٩ - سوره العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان الم.

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (٢)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!!

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ فَالْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (٣)

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم

(و اینها را نیز امتحان می کنیم). تا خداوند کسانی را که راست می گویند و کسانی را که دروغ می گویند مشخص سازد.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا □ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (٤)

یا کسانی که اعمال بد انجام می دهند گمان کردند بر ما پیشی خواهند گرفت (و چیره خواهند شد)؟! چه بد داوری می کنند!

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۵)

کسی که امید به لقای خداوند یگانه (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد). زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرا می رسد. و او شنوا و داناست!

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۶)

کسی که جهاد (و تلاش) کند، به سود خود جهاد می کند. چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

ص: ۳۹۶

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می بخشیم

و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش می دهیم.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ۖ وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مِمَّا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که از آن آگاهی نداری، از آنها پیروی مکن. بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می دادید با خبر خواهم ساخت.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ (۹)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، به یقین آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصِيرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ۖ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ (۱۰)

و بعضی از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم.» اما هنگامی که در راه خدا آزار می بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می شمارند (و از آن وحشت می کنند). ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) فرا رسد، می گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)». آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است آگاه تر نیست؟!

وَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (۱۱)

مسلماً خداوند مؤمنان را می شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می شناسد.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ ۖ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۲)

و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی داشته باشد) ما گناهانتان را بر عهده می گیریم.» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر عهده نخواهند گرفت. آنان به یقین دروغگو هستند.

وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ ۖ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ (۱۳)

آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می کشند،

و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود. و روز قیامت به یقین از دروغ‌هایی که به خدا می‌بستند سؤال خواهند شد.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۴)

و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. و او در میان آنان نهصد و پنجاه سال، درنگ کرد. (ولی تبلیغ او جز در گروه اندکی مؤثر واقع نشد) و سرانجام طوفان (عظیم) آنان را فرا گرفت در حالی که ستمکار بودند.

ص: ۳۹۷

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (۱۵)

ما او و همراهانش را که بر کشتی سوار بودند رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم.

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ □ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۶)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید.

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا □ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ □ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)

شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می پرستید و دروغی به هم می بافید. آنهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید، مالک هیچ گونه روزی برای شما نیستند. روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به جا آورید که به سوی او بازگردانده می شوید.

وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ □ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۸)

اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امت‌هایی پیش از شما نیز (پیامبران‌شان را) تکذیب کردند. وظیفه فرستاده (خدا) جز ابلاغ آشکار نیست.

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ □ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۹)

آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند؟! این امر بر خدا آسان است.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ □ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند. به یقین خدا بر هر چیزی تواناست.

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ □ وَإِلَيْهِ تُقَلَّبُونَ (۲۱)

هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد) مجازات می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می دهد. و شما به سوی او باز گردانده می شوید.

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ □ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲۲)

شما هرگز نمی توانید از حوزه قدرت خداوند در زمین و آسمان بگریزید. و برای شما جز خدا، سرپرست و یاور نیست.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۳)

کسانی که به آیات خدا و لقای او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند.

و برای آنها عذاب دردناکی است!

ص: ۳۹۸

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۴)

اما جواب قوم او [= ابراهیم] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید. به یقین در این ماجرا نشانه هایی است برای کسانی که ایمان می آورند.

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ (۲۵)

(ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا است. سپس روز قیامت منکر یکدیگر شده (و از هم بیزاری می جوید) و یکدیگر را لعن می کنید.

و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یاورى برای شما نخواهد بود.»

ۚ فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ ۚ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۶)

و لوط به او [= ابراهیم] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من به سوی پروردگارم هجرت می کنم به یقین او توانا و حکیم است.»

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا ۚ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

و (در پیری) اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش (دنیوی) او را دادیم و او در آخرت از صالحان است.

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأنتَونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقُكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۸)

و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما آن را انجام نداده است!

أَنتَونَ لَأنتَونَ الرِّجَالِ وَتَقَطَّعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ ۚ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۹)

آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (بقای نسل انسان) را قطع می کنید و در مرکز اجتماعتان اعمال ناپسند انجام می دهید؟! اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور!»

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (۳۰)

(لوط) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما.»

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (۳۱)

و هنگامی که فرستادگان ما بشارت (تولد فرزند) را برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی (قوم لوط) را هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمکارند.»

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا ۖ قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا ۖ لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۲)

(ابراهیم) گفت: «در آنجا لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاه‌تریم. او و خانواده اش را نجات می‌دهیم. جز همسرش که از بازماندگان در شهر

و از هلاک شدگان خواهد بود.»

وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۖ إِنَّا مُنْجِيكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۳)

هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها ناراحت و دل‌تنگ شد. گفتند: «نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که از بازماندگان (در شهر) خواهد بود.

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَيْكَ آهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۳۴)

ما بر اهل این شهر و آبادی بخاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو می‌فرستیم.»

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۵)

و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاردیم.

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۳۶)

و ما به سوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم. گفت: «ای قوم من! خدا را پرستید،

و به روز بازپسین ایمان بیاورید، و در زمین به فساد نکوشید.»

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۳۷)

(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فرا گرفت، و بامدادان در خانه های خود به رو درافتاده و مرده بودند.

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ ۖ وَرَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸)

ما قوم «عاد» و «ثمود» را نیز (به سبب اعمالشان هلاک کردیم)، و خانه های (ویران شده) آنان برای شما آشکار است. شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) باز داشت در حالی که بینا بودند

(و حق را می شناختند).

ص: ۴۰۰

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ □ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (۳۹)

و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز (هلاک کردیم). موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد، امّا آنان در زمین تکبر ورزیدند، ولی نتوانستند (بر خدا) پیشی گیرند

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ □ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّن حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّن أَعْرَفْنَا □ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۰)

ما هر یک از آنان را به گناهشان گرفتیم (و مجازات کردیم)، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه (مرگبار آسمانی) فرو گرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم. خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خویشان ستم می کردند.

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا □ وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ □ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

مثل کسانی که غیر از خدای خود بر گزیدند، مثل عنکبوت است که خانه ای برای خود انتخاب کرده. در حالی که سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است اگر می دانستند.

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴۲)

خداوند آنچه را غیر از او می خوانند می داند، و او توانا و حکیم است.

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ □ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (۴۳)

اینها مثالهایی است که ما برای مردم می زنیم، و جز اهل دانش آن را درک نمی کنند.

□
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۴۴)

خداوند، آسمانها

و زمین را بحق آفرید. به یقین در این آیتی است برای مؤمنان.

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ □ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى □ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ □ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها

و اعمال ناپسند باز می دارد، و یاد خدا بزرگتر (و برتر) است. و خداوند آنچه را انجام می دهی می داند.

□ وَ لَمَّا تَجَرَّادُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بَالِغِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ □ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ
وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

با اهل کتاب جز به نیکوترین روش مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند.

و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

□ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ □ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ □ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ □ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ
(۴۷)

و این گونه، کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم، کسانی که (پیش از این) کتاب (آسمانی) به آنها داده ایم به این کتاب ایمان می آورند. و بعضی از این گروه [= مشرکان] نیز به آن مؤمن می شوند. و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند.

□ وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُونَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ □ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (۴۸)

تو هرگز پیش از این هیچ کتابی نمی خواندی، و با دست خود چیزی نمی نوشتی، مبدا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند.

□ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ □ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹)

ولی این آیات روشنی است که در سینه کسانی که دانش به آنها داده شده جای دارد. و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند.

□ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ □ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰)

گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟!» بگو: «معجزات فقط نزد خداست (و به فرمان او نازل می شود). من تنها بیم دهنده ای آشکارم.»

□ أُولَئِكَ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۱)

آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می شود؟! در این، رحمت و هشدار است برای کسانی که ایمان می آورند.

□ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا □ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
(۵۲)

بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است. آنچه را در آسمانها و زمین است می دانند. و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند.»

ص: ۴۰۲

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۖ وَلَوْ لَأَجَلَ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳)

آنان با شتاب از تو عذاب را می طلبند. و اگر موعد مقرری تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می آمد. و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها وارد می شود در حالی که نمی دانند (و غافلند).

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)

آنان با عجله از تو عذاب می طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد.

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)

آن روز که عذاب (الهی) آنها را از بالای سر و پایین پایشان

فرا می گیرد و به آنها می گوید: «بچشید آنچه را عمل می کردید»

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإَيَّايَ فَاعْبُدُونِ (۵۶)

ای بندگان من که ایمان آورده اید! زمین من گسترده است، پس تنها مرا پرستید (و هجرت کنید و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید).

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۵۷)

هر انسانی مرگ را می چشد. سپس به سوی ما باز گردانده می شوید.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۵۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها در زیر آن جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند. چه خوب است پاداش عمل کنندگان!

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۵۹)

همان کسانی که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و تنها برپروردگارشان توکل می کنند.

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۰)

چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد. و اوشنوا و داناست.

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۖ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۶۱)

و هر گاه از آنان پرسسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می گویند: «خداوند یگانه!» پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می سازند؟!

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲)

خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می بخشد یا تنگ می گیرد. خداوند به همه چیز داناست.

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ الْآرْضِ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۶۳)

و اگر از آنان پرسسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟» می گویند: «خداوند یگانه!» بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» اما بیشتر آنها نمی فهمند.

ص: ۴۰۳

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ ۖ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ۗ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست. و فقط سرای آخرت، سرای زندگی (واقعی) است، اگر می دانستند.

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۶۵)

هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند). اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند

و نجات داد، باز مشرک می شوند.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۶۶)

(بگذار) تا آنچه را (از آیات) به آنها داده ایم انکار کنند و (از لذات زودگذر زندگی) بهره گیرند. اما بزودی آگاه خواهند شد!

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۗ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَيَنْعَمِ اللَّهُ يَكْفُرُونَ (۶۷)

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم از اطراف آنان (در بیرون این حرم) ربوده می شوند؟! آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند؟!

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۶۸)

چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آن که به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟!

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (۶۹)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد.

و به یقین خداوند با نیکوکاران است.

۳۰ - سوره الروم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان الم.

غَلَبَتِ الرُّومُ (۲)

رومیان شکست خوردند.

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳)

(و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد. اما آنان پس از (این) شکست بزودی پیروز خواهند شد...

فِي بَضْعِ سِنِينَ □ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ □ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴)

در چند سال (آینده، این پیروزی رخ می دهد). همه کارها از آن خداست. چه قبل و چه بعد (از این شکست

و پیروزی). و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد...

يَنْصُرِ اللَّهُ □ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵)

به سبب یاری خداوند. و او هر کس را بخواهد یاری می دهد. و او توانا

و مهربان است.

ص: ۴۰۴

وَعَدَ اللَّهُ ﻻَ يُخْلِِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ ﻻَ يَعْلَمُونَ (٦)

این وعده خداست. و خداوند هرگز از وعده اش تخلف نمی کند. ولی بیشتر مردم نمی دانند!

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (٧)

آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند.

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ﻻَ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ﻻَ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (٨)

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق (و در جهت هدف مهمی) و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ﻻَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ﻻَ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (٩)

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر

از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) دگرگون ساختند و بیش از اینان، آن را آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند

و کیفر خود را دیدند). خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، ولی خودشان به خویشان ستم می کردند.

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُوا السُّوْأَى ﻻَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (١٠)

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می نمودند.

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (١١)

(آگاه باشید) خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند، سپس شما به سوی او باز گردانده می شوید.

وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (١٢)

و برای آنان شفیعیانی از همتایانی که (برای خدا) می پنداشتند نخواهد بود، و نسبت به آن همتایان، کافر می شوند.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (١٣)

آن روز که قیامت برپا می شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می روند.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِنُونَ (۱۴)

آن روز که قیامت برپا می گردد، (مؤمنان و کافران) از هم جدا می شوند.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۱۵)

اما کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود.

ص: ۴۰۵

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ (۱۶)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما و لقای آخرت را تکذیب کردند،

در عذاب الهی احضار می شوند.

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (۱۷)

منزه است خداوند به هنگامی که شام می کنید آنگاه که و صبح می کنید.

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (۱۸)

و حمد و ستایش در آسمان ها و زمین مخصوص اوست، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می کنید.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا □ وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۹)

او زنده را از مرده بیرون می آورد،

و مرده را از زنده. و زمین را پس از مردنش حیات می بخشد. و به همین گونه (روز قیامت از قبر) بیرون آورده می شوید.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْشُرُونَ (۲۰)

از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و (در روی زمین) منتشر می شوید!

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت و رحمت قرار داد. به یقین در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (۲۲)

و از نشانه های او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست. در این نشانه هایی است برای اهل دانش.

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۲۳)

و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و (تلاش و کوششتان برای) بهره گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش). در این امور نشانه هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند.

وَمِنْ آيَاتِهِ بُرْيُكُمْ بِالْبُرْقِ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۴)

و از نشانه های او این است که برق (آسمانی) را به شما نشان می دهد که مایه بیم و امید است (بیم از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می کند. در این نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.

ص: ۴۰۶

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ □ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَهُ مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ (۲۵)

از نشانه های او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست. سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فرا خواند، ناگهان همه شما خارج می شوید (و در صحنه محشر حضور می یابید)!

وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (۲۶)

و از آن اوست همه کسانی که در آسمانها و زمین اند

و همگی در برابر او خاضع و مطیع اند.

وَهُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ □ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند، و این کار برای او آسانتر است. و برترین اوصاف در آسمانها و زمین برای اوست. و اوست توانا و حکیم.

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ □ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَآ رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ □ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۸)

خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده ای داشته باشید)، این برده های شما هرگز در روزیایی که به شما داده ایم شریک شما می باشند، آنچنان که هر دو در آن مساوی بوده و از (تصرف مستقل و بدون اجازه) آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد (شرکای آزاد) خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که می اندیشند شرح می دهیم.

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ □ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ □ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ (۲۹)

ولی ستمکاران بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند. پس چه کسی می تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یآوری نخواهد بود.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا □ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا □ لَمَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ □ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰)

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت الهی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار. ولی اکثر مردم نمی دانند.

□ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

(رو به سوی فطرت الهی آورید) در حالی که (توبه کنان) به سوی او باز می گردید و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید،

مِنَ الَّذِينَ فَزَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا □ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۲)

از کسانی که در دین خود تفرقه ایجاد کردند و به دسته ها و گروهها تقسیم شدند. و (عجب این که) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست دل خوشند!

ص: ۴۰۷

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۳۳)

هنگامی که رنج و زبانی به مردم برسد، پروردگار خود را می خوانند در حالی که (توبه کنان) به سوی او باز می گردند. اما همین که خداوند رحمتی از جانب خویش به آنان بچشاند (و ناراحتی آنان برطرف شود)، در آن هنگام گروهی از آنان برای پروردگارشان همتا قائل می شوند.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ □ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۴)

(بگذار) تا نعمتهایی را که ما به آنها داده ایم کفران کنند! و (به آنها بگو: هر چه می توانید) بهره گیرید. اما بزودی (نتیجه اعمالتان را) خواهید دانست.

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (۳۵)

آیا ما دلیلی بر آنان فرستادیم که از آنچه همتای خدا قرار می دهند سخن می گوید (و آن را موجه می شمارد)!

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا □ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (۳۶)

و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن شاد می شوند. و هر گاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنان رسد، ناگهان مأیوس می شوند.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳۷)

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می بخشد یا تنگ می گیرد؟! در این نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند.

فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ □ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ □ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳۸)

پس حق خویشاوندان و مستمندان و در راه ماندگان را ادا کن. این برای آنها که رضای خدا را می طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگاراند.

وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ □ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (۳۹)

آنچه بعنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فرونی یابد، نزد خدا فرونی نخواهد یافت. و آنچه را بعنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت و فرونی است. و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ □ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مِّنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِّنْ شَيْءٍ □ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۰)

خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می میراند، سپس زنده می کند. آیا هیچ یک از همتایانی که برای خدا قرار داده اید چیزی از این کارها را می توانند انجام دهند؟! او منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۱)

فساد، در صحرا و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است. خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند.

ص: ۴۰۸

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ □ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (۴۲)

بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود!» بیشتر آنها مشرک بودند.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ □ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ (۴۳)

روی خود را به سوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آن که روزی فرارسد که هیچ کس نمی تواند آن را از خدا باز گرداند (و برنامه الهی را تعطیل کند). در آن روز مردم به گروه‌هایی تقسیم می شوند:

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ □ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَهُمْ يَمْهَدُونَ (۴۴)

هر کس کافر شود، کفرش بر زیان خود اوست. و آنها که کار شایسته انجام دهند، برای خودشان آماده می سازند (و ذخیره می کنند).

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ □ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۴۵)

این برای آن است که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، از فضلش پاداش دهد. به یقین او کافران را دوست نمی دارد.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴۶)

و از نشانه های (عظمت) خدا این است که بادهای را بشارتگرانی (برای نزول باران) می فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید. شاید شکرگزاری کنید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا □ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم. آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزا سودی نداد) مجرمان را مجازات کردیم. (و مؤمنان را یاری نمودیم). و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما.

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَيَنْزِلُ الْوَدْقَ فَيُخْرِجُ مِنْ خِلَالِهِ □ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۸)

خداوند همان کسی است که بادهای را می فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند و متراکم می سازد. در این هنگام دانه های باران را می بینی که از لابه لای آن خارج می شود. هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند، ناگهان خوشحال می شوند.

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لُمُؤْمِنِينَ (۴۹)

هرچند پیش از آن که بر آنان نازل شود مایوس بودند.

فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵۰)

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند. چنین کسی (که زمین مرده را زنده می کند) زنده کننده مردگان (در قیامت) است. و او بر هر چیزی تواناست.

ص: ۴۰۹

وَلَيْنَ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (۵۱)

و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت خود را زرد و پژمرده ببینند، (مأیوس شده و) پس از آن ناسپاسی می کنند.

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۵۲)

به یقین تو نمی توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند.

وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۚ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳)

و (نیز) نمی توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی. تو تنها می توانی سخت را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و (در برابر حق) تسلیمند.

ۚ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَجِبَةً ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (۵۴)

خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید. سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد. او هر چه بخواهد (به هر کیفیت) می آفریند، و اوست دانا و توانا.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۵۵)

و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! (در گذشته نیز) اینگونه از درک حقیقت باز گردانده می شدند.

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ ۚ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶)

ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می گویند: «شما به فرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و این روز رستاخیز است، اما شما نمی دانستید.»

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۵۷)

آن روز عذرخواهی ستمکاران سودی به حالشان ندارد، و آنها توانایی بر جلب رضایت پروردگار نمی یابند (و توبه به آنان پذیرفته نمی شود).

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَيْنِ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸)

ما برای مردم در این قرآن از هر چیز نمونه ای آوردیم (و هر گونه معارف در آن جمع است). و اگر معجزه ای برای آنان بیاوری، کافران می گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر است).»

□
كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۵۹)

این گونه خداوند بر دل‌های آنان که آگاهی ندارند مهر می نهد.

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ □ وَلَا يَسْتَخِفَّنكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (۶۰)

اکنون که چنین است صبر

و استقامت پیشه کن که وعده خدا حق است. و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و سبک نشمرند)!

ص: ۴۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان الم.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲)

این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)!

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳)

مايه هدايت

و رحمت برای نیکوکاران است.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

همان کسانی که نماز را برپا می دارند، و زکات را می پردازند و آنها به آخرت یقین دارند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند،

و آنانند رستگاران.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۶)

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند. برای آنان عذابی خوارکننده است!

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَآلِيَٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَتْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّوْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷)

و هنگامی که آیات ما بر او خوانده شود، با تکبر روی برمی گرداند، چنانچه گویی آن را نشنیده است. گویا اصلاً گوشهایش سنگین است.

او را به عذابی دردناک بشارت ده!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ (۸)

(ولی) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، باغهای پر نعمت بهشت از آن آنهاست.

خَالِدِينَ فِيهَا □ وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

جاودانه در آن خواهند ماند. این وعده حتمی الهی است. و اوست توانا و حکیم.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا □ وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ □ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)

(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه های استواری قرار داد مبادا شما را بلرزاند (و آرامش را از شما بگیرد) و از هر گونه جنبنده ای روی آن منتشر ساخت. و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از گیاهان پرارزش رویاندیم.

□ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ □ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۱۱)

(بگو) این آفرینش خداست. آیا به من نشان دهید (معبودانی) غیر او چه چیز را آفریده اند؟! ولی ستمکاران در گمراهی آشکارند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۖ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱۲)

ما به لقمان حکمت دادیم. (و به او گفتیم:) شکر خدا را به جای آور. هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر می کند. و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند). چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است.

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱۳)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش _ در حالی که او را موعظه می کرد _ گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.»

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمِيمٍ ۖ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ ۖ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴)

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را با ناتوانی روز افزون حمل کرد و دوران شیرخوارگی او در دوسال پایان می یابد. (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است.

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵)

و هر گاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا بطرز شایسته ای رفتار کن. و از راه کسانی پیروی کن که (توبه کنان) به سوی من آمده اند. سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه انجام می دادید، باخبر می سازم.

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكَ مِنْ ثِقَالٍ حَبِّهِ مِنْ خَزْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۱۶)

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد. خداوند از اسرار دقیق باخبر و آگاه است.

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ ۖ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸)

(پسرم!) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و با تکبر و غرور بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست

ندارد.

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹)

(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن. از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت ترین صداها صدای خران است.

ص: ۴۱۲

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۚ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ
عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ (۲۰)

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را بطور فراوان بر شما
ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می کنند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۚ أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید.» می گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که
پدران خود را بر آن یافتیم.» آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می کنند)؟!!

ۚ وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ۚ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۲)

کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به محکم ترین دستگیره چنگ زده (و به مطمئن ترین
تکیه گاه، تکیه کرده است). و عاقبت همه امور به سوی خداست.

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳)

و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد. بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده اند
(و نتایج شوم آن) باخبر خواهیم ساخت. خداوند به آنچه درون سینه هاست آگاه است.

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۲۴)

ما اندکی آنها را (از متاع دنیا) بهره مند می کنیم، سپس آنها را به تحمل عذاب شدیدی وادار می سازیم!

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۵)

و هر گاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» به یقین می گویند: «خداوند یگانه»، بگو: «الحمد لله
(که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی دانند.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶)

آنچه در آسمانها و زمین است فقط از آن خداست، به یقین خداوند بی نیاز و ستوده است.

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷)

و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود، (اینها همه تمام
می شود ولی) کلمات خدا پایان نمی گیرد. خداوند توانا و حکیم است.

مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ إِلَّا كَفَنُكُمْ وَإِحْدَاهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۲۸)

آفرینش و برانگیختن (و زندگی دوباره) همه شما (برای خداوند) همانند یک فرد بیش نیست. خداوند شنوا و بیناست.

ص: ۴۱۳

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَيَّخِرُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٢٩)

آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام تا سر آمد معینی به حرکت خود ادامه می دهند؟! خداوند به آنچه انجام می دهد آگاه است.

□
ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (٣٠)

این به خاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است، و آنچه غیر از او می خوانند باطل است، و خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

□
أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٣١)

آیا ندیدی کشتیها به برکت نعمت خدا در دریا حرکت می کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه هایی است برای هر شکیبای شکرگزار.

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ □ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (٣٢)

و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بر سرشان سایه افکند)، خدا را با خلوص عقیده می خوانند. اما وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی از آنها راه اعتدال (و اخلاص) را پیش می گیرند (در حالی که بعضی دیگر به شرک باز می گردند). و آیات ما را هیچ کس جز پیمان شکنان ناسپاس انکار نمی کنند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَآخَشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا □ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ □ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (٣٣)

ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدری مجازات فرزندش را پذیرا می شود، و نه فرزندی چیزی از مجازات پدرش را. به یقین وعده الهی حق است. پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را نسبت به (کرم) خدا بفریبد (و مغرور سازد)!

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ □ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا □ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (٣٤)

آگاهی از (زمان قیام) قیامت مخصوص خداست، و او باران را نازل می کند، (و از نزول دقیق آن آگاه است) و آنچه را که در رحمها (ی مادران) است می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؟ به یقین خداوند (نسبت به همه این امور) دانا و آگاه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان الم.

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَأرَبِّ فِيهِ مِنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شک و تردیدی در آن نیست.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ □ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

ولی آنان می گویند: «(محمد) آن را به دروغ به خدا بسته است»، اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ □ مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ □ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴)

خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز

[= شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت و تدبیر جهان هستی) قرار گرفت. هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست. آیا متذکر نمی شوید؟!]

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۵)

امور (این جهان) را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند. سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می شمارید به سوی او بالا می رود (و دنیا پایان می یابد).

□ ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶)

او خداوندی است که از پنهان و آشکار باخبر است، و توانا و مهربان است.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ □ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷)

همان کسی که هرچه را آفرید نیکو آفرید. و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۸)

سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید.

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ۖ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۹)

سپس (اندام) او را نظام بخشید و از روح خویش [= روحی شریف و برجسته] در وی دمید. و برای شما گوش ها و چشمها و دلها [= عقلها] قرار داد. اما کمتر شکر (نعمتهای او را) به جا می آورید.

وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (۱۰)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین ناپدید شدیم، آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» بلکه آنان لقای پروردگارشان را انکار می کنند (تا به هوسرانی خویش ادامه دهند).

ۗ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

بگو: «فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می گیرد. سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید.»

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲)

و اگر بینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده،

(و می گویند): «پروردگارا! (آنچه وعده کرده بودی) دیدیم و شنیدیم. ما را بازگردان تا کار شایسته انجام دهیم. ما (به) قیامت) یقین داریم.»

□
وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)

و اگر می خواستیم به هر انسانی هدایت لازم را (از روی اجبار بدهیم) می دادیم. ولی (من آنها را آزاد گذارده ام و) سخن و وعده ام حق است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنهکار) از جن و انس همگی پر کنم!

□
فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ □ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

(و به آنها می گویم:) بچشید (عذاب جهنم را)! بخاطر این که دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم. و بچشید عذاب جاودان را بخاطر آنچه که انجام می دادید!

□
إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَزُوا سَجْدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ □ (۱۵)

تنها کسانی به آیات ما ایمان می آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند، و تکبر نمی کنند.

□
تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۶)

پهلوهایشان از بسترها دور می شود (و شبانگاه به پا می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند،

و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند.

□
فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

هیچ کس نمی داند چه پادشاهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، به پاداش کارهایی که انجام می دادند.

□
أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا □ لَا يَسْتَوُونَ (۱۸)

آیا کسی که باایمان بوده همچون کسی است که فاسق بوده؟! (نه، هرگز) آنها برابر نیستند.

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹)

اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای جاویدان بهشتی از آن آنها خواهد بود، این وسیله پذیرایی (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام می دادند.

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۚ كَلِمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۲۰)

و اما کسانی که از اطاعت خدا سر باز زدند، جایگاه همیشگی آنها آتش است. هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن باز می گردانند و به آنان گفته می شود: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می کردید!»

ص: ۴۱۶

وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ ؕ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۱)

به آنان از عذاب نزدیک (دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید باز گردند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا ؕ إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۲۲)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده، سپس او از آن اعراض کرده است؟! به یقین ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ ؕ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۳)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم. و شک نداشته باش که او آن را دریافت داشت. و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم.

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا ؕ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند. چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۲۵)

البته پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه در آن اختلاف داشتند حکم می کند (و هر کس را به سزای اعمالش می رساند).

أُولَئِكَ يَهْدِي لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ ؕ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ ؕ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (۲۶)

آیا برای هدایت آنها کافی نیست که بسیاری از اقوام پیشین را (که طغیان کردند) هلاک نمودیم؟! در حالی که اینها در مساکن (ویران شده) آنان راه می روند. در این نشانه هایی است (از قدرت خداوند و مجازات دردناک مجرمان). آیا نمی شنوند؟!

أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ ؕ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (۲۷)

آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمینهای خشک و بی گیاه می رانیم و بوسیله آن زراعتی می رویانیم که هم چهار پایانشان از آن می خورند و هم خودشان. آیا نمی بینند؟!

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۸)

آنان می گویند: «اگر راست می گویند، این پیروزی (شما) کی خواهد بود؟!»

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۲۹)

بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت. و به آنها هیچ مهلت داده نمی شود.»

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ (۳۰)

حال که چنین است، از آنها روی بگردان و منتظر باش. آنها نیز منتظرند.

(تو منتظر پیروزی و رحمت الهی و آنها منتظر عذاب او!)

ص: ۴۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند دانا و حکیم است.

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ ۖ إِيَّاكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۲)

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می دهد آگاه است.

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۳)

و بر خدا توکل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد.

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جُوفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (۴)

خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده. و هرگز همسرانتان را که مورد «ظهار» قرار می دهید مادران شما قرار نداده.

و (نیز) پسرخوانده های شما را پسر (واقعی) شما قرار نداده است. این سخن شماست که با دهان خود می گویند (سخنی که واقعیت ندارد). اما خداوند حق را می گوید و او به راه راست هدایت می کند.

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ ۚ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵)

آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه تر است. و اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنها برادران دینی و یاران شما هستند. اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که (در نامیدن آنها به نام دیگران) از شما سر می زند، ولی آنچه را از روی عمد می گویند (مورد مؤاخذه قرار خواهد داد). و خداوند آمرزنده و مهربان است.

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۚ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۚ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودش اولی و سزاوارتر است. و همسران او مادران آنها [= مؤمنان] محسوب می شوند. و خویشاوندان نسبت به یگدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر این که بخواهید نسبت به

دوستانان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید). این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است.

ص: ۴۱۸

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ۚ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۷)

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح

و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت کوتاهی نکنند).

لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۸)

به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند. و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که

(در جنگ احزاب) لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند. ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم). و خداوند همیشه به آنچه انجام می دهید بینا است.

إِذْ جَاءَ وَكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا (۱۰)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما هجوم آوردند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و دلها به گلوگاه رسیده بود،

و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید.

هَذَاكَ ابْتَلَى الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)

آن جا بود که مؤمنان آزمایش شدند

و تکان سختی خوردند.

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲)

و (نیز به خاطر آورید) زمانی را که منافقان و بیماردلان می گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند.»

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۚ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۚ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۱۳)

و (نیز به خاطر آورید) زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! این جا جای ماندن شما نیست. به خانه های خود باز گردید.» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می خواستند و می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است.» در حالی که بی حفاظ نبود. آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند.

وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّتْ بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴)

در حالی که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و پیشنهاد بازگشت به فتنه (و سوی شرک) به آنان می کردند می پذیرفتند، و جز مدت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی کردند.

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (۱۵)

با اینکه آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند. و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند).

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَمْ تُمَتِّعُونِ إِلَّا قَلِيلًا (۱۶)

بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت. و در آن هنگام جز بهره کمی (از زندگانی) نخواهید گرفت.»

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۖ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷)

بگو: «چه کسی می تواند شما را از اراده خدا نگه دارد اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یآوری برای خود نخواهند یافت.

ۖ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۖ وَلَا يَأْتُونَ النَّاسَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۸)

خداوند کسانی که مردم را

(از جنگ) باز می داشتند و کسانی را که به برادران خود می گفتند: «به سوی ما بیایید

(و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی می شناسد. و آنها (مردمی ضعیفند و)

جز اندکی پیکار نمی کنند.

أَشْحَهَ عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَوْنَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغَسِّقِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشْحَهَ عَلَى الْحَيْرِ ۖ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۖ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۹)

آنها (در همه چیز) نسبت به شما بخیلند. و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آنچه آنچنان به تو نگاه می کنند،

و چشمهایشان در حدقه می چرخد، مانند کسی که می خواهد قالب تهی کند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و گزنده خود را با انبوهی خشم بر شما می گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می کنند). در حالی که در مال حریص

و بخیلند. آنها (هرگز) ایمان نیاورده اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد. و این (کار) بر خدا آسان است.

يَحْسَبُونَ الْمَآخِزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ۖ وَإِنْ يَأْتِ الْمَآخِزَابُ يَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَيَادُونَ فِي الْمَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ ۖ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (۲۰)

آنها گمان می کنند هنوز لشکر احزاب نرفته اند.

و اگر برگردند (آنان از ترس) دوست می دارند می توانستند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار

شما جویا گردند. و اگر در میان شما بودند جز اندکی پیکار نمی کردند.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۲۱)

به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ □ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)

(اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان چیزی است که خدا

و پیامبرش به ما وعده داده، و خدا و پیامبرش راست گفته اند.» و این (موضوع) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

ص: ۴۲۰

مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (۲۳)

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند. بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه اوشربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر

در انتظارند. و هیچ‌گونه تغییری در پیمان خود ندادند.

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۲۴)

هدف این است که خداوند راستگویان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد. چرا که خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا ۗ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا (۲۵)

و خدا کافران را با دلی پر از خشم (از میدان جنگ احزاب) بازگرداند بی آن که نتیجه مطلوبی (از کار خود) گرفته باشند. و خداوند (در این میدان)، مؤمنان

را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد). و خدا توانا و شکست‌ناپذیر است.

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۲۶)

و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان پایین کشید و در دل‌هایشان وحشت افکند.

(و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رسانید و گروهی را اسیر می‌کردید.

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوُّهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا ۖ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۷)

و زمینها و خانه‌ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند ساخته و به نیکویی رها سازم.

وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

و اگر شما خدا

و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.»

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

ای همسران پیامبر! هر کس از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دو چندان خواهد بود. و این برای خدا آسان است.

ص: ۴۲۱

□ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، دوبار به او پاداش خواهیم داد، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ □ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان (عادی) نیستید اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید.

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْحَيَاهِلِيهِ الْأُولَى □ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ □ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید. خداوند فقط می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

وَإِذْ كُنَّا مَا يَتْلُو □ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

آنچه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد آور شوید. خداوند به اسرار دقیق آگاه و داناست.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۳۵)

به یقین، مردان مسلمان

و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع (فرمان خدا) و زنان مطیع (فرمان خدا)، مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان صابر و شکیا و زنان صابر

و شکیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که (بسیار خدا را) یاد می کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۚ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (۳۶)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش فرمانی صادر کنند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) در کار خود داشته باشد. و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۚ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَا كَهَا لِكُنِيَ لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

(به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تونیز به او نعمت داده بودی (به فرزند خوانده ات «زید») می گفتم: «همسرت را برای خود نگاه دار و از خدا بپرهیز.» و در دل خود چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند. و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان

در ازدواج با همسران پسرخوانده هایشان _ هنگامی که از آنها بی نیاز شدند (و آنها را طلاق دادند) _ نباشد. و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود).

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ۚ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا (۳۸)

هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا برای او مقرر داشته نیست. این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده اند نیز جاری بوده. و فرمان خدا روی حساب و تدبیر کاملی است.

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳۹)

(پیامبران پیشین) کسانی بودند که رسالتهای الهی را تبلیغ می کردند و از او بیم داشتند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند. و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰)

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده است. ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است. و خداوند به همه چیز دانا است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید،

وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۴۲)

و صبح و شام او را تسبیح گوید.

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ □ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۴۳)

او کسی است که بر شما درود

و رحمت می فرستد، و فرشتگان او (نیز برای شما تقاضای رحمت می کنند) تا شما را از تاریکی های (جهل و شرک و گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) خارج سازد.

او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است.

ص: ۴۲۳

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۖ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (۴۴)

تحیت (فرشتگان به) آنان در روزی که به لقای او می رسند سلام است. و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۴۵)

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و بیم دهنده.

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (۴۶)

و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم،

و چراغی روشنی بخش.

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۴۷)

و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است.

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴۸)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما،

بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمِمَّا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا ۖ فَمَتَّعُوهُنَّ
وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با زنان باایمان ازدواج کردید و آنان را قبل از آمیزش طلاق دادید، عده ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید. آنها را با هدیه مناسبی بهره مند سازید و بطرز نیکویی رهایشان کنید.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَعْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتِ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ
وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ
مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو داده است مالک شده ایو دختران عمومی تو، و دختران عمه ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو جایز است) و (نیز) زن باایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه

پیامبر بخواهد می تواند او را به همسری برگزیند. اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان. ما می دانیم برای آنان در مورد همسرانشان

و کنیزانشان چه حکمی مقرّر داشته ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می کند). این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی). و خداوند آمرزنده و مهربان است.

ص: ۴۲۴

□ تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ □ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَمَّا جُنِحَ عَلَيْكَ □ ذَلِكُ أَذْنِي □ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُمْ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱)

(موعد) هر یک از آنان [= همسرانت] را بخواهی می توانی به تأخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی. و هر گاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست. این (حکم الهی) برای روشنی چشم آنان،

و این که غمگین نباشند و همگی به آنچه به آنان می دهی راضی شوند نزدیکتر است. و خدا آنچه را در دل های شماست می داند، و خداوند دانا و دارای حلم است (از مصالح بندگان خود باخبر است، و در کیفر آنها عجله نمی کند).

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا كُلُّ شَيْءٍ رَاقِبًا (۵۲)

بعد از این زنان (دیگر) بر تو حلال نیستند، و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی و بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی) هر چند خوبی آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه که در ملک تو در آید. و خداوند مراقب هر چیز است (و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم).

□
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ □ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ □ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ □ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ □ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ □ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا □ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، مشروط بر اینکه (قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید. امّا هنگامی که دعوت شدید داخل شوید. و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید. زیرا این عمل، پیامبر را ناراحت می نماید، ولی از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید). امّا خداوند از (بیان) حق شرم نمی کند. و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می خواهید از پشت پرده بخواهید. این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است. و شما حق ندارید پیامبر خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود در آورید که (گناه) این کار نزد خدا بزرگ است!

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۵۴)

اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان دارید، خداوند همه چیز دانا است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ □ وَاتَّقِينَ اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۵۵)

بر آنان [= همسران پیامبر] گناهی نیست در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران خود و زنان هم کیششان و بردگان خویش (که بدون حجاب در برابر آنان ظاهر شوند). و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هر چیزی شاهد (و آگاه) است.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ □ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و (در برابر او امر او) کاملاً تسلیم باشید.

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (۵۷)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است.

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۵۸)

و آنان که مردان و زنان با ایمان را در برابر گناهی که مرتکب نشده اند آزار می دهند، بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ □ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [= روسری های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است».

□ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)

اگر منافقان

و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس را در مدینه پخش می کنند دست برندارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

مَلْعُونِينَ □ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

و از همه جا طرد می شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید.

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ □ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۶۲)

این سنّت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنّت الهی هیچ گونه تغییری نخواهی یافت.

ص: ۴۲۶

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ □ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ □ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۶۳)

مردم از تو درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست.»

و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد.

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (۶۴)

خداوند کافران را از رحمت خود دور داشته و برای آنان آتش سوزاننده ای آماده نموده است.

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ لَّا يَجِدُونَ فِيهَا وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۶۵)

در حالی که همواره در آن تا ابد می مانند. و سرپرست و یآوری نخواهند یافت.

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (۶۶)

در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (پشیمان می شوند و) می گویند: «ای کاش خدا

و پیامبر را اطاعت کرده بودیم!»

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (۶۷)

و می گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند.

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُومُ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸)

پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را به طور کامل از رحمت دور ساز!»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا □ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (۶۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند. و خداوند او را از آنچه (در حق او) گفتند مبرا ساخت.

و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید،

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۱)

تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامرزد. و هر کس اطاعت خدا و پیامبرش کند، به رستگاری (و پیروزی) بزرگی دست یافته است. تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامرزد. و هر کس اطاعت خدا و پیامبرش کند، به رستگاری (و پیروزی) بزرگی دست یافته است.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۗ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۷۲)

ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهی) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند (و اظهار ناتوانی کردند). اما انسان آن را بر دوش کشید. او بسیار ستمکار و نادان بود، (چون بر خود ستم کرد و قدر این مقام والا را ندانست).

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۳)

هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق

و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا توبه مردان

و زنان با ایمان را بپذیرد. و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ □ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست. و (نیز) حمد و ستایش در سرای آخرت مخصوص اوست. و او حکیم و آگاه است.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا □ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

آنچه در زمین داخل می شود و آنچه را از آن برمی آید می داند، و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه بر آن بالا می رود. و او مهربان و آمرزنده است.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ □ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ □ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۳)

کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد.» بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، پروردگاری که از غیب آگاه است و حتی به اندازه سنگینی ذره ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر این که در کتابی آشکار ثبت است.»

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ □ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند پاداش دهد. برای آنان آمرزش و روزی پرارزشی است.

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ □ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ (۵)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، (و به اراده حتمی ما غالب شوند) عذابی شدید

و دردناک خواهند داشت!

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۶)

کسانی که به ایشان علم داده شده، می دانند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است و به راه خداوند توانا و ستوده هدایت می کند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُبْبِئُكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷)

و کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می دهد هنگامی که (مُردید و) کاملاً از هم متلاشی شدید،

(بار دیگر) آفرینش تازه ای خواهید یافت!؟

ص: ۴۲۸

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۚ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸)

آیا او بر خدا دروغ بسته یا به جنونی گرفتار است؟! (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، در عذاب و گمراهی دوری هستند.

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ نَشْأَ نُحِيفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمُ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۹)

آیا به آنچه پیش رو

و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم آنها را (با یک زمین لرزه) در زمین فرو می بریم، یا قطعه هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرو می ریزیم. در این نشانه ای است (بر قدرت خداوند) برای هر بنده بازگشت کننده (به سوی خدا).

ۚ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۚ يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۚ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰)

و ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم. (ما به کوهها و پرندگان گفتیم:) ای کوهها و ای پرندگان! با او (در تسبیح خدا) هم آواز شوید. و آهن را برای او نرم کردیم.

أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ ۚ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۚ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱)

(و به او گفتیم:) زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن. و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم.

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوًّا شَهْرًا وَرَوَاحَهَا شَهْرًا ۚ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ ۚ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۚ وَمَنْ يَرْغَبْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲)

و باد را برای سلیمان مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را.

و چشمه مس مذاب را برای او روان ساختیم. و گروهی از جنّ پیش روی او به فرمان پروردگارش کار می کردند. و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را از عذاب آتش سوزان می چشاندیم!

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ ۚ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۚ وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (۱۳)

آنها هر چه سلیمان می خواست برایش می ساختند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا به اندازه حوضها، و دیگهای ثابت (که

از بزرگی قابل حمل و نقل نبود. و به آنان گفتیم: ای خاندان داود! شکر (این همه نعمت را) به جا آورید. ولی عده کمی از بندگان من شکر گزارند.

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَاتَهُ ۚ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۱۴)

(با این همه جلال

و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [= موریانه] در حالی که عصای او را می خورد (تا شکست

و پیکر سلیمان فرو افتاد). هنگامی که بر زمین افتاد جئیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند.

ص: ۴۲۹

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّاتٍ عِن يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ بَلَدَهُ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ (۱۵)

برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ با میوه های فراوان) از راست و چپ (رودخانه عظیم. و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید. شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان).

فَاعْرُضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶)

اما آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پر برکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه های تلخ

و درختان «شوره گز» و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم.

□
ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ (۱۷)

این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم. و آیا ما کسی جز افراد کفران کننده را مجازات می کنیم؟!

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۖ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸)

و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری (بر سر راهشان) قرار دادیم. و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم. (و به آنان گفتیم): شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید.

□
فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱۹)

ولی (این ناسپاسان) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند. و اینگونه) به خویشان ستم کردند. و ما آنان

را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیتشان را به طور کامل متلاشی ساختیم. در این ماجرا، نشانه های عبرتی برای هر صبور شکر گزار است.

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

(آری) به یقین، ابلیس گمان خود را در باره آنها محقق ساخت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان.

□
وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ۖ وَرَبُّكَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

او هیچ سلطه ای بر آنان نداشت جز برای این که مؤمنان به آخرت را از آنها که درباره آن شک هستند مشخص سازیم. و

پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است.

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۚ لَمَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ
مِّنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی گشایند، چرا که آنها به اندازه ذره ای

در آسمانها و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند».

ص: ۴۳۰

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ □ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ □ قَالُوا الْحَقُّ □ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

شفاعت نزد او، جز برای کسی که (خداوند) برای او اذن شفاعت داده، سودی ندارد.

(در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دل‌های آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود. مجرمان به شفیعان) می‌گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می‌گویند: «حق را (بیان کرد و اجازه شفاعت درباره مستحقان داد). و اوست بلند مرتبه و بزرگ.»

□ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ قُلِ اللَّهُ □ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلِيَّ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

بگو: «چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می‌دهد؟» بگو: «خداوند یگانه! و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم.»

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

بگو: «شما از گناهی که ما کرده ایم سؤال نخواهید شد، (همان گونه که) ما در برابر آنچه شما انجام می‌دهید، سؤال نخواهیم شد.»

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می‌کند، سپس در میان ما بحق داوری می‌نماید (و مجرمان را از نیکوکاران جدا می‌سازد)، و اوست داور آگاه.»

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ □ كَلَّا □ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

بگو: «کسانی را که بعنوان همتا به او ملحق ساخته اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او همتا و شبیهی ندارد)، بلکه او خداوند توانا و حکیم است.»

□
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پادشاهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

□ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ □ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۹)

می‌گویند: «اگر راست می‌گویند، این وعده (رستاخیز) کی خواهد بود؟!»

قُلْ لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰)

بگو: «وعده شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت.»

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ۚ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱)

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد.» اگر بینی هنگامی که این ستمکاران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و مجازات) نگه داشته شده اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد (از کار آنها تعجب می کنی)! مستضعفان به مستکبران می گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم.»

ص: ۴۳۱

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ ۚ بَلْ كُنْتُمْ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

(اما) مستکبران به مستضعفان می گویند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آن که به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید.»

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا ۚ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳)

و مستضعفان به مستکبران می گویند: «مکر و نیرنگ شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شویم و همتیانی برای او قرار دهیم.» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می بینند پشیمانی خود را پنهان می کنند (تا بیشتر رسوا نشوند). و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می نهیم. آیا جز آنچه عمل می کردند به آنها جزا داده می شود؟! »

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴)

و ما در هیچ شهر و دیاری (پیامبری) بیم دهنده ای نفرستادیم مگر این که ثروتمندان آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم.»

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۵)

و گفتند: «اموال و فرزندان ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست). و ما هرگز عذاب نخواهیم شد.»

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

بگو: «پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می بخشد یا تنگ می گیرد، (این نشانه قرب و بعد به درگاه او نیست). ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآلَتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضُّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ (۳۷)

اموال و فرزندانان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان در برابر کارهایی که انجام داده اند پاداش مضاعف است. و آنها در غرفه های بهشتی در (نهایت) امنیت خواهند بود.

وَالَّذِينَ يَشْعُرُونَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۸)

و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می کنند و می پندارند از حوزه قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می شوند.

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۖ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۳۹)

بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می بخشد یا تنگ می گیرد. و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن رامی دهد (و جای آن را پر می کند).

و او بهترین روزی دهندگان است.»

ص: ۴۳۲

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (۴۰)

(به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه آنان را محشور می کند، سپس به فرشتگان می گوید: «آیا اینها شما را پرستش می کردند؟!»

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَرَبُّنَا مِنْ دُونِهِمْ □ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ □ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱)

آنها می گویند: «منزهی (از این که همتایی داشته باشی)! تنها تو ولی و سرپرست مایی، نه آنها. (آنها ما را پرستش نمی کردند) بلکه جن را پرستش می نمودند. و اکثرشان به آنها ایمان داشتند.»

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَتَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۴۲)

(آری) امروز کسی از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست. و به ستمکاران می گوئیم: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می کردید!»

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِنْكَارٌ مِمَّنْ قَبْلُ □ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می شود، می گویند: «او فقط مردی است که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند باز دارد.» و می گویند: «این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست.» و کافران درباره حق هنگامی که به سراغشان آمد گفتند: «این، جز افسونی آشکار نیست.»

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا □ وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (۴۴)

ما (قبلاً) چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده ایم که آن را بیاموزند (و به اتکای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ (پیامبری) بیم دهنده ای برای آنان نفرستادیم.

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي □ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵)

کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به ده یک آنچه به آنان دادیم نرسیده اند. (آری) آنها فرستادگان مرا تکذیب کردند. پس (بین) مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود!

□ قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوَاحِدَةٍ □ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّي □ وَفَرَادَى □ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا □ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ □ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶)

بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم، دو نفر دو نفر یا بتنهایی برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما [= محمد] هیچ گونه جنونی ندارد. او فقط بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!»

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنِ اجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۖ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷)

بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست. اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است.»

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْدِرُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۴۸)

بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می افکند، که او دانای اسرار نهان است.»

ص: ۴۳۳

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّلُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۴۹)

بگو: «حق آمد. و باطل (کاری از آن ساخته نیست و) نمی تواند آغازگر (چیزی) باشد

و نه تجدید کننده (آن).»

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي ۖ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۵۰)

بگو: «اگر من گمراه شوم، از ناحیه خود گمراه می شوم.

و اگر هدایت یابم، بوسیله آنچه پروردگارم به من وحی می کند می باشد. زیرا او شنوا

و نزدیک است.»

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَعُوًّا فَلَا قُوَّةَ وَأَخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود اما نمی توانند

(از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که انتظارش را ندارند) می گیرند

(از درماندگی آنها تعجب خواهی کرد)!

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

و (در آن حال) می گویند: «به حق ایمان آوردیم.» ولی چگونه می توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند؟!

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ ۖ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

در حالی که پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و بدون آگاهی و دورا دور، نسبتهای ناروا می دادند.

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ (۵۴)

(سرانجام) میان آنها و خواسته هایشان جدایی افکنده شد، همان گونه که پیش از این با هم کیشان آنها رفتار شد، چرا که آنها

(نیز) در شکی توأم با بدگمانی بودند.

۳۵ - سوره فاطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۚ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۚ يَزِيدُ فِي

الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ستایش مخصوص خداوندی است که آفریننده آسمانها و زمین است، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه، او هرچه بخواهد در آفرینش می افزاید، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا □ وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی بازدارنده آن نیست. و هرچه را او باز دارد، کسی بعد از او قادر به فرستادن آن نیست. و او توانا و حکیم است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ □ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ فَانْتَبِهْ □ تُوَفَّكَونَ (۳)

ای مردم! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید. آیا آفریننده ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست. با این حال چگونه (به سوی باطل) منحرف می شوید؟!

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ □ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند. و همه کارها به سوی خدا بازگشت داده می شود.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ □ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا □ وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۵)

ای مردم! وعده خداوند حق است. مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را نسبت به (کرم) خدا فریب دهد (و مغرور سازد!).

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا □ إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

به یقین شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید. او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند.

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ □ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

کسانی که راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی شدید است.

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداشی بزرگ از آن آنهاست.

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا □ فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ □ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ □ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

آیا کسی که زشتی عملش برای او آراسته شده و آن را زیبا می بیند (همانند کسی است که واقع را می یابد)؟! خداوند هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد) گمراه می سازد و هر کس را بخواهد (و شایسته بیند) هدایت می کند. پس جانت بخاطر شدت تأسف بر آنان از دست نرود. خداوند به آنچه انجام می دهند داناست.

□
وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا □ كَذَلِكَ النُّشُورُ (۹)

خداوند کسی است که بادهای او فرستاد تا ابرهایی را به حرکت در آورند. ما این ابرها را به سوی زمین مرده ای رانندیم و بوسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده کردیم. رستاخیز نیز همین گونه است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا □ إِلَيْهِ يَصِيرُ عَدُوُّ الْكَلِيمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ □ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ □ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ (۱۰)

کسی که خواهان عزت و توانایی است (باید از خدا بخواهد. چرا که) تمام عزت و توانایی برای خداست. سخنان پاکیزه به

سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد. و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و توطئه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد).

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای. سپس شما را بصورت زوجهایی قرار داد. هیچ جنس ماده ای باردار نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی کند، یا از عمرش کاسته نمی شود مگر این که در کتاب (علم خداوند) ثبت است. اینها همه برای خداوند آسان است.

ص: ۴۳۵

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ □ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسِيءُ تَخْرُجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا □
وَ تَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

(این) دو دریا یکسان نیستند: این گوارا و شیرین است و نوشیدنش خوشگوار، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر. ولی از هر یک (از آن دو) گوشتی تازه می خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می پوشید. و کشتیها را در آن می بینی که آبها را می شکافند (و به سوی مقصد پیش می روند) تا از فضل خداوند بهره گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) به جا آورید.

□
يُورِثُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُورِثُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَيَخِرُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى □ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ □
وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

او شب را در روز داخل می کند و روز را در شب. و خورشید و ماه را مسخر (شما) کرده، هر یک تا سر آمد معینی به حرکت خود ادامه می دهد. این است خداوند، پروردگار شما. حاکمیت (در سراسر عالم) از آن اوست. و کسانی را که جز او می خوانید

(و می پرستید) مالک کوچکترین چیزی نیستند.

□
إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ □ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكُمْ □ وَلَا يُبْنِيكَ مِثْلَ خَبِيرٍ (۱۴)

اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی گویند. و روز قیامت، شرک (و پرستش) شما را منکر می شوند. و هیچ کس مانند (خداوند) آگاه از همه چیز، تو را (از حقایق) باخبر نمی سازد.

□
يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ □ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

ای مردم! شما (همگی) نیازمند به خداید. تنها خداوند است که بی نیاز و ستوده است.

□
إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

اگر بخواهد شما را می برد و خلق جدیدی می آورد.

□
وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعْزِيرٌ (۱۷)

و این برای خداوند مشکل نیست.

□
وَلَمَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى □ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلِيهَا لَمَا يُخَمِّلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ □ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ □ وَمَنْ تَرَكَ فَإِنَّمَا يَتَرَ كَفِي لِنَفْسِهِ □ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

هیچ گنجهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد. و اگر شخص سنگین باری دیگری را برای حمل بار (گناه) خود

بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از خویشاوندان او باشد. تو فقط کسانی را می توانی انذار کنی که از پروردگار خود در نهان (و آشکار) می ترسند و نماز را برپا می دارند. و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش باز می گردد. و بازگشت (همگان) به سوی خداست.

ص: ۴۳۶

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (۱۹)

(بدانید) نابینا و بینا هرگز برابر نیستند،

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰)

و نه تاریکی ها و روشنایی،

وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (۲۱)

و نه سایه (آرام بخش) و باد داغ و سوزان.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْواتُ □ إِنْ اللَّهُ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ □ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ (۲۲)

و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند. خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور (خفته) اند برسانی.

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳)

تو فقط اندازکننده ای، (اگر ایمان نیاورند نگران نباش، وظیفه ات را انجام ده).

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا □ وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)

ما تو را بحق به عنوان بشارت دهنده و انداز کننده فرستادیم. و هر امتی در گذشته اندازکننده ای داشته است!

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

اگر تو را تکذیب کنند (عجب نیست). کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند. آنها با دلایل روشن و نوشته های محکم و متین و کتاب آسمانی روشنگر به سراغ آنان آمدند (اما کوردلان ایمان نیاوردند).

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا □ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)

سپس من کافران را (بعد از اتمام حجّت) مجازات کردم، پس (بین) مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟!

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا □ وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه هایی به رنگهای گوناگون (از زمین) خارج ساختیم و از

کوهها نیز (به لطف پروردگار) راه هایی آفریده شده سفید

و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه.

□
وَمِنَ النَّاسِ وَالذَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ □ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ □ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

و از انسانها و جنبندها و جانداران

و چهار پایان انواعی با رنگهای مختلف آفریدیم، آری (آفرینش جهان با عظمت) چنین است. و تنها از میان بندگان او، دانشمندان خدا ترسند. خداوند توانا و آمرزنده است.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (۲۹)

به یقین کسانی که کتاب الهی را تلاوت می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم پنهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتهای (پرسود و) بی زیان

و خالی از کساد را امید دارند.

لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ □ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)

(آنها این اعمال صالح را انجام می دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر (پاداش) آنها بیفزاید که او آمرزنده

و شکرگزار (و قدردان) است.

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق کننده (و هماهنگ) با کتب پیش از آن. به یقین خداوند نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۚ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ ۚ بإِذْنِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم. ولی بعضی از آنان برخود ستم کردند، و بعضی از آنان میانه رو بودند، و بعضی به اذن خدا در نیکیها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است.

جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۚ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

(پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشتی است که در آن وارد می شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته اند، و لباسشان در آن جا حریر است.

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۚ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)

آنها می گویند: «حمد

و ستایش مخصوص خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت. پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار (و قدردان) است.

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ ۚ لَّا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵)

همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می رسد و نه سستی و واماندگی.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۚ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ (۳۶)

و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست. هرگز فرمان مرگشان صادر نمی شود تا بمیرند، و نه عذاب آن، از آنان کاسته می شود. این گونه هر ناسپاسی را مجازات می کنیم.

وَهُمْ يَصِطُّونَ طَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ ۚ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (۳۷)

آنها در دوزخ فریاد می زنند: «پروردگارا! ما را بیرون آور تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می دادیم.» (به آنان گفته می شود:) آیا شما را به اندازه ای که هرکس اهل تذکر است در آن متذکر می شود عمر ندادیم،

و انذارکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ستمکاران هیچ یآوری نیست!

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون سینه هاست می داند.

ص: ۴۳۸

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ □ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ □ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا □ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹)

اوست که (به لطفش) شما را جانشینانی در زمین قرار داد. هر کس کافر شود، کفر او به زیان خودش خواهد بود، و کفر کافران چیزی جز خشم و غضب در نزد پروردگار نمی افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی کند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِّنْهُ □ بَلْ إِنْ يِعِدُّ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰)

بگو: «به من خبر دهید این (معبودان و) همتیانی را که جز خدا می خوانید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا این که شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یابه آنان کتابی (آسمانی) داده ایم و دلیلی از آن (برای شرک خود) دارند؟!» (نه هیچ یک از اینها نیست)، بلکه ستمکاران فقط وعده های دروغین به یکدیگر می دهند.

□ إِنْ اللَّهُ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا □ وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ □ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

خداوند آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا (از نظام خود) منحرف نشوند. و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد. او دارای حلم و آمرزنده است.

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ □ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ □ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)

آنان سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که اگر (پیامبر) انذارکننده ای به سراغشان آید، هدایت یافته ترین امتها خواهند بود. اما چون (پیامبر) انذار کننده ای برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن (از حق) چیزی بر آنها نیفزود.

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ □ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ □ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ □ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا □ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳)

(اینها همه) بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود. و نیرنگ بد تنها دامان صاحبانش را می گیرد. آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان (و عذابهای دردناک الهی) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی دگرگونی نمی یابی.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً □ وَمِمَّا كَانِ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ □ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان نیرومندتر بودند. نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت. به یقین او دانا و تواناست.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

اگر خداوند مردم را بسبب کارهایی که مرتکب شده اند مجازات کند، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت. ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) اما هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) به یقین خداوند نسبت به بندگانش بیناست.

۳۶ - سوره یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان یس.

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)

سوگند به قرآن حکیم (و استوار).

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)

که تو قطعاً از فرستادگان (خداوند) هستی،

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴)

بر راهی راست (قرارداری).

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)

(این قرآنی است که) از سوی خداوند توانا و مهربان نازل شده است.

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

تا قومی را انذار کنی که پدرانشان انذار نشدند،

از این رو آنان غافلند.

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها (به کیفر اعمالشان) تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی آورند.

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۸)

ما در گردنهای آنان غلهایی [= طوقهایی] قرار دادیم که تا چانه ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است.

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹)

و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدّی. و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند.

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی یا نکنی، ایمان نمی آورند.

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ □ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱)

تو فقط کسی را می توانی انذار کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهمان بترسد. سپس او را به
آمزش و پاداشی پرازش بشارت ده.

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ □ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲)

به یقین ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را از پیش فرستاده اند و آنچه را از خود باقی گذاشته اند. و همه چیز را در کتاب
روشنگری احصا کرده ایم.

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

و برای آنها، اصحاب شهر (انطاکیه) را مثال بزنی هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند.

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (۱۴)

در آن زمان که دو نفر (از رسولان خود) را به سوی آنها فرستادیم، امّا آنان فرستادگان (ما) را تکذیب کردند. پس برای تقویت آن دو، شخص سومی را فرستادیم. و آنها گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم.»

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵)

امّا آنان

(در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می گوید.»

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ (۱۶)

(فرستادگان ما) گفتند: «پروردگار ما می داند که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم،

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)

و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.»

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸)

آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته ایم (و شما را شوم می دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید!

قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ ؕ أَلَيْسَ لَكُم مِّنْ قَوْمٍ مُّسْرِفُونَ (۱۹)

(فرستادگان) گفتند: «اگر درست بیندیشید فال بد شما با خود شماست، بلکه شما گروهی اسرافکارید.»

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)

و مردی (با ایمان)

از دورترین نقطه شهر با شتاب آمد، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید.

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ (۲۱)

از کسانی پیروی کنید که از شما اجر و پاداشی نمی خواهند و خود هدایت یافته اند.

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)

چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می شوید؟!

أَتَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرَدَّنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ (۲۳)

آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده ای برای من ندارد و مرا

(از مجازات او) نجات نخواهند داد؟!

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

اگر چنین کنم، در گمراهی آشکاری خواهم بود.

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ (۲۵)

(به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم. پس به سخنان من گوش فرا دهید.»

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ □ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶)

(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو.» گفت: «ای کاش قوم من می دانستند.

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (۲۷)

که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است!»

□ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ (۲۸)

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما براین نبود.

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹)

(بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود و ناگهان همگی خاموش شدند.

يَا حَشْرَةَ عَلَى الْعِبَادِ □ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰)

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری به سراغ آنان نیامد مگر این که او را استهزا می کردند!

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۱)

آیا ندیدند چه قدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم که آنها هرگز به سوی ایشان باز نمی گردند (و زنده نمی شوند)؟!

وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۳۲)

و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می شوند.

وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (۳۳)

و زمین مرده برای آنها نشانه ای (از عظمت خدا) است که ما آن را زنده کردیم و دانه (های غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می خورند.

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (۳۴)

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه هایی آن جاری ساختیم،

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ □ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

تا از میوه آن بخورند در حالی که با دست خود آن را به عمل نیاورده اند. آیا شکر (خدا را) به جا نمی آورند؟!

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنَ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید،

از آنچه زمین می رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی دانند.

وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷)

شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا). ما روز را از آن برمی گیریم، در این هنگام آنان در تاریکی فرو می روند.

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ۖ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است. این تقدیر خداوند توانا و داناست.

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ ۖ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

و برای ماه منزلگاههایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت شاخه کهنه (قوسی شکل و زرد رنگ) خرما درمی آید.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۖ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰)

نه خورشید راسزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد. و هر یک در مسیر خود شناورند.

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ (۴۱)

نشانه ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم.

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲)

و برای آنها مرکبهای (دیگری) همانند آن آفریدیم.

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ (۴۳)

و اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند.

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ (۴۴)

مگر این که رحمت ما (شامل حالشان شود)،

و تا زمان معینی (از این زندگی) بهره گیرند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۵)

و هر گاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست (از عذاب دنیا و آخرت) بپرهیزید تا مشمول رحمت الهی شوید.» (اعتنا نمی کنند).

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴۶)

و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی آید مگر این که از آن روی گردان می شوند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۴۷)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید.»، کافران به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد و) شما فقط در گمراهی آشکارید.»

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

آنها می گویند: «اگر راست می گوئید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!»

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹)

(امّا) جز این انتظار نمی کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فرا گیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند.

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

و (چنان غافلگیر می شوند که حتی) نمی توانند وصیتی کنند و نه به سوی خانواده خود باز گردند.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (۵۱)

(بار دیگر) در «صور» دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می روند.

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ۚ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (۵۲)

می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان (روز جزا) است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند.»

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳)

صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می شوند.

فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴)

(و به آنها گفته می شود:) امروز به هیچ کس کمترین ستمی نخواهد شد، و جز آنچه انجام می دادید، کیفر داده نمی شوید.

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ (۵۵)

بهشتیان، امروز (به نعمتهای خدا) مشغول و مسرورند.

هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ (۵۶)

آنها و همسرانشان

در سایه هایی (از قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده اند.

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مِمَّا يَدْعُونَ (۵۷)

برای آنها

در بهشت میوه بسیار لذت بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیارشان خواهد بود.

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ (۵۸)

سلام (و درود الهی بر آنها)، سخنی است از سوی پروردگاری مهربان.

وَأَمَّا زُورًا الْيَوْمَ آيَّهَا الْمُجْرِمُونَ (۵۹)

(و به گروهی دیگر گفته می شود:) جدا شوید امروز ای گنهکاران!

□ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ □ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۰)

ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! □

وَأَنْ اعْبُدُونِي □ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱)

و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟! □

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا □ أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (۶۲)

او گروه زیادی از شما را گمراه کرد. آیا اندیشه نکردید؟! □

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۶۳)

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد.

اَضْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۶۴)

امروز بخاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید!

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۶۵)

امروز بر دهانشان مهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به کارهایی که انجام می دادند گواهی می دهند.

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ (۶۶)

و اگر بخواهیم (در همین جهان) چشمانشان را محو می کنیم. سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می توانند ببینند؟!

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۶۷)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می کنیم (و به مجسمه هایی بی روح مبدل می سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند و نه به عقب بازگردند.

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۗ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (۶۸)

هر کس را عمر طولانی دهیم، در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم). آیا نمی اندیشند؟!

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (۶۹)

ما شعر به او [= پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست. (شاعر باشد) این (کتاب آسمانی) فقط مایه یادآوری و قرآن مبین است.

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰)

تا هر کس را که زنده است (و حیات انسانی دارد) انذار کند (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)

آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم

که آنان مالک آن هستند؟!

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می کنند.

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و برای آنان بهره های دیگری در آن (حیوانات) است

و نوشیدنیهایی گوارا. آیا با این حال شکرگزاری نمی کنند؟!

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (۷۴)

آنان غیر از خدا معبودانی (برای خویش) برگزیدند به این امید که یاری شوند.

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ (۷۵)

(ولی) آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که (در آتش دوزخ) احضار می شوند.

فَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ ۖ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۶)

پس سخنانشان تو را غمگین نسازد. ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند می دانیم.

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۷۷)

آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که)

به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست.

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

و برای ما مثالی زدو آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده

است؟!»

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (٧٩)

بگو: «همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید. و او نسبت به هر مخلوقی داناست.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (٨٠)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می افروزید.»

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ بَلَىٰ ۚ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (٨١)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر نیست همانند آنان را بیافریند؟! آری (می تواند)، و او آفریدگار آگاه است.

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (٨٢)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود.

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٣)

پس منزّه است خداوندی که مالکیت همه چیز در دست اوست. و به سوی او باز گردانده می شوید.

۳۷ - سوره الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* سو گند به صف کشیدگان [= فرشتگان منظم و گوش به فرمان]،

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (۲)

و به نهی کنندگان [= فرشتگان بازدارنده]،

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (۳)

و تلاوت کنندگان (پیامی) آیات الهی،

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴)

که به یقین معبود شما یگانه است.

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها.

إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶)

ما آسمان نزدیک [= پایین] را با زیور ستارگان آراستیم،

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۷)

تا آن را از هر شیطان متمردی حفظ کنیم.

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸)

آنها نمی توانند به سخنان فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند، (و هر گاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می گیرند.

دُحُورًا ۞ وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹)

آنها بشدت به عقب رانده می شوند. و برای آنان مجازاتی دائم است.

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

مگر آنها که در لحظه ای کوتاه (به آسمان نزدیک شوند و) استراق سمع کنند، که «شهابی ثاقب» آنها را تعقیب می کند.

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا □ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ (۱۱)

از آنان پرس: «آیا آفرینش (دوباره) آنان سخت تر است یا آفرینش تمام کسانی (از فرشتگان و اهل آسمانها و زمین) که آفریده ایم؟!» ما آنان را از گل چسبنده ای آفریدیم

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (۱۲)

تو از انکارشان تعجب می کنی، ولی آنها مسخره می کنند.

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۱۳)

و هنگامی که تذکر داده شوند، متذکر نمی شوند.

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (۱۴)

و هنگامی که معجزه ای را ببینند، (دیگران را نیز) به استهزا دعوت می کنند.

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۵)

و می گویند: «این فقط سحری آشکار است.

أِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۱۶)

آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوانی (پوسیده) شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟!!

أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۱۷)

و آیا نیاکان ما (باز می گردند)؟!!

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (۱۸)

بگو: «آری، (همه شما زنده می شوید) در حالی که خوار خواهید بود.

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ (۱۹)

و این (بازگشت) تنها با یک صیحه عظیم واقع می شود، و ناگهان همه

(از قبرها بر می خیزند و) نگاه می کنند.

□ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (۲۰)

و می گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!»

□ احشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (۲۱)

(در این هنگام به فرشتگان دستور داده می شود): ستمکاران

و همردیفانشان و آنچه را می پرستیدند، گرد آورید

□ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۲)

(آری) این همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما آن را تکذیب می کردید.

□ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (۲۳)

(آری آنچه را) غیر از خدا (می پرستیدند جمع کنید) و به سوی راه دوزخ هدایتشان نمایید.

□ وَقِفُوهُمْ □ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (۲۴)

آنها را (در کنار دوزخ) نگهدارید که باید مورد بازپرسی قرار گیرند.

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ (۲۵)

شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید!؟

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۲۶)

ولی آنان در آن روز (در برابر قدرت خدا) تسلیمند.

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

(و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم سؤال می کنند.

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (۲۸)

گروهی می گویند: « شما (رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی

و نیکی وارد شدید (اما جز فریب چیزی در کارتان نبود)!

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲۹)

(آنها در جواب) می گویند: «بلکه شما خودتان اهل ایمان نبودید

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ ۚ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ (۳۰)

ما هیچ گونه سلطه ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود گروهی طغیانگر بودید.

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا ۚ إِنَّا لَذَائِقُونَ (۳۱)

اکنون فرمان پروردگاران بر همه ما مسلم شده، و همگی (از عذاب او) می چشیم.

فَأَعْوَبْنَاكُمْ ۚ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (۳۲)

ما شما را گمراه کردیم، زیرا خود گمراه بودیم.

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۳)

(آری) همه آنها [= پیشوایان و پیروان گمراه] در آن روز در عذاب الهی شرکت دارند!

ۚ إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۴)

ما این گونه با مجرمان رفتار می کنیم!

□
إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵)

چرا که وقتی به آنها گفته می شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبر و سرکشی می کردند.

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶)

و پیوسته می گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!»

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷)

(چنین نیست)، بلکه او حق را آورده و پیامبران (پیشین) را تصدیق کرده است.

إِنَّكُمْ لَدَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸)

اما شما (مستبکران کوردل) بطور مسلم عذاب دردناک را خواهید چشید!

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹)

و جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید،

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۴۰)

جز بندگان خالص شده خدا

(که از این کیفرها برکنارند).

□
أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۴۱)

برای آنان روزی معین و ویژه ای است،

فَوَاكِهَ □ وَهُمْ مُكْرَمُونَ (۴۲)

میوه ها

(ی گوناگون پرارزش)، و آنها گرامی داشته می شوند،

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۴۳)

در باغهای پر نعمت بهشتی.

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (۴۴)

در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگرند،

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ (۴۵)

و گرداگردشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می گردانند.

بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ (۴۶)

درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان.

لَا فِيهَا عَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (۴۷)

شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می شوند.

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (۴۸)

و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمیورزند.

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ (۴۹)

گویی (از لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۵۰)

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) رو به یکدیگر کرده از هم سؤال می کنند.

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۵۱)

یکی از آنها می گوید: «من (در دنیا) همشینی داشتم،

يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (۵۲)

که پیوسته می گفت: آیا تو باور داری،

أِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَدِينُونَ (۵۳)

که وقتی ما مُردیم و خاک و استخوانی (پوسیده) شدیم، (بار دیگر زنده می شویم و) جزا داده خواهیم شد؟!»

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ (۵۴)

(سپس) می گوید: «آیا شما (از وضع او) آگاهید؟»

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۵۵)

این جاست که نگاهی می کند، ناگهان او را در میان دوزخ می بیند.

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ (۵۶)

می گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی!

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ (۵۷)

و اگر نعمت پروردگارم نبود، من (نیز) از احضارشدگان (در دوزخ) بودم!

أَفَمَا نَحْنُ بِمَمِّيَّينَ (۵۸)

(سپس می گوید: ای دوستان!) آیا ما هرگز نمی میریم، (و در بهشت جاودانه خواهیم بود).

إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۵۹)

و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟!»

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۰)

راستی این همان پیروزی بزرگ است!

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (۶۱)

(آری)، برای همانند چنین پاداشی، باید عمل کنندگان عمل کنند.

أَذَلِكْ خَيْرٌ نَزَّلًا أَمْ شَجَرَةُ الرَّقْمِ (۶۲)

آیا این نعمتها

(ی جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت انگیز) زقوم؟!

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (۶۳)

ما آن را مایه درد و رنج ستمکاران قرار دادیم.

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (۶۴)

آن درختی است که از قعر جهنم می روید.

طَلَعَهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۶۵)

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است.

فَأِنَّهُمْ لَا يَكُلُونَ مِنْهَا فَمَا لُتُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۶۶)

آنها [= مجرمان] از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند.

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (۶۷)

سپس روی آن آب آلوده سوزانی می نوشند.

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (۶۸)

آنگاه باز گشت آنها به سوی جهنم است.

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۶۹)

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافته اند،

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (۷۰)

با این حال سرعت (و بدون اندیشه) به دنبال آنان کشانده می شوند.

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ (۷۱)

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنذِرِينَ (۷۲)

ما در میان آنها اندازکنندگان فرستادیم،!

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ (۷۳)

ولی بنگر عاقبت اندازشوندگان چگونه بود!

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۷۴)

مگر بندگان خالص شده خداوند.

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵)

و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم). و چه خوب اجابت کننده ای هستیم!

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم،

وَجَعَلْنَا دُرِّيَّتَهُ هُمْ الْبَاقِينَ (۷۷)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم،

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۷۸)

و نام نیک او را در میان اّمتهای بعد باقی نهادیم.

سَلَامٌ عَلَيَّ نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹)

سلام بر نوح در میان جهانیان باد!

□
إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۰)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱)

چرا که او از بندگان با ایمان ما بود.

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ (۸۲)

سپس دیگران [= دشمنان او] را غرق کردیم.

□ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (۸۳)

و از پیروان او ابراهیم بود.

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۸۵)

هنگامی که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش بود] و قومش گفت: «اینها چیست که می پرستید؟!»

أَتُنْفِكَا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (۸۶)

آیا از روی دروغ به سراغ معبودانی غیر از خدا می روید؟!

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۷)

شما درباره پروردگار جهانیان چه گمان می برید؟!«

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (۸۸)

(سپس) نگاهی به ستارگان افکند،

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۹)

و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی آیم).»

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (۹۰)

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و به سرعت از شهر بیرون رفتند).

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱)

او به سراغ خدایان آنها آمد و (از روی تمسخر) گفت: «چرا (از این غذاها) نمی خورید؟!«

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (۹۲)

(اصلاً) چرا سخن نمی گوید؟!«

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (۹۳)

سپس ضربه ای محکم با دست راست بر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را در هم شکست).

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ (۹۴)

آنها با سرعت به او روی آوردند.

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (۹۵)

گفت: «آیا چیزی را می پرستید که خود می تراشید؟!«

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (۹۶)

با این که خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی را که می سازید!«

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ (۹۷)

(بت پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!»

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (۹۸)

آنها برای نابودی ابراهیم توطئه ای کردند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم.

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۹۹)

(آتش بر او گلستان شد و سلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می روم، او مرا هدایت خواهد کرد.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰۰)

پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان ببخش.»

فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (۱۰۱)

ما او

[= ابراهیم] را به نوجوانی بردبار (و صبور) بشارت دادیم.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ □ □ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ □ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش (و حد رشد) رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، پس بنگر رأی تو چیست؟» گفت: «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.»

ص: ۴۴۹

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

هنگامی که هر دو تسلیم (فرمان الهی) شدند و ابراهیم پیشانی او را بر خاک نهاد،

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴)

او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم!

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا □ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵)

آن رویا را تحقق بخشیدی (و آماده قربانی فرزند شدی).» ما این گونه، نیکوکاران را پاداش می دهیم.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶)

به یقین این همان امتحان آشکار است.

وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (۱۰۷)

ما قربانی عظیمی را فدای او کردیم،

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۰۸)

و نام نیک او را در امتهای بعد باقی نهادیم.

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (۱۰۹)

سلام بر ابراهیم!

□ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۱۰)

این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۱)

چراکه او از بندگان با ایمان ما بود.

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۲)

ما او را به اسحاق _ پیامبری از شایستگان _ بشارت دادیم.

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ (۱۱۳)

ما به او و اسحاق برکت دادیم. و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار ولی افرادی آشکارا به خود ستم کردند.

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۱۴)

ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم.

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ (۱۱۵)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم.

وَنَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۱۱۶)

و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند.

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَسِينِ (۱۱۷)

ما به آن دو، کتاب روشنی بخشی دادیم،

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۱۸)

و آن دو را به راه راست هدایت نمودیم.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ (۱۱۹)

و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم.

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۲۰)

سلام بر موسی و هارون!

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۲۱)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۲۲)

آن دو از بندگان مؤمن ما بودند.

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

و (همچنین) الیاس از پیامبران (ما) بود.

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۱۲۵)

آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریدگار را رها می سازید؟!

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (۱۲۶)

خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!

ص: ۴۵۰

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۲۷)

اما آنها او را تکذیب کردند. ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می شوند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۲۸)

مگر بندگان مخلص خدا.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۲۹)

ما نام نیک او را در میان اتمهای بعد باقی گذاردیم.

سَلَامٌ عَلَيَّ إِنْ يَأْسِينِ (۱۳۰)

سلام بر یاسین!

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۳۱)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

او از بندگان مؤمن ما بود.

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۳)

و (همچنین) لوط از پیامبران (ما) بود.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۳۴)

(به خاطر بیاور) زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم،

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۱۳۵)

مگر پیر زنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت گناهکاران گرفتار شد).

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ (۱۳۶)

سپس دیگران را نابود کردیم.

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ (۱۳۷)

و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه های شهرهای) آنها می گذرید،

وَبِاللَّيْلِ ؕ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۳۸)

و (همچنین) شبانگاه. آیا نمی اندیشید!؟

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

و یونس از پیامبران (ما) بود.

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

(به خاطرریاور) زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد.

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱)

و با آنها قرعه افکند، و (قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد.

فَأَلْتَمَمَهُ الْخَوْثُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

(او را به دریا افکندند)

و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که درخور سرزنش بود.

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳)

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود،

لَلْبَثِّ فِي بَطْنِهِ إِذْ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۱۴۴)

تا روز قیامت در شکم آن (ماهی) می ماند!

فَتَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (۱۴۵)

سرانجام

(او را رهایی بخشیدیم و) او را در سرزمینی خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود.

وَأُنَبِّتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ (۱۴۶)

و بوته کدویی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد).

وَأَرْسَلْنَا إِلَىٰ مِائَةِ آلَافٍ أَوْ يَزِيدُونَ (۱۴۷)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری — یا بیشتر — فرستادیم.

فَأَمَّنُوا فَمَرَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (۱۴۸)

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدّت معلومی آنان را (از مواهب زندگی) بهره مند ساختیم.

فَأَسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ (۱۴۹)

از آنان پرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟!

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟!

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

بدانید آنها به سبب این تهمت بزرگشان می گویند:

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۵۲)

«خداوند فرزند آورده.» ولی آنها به یقین دروغ می گویند.

أَصْطَفَىٰ الْبَنَاتِ عَلَىٰ الْبَنِينَ (۱۵۳)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (با اینکه شما آن را برای خود نمی پذیرید)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۵۴)

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می کنید؟! (هیچ می فهمید چه می گوئید!؟)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

آیا متذکر نمی شوید!؟

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (۱۵۶)

یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۵۷)

کتابتان را بیاورید اگر راست می گوئید!

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

آنها میان خداوند و جنّ، نسبتی قائل شدند. در حالی که جنیان بخوبی می دانند که آنها [= بت پرستان] در دادگاه الهی احضار می شوند.

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۱۵۹)

منزه است خداوند از آنچه توصیف می کنند،

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۰)

مگر بندگان مخلص خدا.

فَأْتِكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (۱۶۱)

شما و آنچه را پرستش می کنید،

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (۱۶۲)

هرگز نمی توانید کسی را (با آن) فریب دهید،

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (۱۶۳)

مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می شوند.

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴)

و هیچ یک از ما (فرشتگان) نیست جز آن که مقام معلومی دارد.

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ (۱۶۵)

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده ایم.

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

و ما همه تسبیح گو (ی او) هستیم.

وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ (۱۶۷)

آنها پیوسته می گفتند:

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ (۱۶۸)

«اگر یکی از کتابهای پیشینان نزد ما بود،

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۱۶۹)

به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم.»

فَكَفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۱۷۰)

(اما وقتی قرآن آمد،) به آن کافر شدند. ولی بزودی خواهند دانست!

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱)

و عده قطعی ما درباره بندگان فرستاده شده ما از پیش مسلم شده،

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (۱۷۲)

که آنان یاری شدگانند،

وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۱۷۳)

و لشکر ما پیروزند.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۱۷۴)

بنابراین از آنها [= کافران] روی بگردان (و آنان را رها کن) تا زمان معینی (که فرمان جهاد فرا رسد).

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۵)

و آنها را بنگر! که بزودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند!

أَفَعَذَابُنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۱۷۶)

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می کنند؟!

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (۱۷۷)

اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت!

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۱۷۸)

از آنان روی بگردان تا زمان معینی.

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹)

و آنها را بنگر که بزودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند!

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

منزه است پروردگار تو، پروردگار صاحب قدرت، از آنچه آنان توصیف می کنند.

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

و سلام بر پیامبران!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ص □ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است).

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزِّهِ وَشِقَاقِي (۲)

ولی کافران گرفتار غرور و اختلافند.

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَعَلَتَّ حِينٍ مِّنَاصٍ (۳)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم. و به هنگام نزول عذاب فریاد می زدند (و کمک می خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود.

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ □ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۴)

نها تعجب کردند که (پیامبر) انذار کننده ای از میان خودشان به سویشان آمده. و کافران گفتند: «این ساحر بسیار دروغگویی است».

أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا □ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ (۵)

آیا او به جای این همه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این براستی چیز عجیبی است!

وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْسُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ □ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶)

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و بر (پرستش) خدایانتان، استقامت کنید این چیزی است که خواسته می شود (تا به سبب آن شما را گمراه کنند).

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ (۷)

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده ایم. این تنها یک امر ساختگی است.

أُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا □ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي □ بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ (۸)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او [=محمد] نازل شده؟! آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده اند (که این چنین گستاخانه سخن می گویند).

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (۹)

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟!

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا □ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (۱۰)

یا این که حکومت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و از نزول وحی بر پیامبر جلوگیری کنند)!

جُنْدٌ مَّا هُنَّالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (۱۱)

اینها لشکر کوچک شکست خورده ای از گروه های مختلفند!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند!

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ □ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (۱۳)

و (نیز) قوم تمود و لوط و اصحاب آیکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)!

إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (۱۴)

هر یک (از این گروهها) فرستادگان (ما) را تکذیب کردند، و عذاب من درباره آنان تحقق یافت!

وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵)

اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد!

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)

آنها (از روی خیره سری و لجاجت) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را (از عذاب) هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما بده!»

اضْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ □ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷)

در برابر آنچه می گویند شکبیا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه کننده بود.

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (۱۸)

ما کوهها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می گفتند.

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً □ كُلُّ لَّهُ أَوَّابٌ (۱۹)

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند). و همگی بازگشت کننده به سوی او بودند.

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابِ (۲۰)

و حکومت او را استحکام بخشیدیم. (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه.

□ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (۲۱)

آیا خبر شاکیان هنگامی که از محراب (داود) بالا رفتند به تو رسیده است؟!

إِذْ دَخَلُوا عَلَيَّ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ □ قَالُوا لَا تَخَفْ □ خَضِيَ مَانَ بَغِيٍّ بَغَضْنَا عَلَيَّ بَعْضٌ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲)

در آن هنگام که

(بی مقدمه) بر داود وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد. گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده. اکنون در میان ما بحق داوری کن و سخن ناروا مگو و ما ربه راه راست هدایت کن.

□ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (۲۳)

این برادر من است. او نود و نه میش دارد و من (تنها) یک میش دارم. اما او اصرار می کند که: این را (نیز) به من واگذار. و در سخن بر من غلبه کرده است.»

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ □ إِلَيَّ نِعَاجِهِ □ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ □ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ □ (۲۴)

(داود) گفت: «به یقین او با درخواست میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده. و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند. اما عده آنان کم است.» داود

دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده ایم، از این روز پروردگارش طلب آموزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد.

فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (۲۵)

ما این عمل را بر او بخشیدیم. و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست.

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶)

ای داود! ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم. پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد. کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند!

ص: ۴۵۴

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا □ ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا □ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم. این گمان کافران است. وای بر کافران از آتش (دوزخ)!

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۹)

این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند.

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ □ نِعْمَ الْعَبْدُ □ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

ما سلیمان را به داود بخشیدیم. چه بنده خوبی! زیرا او بسیار توبه کننده بود.

إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ (۳۱)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که عصر گاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند،

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم).» او به آنها نگاه می کرد تا از دید گانش پنهان شدند.

رُدُّوهَا عَلَيَّ □ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (۳۳)

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید. و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد).

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم. سپس او (به درگاه خداوند) توبه کرد.

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَأَتَّبِعِيَ لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي □ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۳۵)

گفت: «پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که توبسیار بخشنده ای.»

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶)

پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش نرمی به هر جا او می خواهد برود.

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ (۳۷)

و هر بنا و عوای از شیاطین را مسخر او کردیم.

وَأَخْرَيْنَ الْمُفْرِنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۳۸)

و گروه دیگری (از شیاطین متمرّد) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم،

□ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹)

(و به او گفتیم:) این عطای ماست. به هر کس می خواهی

(و صلاح می بینی) بی حساب ببخش، و از هر کس می خواهی امساک کن.

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (۴۰)

و برای او [= سلیمان] نزد ما مقامی والا و سرانجامی نیکوست.

وَإِذْ كُرَّ عِبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (۴۱)

و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است).

□ □ هَذَا مُعْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (۴۲)

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب. (تا چشمه ای ظاهر گردد) این آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است.

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لَأُولَى الْأَلْبَابِ (۴۳)

و خانواده اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای خردمندان.

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ ۖ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ۖ نَعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۴۴)

(و به او گفتیم:) بسته ای از ساقه (های گندم مانند آن) را بر گیر و با آن (به همسرت) بزن و سوگند خود را مشکن. ما او را شکستیا یافتیم. چه بنده خوبی که بسیار توبه کننده بود!

وَإِذْ كُرَّ عِبَادَنَا لِإِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ (۴۵)

و به خاطر بیاورندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان قدرت و بصیرت.

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (۴۶)

ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص گردانیم، که همان یادآوری سرای آخرت بود.

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (۴۷)

و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکان بودند.

وَإِذْ كُرَّ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ (۴۸)

و به خاطر بیاور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذوالکفل» را که همه از نیکان بودند.

هَذَا ذِكْرٌ ۖ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَّآبٍ (۴۹)

این یک یادآوری است. و به یقین برای پرهیزگاران فرجام نیکویی است:

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَنَةٍ لَّهُمُ الْأَبْوَابُ (۵۰)

(همان) باغهای جاویدان بهشتی که درهائش به روی آنان گشوده است،

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (۵۱)

در حالی که در آن (بر تختها) تکیه کرده اند و میوه های بسیار و نوشیدنیهای فراوان در اختیار آنان است.

وَإِنَّمَا يَخْرُجُ فِيهَا مِنَ الْأَبْوَابِ (۵۲)

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته اند، و همسن و سالند.

□ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

این همان (پاداشی) است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (و عده ای تخلف ناپذیر).

□ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (۵۴)

این روزی ماست که آن را پایانی نیست!

□ هَذَا □ وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَأَبٍ (۵۵)

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین سرانجام است.

□ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (۵۶)

(همان) دوزخ، که در آن وارد می شوند. و چه بد جایگاهی است!

□ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ (۵۷)

این مایع سوزان و مایع بدبوئی است که باید از آن بچشند!

□ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ (۵۸)

و کیفرهای دیگری همانند آن دارند.

□ هَذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ □ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ □ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ (۵۹)

(سرکردگان گمراه به یکدیگر می گویند): این گروهی (از پیروان شما) است که همراه شما وارد دوزخ می شوند. خوشامد بر آنها مباد. همگی در آتش خواهند سوخت!

□ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْحَبَّا بِكُمْ □ أَنْتُمْ قَدْ مُتُّمُوهُ لَنَا □ فَبِئْسَ الْقَرَارُ (۶۰)

آنها (به رؤسای خود) می گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این (عذاب) را شما برای ما فراهم ساختید و چه بد قرار گاهی است!»

□ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِّدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)

(سپس) می گویند: «پروردگارا! هر کس این (عذاب) را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزای.»

وَقَالُوا مَا لَنَا لَّا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)

آنها می گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می شمردیم (در آتش دوزخ) نمی بینیم؟!

أَتَّخَذْنَاَهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (۶۳)

آیا ما آنان را (بی جهت) به مسخره گرفتیم یا چشمها آنها را نمی بیند؟!»

□
إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقُّ تَخَاصُّمِ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

گفتگوهای خصمانه دوزخیان، یک واقعیت است.

□
قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ □ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۶۵)

بگو: «من تنها انداز کننده ام. و هیچ معبودی جز خداوند یگانه و حاکم بر همه چیز نیست.

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۶۶)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار توانا و بسیار آمرزنده.»

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷)

بگو: «این خبری بزرگ است،

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

که شما از آن روی گردانید!

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹)

من از ملا اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) گفتگو می کردند خبر ندارم.

إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۷۰)

تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من انداز کننده آشکاری هستم.»

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ (۷۱)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم.

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۷۲)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید.»

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۷۳)

در آن هنگام همه فرشتگان بدون استثنا سجده کردند،

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۷۴)

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود.

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي □ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (۷۵)

فرمود: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از این که فرمان سجود به تو داده شود!)»

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ □ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۷۶)

گفت: «من از او بهترم. مرا از آتش آفریده ای و او را از گل.»

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۷۷)

فرمود: «از آن (مقامات) خارج شو، که تو (از درگاه من) رانده شده ای!

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۷۸)

و به یقین لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود.»

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۷۹)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده.»

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۸۰)

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی،

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱)

(ولی) تا روز و زمان معین.»

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

گفت: «به عزّت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد،

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ (۸۳)

مگر بندگان خالص شده ات، از میان آنها.»

ص: ۴۵۷

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ (۸۴)

فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم،

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۵)

که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!»

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸۶)

(ای پیامبر!) بگو: «من در برابر این دعوت هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، و من از متکلفان نیستم. (سخناتم روشن و همراه بادلیل است.)»

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۸۷)

این (قرآن) فقط تذکری برای جهانیان است.

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۸۸)

و به یقین خبر (پیروزی) آن را بعد از مدتی خواهید دانست.

۳۹ - سوره الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان این کتابی است که از سوی خداوند توانا و حکیم نازل شده است.

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۲)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم. پس خدا را پرستش کن در حالی که دین خود را برای او خالص کرده ای.

أَلَمْ لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ □ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى □ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند، (و می گفتند: اینها را نمی پرستیم مگر بخاطر این که ما را به خداوند نزدیک کنند. خدا (روز قیامت) میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند. خداوند آن کس را که دروغگو و ناسپاس است هرگز هدایت نخواهد کرد.

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ □ سُبْحَانَهُ □ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)

(به فرض محال) اگر خدا می خواست فرزندی داشته باشد، از میان مخلوقاتش آنچه را می خواست برمی گزید. منزّه است (از این که فرزندی داشته باشد)! او خداوند یگانه و حاکم بر همه چیز است.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ □ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ □ وَسَيَخْرُ السُّمَسُ وَالْقَمَرُ □ كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى □ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵)

آسمانها و زمین را بحق آفرید. شب را بر روز می پیچد و روز را بر شب. و خورشید و ماه را مسخر (فرمان خویش) قرار داد. هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت (خود) ادامه می دهند. آگاه باشید که او توانا و آمرزنده است.

ص: ۴۵۸

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلْ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَائِيهَ أَزْوَاجٍ □ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ □ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ □ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ فَآَنِي تُصْرَفُونَ (٦)

او (همه) شما را از یک انسان آفرید، و همسرش را از جنس او خلق کرد. و برای شما هشت زوج از چهارپایان آفرید. او شما را در شکم مادرانتان در میان تاریکی های سه گانه (پوسته شکم، رحم و کیسه جنین) آفرینشی بعد از آفرینش دیگر می بخشد. این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست. پس چگونه (از راه حق) منحرف می شوید؟!

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ □ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ □ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ □ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ □ ثُمَّ إِلَيَّ رُبُّكُمْ □ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ □ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٧)

اگر ناسپاسی کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز ناسپاسی را برای بندگانش نمی پسندد. و اگر شکر او را به جا آورید آن را برای شما می پسندد. و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بردوش نمی کشد. سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید آگاه می سازد. چرا که او به آنچه درون سینه هاست آگاه است.

□ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ □ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا □ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (٨)

هنگامی که به انسان زینانی رسد، پروردگار خود را می خواند در حالی که به سوی او باز می گردد. اما هنگامی که نعمتی از جانب خویش به او عطا کند، آنچه را بخاطر آن قبلاً خدا را می خواند از یاد می برد و برای خداوند همتیانی قرار می دهد تا (مردم را) از راه او گمراه سازد. بگو: «چند روزی از کفر و ناسپاسی خود بهره گیر که به یقین از دوزخیانی!»

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحِذِرُ الْأَخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ □ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَدِينُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ □ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (٩)

آیا (چنین کسی با ارزش است یا) کسی که در ساعات شب در حال سجده و قیام به عبادت مشغول است و از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می شوند»

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ □ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ □ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ □ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (١٠)

بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیکی است. و زمین خدا گسترده است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند.

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۱۱)

بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم،

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (۱۲)

و مأمورم که نخستین مسلمان باشم.»

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳)

بگو: «من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم.»

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي (۱۴)

بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می کنم،

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ □ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)

پس شما هر چه را جز او می خواهید پرستید (که زیانکاریست)». بگو: «زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده اند. آگاه باشید زیان آشکار همین است.»

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ □ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ □ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

برای آنان از بالای سرشان سایانهایی از آتش، و در زیر پایشان نیز طبقاتی (از آتش) است. این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می ترساند. ای بندگان من! از (نافرمانی) من بپرهیزید.

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى □ فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷)

و کسانی که از عبادت طاغوت دوری کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست. پس بندگان مرا بشارت ده.

الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ □ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ □ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۸)

همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (۱۹)

آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو می توانی کسی را که در درون آتش

است برگیری و نجات دهی؟!

□ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّيْبُتَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ وَعَدَّ اللَّهُ □ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيثَاقَ (۲۰)

ولی برای آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه هایی در بهشت است که بر فراز آن غرفه های دیگری بنا شده و از زیر آن نهرها جاری است. این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلف نمی کند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُضِيغًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۲۱)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را بصورت چشمه هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را می رویاند که رنگهای مختلف دارد. بعد آن گیاه خشک می شود به گونه ای که آن را زرد و بی روح می بینی. سپس آن را درهم می شکنند و خرد می کنند؟! در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا).

ص: ۴۶۰

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۖ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۲)

آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز (مرکبی از) نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!) وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند.

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فََمَا لَهُ مِن هَادٍ (۲۳)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است. آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند می افتد. سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می شود. این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می کند. و هر کس را خداوند گمراه سازد، هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود.

أَفَمَنْ يَتَّبِعِ بَوَجهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)

آیا کسی که (ناچار است) با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور سازد (همانند کسی است که آتش دوزخ هرگز به او نمی رسد)؟! و به ستمکاران گفته می شود: «بچشید (نتیجه) آنچه را انجام می دادید!»

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَنآهَمُ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۵)

کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را) تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی کردند به سراغشان آمد.

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۶)

پس خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می دانستند.

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۷)

ما برای مردم در این قرآن از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است)، شاید متذکر شوند.

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی است فصیح و خالی از هرگونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او پیوسته با هم نزاع دارند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است. آیا این دو یکسانند؟! حمد و ستایش مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی دانند.

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (۳۰)

به یقین تو می میری و آنها نیز خواهند مُرد.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می کنید.

ص: ۴۶۱

□ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ □ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۳۲)

چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست (و وحی الهی) را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟!

□ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ □ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند.

□ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ □ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۳۴)

آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است. و این است جزای نیکوکاران.

□ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۵)

تا خداوند (حتی) بدترین اعمالی را که انجام داده اند (در سایه ایمان و صداقت آنها) بیامرزد، و آنها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش دهد.

□ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ □ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ □ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟! ولی آنها تو را از غیر او می ترسانند. (آنها گمراهند) و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود!

□ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ □ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (۳۷)

و هر کس را خدا راهنمایی کند، هیچ گمراه کننده ای نخواهد داشت. آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟!

□ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ □ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ □ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ □ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۳۸)

و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» به یقین می گویند: «خدا!» بگو: «آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می خوانید اندیشه می کنید که اگر خدا زبانی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند زیان او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند مانع رحمت او شوند؟!» بگو: «خدا مرا کافی است. و همه توکل کنندگان تنها بر او توکل می کنند.»

□ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ □ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۹)

بگو: «ای قوم من! شما هرچه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفه خود عمل می کنم. اما بزودی خواهید دانست،

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۴۰)

چه کسی عذاب خوارکننده ای (در دنیا) به سراغش می آید، و (سپس) عذابی جاویدان (در آخرت) بر او وارد می گردد!

ص: ۴۶۲

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ □ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ □ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا □ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۴۱)

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم. هر کس (در پرتو آن) هدایت شود به نفع خود اوست. و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می گردد. و تو مأمور اجبارشان (به هدایت) نیستی.

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا □ فِيمَسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ □ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند، و روح کسانی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد. سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می گرداند تا سر آمدی معین. در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که می اندیشند.

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ □ قُلْ أُولَٰئِكَ كَانُوا لَّا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (۴۳)

آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته اند؟! به آنان بگو: «آیا (از آنها شفاعت می طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند و درک و شعوری برای آنها نباشد؟!»

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا □ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)

بگو: «تمام شفاعت تنها از آن خداست، (زیرا) حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست، سپس همه شما به سوی او باز گردانده می شوید.»

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ □ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۵)

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئز

(و متنفر) می گردد. اما هنگامی که از معبودهایی غیر از او یاد می شود، آنان خوشحال می شوند.

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۴۶)

بگو: «خداوند! ای آفریننده آسمانها و زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو در میان بندگان در آنچه درباره آن اختلاف داشته اند داوری خواهی کرد.»

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷)

اگر ستمکاران تمام آنچه را روی زمین است مالک باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند تا از

عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند. و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند.

ص: ۴۶۳

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۸)

(در آن روز) اعمال بدی را که انجام داده اند برای آنها آشکار می شود، و آنچه را (از عذاب الهی) استهزا می کردند بر آنها واقع می گردد.

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ ۗ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۹)

هنگامی که انسان را زبانی رسد، ما را (برای حل مشکلش) می خواند. سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می گوید: «این نعمت بخاطر کاردانی خودم به من داده شده.» (چنین نیست) بلکه این وسیله آزمایش (آنها) است، هر چند بیشترشان نمی دانند.

قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مَن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۵۰)

این سخن را کسانی که قبل از آنها بودند نیز گفتند، ولی آنچه را به دست می آوردند برای آنها سودی نداشت.

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۗ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِن هَؤُلَاءِ سَيَّصِبُوهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۱)

سپس بدیهای اعمالشان به آنها رسید. و ستمکاران این گروه

[=بت پرستان اهل مکه] نیز بزودی گرفتار بدیهای اعمالی که انجام داده اند خواهند شد، و هرگز نمی توانند از عذاب الهی بگریزند.

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

آیا آنها ندانستند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این، نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۵۴)

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آن که عذاب به سراغ شما آید، سپس (از سوی هیچ کس) یاری نشوید.

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آن که عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن آگاه نیستند!»

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ (۵۶)

(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره کنندگان (آیات او) بودم!»

ص: ۴۶۴

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)

یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می کرد، از پرهیزگاران بودم.»

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازمی گشتم و از نیکوکاران بودم!»

بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَاْفِرِينَ (۵۹)

آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی و از کافران بودی.

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند (و تکبر ورزیدند) می بینی که صورتهایشان سیاه است. آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟!

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۱)

و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند رهایی می بخشد و رستگار می کند. هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز اندوهگین نخواهند شد.

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۶۲)

خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و نگهبان بر همه اشیاء است.

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُوتُوا مِنَ اللَّهِ أَلْسِنًا حَامِيَةً ۚ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۳)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند زیانکاران (واقعی) هستند.

قُلْ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُوْنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)

بگو: «آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را پرستم ای جاهلان؟!»

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباہ می شود و از زیانکاران خواهی بود.

بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶)

بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکر گزاران باش.

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۗ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

آنها خدا را آن گونه که باید بشناسند، نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه (قدرت) اوست و آسمانها پیچیده در دست او. خداوند منزّه و برتر است از آنچه هتای او قرار می دهند.

ص: ۴۶۵

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۚ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (۶۸)

و (در آستانه قیامت) در «صور» دمیده می شود، و در پی آن همه کسانی که در آسمانها و زمینها و زمینند می میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در «صور» دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند.

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹)

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و میان آنها بحق داوری می شود و به آنان ستم نخواهد شد.

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (۷۰)

و به هر کس آنچه انجام داده است بی کم و کاست داده می شود. و او نسبت به آنچه انجام می دادند از همه آگاهتر است.

وَسَيَقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا بَلَىٰ ۚ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۱)

و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند. هنگامی که به دوزخ می رسند، درهای آن گشوده می شود و نگهبانان دوزخ به آنها می گویند: «آیا پیامبرانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و نسبت به ملاقات این روز شما را انذار کنند؟!» می گویند: «آری، (پیامبران آمدند) ولی (ما مخالفت کردیم و)» فرمان عذاب الهی بر کافران مسلم شده است.

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲)

به آنان گفته می شود: «از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید. چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران!»

وَسَيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳)

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند. هنگامی که به آن می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَتْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۚ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۷۴)

آنها می گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و این سرزمین را میراث ما قرار داد که هر جای بهشت را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم. و چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!»

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۵)

(در آن روز) فرشتگان را می بینی که بر گرد عرش حلقه زده اند و پروردگارشان را حمد و تسبیح می گویند. و در میان آنان [= بنندگان] بحر داوری می شود. و (سراسر انجام) گفته خواهد شد: «حمدوستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.»

۴۰ - سوره غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حم.

تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۲)

این کتابی است که از سوی خداوند توانا و دانا نازل شده است.

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است. هیچ معبودی جز او نیست. و بازگشت (همه شما) به سوی اوست.

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْزُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (۴)

تنها کسانی در آیات ما مجادله می کنند که (از روی عناد) کافر شده اند. پس مبادا رفت و آمد آنان در شهرها (و قدرت نماییشان) تو را فریب دهد!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ ۖ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵)

پیش از آنها قوم نوح و گروه هایی که بعد از آنها بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. و هر امتی در پی آن بودند که پیامبرشان را بگیرند (و آزار دهند)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند. امّا من آنها را مجازات کردم. دیدی که مجازات من چگونه بود!

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۶)

واین گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلم شده که آنها همه اهل آتشند.

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۷)

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می طلبند

(و می گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است. پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرزه، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار.

ص: ۴۶۷

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ □ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۸)

پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشتی که به آنها وعده فرموده ای وارد کن و، (همچنین) از پدران و همسران و فرزندان آنها هر کدام که صالح بودند، به یقین تو توانا و حکیمی.

□
وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ □ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ □ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را در آن روز از بدیها نگاه داری، مشمول رحمت ساخته ای. و این همان رستگاری بزرگ!

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِمَ قَامَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَفْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (۱۰)

روز قیامت کسانی را که کافر شدند صدا می زند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است، چرا که به سوی ایمان دعوت می شدید، ولی انکار می کردید.

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ (۱۱)

آنها می گویند: «پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی. اکنون به گناهان خود معترفیم. آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟»

□
ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ □ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا □ فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

(گفته می شود) این به سبب آن است که وقتی خداوند به یگانگی خوانده می شد انکار می کردید، و اگر برای او همتایی می پنداشتند ایمان می آوردید. اکنون داوری مخصوص خداوند بلند مرتبه و بزرگ است (و شما را مطابق عدل خود کیفر می دهد).

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا □ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ (۱۳)

او کسی است که آیات خود را به شما نشان می دهد و از آسمان برای شما روزی با ارزشی می فرستد. تنها کسانی متذکر این حقایق می شوند که (به سوی خدا) باز می گردند (و پیوسته به یاد او هستند).

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۱۴)

(تنها) خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هر چند کافران ناخشنود باشند.

رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵)

او درجات (بندگان صالح) را بالا می برد، او صاحب عرش است، روح [=وحي الهی] را به فرمانش بر هر کس از بندگانش که

بخواهد القاء می کند تا (مردم را) از روز لقای پروردگار بیم دهد.

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۚ لَأَيُخْفَىٰ ۙ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۙ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۱۶)

روزی که همه آنان آشکار می شوند و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند. (و گفته می شود:) حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای حاکم بر همه چیز است.

ص: ۴۶۸

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷)

امروز هر کس در برابر آنچه انجام داده است جزا داده می شود. امروز هیچ ظلمی نیست. خداوند سریع الحساب است.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ ۗ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (۱۸)

و آنها را از روز نزدیک [= روز قیامت] بترسان، هنگامی که (از شدت وحشت) دلها به گلوگاه می رسد در حالی که تمامی وجود آنها مملو از اندوه است. برای ستمکاران نه دوستی وجود دارد، و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود.

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹)

او چشمایی را که به خیانت می گردد و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند.

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ ۗ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰)

خداوند بحق داوری می کند، و معبودهایی را که غیر از او می خوانند (قدرت بر) هیچ گونه داوری ندارند. خداوند شنوا و بیناست.

ۗ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ وَّاقٍ (۲۱)

آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از اینها برتر بودند. ولی خداوند آنان را به گناهانشان گرفت، و در برابر (عذاب) او مدافعی نداشتند.

ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲)

این برای آن بود که پیامبرانشان پیوسته با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها انکار می کردند. بدین سبب خداوند آنان را گرفت (و کیفر داد) که او توانا و مجازاتش شدید است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۳)

ما موسی را با معجزات خود و دلیل روشنی فرستادیم،

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۲۴)

به سوی فرعون و هامان

و قارون. ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است.»

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ □ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵)

و هنگامی که حق را از سوی ما برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده اند بکشید

و زنانشان را (برای خدمت) زنده بگذارید.» اما نقشه کافران راه به جایی نمی برد (و نقش بر آب می شود).

ص: ۴۶۹

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ۗ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۲۶)

و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد برپا کند!»

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (۲۷)

موسی گفت: «من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد.»

وَقَالَ رَبِّ جَبَلٍ مُّؤْمِنٍ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ ۗ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُشْرِفٌ كَذَّابٌ (۲۸)

و مرد مؤمنی از فرعونیان که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: «آیا می خواهید مردی را به قتل برسانید بخاطر این که می گوید: پروردگار من «الله» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت. و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می دهد به شما خواهد رسید. خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی کند.

يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا ۗ قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ ۗ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (۲۹)

ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزید. اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟! فرعون گفت: «من جز آنچه را مصلحت می بینیم به شما ارائه نمی دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی کنم. (دستور، همان قتل موسی است.)»

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ الْآخِرَاتِ (۳۰)

کسی که ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم!

مِثْلَ ذَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ (۳۱)

و از روشی همچون روش قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (و راه کفر و طغیان پیمودند بر شما می ترسم). و خداوند برای بندگانش ستمی نمی خواهد.

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)

ای قوم من! من از روزی که مردم یکدیگر را صدا می زنند (و از هم یاری می طلبند) بر شما بیمناکم!

يَوْمَ تُولَوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ □ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

همان روزی که روی می گردانید و فرار می کنید. اما هیچ وسیله نجاتی برای شما در برابر (عذاب) خداوند نیست. و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت کننده ای برای او نیست!

ص: ۴۷۰

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ ۚ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن نَّبْعَثَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا ۚ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ (۳۴)

پیش از این یوسف با دلایل روشن به سراغ شما آمد، ولی شما پیوسته در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید. تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد! این گونه خداوند هر اسرافکار تردید کننده ای را گمراه می سازد.

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ ۚ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا ۚ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (۳۵)

همان کسانی که در آیات خدا بی آن که دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله می پردازند. (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده اند به بار می آورد. این گونه خداوند بر دل هر متکبر گردنکشی مهر می نهد.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ (۳۶)

فرعون گفت: «ای هامان! برای من برج بلندی بساز، شاید به وسایلی دست یابم،

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا ۚ وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ ۚ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ (۳۷)

وسایلی (دست یافتن به) آسمانها تا از خدای موسی آگاه شوم. هر چند گمان می کنم او دروغگو باشد.» اینچنین اعمال بد فرعون در نظرش آراسته جلوه کرد و از راه حق باز داشته شد. و توطئه فرعون (و امثال او) جز به نابودی نمی انجامد.

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (۳۸)

کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه صواب، راهنمایی کنم.

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است.

و فقط آخرت سرای پایدار است.

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ ۖ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰)

هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی شود. ولی هر کس کار شایسته ای انجام دهد _ خواه مرد یا زن _ در حالی

که مؤمن باشد چنین کسانی وارد بهشت می شوند و در آن روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد.

ص: ۴۷۱

□ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاهِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ (۴۱)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می کنم، اما شما مرا به سوی آتش فرا می خوانید؟!

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْعَفَّارِ (۴۲)

مرا دعوت می کنید که به خداوند یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم، در حالی که من شما را به سوی خداوند توانا و آمرزنده دعوت می کنم!

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۴۳)

به یقین آنچه مرا به سوی آن می خوانید، نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه در آخرت. و به یقین بازگشت ما در قیامت به سوی خداست.

و اسرافکاران اهل آتشند.

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ □ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ □ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۴۴)

و بزودی آنچه را به شما می گویم به خاطر خواهید آورد (و پشیمان خواهید شد)! من کار خود را به خدا وامی گذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست.»

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا □ وَحَاقَ بِالِ الْفِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (۴۵)

خداوند او را از توطئه های شوم آنها نکه داشت، و عذاب شدیدی فرعونیان را فراگرفت.

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا □ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (۴۶)

(عذاب آنها) آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند. و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید): «فرعونیان را در سخت ترین عذابها وارد کنید.»

وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ يَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ (۴۷)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که در آتش دوزخ با هم به گفتگو و ستیزه می پردازند. ضعیفان به مستکبران می گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را به جای ما پذیرا می شوید؟!»

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (۴۸)

مستکبران می گویند: «ما همگی در آن هستیم، زیرا خداوند در میان بندگانش (بعدالت) حکم کرده است.»

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَلَيْنَا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ (۴۹)

و آنها که در آتشند به مأموران دوزخ می گویند: «از پروردگارتان بخواهید یک روز عذاب را از ما بردارد.»

ص: ۴۷۲

قَالُوا أَوْلَم تَك تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ □ قَالُوا بَلَى □ قَالُوا فَادْعُوا □ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۵۰)

آنها می گویند: «آیا پیامبران شما با دلایل روشن به سراغتان نیامدند؟!» می گویند: «آری (آمدند ولی ما نپذیرفتیم)» آنها می گویند: «پس هر چه می خواهید (خدا را) بخوانید. ولی دعای کافران (به اجابت نمی رسد و) جز در گمراهی نیست.»

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (۵۱)

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ □ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۵۲)

روزی که عذرخواهی ستمکاران سودی به حالشان نمی بخشد. و لعنت (و دوری از رحمت الهی) و جایگاه بد برای آنان است.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى □ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ (۵۳)

و ما به موسی هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار داریم.

هُدًى وَذِكْرَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ (۵۴)

کتابی که مایه هدایت و تذکر برای خردمندان بود.

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (۵۵)

پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است، و برای گناه [= ترک اولی] خود استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور.

إِنَّ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ □ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبِالْغِيهِ □ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ □ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶)

کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه جویی می کنند، در سینه هایشان فقط تکبر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید، پس به خدا پناه بر که او شنوا و بیناست.

□
لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسانها عظیم تر است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ ۗ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

هرگز نابینا و بینا یکسان نیستند.

و (همچنین) کسانی که ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده اند با بدکاران. هرچند شما کمتر متذکر می شوید.

ص: ۴۷۳

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ لَأَ رَبِّبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹)

روز رستاخیز به یقین آمدنی است، و شکی در آن نیست. ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند.

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ □ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۶۰)

پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم. به یقین کسانی که از عبادت من تکبر میورزند بزودی با ذلت وارد دوزخ می شوند.»

□
اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا □ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۶۱)

خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی بخش قرار داد. خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است. ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند.

□
ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۶۲)

این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است. هیچ معبودی جز او نیست. با این حال چگونه (از راه حق) منحرف می شوید!؟

□
كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۶۳)

اینگونه، آنهایی که آیات خدا را انکار می کردند (از راه راست) منحرف می شوند.

□
اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ □ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ □ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۶۴)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بر فرازتان). و شما را (در عالم جنین) صورتگری کرد، و تصویرتان را نیکو آفرید. و از نعمت های پاکیزه به شما روزی داد. این است خداوند پروردگار شما. زوال ناپذیر و پربرکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

□
هُوَ الْحَيُّ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ □ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۵)

زنده (واقعی) اوست. معبودی جز او نیست. پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید. ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

□ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ (۶۶)

بگو: «من از پرستش معبودهایی که شما غیر از خدا می خوانید نهی شده ام، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من

آمده است. و مأمورم که تنها در برابر پروردگار جهانیان تسلیم باشم.»

ص: ۴۷۴

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا □ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى □
مِنْ قَبْلِ □ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٦٧)

او کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، سپس از علقه (و خون بسته شده) ای، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می آورد، بعد (رشد می کنید تا) به مرحله کمال قوت خود می رسید، و بعد از آن پیر می شوید. و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می میرند و (در نهایت) به اجل حتمی خود می رسید. شاید (در این مراحل) بیندیشید.

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ □ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (٦٨)

او کسی است که زنده می کند و می میراند. و هنگامی که وجود چیزی را مقرر کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!» بی درنگ موجود می شود.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّهُمْ يُضِرُّونَ (٦٩)

آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می کنند، چگونه (از راه حق) منحرف می شوند؟!

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا □ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (٧٠)

همان کسانی که کتاب آسمانی و آنچه را به وسیله پیامبرانمان فرستاده ایم تکذیب کردند. اما بزودی

(از نتیجه کار خود) آگاه می شوند!

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ (٧١)

در آن هنگام که غل و زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته و آنها را می کشند.

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (٧٢)

و در آب سوزان وارد می کنند. سپس در آتش دوزخ می سوزند!

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ (٧٣)

سپس به آنها گفته می شود: «کجا ایند آنچه را همتای خدا قرار می دادید،

□
مِنْ دُونِ اللَّهِ □ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا □ كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (٧٤)

همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می کردید؟! آنها می گویند: «همه از نظر ما پنهان و گم شدند. بلکه ما اصلاً پیش از

این چیزی را پرستش نمی کردیم!» این گونه خداوند کافران را گمراه می سازد.

□
ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵)

این (عذاب) بخاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می پرداختید.

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا □ فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید. و چه بد است جایگاه متکبران!

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ □ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۷۷)

پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حق است. و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم در حال حیات به تو نشان دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهم نیست). چرا که آنان را فقط به سوی ما باز می گردانند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقُصِّصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ فَإِذَا جَاءَ أَمْرٌ بِاللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸)

ما پیش از تو پیامبرانی فرستادیم. سرگذشت گروهی از آنان را برای تو باز گفته،

و سرگذشت گروهی را برای تو بازگو نکرده ایم. و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه ای جز به فرمان خدا بیاورد. و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات کافران) صادر شود، بحق داوری خواهد شد. و آن جا اهل باطل زیان خواهند کرد.

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۹)

خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید.

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلُوكِ تُحْمَلُونَ (۸۰)

و برای شما در آنها منافع بسیاری (جز اینها) است، تا بوسیله آنها به مقصدی که دردل دارید برسید. و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید.

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱)

او آیاتش را همواره به شما نشان می دهد. پس کدام یک از آیات خدا را انکار می کنید؟!

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همان کسانی که نفراشان از اینها بیشتر، و نیرو و آثارشان در زمین فرونتر و پایدارتر بود. امّا هرگز آنچه را به دست می آوردند نتوانست آنها را بی نیاز سازد (و از عذاب الهی رهایی بخشد).

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸۳)

هنگامی که پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغ آنان آمدند، به دانشی که خود داشتند دلخوش شدند (و غیر آن را هیچ شمردند). ولی آنچه را

(از عذاب) به تمسخر می گرفتند آنان را فرا گرفت.

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةً وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)

هنگامی که عذاب ما را دیدند گفتند: «هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می شمردیم

کافر شدیم.»

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا □ سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ □ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت. این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان جاری شده، و در آن جا کافران زیانکار شدند.

ص: ۴۷۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حم.

تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

این کتابی است که از سوی خداوند بخشنده مهربان نازل شده است.

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، و قرآنی است فصیح و

گویاست برای جمعیتی که آگاهند،

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

بشارت دهنده و بیم دهنده است. ولی بیشتر آنان روی گردان شدند. از این رو (حقایق را) نمی شنوند.

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّهِ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا عَامِلُونَ (۵)

آنها گفتند: «دل

های ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنی در پوششهایی قرار گرفته و در گوشهای ما سنگینی است، و میان ما و تو (گویا) حجابی وجود دارد. پس تو کار

خود را انجام بده و ما هم کار خود را انجام می دهیم.»

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (۶)

بگو: «من فقط انسانی مثل شما هستم. (ولی) بر من وحی می شود که معبود شما معبودی یگانه

است. پس تمام توجه خود را به طور کامل به سوی او کنید و از وی آمرزش بخواهید. وای بر مشرکان!

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

همان کسانی که زکات نمی پردازند، و آخرت را منکرند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند.»

□ قُلْ أَنْتُمْ لَنَا كُفْرُونَ بِاللَّيْلِ حَقَّ الْأَرْضِ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا □ ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)

بگو: «آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز [= در دوران] آفرید کافر می

شوید و برای او همانندهایی قرار می دهید؟! او پروردگار جهانیان است.

وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءِ لِلسَّائِلِينَ (۱۰)

او برفراز زمین کوههای استواری قرار داد و برکاتی در آن نهاد

و مواد غذایی آن را مقدر فرمود، _ اینها همه در چهار روز [= چهار دوران] بود _ درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان.»

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱)

سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی

که بصورت دود بود. به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آیید، (و شکل بگیرید) خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت آمدیم.»

ص: ۴۷۷

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۖ وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ۖ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
(۱۲)

آنگاه آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز [= دو دوران] آفرید، و در هر آسمانی امر (و برنامه) آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی

[= ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم. این است تقدیر خداوند توانا و دانا.

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ (۱۳)

اگر آنها روی گردان شوند، بگو: «من شما را

از صاعقه ای همانند صاعقه عاد و ثمود بیم می دهم!»

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَأِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۱۴)

در آن هنگام که پیامبران از پیش رو

و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز خدا را نپرستید. آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست به یقین فرشتگانی نازل

می کرد.

از این رو ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم.»

فَمَا عَادَ عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْمَأْرُضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۖ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۖ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۱۵)

اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!» آیا نمی

دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟! و (بخاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می کردند.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصِيرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَدِيَقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ ۖ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ
(۱۶)

سرانجام تند بادی هول انگیز و سرد در روزهایی

شوم و پر غبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم. و به یقین عذاب آخرت خوارکننده تر

است، و (از هیچ سو) یاری نمی شوند.

وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۷)

اما تمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی (و گمراهی) را بر هدایت ترجیح دادند. به همین جهت صاعقه عذاب خوارکننده بخاطر اعمالی که انجام می دادند

آنها را فرو گرفت.

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۱۸)

و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم.

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۹)

و (یاد کن) روزی را که دشمنان خدا به سوی دوزخ گردآوری می شوند، و آنان نگه داشته می

شوند تا به یکدیگر محلق شوند.

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۰)

وقتی به آن می رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه انجام می دادند گواهی می دهند.

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا □ قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۱)

آنها به پوستهای خود می گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به سخن در آورده ما را گویا ساخته (تا حقایق

را بازگو کنیم). و او شما را نخستین بار آفرید، و به سوی او بازگردانده می شوید.»

□ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

شما اگر گناهانتان را مخفی می کردید نه بخاطر این بود که از شهادت

گوشها و چشمها

و پوستهای تتان بیم داشتید (زیرا باور نمی داشتید آنها به سخن در آیند)، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که (پنهانی) انجام می دهید

نمی داند.

□ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْذَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

آری این گمانی (ناروا) بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما شد، و سرانجام از زیانکاران شدید.

□ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ □ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ (۲۴)

دوزخ جایگاه آنهاست. خواه صبر کنند

(یا نکنند) و اگر تقاضای عفو کنند، مورد عفو قرار نمی گیرند.

□ وَقَيِّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ □ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۲۵)

ما برای آنها همنشینانی (زشت سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو و پشت سر آنها در

نظرشان جلوه دادند. و فرمان الهی درباره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جن و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند. به یقین آنها زیانکار بودند.

□ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (۲۶)

کافران گفتند: «به این قرآن گوش فرادهید. و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید.»

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۷)

به یقین به کافران عذاب شدیدی می چشانیم، و آنها را

به بدترین اعمالی که انجام می دادند کیفر می دهیم.

□
ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ □ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ □ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸)

این آتش کیفر دشمنان خداست، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخاطر این که آیات ما

را انکار می کردند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (۲۹)

کافران گفتند: «پروردگارا! کسانی از جنّ و انس که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا زیر پای خود نهیم (و لگدمالشان

کنیم) تا از پست ترین

مردم باشند.»

ص: ۴۷۹

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (٣٠)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است.» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نرسید و غمگین مباشید، و بشارت باد

بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (٣١)

ما (فرشتگان) یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم. و برای شما هرچه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هرچه طلب کنید به شما داده می شود.

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (٣٢)

در حالی که اینها وسیله پذیرایی از سوی خداوند آمرزنده و مهربان است.»

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (٣٣)

چه کسی

خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: «من از مسلمانانم»؟!

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (٣٤)

هرگز نیکی و بدی یکسان

نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (٣٥)

اما جز کسانی که دارای

صبر و استقامتند به این مقام نمی رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی گردند.

وَأِمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٣٦)

و هرگاه وسوسه ای از شیطان متوجه تو

گردد، از خدا پناه بخواه که او شنونده و داناست.

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۳۷)

و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است. (ولی) برای خورشید و ماه سجده نکنید، (بلکه) برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر تنها او را

می پرستید.

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۚ (۳۸)

و اگر (از عبادت پروردگار) تکبر کنند، کسانی [= فرشتگانی] که نزد پروردگار

تو هستند شب و روز برای او تسبیح می گویند و خسته نمی شوند.

ص: ۴۸۰

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ □ إِنَّ الدِّي أٰحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِي □ إِنَّهُ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٩)

و از آیات او این است که زمین را خشک (و بی جان) می بینی، امّا هنگامی که آب (باران) بر آن می فرستیم به جنبش در می آید و رشد می کند. همان کس که

آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می کند. به یقین او بر هر چیز تواناست.

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَمَّا يَخْفُونَ عَلَيْنَا □ أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ □ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٤٠)

کسانی که آیات ما را تحریف می کنند بر ما پوشیده نخواهند بود. آیا کسی که در آتش

افکنده می شود بهتر است یا کسی که در روز قیامت با امنیت به عرصه محشر می آید؟! هر کاری می خواهید بکنید، او به آنچه انجام می دهید بیناست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ □ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (٤١)

کسانی که به این ذکر [=قرآن] هنگامی که به سراغشان آمد کافر شدند (نیز بر ما مخفی نخواهند ماند!) و این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر،

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ □ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (٤٢)

که هیچ

گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید. چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ □ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (٤٣)

آنچه به ناروا درباره تو

می گویند همان است که درباره پیامبران قبل از تو نیز گفته شده. پروردگار تو (هم) دارای آمرزش و (هم) دارای کیفر دردناکی است!

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ □ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ □ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءً □ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى □ أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (٤٤)

اگر آن را قرآنی عجمی قرار

می دادیم به یقین می گفتند: «چرا آیاتش به روشنی بیان نشده؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!» بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و

شفاست. ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوشه‌هایشان سنگینی است و از مشاهده آن نابینا هستند. آنها (همچون کسانی هستند که گویی) از راه دور صدا

زده می شوند.»

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ □ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفَضِي بَيْنَهُمْ □ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۴۵)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم. سپس در آن اختلاف شد. و اگر فرمانی از ناحیه پروردگارت در این باره صادر نشده بود، که باید به آنان مهلت

داد تا اتمام حجت شود) در میان آنها داوری می شد (و به کیفر می رسیدند). ولی آنها هنوز درباره آن شکی توأم با بدگمانی دارند.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ □ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا □ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۴۶)

کسی که عمل صالحی

انجام دهد، سودش برای خود اوست. و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است. و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی کند.

ص: ۴۸۱

□ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ □ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامٍهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ □ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ (٤٧)

علم به قیامت (و لحظه وقوع آن) تنها به خدا باز می گردد. هیچ میوه ای از غلاف خود خارج نمی شود، و هیچ ماده ای باردار نمی گردد و وضع حمل نمی کند مگر به

علم او.

و آن روز که آنها را ندا می دهد کجایند همتایانی که برای من می پنداشتید؟! می گویند: «پروردگارا!» ما اعلام داشتیم که هیچ گواهی (بر گفته خود)

نداریم.»

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يُدْعُونَ مِنْ قَبْلُ □ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيصٍ (٤٨)

و همه معبودانی را که قبلاً می خواندند از نظر آنها گم و پنهان می شوند. و می دانند هیچ گریزگاهی ندارند.

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُتَوَسَّسُ فَنُوطٌ (٤٩)

انسان هرگز از درخواست نیکی (و

نعمت) خسته نمی شود. و اگر شرّ و بدی به او رسد، بسیار مأیوس و نومید می گردد.

وَلَيْسَ أَذْقِيَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعِيدٍ ضَرَاءَ مَسْتَه لِيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْبَانِي □
فَلَنَنْبِتَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُدِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (٥٠)

و هرگاه بعد از ناراحتی که به او رسیده رحمتی از سوی خود به او

بچشانیم می گوید: «این بخاطر شایستگی

و استحقاق من بوده، و گمان نمی کنم قیامت برپا شود. و (بفرض که قیامتی باشد)، هرگاه به سوی پروردگرم بازگردانده شوم، برای من نزد او بهترین پاداش است.

ما کافران را از اعمالی که انجام داده اند (بزودی) آگاه خواهیم کرد و از عذاب شدید به آنها می چشانیم.

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (٥١)

و هرگاه به انسان (غافل و بی خبر) نعمت دهیم، روی

و با حال تکبر (از حق) دور می شود. ولی هرگاه بدی (و مختصر ناراحتی) به او رسد، تقاضای فراوان و مستمر (برای برطرف شدن آن) دارد.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۲)

بگو: «به من خبر

دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراهرتر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی (با آن) قرار دارد؟!

سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)

بزودی

نشانه های خود را در اطراف عالم و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز

شاهد و گواه است؟!

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ (۵۴)

آگاه باشید که آنها از لقای پروردگارشان در شک و تردیدند. و آگاه باشید که او بر همه چیز احاطه دارد.»

۴۲ - سوره الشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * حم.

عسق (۲)

عسق.

كَذَلِكَ يُوحى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

این گونه خداوند توانا و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می کند.

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. و او بلند

مرتبه و بزرگ است.

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ □ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ □ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵)

نزدیک است آسمانها (بخاطر نسبتهای ناروای مشرکان) از فرازشان متلاشی شود. و فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارش را می

گویند

و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. آگاه باشید خداوند آمرزنده

و مهربان است.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۶)

کسانی که غیر او را ولی خود انتخاب کردند، خداوند حساب اعمالشان را نگه می دارد. و تو مأمور اجبار آنها (بر قبول حق) نیستی.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَأَرْبَبَ فِيهِ □ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

قرآنی فصیح و گویا را بر تو وحی کردیم تا «امّ القری» و کسانی را که کرد آن هستید

[= ساکنان مکه و همه جهانیان را] انذار کنی و آنها را از روزی که همگان در آن روز جمع می شوند و هیچ شک و تردیدی در آن نیست بیم دهی. (در آن روز) گروهی

در بهشتند و گروهی در آتش سوزان!

□
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ □ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۸)

و اگر خدا می خواست همه آنها را (به اجبار) امت واحدی قرار می داد، (ولی هدایت اجباری سودی ندارد). اما خداوند هر

کس را بخواهد در رحمتش وارد می کند، و برای ستمکاران، سرپرست و یاور نیست.

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ □ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى □ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۹)

آیا آنها غیر از او را ولی خود برگزیدند؟! در حالی که «ولی» فقط خداوند

است و اوست که مردگان را زنده می کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست.

□
وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ □ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰)

در هر چیز اختلاف کنید، (بگو:): داوریش با خداست. این است خداوند، پروردگار من،

بر او توکل کرده ام و به سوی او باز می گردم!

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا □ يَذُرُّكُمْ فِيهِ □ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ □ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْبَصِيرُ (۱۱)

او آفریننده آسمانها و زمین است و همسرانی از جنس خودتان برای شما قرار داد و نیز جفتهایی از چهارپایان آفرید. و شما را
به این وسیله [= از طریق زوجیت] زیاد

می کند. هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست.

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ □ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۲)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. روزی را برای هر کس بخواهد گسترده می سازد یا تنگ می
گیرد. او به همه چیز داناست.

□ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى □ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا
فِيهِ □ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ □ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ (۱۳)

آیینی را برای شما مقرر نمود که به نوح توصیه کرده بود. و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش
کردیم این بود که: همان دین (خالص) را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید. و آنچه مشرکان را به آن دعوت می کنید [=]
توحید] بر آنها گران است. خداوند هر کس

را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که توبه کند به سوی هدایت می نماید.

□ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ □ وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ □ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا
الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴)

آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آن که علم و آگاهی به سراغشان آمد. و این (تفرقه

جویی) بخاطر انحراف از حق بود. و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معینی (زنده و آزاد)
باشند، در میان آنها داوری می شد (و به کیفر

خود می رسیدند). و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شکی توأم با بدگمانی اند!

□
فَلَاذَلِكَ فَادُعُ □ وَاسْتَيْقَمَ كَمَا أُمِرْتُ □ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ □ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ □ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ □ اللَّهُ رَبُّنَا
وَرَبُّكُمْ □ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ □ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ □ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا □ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)

پس به همین خاطر تو (نیز آنان را به سوی این آیین

توحیدی) دعوت کن و آنچه‌ان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به تمام کتابهایی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و

مأمورم در میان شما عدالت را اجرا کنم. خداوند پروردگار ما و شماست. (نتیجه) اعمال ما از آن ماست و (نتیجه) اعمال شما از آن شما. خصومت شخصی در میان

ما و شما نیست. و خداوند ما و شما را (در قیامت) جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست.»

ص: ۴۸۴

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)

کسانی که درباره خدا بعد از پذیرفته شدن دعوت الهی (از سوی مردم منصف)، جدال

و ستیزه جویی می کنند، دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و بی پایه است. و غضب (الهی) بر آنهاست و عذابی شدید دارند.

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ □ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (۱۷)

خداوند کسی است که کتاب را

بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق از باطل و همچنین خبر قیامت) را. تو چه می دانی شاید روز رستاخیز نزدیک باشد!

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا □ وَالَّذِينَ آمَنُوا مُسْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ □ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ
بَعِيدٍ (۱۸)

کسانی که به قیامت ایمان ندارند در باره

آن شتاب می کنند. ولی آنها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند، و می دانند آن حق است. آگاه باشید کسانی که در قیامت القای تردید می کنند، در

گمراهی عمیقی هستند.

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ □ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۱۹)

خداوند نسبت به بندگانش لطف دارد. هر کس را بخواهد روزی می دهد

و او توانا و شکست ناپذیر است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ □ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او فزونی می بخشیم (و بر محصولش می افزاییم). و کسی که فقط کشت دنیا را

بطلبد، بهره ای از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارد.

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ □ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ □ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته اند؟! اگر وعده قطعی (الهی)

و اجل معینی) برای آنها نبود، در میانشان داوری می شد (و دستور عذاب صادر می گشت) و به یقین برای ستمکاران عذاب

دردناکی است!

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ □ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ □ لَّهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ □ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۲۲)

(در آن روز)

ستمکاران را می بینی که از اعمالی که انجام داده اند سخت بیمناکند، در حالی که (نتیجه) اعمالشان آنها را

فرا گرفته ام! کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند در باغهای سرسبز بهشتند و هرچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است. این

است فضل

(و بخشش) بزرگ!

ص: ۴۸۵

و بیناست.

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ □ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (۲۸)

او کسی است که باران سودمند را پس از آن که مأیوس شدند نازل می کند و رحمت خویش را می گستراند. و او ولی (و سرپرست) شایسته

ستایش است.

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَتَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ □ وَهُوَ عَلِيُّ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ (۲۹)

و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنندگان در آنها منتشر نموده. و او هرگاه بخواهد بر گردآوری آنها تواناست.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)

هر مصیبتی

به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند.

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ □ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۳۱)

و شما هرگز نمی توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید. و غیر از خدا هیچ

سرپرست و یآوری برای شما نیست.

ص: ۴۸۶

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۳۲)

از نشانه های او کشتی های کوه پیکری است که در دریا (به کمک بادها) حرکت می کنند.

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَنَ رَوَاكِدَ عَالِيِ ظَهْرِهِ □ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۳)

اگر او اراده کند، باد را ساکن می سازد تا آنها بر روی دریا بی حرکت

بمانند. در این نشانه هایی است برای هر صبور شکر گزار.

أَوْ يُوقِبُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ (۳۴)

یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش انجام داده اند نابود می سازد. و بسیاری را

می بخشد.

وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ (۳۵)

تا کسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند.

فَمَا أَوْتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ □ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳۶)

آنچه به شما عطا شده متاع (زودگذر) زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی

که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند بهتر و پایدارتر است.

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷)

همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب میورزند، و هنگامی که خشمگین

شوند عفو می کنند.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند

و امورشان با مشورت در میان آنها انجام می گیرد و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند،

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹)

و کسانی که هر گاه ستمی به آنها رسد (تسلیم ظلم

نمی شوند و) یاری می طلبند.

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا □ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ □ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰)

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن. ولی هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او باخداست. به یقین او ستمکاران را دوست ندارد.

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ (۴۱)

و کسی که چون ستمی بر او واقع شود (از خود دفاع کند و) یاری طلبد، هیچ ایرادی بر او نیست.

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ □ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)

ایراد

و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می دارند. برای آنان عذاب دردناکی است!

وَلَمَنِ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)

و هر کس شکیبایی نموده و عفو

کند، این کار، از امور پرارزش است.

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَبِيلٍ □ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَيْنَا مَرَدٌّ مِّنْ سَبِيلٍ (۴۴)

کسی را که خدا گمراه کند، هیچ سرپرست و یآوری جز او نخواهد داشت. و (روز قیامت) ستمکاران را در آن هنگام که عذاب

الهی را مشاهده می کنند می بینی که می گویند: «آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!»

ص: ۴۸۷

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيِّ □ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُتَقِيمٍ (۴۵)

و آنها را می بینی که بر آتش عرضه می شوند در حالی که از شدت ذلت سرافکننده اندو زیر چشمی (به آن) نگاه می کنند. و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خود و خانواده خویش را در روز قیامت از دست داده اند. آگاه باشید که ستمکاران (آن روز) در عذاب دائم هستند!»

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ □ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ (۴۶)

آنها جز خدا سرپرست

و یآوری ندارند که یاریشان کنند. و هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست.

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ □ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيرٍ (۴۷)

اجابت کنید دعوت پروردگار خود را پیش از آن که روزی فرا رسد که

هیچ چیز مانع آن در برابر اراده خدا نیست. و در آن روز، نه پناهگاهی دارید و نه مدافعی.

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا □ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ □ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا □ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ (۴۸)

و اگر (از آیین تو) روی گردان شوند (غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان

(و مأمور اجبارشان) قرار نداده ایم. وظیفه تو تنها ابلاغ است. و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می شود، و اگر بلایی بخاطر

اعمالی که انجام داده اند به آنها رسد (به ناسپاسی می پردازند، چرا که) انسان بسیار ناسپاس است.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ □ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَآثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (۴۹)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست. هر

چه را بخواهد می آفریند. به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر،

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَآثًا □ وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا □ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)

یا (اگر بخواهد) پسر و دختر _ هر دو _ را به آنان می دهد، و هر کس

را بخواهد عقیم می گذارد. زیرا که او دانا و تواناست.

□ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِيَدْنِهِ مَا يَشَاءُ □ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٍ (۵۱)

و امکان ندارد خدا با هیچ انسانی سخن بگوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجابی (همچون ایجاد صوت)،

یا رسولی [=فرشته ای] می فرستد

و به فرمان خود آنچه را بخواهد وحی می کند. چرا که او بلند مقام و حکیم است.

ص: ۴۸۸

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ
وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۲)

همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز حقایقی را به فرمان خود وحی کردیم. تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست. (و از محتوای

قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بنندگان خویش را بخواهیم هدایت می کنیم. و به یقین تو به سوی راه راست هدایت می

کنی.

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۵۳)

راه خداوندی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. آگاه باشید که همه امور تنها به سوی خدا باز می گردد.

۴۳ - سوره الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * حم.

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سو گند به کتاب مبین (و روشنگر)،

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

که ما آن را قرآنی فصیح و گویا قرار دادیم، تا شما (آن را به خوبی) درک کنید.

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ (۴)

و این (قرآن) در لوح محفوظ نزد ما والا

و استوار است!

أَفَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (۵)

آیا این ذکر [=قرآن] را از شما بازگیریم بخاطر این که قومی اسرافکارید!؟

وَكَمَّ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ (٦)

چه پیامبران بسیاری (برای هدایت) در میان اقوام پیشین فرستادیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٧)

ولی هیچ پیامبری به سوی آنها نمی آمد مگر این که او را استهزا می کردند.

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (٨)

اما ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند هلاک کردیم، و داستان (هلاکت)

پیشینان گذشت.

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (٩)

اگر از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» به یقین می گویند: «خداوند توانا و دانا آنها را آفریده است».

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (١٠)

همان کسی

که زمین را محل آرامش شما قرار داد، و برای شما در آن راههایی آفرید، باشد تا هدایت شوید (و به مقصد برسید).

ص: ٤٨٩

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا □ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۱)

همان کسی که از آسمان آبی فرستاد به مقدار معین، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم. همین گونه (در قیامت از قبرها) بیرون آورده می شوید.

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

و

همان کسی که همه زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکبهایی قرار داد که بر آن سوار می شوید،

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۳)

تا بر پشت آنها بخوبی قرار گیرید. سپس

هنگامی که بر آنها قرار گرفتید، نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخرما ساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم.

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ (۱۴)

و به یقین ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم.»

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا □ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۱۵)

آنها برای او از میان بندگانش جزئی قرار دادند

(و ملائکه را دختران خدا خواندند). انسان ناسپاسی آشکار است.

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ (۱۶)

آیا از میان مخلوقاتش دختران را (برای خود) انتخاب کرده و پسران را مخصوص شما ساخته

است؟!

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۱۷)

در حالی که هر گاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده [= به تولد دختر] بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه

می شود و خشمگین می گردد.

أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (۱۸)

آیا کسی را که در میان زینتها پرورش می یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می خوانید)؟!

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِبْنَانًا □ أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ □ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ (۱۹)

و آنها فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنث پنداشتند. آیا هنگام آفرینش آنها حضور داشته اند؟! گواهی آنان نوشته می شود و (از آن) بازخواست

خواهند شد.

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ □ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ □ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۲۰)

آنان گفتند: «اگر خداوند رحمان می خواست ما آنها [= فرشتگان] را پرستش نمی کردیم.» ولی به این امر هیچ گونه علم و یقین ندارند و تنها حدسی بی اساس دارند.

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ (۲۱)

یا این که ما کتابی پیش از این به آنان داده ایم و آنها به آن تمسک می جویند؟!

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ (۲۲)

(چنین نبوده است)، بلکه آنها می گویند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و ما

نیز به پیروی آنان هدایت یافته ایم.»

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ (۲۳)

و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو، انذارکننده ای نفرستادیم مگر این که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان

اقتدا می کنیم.»

□ قَالَ أُولُو جِنَّتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ □ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴)

(پیامبرشان) گفت: «آیا اگر من برای شما آیینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (بازهم انکار می کنید)؟!» گفتند: «

آری، ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم.»

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ □ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ (۲۵)

به همین جهت آنان را مجازات کردیم. بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود!

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [=عمویش آزر] و قومش گفت: «من از آنچه شما می پرستید بیزارم.

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷)

جز آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد

کرد.»

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۸)

او کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید (به سوی خدا) بازگردند.

□ بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹)

ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره

مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (الهی) به سراغشان آمد.

□ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (۳۰)

هنگامی که حق به سراغشان آمد. گفتند: «این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم.»

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَيَّ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ (۳۱)

و

گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ

(و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!»

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ □ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا □ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ
بَعْضًا سَخِرِيًّا □ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما معیشت آنها را در زندگی دنیا در میانشان

تقسیم کردیم و درجات بعضی را برتر از بعضی قرار دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند. و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می کنند بهتر است.

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)

اگر (بهره

فراوان کفار از مواهب مادی) سبب نمی شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای خانه های کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می شدند

سقفهایی از نقره و نردبانهایی (نقره ای) که از آن بالا روند قرار می دادیم.

ص: ۴۹۱

وَلْيُبَيِّنْ لَهُمُ آيَاتِكُمْ وَعَلَيْهَا يُتَكَبَّرُونَ (۳۴)

و برای خانه هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره ای) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند.

وَزُخْرَفًا ۞ وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۞ وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

و انواع زیورها. ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد

پروردگارت از آن پرهیزگاران است.

وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

و هر کس از یاد خداوند رحمان، روی گردان شود شیطانی را بر او مسلط می سازیم که همواره همنشین او خواهد بود.

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (۳۷)

و آنها [=شیاطین] این گروه را از راه (خدا) باز می دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان (حقیقی) آنها هستند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (۳۸)

تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر

شود می گوید:

«ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود. چه بد همنشینی بودی!»

وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۹)

(ولی به آنها می گوئیم:) این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که

ظلم کردید. و همه در عذاب شرکت دادید.

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰)

(ای پیامبر!) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری

هستند هدایت کنی!؟

فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ (۴۱)

و هرگاه تو را (از میان آنها) ببریم، به یقین آنان را مجازات خواهیم کرد.

أَوْ نُرِيَّتِكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ (۴۲)

و یا اگر (زنده بمانی) آنچه را (از کیفر اعمالشان) به آنان وعده داده ایم به تو نشان

خواهیم داد، زیرا ما بر آنها مسلط هستیم.

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ فَإِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۳)

آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی.

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ □ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)

و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و

بزودی (از رفتارتان با این نعمت) سؤال خواهید شد.

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبُدُونَ (۴۵)

از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم (و پیروان راستین آنها) بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای

پرستش قرار دادیم!؟

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۶)

ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم. (موسی به آنها) گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم».

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (۴۷)

ولی

هنگامی که او با نشانه های ما به سراغ آنها آمد، به آن می خندیدند.

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا □ وَأَخَذْنَا هُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۸)

ما هیچ آیه (و معجزه ای) به آنان نشان نمی دادیم مگر این که از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود. و آنها را به (انواع) عذاب گرفتار کردیم شاید (بیدار شوند و) بازگردند.

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ ادُّعِ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ (۴۹)

(وقتی گرفتار بلا می شدند می) گفتند: «ای ساحر! پروردگارت را به عهدی

که با تو کرده بخوان، تا ما را از این بلا برهاند، که ما هدایت خواهیم یافت (و ایمان می آوریم)»

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ (۵۰)

اما هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می ساختیم، بی درنگ

پیمان خود را می شکستند.

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي □ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۵۱)

فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟!»

آیا نمی بینید؟!»

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (۵۲)

مگر نه این است که من از این کسی که از طبقه پایین است

و نمی تواند واضح سخن بگوید بهترم؟!»

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳)

(اگر راست می گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا این که چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده اند (تا گفتارش

را تأیید کنند)؟!»

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ □ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴)

(فرعون) قوم خود را سبک شمرد (و فریب داد)، در نتیجه از او اطاعت کردند. به یقین آنان قومی فاسق بودند.

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۵)

اما هنگامی که ما رابه خشم

آوردند، آنان را مجازات کرده و همه را غرق کردیم.

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ (۵۶)

و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم.

□ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (۵۷)

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده

شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن دادو فریاد راه انداختند.

وَقَالُوا آلَإِلهَتِنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ □ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاَّ جَدَلًا □ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (۵۸)

و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او

[= مسیح]؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده!)» ولی آنها این مثل را جز از

طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند. آنان

گروهی کینه توز و پرخاشگرند.

إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

او [= مسیح] فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و اسوه ای برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ (۶۰)

و اگر

بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند.

وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱)

و او سبب آگاهی (و نشانه ای) بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است). هرگز در قیامت تردید نکنید. و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

وَلَا يَصُدُّنَكُمْ الشَّيْطَانُ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۲)

و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، که او به یقین دشمن آشکار شماست.

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۶۳)

و هنگامی که عیسی با دلایل روشن به سراغ آنها [= بنی اسرائیل] آمد گفت: «من برای شما حکمت آورده ام، و آمده ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید برای شما روشن کنم. پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۴)

به یقین خداوند پروردگار من و پروردگار شماست. (تنها) او را پرستش کنید که راه راست همین است.»

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ إِلِيمٍ (۶۵)

ولی گروههایی از میان آنها (درباره

مسیح) اختلاف کردند (و بعضی او را خدا پنداشتند). وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک!

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۶۶)

آیا جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان به

سراغشان آید در حالی که نمی فهمند؟!

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۶۷)

دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران.

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۸)

ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین

می شوید.

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (۶۹)

همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند.

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ (۷۰)

(به آنها خطاب می شود:) شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید!

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ۖ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ۖ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۷۱)

(این در حالی است که برای پذیرایی آنها) ظرفهای طلایی و جامهای (شراب طهور) را گرداگرد آنها می گردانند. و در آنجا هر چه دلها می خواهد و چشمها از

آن لذت می برد آماده است. و شما جاودانه در آن خواهید ماند.

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲)

این بهشتی است که شما وارث آن می شوید بخاطر اعمالی که انجام می دادید.

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۳)

و در آن

برای شما میوه های فراوان است که از آن می خورید.

ص: ۴۹۴

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۷۴)

(ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می مانند.

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسُونَ (۷۵)

هرگز عذاب آنان کاسته نمی شود، و در آن جا (از همه چیز) مأیوسند.

□
وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (۷۶)

و ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود

ستمکار بودند.

وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ □ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُتُونَ (۷۷)

آنها فریاد می کشند: «ای مالک دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)!» می گوید: «شما (در این جا) ماندگار

هستید.»

□
لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

ما حق را برای شما آوردیم. ولی بیشتر شما از حق ناخشنود بودید.

أَمْ أُبْرِمُوا آمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (۷۹)

بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند. ما نیز اراده محکمی (درباره آنها)

داریم.

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ □ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (۸۰)

آیا آنان می پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟! آری، فرستادگان [= فرشتگان] ما نزد آنها هستند و می نویسند.

□
قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (۸۱)

بگو: «اگر برای خداوند فرزندی بود، من نخستین پرستش کننده او بودم.»

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۸۲)

منزه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از آنچه (درباره او) توصیف می

کنند!

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۸۳)

آنان را (به حال خود) واگذار تا در باطل غوطه‌ور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و نتیجه کار خود را

بینند)!

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

او کسی است که هم در آسمان معبود است و هم در زمین. و او حکیم و داناست.

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۵)

پر برکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت آسمانها و زمین و

آنچه در میان آن دو است از آن اوست. و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست و به سوی او بازگردانده می شوید.

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۸۶)

کسانی را که غیر از او می خوانند اختیار شفاعت

ندارند. مگر آنها که شهادت بحق داده اند و بخوبی آگاهند.

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (۸۷)

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، به یقین می گویند: خداوند یگانه. پس چگونه (از عبادت

او) منحرف می شوند؟!

وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و (چگونه از شکایت پیامبر که) می گوید: «پروردگارا! اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند» (غافل می شوند؟!)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

پس (اکنون) از

آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، اما بزودی خواهند دانست!

ص: ۴۹۵

۴۴ - سوره الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * حم.

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به این کتاب روشنگر،

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ □ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳)

که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم. ما همواره انذار کننده بوده ایم.

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

در آن شب هر امری بر اساس حکمت، (الهی)

تدبیر می گردد.

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا □ إِنَّا كُنَّا مُزْسِلِينَ (۵)

(نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما. ما (آن را) فرستادیم.

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ □ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

رحمتی است از سوی پروردگارت، که او شنونده و داناست.

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا □ إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (۷)

(همان) پروردگار

آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، اگر اهل یقین هستید.

□
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ □ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (۸)

هیچ معبودی جز او نیست. زنده می کند و می میراند. او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین

شماست.

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (۹)

ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می کنند.

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ (۱۰)

پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد،

يَغْشَى النَّاسَ ۚ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱)

که همه مردم را فرا می گیرد. این

عذاب دردناکی است!

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲)

(آن روز کافران می گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می آوریم.

أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (۱۳)

چگونه ممکن است متذکر شوند با این که رسول

روشنگر (با معجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد!

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ (۱۴)

سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته ای دیوانه است.»

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا ۚ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵)

ما عذاب را اندکی برطرف

می سازیم، ولی شما (به کارهای خود) باز می گردید.

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ (۱۶)

در آن روز آنها را با قدرت عظیمی خواهیم گرفت. به یقین ما آنها را مجازات خواهیم کرد.

ۚ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (۱۷)

ما پیش از

اینها قوم فرعون را آزمودیم

و پیامبر بزرگواری به سراغشان آمد.

أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ □ إِنْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۸)

(و به آنان گفت: امورِ بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم.)

ص: ۴۹۶

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ □ إِنْ آتَيْكُمْ بَشِيرًا مِّنِّي (۱۹)

و در برابر خداوند برتری مجوئید که من برای شما دلیل روشنی می آورم.

وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (۲۰)

و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا متهم کنید.

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ (۲۱)

و اگر به

من ایمان نمی آورید، از من کناره گیری کنید. (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید).

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَأِ قَوْمٍ مُّجْرِمُونَ (۲۲)

(آنها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند، و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه

داشت: اینها قومی مجرمنند.

فَأَسْرِبْ بَعْدِي لِيَلَّا إِيَّاكُمْ مُّتَّبِعُونَ (۲۳)

(فرمود:) بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می شوید.

وَإِذْ كَرِهَ الْبَحْرُ رَهْوًا □ إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَقُونَ (۲۴)

(هنگامی که از دریا گذشتید) دریا را آرام و گشاده بگذار (و

بگذر) به یقین آنها (که در تعقیب شما می آیند) لشکری غرق شده خواهند بود.

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۲۵)

(سرانجام همگی نابود شدند) چه بسیار باغها و چشمه ها که به جای

گذاشتند،

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶)

و کشتزارها

و قصرهای پر ارزش،

وَنَعْمِهِ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (۲۷)

و نعمتهای فراوان دیگر که در آن غرق شادمانی بودند!

□
كَذَلِكَ □ وَأَوْزَتْهَا قَوْمًا آخِرِينَ (۲۸)

اینچنین بود (ماجرای آنان!) و ما این (نعمت ها) را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم.

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ (۲۹)

نه آسمان و زمین، بر آنان گریست، و نه به آنها مهلتی داده شد.

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

ما بنی اسرائیل را از عذاب خوار کننده رهایی بخشیدیم.

مِنْ فِرْعَوْنَ □ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

از فرعون که متکبری از زمره اسرافکاران بود.

وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلِيًّا □ عَلِيمًا عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۲)

ما آنها را با علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم،

وَآتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ (۳۳)

و آیاتی (از قدرت خویش) را به آنها دادیم که آزمایش آشکاری در آن بود (ولی آنان کفران کردند و مجازات شدند).

□
إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (۳۴)

اینها [= مشرکان] می گویند:

إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ □ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (۳۵)

«مرگ ما جز

همان مرگِ اوّل نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۶)

اگر راست می گوئید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)!

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبِعَ وَالِدِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ أَهْلَكْنَاهُمْ □ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۳۷)

آیا آنان بهترند یا قوم «تُبِع» و

کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاک کردیم، چرا که آنها مجرم بودند.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۳۸)

ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم.

□
مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹)

ما آن دو را جز بحق نیافریدیم. ولی بیشتر آنان نمی دانند.

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰)

روز جدایی (حق از باطل) وعده گاه همه آنهاست.

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱)

روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی کند، و (از هیچ سو) یاری نمی شوند.

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲)

مگر کسی

که خدا او را مورد رحمت قرار داده، چرا که او توانا و مهربان است.

إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ (۴۳)

به یقین درخت زقوم،

طَعَامُ الْأَثِيمِ (۴۴)

غذای گنهکاران است،

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (۴۵)

همانند فلز گداخته در شکمها می

جوشد.

كَغَلِي الْحَمِيمِ (۴۶)

همچون جوشش آب سوزان!

خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَّا سَوَاءَ الْجَحِيمِ (۴۷)

(آنگاه به مأموران دوزخ خطاب می شود:) او را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید.

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (۴۸)

سپس بر سر او از عذاب آب

سوزان بریزید.

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (۴۹)

(به او گفته می شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار توانا و بزرگوار بودی!

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)

این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می کردید.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (۵۱)

(ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند،

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۲)

در میان باغها و چشمه ها.

يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ (۵۳)

آنها لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند، در حالی که در مقابل یکدیگر

نشسته اند.

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۵۴)

اینچنین اند بهشتیان. و آنها را با «حورالعین» تزویج می کنیم.

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ (۵۵)

آنها در آن جا هر نوع میوه ای را بخواهند طلب می کنند در حالی که در نهایت

امنیت به سر می برند.

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ □ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶)

هرگز مرگی جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید،

و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند.

فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ □ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵۷)

این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است.

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

به یقین ما آن [=قرآن] را بر

زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند.

فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ (۵۹)

(اما اگر نپذیرفتند) منتظر باش، آنها نیز منتظرند (تو منتظر پیروزی الهی و آنها منتظر عذاب و شکست)!

ص: ۴۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * حم.

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

این کتاب از سوی خداوند توانا و حکیم نازل شده است.

إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۳)

بی شک در آسمانها و زمین نشانه های (فراوانی) برای مؤمنان وجود دارد.

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّهِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴)

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه هایی است برای گروهی که اهل یقینند.

وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۵)

و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزقی (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادهای، نشانه های روشنی است برای گروهی که می اندیشند.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ □ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶)

اینها آیات خداوند است که ما آن را بحق بر تو تلاوت می کنیم. (اگر آنها به آن ایمان نیاورند،) به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیاتش ایمان می آورند؟! □

وَإِلَّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۷)

وای بر هر دروغگوی گنهکار،

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا □ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸)

که پیوسته آیات خدا را که بر او تلاوت می شود می شنود، اما از روی تکبر، اصرار بر مخالفت دارد. گویی اصلا آن را نشنیده است. او را به عذابی دردناک بشارت ده!

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا □ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹)

و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود، آن را به باد استهزا می گیرد. برای آنان عذاب خوارکننده ای است!

مَنْ وَرَأَيْهِمْ جَهَنَّمَ □ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ □ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰)

و پشت سرشان دوزخ است. و هرگز آنچه را به دست آورده اند آنها را (از عذاب الهی) رهایی نمی بخشد، و نه اولیایی که غیر از خدا برای خود برگزیدند. (مایه نجاتشان خواهند بود). و عذاب بزرگی برای آنهاست!

□ هَذَا هُدًى □ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ (۱۱)

این (قرآن) مایه هدایت است. و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، عذابی سخت

و دردناک دارند!

□ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَتَجَرَّيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

خداوند کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها به فرمانش در آن حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید، شاید شکر (نعمتهایش را) به جا آورید.

□ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ □ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۳)

او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از جانب خویش مسخر شما ساخته. در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند.

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله [= روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا (روزی که) خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد.»

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ □ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا □ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۵)

هر کس کار شایسته ای به جا آورد، به نفع خود به جا آورده است. و هر کس کار بد می کند، به زیان خود اوست. سپس همه شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید.

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ (۱۶)

ما بنی اسرائیل را کتاب آسمانی و حکومت و نبوت بخشیدیم و از نعمت های پاکیزه به آنها روزی دادیم و آنان را بر جهانیان [= مردم عصر خویش] برتری بخشیدیم.

وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ □ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مَن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ □ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷)

و دلایل روشنی از امر (نبوت و شریعت) در اختیارشان قرار دادیم. آنها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی. و این اختلاف بخاطر ستم

و برتری جویی آنان بود. اما پروردگارت روز قیامت در میان آنها در آنچه پیوسته اختلاف داشتند داوری می کند.

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيحَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)

سپس تو را بر شریعت و آیین حقی قرار دادیم. از آن پیروی کن و از هوسهای کسانی که آگاهی ندارند پیروی مکن.

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُؤَا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا □ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ □ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۹)

آنها هرگز نمی توانند تو را در برابر خداوند بی نیاز کنند (و از عذابش برهانند). و ستمکاران یار

و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزگاران است.

□ هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۲۰)

این (قرآن و شریعت آسمانی) اسباب بینایی مردم و مایه هدایت و رحمت است برای گروهی که (به آن) یقین دارند.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ □ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۲۱)

آیا کسانی که مرتکب بدیها (و گناهان) شدند چنین پنداشتند که ما آنها را همچون کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که حیات و مرگشان (با آنها) یکسان باشد؟! چه بد داوری می کنند!

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲)

و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هرکس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود. و به آنها ستمی نخواهد شد.

ص: ۵۰۰

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصِيرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر این که شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و برگوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده ای قرار داده است؟! با این حال، غیر از خدا چه کسی می تواند او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی شوید؟!

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ ۗ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۗ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴)

آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست. گروهی از ما می میرند و گروهی جای آنها را می گیرند. و جز طبیعت روزگار

[= طبیعت] ما را هلاک نمی کند.» آنان به این سخن که می گویند علمی ندارند، بلکه تنها گمانی بی پایه دارند.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز این که می گویند: «اگر راست می گویند پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)!»

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)

بگو: «خداوند شما را زنده می کند، سپس می میراند، بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می کند. ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ (۲۷)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین برای خداست. و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می بینند.

وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةٍ ۗ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

در آن روز هر امتی را می بینی (که از شدت ترس و وحشت) به زانو درآمده. هر امتی به سوی کتابش خوانده می شود، و (به آنها می گویند): امروز (جزای) آنچه را انجام می دادید به شما داده می شود.

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)

این نامه اعمال شماست که ما نوشته ایم و به حق بر ضد شما سخن می گوید. ما آنچه را انجام می دادید می نوشتیم.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۳۰)

اما کسانی که ایمان آوردند

و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می کند. این همان پیروزی آشکار است.

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۳۱)

اما کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می شود:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی

بودید؟!

ص: ۵۰۱

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُصْتَفِينَ (۳۲)

و هنگامی که گفته می شد: «وعده خداوند حق است، و در قیامت هیچ شکی نیست»، شما می گفتید: «ما نمی دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی داریم، و به هیچ وجه (به آن) یقین نداریم.»

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۳)

و بدیهای اعمالشان برای آنان آشکار می شود، و سرانجام آنچه را استهزا می کردند آنها را فرا می گیرد.

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (۳۴)

و به آنها گفته می شود: «امروز شما را فراموش می کنیم همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید. و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یآوری ندارید.

ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَعَزَّيْتُمْ الدُّنْيَا □ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)

این بخاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد. امروز نه آنان از دوزخ بیرون آورده می شوند، و نه هیچ گونه عذری از آنها پذیرفته می شود.

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶)

پس حمد و ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان.

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

و برای اوست کبریا (و عظمت)

در آسمانها و زمین، و اوست توانا و حکیم.

۴۶ – سوره الأحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان حم.

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

این کتاب از سوی خداوند توانا و حکیم نازل شده است.

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ (۳)

ما آسمانها

و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و برای سرآمد معینی نیافریدیم. امّا کافران از آنچه انذار می شوند روی گردانند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ۚ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَنَارِهِ
مِّنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴)

به آنان بگو: «به من نشان دهید

آنچه را که غیر از خدا پرستش می کنید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا شرکتی در آفرینش آسمانها دارند؟! کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان

برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می گوید!»

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

چه کسی گمراهتر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می خواند که تا قیامت هم

به او پاسخ نمی گوید

و از خواندن آنها (کاملاً) غافل است؟! (و صدای آنها را هیچ نمی شنود!)

ص: ۵۰۲

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (٦)

و هنگامی که مردم محشور می شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود.

و (حتی) عبادت آنها را انکار می کنند!

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (٧)

هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران در برابر حقی که برای آنها آمده می گویند: «این سحری آشکار

است.»

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ □ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَمَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا □ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ □ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ □ وَهُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (٨)

بلکه آنها می گویند: «آن (آیات) را بر خدا افترا بسته است!» بگو: «اگر من آن را به دروغ (به خدا) نسبت داده باشم (لازم است مرا رسوا کند و) شما

نمی توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید. او کارهایی را که شما در آن وارد می شوید بهتر می داند. همین بس که او گواه میان من و شما باشد. و او آمرزنده و

مهربان است.»

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ □ إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٩)

بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم. (که با سایر پیامبران متفاوت باشم) و نمی دانم با من

و شما چه خواهد شد. من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز انداز کننده آشکاری نیستم.»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ (١٠)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی

خدا باشد

و شما به آن کافر شوید، در حالی که شاهدی از بنی اسرائیل بر آن شهادت دهد، و او ایمان آورد و شما استکبار کنید (و

ایمان نیاورید، چه کسی گمراهتر از شما

خواهد بود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.»

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ □ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۱۱)

کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها در پذیرش آن بر ما پیشی

نمی گرفتند.» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می گویند: «این یک دروغ (و افسانه ای) قدیمی است.»

وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً □ وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ (۱۲)

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و

رحمت بود (نشانه های قرآن را بیان کرده)، و این کتابی است که هماهنگ با نشانه های آن [= تورات] است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا

ستمکاران را انداز کند و برای نیکوکاران بشارتی باشد.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳)

کسانی که گفتند: «پروردگار ما «خداوند یگانه» است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی بر آنان است و

نه اندوهگین می شوند.

□ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴)

آنها اهل بهشتند

و جاودانه در آن می مانند. این پاداش اعمالی است که انجام می دادند.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا □ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا □ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا □ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي □ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی وضع حمل می نماید. و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش

سی ماه است. تا زمانی که به نیرومندی و کمال خود بالغ گردد و به چهل سالگی برسد می گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و

مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خوشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان. من به سوی تو باز گشتم (و توبه کردم)، و من از

مسلمانانم.»

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ □ وَعَدَّ الصُّدُقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۱۶)

آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می کنیم و از گناهانشان می گذریم و در میان بهشتیان جای دارند. این وعده راستی است

که وعده داده می شدند.

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِن قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرَانِ اللَّهُ وَبَلَغَ مِنْهُ شَأْنًا □ قَالَ اللَّهُ قَوْلُكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَلْحَقِّ □ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۷)

و کسی که به پدر و مادرش می گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می دهید که من (روز قیامت) مبعوث می شوم؟! در حالی که

پیش از من اقوام زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)! و آن دو (فریاد می کشند و) خدا را به یاری می طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است!» اما

او پیوسته می گوید: «این چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.»

□
أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ □ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۱۸)

آنها کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جن

و انس بودند تحقیق یافته، به یقین آنان زیانکار بودند.

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا □ وَلِيُؤْفِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۹)

و برای هر کدام درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده اند، تا خداوند کارهایشان را بی کم و کاست به

آنان باز پس دهد. و آنها مورد ستم واقع نمی شوند.

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (۲۰)

آن روز که کافران را بر آتش عرضه می کنند (به آنها گفته می شود:) از نعمت های پاکیزه در زندگی دنیای

خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید. امّا امروز عذاب ذلت بار بخاطر استکباری که در زمین به ناحق داشتید و بخاطر

گناهانی که انجام می دادید، جزای شما

خواهد بود.

ص: ۵۰۴

□ وَاذْكُرْ أَنْخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» انذار کرد، در حالی که پیامبران انذار کننده ای قبل از او در گذشته های دور و

نزدیک آمده بودند (و گفت): جز خدای یگانه را نپرستید، زیرا من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم!

قَالُوا أَجِئْنَا لِنُؤْفِكَ عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲)

آنها گفتند: «آیا آمده ای که ما را (با دروغهایت) از

معبودانمان بازگردانی؟! اگر راست می گویی آنچه (از عذاب الهی) که به ما وعده می دهی بیاور!»

□
قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۳)

گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می داند چه زمانی

شما را مجازات کند). من آنچه را به آن فرستاده شده ام به شما ابلاغ می کنم، (وظیفه من همین است). ولی شما را گروهی می بینم که پیوسته در نادانی

هستید.»

□
فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا □ بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ □ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴)

هنگامی که آن (عذاب) را بصورت ابر گسترده ای دیدند که به سوی درّه ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است

که بر ما می بارد!» (به آنها گفته شد: این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می کردید، تند بادی است (وحشتناک) که عذاب دردناکی در آن است!

□
تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ □ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

همه چیز را به فرمان پروردگارش در هم می کوبد

و نابود می کند. (آری) آنها صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه هایشان به چشم نمی خورد. ما این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم.

وَلَقَدْ مَكَّنَاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٢٦)

و ما به آنها [= قوم عاد] قدرتی دادیم که به شما ندادیم، و برای آنان گوش و چشم و عقل قرار دادیم. (اما به هنگام نزول عذاب) نه گوشها و چشمها و نه عقلهایشان برای آنان هیچ سودی نداشت، چرا که آیات خدا را انکار می کردند. و سرانجام آنچه را استهزا می کردند بر آنها وارد شد.

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ ۖ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٢٧)

ما آبادیهای را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم،

و (پیش از آن) آیات خود را بصورت‌های گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید باز گردند.

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَهُ ۖ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۖ وَذَلِكِ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٢٨)

پس چرا معبودانی را که غیر از خدا بر گزیدند _ به گمان این که به خدا

نزدیکشان سازد _ آنها را یاری نکردند؟! بلکه از نظرشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می بستند.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا □ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّندِرِينَ (٢٩)

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جنّ را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند. وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید (و گوش فرا دهید).»

و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود باز گشتند و آنها را انداز می کردند.

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (٣٠)

گفتند: «ای قوم ما! به یقین ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده،

همانگ با نشانه های کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می کند.

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِزْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (٣١)

ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به خدا ایمان آورید تا

گناهانتان را بپامزد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد.

وَمَنْ لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ □ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٣٢)

و هرکس دعوت کننده الهی را اجابت نکند، هرگز نمی تواند از عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از او

یار و یآوری برایش نیست. چنین کسانی در گمراهی آشکارند.»

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزِبْ عَنْهُمُ غَمًّا مِّن شَيْءٍ قَدِيرٌ
(٣٣)

آیا آنها نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشده است،

می تواند مردگان را زنده کند؟! آری (می تواند) زیرا او بر هر چیز تواناست.

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ □ قَالُوا بَلَىٰ □ قَالُوا بَلَىٰ □ قَالَ فُذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (٣٤)

روزی را به یاد آور که کافران را بر آتش عرضه می دارند (و به آنها گفته می شود): آیا

این حق نیست؟! می گویند: «آری، به پروردگاران سوگند (که حق است)!» (در این هنگام خداوند) می گوید: «پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!»

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۚ بَلَّغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ (۳۵)

پس صبر

کن آن گونه که پیامبران «اولوا العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! روزی که وعده هایی را که به آنها داده می شود ببینند، (احساس می کنند که)

گویی جز ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف نکرده اند. این ابلاغی است برای همگان. آیا جز قوم نافرمان هلاک خواهند شد؟!

ص: ۵۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ أَصْلَ أَعْمَالِهِمْ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، (خداوند) اعمالشان را نابود می کند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه

بر محمد نازل شده _ و آن حقی است از سوی پروردگارشان _ نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند.

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخِنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدَ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۳)

و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه در میدان جنگ) روبرو شدید گردنهایشان را بزنید، تا آنها را از پا در آورید. در این هنگام اسیران را محکم ببندید. سپس یا منت

گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیہ [=گرامت] بگیرید. (و آزادشان کنید. و این وضع را ادامه دهید) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد. (آری وظیفه) این است. و اگر خدا می خواست خودش آنها را مجازات می کرد، اما می خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید. و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی برد.

سَيَهْدِيهِمْ وَيُضِلُّهُمُ بِاللَّهِ (۴)

و آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند.

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۵)

و آنها را در بهشت (جاویدانش) که اوصاف آن را برای آنان

بیان کرده وارد می کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۷)

و کسانی که کافر

شدند، مرگ بر آنان! و اعمالشان نابود باد!

□
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۸)

این بخاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده ناخشنود بودند. از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد.

□ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ □ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۹)

آیا در

زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند (و با حق ستیز کردند) چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد.

و برای کافران امثال آن خواهد بود.

□
ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۰)

این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند. اما کافران مولایی ندارند.

ص: ۵۰۷

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (۱۱)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغهای بهشتی می کند که نهرها از پای درختانش جاری است. در حالی که کافران از متاع زودگذر

دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست.

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۲)

و چه بسیار شهرهایی که از شهر تو که بیرون کرد نیرومندتر بودند. و

ما همه آنها را (به سزای اعمالشان) هلاک کردیم و هیچ یآوری نداشتند.

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۳)

آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی

اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می کنند؟!

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ □ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى □ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ □ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (۱۴)

وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف

و خالص،

و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آنها در آن از همه

انواع میوه ها فراهم است. و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارش! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آبی داغ و

سوزان نوشانده می شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می کند؟!

□ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ □ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا □ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ □ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۵)

گروهی از آنان به سخنانت گوش فرا می دهند، اما هنگامی که از نزد تو خارج می شوند

به کسانی که دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می گویند: «این مرد) اکنون چه گفت؟! آنها کسانی هستند که خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده و از

هوای نفسشان پیروی کرده اند (از این رو چیزی نمی فهمند).

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (۱۶)

کسانی که هدایت یافته اند، (خداوند) بر هدایتشان می افزاید

و روح تقوا به آنان می بخشد.

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۱۷)

آیا کافران جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید (آنگاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده

است. اما هنگامی که به سراغ آنها بیاید، ایمان آنها چه سودی خواهد داشت.

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبُكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (۱۸)

پس بدان که معبودی جز «خداوند یگانه» نیست. و برای گناه خود و مردان و زنان

با ایمان آمرزش بخواه. و خداوند گذرگاه و قرارگاه شما را می داند.

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ □ فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ □ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ
نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ □ فَأُولَئِكَ لَهُمْ (١٩)

کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «چرا سوره ای نازل نمی شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!»، اما هنگامی که سوره ای محکم (و روشنی) نازل می گردد و

در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیماردل را می بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند. پس چه بهتر که آنها بمیرند!

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ □ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرَ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (٢٠)

ولی بدانند) اطاعت (فرمان خدا) و سخن سنجیده برای آنان شایسته تر است. و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می شود به خدا راست گویند (و از در صدق و

صفا در آیند) برای آنها بهتر می باشد.

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (٢١)

اگر حکومت را بدست گیرید، آیا جز این انتظار می رود که در زمین فساد نمایید و پیوند خویشاوندی را قطع کنید؟! □

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (٢٢)

آنها

کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشه‌ایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (٢٣)

آیا آنها در قرآن تدبیر نمی کنند، یا بر

دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟! □

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ □ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ (٢٤)

به یقین کسانی که بعد از روشن شدن راه هدایت برای آنها، پشت به آن کردند، شیطان اعمال زشتشان را در

نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرَهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۵)

این بخاطر آن است که آنان به کسانی که از نزول وحی الهی ناخشنود بودند گفتند: «ما در بعضی

از امور از شما پیروی می کنیم.» در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می داند.

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (۲۶)

حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان

می زنند و جانشان را می گیرند!؟

□
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرَهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۷)

این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد پیروی کردند، و از آنچه موجب رضای اوست ناخشنود بودند. از

این رو (خداوند) اعمالشان را نابود کرد.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (۲۸)

آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه هایشان را آشکار نمی کند!؟

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْهُمْ فَلَعَرَفْتُمُوهُمْ بِسِيمَاهُمْ □ وَتَعْرِفْتُهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ □ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ (۲۹)

و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می دهیم تا آنان را با قیافه هایشان بشناسی، هر چند آنها را از طرز سخنانشان خواهی شناخت. و خداوند اعمال شما را می

داند.

وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبَلِّغُكُمْ أَخْبَارَكُمْ (۳۰)

به یقین ما همه شما را می آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يُضِرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ (۳۱)

آنان که کافر شدند و (مردم

را) از راه خدا باز داشتند و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان (باز) به مخالفت با پیامبر برخاستند، هرگز زیانی به خدا نمی رسانند و (خداوند) بزودی اعمالشان را

ناپود می کند.

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر (خدا) را،

و اعمال خود را باطل نسازید.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۳)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید.

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالَكُمْ (۳۴)

پس

هرگز سست نشوید و (از دشمنان) صلح (ذلت بار) نطلبید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و هرگز از (ثواب) اعمالتان نمی کاهد.

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ □ وَإِن تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۵)

بازی و سرگرمی است. و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پادشاهی شما را می دهد و (جز اندکی از) اموال شما را طلب نمی کند،

إِنْ يَسْأَلْكُمْ مَوَالِيَهُمْ فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ (۳۶)

چراکه هرگاه اموال شما

را طلب کند و بر آن تأکید نماید، بخل میورزید. و کینه و خشم شما را آشکار می سازد.

□ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ □ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ □ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ □ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۷)

آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت

می شوید، بعضی از شما بخل میورزند. و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است. و خداوند بی نیاز است و شما همه نیازمندید. و هرگاه سربچی

کنید، خداوند گروه دیگری را به جای شما می آورد، پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند).

□ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ □ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳۸)

این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند؛ این گونه خداوند برای مردم مثلهای (زندگی) آنان را بیان می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* ما برای تو پیروزی آشکاری [= فتح مکه] را فراهم ساختیم،

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حقایق تو را ثابت نموده)

و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید،

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (۳)

و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ □ وَاللَّهُ جُنُودَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۴)

او کسی است که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد تا

ایمانی بر ایمانشان بیفزایند. و لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است.

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ □ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (۵)

هدف (دیگر از آن پیروزی آشکار) این بود که مردان و زنان با

ایمان را (به سبب فداکاری هایشان) در باغهای بهشتی وارد کند که نهرها از پای درختانش جاری است، در حالی که جاودانه در آن می مانند، و تا گناهانشان را

ببخشد،

و این نزد خدا پیروزی و رستگاری بزرگی است.

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ □ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ □ وَعَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ □ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶)

و (نیز) مردان و زنان منافق

و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند. (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان فرو می آید. خداوند بر

آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده. و چه بد سرانجامی است!

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۷)

لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خداست. و

خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۸)

بیقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم،

لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۹)

تا (شما) به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از او

دفاع کنید

و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گوید.

ص: ۵۱۱

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ □ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ □ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۰)

به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست. پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان

خود پیمان می شکند. و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا □ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ □ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا □ بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۱)

بزودی تخلف کنندگان از اعراب بادیه

نشین (عذر تراشی کرده) می گویند: «(حفظ) اموال و خانواده هایمان، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب

آمزش کن.» آنها به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند. بگو: «هرگاه خدا زبانی برای شما بخواهد، چه کسی می تواند در برابر او از شما دفاع کند. و یا

اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند آنچه که انجام می دهید آگاه است.»

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَّ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (۱۲)

ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز نزد خانواده های خود باز نخواهند

گشت. و این (پندار غلط) در دل های شما زینت یافته بود و گمان بد کردید. و سرانجام گروهی بودید که (در دام شیطان افتادید و) هلاک شدید.

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (۱۳)

آن کس که به خدا

و پیامبرش ایمان نیاورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا که ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم!

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ يَعْفُرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۴)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست.

هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می کند. و خداوند آمرزنده و مهربان است.

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَعَانِمِ لِتَأْخُذُوهَا ذُرُوعًا وَنَبْتِغُكُمْ \square يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ \square قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ \square فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا \square بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵)

هنگامی که شما برای به دست آوردن

غنایمی حرکت کنید، متخلفان (حدیثیه) می گویند: «بگذارید ما هم در پی شما بیاییم، آنها می خواهند کلام خدا را دگرگون سازند». بگو: «هرگز به دنبال ما نیاید.

این گونه خداوند از قبل گفته است.» آنها بزودی می گویند: «شما نسبت به ما حسد میورزید.» ولی آنها جز اندکی نمی فهمند.

ص: ۵۱۲

قُلْ لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سِتْرٌ مِّنْهُم مَّا ظَهَرَ مِنْكُمْ لِيَلْبِسُوا زِينَةَ الْأَرْضِ وَأَكْفُوا بِذُنُوبِهِمْ لَوْ سَأَلْتَهُم لَمَنَ الْيَوْمَ تُعَذِّبُهُمْ وَسَاءَ لَنفْسِكُمْ عَلَيْكُمْ فَاعِلًا ﴿١٦﴾

به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می شود که به سوی قومی نیرومند

و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند. اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می دهد. و اگر سرپیچی نمایید _ همان گونه که در گذشته نیز

سرپیچی کردید _ شما را با عذاب دردناکی کیفر می دهد!»

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾

بر نابینا و لنگ و بیمار (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند) گناهی نیست. و هر کس خدا و پیامبرش را

اطاعت نماید،

او را در باغهای بهشتی وارد می کند که نهرها از پای درختانش جاری است. و آن کس که سرپیچی کند، او را با عذاب دردناکی کیفر می دهد!

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (١٨)

خداوند از مؤمنان

_ هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند _ خشنود شد. خدا آنچه را در درون دلهایشان

(از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست. از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد

و پیروزی نزدیکی را پاداش آنها قرار داد.

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يُأْخُذُونَهَا ﴿١٩﴾ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

و (همچنین) غنائم بسیاری که آن را به دست می آورند. و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.

وَعَدَدُكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتُكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾

خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی [= غنائم خیر] را زودتر برای شما

فراهم ساخت. و دست تعدی مردم [= دشمنان] را از

شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما رابه راه راست هدایت کند.

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا □ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۱)

و نیز غنایم

و فتوحات دیگری (نصیبتان می کند) که شما توانایی (به دست آوردن) آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد. و خداوند بر همه چیز تواناست.

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۲۲)

و اگر کافران

(در سرزمین حدیبیه) با شما پیکار می کردند بزودی فرار می کردند، سپس سرپرست

و یآوری نمی یافتند.

سُنَّهَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ □ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّهِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۲۳)

این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است. و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

ص: ۵۱۳

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۲۴)

او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد، بعد از آن که شما را بر آنها پیروز ساخت. و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ ۚ وَلَوْلَا رِجَالُ الْمُؤْمِنُونَ وَالنِّسَاءُ الْمُؤْمِنَاتُ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيْبِكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ ۚ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجدالحرام و رسیدن قربانیهاتان به قربانگاه بازداشتند. و اگر نبود که مردان و زنان با ایمانی در

این میان بدون آگاهی شما، زیردست و پا، از بین می رفتند و از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد). هدف این

بود که خدا هر کس را می خواهد در رحمت خود وارد کند. و اگر (مؤمنان و کفار در مکه) از هم جدا می شدند، کافران را با عذاب دردناکی مجازات می کردیم!

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ ۚ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۲۶)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند. و (در مقابل)، خداوند آرامش

و سکینه خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند. و خداوند به همه چیز داناست.

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۚ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (۲۷)

خداوند آنچه را به پیامبرش در رؤیا نشان داد، به حق راست گفت. بطور قطع همه شما به خواست خدا وارد مسجدالحرام می شوید در نهایت امنیت و در

حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید. ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این

تأخیر حکمتی بود). و قبل از آن، فتح نزدیکی (در خیبر برای شما) قرارداد است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (۲۸)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه

ادیان پیروز کند. و کافی است که خدا گواه (این موضوع) باشد.

ص: ۵۱۴

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ □ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ □ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا □ سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ □ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ □ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى □ عَلَى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ □ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (٢٩)

محمد فرستاده خداست. و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی

که همواره فضل و رضای خدا را می طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنان در تورات است و توصیف آنان در انجیل، همانند

زراعتی است که جوانه اش را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به

شگفتی وا می دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد! و کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و

پاداش عظیمی داده است.

٤٩ - سوره الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزی را بر خدا و پیامبرش مقدم ندارید (و از آنها پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ □ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ □ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (٢)

که ایمان آورده اید! صدای خود را از صدای پیامبر بالاتر نبرید، و در برابر او بلند سخن مگویید

(و او را بلند صدا نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی دانید.

□
إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى □ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (٣)

به یقین کسانی که

صدای خود را نزد پیامبر خدا پایین می آورند همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است.

إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنَ الْجُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)

)

ولی) کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند، بیشترشان نمی فهمند.

ص: ۵۱۵

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)

اگر آنها صبر می کردند تا تو به نزد آنها بیرون آیی، برای آنان بهتر بود. و خداوند آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری

برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی ناآگاهی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ □ لَوْ يَطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ □ الْأَيْمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ □ وَكَرَهُ إِلَيْكُمْ
الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ □ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (۷)

و بدانید پیامبر خدا در میان شماست.

هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد. ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهايتان زینت بخشیده، و کفر و فسق

و گناه را منفورتان قرار داده است. کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند.

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۸)

(و این) فضل و نعمتی از سوی خداست. و خداوند دانا و حکیم است.

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا □ فَإِن بَغَتْ إِحِدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى □ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ □
فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۹)

و اگر

دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید. و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. و هرگاه

باز گشت

(و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو صلح عادلانه برقرار سازید. و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند.

پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید، تا مشمول رحمت او شوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا يَشِخِرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلِمَا نَسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (هرگز) گروهی از مردان شما گروه دیگری را مسخره نکنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند. و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از

اینان باشند. و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید.

و آنها که توبه نکنند، ستمکارند.

ص: ۵۱۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (١٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است. و (هرگز در کار دیگران تجسس

نکنید. و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (یقین همه) شما از این امر کراهت دارید. تقوای

الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (١٣)

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. (

اینها ملاک برتری نیست)، گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. به یقین خداوند دانا و آگاه است.

ۚ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ۚ قُلْ لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلِمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (١٤)

اعراب بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم.»

بگو: «شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، هنوز ایمان وارد قلوب شما نشده است. و اگر از خدا

و پیامبرش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند، خداوند، آمرزنده و مهربان است.»

ۚ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (١٥)

مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا

و پیامبرش ایمان آورده اند، سپس شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند. آنها راستگویانند.

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (١٦)

بگو: «آیا خدا را از ایمان

خود باخبر می سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می داند. و خداوند بر همه چیز داناست.»

يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا □ قُلْ لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم □ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)

آنها بر تو منت می نهند که اسلام آورده اند. بگو: «

اسلام آوردن خود را بر من منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر (در ادعای ایمان) راستگو هستید.

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

خداوند غیب آسمانها و زمین را می داند و خدا نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ق ﴿ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱) ﴾

* بنام خداوند بخشنده مهربان* ق، سوگند به قرآن مجید (که قیامت و رستاخیز حق است)!

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿ (۲) ﴾

آنها تعجب کردند که پیامبری اندازگر از میان خودشان به سراغ آنها آمده (و سخن از معاد می گوید).

و کافران گفتند: «این چیز شگفت آوری است!

أِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ﴿ ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿ (۳) ﴾

آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (دوباره به زندگی باز می گردیم)؟! این بازگشتی است بعید!»

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ ﴿ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ﴿ (۴) ﴾

ولی ما آنچه

را زمین از بدن آنها می کاهشد. می دانیم (و همه ذرات آن را گردآوری می کنیم) و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ ﴿ (۵) ﴾

آنها حق را هنگامی که به

سراغشان آمد تکذیب کردند. از این رو پیوسته در کار آشفته خود متحیرند.

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿ (۶) ﴾

آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده ایم، و چگونه

آن را (بوسیله ستارگان) زینت بخشیده ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست؟!!

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿ (۷) ﴾

و زمین را گسترش دادیم و در آن کوههایی عظیم و استوار افکندیم و از هر

نوع گیاه بهجت انگیز در آن رویانندیم،

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸)

تا سبب بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد!

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۹)

واز آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و بوسیله آن باغها و دانه هایی

را که درو می کنند رویانندیم،

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ (۱۰)

و نخلهای بلندقامت که میوه های متراکم دارند.

رُزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)

همه اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است. و بوسیله باران سرزمین مرده را

زنده کردیم. (آری) زنده شدن مردگان نیز همین گونه است.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب رس» [= قومی که در یمامه زندگی می کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود

(پیامبرانشان را) تکذیب کردند،

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ (۱۳)

و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط،

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمِ تُبُعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (۱۴)

«و اصحاب ایکه» [= قوم شعیب] و قوم تُبُع (که در سرزمین یمن زندگی می کردند)، هر یک از آنها پیامبران را تکذیب

کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت.

أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۵)

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر

آفرینش دوباره آنها نباشیم؟! ولی آنها (با این دلایل روشن) در آفرینش جدید تردید دارند.

ص: ۵۱۸

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسِسُ بِهِ نَفْسُهُ □ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (۱۶)

ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم!

إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَفِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (۱۷)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم

انسانند اعمال او را دریافت می دارند.

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۱۸)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر این که، فرشته ای مراقب و آماده (برای ضبط آن) نزد او حاضر است!

□
وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ □ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (۱۹)

و

سرانجام، سكرات مرگ حقيقت را (پيش چشم او) می آورد (و گفته می شود): اين همان چیزی است که تو از آن می گریختی!

□
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ □ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ (۲۰)

و در «صور» دمیده می شود.

آن روز، روز وعده وحشتناک است!

□
وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱)

و هر انسانی (به محشر) می آید در حالی که فرشته ای او را

(به سوی دادگاه عدل الهی) می راند و گواهی همراه اوست!

□
لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲)

(به او خطاب می شود) تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز

چشم تیزبین است.

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۲۳)

فرشته همراه او می گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر است!»

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (۲۴)

(خداوند فرمان می دهد): هر کافر حق ستیزی را در

دوزخ افکنید!

مَنْعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۲۵)

آن کسی که به شدت مانع خیر و متجاوز و در شک و تردید بوده است.

□ □
الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶)

همان کسی که معبود دیگری با خدا قرارداد داده بود، (آری) او را در عذاب

شدید بیفکنید!

□ □
قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَعَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۲۷)

و همنشینش

(از شیاطین) می گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان و انداشتم، بلکه او خود در گمراهی دور و درازی بود!»

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (۲۸)

(خداوند) می گوید: «نزد من جدال و مخاصمه نکنید.

من پیشتر به شما هشدار داده ام (و اتمام حجت کرده ام)!

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۲۹)

سخن من تغییرناپذیر است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد!»

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (۳۰)

(به خاطر بیاورید) روزی را

که به جهنم می گوئیم: «آیا پر شده ای؟!» و او می گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!»

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۳۱)

(در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از

آنان ندارد!

□ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (۳۲)

این چیزی است که به شما وعده داده می شود، برای توبه کاران و حافظان پیمان،

□ مَن خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (۳۳)

همان کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پر

انابه در محضر او حاضر شود!

□ اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ □ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۳۴)

(به آنان گفته می شود:) سلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانگی است.

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)

هرچه بخواهند در آن جا برای آنها هست، و

نزد ما افزون بر آن است (نعمتهایی که به فکر هیچ کس نمی رسد)!

ص: ۵۱۹

وَكَمَّ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ (۳۶)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند

و شهرها (و کشورها) را گشودند. آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد؟! □

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرا دهد در حالی که

حضور (قلب) داشته باشد.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (۳۸)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز

[= شش دوران] آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید. (با این حال چگونه زنده کردن مردگان برای ما مشکل

است!؟)

فَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (۳۹)

در برابر آنچه آنها می گویند

شکیبا باش، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب تسبیح و حمد پروردگارت را بگوی،

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (۴۰)

و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده ها.

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

و گوش فراده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می دهد،

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ □ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)

روزی که همگان صیحه

رستاخیز را بحق می شنوند. آن روز، روز خروج (از قبرها) است.

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۴۳)

مایمم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت تنها به سوی ماست.

يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا □ ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴)

روزی که زمین

بسرعت از روی آنها شکافته می شود و (از قبرها) خارج می گردند. و این جمع کردن برای ما آسان است.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ □ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ □ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (۴۵)

ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، و تو مأمور به

اجبار آنها (به ایمان) نیستی. پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می ترسند متذکر ساز (وظیفه تو همین است).

۵۱- سوره الذاریات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □ وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت در می آورند،

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (۲)

و به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می کنند،

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳)

و به کشتیهایی که به آسانی به

حرکت در می آیند،

فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا (۴)

و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند،

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (۵)

(آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است.

وَإِنَّ الدَّيْنَ لَوَاقِعٌ (۶)

و

بی شک (رستخیز و) جزای اعمال واقع شدنی است!

ص: ۵۲۰

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ (۷)

قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست،

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (۸)

که شما (درباره قیامت) در گفتار مختلفی هستید!

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹)

(تنها) کسی از (ایمان به) آن منحرف می شود که (از

قبول حق) سرباز زده است.

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ (۱۰)

کشته باد دروغگویان.

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرِهِ سَاهُونَ (۱۱)

همانها که در جهل و غفلت

فرو رفته اند،

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ (۱۲)

و پیوسته سؤال می کنند: «روز جزا کی فرا می رسد؟!»

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (۱۳)

(بگو: آری) همان روزی است که آنها را بر آتش عذاب می کنند!

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴)

(و گفته می

شود:) بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵)

به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشتی و در میان چشمه ها قرار دارند،

□
آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ □ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶)

و

آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند.

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)

آنها کمی از شب را می خوابیدند،

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱۸)

و در سحرگاهان

استغفار می کردند،

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹)

و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود.

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ (۲۰)

و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است،

وَفِي أَنْفُسِكُمْ □ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۲۱)

و در وجود شما (نیز آیاتی است). آیا

نمی بینید؟!

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (۲۲)

و روزی شما در آسمان است و نیز آنچه شما وعده داده می شوید.

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ (۲۳)

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است همان گونه که

شما سخن می گوید!

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲۴)

آیا خبر مهمانهای گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟!

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا □ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُّكَرَّمُونَ (۲۵)

در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر

شما که گروهی ناآشناید!»

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ (۲۶)

سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده ای را برای آنها) آورد،

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷)

و نزدیک آنها گذارد، (ولی با تعجب

دید دست به سوی غذا نمی برند) گفت: «چرا نمی خورید؟!»

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً □ قَالُوا لَا تَخَفْ □ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۲۸)

و (چون غذا نخوردند) از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «ترس (ما فرستادگان و فرشتگان

پروردگار توایم)!» و او را بشارت به تولد پسری دانا دادند.

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صُرَّهِ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی

و تعجب) فریاد می کشید، به صورت خود زد و گفت: «(آیا پسری خواهم آورد با اینکه) پیرزنی نازا هستم؟!»

□
قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ □ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۳۰)

گفتند: «پروردگارت چنین گفته است، و او حکیم

و داناست.»

□ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱)

(ابراهیم) گفت: «ای فرستادگان (خدا) مأموریت شما چیست؟»

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده ایم،

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ (۳۳)

تا بارانی از «گل های متحجر» بر آنها

بفرستیم.

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴)

که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است.»

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵)

ما مؤمنانی را که در آن (شهرها) بودند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم،

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۶)

ولی جز یک خانواده با ایمان در آنجا نیافتیم.

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷)

و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جای گذاردیم.

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

و در

سرگذشت موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم.

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹)

اما او با تمام وجودش روی برتافت و گفت: «این

مرد یا ساحراست یادیوانه!»

فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (۴۰)

از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خورِ سرزنش بود.

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (۴۱)

و (همچنین) در سرگذشتِ «عاد» (آیتی

است) در آن هنگام که تندبادی بی باران بر آنها فرستادیم،

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ (۴۲)

که بر هیچ چیز نمی گذشت مگر این که آن را همچون استخوانهای پوسیده می ساخت.

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ (۴۳)

و نیز در

سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است آنگاه که به آنان گفته شد: «مدتی (کوتاه) بهره مند باشید (و سپس منتظر عذاب)»

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (۴۴)

آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند،

و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که نگاه می کردند (بی آنکه قدرت دفاع داشته باشند).

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ (۴۵)

(چنان بر زمین افتادند که) نه توان برخاستن داشتند و نه می

توانستند از کسی یاری طلبند!

وَقَوْمِ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۴۶)

همچنین قوم نوح را پیش از آنها (هلاک کردیم)، چرا که قوم فاسقی بودند.

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را

وسعت می بخشیم.

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گسترده کردیم، و چه خوب گستراننده ای هستیم!

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹)

و از هر چیز یک جفت آفریدیم، (و اینها همه برای آن است که) شاید متذکر شوید.

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ □ إِنَّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۰)

پس به سوی

خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما انذارکننده ای آشکارم.

□
وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ □ إِنَّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۱)

و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم دهنده ای آشکارم.

ص: ۵۲۲

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲)

این گونه است که هیچ پیامبری به سوی کسانی که قبل از آنها بودند فرستاده نشد مگر این که گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!»

أَتَوَصَّوْا بِهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَآغُوتٌ (۵۳)

آیا یکدیگر را به آن سفارش

می کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟! چنین نیست، بلکه آنها قومی طغیانگرند.

فَقَتَلُوا عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ (۵۴)

حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خورِ ملامت نخواهی بود.

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذُّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

من جنّ و انس را نیافریدم جز برای این که مرا پرستش کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ (۵۷)

هرگز از آنها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸)

زیرا تنها خداوند روزی دهنده و صاحب قدرت است و ناتوانی در او راه ندارد.

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ (۵۹)

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی (از عذاب) است همانند سهم یارانیشان (از اقوام ستمگر پیشین). بنابراین عجله نکنند!

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (٦٠)

پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آن وعده داده می شوند!

۵۲ - سوره الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالطُّورِ (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان سوگند به کوه طور،

وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ (٢)

و کتابی که نوشته شده،

فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ (٣)

در صفحه ای گسترده،

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (٤)

و سوگند به «بیت المعمور»،

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (٥)

و سقف برافراشته،

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (٦)

و دریای مملو و برافروخته،

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (٧)

که عذاب پروردگارت واقع شدنی است،

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ (٨)

و چیزی مانع آن نخواهد بود!

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (٩)

(این)

عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان بشدت به حرکت در می آید،

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰)

و کوهها از جا کنده و متحرک می شوند!

فَوَيْلٌ لِلْمُكْذِبِينَ (۱۱)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان،

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲)

همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند!

يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًا (۱۳)

در آن روز که آنها را به سوی آتش دوزخ می رانند.

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ (۱۴)

(به آنها می گویند:) این همان آتشی است که آن را تکذیب می کردید!

ص: ۵۲۳

أَفْسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (۱۵)

آیا این (دوزخ که می بینید) سحر است یا شما نمی بینید!؟

اضْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ؕ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

در آن وارد شوید

و بسوزید. می خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است. تنها به اعمالتان جزا داده می شوید!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (۱۷)

ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهستی و نعمتهای فراوان جای دارند،

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸)

و از آنچه پروردگارشان به آنها داده شاد و مسرورند و پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹)

(به آنها گفته می شود): بخورید و بیاشامید گوارا باد (بر شما). اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید.

مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ؕ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

این در حالی است که بر تختهایی که در کنار هم چیده شده تکیه می زنند، و «حورالعین» را به همسری آنها در می آوریم.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ ؕ كُلُّ امْرَأٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنٌ (۲۱)

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم. و از (پاداش) عملشان چیزی نمی کاهیم. و هر کس در گرو اعمال خویش است.

وَأُمْدَدْنَا لَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۲)

و همواره از انواع میوه ها

و گوشتها _ از هر گونه که بخواهند _ در اختیارشان می گذاریم.

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ (۲۳)

آنها در بهشت جامهای لبریز (از شراب طهور) را که نه بیهوده گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می گیرند.

□ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۲۴)

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می کنند که همچون مرواریدهای پوشیده در صدفند.

□ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

در این هنگام رو به یکدیگر کرده

(از گذشته ها) می پرسند.

□ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

می گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)!

□ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

اما خداوند بر ما منت نهاد و از عذاب سخت و نافذ (دوزخ) ما را حفظ کرد.

□ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ □ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (۲۸)

ما از پیش او را می خواندیم (و می پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان.»

□ فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (۲۹)

پس تذکر ده، که به نعمت و لطف پروردگارت تو کاهن

و مجنون نیستی.

□ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ (۳۰)

بلکه آنها می گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می کشیم!»

□ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (۳۱)

بگو: «انتظار بکشید که من هم با شما انتظار می کشم (شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی)!»

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا □ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲)

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می دهد، یا قومی طغیانگرند؟!

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ □ بَلْ لَّا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

یا می گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»؟! چنین نیست، بلکه آنان ایمان ندارند (و اینها بهانه است).

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴)

اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند!

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ (۳۵)

آیا آنها بدون خالق آفریده شده اند، یا اینکه خود خالق خویشند؟!

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ □ بَلْ لَّا يُوقِنُونَ (۳۶)

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده اند؟! چنین نیست، آنها جویای یقین نیستند.

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رِبِّكَ □ أَمْ هُمُ الْمُضْطَرُونَ (۳۷)

آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست یا (بر همه چیز عالم) سیطره دارند؟!

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ □ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می روند) و اسرار وحی را می شنوند؟! کسی از آنها که اسرار وحی را شنیده دلیل روشنی بیاورد!

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ (۳۹)

آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می نامید)؟!

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُنْقَلُونَ (۴۰)

آیا تو از آنها پاداشی می طلبی که در زیر بارِ گران آن قرار دارند؟!

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۱)

آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می نویسند؟!

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا □ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ (۴۲)

آیا می خواهند نقشه ای (شیطانی) بکشند؟! ولی بدانند کافران خودشان در دام این نقشه ها گرفتار می شوند!

□
أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ □ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳)

یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزه است خدا از آنچه همتای او قرار می دهند!

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (۴۴)

آنها (چنان لجاجت که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می کند می گویند: «این ابر متراکمی است!»

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۴۵)

حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند!

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۶)

روزی که نقشه های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی شوند.

□ □
وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

و برای کسانی که ستم کردند عذابی قبل از آن (در همین جهان) است. ولی بیشترشان نمی دانند.

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا □ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو تحت مراقبت و حفظ ما هستی. و هنگامی که برمی خیزی پروردگارت را تسبیح

و حمد گوی.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

همچنین به هنگام شب او را تسبیح گوی و نیز به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح).

۵۳ - سوره النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سو گند به ستاره هنگامی که افول می کند،

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲)

که هرگز دوست شما [= رسول خدا] گمراه نشده و منحرف نگردیده است،

وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴)

آنچه می گوید چیزی جز وحی (الهی) که بر او القا شده نیست.

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ (۵)

آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است.

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ (۶)

همان کس که توانایی فوق العاده دارد. آنگاه او [= پیامبر] به حد کمال رسید،

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ (۷)

در حالی که در افق اعلی بود.

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ (۸)

سپس نزدیک و نزدیکتر شد،

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۹)

تا آن که فاصله او (با جبرئیل) به اندازه فاصله دو قوس کمان یا کمتر بود.

فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ مَا أَوْحَىٰ (۱۰)

در این جا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود.

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ﴿١١﴾

قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت.

أَفْتَمَارُونَهُ عَلَيَّ مَا يَرَى ﴿١٢﴾

آیا با او درباره آنچه (با چشم خود در معراج) دیده مجادله می کنید؟!

وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزَّلَهُ أُخْرَى ﴿١٣﴾

و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد،

عِنْدَ سِدْرِهِ الْمُنْتَهَى ﴿١٤﴾

نزد «سدره المنتهی»،

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ﴿١٥﴾

که «بهشت جاویدان» در آن جاست.

إِذْ يَعْشَى السَّدْرَةَ مَا يَعْشَى ﴿١٦﴾

در آن هنگام که چیزی [= نور خیره کننده ای] سدره المنتهی را پوشانده بود،

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ﴿١٧﴾

چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیت بود)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴿١٨﴾

به یقین او بزرگترین نشانه های پروردگارش را (در آن سفر آسمانی) دید.

أَفْرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى ﴿١٩﴾

به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزى»،

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى ﴿٢٠﴾

و «منات» که سؤمین آنهاست (دختران خدا هستند)؟!

أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى ﴿٢١﴾

آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (در حالی که به زعم شما دختران کم ارزش ترند!)

تِلْكَ إِذَا قَسَمَهُ ضَبْرِي ﴿٢٢﴾

در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است.

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ﴿٢٣﴾ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى ﴿٢٥﴾

اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته اید (نامهایی بی محتوا و اسمهایی بی مسما)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده. آنان فقط از گمانهای بی اساس و هوای نفس پیروی می کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است.

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى ﴿٢٤﴾

آیا آنچه انسان تمنا دارد به آن می رسد؟!

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾

در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست (و بدون اراده او کسی به چیزی نمی رسد).

﴿٢٦﴾ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿٢٦﴾

و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی بخشد مگر پس از آن که خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأَنْثَى (۲۷)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختران (خدا) نامگذاری می کنند.

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ □ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ □ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (۲۸)

آنها هرگز در این باره دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با این که «گمان» هرگز (انسان را) از حق بی نیاز نمی کند.

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۹)

حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی گردانده و جز زندگی دنیا را نخواسته، اعراض کن.

□ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ □ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى (۳۰)

این آخرین حد آگاهی آنهاست. پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند بهتر می شناسد،

و (همچنین) هدایت یافتگان را از همه بهتر می شناسد.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيُجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (۳۱)

و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهایشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمالشان پاداش دهد.

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ □ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ □ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ □ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ □ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (۳۲)

همان کسانی که از گناهان کبیره و اعمال زشت دوری می کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلوده آن می شوند). (و بدان که) آموزش پروردگار تو گسترده است. او نسبت به شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید. پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می شناسد.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ (۳۳)

آیا دیدی آن کس را که

(از حق) روی گردان شد؟!

وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْثَى (۳۴)

و کمی عطا کرد، و امساک نمود! (و گنااهش را به گردن دیگری افکند)

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَى ﴿٣٥﴾

آیا نزد او علم غیب است و می بیند (که دیگران می توانند گناهان او را بر دوش گیرند)؟!؟

أَمْ لَمْ يُتَّبَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ﴿٣٦﴾

آیا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟!؟

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ﴿٣٧﴾

و (نیز از آنچه در کتب) ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد...

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ﴿٣٨﴾

که هیچ گنهکاری بارِ گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد،

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾

و این که برای انسان چیزی جز (حاصل) سعی و کوشش او نیست،

وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾

و این که تلاش او بزودی دیده می شود،

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾

سپس به او جزای کامل داده خواهد شد.

وَأَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ ﴿٤٢﴾

و (آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) اینکه همه امور به پروردگارت منتهی می گردد؟!؟

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَكَ وَأَبْكَكَ ﴿٤٣﴾

و این که اوست که خندانند و گریانند،

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

و اوست که میراند و زنده کرد،

ص: ۵۲۷

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۴۵)

و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید،

مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶)

از نطفه ناچیزی در آن هنگام که (در رحم) ریخته می شود،

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَ الْآخِرَىٰ (۴۷)

و این که بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)،

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ (۴۸)

و این که اوست که بی نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید،

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَىٰ (۴۹)

و این که اوست پروردگار ستاره (بزرگ و درخشانده) «شعری»!

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ (۵۰)

و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) اینکه خداوند قوم «عاد نخستین» را (به کیفر اعمالشان) هلاک کرد؟

وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ (۵۱)

و همچنین قوم «تمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد!

وَقَوْمِ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ (۵۲)

و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالم تر و طغیانگرتر بودند!

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳)

و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید،

فَغَشَّاهَا مَا عَشَّىٰ (۵۴)

سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى ﴿٥٥﴾

(بگو: در کدام یک از نعمتهای پروردگارت می توانی تردید کنی!؟)

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَىٰ ﴿٥٦﴾

این (پیامبر) بیم دهنده ای از (زمره) بیم دهندگان پیشین است.

أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ ﴿٥٧﴾

آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است (و قیامت فرا می رسد)،

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾

و هیچ کس جز خدا نمی تواند سختیهای آن را برطرف سازد.

أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾

آیا از این سخن تعجب می کنید،

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

و می خندید و نمی گریید،

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾

و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می برید!؟

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

پس (بیدار شوید و همه) برای خدا سجده کنید و او را پرستید.

۵۴ - سوره القمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ افْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾

* بنام خداوند بخشنده مهربان * قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت!

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۲)

و هر گاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی برمی گردانند و می گویند: «این سحری همیشگی است».

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ □ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ (۳)

آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند. و هر امری سرانجامی دارد (و حق عاقبت آشکار خواهد شد).

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴)

به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار

(و سرگذشت امتهای پیشین) به آنان رسیده است.

حِكْمَهُ بِالْعَهَّةِ □ فَمَا تُغْنِ الْتُّذُرُ (۵)

(این آیات،) حکمت بالغه

(و رسای الهی) است. اما اندازها (برای افراد لجوج) فایده نمی دهد.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ □ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَيْ شَيْءٍ نُكْرٍ (۶)

بنابراین از آنها روی بگردان. و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی (مردم را) به امر (وحشتناک و) ناخوشایندی [= حساب اعمال] دعوت می کند!

خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ (۷)

آنان در حالی که چشمهایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخهایی که به هرسو پراکنده می شوند از قبرها بیرون می آیند،

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ □ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ (۸)

در حالی که به سوی این دعوت کننده الهی گردن می کشند. کافران می گویند: «امروز روز سخت (و دردناکی) است!»

□ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ (۹)

پیش از آنها قوم نوح (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (آری) بنده ما را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است.» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد.

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ (۱۰)

او به پیشگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام، پس (مرا) یاری کن!»

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (۱۱)

در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و بیوقفه گشودیم.

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَيَّ أَمْرًا قَدِيرًا (۱۲)

و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم. و این دو آب برای هدفی که مقدر شده بود درآمیختند (و دریای وحشتناکی تشکیل شد)!

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسِّرٍ (۱۳)

و او را بر (کشتی) ساخته شده از الواح و میخها سوار کردیم.

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَن كَانَ كُفِرًا (۱۴)

(آن کشتی) تحت مراقبت ما حرکت می کرد. این پاداشی بود برای کسانی که (از سوی دشمنان) مورد انکار قرار گرفته بودند.

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۱۵)

ما این ماجرا را بعنوان نشانه ای در میان امتهای باقی گذاردیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟!

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۶)

(اکنون بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۱۷)

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟!

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۸)

قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند. پس (ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۱۹)

ما تندباد وحشتناک و سردی را در روزی شوم مستمر بر آنان فرستادیم،

تَنْزِعِ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ (۲۰)

که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن شده از جا برمی کند!

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۲۱)

پس (ببینید) عذاب

و اندازهای من چگونه بود!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲)

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳)

طایفه ثمود (نیز) اندازهای الهی را تکذیب کردند،

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعْرٍ (۲۴)

و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی

و جنون خواهیم بود.

أَلْقَى الذُّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ (۲۵)

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده!؟ نه، او دروغگوی هوسبازی است.»

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُّ (۲۶)

ولی فردا می فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است!

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (۲۷)

(به صالح گفتیم:) ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می فرستیم. در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن!

ص: ۵۲۹

وَبَيَّنُّهُمْ أَنْ الْمَاءَ قِسْمَهُ بَيْنَهُمْ □ كُلِّ شَرِبٍ مُّحْتَضِرٌ (۲۸)

و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه، و یک روز برای آنها) و هر یک برای سهم خود باید حاضر شوند.

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

(ولی سرانجام) یکی از یاران خود را (برای از بین بردن ناقه) صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد.

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ (۳۰)

پس (بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ (۳۱)

ما فقط یک صیحه (آسمانی) بر آنها فرستادیم و به دنبال آن همگی بصورت گیاهان خشک که برای خوراک چهارپایان آماده می کنند درآمدند

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (۳۲)

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟!

كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطٍ بِالْبُنْدَرِ (۳۳)

قوم لوط اندازها (ی پی در پی پیامبران) را تکذیب کردند.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ □ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ (۳۴)

ما بر آنها طوفانی از شن فرستادیم (و همه را هلاک کرد)، جز خاندان لوط که سحر گاهان نجاتشان دادیم.

□
نُعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا □ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ (۳۵)

این نعمتی بود از ناحیه ما. این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می دهیم.

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالْبُنْدَرِ (۳۶)

او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی آنها اصرار بر مجادله و القای شک در برابر اندازهای الهی داشتند.

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن صَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ (۳۷)

آنها از او خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد. ولی ما چشمانشان را نابینا کردیم (و گفتیم: بچشید عذاب و اندازهای مرا!

وَلَقَدْ صَبَحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ (۳۸)

سرانجام صبحگاهان و در اوّل روز عذابی طولانی به سراغشان آمد.

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ (۳۹)

(و گفتیم:) پس بچشید عذاب و اندازهای مرا!

وَلَقَدْ يَسْرَنَّا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۴۰)

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟!؟

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱)

(و همچنین) اندازها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ فرعونیان آمد،

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (۴۲)

اما آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم، گرفتن قدرتمندی توانا!

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَّتِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

آیا کافران شما بهتر از آنانند یا برای شما امان نامه ای در کتب آسمانی نازل شده است؟!؟

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ (۴۴)

یا می گویند: «ماجماعتی متحد و پیروزیم»؟!؟

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (۴۵)

(اما) بزودی جمعشان شکست می خورد و پا به فرار می گذارند!

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرٌ (۴۶)

(علاوه بر این) رستاخیز موعده آنهاست، و مجازات قیامت هولناکتر و تلخ تر است!

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷)

مجرمان در گمراهی و شعله های آتشند،

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

در آن روز که به صورت در آتش دوزخ کشیده می شوند (و به آنها گفته می شود:) بچشید عذاب دوزخ را!

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

به یقین ما هر چیز را به اندازه آفریدیم.

ص: ۵۳۰

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۰)

و فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم بر هم زدن.

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (۵۱)

ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک کردیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟!؟

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ (۵۲)

و هر کاری را انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است،

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ (۵۳)

و هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)

به یقین پرهیزگاران در باغها و نه‌های بهشتی جای دارند،

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)

در جایگاه صدق نزد خداوند حاکم مقتدر.

۵۵ - سوره الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان خداوند رحمان،

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

قرآن را تعلیم فرمود،

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

انسان را آفرید،

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

و به او سخن گفتن آموخت.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

خورشید و ماه با حساب دقیقی در گردشند،

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

و گیاهان و درختان برای خدا سجده می کنند.

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون نهاد،

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸)

تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)،

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)

و وزن را براساس عدل برپا دارید و در سنجش کاستی نکنید.

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)

و زمین را برای مردم آفرید،

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)

که در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است،

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲)

و دانه هایی که همراه با ساقه و برگ است که بصورت گاه (و خوراک حیوانات) در می آید، و گیاهان خوشبو.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳)

پس (ای گروه جن

و انس) کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفرید،

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ (۱۵)

و جنّ را از شعله های آتش خلق کرد.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

ص: ۵۳۱

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

او پروردگارِ دو مشرق و دو مغرب است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند.

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰)

در میان آن دو مانعی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می شود.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

و برای او (و از ناحیه او) است کشتیه‌های کوه پیکر ساخته شده که در دریا به حرکت در می آیند!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می شوند،

وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

و تنها ذات صاحب جلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند، و او هر روز در شأن و کاری است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّةَ الثَّقَلَانِ (۳۱)

ای دو گروه انس و جن! بزودی به (حساب) شما می پردازیم!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَن تَنْفُذُوا مِن أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا ۚ لَآ تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵)

(در قیامت) شعله هایی از آتش، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می شود. و نمی توانید از کسی یاری بطلبید.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷)

در آن هنگام که آسمان شکافته شود

و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

در آن روز هیچ کس از انس و جن از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

ص: ۵۳۲

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱)

مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند. و موهای پیش سر، و پاهایشان را می گیرند (و به دوزخ می افکنند).

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! □

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)

این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می کردند.

يُطَوَّفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتِنِ (۴۴)

اکنون در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند.

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! □

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶)

و برای کسی که از مقام پروردگارش خائف است، دو باغ بهشتی است.

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! □

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (۴۸)

(آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها (و درختان پرتراوت) است.

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! □

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)

در آنها دو چشمه همیشه جاری است.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)

در آن دو، از هر میوه ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر).

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

مُتَّكِنِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۗ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)

این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده اند با آسترهایی از دیبا و ابریشم، و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی نزدیک (و در دسترس) است.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئُنَّ مِنْهُمْ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۵۶)

در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمیورزند. و هیچ انس و جنی پیش از ایشان با آنان تماس نداشته است.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸)

آنها همچون یاقوت و مرجانند.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!؟

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!؟

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)

و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی (دیگر) است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!؟

مُدْهَامَّتَانِ (۶۴)

هر دو خرم

و سرسبزند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!؟

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)

در آنها دو چشمه جوشنده است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!؟

ص: ۵۳۳

فِيهِمَا فَآكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (٦٨)

در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٩)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (٧٠)

و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکوخلق

و زیبايند.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧١)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٧٢)

حوریانی که در خیمه های بهشتی مستورند.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٣)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (٧٤)

هیچ انس و جنی پیش از ایشان با آنها تماس نداشته است

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٥)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

مُتَّكِنِينَ عَلَىٰ رُفْرِفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ (٧٦)

این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی سبز رنگ بسیار ممتاز و زیبا تکیه زده اند.

فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٧)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو.

۵۶ - سوره الواقعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود،

لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲)

هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند.

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ (۳)

(این واقعه) گروهی را پایین می آورد و گروهی را بالا می برد.

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴)

در آن هنگام که زمین بشدت به لرزه درمی آید،

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (۵)

و کوهها درهم کوبیده می شود،

فَكَانَتْ هَبَاءً مُتَّبَثًا (۶)

و بصورت غبار پراکنده درمی آید،

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷)

و شما (در آن زمان) سه گروه خواهید بود.

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸)

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند). چه سعادتمندان و خجستگانی!

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ (۹)

و (گروه دیگر) شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی!

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند،

□
أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱)

آنها مقربانند.

فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۱۲)

در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند).

ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأُولَىٰ (۱۳)

گروه زیادی (از آنها) از امتهای نخستین اند،

وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (۱۴)

و اندکی از امتهای آخرین.

□
عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ (۱۵)

(مقربان) بر تختهایی که در صفوف مختلف در کنار هم چیده شده قرار دارند،

مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (۱۶)

در حالی که بر آنها تکیه زده و رو به روی یکدیگرند.

يُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ وَلِدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷)

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته برگرد آنان می گردند،

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (۱۸)

با قدحها

و کوزه ها و جامهایی لبریز از شراب طهور.

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ (۱۹)

شرابی که نه از آن در دسر می گیرند

و نه مست می شوند.

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (۲۰)

و میوه هایی از هر نوع که انتخاب کنند،

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۱)

و گوشت پرندۀ از هر گونه که مایل باشند.

وَحُورٍ عِينٍ (۲۲)

و همسرانی از حورالعین دارند،

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (۲۳)

همچون مروارید (در صدف) پنهان.

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

اینها پاداشی است مطابق اعمالی که انجام می دادند.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا (۲۵)

در آنجا نه لغو و بیهوده ای می شنوند نه سخنان گناه آلود.

إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶)

تنها سخنی که می شنوند «سلام» است «سلام».

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین

و خجستگانی!

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (۲۸)

آنها در سایه درختان «سدر» بی خار قرار دارند،

وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ (۲۹)

و در سایه درخت (خوش رنگ و پر برگ) «طلح»،

و ظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۳۰)

و سایه ای گسترده،

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱)

و در کنار آبشارها،

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (۳۲)

و میوه های فراوان،

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳)

که هرگز پایان نمی گیرد و ممنوع نمی شود،

وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ (۳۴)

و همسرانی والا مقام.

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً (۳۵)

ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم،

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶)

و همه را دوشیزه قرار دادیم،

عُرُبًا أَثْرَابًا (۳۷)

زنانی که تنها به همسرشان عشق میورزند (و خوش زبان

و فصیح) و همسن و سالند.

لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸)

اینها همه برای اصحاب یمین است،

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى (۳۹)

که گروهی از امتهای نخستینند،

و ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰)

و گروهی از امتهای آخرین.

وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ (۴۱)

واصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده شده)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (۴۲)

آنها در میان بادهای گشنده و آب سوزان قرار دارند،

و ظِلٌّ مِّنْ يَّحْمُومٍ (۴۳)

و در سایه دودهای متراکم و آتش زا!

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (۴۴)

سایه ای که نه خنک است و نه آرام بخش.

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (۴۵)

آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند،

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ (۴۶)

و همواره بر گناهان بزرگ اصرار میورزیدند،

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۴۷)

و می گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»

أَوَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۴۸)

و آیا پدران نخستین ما (برانگیخته می شوند)؟!»

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (۴۹)

بگو: «اولین و آخرین،

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۵۰)

همگی در موعد روزی معین گردآوری می شوند،

ص: ۵۳۵

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَنتُمْ الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (۵۱)

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده!

لَا تَكُلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ (۵۲)

به یقین از درخت (نفرت انگیز) زقوم می خورید،

فَمَا لَتُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳)

و شکمها را از آن پر می کنید،

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴)

و روی آن از آب سوزان می نوشید،

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (۵۵)

و همچون شتران تشنه، از آن می آشامید.

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)

این است وسیله پذیرایی از آنها در روز جزا!

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (۵۷)

ما شما را آفریدیم. پس چرا (آفرینش مجدد را) تصدیق نمی کنید؟!

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (۵۸)

آیا از نطفه ای که (در رحم) می ریزید آگاهید؟!

أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹)

آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می دهید یا ما آفریدگاریم؟!

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰)

ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم. و هرگز کسی بر ما پیشی نمی گیرد.

عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱)

تا شما را به صورت دیگری تبدیل کرده و در جهانی که نمی دانید آفرینشی (تازه) بخشیم!

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

شما عالم نخستین را دانستید. پس چرا متذکر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟!

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (۶۳)

آیا درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟!

أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴)

آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟!

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵)

اگر می خواستیم آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می کردیم تا در تعجب فرو روید!

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ (۶۶)

(بگونه ای که می گفتید:) براستی ما زیان کرده ایم،

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۷)

بلکه ما بکلی محروم شده ایم!

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸)

آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟!

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ (۶۹)

آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم؟!

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

اگر می خواستیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دادیم. پس چرا شکر نمی کنید؟!

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱)

آیا درباره آتشی که می افروزید فکر کرده اید؟!

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (۷۲)

آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟!

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (۷۳)

ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی (و او را پاک و منزّه بشمار).

□ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)!

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَيْتَعْلَمُونَ عَظِيمٍ (۷۶)

و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید!

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷)

که آن، قرآن پر ارزشی است،

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (۷۸)

که در کتاب محفوظی جای دارد،

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹)

و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند (و دست یابند).

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۸۰)

آن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده.

□
أَفِيْهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ (۸۱)

آیا این سخن را [= این قرآن را با اوصافی که گفته شد] سست و کوچک می شمیرید،

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲)

و به جای شکر روزیهایی که به شما داده شده (آن را) تکذیب می کنید؟!!

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ (۸۳)

پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟!!

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ (۸۴)

و شما در این حال نظاره می کنید (و کاری از دستتان ساخته نیست).

□
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (۸۵)

و ما از شما به او نزدیکتریمولی نمی بینید.

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶)

گر (با انتقال به سرای دیگر، هرگز در برابر اعمالتان) جزا داده نمی شوید،

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷)

پس آن (روح) را باز گردانید اگر راست می گوید!

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸)

(ولی) هر گاه او از مقرّبان باشد،

فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ (۸۹)

در رَوْح و ریحان و بهشت پر نعمت است.

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰)

اما اگر از اصحاب یمین باشد،

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱)

(به او گفته می شود:) سلام بر تو از سوی اصحاب یمین (که از یاران تواند).

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲)

اما اگر او از تکذیب کنندگان گمراه باشد،

فَنَزُلُ مِنْ حَمِيمٍ (۹۳)

با آب سوزان دوزخ پذیرایی می شود

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (۹۴)

و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

به یقین حق و یقین این است.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزّه بشمار).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند. و او توانا و حکیم است.

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ يُحْيِي وَيُمِيتُ □ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست. زنده می کند و می میراند. و

او بر هر چیز تواناست.

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ □ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳)

اوست اول و آخر و پیدا و پنهان. و او به هر چیز داناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلْتَمِسُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید. سپس بر عرش قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت). آنچه را در زمین داخل می

شود می داند، و آنچه را از آن خارج می شود و آنچه از آسمان نازل می گردد و آنچه به آسمان بالا می رود. و هر جا باشید او با شماست، و خداوند نسبت به آنچه

انجام می دهید بیناست.

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست. و همه امور به سوی او بازگردانده می شود.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۚ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)

شب رادر روز داخل می کند و روز را در

شب. و او به آنچه در درون سینه ها وجود دارد داناست.

آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قراردادده انفاق کنید. (زیرا)

کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۚ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸)

چرا به خدا ایمان نمی آورید در حالی که پیامبر شما را می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و

از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر اهل ایمان آوردن هستید؟!

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۹)

او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش نازل می کند تا شما را از

تاریکیها به سوی نور خارج کند.

و خداوند نسبت به شما رئوف و مهربان است.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَل □ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مَنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا □ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰)

چرا در راه خدا انفاق نمی کنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود

نمی برد)؟! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند. آنها والا مقام تر از کسانی هستند که بعد از

فتح انفاق نمودند

و جنگ کردند. و خداوند به هر دو وعده نیک داده. و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱)

کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته

انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است!

ص: ۵۳۸

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا □
ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

(این پاداش) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می نگری که نورشان پیش رو

و در سمت راستشان سرعت حرکت می کند (وبه آنهامی گویند): بشارت باد بر شما امروز به باغهای بهشتی که نهرها از پای درختان آن جاری است. جاودانه در آن

خواهید ماند. و این همان رستگاری بزرگ است.

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ
بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳)

همان روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم.» به

آنها گفته می شود: «به پشت سر خود بازگردید و نوری به دست آورید.» در این هنگام دیواری میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و از طرف

برونش عذاب.

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ □ قَالُوا بَلَى □ وَكُنْتُمْ فِتْنَةً أَنْفُسِكُمْ وَتَرَبَّصُوا □ وَارْتَبْتُمْ □ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ □ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ
الْغُرُورُ (۱۴)

آنها بهشتیان را صدا می زنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» می گویند: «آری، ولی شما خود را به گمراهی افکندید و انتظار (نابودی حق را)

کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید،

و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد.

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا □ مَا أَوْكَيْتُمْ النَّارَ □ هِيَ مَوْلَاكُمْ □ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۵)

پس امروز نه از شما فدیة ای پذیرفته می شود، و نه از کافران. و جایگاهتان آتش است و همان

شایسته شماست. و چه بد سرانجامی است!

□ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمِمَّا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ □ وَلَا يُكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ
فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ □ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶)

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های کسانی که ایمان آورده‌اند، در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع گردد و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان (بر اثر فراموشکاری) قساوت یافت. و بسیاری از آنها گنهکارند؟!

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷)

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند. ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید ببینید.

إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۸)

مردان و زنان

انفاق‌کننده، و آنها که

(از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند، (پاداششان) برای آنان مضاعف می‌شود

و پاداش پرارزشی دارند.

ص: ۵۳۹

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ ۖ وَالشَّٰهِدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۹)

کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند، آنها صدیقان و شاهدان نزد پروردگارشانند. برای آنان است پاداش (اعمال)
شانو نور (ایمان) شان. و کسانی که کافر

شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها اهل دوزخ.

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۖ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ
فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ۖ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۖ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ (۲۰)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال

و فرزندان است، همانندبارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی و سرور فرو می برد، سپس خشک می شود به گونه ای
که آن را زرد رنگ می بینی. سپس

تبدیل به کاه می شود. (آری دنیا نیز به همین سرعت می گذرد) و در آخرت، عذاب شدید است یا آمرزش و رضای الهی. و
زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.

سَيَأْتِيهِمْ إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُهُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن
يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

به پیش تازید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است و برای کسانی که به
خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند.

آماده شده است، این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد. و خداوند دارای فضل عظیم است.

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲)

هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود

شما روی نمی دهد مگر این که همه آنها قبل از آن که زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است. و این امر برای خدا آسان
است.

لَّكَيْلًا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳)

این بخاطر آن است که برای

آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید. و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

الَّذِينَ يَخْلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ □ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۴)

همان کسانی

که بخل میورزند و مردم را به بخل دعوت می کنند.

و هر کس (از این فرمان الهی) روی گردان شود، (به خود زیان می رساند، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

ص: ۵۴۰

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ □ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ
وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ □ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (٢٥)

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. و آهن

را آفریدیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا مشخص شود چه کسی خدا و پیامبران را یاری می کند بی آن که او را ببیند. خداوند توانا و

شکست ناپذیر است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ □ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ □ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٢٦)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوت و کتاب قرار دادیم. بعضی از آنها هدایت یافته اند و بسیاری از آنها گنهکارند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَئِيَّةً ابْتَدَعُوهَا
مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا □ فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ □ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٢٧)

سپس در پی آنان پیامبران (دیگر) خود را فرستادیم، و به دنبال آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم

و به او انجیل عطا کردیم، و در دل های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم. و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم.

گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند. از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم. و بسیاری از آنها گنهکارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَعْفِرْ لَكُمْ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
(٢٨)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا بهره ای دو چندان از رحمتش به شما بدهد و برای شما نوری قرار دهد که

با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد. و خداوند آمرزنده و مهربان است.

لَنَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ □ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ □ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٢٩)

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر (به دست آوردن)

چیزی از فضل خدا نیستند،

و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می بخشد. و خداوند دارای فضل عظیم است.

ص: ۵۴۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا □ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ
(۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان خداوند سخن آن زن را که درباره همسرش با تو گفتگو می کرد و به خداوند شکایت می نمود شنید (و تقاضای او را اجابت کرد). خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) می شنید. به یقین خداوند شنوا و بیناست.

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ □ إِنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ □ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا □ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُؤٌ غَفُورٌ (۲)

کسانی که از شما نسبت به زنانشان «ظهار» می کنند (و می گویند: «تو نسبت

به من به منزله مادرم هستی»)، آنان هرگز مادرانشان نیستند. مادرانشان تنها کسانی اند که آنها را به دنیا آورده اند. آنها سخنی ناپسند و باطل می گویند. و به

یقین خداوند بخشنده و آمرزنده است.

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ □ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا □ ذَلِكَمُ تُوَعُّظُونَ بِهِ □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)

و کسانی که نسبت به زنان خود «ظهار» می کنند، سپس از گفته خود باز می گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با

یکدیگر، برده ای را آزاد کنند. این چیزی است که به آن اندرز داده می شوید. و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصَةَ يَأْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ □ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا □ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا □ ذَلِكَ لِيُتَمَنَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ □ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ □ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

و کسی که توانایی (آزاد کردن برده

ای) نداشته باشد، دو ماه پیاپی قبل از آمیزش با یکدیگر، روزه بگیرد. و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند. این برای آن است که به خدا و

پیامبرش ایمان بیاورید. اینها مرزهای الهی است. و برای کافران، عذاب دردناکی است!

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ □ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ □ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵)

کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی می کنند خوار شدند آن گونه که

پیشینان خوار شدند. ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذاب خوارکننده ای است،

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۖ أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

در آن روز که خداوند همه آنها را برمی انگیزد و از اعمالی که انجام

دادند باخبر می سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموشش کردند. و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است.

ص: ۵۴۲

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى لِّثَلَاثِهِ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسِهِ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا □ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ □ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می داند. هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی کنند مگر این که خداوند چهارمین آنهاست، و هیچ

گاه پنج نفر با هم نجوا نمی کنند مگر این که او ششمین آنهاست، و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن هستند مگر این که او همراه آنهاست هر جا که باشند،

سپس روز قیامت آنها را از اعمالشان باخبر می سازد، چرا که خداوند به هر چیزی داناست.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى □ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ □ حَسْبُ لَهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا □ فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۸)

آیا ندیدی کسانی را که از نجوا [= سخنان در گوشی] نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند باز می گردند و برای انجام گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر به نجوا می پردازند

و هنگامی که نزد تو می آیند تو را تحیتی می گویند که خدا به تو نگفته است

(تحیتی توهین آمیز)، و در دل خود می گویند: «چرا خداوند ما را بخاطر گفته هایمان عذاب نمی کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، وارد آن می شوند، و چه بد

فرجامی است!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلِمَا تَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبُرِّ وَالْتَّقْوَى □ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می کنید، به گناه و تعدی

و نافرمانی پیامبر نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از (مخالفت فرمان) خدایی که همگی نزد او جمع می شوید پرهیزید.

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ □ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

نجوا تنها از سوی شیطان

است. تا مؤمنان را غمگین سازد. ولی نمی تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز به فرمان خدا. پس مؤمنان تنها بر خدا

توکل کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۖ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

ای کسانی که ایمان

آورده اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (وبه تازه واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می

بخشد. و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید. اگر چنین کنید، خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند

و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد. و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

ص: ۵۴۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صِدَقَهُ □ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ □ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (١٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با پیامبر نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید. این برای شما بهتر

و پاکیزه تر است. و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ □ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ □ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٣)

آیا ترسیدید (فقیر شوید) که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون

که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا

و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

□ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِمَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (١٤)

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند

ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان. سوگند دروغ یاد می کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می دانند (دروغ می گویند).

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا □ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٥)

خداوند عذاب

شدیدی برای آنان فراهم ساخته، چرا که اعمال بدی انجام می دادند.

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (١٦)

آنها سوگندهای خود را سپری قرار دادند و (به این وسیله) مردم را از راه خدا باز داشتند.

از این رو برای آنان عذاب خوارکننده ای است.

□ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا □ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ □ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (١٧)

هرگز اموال و فرزندانشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی کند. آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می مانند.

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸)

(به)

خاطر بیاورید) روزی را که خداوند همه آنها را برمی انگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می کنند همان گونه که (امروز) برای شما سوگند یاد می کنند. و

گمان می کنند جایگاهی دارند. بدانید آنها دروغگویانند.

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده. آنان حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان

زیانکارانند.

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰)

کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی می کنند، آنها در زمره ذلیل ترین افرادند.

كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَ أَنَا وَرُسُلِي ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱)

خداوند چنین مقرر داشته که من و پیامبرانم پیروز می شویم. چرا

که خداوند توانا و شکست ناپذیر است.

ص: ۵۴۴

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ □
 أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ □ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا □ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 وَرَضُوا عَنْهُ □ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ □ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٢٢)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا

و پیامبرش دوستی کنند، هر چند پدران یا پسران یا برادران یا خویشاوندانشان باشند. آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر
 صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از

ناحیه خودش آنها را تأیید فرموده، و آنها را در باغهایی بهشتی وارد می کند که نهرها از پای درختانش جاری است، جاودانه
 در آن می مانند. خدا از آنها خوشود

است، و آنان نیز از او خوشنودند. آنها «حزب الله» اند. بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارانند.

۵۹ - سوره الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گویند. و او توانا و حکیم است.

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ □ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا □ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ
 اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا □ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ □ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي
 الْأَبْصَارِ (٢)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با

مسلمانان) از خانه هایشان بیرون راند. گمان نمی کردید آنان بیرون روند، و خودشان نیز گمان می کردند که دژهای
 محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می شود.

اما خداوند از آن جا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند، به گونه ای که خانه های
 خود را با دست خویش و با دست مؤمنان

ویران می کردند. پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت!

وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا □ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (٣)

و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می کرد. و برای

آنان در آخرت نیز عذاب آتش است.

ص: ۵۴۵

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ □ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴)

این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش به مخالفت برخاستند. و هر کس با خدا مخالفت کند (باید بداند که) خدا دارای مجازات شدیدی است!

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينِهِ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ (۵)

هر درخت نخل

با ارزشی را قطع کردید یا آن را به حال خود وا گذاشتید، همه به اذن خدا بود. و برای این بود که فاسقان را رسوا کند.

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ □ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

و آنچه را خدا از آنان [= یهود] به پیامبرش

باز گردانده (و بخشیده) چیزی است که شما (برای به دست آوردن آن زحمتی نکشیدید)، نه اسبی بر آن تاختید و نه شتری. ولی خداوند پیامبران خود را بر هر کس

بخواهد مسلط می سازد. و خدا بر هر چیز تواناست.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كُنِيَ لَأ يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ □ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا □ وَاتَّقُوا اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به پیامبرش باز گرداند، از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان او، و یتیمان و

مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. آنچه را پیامبر برای شما آورده بگیرید (و اطاعت کنید)، و از

آنچه شما را نهی کرده خودداری نمایید. و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

□
لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ □ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

(این اموال) برای مهاجران نیازمندی است که از خانه و

کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند. و آنها راستگویانند.

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ
وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

و برای (نیازمندان از) کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به

مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند.

ص: ۵۴۶

وَالَّذِينَ حَيَّوْا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَمَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

(همچنین) کسانی که بعد از آنها [= بعد از مهاجران و انصار] آمدند و می گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان

حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، تو رؤوف و مهربانی.»

□ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند: «اگر شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز از هیچ کس

درباره شما اطاعت نخواهیم کرد. و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود»؟! خداوند شهادت می دهد که آنها دروغ می گویند.

لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۲)

اگر آنها را بیرون کنند با آنان

بیرون نمی روند،

و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت (به میدان) کرده فرار می کنند. سپس کسی آنان را یاری نمی کند.

□ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ □ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۳)

وحشت از شما در

دلهای آنها بیش از ترس از خداست. این بخاطر آن است که آنها گروهی نادانند.

□ لَا يَأْتَلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ □ بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ □ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى □ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۱۴)

آنها همگی جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها با شما نمی جنگند. پیکارشان

در میان خودشان شدید است، (اما در برابر شما ضعیف!) گمان می کنی آنها متحدند، در حالی که دلهایشان پراکنده است.

این بخاطر آن است که آنها گروهی

هستند که تعقل نمی کنند.

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ۖ ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)

(مثل این گروه از یهود) مثل کسانی است که کمی پیش از آنان بودند، کیفر کار خود را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است!

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

آنها مثل شیطانند که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)». اما هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار

جهانیان است بیم دارم.»

ص: ۵۴۷

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا □ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷)

سرانجام کار آن دو این شد که در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می مانند. و این است کیفر ستمکاران!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی

پیشه کنید. و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده. و تقوای الهی داشته باشید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ □ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹)

و همچون

کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد. آنها گناهکارانند.

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ □ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند. بهشتیان

رستگار

و پیروزند.

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ □ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدا می شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم

می زنیم، شاید (در آن) بیندیشند.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ □ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ □ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲)

او خداوند یگانه ای است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و اوست بخشنده و مهربان.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ □ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)

او خداوند

یگانه ای است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امتیّت بخش است، مراقب همه چیز است،

شکست ناپذیری که (با اراده نافذ خود) هر امری را اصلاح می کند، و دارای کبریا و عظمت است. خداوند منزّه است از آنچه همتای او قرار می دهند!

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ □ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى □ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

او

خداوندی است هستی بخش، آفریننده ای ابداع گر، و صورتگر (بی نظیر). از آن اوست بهترین نامها. آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند. و او توانا و

حکیم است.

ص: ۵۴۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ □ أَنْ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَإِيْتَاءَ مَرْضَاتِي □ تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ □ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما

آمده کافر شده اند و پیامبر خدا و شما را بخاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند. و اگر شما برای جهاد در راه من و

جلب خشنودیم هجرت کرده اید. (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید.) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار

می سازید (از همه) دانانترم. و هر کس از شما چنین کند، از راه راست گمراه شده است.

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالشُّوْءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲)

اگر آنها بر شما دست یابند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود

را به بدی نسبت به شما می گشایند، و دوست دارند کافر شوید.

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ □ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳)

هرگز خویشاوندان و فرزندانان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت. خداوند میان شما

جدایی می افکند. و او به آنچه انجام می دهید بیناست.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ □ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

برای شما سرمشق نیکویی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم. ما نسبت به شما کافریم. و میان ما و شما دشمنی و کینه آشکار شده است. تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید. جز

آن سخن ابراهیم که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش آزر بود] گفت

(و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم). پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی

تو بازگشتیم، و بازگشت همه بسوی توست.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵)

پروردگارا! ما را وسیله آزمایش کافران قرار مده، و ما را ببخش، ای پروردگار ما که تو توانا و حکیمی.»

ص: ۵۴۹

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ □ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٦)

(آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند. و هر کس سرپیچی کند (به خویشتن ضرر

زده است، زیرا) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

□ عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً □ وَاللَّهُ قَدِيرٌ □ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٧)

امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبت برقرار کند. خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است.

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (٨)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند. چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ □ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٩)

خداوند شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در

امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند و (کسانی که) به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ستمکار است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَاثْتَحِنُوهُنَّ □ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ □ فَإِن عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ □ لَمَّا هُنَّ حَلَّل لَّهُنَّ وَلَا هُنَّ يَحِلُّونَ لَهُنَّ □ وَأَتُوهُنَّ مَّا أَنفَقُوا □ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُم أَن تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ □ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا □ ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ □ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١٠)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان با ایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را بیازمایید _ خداوند به ایمانشان آگاهتر است _ اگر آنان را مؤمن

یافتید، آنها را به سوی کفار بازنگردانید.

نه آنها برای کفار حلالند و نه کفار برای آنها حلال. و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته اند به آنان بپردازید. و گناهی بر شما نیست که با آنها

ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید. و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید

مهری را که پرداخته اید مطالبه کنید آنگونه که آنها نیز حق دارند مهر (زنانشان را که از آنان جدا شده اند) از شما مطالبه کنند. این حکم خداوند است که در میان

شما حکم می کند،

و خداوند دانا و حکیم است.

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعِيَاقَبْتُمْ فَاَتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا □ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ
(۱۱)

و اگر بعضی از همسران شما به سوی کفار بروند و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که

همسرانشان رفته اند، همانند مهری را که پرداخته اند بدهید. و از (مخالفت) خداوندی که شما به او ایمان دارید بپرهیزید.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَيَّ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ □ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را همتای خدا قرار ندهند، و دزدی و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و تهمت و افترایی را

که ساخته اند به کسی نسبت ندهند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند

آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید. آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار

از کسانی که در قبرها مدفونند مأیوس می باشند.

۶۱ - سوره الصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه تسبیح خدا می گویند. و او توانا و حکیم است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوید که عمل

نمی کنید؟!

كَبِيرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳)

نزد خدا بسیار خشم آور است که سخنی بگویند که عمل نمی کنید!

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَيِّنَاتٌ مَرُصُوصٌ (۴)

خداوند کسانی را دوست می دارد که در یک صف در راه او پیکار می کنند

گویی بنایی آهنین اند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعَلَّمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ۖ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفَاسِقِينَ (۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید با این که می دانید من فرستاده خدا
به سوی

شما هستم؟!» هنگامی که آنها (از حق) منحرف شدند، خداوند (به کیفر این عمل) قلوبشان را منحرف ساخت. و خدا گروه
فاسقان را هدایت نمی کند.

ص: ۵۵۱

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ □ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (٦)

و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده توراتی می باشم که

قبل از من فرستاده شده، و بشارت دهنده به پیامبری که بعد از من می آید و نام او احمد است.» هنگامی که او [= احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان

آمد، گفتند: «این سحری آشکار است.»

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٧)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (٨)

آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند. ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (٩)

او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان ناخشنود باشند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (١٠)

ای کسانی که ایمان آورده

اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! □

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ □ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (١١)

به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال

و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید. این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید.

يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۚ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

(اگر چنین کنید) گناهانتان را می بخشد و شما را در باغهایی بهشتی داخل

می کند که نهرها از پای درختانش جاری است و در (قصرها و) مسکنهای پاکیزه در باغهای جاویدان بهشتی جای می دهد. و این پیروزی عظیم است.

وَأُخْرَى ۚ تُحِبُّونَهَا ۚ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۚ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳)

) و

موهبت) دیگری که آن را دوست دارید (به شما می بخشد)، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است. و مؤمنان را (به این پیروزی بزرگ) بشارت ده!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لَلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۚ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ۚ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ ۚ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيَّ ۚ وَعَدَّوْهُمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)

ای کسانی

که ایمان آورده اید! یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟!» حواریون

گفتند: «ما یاوران خداییم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید

کردیم و سرانجام (بر آنان) پیروز شدند.

ص: ۵۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا، و توانا و حکیم است.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)

او کسی

است که در میان جمعیت درس نخوانده پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد، هر چند

پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ □ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

و (همچنین) پیامبر است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده اند. و او توانا و حکیم است.

□ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ □ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴)

این فضل خداست که

به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد. و خداوند دارای فضل عظیم است.

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا □ بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ □ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)

داستان کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند

داستان درازگوشی است که کتابهایی حمل می کند، (اما چیزی از آن نمی فهمد). چه بد است مثل گروهی که آیات خدا را انکار کردند، و خداوند قوم ستمگر را

هدایت نمی کند.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)

بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می کنید که (فقط) شما دوستان خدایید نه سایر مردم، پس اگر راست می گوید آرزوی مرگ کنید (تا به لقای

محبوبتان برسید)!»

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۷)

ولی آنان بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ نمی کنند. و خداوند ستمگران را بخوبی می شناسد.

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بگو: «مرگی که از

آن فرار می کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد. سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است باز گردانده می شوید. آنگاه شما را از آنچه انجام می

دادید خبر می دهد.»

ص: ۵۵۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٩)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا (و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر

است اگر می دانستید!

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (١٠)

و هنگامی که نماز پایان گرفت (می توانید) در زمین پراکنده شوید

(و به سراغ کسب و کار رفته) و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا ۚ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۚ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (١١)

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده

می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند. بگو: «آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان

است.»

٦٣ - سورة المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: «ما شهادت می دهیم که به یقین تو پیامبر خدا هستی!» خداوند می داند که تو پیامبر او هستی، ولی خداوند شهادت

می دهد که منافقان دروغگو هستند (زیرا به گفته خود ایمان ندارند).

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢)

آنها سوگندهایشان را پوششی قرار دادند تا (مردم را) از راه خدا باز دارند، و چه بد است

آنچه انجام می دادند.

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٣)

این بخاطر آن است که (نخست) ایمان آوردند سپس کافر شدند. از این رو بر دلهای آنان مُهر نهاده شده، و (حقیقت را) درک نمی کنند.

وَإِذَا رَأَوْهُمْ تَعْجَبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمِعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مِّنْ دَرَّةٍ يَّحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُمْ يُلْفَكُونَ (۴)

هنگامی که آنها را می بینی، ظاهر (آراسته) آنان تو را در شگفتی فرو می برد. و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می دهی. اما گویی چوبهای خشکی

هستند که به دیوار تکیه داده شده است! هر فریادی (از هر جا) بلند شود بر ضد خود می پندارند. آنها دشمنان واقعی (تو) هستند، از آنان بر حذر باش! خدا آنها را

بکشد، چگونه (از حق) منحرف می شوند!؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵)

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا برای شما طلب آمرزش کند»، سرهای خود را (از روی استهزاء و غرور) تکان می دهند. و آنها را می بینی که از

سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند.

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)

برای آنها آمرزش بخواهی یا نخواهی بر ایشان تفاوت نمی کند، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد. زیرا خداوند گروه فاسقان

(لجوج

و منافق) را هدایت نمی کند.

هُم الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ □ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا □ وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ □ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷)

آنها کسانی هستند که می گویند: «به افرادی که نزد پیامبر خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند». (غافل از این که) خزاین

آسمانها

و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی فهمند.

يَقُولُونَ لَنْ نَرْجِعَنَّ إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ □ وَاللَّهُ الْعَزِيزُ الرَّسُولُ □ وَاللُّمُومِينَ □ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

آنها می گویند: «اگر به مدینه باز گردیم، عزیزان، ذلیلان را بیرون می کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و

پیامبر او و مؤمنان است. ولی منافقان نمی دانند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ □ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال

و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند.

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَمَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ آخِلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ

(۱۰)

و از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما فرا

و بگوید: «پروردگارا! چرا مرگ مرا مدّت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه تو) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!»

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا □ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجل او

فرا رسد به تأخیر نمی اندازد، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

ص: ۵۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ □ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ □ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می گویند. مالکیت و حاکمیت و ستایش مخصوص اوست. و او بر همه چیز تواناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

او کسی است که

شما را آفرید (و به شما آزادی و اختیار داد). گروهی از شما کافرید و گروهی مؤمن. و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ □ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

آسمانها و زمین را بحق آفرید. و

شما را (در عالم جنین) تصویر کرد، و صورتی نیکو بخشید. و بازگشت (همه) به سوی اوست.

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ □ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴)

آنچه را در آسمانها و زمین است می داند، و از آنچه پنهان یا آشکار می کنید باخبر است. و خداوند از آنچه در درون سینه هاست آگاه است.

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵)

آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند به شما نرسیده است؟! (آری) آنها کیفر کار خود را چشیدند. و عذاب دردناکی برای آنهاست!

□ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا □ وَاسْتَغْنَى اللَّهُ □ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۶)

این بخاطر آن است که پیامبران آنها (پیوسته) با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها (از روی کبر و

غرور) گفتند: «آیا انسان هایی (مثل ما) می خواهند ما را هدایت کنند؟!» از این رو کافر شدند و روی برگرداندند. و خداوند

(از ایمان و طاعتشان) بی نیاز بود، و خدا غنی و شایسته ستایش است.

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا □ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ □ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷)

کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نمی شوند، بگو: «آری به پروردگرم سوگند که همه

شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، پس به آنچه عمل می کردید خبر داده می شوید،

و این برای خدا آسان است.»

فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا □ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

حال که چنین است، به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید. و (بدانید) خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

□
يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ □ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ □ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [= روز رستاخیز] گردآوری می کند. آن روز، روز احساس خسارت و پشیمانی است! و هر کس به خدا

ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می بخشد و او را در باغهایی بهشتی که نهرها از پای درختانش جاری است وارد می کند، جاودانه در آن می ماند.

و این پیروزی بزرگ است.

ص: ۵۵۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۰)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخند، جاودانه در آن می مانند، و چه بد سرانجامی است!

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱)

هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن

خدا!

و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند. و خدا به هر چیز داناست.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۲)

اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را. و اگر روی گردان شوید،

پیامبر ما جز ابلاغ آشکار وظیفه ای ندارد.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۳)

خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست، و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِن تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)

ای کسانی که ایمان

آورده اید! بعضی از همسران و فرزندانان دشمن شما هستند، از آنها بر حذر باشید. و اگر عفو کنید و چشم پوشید و ببخشید،

(خدا شما را می بخشد). چرا که

خداوند آمرزنده

و مهربان است.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵)

اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش شما هستند. و خداست که پاداش عظیم نزد اوست.

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ ۚ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و

گوش فرا دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است. و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند.

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (۱۷)

اگر به خدا قرض الحسنه دهید (و در راه او انفاق کنید)، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد. و خداوند قدردان و دارای حلم است.

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

او دانای پنهان و آشکار و توانا و حکیم است.

ص: ۵۵۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ □ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ □ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ □ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ □ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ □ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهُ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، [= در زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با آنها نزدیکی نکرده باشید]، آنها را طلاق گوئید و حساب

عدّه را نگه دارید. و از (مخالفت فرمان) خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید. نه شما آنها را از خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر

آن که کار زشت آشکاری انجام دهند. این حدود (و مرزهای) خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشان ستم کرده. تو نمی دانی شاید خداوند بعد از

این، وضع تازه ای (برای اصلاح) فراهم کند.

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ □ ذَلِكَمُ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ □ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

و چون عدّه آنها به پایان نزدیک شود، یا آنها را بطرز شایسته ای نگه دارید یا بطرز شایسته ای از آنان جدا شوید. و دو

مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید. و شهادت را برای خدا برپا دارید. این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می شوند. و هر کس تقوای

الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند،

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ □ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ □ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ □ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، خدا امر او را کفایت می

کند. خداوند فرمان خود را به انجام می رساند.

به یقین خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است.

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ □ وَأُولَئِكَ الْأَخْيَالُ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ □ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

و آن گروه از زنان شما که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عدّه آنان

سه ماه است، و همچنین آنها که هیچگاه حیض ندیده اند. و عدّه زنان باردار این است که وضع حمل کنند. و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کارش را بر او

آسان می سازد.

□
ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ □ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵)

این فرمان خداست که بر شما نازل کرده. و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد.

ص: ۵۵۸

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيَتَضَيَّقُوا عَلَيْهِنَّ ۖ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلْنَ عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۖ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۖ وَأُتِمُّوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَاسْتَزِضِعْ لَهُ أُخْرَىٰ (٦)

آنها [= زنان مطلقه] را هر جا که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید. و به آنها زیان نرسانید تا آنها را در تنگنا قرار دهید (و مجبور به ترک منزل

شوند). و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند. و اگر برای شما (فرزند را) شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید. و (درباره شیر دادن فرزند) به طور

شایسته با یکدیگر مشاوره کنید. و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری او را شیر خواهد داد.

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۖ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۖ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (٧)

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید (برای زنان شیرده) از امکانات وسیع

خود انفاق کنند و آنها که تنگدست اند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند. خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند. خداوند

بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد.

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا (٨)

چه بسیار شهرها و آبادیها که (اهل آن) از فرمان خدا

و پیامبران سرپیچی کردند و ما بشدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات بی سابقه ای گرفتار ساختیم!

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (٩)

آنها کیفر کار خود را چشیدند. و عاقبت کارشان

خسران بود.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا ۖ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (١٠)

خداوند عذاب سختی برای آنها فراهم ساخته. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! به یقین خداوند چیزی که

مايه تذکر است بر شما نازل کرده.

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ □ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

پیامبری (به سوی شما فرستاده) که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای

شایسته انجام داده اند، از تاریکیها به سوی نور خارج سازد. و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی بهشتی وارد می کند که از پای

درختانش نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از

زمین نیز همانند آنها را. فرمان (و تدبیر) او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و این که علم خدا به همه چیز احاطه دارد.

ص: ۵۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ۖ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ ۖ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا برای تو حلال کرده بخاطر جلب رضایت همسرانت (بر خود) حرام می کنی؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ ۖ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)

خداوند راه گشودن

سوگندهایتان را (در این گونه موارد) تعیین نموده. و خداوند مولای شماست و او دانا

و حکیم است.

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ ۖ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا ۖ قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را (نزد یکی دیگر از همسران

پیامبر) افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، (پیامبر) قسمتی از آن را بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود (تا او شرمنده نشود). ولی هنگامی که

پیامبر همسرش را از آن خبر داد، او گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟!» فرمود: «خداوند دانا و آگاه مرا با خبر ساخت!»

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا ۖ وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ۖ (۴)

اگر شما (دو همسر پیامبر) از

کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان (از حق) منحرف گشته. و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور

اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

(ای همسران پیامبر) اگر او شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای

شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کننده، عبادت کار، هجرت کننده، زنانی غیرباکره و باکره.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)

ای کسانی که ایمان

آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید. آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز

فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (بطور کامل) اجرا می نمایند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ۚ إِنَّمَا تُجْرُونَ ۚ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)

ای کسانی که کافر شده اید! امروز [= روز رستاخیز] عذرخواهی

نکنید، چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید

ص: ۵۶۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۖ نُورُهُمْ يَسِيرٌ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفُزْ لَنَا ۖ إِنَّكَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به سوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص. امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی بهشتی که نهرها

از پای درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی کند. این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و

از سوی راستشان در حرکت است، و می گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی.»

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۖ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

ای پیامبر! با کافران و منافقان پیکار کن و بر

آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است!

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَاَمْرَأَتَ لُوطٍ ۖ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (۱۰)

خداوند برای کسانی که کافر شده اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت

سرپرستی دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان نداشت، و به آنها گفته شد: «همراه کسانی

که وارد آتش می شوند، وارد شوید!»

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! نزد خود برای من خانه ای در

بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَانِنِينَ (۱۲)

و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از

روح خود در آن دمیدیم. او کلمات پروردگار خویش و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان (فرمان خدا) بود.

ص: ۵۶۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان پر برکت و زوال ناپذیر است کسی که حاکمیت و مالکیت (جهان هستی) به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (۲)

آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را

بيازمايد که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او توانا و آمرزنده است.

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۚ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ ۚ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ (۳)

همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ

تضاد

و عیبی نمی بینی. بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟!

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)

سپس بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی

خلل و نقصان) ناکام مانده و خسته و ناتوان به سوی تو باز می گردد.

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

ما آسمان پایین

[= نزدیک] را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [= شهابها] را تیرهایی برای (راندن) شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۶)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است، و چه بد فرجامی است!

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ (۷)

هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می

شنوند، در حالی که پیوسته فوران می کند!

تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْغَيْظِ ۚ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

نزدیک است (دوزخ) از شدت غضب پاره پاره شود. هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها

می پرسند: «مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!»

قَالُوا بَلَىٰ ۖ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

می گویند: «چرا، بیم دهنده ای به سراغ ما آمد، ولی ما (او را) تکذیب کردیم و گفتیم: «خداوند هرگز

چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید.»

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)

و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.»

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

این جاست که

به گناه خود اعتراف می کنند. دور باشند دوزخیان (از رحمت خدا)!

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲)

به یقین کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، آمرزش و پاداش بزرگی دارند.

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳)

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی کند)، زیرا او به آنچه در درون سینه هاست آگاه است.

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۴)

آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه

نیست؟! در حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (۱۵)

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر پشت آن راه بروید و از روزی خداوند بخورید. و (

بازگشت و) اجتماع همه تنها به سوی اوست.

أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶)

آیا از این ایمن هستید که خداوند حاکم بر آسمان شما را در زمین فرو برد و همچنان به لرزش خود ادامه دهد؟!

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (۱۷)

یا ایمن هستید از اینکه خداوند حاکم بر آسمان طوفانی از شن بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است!

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)

و کسانی که پیش از

آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، اما (بین) مجازات من چگونه بود!

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَائِتٍ وَيَقْبِضْنَ ۗ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹)

آیا به پرندگانی که بالای سرشان است، و بالهای خود را گسترده و جمع می کنند، نگاه

نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بیناست.

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ۗ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰)

آیا این کسی که لشکر شماست می تواند شما را در برابر

خداوند یاری دهد؟! ولی کافران تنها گرفتار فریبند.

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَزُوقُكُمْ إِنَّ أَمْسَكَ رِزْقَهُ □ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۲۱)

یا اگر (خدا) روزیش را بازدارد کیست آن کس که شما را روزی دهد؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت

لجاجت میورزند.

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)

آیا کسی که به رو افتاده راه می رود به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟!

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ □ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۲۳)

بگو: «او

کسی است که شما را آفرید

و برای شما گوش و چشم و عقل قرارداد. اما کمتر سپاسگزاری می کنید.»

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

بگو:

«او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید.»

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

آنها می گویند: «اگر راست می گوئید این وعده (قیامت) چه زمانی

است؟!»

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲۶)

بگو: «علم آن، تنها نزد خداست. و من فقط بیم دهنده آشکاری هستم.»

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ (۲۷)

هنگامی که آن (وعدۀ الهی) را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و (به آنها) گفته می شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را

داشتید!»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِی اللَّهُ وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ یُجِیرُ الْکَافِرِینَ مِنْ عَذَابِ أَلِیمٍ (۲۸)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه

می دهد؟!»

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلِیْهِ تَوَكَّلْنَا □ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (۲۹)

بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و تنها بر او توکل کرده ایم. و بزودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتِیْكُمْ بِمَاءٍ مَّعِینٍ (۳۰)

بگو: «به

من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می دهد؟!»

۶۸ - سوره القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ن □ وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند،

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

که به لطف و نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی،

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَیْرَ مَمْنُونٍ (۳)

و برای تو پاداشی بزرگ و همیشگی است.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)

و تو اخلاق عظیم

و برجسته ای داری.

فَسْتَبْصِرْ وَيُبَصِّرُونَ (۵)

و بزودی تو می بینی و آنان نیز می بینند،

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ (۶)

که کدام یک از شما مجنونید!

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)

به یقین پروردگارت بهتر از هر کس می داند چه کسی از راه او

گمراه شده، و نیز از هدایت یافتگان بهتر آگاه است.

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

حال که چنین است از تکذیب کنندگان اطاعت مکن.

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹)

آنها دوست دارند (در مورد انحراف از حق) نرمش نشان

دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند.

وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰)

و از کسی که سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن.

هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنِيٍّ (۱۱)

کسی که بسیار عیبجو و سخن چین است،

مَنْعًا لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است.

عُتِلُّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ (۱۳)

علاوه بر این کینه توز و بدنام است.

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴)

مبادا بخاطر مال و فرزندان فراوانش (از او پیروی کنی)!

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

(در حالی که)

هرگاه که آیات ما بر او خوانده شود می گوید: «اینها افسانه های پیشینیان است.»

ص: ۵۶۴

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶)

ولی ما بزودی بر بینی او داغ (ننگ) می نهیم.

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷)

ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند خوردند که میوه های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند.

وَلَا يَسْتَنْوْنَ (۱۸)

و هیچ (کس را) از آن استثنا نکنند.

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

اما عذابی فراگیر از سوی پروردگارت (شب هنگام) بر باغ آنها فرود آمد در حالی که آنان در خواب بودند،

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

و آن باغ (سرسبز) همچون شب سیاه و ظلمانی شد.

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱)

صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند،

أَنِ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲)

که اکنون به سوی کشتزار و باغ

خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه ها را دارید.

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳)

آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می گفتند:

أَنْ لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مُسْكِينٌ (۲۴)

«مواظب باشید امروز حتی یک فقیر در آن باغ بر

شما وارد نشود.»

وَعَدُوا عَلِيَّ حَزْدٍ قَادِرِينَ (۲۵)

(آری) آنها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند.

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (۲۶)

هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن را دیدند گفتند: «حقاً ما

گمراهیم.

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷)

بلکه ما محرومیم (و همه چیز از دست ما رفته).

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (۲۸)

آنکه از همه آنها عاقلتر بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گویند؟!»

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)

گفتند:

«منزه است پروردگار ما، به یقین ما ستمکار بودیم.»

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلِيَّ بَعْضٌ يَتَلَاوَمُونَ (۳۰)

سپس رو به یکدیگر کرده به سرزنش هم پرداختند،

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱)

(و فریادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که طغیانگر

بودیم!

عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲)

امیدواریم پروردگارمان (مارا ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به سوی پروردگارمان روی آوردیم.»

□
كَذَلِكَ الْعَذَابُ □ وَالْعَذَابُ الْآخِرَ أَكْبَرُ □ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)

این گونه است عذاب (خداوند در

دنیا)، و عذاب آخرت از آن بزرگتر است اگر می دانستند.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۳۴)

به یقین برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغهای پر نعمت بهشتی است.

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (۳۵)

آیا مؤمنان را همچون

مجرمان قرار دهیم؟!

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶)

شما را چه می شود؟! چگونه داوری می کنید؟!

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷)

آیا کتابی دارید که از آن درس می گیرید،

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸)

که در آن آمده است هر چه را بخواهید

می توانید انتخاب کنید؟!

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَهَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ □ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (۳۹)

یا این که عهد مستمری تا روز قیامت بر ما دارید که هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟!

□
سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)

از آنها پرس کدامشان چنین چیزی را

تضمین می کند؟!؟

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۴۱)

یا این که معبودانی دارند که آنها را همتای خدا قرار داده اند (و برای آنان شفاعت می کنند)؟! اگر راست می گویند همتایان خود را بیاورند!

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

(به خاطر بیاورید) روزی را که هول و وحشت به نهایت می رسد و دعوت به سجود می شوند، اما نمی توانند (سجده کنند).

ص: ۵۶۵

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (۴۳)

این در حالی است که چشمهایشان (از شدت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلت خواری وجودشان را فرا می گیرد. آنها پیش از این دعوت به سجود می شدند در

حالی که سالم بودند. (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ ۖ بِهَذَا الْحَدِيثِ ۖ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)

اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار! ما آنان را از آن جا که نمی دانند بتدریج به سوی عذاب پیش می بریم.

وَأُمْلِي لَهُمْ ۖ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۴۵)

و به آنها مهلت می دهم. چرا که نقشه و تدبیر من محکم و متین است.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۴۶)

آیا تو از آنها مزدی می طلبی که پرداختش برای آنها

سنگین است!؟

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ (۴۷)

یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می نویسند (و به یکدیگر می دهند)؟!

فَاضْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

پس در ابلاغ حکم پروردگارت شکبیا باش، و مانند صاحب ماهی [= یونس] مباحث (که در ابلاغ حکم خدا شتاب کرد و گرفتار کیفر ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند.

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبِتَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)

و اگر رحمت پروردگارش به یاریش نیامده

بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می شد در حالی که نکوهیده بود.

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)

ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد.

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذُّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

نزدیک است کافران هنگامی که

آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم خود تو را نابود سازند، و می گویند: «او به یقین دیوانه است.»

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

در حالی که این (قرآن) جز تذکر (و مایه بیداری) برای

جهانیان نیست.

۶۹ - سوره الحاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَّةُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان (روز رستاخیز) روزی است که به یقین واقع می شود.

مَا الْحَاقَّةُ (۲)

چه روز واقع شدنی!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

و تو چه می دانی آن روز واقع شدنی چیست؟!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۴)

قوم «ثمود» و «عاد» عذاب

کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند).

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵)

اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند.

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶)

و قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به

هلاکت رسیدند،

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَازِيهَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى ۚ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

(خداوند) این تند باد (بنیان کن) را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، و (اگر آن جا بودی) می دیدی که آن قوم مانند

تنه های پوسیده نخل در میان این تندباد روی زمین افتاده اند.

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ (۸)

آیا کسی از آنها را باقی می بینی؟!

ص: ۵۶۶

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و اهل شهرهای زیر و رو شده [= قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند،

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَهُ رَبِّيَّهٗ (۱۰)

از این رو با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند.

و خداوند آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت.

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱)

و هنگامی که آب طغیان کرد، شما را سوار بر کشتی کردیم،

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (۱۲)

تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم

و گوشهای شنوا آن را دریابد (و درک کند).

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفَخَهُ وَاحِدَةً (۱۳)

به محض این که نخستین بار در «صور» دمیده شود،

وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴)

و زمین و کوهها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده

و متلاشی گردند،

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵)

در آن روز واقعه (عظیم قیامت) روی می دهد،

وَأَنشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

و آسمان از هم می شکافد و آنگاه سست می گردد (و فرو می ریزد).

وَالْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا ۖ وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (۱۷)

فرشتگان در

اطراف آسمان قرار می گیرند (و برای انجام مأموریتها آماده می شوند) و آن روز عرش (قدرت) پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می کنند.

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ (۱۸)

در آن

روز همگی

(به پیشگاه خدا) عرضه می شوید و چیزی از کارهای مخفی شما پنهان نمی ماند.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَهٗ (۱۹)

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدت شادی)

فریاد می زند که: (ای اهل محشر!) «نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید!

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ (۲۰)

من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) به حساب اعمالم می رسم.»

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَهٗ (۲۱)

او در یک

زندگی کاملاً رضایتبخش قرار خواهد داشت،

فِي جَنَّهٖ عَالِيَهٗ (۲۲)

در بهشتی عالی،

قُطُوفُهَا دَانِيَهٗ (۲۳)

که میوه هایش در دسترس است.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَهٗ (۲۴)

(و به آنان گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا

باد بر شما، اینها در برابر اعمالی است که در ایام گذشته انجام دادید!

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ (۲۵)

اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: «ای کاش هرگز نامه

اعمالم رابه من نمی دادند.

وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيهِ (۲۶)

و نمی دانستم حساب من چیست!

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (۲۷)

ای کاش مرگم فرا می رسید!

مَا أَعْنِي عَنِّي مَالِيهِ □ (۲۸)

مال و ثروتم هرگز مرا بی نیاز نکرد،

هَلَكْتُ عَنِّي سُلْطَانِيهِ (۲۹)

قدرت من نیز از دست رفت!

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (۳۰)

(فرمان می رسد:) او را بگیرید و دربند و زنجیرش کنید!

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلُّوهُ (۳۱)

سپس او را در دوزخ بیفکنید!

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

بعد او را به زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید.

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

چرا که او (با دیدن دلایل روشن) هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی آورد،

وَلَا يَخْضُّ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳۴)

و هرگز بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود.

ص: ۵۶۷

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)

از این رو امروز هم در این جا دوستی صمیمی ندارد،

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَشَلِينَ (۳۶)

و نه طعامی، جز از چرک

و خون.

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (۳۷)

طعامی که جز خطاکاران آن را نمی خورند.

فَلَا أُفْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸)

سوگند به آنچه می بینید،

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹)

و آنچه نمی بینید،

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰)

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است،

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ □ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (۴۱)

و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می آورید!

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ □ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۴۲)

و نه گفته کاهنی، اما کمتر متذکر می شوید.

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

کلامی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است.

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

و اگر او سخنی دروغ بر ما می بست،

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

ما او را با قدرت می گرفتیم،

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

سپس رگ قلبش را قطع می کردیم،

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

و هیچ کس از شما نمی توانست از (مجازات) او مانع شود.

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

و به یقین این قرآن، تذکری برای پرهیزگاران است.

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ (۴۹)

و ما می دانیم که بعضی از شما (آن را) تکذیب می کنید.

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و آن مایه حسرت کافران است.

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

و آن یقین خالص است.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.

۷۰ - سورة المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که انجام می گیرد.

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

(این عذاب) برای کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند،

مَنْ اللَّهُ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)

از سوی خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود می کنند

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴)

فرشتگان و روح (آن فرشته مقرب خداوند) به سوی او عروج می کنند در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

پس صبر جمیل پیشه کن،

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶)

زیرا آنها آن روز را دور می بینند،

وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

و ما آن را نزدیک می بینیم.

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

همان روزی که آسمان همچون فلز گداخته می شود،

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

و کوهها مانند پشم رنگین (در فضا) متلاشی خواهد بود،

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰)

و هیچ دوستی صمیمی سراغ دوستش رانمی گیرد!

يُبْصِرُونَهُمْ ۖ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِنِذٍ بَيْنِيهِ (۱۱)

آنها را به یکدیگر نشان می دهند (ولی هر کس گرفتار کار خویشتن است آن چنانکه) گنهکار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند،

وَصَاحِبَيْهِ وَأَخِيهِ (۱۲)

و همسر

و برادرش را،

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳)

و قبیله اش را که از او حمایت می کرد،

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴)

و همه مردم روی زمین را تا مایه نجاتش گردند.

كَلَّا ۖ إِنَّهَا لَطَّيْلٌ (۱۵)

هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) تنها شعله های سوزان آتش است،

نَزَّاعَةً لِّلشَّوْىِ (۱۶)

که پوست بدن را می کند و می برد.

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷)

و کسانی را که (به فرمان خدا) پشت کردند (به سوی خود) می خوانند.

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

و (آنها که اموال را) جمع و ذخیره کردند.

ۖ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹)

به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است،

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰)

هنگامی که بدی به او رسد بی تاب می کند،

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱)

و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل میورزد)،

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲)

مگر نماز گزاران،

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۲۳)

کسانی که نمازهایشان را دائماً به جا می آورند،

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴)

و کسانی که در اموالشان حق معینی است،

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)

برای سائل و محروم،

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۲۶)

و آنها که به روز جزا ایمان دارند،

وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۲۷)

و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند،

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۲۸)

چرا که هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان نیست،

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹)

و آنها که دامان خویش را (از بی عفتی) حفظ می کنند،

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰)

جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، به یقین چنین کسانی مورد سرزنش نخواهند بود.

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَوُِّلْكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)

و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)

و آنها که امانتها و پیمان خود را رعایت می کنند،

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳)

و آنها که به ادای شهادتشان قیام می نمایند،

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)

و آنها که بر نمازشان مواظبت دارند،

أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵)

آنان (که چنین اوصافی دارند) در باغهای بهشتی گرامی داشته می شوند.

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

پس کافران را چه می شود که با سرعت نزد تو می آیند،

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِيزِينَ (۳۷)

از راست و چپ، گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)؟!

أَيُّطَمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

آیا هر یک از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پرنعمت الهی وارد کنند؟!

كَلَّا ۚ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹)

هرگز چنین نیست. ما آنها را از آنچه خودشان می دانند آفریده ایم.

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰)

سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم،

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱)

که جای آنان را به کسانی بدسیم که از آنها بهترند. و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد.

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يَلْتَأَمُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴۲)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل فرو روند و بازی کنند تا روز موعود خود را ملاقات نمایند.

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوْفَضُونَ (۴۳)

همان روز که از قبرها بسرعت خارج می شوند، گویی به سوی بتها می روند.

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۚ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

در حالی که چشمهایشان (از شرم و وحشت) به زیر افتاده، و (پرده ای از) ذلت و خواری آنها را پوشانده است. این همان روزی است که به آنها وعده داده می شد.

۷۱ - سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آن که عذاب دردناکی به سراغشان آید.»

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲)

گفت: «ای قوم من! به یقین من برای شما انذار کننده آشکاری هستم،

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا (۳)

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید،

يَعْفُو لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّخْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ ۚ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

تا خدا گناهانتان را ببامرزد و تا زمان معینی شما را عمر دهد. زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیری نخواهد داشت اگر

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵)

(نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم،

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶)

اما دعوت من چیزی جز فرار (از حق) بر آنان نیفزود.

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

و من هر زمان آنها را دعوت کردم (که ایمان بیاورند) تا تو آنها را ببامرزی، انگشتان خویش را در گوشهایشان قرارداده

و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و بشدت استکبار کردند.

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸)

سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم،

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)

سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم.

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰)

و گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است،

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱)

تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد،

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

و شما را با اموال

و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار دهد.

مَا لَكُمْ لَّا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟!

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به صورت انسان کامل رسیدید).

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵)

آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفریده است،

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶)

و ماه را در میان آن‌ها مایه‌روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرارداده است؟!

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷)

و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید،

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸)

سپس شما را به زمین باز می گرداند، و بار دیگر شما را خارج می سازد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹)

و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد،

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰)

تا از راههای وسیع و درّه های آن بگذرید (و به هر جا می خواهید بروید).»

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱)

نوح (بعد از نومییدی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است.

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا (۲۲)

و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند،

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳)

و گفتند: دست از معبودان خود بردارید (بخصوص) بتهای «ود»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید.

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا □ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

و آنها بسیاری را گمراه کردند. خداوندا، ستمکاران را جز گمراهی ميفزا!

مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُعْرِقُوا فَأَذْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵)

(آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند.

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶)

نوح گفت: «پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین باقی نگذار!

إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷)

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به دنیا نمی آورند.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و همه کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان با ایمان را ببامرز. و ستمکاران را جز هلاکت ميفزا!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان بگو: به من وحی شده است که جمعی از جنّ به سخنانم گوش فرا داده اند، سپس گفته اند: «ما قرآن عجیبی شنیده ایم،

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲)

که به راه راست هدایت می کند، پس ما به آن ایمان آورده ایم و هرگز کسی را همتای پروردگاران قرار نمی دهیم،

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳)

و این که والا است مقام با عظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است،

وَأَنَّهُ كَانَ يَتَقُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴)

و این که سفیه ما (ابلیس) درباره خداوند سخنان ناروا می گفت،

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)

و این که ما گمان می کردیم که انس و جنّ هرگز بر خدا دروغ نمی بندند،

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)

و این که مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می بردند، و بر گمراهی و طغیان آنان می افزودند،

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷)

و این که آنها گمان کردند _ همان گونه که شما گمان می کردید که خداوند هرگز کسی را (به نبوت) مبعوث نمی کند،

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مِلْتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا (۸)

و این که ما آسمان را جستجو کردیم و آن را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم،

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹)

و این که ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می نشستیم. اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد،

وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰)

و این که (با این اوضاع) ما نمی دانیم آیا اراده شری درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟!

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ □ كُنَّا طَرِيقَ قَدَدًا (۱۱)

و این که در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند. و ما گروه‌های متفاوتی هستیم،

وَأَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲)

و این که ما یقین داریم هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم،

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى □ آمَنَّا بِهِ □ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۱۳)

و این که ما هنگامی که هدایت (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم. و هرکس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان (در پاداش) می ترسد و نه از ستم (در مجازات).

ص: ۵۷۲

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ □ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأَوْلِيكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴)

و این که گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمکارند. هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است،

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵)

و اما ستمکاران آتشگیره و هیزم دوزخند.

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۱۶)

و این که اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان (باران) سیرابشان می کنیم.

لَنُنْفِثَنَّهُمْ فِيهِ □ وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)

تا آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم. و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فزاینده ای گرفتار می سازد!

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸)

و این که مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید.

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹)

و این که هنگامی که بنده خدا [= محمد] به عبادت برمی خاست و او را می خواند، گروهی پیرامون او بشدت ازدحام می کردند.»

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۰)

بگو: «من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم.»

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۱)

بگو: «(اگر من نیز برخلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر خداوند حمایت نمی کند

و پناهگاهی جز او نمی یابم.

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ □ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۲)

تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست. و کسانی که نافرمانی خدا و پیامبرش کنند، آتش دوزخ از آن آنهاست و جاودانه در آن می مانند.»

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَّاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۲۳)

(این کارشکنی کفار همچنان ادامه می یابد) تا هنگامی که آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند. آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیف تر و جمعیتش کمتر است!

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۴)

بگو: «من نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می دهد؟!»

عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۵)

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد،

إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۶)

مگر پیامبرانی که (آنان را برگزیده و) از آنها راضی است و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد،

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۷)

تا معلوم شود پیامبرانش رسالتهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند. و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است.»

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۸)

بگو: «من تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را همتای او قرار نمی دهم.»

۷۳ - سوره المزمّل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای جامه به خود پیچیده!

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

شب را، جز کمی، به پا خیز.

نُصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)

نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن،

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)

یا بر نصف آن بیفزا، وقرآن را با تأمل و دقت بخوان.

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)

چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد.

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)

به یقین نماز و عبادت شبانه گامی استوارتر و گفتاری پایدارتر است.

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷)

زیرا تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت (و عبادت شبانه به تو نیرو می بخشد).

وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۸)

نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند.

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹)

اوست پروردگار مشرق و مغرب که معبودی جز او نیست، پس او را تکیه گاه خود انتخاب کن،

وَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰)

و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند شکبیا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین.

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (۱۱)

و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده،

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲)

که (برای آنها) نزد ما غل و زنجیرها و (آتش) دوزخ است،

وَطَعَامًا ذَا غُصْبٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۱۳)

و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک،

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (۱۴)

در آن روز که زمین و کوهها سخت به لرزه درمی آید، و کوهها (چنان درهم کوبیده می شود که) به شکل توده هایی از شن نرم در می آید.

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵)

ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون پیامبری فرستادیم.

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (۱۶)

(ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن پیامبر برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷)

شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب) روزی که کودکان را پیر می کند برکنار می دارید؟!

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)

و در آن روز آسمان از هم شکافته می شود، و وعده الهی، انجام شدنی است.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ ۚ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَٰهًا رَبًّا سَبِيلًا (۱۹)

این هشدار و تذکری است، پس هرکس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند.

□ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصَيْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَهُ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ □ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ □ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ □ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ □ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ □ وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ □ وَأَخْرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ □ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ □ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا □ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا □ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ □ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٠)

پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو ثلث از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزید. (و به عبادت و تلاوت قرآن می پردازید) خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند. او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را (به دقت برای عبادت کردن) اندازه گیری کنید، پس شما را بخشید. اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. او می داند بزودی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن باز می مانند)، پس آنچه برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات پردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید (در راه او انفاق نمایید) و (بدانید) آنچه از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت. و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است.

٧٤ - سورة المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (١)

بنام خداوند بخشنده مهربان ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده)!

قُمْ فَأَنْذِرْ (٢)

برخیز و انداز کن، (و جهانیان را بیم ده)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ (٣)

و پروردگارت را بزرگ بشمار

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ (٤)

و لباست را پاکیزه دار،

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (٥)

و از پلیدی دوری کن،

وَلَا تَمُنَّ بِتَشْتِكِيرِ (٦)

و منت مگذار و عملت را بزرگ شمار،

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (۷)

و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن.

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۸)

و (بدانید) هنگامی که در «صور» دمیده شود،

فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹)

آن روز، روز سختی است،

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰)

که برای کافران آسان نیست!

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (۱۱)

مرا با کسی که او را به تنهایی آفریده ام واگذار!

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا (۱۲)

همان کس که برای او مال گسترده ای قرار دادم،

وَبَيْنَ شُهُودًا (۱۳)

و فرزندان فراوانی که همواره در کنار او (و در خدمت او) هستند،

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا (۱۴)

و وسایل زندگی را (از هر نظر) برایش فراهم ساختم!

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)

باز طمع دارد که (به آن) بیفزایم.

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (۱۶)

هرگز. چنین نخواهد شد. چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می ورزد.

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (۱۷)

و بزودی او را مجبور می کنم که از قله زندگی بالا رود. (پس او را به زیر می افکنم)!

ص: ۵۷۵

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (۱۸)

او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد و نقشه ای (شیطانی) کشید!

فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹)

مرگ بر او! چگونه نقشه ای کشید!؟

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰)

باز هم مرگ بر او، چگونه نقشه کشید!؟

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱)

پس نگاهی کرد،

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲)

و چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳)

سپس پشت کرد

و تکبر ورزید،

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴)

و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز سحر پیشینیان نیست!

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

این فقط سخن انسان است.»

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (۲۶)

(اما) بزودی او را وارد سقر [= دوزخ] می کنم!

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷)

و توجه می دانی «سقر» چیست!

لَا تُبْقِي وَلَا تَذُرُ (۲۸)

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می سازد.

لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ (۲۹)

پوست را دگرگون می کند.

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

نوزده (نگهبان) بر آن گمارده شده اند!

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً □ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا □ وَلَا يَزِتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ □ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا □ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ □ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ □ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱)

نگهبانان دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم،

و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیمار دلان و کافران بگویند: «خدا از این سخن چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند. و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست!

كُلًّا وَالْقَمَرَ (۳۲)

هر گز چنین نیست سوگند به ماه،

وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ (۳۳)

و به شب، هنگامی که (دامن برچینید و) پشت کند،

وَالصُّبْحِ إِذَا أَشْفَرَ (۳۴)

و به صبح هنگامی که چهره بگشاید،

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبِيرِ (۳۵)

که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است!

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

هشدار است برای همه انسانها،

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷)

برای کسانی از شما که می خواهند (به سوی هدایت) پیش روند یا عقب بمانند

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۳۸)

(آری) هر کس در گرو اعمال خویش است،

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹)

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند)!

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

آنها در باغهای بهشتی اند، و سؤال می کنند،

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱)

از مجرمان:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲)

«چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!»

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳)

می گویند: «ما از نماز گزاران نبودیم،

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ (۴۴)

و اطعام مستمند نمی کردیم،

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵)

و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم،

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ (۴۶)

و همواره روز جزا را انکار می کردیم،

حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ (۴۷)

تا زمانی که مرگ ما فرا رسید!

ص: ۵۷۶

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (۴۸)

از این رو شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد.

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرِ مُعْرِضِينَ (۴۹)

چرا آنها از تذکر روی گردانند؟!

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ (۵۰)

گویی گورخرانی رمیده اند،

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (۵۱)

که از (مقابل) شیری فرار کرده اند!

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةٌ (۵۲)

بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه ای (از سوی خدا) به او داده شود.

كَلَّا ۚ بَلْ لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (۵۳)

هرگز چنین نیست (که آنان می گویند)، بلکه آنها از آخرت نمی ترسند.

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ (۵۴)

هرگز چنین نیست (که آنها می گویند) آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (۵۵)

و کسانی که بخواهند از آن پند می گیرند.

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۵۶)

و آنها پند نمی گیرند مگر این که خدا بخواهد. او اهل تقوا و اهل آمرزش است (و به هر کس آنچه لایق باشد می دهد).

۷۵ – سوره القیامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۚ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* سوگند به روز قیامت،

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲)

و سوگند به نفس ملامتگر (و وجدان بیدار که رستاخیز حق است)!

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳)

آیا انسان می پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟!

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)

آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم.

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)

(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می خواهد (آزادانه) در تمام عمر گناه کند

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۶)

(از این رو) می پرسد: «روز قیامت کی خواهد بود»؟!

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)

(بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت خیره گردد،

وَحَسَفَ الْقَمَرُ (۸)

و ماه بی نور شود،

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)

و خورشید و ماه با هم جمع شوند،

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ (۱۰)

آن روز انسان می گوید: «راه فرار کجاست؟!»

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

هرگز چنین نیست، (راه فرار و) پناهگاهی وجود ندارد!

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲)

آن روز قرارگاه نهایی تنها به سوی پروردگار تو است.

يَتَّبِعُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳)

و در آن روز انسان را از آنچه که از پیش و پشت سر فرستاده آگاه می کنند.

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴)

بلکه انسان از وضع خویش آگاه است،

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ (۱۵)

هرچند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد.

لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶)

(هنگام نزول وحی) زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن حرکت مده،

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷)

چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست.

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)

پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)

سپس بیان (و توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست.

كَلَّا بَلْ تُجِئُونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰)

هرگز چنین نیست (که شما می پندارید!) بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱)

و آخرت را رها می کنید.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ (۲۲)

(آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است،

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

و به (الطاف) پروردگارشان می نگرند.

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)

و در آن روز صورتهایی عبوس

و درهم کشیده است،

تَنْظُرُونَ أَن يُفْعَلَٰ بِهَا فَاقِرَّةٌ (۲۵)

(زیرا) می دانند عذابی کمر شکن در پیش دارند!

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۲۶)

هرگز چنین نیست (او ایمان نمی آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد،

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!»

وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

(در این هنگام) او به جدایی از دنیا یقین پیدا می کند،

وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)

و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم می پیچد!

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰)

در آن روز مسیر همه به سوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود.

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ (۳۱)

(در آن روز گفته می شود:) او ایمان نیاورد و نماز نخواند،

□
وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۳۲)

بلکه تکذیب کرد

و روی گردان شد،

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ (۳۳)

سپس به سوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم بر می داشت.

أُولَٰئِكَ لَكَ فَأُولَٰئِكَ (۳۴)

(با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر!

ثُمَّ أُولَٰئِكَ لَكَ فَأُولَٰئِكَ (۳۵)

باز هم عذاب برای تو شایسته تر است، شایسته تر!

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶)

آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟!؟

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنٍ (۳۷)

آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟!؟

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (۳۸)

سپس بصورت خون بسته درآمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت،

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۳۹)

و از آن، دو زوج مرد و زن آفرید.

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ (۴۰)

آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟!

۷۶ - سوره الانسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* آیا این گونه نیست که زمانی طولانی از روزگار بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)

ما انسان را از نطفه به هم آمیخته ای آفریدیم، و او را می آزماییم. (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد

(و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم!

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است،

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و (از هر جا بخواهند) آن را جاری می سازند.

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

آنها به نذر خود وفا می کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می ترسند،

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشَكِيًّا وَبِتَيْمًا وَأَسِيرًا (۸)

و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مستمند»

و «یتیم» و «اسیر» اطعام می کنند.

إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹)

(و می گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۱۰)

ما از پروردگارانمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است.

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۱۱)

(بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز نگه می دارد و از آنها استقبال می کند درحالی که شادمان و مسرورند

وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲)

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر (بهشتی) را به آنها پاداش می دهد.

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْائِكِ □ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳)

در آنجا بر تختهای زیبا تکیه کرده اند، نه آفتاب (سوزان) را در آن جا می بینند و نه سرما را.

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذَلِيلًا (۱۴)

و در حالی است که سایه های آن (درختان بهشتی) بر آنها فرو افتاده

و چیدن میوه هایش بسیار آسان است.

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتِهِ مِنْ فَضِّهِ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

و در گردا گرد آنها ظرفهایی سیمین

و قدحهایی بلورین می گردانند، (پراز بهترین غذاها و نوشیدنیها)

قَوَارِيرٍ مِنْ فَضِّهِ قَدَّرُوها تَقْدِيرًا (۱۶)

ظرفهای بلورینی از نقره (شفاف)، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده اند.

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْاجِحًا زَنْجَبِيلًا (۱۷)

و در آن جا از جامهایی سیراب می شوند لبریز (از شراب طهوری) که آمیخته با زنجبیل است،

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸)

از چشمه ای در آنجا که نامش سلسبیل است.

□ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا (۱۹)

و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می کنی مروارید پراکنده اند.

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (۲۰)

و هنگامی که آن جا را ببینی نعمت و ملک عظیمی را می بینی!

عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ □ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

بر اندام آنها [= بهشتیان] لباسهایی است از حریر نازک سبز رنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته شده اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می نوشاند.

□ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲)

این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)

به یقین قرآن را ما بر تو نازل کردیم.

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آئِمًّا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا و با استقامت باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن.

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)

و نام پروردگارت را هر صبح و شام یاد کن.

ص: ۵۷۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)

و پاسی از شب را برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی.

□ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷)

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خودرها می کنند.

□ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ □ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸)

ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای آنان را به گروهی همانند آنان می دهیم.

□ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ □ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا (۲۹)

این یک تذکر

و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند.

□ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ □ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰)

و شما (چیزی را) نمی خواهید مگر این که خدا بخواهد، خداوند دانا

و حکیم بوده و هست.

□ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ □ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

هر کس را بخواهد (و شایسته باشد) در رحمت (وسیع) خود وارد می کند، و برای ستمکاران عذاب دردناکی آماده ساخته

است!

۷۷ - سوره المرسلات

□ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سو گند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند،

□ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲)

و آنها که همچون تندباد حرکت می کنند،

وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا (۳)

و سوگند به آنها که (ابرها را) می گسترانند،

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴)

و آنها که جدا می کنند،

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵)

و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهی) را (به انبیا) القا می نمایند،

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶)

برای اتمام حجت یا انداز،

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ (۷)

(سوگند به همه این امور) که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می شود، واقع شدنی است!

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸)

در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)

و (کرات) آسمان از هم بشکافند،

وَإِذَا الْجِبَالُ سُفِفَتْ (۱۰)

و آنگاه که کوهها از جا کنده و متلاشی شوند،

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ (۱۱)

و در آن هنگام که برای پیامبران (به منظور ادای شهادت) تعیین وقت شود.

لَأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (۱۲)

(این شهادت) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟!)

لَيَوْمِ الْفَضْلِ (۱۳)

برای روز جدایی (حق از باطل).

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمِ الْفَضْلِ (۱۴)

تو چه می دانی روز جدایی چیست!؟

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان.

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأُولَیْنَ (۱۶)

آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم!؟

ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (۱۷)

سپس دیگران را به دنبال آنها می فرستیم.

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸)

(آری) این گونه با مجرمان رفتار می کنیم.

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

ص: ۵۸۰

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۲۰)

آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم،

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۲۱)

سپس آن را در قرارگاهی مطمئن

و آماده [=رحم] قرار دادیم،

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۲)

تا مدتی معین؟!؟

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳)

ما توانایی بر این کار داشتیم، پس ما چه توانای خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است).

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۲۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

آیا زمین را مرکز اجتماع (شما) قرار ندادیم،

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا (۲۶)

برای زندگان و مردگان (شما)؟!؟

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا (۲۷)

و در آن کوههای استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم.

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۲۸)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

انظَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹)

(در آن روز به آنها گفته می شود:) بی درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می کردید بروید.

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰)

بروید به سوی سایه ای سه شاخه (از دودهای خفقان بار و آتش زا)!

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (۳۱)

سایه ای که نه آرام بخش است و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند!

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

شراره هایی (از خود) پرتاب می کند به بزرگی یک کاخ!

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (۳۳)

گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد رنگی هستند (که به هر سو پراکنده می شوند)!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ (۳۵)

امروز روزی است که سخن نمی گویند (و قادر بر دفاع از خویشان نیستند)،

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ (۳۶)

و به آنها اجازه داده نمی شود تا عذرخواهی کنند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ □ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ (۳۸)

(و به آنها گفته می شود:) امروز، روز جدایی (حق از باطل) است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم.

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۳۹)

اگر چاره ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱)

(در آن روز) پرهیزگاران در سایه های (درختان بهشتی) و در میان چشمه ها قرار دارند،

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲)

و میوه هایی از آنچه مایل باشند.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

بخورید و بنوشید گوارا باد بر شما، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید!

□
إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ (۴۶)

(و به مجرمان بگو): بخورید و اندکی (از زندگی دنیا) بهره گیرید (ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست) چرا که شما مجرمید.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)

و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی کنند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

فَبَأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

(و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟!

ص: ۵۸۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟!

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲)

از خبر بزرگ و پر اهمیت (رستاخیز)!

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

که پیوسته در آن اختلاف دارند.

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴)

چنین نیست (که آنها فکر می کنند)، بزودی خواهند دانست.

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

باز هم چنین نیست (که آنها می پندارند)، بزودی می دانند (که قیامت حق است)!

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)

آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟!

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

و کوهها را میخهایی (برای زمین)؟!

وَحَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸)

و شما را بصورت زوجها آفریدیم!

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹)

و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم،

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا (۱۰)

و شب را پوششی (برای شما)،

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱)

و روز را وسیله ای برای زندگی و معاش.

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲)

و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم.

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا (۱۳)

و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم!

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَّجَّاجًا (۱۴)

و از ابرهای باران زا آبی فراوان نازل کردیم.

لُنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵)

تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم،

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶)

و باغهایی پر درخت.

إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷)

(آری) روز جدایی (حق از باطل)، میعاد همگان است!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸)

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید.

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

و آسمان گشوده می شود

و بصورت درهای متعددی در می آید.

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰)

و کوهها به حرکت درمی آید (و متلاشی می شود) و بصورت سرابی خواهد شد.

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

به یقین (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ،

لِلطَّاعِينَ مَأْبًا (۲۲)

و محل بازگشتی برای طغیانگران.

لَأَبْثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳)

مدتهای طولانی در آن می مانند.

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)

در آن جا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی،

إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا (۲۵)

جز آبی سوزان

و مایعی از چرک و خون.

جَزَاءً وَفَاقًا (۲۶)

این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان).

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷)

چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند،

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸)

و آیات ما را به طور کامل تکذیب کردند.

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹)

و ما همه چیز را در کتابی شمارش و ثبت کرده ایم.

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

پس (به آنان گفته می شود:) بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی افزاییم!

ص: ۵۸۲

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱)

به یقین برای پرهیزگاران نجات و رستگاری بزرگی است:

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲)

باغهایی سرسبز،

و انواع انگورها،

و كَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)

و حوریانی بسیار جوان و همسن و سال،

و كَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

و جامهایی لبریز

و پیایی (از شراب طهور).

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا (۳۵)

در آن جا نه سخن لغو و بیهوده ای می شنوند و نه دروغی.

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶)

این پاداشی است از سوی پروردگارت و عطیه ای است مطابق (اعمالشان).

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ □ □ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، همان پروردگار رحمان. و (در آن روز) هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند).

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا □ □ لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

روزی که «روح» و «ملائکه» به صف می ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند.

□ □ دَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقُّ □ □ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبِّهِ مَا بَا (۳۹)

آن روز حق است. هر کس بخواهد (اکنون) راه بازگشتی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند.

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم. در روزی که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده می‌بیند، و کافر می‌گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی‌شدم)!»

۷۹ - سوره النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّازِعَاتِ غَزَقًا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سوگند به فرشتگانی که (روح مجرمان را از بدن هایشان) به شدت برمی‌کشند،

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲)

و فرشتگانی که (روح مؤمنان را) با مدارا و نشاط می‌گیرند،

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳)

و سوگند به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می‌کنند،

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)

و بر یکدیگر سبقت می‌گیرند،

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)

و آنها که امور را تدبیر می‌کنند!

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)

آن روز که آن زلزله وحشتناک (همه چیز را) به لرزه در می‌آورد،

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ (۷)

و از پی آن، حادثه دومین [= صیحه عظیم محشر] رخ می‌دهد،

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

دلهایی در آن روز سخت مضطرب است،

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)

و چشمهای آنان (از شدت ترس) فرو افتاده است.

يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰)

می گویند: «آیا ما به زندگی مجدد باز می گردیم؟!»

أِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً (۱۱)

آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده ای شدیم (ممکن است زنده شویم)؟!«

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

می گویند: «اگر اینگونه، بازگشتی است زیانبار!»

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است!

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)

ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می گردند!

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵)

آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟!

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِاللَّوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طوی» ندا داد (و گفت):

اَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷)

به سوی فرعون برو که طغیان کرده است.

فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ (۱۸)

و به او بگو: «آیا می خواهی پاکیزه شوی؟!»

وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (۱۹)

و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا (از نافرمانی او) بترسی؟!»

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ (۲۰)

سپس موسی بزرگترین معجزه را به او نشان داد.

فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۲۱)

اما او تکذیب و عصیان کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ (۲۲)

سپس روی گردان شد و (برای محو آیین حق) تلاش نمود!

فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (۲۳)

و (ساحران را) جمع کرد و (مردم را) دعوت نمود.

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ (۲۴)

و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم.»

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ (۲۵)

از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٢٦﴾

به یقین در این عبرتی است برای کسی که (از نافرمانی خدا) بترسد.

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ ﴿٢٧﴾ بَنَاهَا

آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟!

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا ﴿٢٨﴾

سقف آن را برافراشت و آن را نظام بخشید،

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾

و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود.

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾

و زمین را بعد از آن گسترش داد،

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾

و از آن آب و گیاهش را بیرون آورد،

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾

و کوهها را استوار ساخت.

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾

همه اینها برای بهره گیری شما و چهارپایانان است.

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾

هنگامی که آن حادثه وحشتناک بزرگ رخ دهد،

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿٣٥﴾

در آن روز انسان به یاد کوششهایش می افتد،

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ ﴿٣٦﴾

و دوزخ برای هر بیننده ای آشکار می گردد.

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ﴿٣٧﴾

اما آن کسی که طغیان کرده،

وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾

و زندگی دنیا را (بر آخرت) مقدم داشته،

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾

به یقین دوزخ جایگاه اوست.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا باز دارد،

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾

به یقین بهشت جایگاه اوست.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿٤٢﴾

و از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ﴿٤٣﴾

تو را با یادآوری زمان آن چه کار؟!

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَاهَا ﴿٤٤﴾

نهایت آن به سوی پروردگارتواست. (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست).

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا ﴿٤٥﴾

تو فقط بیم دهنده کسانی هستی که از آن می ترسند (و آمادگی پذیرش دارند).

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

در آن روز که قیامت را می بینند احساس می کنند که گویا توقّفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبحگاهی بیشتر نبوده است.

ص: ۵۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان چهره درهم کشید و روی بر تافت،

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)

از این که نابینایی به سراغ او آمد.

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (۳)

تو چه می دانی شاید او تقوا پیشه کند،

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذُّكْرَى (۴)

یا متذکر گردد و این تذکر به حال او مفید

باشد.

أَمَّا مَنْ اسْتَعْزَى (۵)

اما آن کس که خود را توانگر می بیند،

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)

تو به او روی می آوری،

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷)

در حالی که اگر او تقوا پیشه نکند چیزی بر تو نیست.

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)

اما کسی که به سراغ تو می آید و کوشش می کند،

وَهُوَ يَخْشَى (۹)

و (از خدا) ترسان است،

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

تو از او غافل می

شوی!

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

هرگز چنین نیست (که آنها می پندارند). این (قرآن برای همه) تذکر و یادآوری است،

فَمَنْ شَاءَ ذَكِّرْهُ (۱۲)

و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد.

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

در الواح

پرارزشی

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

والا قدر

و پاکیزه،

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

به دست سفیرانی

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

والا مقام (و فرمانبردار) و نیکوکار!

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)

مرگ بر این انسان، چقدر ناسپاس است!

مِنْ أَىِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

مگر (خداوند) او را از چه چیز آفریده

است؟!

مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹)

او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه گیری کرد و موزون ساخت،

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰)

سپس راه (سعادت) را برای او آسان کرد

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)

بعد او را میراند و در قبر

نهاد،

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)

پس هرگاه بخواهد او را زنده می کند.

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

هرگز چنین نیست (که او می پندارد). او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ (۲۴)

انسان باید به

غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد!

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم،

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

سپس زمین را از هم شکافتیم،

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

و در آن دانه های فراوانی رویانیدیم،

وَعَبَّأَ وَقَضْبًا (۲۸)

و انگور و

سبزی بسیار،

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

و زیتون و نخل فراوان،

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

و باغ های پردرخت،

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

و میوه و چراگاه

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

تا وسیله ای برای بهره گیری شما و چهارپایانتان باشد.

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّائِحَةُ (۳۳)

هنگامی که

صیحه رستاخیز بیاید،

يَوْمَ يَنْفِرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

در آن روز انسان از برادر خود می گریزد،

وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ (۳۵)

و از مادر و پدرش،

وَصَاحِبَتِهِ وَبَيْنِهِ (۳۶)

و همسر

و فرزندانش.

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

چهره هایی در آن روز گشاده و نورانی است

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

خندان و مسرور

است.

وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْنَا غَبْرَةٌ (۴۰)

و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است،

تَزْهِقُهُمْ فَتْرَةٌ (۴۱)

و دود تاریکی آنها را پوشانده است،

أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

آنان همان کافران و فاجراند.

ص: ۵۸۵

۸۱ - سوره التکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان در آن هنگام که خورشید درهم پیچیده شود،

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)

و ستارگان بی فروغ شوند،

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

و کوهها به حرکت درآیند،

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)

و با ارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود،

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵)

و در آن هنگام که وحوش جمع شوند،

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

و دریاها برافروخته شوند،

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

و هر

کس با همسان خود قرین گردد،

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸)

و آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود:

يَأَيُّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)

به کدامین گناه کشته شدند؟!

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)

و آن هنگام که نامه های اعمال

گشوده شود،

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

و پرده از روی (اسرار) آسمان برگیرند،

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲)

و در آن هنگام که دوزخ شعله‌ور گردد،

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (۱۳)

و بهشت نزدیک شود،

عَلِمْتُ نَفْسٌ مَّا أَخْضَرَتْ (۱۴)

(آری در آن هنگام) هر کس می

داند چه چیزی را مهیا ساخته است.

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵)

سوگند به ستارگانی که باز می گردند،

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶)

حرکت می کنند و (از دیده ها) پنهان می شوند،

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷)

و سوگند به شب،

هنگامی که پشت کند و به آخر رسد،

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

و به صبح، هنگامی که بدمد،

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [=جبرئیل امین]

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

که صاحب قدرت

است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والایی دارد!

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

در آنجا فرمانروا و امین است!

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

و همنشین شما [=پیامبر] دیوانه نیست.

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳)

به یقین او (جبرئیل) را در

افق روشن دیده است.

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵)

این (قرآن) گفته شیطان رانده شده (از درگاه خدا) نیست!

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

پس به

کجا می روید؟!

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷)

این (قرآن) چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست،

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)

برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد!

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

و شما اراده نمی کنید مگر

این که خداوندی که پروردگار جهانیان است، اراده کند!

ص: ۵۸۶

۸۲ - سوره الإنفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آن زمان که (کرات) آسمان از هم شکافته شود،

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انشَثَرَتْ (۲)

و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند،

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

و آن زمان که دریاها به هم بیوندند،

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

و آن زمان که قبرها

زیر و رو گردد، (و مردگان خارج شوند)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

(در آن زمان) هر کس آنچه را از پیش و پشت سر فرستاده می داند.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَاكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور

ساخته است!؟

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

همان کسی که تو را آفرید و منظم ساخت و اعتدال بخشید،

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.

كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ (۹)

(آری) هرگز آن گونه (که شما می پندارید) نیست. بلکه شما روز جزا را منکرید.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰)

و به یقین نگاهبانانی بر شما

گمارده شده،

كَرَامًا كَاتِبِينَ (۱۱)

والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)،

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۱۲)

که می دانند شما چه می کنید.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

به یقین (در آن روز) نیکان در بهشت پر نعمتند.

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

و بدکاران

در دوزخند،

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

روز جزا وارد آن می شوند و می سوزند،

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (۱۶)

و آنان هرگز از آن غایب

(و دور) نیستند!

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۷)

تو چه می دانی روز جزا چیست؟!

ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۸)

باز چه می دانی روز جزا چیست؟!

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا □ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری

نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست!

۸۳ - سوره المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □ وَيُلِّ لِلْمُطَفِّينَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان وای بر کم فروشان!

الدِّينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

آنان که وقتی برای خود چیزی از مردم با پیمانہ می گیرند، (حق خود را) بطور کامل دریافت می دارند.

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

ولی هنگامی که برای دیگران پیمانہ

یا وزن می کنند، کم می گذارند.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند،

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

در روزی بزرگ؟!

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينِ (۷)

هرگز چنین نیست (که آنها درباره قیامت می پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجین» است.

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينُ (۸)

تو چه می دانی «سجین» چیست؟!

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۹)

نامه ای است رقم

زده شده (و حکمی است حتمی).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱)

همان کسانی که روز جزا را انکار می کنند.

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

و تنها کسی آن را انکار می کند که

متجاوز

و گنهکار است.

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

(همان کسانی که) وقتی آیات ما بر آنها خوانده می شود می گویند: «این افسانه های پیشینیان است.»

كَلَّا ۚ بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

چنین نیست (که آنها می

پندارند)، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵)

چنین نیست (که می پندارند)، بلکه آنها در آن روز از (لقای) پروردگارشان محجوبند.

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶)

سپس

آنها به یقین وارد دوزخ می شوند.

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

بعد به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می کردید!»

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيْنِ (۱۸)

چنان نیست (که آنها درباره معاد می

پندارند) بلکه نامه اعمال نیکان در «علیین» است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُونَ (۱۹)

و تو چه می دانی «علیین» چیست؟!

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۲۰)

نامه ای است رقم خورده (و حکمی است قطعی)،

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

که مقربان

شاهد آند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

مسلمانان نیکان در بهشت پرنعمتند:

عَلَى الْأَرْوَاقِ يُنظَرُونَ (۲۳)

بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می نگرند.

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

طراوت و نشاط فزونی نعمت را در

چهره هایشان می بینی و.

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)

آنها از شراب طهور دست نخورده و مهر شده ای سیراب می شوند.

خِتَامُهُ مِسْكٌ □ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

مُهری که بر آن نهاده شده از مشک است. و مشتاقان باید

برای این (نعمتهای بهشتی) بر یکدیگر پیشی گیرند.

وَمِرَاجُهُ مِنَ التَّسْنِيمِ (۲۷)

این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است،

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

همان چشمه ای که مقربان از آن می نوشند.

إِنَّ الَّذِينَ أُجِرُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

(آری)

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند،

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ (۳۰)

و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می کردند،

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

و چون به سوی خانواده خود باز

می گشتند مسرور و خندان بودند،

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲)

و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: «به یقین اینها گمراهانند.»

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳)

در حالی که آنها مأموریت مراقبت مؤمنان را

نداشتند.

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

ولی امروز مؤمنان به کافران می خندند،

ص: ۵۸۸

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)

در حالی که بر تختهای بهشتی نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) می نگرند!

هَلْ تُؤْتَبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

آیا (با این حال) کافران پاداشی بر اعمال خود گرفته اند؟!

۸۴ - سوره الإنشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* آن هنگام که (کرات) آسمان شکافته شود،

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)

و تسلیم فرمان پروردگارش شود

و سزاوار است که چنین باشد _

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

و آنگاه که زمین گسترده شود،

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)

و آنچه در درون دارد بیرون افکند و خالی شود،

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۵)

و تسلیم فرمان پروردگارش گردد _ و

شایسته است که چنین باشد _

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی

و او را ملاقات خواهی کرد.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)

اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود،

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)

بزودی به آسانی به حساب او رسیدگی می شود،

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

و خوشحال به

سوی خانواده اش باز می گردد.

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَّرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود،

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۱۱)

بزودی فریاد می زند وای بر من که هلاک شدم!

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۱۲)

و در شعله

های سوزان آتش می سوزد.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳)

چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴)

او گمان می کرد هرگز (به زندگی جهان دیگر) باز

نخواهد گشت.

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

آری، پروردگارش نسبت به او بی‌نا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد)!

فَلَا أُفْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

سوگند به شفق،

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷)

و سوگند به شب و آنچه گرد می

آورد،

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

و سوگند به ماه آنگاه که بدر کامل می شود،

لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقِ (۱۹)

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید).

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

پس چرا آنان

ایمان نمی آورند؟!

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ □ (۲۱)

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟!

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكذِّبُونَ (۲۲)

بلکه کافران پیوسته (آیات الهی را) انکار می کنند.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

و خداوند آنچه را

(در دل) پنهان می دارند بخوبی می داند.

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده!

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، که برای آنان

پاداشی است دائمی!

ص: ۵۸۹

۸۵ - سوره البروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* سوگند به آسمان که دارای برجهای [= صورت های فلکی] بسیار است،

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

و سوگند به آن روز موعود،

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [= پیامبر و اعمال امت]

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُحُدِّ (۴)

مرگ بر (شکنجه گرانو) صاحبان حفره های (آتش)،

النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ (۵)

آتشی عظیم و شعلهور!

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

هنگامی که در کنار آن نشسته بودند،

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعُلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

و آنچه را با مؤمنان انجام می

دادند

(با خونسردی و قساوت) تماشا می کردند!

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸)

آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز این که به خداوند توانا و شایسته ستایش ایمان آورده بودند.

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است.

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰)

کسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب

دوزخ

و عذاب آتش سوزان است!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ □ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱)

و برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی بهشتی است که نهرها از پای درختانش جاری است. و این

رستگاری

و پیروزی بزرگ است.

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)

به یقین مجازات قهرآمیز پروردگارت بسیار شدید است!

إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ (۱۳)

اوست که آفرینش را آغاز می کند و باز می گرداند،

وَهُوَ الْعَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)

و او آمرزنده و دوستدار

(مؤمنان) است،

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)

صاحب تخت قدرت و دارای مجد و عظمت است،

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۶)

و آنچه را اراده کند انجام می دهد.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷)

آیا سرگذشت آن لشکرها به تو رسیده

است،

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸)

لشکریان فرعون و ثمود؟!!

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

ولی کافران پیوسته در حال تکذیب حَقِّد،

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (۲۰)

و خداوند به همه آنها احاطه دارد.

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ (۲۱)

(این آیات، سحر نیست،) بلکه قرآن با عظمت است،

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)

که در لوح محفوظ جای دارد.

ص: ۵۹۰

۸۶ - سوره الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سوگند به آسمان و کوبنده شب!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

و تو چه می دانی کوبنده شب چیست!؟

النَّجْمِ الثَّاقِبِ (۳)

همان ستاره درخشان و شکافنده تاریکیهاست!

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

(به این آیات بزرگ الهی سوگند)

که هر کس مراقب و محافظی دارد!

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است!؟

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

از آبی جهنده آفریده شده است،

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

آبی که از میان پشت و سینه ها

خارج می شود!

فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا (۸)

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)!

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۹)

به یقین او (که انسان را در آغاز اینگونه آفرید) می تواند او را بازگرداند.

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۱۰)

در آن روز که اسرار نهان (انسان) آشکار می شود،

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۱)

و برای او هیچ نیرو و یابوری نیست.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۲)

سوگنده آسمان پر باران،

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۳)

و سوگند به زمین پر شکاف (که گیاهان از آن می رویند)،

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ (۱۴)

که این (قرآن) سخنی است که (حق را از باطل) جدا می کند،

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۵)

و هرگز شوخی نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۶)

آنها پیوسته نقشه ای (شیطانی) می کشند،

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۷)

و من هم در برابر آنها تدبیر می کنم.

۸۷ - سوره الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان * منزه شمار نام پروردگار بلند مرتبه ات را!

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ۖ (۲)

همان خداوندی که آفرید و موزون ساخت،

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ۖ (۳)

و همان کس که اندازه گیری کرد و هدایت نمود،

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ۖ (۴)

و آن کس که چراگاه را به

وجود آورد،

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ۖ (۵)

سپس آن را تیره و خشکیده ساخت.

سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنسَىٰ ۖ (۶)

ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد،

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۖ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ۖ (۷)

مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و

نهان را می داند.

وَيُسِّرُّكَ لِلْيُسْرَىٰ ۖ (۸)

و ما انجام کار خیر را برای تو آسان می سازیم.

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذُّكْرَىٰ ۖ (۹)

پس تذکر ده به یقین تذکر مفید خواهد بود.

سَيَذَكِّرْكَ مَنْ يُخَشَىٰ ۖ (۱۰)

بزودی آن که از خدا می ترسد متذکر می

شود.

وَيَتَجَبَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱)

اما بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزینند،

الَّذِي يَصُلِّي النَّارَ الْكُبْرَى (۱۲)

همان کسی که در آتش عظیم (دوزخ) وارد می شود،

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳)

سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده

می شود.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَ (۱۴)

به یقین کسی که خود را پاکیزه ساخت، رستگار شد.

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

و (آن کس که) نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند.

ص: ۵۹۱

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید،

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

این (دستورها) در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است،

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

در کتب

ابراهیم و موسی.

۸۸ - سوره الغاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آیا داستان غاشیه [= روزی که وحشت آن همه را فرا می گیرد] به تو رسیده است!؟

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲)

چهره هایی در آن روز خاشع ذلت بارند،

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۳)

پیوسته عمل کرده و خسته

شده اند (و نتیجه ای نگرفته اند)،

تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً (۴)

آنها در آتش سوزان وارد می گردند.

تُشَقَّىٰ مِنْ عَيْنِ آتِنِهِ (۵)

از چشمه ای بسیار داغ به آنان می نوشانند.

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶)

غذایی جز از ضریع [= گیاهی نامطبوع] ندارند.

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ (۷)

که نه آنها را فربه می کند و نه از گرسنگی می رهاند.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (۸)

چهره هایی در آن روز شادابند،

لُسَعِيهَا رَاضِيَةٌ (۹)

و از سعی و تلاش خود خشنودند،

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

در بهشتی عالی جای دارند،

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعْيُنٍ (۱۱)

که در آن سخن بیهوده ای نمی شنوند.

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)

در آن چشمه ای جاری است،

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)

در آن تختهای زیبای بلندی است،

وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ (۱۴)

و قدحهایی

(از شراب طهور) نهاده شده،

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵)

و بالشها و پشتیهایی که در کنار هم چیده شده،

وَزَرَائِبِي مَبْثُوثَةٌ (۱۶)

و فرشهای فاخر گسترده.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟!؟

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟!؟

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

و به کوهها که چگونه در

جای خود نصب گردیده؟!؟

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟!؟

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای!

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)

تو بر آنان سلطه نداری که

مجبورشان به ایمان کنی،

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (۲۳)

(و تذکر برای همه سود بخش است) مگر کسی که پشت کند و کافر شود،

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

که خداوند او را به بزرگترین عذاب، مجازات می کند!

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست،

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

و به یقین حسابشان (نیز) با ماست.

ص: ۵۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان به سپیده دم سوگند،

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲)

و به شبهای دهگانه،

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳)

و به زوج و فرد،

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴)

و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند (که پروردگارت در کمین

ستمکاران است)!

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (۵)

آیا در این سوگندها، سوگند مهمی برای صاحب خردی نیست؟!

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)

آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟!

إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

و با آن شهر با عظمت «إِزْم»،

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸)

که مانندش در شهرها آفریده نشده بود!

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹)

و قوم «ثمود» که صخره های عظیم را از

(کنار) دره می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند).

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

و فرعونى که قدرتمند و شکنجه گر بود،

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱)

همان کسانی که در شهرها طغیان کردند،

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲)

و فساد فراوان

در آنها به بار آوردند.

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳)

به همین سبب پرورگارت تازیانه عذاب را بر آنان نواخت!

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵)

اما انسان هنگامی که

پروردگارش او را برای آزمایش، گرامی می دارد و نعمت می بخشد (مغرور می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!»

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)

و اما هنگامی که برای

امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد (مأیوس می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است!»

كَلَّا ۚ بَلْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)

چنان نیست. (که شما می پندارید). شما یتیمان را

گرامی نمی دارید،

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلٰی طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸)

و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید،

وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (۱۹)

و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده می خورید،

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

و مال و ثروت را

بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می شوید).

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱)

چنان نیست (که آنها می پندارند!)، در آن هنگام که زمین سخت درهم کوبیده شود،

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

و

فرمان پروردگارت فرا رسد

و فرشتگان صف در صف حاضر شوند،

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى ۚ (۲۳)

و در آن روز جهنم را حاضر می کنند. آن روز است که انسان متذکر می شود. اما این تذکر چه سودی برای او دارد؟!

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)

می گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!»

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا (۲۵)

در آن روز هیچ کس مانند او عذاب نمی کند،

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

و هیچ کس همچون او کسی را به بند

نمی کشد.

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

تو ای نفس مطمئن!

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)

به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است،

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

پس در سلک بندگان (خالص)

من در آی،

وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

و در بهشتم وارد شو!

۹۰ - سوره البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَّا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان قسم به این شهر مقدس (مکه)،

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

شهری که تو در آن ساکنی

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (۳)

و سوگند به پدر و فرزندش [= ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح]،

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

که ما انسان را در

رنج آفریدیم (و زندگی او پر از سختی است).

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

آیا او می پندارد هیچ کس نمی تواند بر او دست یابد؟!

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶)

(به دروغ) می گوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود

کرده ام!»

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

آیا گمان می کند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟!

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸)

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم،

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹)

و یک زبان و دو لب؟!

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

و او را به راه

خیر و شرف هدایت کردیم.

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱)

ولی او از آن گردنه مهم نگذشت.

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲)

و تو چه می دانی آن گردنه چیست!؟

فَكُ رَقَبَةٍ (۱۳)

آزاد کردن برده ای،

أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴)

یا غذا دادن در روز

گرسنگی،

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵)

یتیمی از خویشاوندان،

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

یا مستمندی خاک نشین را،

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی توصیه می کنند.

□
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸)

آنها اصحاب یمین

و سعادت‌مندانند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹)

و کسانی که آیات ما را انکار کرده اند افرادی شومند.

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ (۲۰)

بر آنها آتشی است فرو بسته (که راه فراری از آن نیست)!

ص: ۵۹۴

۹۱ - سوره الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان به خورشید و گسترش نور آن در صبحگاهان سوگند،

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)

و به ماه هنگامی که از پی آن در آید،

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (۳)

و به روز هنگامی که خورشید را آشکار سازد،

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

و به شب آن هنگام

که آن را بپوشاند،

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵)

و سوگند به آسمان و کسی که آن را بنا کرده،

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶)

و به زمین

و کسی که آن را گسترانیده،

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

و سوگند به روح آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) موزون ساخته،

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

سپس فجور و تقوایش [= شر و خیرش] را به او الهام کرده است،

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده.

وَقَدْ حَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

قوم

«ثمود» بر اثر طغیانشان، (پیامبر خود را) تکذیب کردند،

إِذِ ابْتِغَتْ أَشْقَاهَا (۱۲)

آنگاه که شقی ترین آنها به پاخواست.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَهُ اللَّهُ وَسُقِّيَاهَا (۱۳)

و پیامبر خدا (صالح) به آنان گفت: «ناقه (و معجزه) خداوند را با

آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید).»

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند). از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر

گناهشان درهم کوبید و با خاک یکسان کرد.

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و او هرگز از فرجام مجازات ستمگران، باک ندارد.

۹۲ – سوره الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سو گند به شب در آن هنگام که (جهان را) بپوشاند،

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)

و سوگند به روز هنگامی که جلوه گر شود،

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۳)

و سوگند به آن کس که جنس مذکر و مونث را آفرید،

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ (۴)

که

سعی

و تلاش شما گوناگون است:

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ (۵)

اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد،

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ (۶)

و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند،

فَسَيُسِّرُهُ لِيُسْرَىٰ (۷)

ما او را در مسیر آسانی قرار

می دهیم.

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ (۸)

اما کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی نیازی طلبد،

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ (۹)

و پاداش نیک را انکار کند،

فَسَيُسِّرُهُ لِّلْعُسْرَىٰ (۱۰)

او را در مسیر دشواری قرار می دهیم.

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾

و در آن هنگام که (در

جهنم) سقوط می کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت.

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾

به یقین هدایت کردن بر ماست،

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾

و آخرت و دنیا (نیز) تنها از آن ماست،

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾

و من شما را

از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم،

ص: ۵۹۵

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵)

جز بدبخت ترین مردم وارد آن نمی شود.

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۶)

همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و رویگردان شد.

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷)

و با تقواترین مردم از آن دور داشته خواهد شد،

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

همان

کس که مال خود را (در راه خدا) می بخشد تا پاک شود.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را پاداش دهد،

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰)

بلکه هدفش

تنها جلب رضای پروردگار والایش می باشد.

وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱)

و بزودی (از مواهب فراوان الهی) راضی می شود!

۹۳ - سوره الضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالضُّحَى (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان سوگند به روز در آن هنگام که آفتاب برآید و گسترده شود،

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲)

و سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد،

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳)

که پروردگارت هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار

نداده.

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ (۴)

و به یقین آخرت برای تو از دنیا بهتر است.

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (۵)

و بزودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (۶)

آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟!

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۷)

و تو را گم شده یافت و هدایت کرد،

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ (۸)

و تو را نیازمند یافت و بی نیاز نمود،

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن،

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

و سائل را از خود مران،

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

و نعمتهای

پروردگارت را بازگو کن!

۹۴ - سوره الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم،

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲)

و بار سنگینت را از (دوش) تو برداشتیم!؟

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳)

همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد.

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴)

و آوازه تو را بلند

ساختیم.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

(آری) به یقین با سختی آسانی است.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

مسلماً با سختی آسانی است،

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

پس هنگامی که از مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز،

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

و به

سوی پروردگارت توجه کن.

۹۵ - سوره التین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* سوگند به انجیر و زیتون [= یا: سوگند به سرزمین شام و بیت المقدس]،

وَطُورِ سَيْنَاءَ (۲)

و سوگند به «طور سینا»،

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

و سوگند به این شهر امن (مکه)،

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

که ما انسان را در

بهترین صورت و نظام آفریدیم،

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

سپس او را به پایین ترین مرحله بازگردانیدیم،

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی تمام

نشدنی است!

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ (۷)

پس (ای انسان) چه چیز سبب می شود که بعد از این (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟!

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

آیا خداوند بهترین حاکمان نیست؟!

۹۶ - سوره العلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید،

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

و انسان را از خون بسته ای خلق کرد.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

بخوان که پروردگارت (از همه) والاتر است،

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

همان کسی که بوسیله قلم

تعلیم نمود،

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

و به انسان آنچه را نمی دانست آموخت.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (۶)

چنین نیست (که شما می پندارید) به یقین انسان طغیان می کند،

أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَلَنِي (۷)

از این که خود را بی نیاز ببیند.

إِنَّ إِلَهًا لَّهُمْ رَبُّكَ الرَّجْعِي (۸)

و

به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار توست.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹)

به من خبر ده کسی که نهی می کند،

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)

بنده ای را هنگامی که نماز می خواند (آیا مستحق عذاب الهی

نیست)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱)

به من خبر ده اگر این بنده بر طریق هدایت باشد،

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲)

یا مردم را به تقوا فرمان دهد (آیا نهی کردن او سزاوار است)؟!

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)

به من خبر ده اگر (این

طغیانگر) حق را انکار کند و از آن روی گردان شود (آیا مستحق مجازات الهی نیست)؟!

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟!

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

چنان نیست

(که او می پندارد)، اگر دست از کار خود برندارد، ناصیه اش [= موی پیش سرش] را گرفته، (و به سوی عذاب) می کشانیم.

نَاصِيَةٍ كَأَذِيهِ خَاطِئِهِ (۱۶)

همان ناصیه دروغگوی خطاکار را!

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷)

سپس یارانش را صدا زند (تا یاریش کنند).

سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)

ما هم بزودی مأموران دوزخ را صدا می زنیم (تا او را به دوزخ افکنند)!

كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿۱۹﴾

چنین نیست (که او می پندارد) او را

اطاعت مکن، و سجده نما و به قرب (خداوند) در آی!

ص: ۵۹۷

۹۷ - سوره القدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان به یقین ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.

وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

و تو چه می دانی شب قدر چیست؟!

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

فرشتگان و «روح» در آن شب به

اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر امری نازل می شوند.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ (۵)

شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده.

۹۸ - سوره البینه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند): دست از آیین خود بر نمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید،

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (۲)

پیامبری از سوی خدا (بیاید) که کتب پاک (آسمانی) را

(بر آنها) بخواند،

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (۳)

که در آن نوشته های پرارزشی باشد. (ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند).

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)

اهل کتاب (نیز پیش از این در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از

آن که دلیل روشن برای آنان آمد.

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ □ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (۵)

و به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند و به توحید بازگردند، و نماز را برپا

دارند

و زکات را پردازند. و این است دین پایدار.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا □ أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند. آنها بدترین خلق (خدا) هستند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

(اما) کسانی

که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین خلق (خدا) هستند.

ص: ۵۹۸

جَزَأُوهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا □ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ □ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ
(۸)

پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای جاویدان بهشتی است که نهرها از پای درختانش جاری است. همیشه در آن می ماندند.
(هم) خدا از آنها خشنود است و (هم)

آنها از او. و این (مقام والا) برای کسی است که از (مخالفت) پروردگارش بترسد.

۹۹ - سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید،

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد.

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

و انسان می گوید: «زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)؟!»

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

در آن

روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند.

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵)

چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است.

يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَسْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶)

در آن روز مردم بصورت گروههای پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا

اعمالشان به آنها نشان داده شود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

پس هر کس هموزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

و هر کس هموزن ذره ای کار بد کرده آن را (نیز) می بیند.

۱۰۰ – سوره العاديات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می تاختند،

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)

و سوگند به افروزندگان جرقه آتش در برخورد سمهایشان (با سنگهای بیابان)،

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)

و سوگند به هجوم آوران در سپیده دم،

فَأَثَرُنَّ بِهِنْفًا (۴)

که گرد و غبار به هر سو پراکندند،

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵)

و (ناگهان) در میان جمع (دشمن) ظاهر شدند،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است.

□ وَإِنَّهٗ عَلَي ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

و او خود (نیز) بر این گواه است.

وَإِنَّهٗ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

و به یقین او علاقه شدید به مال دارد.

□ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

آیا نمی داند در آن زمان که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می شوند،

ص: ۵۹۹

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

و آنچه در درون سینه هاست آشکار می گردد،

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً آگاه است!؟

۱۰۱ - سوره القارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْقَارِعَةُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آن حادثه کوبنده،

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

و چه حادثه کوبنده ای!

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

روزی که مردم مانند پروانه های

پراکنده خواهند بود،

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

و کوهها مانند پشم رنگین حلاجی شده (متلاشی) می گردد!

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

اما کسی که (در آن روز) ترازوهای (اعمال) او سنگین است،

فَهُوَ فِي عِيشِهِ رَاغِبٍ (۷)

در یک

زندگی کاملاً رضایت بخش خواهد بود.

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

و اما کسی که ترازوهای (اعمال) او سبک است،

فَأُتِيَ هَاوِيَةً (۹)

پناهگاهش «هاویه» [= دوزخ] است.

وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَهٗ (۱۰)

و تو چه می دانی «هاویه»

چیست؟!

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

آتشی است سوزان!

۱۰۲ - سوره التكاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته است.

حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

تا آن جا که به دیدار قبرها رفتید (و به فزونی قبور مردگان افتخار کردید).

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

چنین نیست (که)

می پندارید) بزودی خواهید دانست!

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

باز چنان نیست (که شما می پندارید). بزودی خواهید دانست!

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

هرگز چنان نیست (که شما خیال می کنید). اگر شما

علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد)!

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

به یقین شما جهنم را خواهید دید.

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین

مشاهده خواهید کرد.

ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

سپس در آن روز (همه شما) از نعمتها (ی الهی) بازپرسی خواهید شد.

ص: ۶۰۰

۱۰۳ - سوره العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* به عصر سو گند،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

که انسانها همه در زیانند.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

مگر کسانی که ایمان آورده

و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به (ادای) حق سفارش کرده و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی توصیه نموده اند.

۱۰۴ - سوره الهمزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای!

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

همان کس که مال فراوانی جمع آوری

و آماده ساخته (بی آنکه حلال و حرام آن را حساب کند)!

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

او می پندارد اموالش او را جاودانه می سازد.

كَلَّا ۖ لَيُبَدِّلَنَّا فِي الْأُحْطَمَةِ (۴)

چنین نیست (که می پندارد). بزودی در «حطمه» [= آتشی خردکننده] پرتاب می شود.

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْأُحْطَمَةُ (۵)

و تو چه می دانی «حطمه» چیست؟!

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (۶)

آتش برافروخته الهی است،

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

که از دلها سر می زند.

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸)

این آتش بر آنها فرو بسته

شده،

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

در ستونهای کشیده و طولانی.

۱۰۵ - سوره الفیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟!

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ (۲)

آیا نقشه آنها را در ضلالت (و تباهی) قرار نداد؟!

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)

و بر سر آنها

پرندگان را گروه گروه فرستاد،

تَرْمِيمِهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيلٍ (۴)

که با سنگ هایی از گل متحجر آنان را هدف قرار می دادند.

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

سرانجام آنها را همچون گاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد.

ص: ۶۰۱

۱۰۶ - سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان (نابودی فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدّس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود).

إِلْيَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

الفت آنها (به این سرزمین و بازگشت آنها به آنجا) در سفرهای زمستانه و تابستانه.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) باید

پروردگار این خانه را عبادت کنند،

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.

۱۰۷ - سوره الماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان آیا کسی که پیوسته روز جزا را انکار می کند دیدی؟! □

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند،

وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳)

و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند.

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

پس وای بر نمازگزاران،

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

همان کسانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند.

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

همان کسانی که ریا می کنند،

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

و حتی از (عاریه) دادن وسایل ضروری

زندگی

(به دیگران) خودداری می کنند.

۱۰۸ - سوره الكوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان به یقین ما به تو کوثر (و خیر و برکت فراوان) عطا کردیم.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۲)

(و بدان) دشمن تو به یقین ابتر و بریده نسل است.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۳)

پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن

ص: ۶۰۲

۱۰۹ - سوره الكافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان بگو: ای کافران!

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید،

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴)

و نه من آنچه را شما پرستش کرده اید می

پرستم،

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید.

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم!

۱۱۰ - سوره النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان هنگامی که یاری خدا و پیروزی (بر مشرکان مکه) فرا رسد،

وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

و بینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند،

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

پروردگارت را تسبیح و حمد گوی و از او آموزش

بخواه که او بسیار توبه پذیر است.

۱۱۱ - سوره المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان بریده باد هر دو دست ابولهب و مرگ بر او باد!

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

هرگز ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید.

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

و بزودی وارد آتشی شعله‌ور و پرله‌پ می

شود.

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است،

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

و در گردنش رشته ای از لیف خرما.

ص: ۶۰۳

۱۱۲ - سوره الإخلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان بگو: «او خداوند، یکتا و یگانه است.

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

خداوندی بی نیاز است که همه نیازمندان قصد او می کنند.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

(هرگز) نزاد، و زاده نشد.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی

نبوده است.»

۱۱۳ - سوره الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده صبح،

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

ز شر آنچه آفریده است.

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود.

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

و از شر آنها که (با افسون

و سحر) در گره ها می دمند.

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

و از شرّ حسود هنگامی که حسد میورزد.»

۱۱۴ - سوره الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

* بنام خداوند بخشنده مهربان* بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم،

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

مالک و حاکم مردم،

□
إِلَهِ النَّاسِ (۳)

معبود مردم،

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

از شرّ وسوسه گر پنهانکار.

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

که در درون سینه مردمان وسوسه می کند،

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

خواه از جنّ باشد یا از انسان»

ص: ۶۰۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

